**بررسی و پیشنهاد الگوی اولیه برنامۀ درسی کارشناسی ارشد مدیریت امور مساجد**

**میثم لطیفی[[1]](#footnote-1)**

**چکیده**

هم‌اکنون دوره‌های متعدد آموزشی رسمی و غیر رسمی در سطح دانشگاهی و حوزوی با محوریت تربیت نظری در علوم انسانی و اجتماعی در سطح ملی و بین المللی طراحی و اجرا می‌شود. به نظر می‌رسد با توجه به اهمیت وضرورت توجه به مسجد و پیچیدگی اداره این مکان مقدس در سطح خرد و کلان لازم است رشته آموزشی مستقلی برای حصول به اهداف والای تمدن اسلامی و الگوی اسلامی و ایرانی پیشرفت با محوریت مسجد طراحی شود. نویسنده در این مقاله، ضمن بررسی اجمالی وضعیت رشته‌های مرتبط با این موضوع در داخل و خارج از کشور و اقدامات صورت گرفته در این خصوص، الگوهای طراحی نظام آموزشی و برنامه درسی را به اختصار مورد توجه قرار داده و نهایتاً با توجه به ادبیات موجود الگوی اولیه دوره آموزش مدیریت مساجد در سطح تحصیلات تکمیلی را ارائه خواهد کرد. روش پژوهش توصیفی تحلیلی است.

**واژگان کلیدی**

مدیریت امور عمومی، مدیریت فرهنگی، مدیریت مساجد، برنامۀ درسی، مدیریت آموزشی، آموزش عالی، برنامۀ درسی میان‌رشته‌ای.

**مقدمه**

در نظام آموزش جدید، برای هر بخش از گسترۀ علم، رشته تخصصی طراحی شده است. چنین تلاشی از آن جهت بوده که تخصصی‌کردن رشته‌ها، بهره‌وری را افزایش داده و امکان پرداختن به موضوعات نوین را تسهیل می‌‌کند. و البته طراحی و راه‌اندازی رشته‌ها فرایندی پیش رونده و تکاملی است؛ به نحوی که همچنان رشته‌های علمی در حال زایش و گسترش‌اند. به علاوه طی سال‌های اخیر و حسب ضرورت‌های بوجود آمده در نیازهای محیطی- اجتماعی و فاصله گرفتن شاخه‌های علم از یکدیگر، طراحی رشته‌ها به سوی چندرشته‌ای، میان رشته‌ای و فرا رشته‌ای در حال دگردیسی است. در کنار چنین تحولاتی در آموزش، نظام‌های درسی نیز به سمت کاربردی شدن و تحصیلات تکمیلی در حال حرکتند؛ طراحی دوره‌های مدیریت اجرایی، مدیریت کسب و کار و نظایر آن، از این قبیل‌اند.

یکی از عرصه‌های اجتماعی مهم جامعه اسلامی مسجد است. مساجد اولین و مهم‌ترین پایگاه مسلمانان بوده‌ که فراتر از کارکردهای عبادی، دارای نقش‌های متنوعی چون تعلیم و تربیت، ارتباط اجتماعی، فرهنگ‌سازی، حل اختلاف بین مؤمنان، سازماندهی و آمادگی نظامی و اداره عمومی بوده است. از طرف دیگر، نگاه مدرن تلاش دارد که کارکردهای اصیل مسجد را از آن ربوده و به نهادهای جدید که با فضای معنوی مسجد بیگانه‌اند، واگذار نماید. بوجود آوردن سازمان جدید آموزش و پرورش، دادگستری، شهرداری و حتی سازمان‌های متأخرتری مثل فرهنگ‌سرا و سرای محله از این قبیل‌اند.

علی‌رغم تأکید فراوان معمار کبیر انقلاب و مقام معظم رهبری بر ضرورت حفظ جایگاه مسجد و نگاه راهبردی به آن، مع‌الاسف امروز مسجد در نگاه برنامه‌ریزان هندسه اقتدار نظام و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت از شأن و منزلت درخوری برخوردار نیست. با توجه به تنوع کارکردی مسجد و انتظارات به حق از این نهاد مقدس از جانب رهبر معظم انقلاب و متدینین، هر اقدامی در مسیر رشد و بالندگی این نهاد مقدس مرضی خدای تبارک و تعالی و موجب رشد و بالندگی جامعه اسلامی خواهد شد.

یکی از اقدامات ضروری که چنین مهمی را تسهیل می‌کند حرکت به سمت نگاه تخصصی به مسجد و برنامه‌ریزی آموزشی- پژوهشی تخصصی دربارۀ این موضوع است. در دوره معاصر و با توجه به پیچیدگی‌های اجتماعی، ساختارهای سنتی، پاسخگو نبوده و نیازمند بازسازماندهی آنها هستیم. این مسئله پیش از این توسط شهید مطهری و ذیل مسئله تحول در سازمان روحانیت مطرح شده است. همچنین مقام معظم رهبری نیز این مهم را مکرراً در دیدارهای خود با اصحاب حوزه مطرح نموده‌اند.

اگرچه در لبیک به ندای رهبر انقلاب حوزه علمیه تحولات قابل تقدیری را از خود نشان داده است اما همچنان این تحولات پاسخگوی نیازهای جامعه نیستند. از طرف دیگر ظرفیت‌های فراوانی هستند، که با برنامه‌ریزی می‌توان آنها را به فعلیت رساند. از آن جمله انبوه دانشجویان در رشته‌های علوم انسانی و استعدادهای فراوان در حوزه‌های علمیه که آمادگی هدایت به سمت معارف مورد نیاز جامعه که از طریق مساجد قابل انتقال‌اند دارند.

نویسنده در این مقاله طرح اولیه رشته اداره امور مساجد را ارائه می‌دهد و البته معتقد است این طرح در ابتدای راه است و با استفاده از نظر خبرگان حوزه و دانشگاه قابل تقویت و تکمیل بوده و به واسطه همت‌های بلند و مخلصانه قابلیت اجرا خواهد یافت.

محقق در پی بررسی پیشینه پژوهش‌های مرتبط، مقاله و یا پژوهشی مستقل در این موضوع را نیافت. در عین حال در بین تحقیقات فراوانی که مسجد و یا برنامه درسی را به نحو کلی و مستقل مورد توجه قرار داده اند به نکات قابل توجهی دست یافت. کاستی عمده اقدامات و پژوهش‌های گذشته که ضرورت طراحی این رشته را نمایان می‌سازد را ذیل دو عنوان کلی می‌توان ذکر نمود. اولین کاستی در اقدامات صورت گرفته، ناظر به عدم نگاه تخصصی به موضوع مسجد است. در رشته‌های مرتبط درسی به بررسی کلی مدیریت فرهنگی پرداخته شده است و آموزش‌های لازم و تخصصی در باب مسجد ارائه نمی‌شود. (مثل برنامه درسی کارشناسی ارشد مدیریت فرهنگی) دومین کاستی ناظر به عدم توجه به جامعیت و گستردگی موضوع مسجد و بازنمایی آن در برنامه درسی است. تنوع کارکردی مسجد چه در نگاه خرد( ناظر به یک مسجد خاص) و کلان (مجموعه مساجد و نگاه سیاستی) اقتضا می‌کند که انبوهی از گرایش‌های آموزشی و تحقیقاتی را ذیل رشته مذکور لحاظ نمود.

با توجه به ضرورت‌ها و کاستی‌های ذکر شده، هدف این پژوهش ارائه الگوی اولیه برنامه درسی رشته مدیریت امور مساجد است. سؤال اصلی پژوهش ناظر به مختصات مطلوب رشته خواهد بود؛ اینکه الگوی مطلوب برنامه ریزی درسی چیست، نیازهای جامعه و مسجد که بایستی در برنامه لحاظ شوند، ویژگی‌های ورودی‌ها کدامند و اهداف دوره چه خواهند بود از سؤالات فرعی این تحقیق خواهند بود.

روش پژوهش توصیفی- تحلیلی خواهد بود. محقق با بررسی کتابخانه‌ای تحقیقات و مستندات گذشته تلاش دارد به سؤالات مذکور در تحقیق پاسخ دهد.

**الف) مرور مطالعات و اقدمات گذشته**

در این قسمت، ابتدا در خصوص بستر اجرای برنامه درسی یعنی دانشگاه دینی به معنای اعم آن خواهیم پرداخت. این قسمت بخشی از مطالعات قبلی است که توسط بابک حمیدیا زیر نظارت نویسنده در سال 1393 در دانشگاه امام صادق انجام شده است.

**1. دانشگاه دینی در سطح جهانی**

از آنجایی که دانشگاه دینی مفهومی انتزاعی است که مصادیق آن در قالب ادیان مختلف ظهور و بروز می‌کند لذا تعریف جامع و دقیقی از این مفهوم تاکنون صورت نپذیرفته است. با بررسی‌های صورت گرفته، مراکز آموزشی که به نوعـی با موضوع دین در ارتباط هستند در متون مربوطه به صورت ذیل تعریف شده‌اند:

**مؤسسات ایمان- محور**[[2]](#footnote-2): عبارت است از کالج، دانشگاه، مدرسه علوم دینی یا مرکز آموزشی که توسط یک نهاد مذهبی حمایت می‌گردد.

**مدارس علوم دینی**[[3]](#footnote-3): مدارسی که در آن صرفاً علوم دینی تدریس می‌‌گردد. این مدارس بیشتر در بین دو دین یهود و مسیحیت رایج است و عمدتاً تحت نظارت یک کلیسا و یا کنیسه می‌باشد و فارغ‌التحصیلان آن در مراکز دینی از جمله کلیسا مشغول به کار می‌گردند. این مدارس در قرن نوزدهم برای تربیت اساتید به کار می‌رفته است. پذیرش این مدارس بیشتر در مقطع دبیرستان و پس از آن (شامل کالج یا دانشگاه) است.[[4]](#footnote-4) می‌توان این مدارس را با تفاوت‌هایی در سازماندهی شبیه حوزه‌های علمیه در کشورهای اسلامی دانست.

**دانشگاه‌/ دانشکده کتب مقدس**: در ادیان مختلف دانشگاه هایی با عنوان کتاب مقدس آن دین تأسیس گردیده است. نمونه این دانشگاه‌ها دانشگاه انجیل[[5]](#footnote-5) است که در آن محور اصلی کتاب مقدس انجیل می‌باشد و کلیه آموزش‌ها و پژوهش‌ها حول کتاب مقدس صورت می‌پذیرد. تفاوت این دانشگاه‌ها با مدارس علوم دینی مسیحی مستثنی کردن فلسفه از برنامه درسی می‌باشد. عمدتاً این دانشگاه‌ها تا سطح کارشناسی می‌باشند.[[6]](#footnote-6) چنین رشته‌ها و دانشکده‌هایی شبیه دانشکده‌های علوم قرآنی در کشورهای اسلامی می‌باشد.

**دانشگاه اخلاقی** : دانشگاهی که فرامین اخلاقی در آن رعایت می‌گردد و در فرهنگ آن تثبیت شده است.

**دانشگاه فضیلت‌گرا**: جان نیکسون[[7]](#footnote-7) در کتاب خود با عنوان به سوی دانشگاه فضیلت‌گرا[[8]](#footnote-8)، با به چالش کشاندن نگاه رایجی که نسبت به دانشگاه خوب[[9]](#footnote-9) وجود دارد، سعی دارد بنیان‌های اخلاقی کارکردهای دانشگاهی را اعم از آموزش، پژوهش، دانش‌پژوهی[[10]](#footnote-10) و به طور کلی روابط دانشگاهی، بازتعریف نماید. در نگاه رایج، همواره دانشگاه خوب دانشگاهی است که به لحاظ کارآیی اقتصادی، مدیریتی اثربخش داشته باشد. کارآفرینی، پیشرفت و نوآوری رقابتی نیز از جمله معیارهای مهم ارزیابی و قضاوت در خصوص یک دانشگاه نیک به شمار می‌رود. اما طبق نظر نیکسون این قبیل اهداف و شاخص‌ها، پیوسته در بیشتر دانشگاه‌‌ها پیگیری می‌شود و آنچه در خصوص یک دانشگاه خوب از اذهان دور می‌ماند، تعالی دانشگاهی[[11]](#footnote-11) و نفع عامه[[12]](#footnote-12) است. هدف نیکسون آن است که ضعف رهبری فکری مدیران دانشگاه‌ها و سیاست‌گذاران آموزش‌عالی را نسبت به غفلت از منافع عمومی، در اثر حاکمیت بیش از حد نظام سرمایه‌داری غرب که بعد از بحران مالی سال 2008 رو به افول است به آنها گوشزد نموده و ایشان را نسبت به مسؤولیت‌های اخلاقی‌ و فرهنگی‌ای که در قبال دانشگاه‌ها و جامعه‌شان بر عهده دارند، بیدار نماید. (Nixon, 2010) این رویکرد به دانشگاه سبب پایه‌گذاری دانشگاهی نوین با رویکردهای فضیلت‌گرا می‌باشد. در این رویکرد تأکید اصلی بیشتر بر فرهنگ دانشگاهی می‌باشد.

**دانشکده‌های دین‌شناسی یا علم الادیان**[[13]](#footnote-13): دین شناسی، دین‌پژوهی یا مطالعات ادیان، عنوانی است که تقریباً از دهه ۶۰ میلادی به خصوص در آمریکا برای اشاره به یک رشته دانشگاهی مستقل در حوزه علوم انسانی (Humanities) به‌کار می‌رود. پیش از رواج این اصطلاح، عناوینی همچون ادیان هم‌سنجشی یا تطبیقی[[14]](#footnote-14) نیز به‌کار برده می‌شدند. زادگاه این رشته، همانند سایر رشته‌های نوین علوم انسانی اروپاست. مکس مولر[[15]](#footnote-15) آلمانی کسی بود که اولین کرسی استادی با عنوان ادیان تطبیقی در دانشگاه آکسفورد به افتخار وی افتتاح شد. عنوان اخیر در واقع معادل انگلیسی‌ای بود که در قبال اصطلاح آلمانی religionswissenschaft که معنای لغوی آن علم ادیان است برابر نهاده شده بود. از مکس مولر کتابی با همین عنوان به زبان انگلیسی به جای مانده است که به عنوان نخستین متن کلاسیک این رشته از آن یاد می‌شود.

**دانشکده‌ الهیات**: در دانشگاه‌های جهان دانشکده‌هایی تحت عنوان دانشکده الهیات وجود دارد که به بررسی ماهوی یک دین می‌پردازند. معادل این دانشکده‌ها در ایران نیز وجود دارد و تحت همین عنوان مشغول به فعالیت می‌باشند. مباحثی همچون کلام اسلامی نیز با محتویات این رشته قرابت زیادی دارد.

**دانشگاه‌های ادیان**: دانشگاه‌هایی که به دلیل وابستگی به دین خاصی عنوان آن دین را برای دانشگاه خود انتخاب نموده‌اند. این دانشگاه‌ها متناسب با هر دین و گرایش مذهبی تعریف شده‌اند و برخی دارای انجمن‌های خاصی نیز می‌باشند. در بررسی این دسته دانشگاه‌ها صرف تسمیه دانشگاه به دین خاص مد نظر بوده و امکان دارد مصادیق این دسته از دانشگاه‌ها هم‌پوشانی با سایر تعاریف داشته باشند. دانشگاه‌های مسیحی، دانشگاه‌های یهودی، دانشگاه‌های اسلامی، دانشگاه‌های بودایی و .... از این نوع دانشگاه‌ها می‌باشند.

در جدول روبه‌رو منظر تعریف دانشگاه دینی، تعریف و مصادیق مذکور در خصوص دانشگاه اسلامی آورده شده است:

| **منظر تعریف**  **دانشگاه دینی** | **تعریف دانشگاه دینی** | **انطباق با معیارهای دانشگاه اسلامی** |
| --- | --- | --- |
| **دانشگاه دینی از حیث هیئت مؤسس و ذی‌نفعان:** | **دانشگاهی دینی است که توسط یک نهاد دینی پایه‌گذاری شده باشد.** |  |
| **دانشگاه دینی از حیث چشم انداز‌ها، سیاست‌ها، اهداف و طرحها:** | **دانشگاهی که هدفش پیاده کردن احکام الهی و خدمت به جامعه دینی باشد.** | **دانشگاهی شکل گرفته براساس مبانی اسلامی/(اکبری جدی، رسالت: 19 آذر 84).**  **پیاده کردن احکام و قوانین اسلام و قرآن در جامعه اسلامی/(میرزا محمدی و صحبت لو، دانشگاه اسلامی: سال یازدهم، شماره یک).**  **دانشگاه اسلامی محل تولید نرم افزار و روش‌های اسلامی برای جامعه موحد/(دهقانی، سیاست روز: 1 بهمن 84).**  **دانشگاهی در جهت بومی کردن علم/(رسایی، اعتماد ملی: 16 مرداد 84).**  **دانشگاهی برای رفع احتیاجات ملت/(موسوی خمینی، 1378: 340).**  **تربیت متخصصینی برای ملت و نه برای شرق و غرب/(موسوی خمینی،‌1378: 359).**  **پیوند داشتن با جامعه دینی (اسلامی)(دانشگاه و مسئله اسلامی شدن، [بی تا]).**  **مشارکت افراد در پرتو معارف دینی (اسلامی) با احساس تعهد و مسئولیت نسبت به رشد و تعالی جامعه و تحقق اهداف و ارزش‌های دینی (اسلامی) در فعالیت‌های اجتماعی/(سند دانشگاه اسلامی).** |
| **دانشگاه دینی از حیث عنوان و یا حضور در یک جامعه دینی:‌** | **هر دانشگاهی که در عنوان آن نام دین خاصی ذکر گردیده است.** | **استقرار دانشگاه در نظام و جامعه دینی (اسلامی)(دانشگاه و مسئله اسلامی شدن).** |
| **دانشگاه دینی از لحاظ روش‌ها، روند‌ها، فرایند‌ها، سیستم‌ها و در کل تکنولوژی:** | **دانشگاهی که در همه روش‌های انجام کارش دین رسوخ کرده باشد.** | **اسلامی بودن روابط، روش‌ها و سیستم در دانشگاه/(حسینی خامنه‌ای، بیانات در جمع طلاب: 28 آذر 69).**  **وجود روش‌ها و متدولوژی تنظیم کننده رابطه میان علم و دین در رشته‌های گوناگون/(دژکام، دانشگاه اسلامی: شماره 17، بهار 82).**  **اسلامی بودن اساس، روش و سیستم‌ها در دانشگاه/(میرزا‌محمدی و صحبت‌لو، دانشگاه اسلامی: سال یازدهم، شماره یک).** |
| **دانشگاه دینی از حیث برنامه‌های آموزشی:** | **هر دانشگاهی که در آن علوم دینی (رویکرد حداقلی و حداکثری) تدریس و مورد پژوهش قرار می‌گیرد.** | **دارای آموزش‌های معرفت الهی و معنوی/(دانشگاه اسلامی، [بی تا]).**  **دانشگاهی که در آن علم از درون مبانی فکری و اعتقادی خود ما بجوشد و دست گدایی ما به سمت دشمن دراز نباشد/(میرزا محمدی و صحبت لو، دانشگاه اسلامی: سال یازدهم، شماره یک).** |
| **دانشگاه دینی از حیث منابع انسانی:** | **هر دانشگاهی که منابع انسانی آن (دانشجو، استاد، کارکنان و مسئولین) معتقد به دین خاصی باشند: در نگـرش‌ها، بینش‌ها و رفتارها.** | **پرهیز از جذب و انتصاب مدیران استعماری و صوری و بسیار کم‌حضور در حوزه گروه‌های آموزشی/(بررسی شاخص‌های دانشگاه اسلامی).**  **اسلامی بودن روش‌ها و روابط(نوایی، دانشگاه اسلامی: شماره 18 و 19).**  **اسلامی بودن فضای ذهنی حاکم بر دانشگاه؛ یعنی دانشجویان، اساتید و کارکنان همگی اسلامی بر مبنای اندیشه اسلامی بیندیشند/(حسینی‌خامنه‌ای، دانشگاه اسلامی: شماره 1).**  **اسلامی بودن روابط، روش‌ها و سیستم در دانشگاه/(حسینی خامنه‌ای، بیانات در جمع طلاب: 28 آذر 69).**  **تهذیب و تعهد در کنار تحصیل(موسوی‌خمینی، 1378: 413).**  **عدم وابستگی فکری به غرب/(موسوی‌خمینی، 1378: 360).**  **حاکمیت بینش توحیدی برتمام شئون دانشگاه و تفکر و اندیشه دانشگاهیان/(سند دانشگاه اسلامی، [بی تا]).**  **مشارکت افراد در پرتو معارف دینی (اسلامی) با احساس تعهد و مسئولیت نسبت به رشد و تعالی جامعه و تحقق اهداف و ارزش‌های دینی (اسلامی) در فعالیت‌های اجتماعی/(سند دانشگاه اسلامی، [بی تا]).** |
| **دانشگاه دینی از حیث محصولات:** | **هر دانشگاهی که محصولات آن (علمی، آموزشی، پژوهشی، فرهنگی و ...) دینی باشد (دینی یا بومی باشد).** | **دانشگاهی در جهت بومی کردن علم/(رسایی، اعتماد ملی: 16 مرداد 84).**  **خروجی دانشگاه یک خروجی اسلامی باشد/(نوایی، دانشگاه اسلامی: شماره 18 و 19).**  **تولید علم دینی/(شاطری، [بی تا]).** |
| **دانشگاه دینی از حیث فرهنگ حاکم بر دانشگاه:**  **توسعه و ترویج دین در حوزه فرهنگ یعنی نزدیک کردن آیین رفتاری، بینشی و منشی دانشگاه‌ها، به الگوی فرهنگ اسلامی». (گفتگو با حجت الاسلام شاطري « شاطري دبير شوراي اسلامي شدن دانشگاه‌ها»)** | **هر دانشگاهی که قوانین و مقررات حاکم بر آن (در فرهنگ / در نمادهای فیزیکی و ظواهر آن/ فرایند‌های کاری و ارزش‌های کاری) منبعث از دین خاصی باشد و در سطوح نمادها، رفتارها و ارزشها تبلور دین خاصی در آن مشاهده می‌شود.** | **دانشگاهی شکل گرفته براساس مبانی اسلامی/(اکبری جدی، رسالت: 19 آذر 84).**  **ارزش‌های حاکم بر آن دانشگاه اسلامی می‌باشد(علم‌الهدی، دانشگاه اسلامی: شماره 17).**  **نمود اسلام در در همه ابعاد دانشگاه/(نوایی، دانشگاه اسلامی: شماره 18 و 19).**  **معماری دانشگاه اسلامی می‌باشد/(در کنار سایر عوامل) (حسینی خامنه‌ای، دانشگاه اسلامی: شماره 1).**  **اسلامی بودن روش‌ها و روابط/(نوایی، دانشگاه اسلامی: شماره 18 و 19).**  **اسلامی بودن فضای ذهنی حاکم بر دانشگاه(حسینی خامنه‌ای، دانشگاه اسلامی: شماره 1).**  **دانشگاهی مستقل و عدم وابستگی به غرب و شرق/(موسوی خمینی، 1378: 251 تا 252).**  **پیوند داشتن با جامعه دینی (اسلامی)(دانشگاه و مسئله اسلامی شدن، [بی تا])**  **حاکمیت بینش توحیدی برتمام شئون دانشگاه و تفکر و اندیشه دانشگاهیان/(سند دانشگاه اسلامی، [بی تا]).**  **محیطی سرشار از معنویت و مکارم اخلاق/(سند دانشگاه اسلامی، [بی تا]).** |

در این مقاله تلاش شد برخی برنامه‌های درسی نزدیک به هم شناسایی شوند. برای مثال دانشگاه مک فیلد(www.mihe.org.uk) در انگلستان در دانشکده علوم اداری خود رشته مدیریت امور مساجد را با سه گرایش مدیریت مالی مساجد و مدیریت اوقاف و مدیریت رفتار سازمانی تعریف نموده است.

همچنین دانشگاه واشنگتن رشته مدیریت امور کلیساها را در سه گرایش امور راهبان، امور تامین مالی و تبلیغات تعریف نموده است.

**2. مدارس امام خطیب ترکیه**

کشور ترکیه علی‌رغم تأکید بر لائیتسه در اداره کشور، هم‌چنان امور مذهبی را به صورت دولتی کنترل و هدایت می‌کند. یکی از بزرگ‌ترین وزارت‌خانه‌های این کشور، سازمان دیانت است که راهبری و مدیریت شئون مذهبی و امور مساجد را بر عهده دارد.

بر اساس آمار سازمان دیانت تعداد مساجد ترکیه نزدیک به 75 هزار مسجد است که در حدود 64 هزار مسجد دارای کادر و مابقی فاقد کادر هستند. تعداد پرسنل مساجد زیر نظر سازمان 67 هزار نفر شامل 57342 نفر امام خطیب و 9849 نفر مؤذن - خادم هستند.

مدارس امام خطیب که زیر نظر این سازمان قرار دارد مسئولیت آموزش و تربیت نیرو برای امور مذهبی و مساجد را عهده دار است. همچنین این مجموعه در 9 مرکز، آموزش سازمان امر تعلیم پرسنل شاغل در مناطق مختلف انجام می‌پذیرد. در مدت 3 سال تعداد 4648 نفر در مراکز آموزشی مذکور آموزش دیده‌اند. علاوه بر این، دو مرکز آموزشی استانبول و قونیه به عنوان مراکز ویژه آموزشی تعیین شده‌اند. در مراکز مذکور از سال 1976 تاکنون تعداد 531 نفر آموزش دینی به عنوان شغل دیده‌اند. در کلاس‌های مذکور، پرسنلی که از دانشکده‌های الهیات فارغ التحصیل شده‌اند مدت دو تا پنج سال به امر یادگیری تخصصی دین مشغول می‌شوند و افراد موفق با عنوان مفتی و واعظ منصوب می‌شوند.

سازمان دیانت همچنین به برقراری کلاس‌های مربوط به اذان و خطابه اقدام نموده است. کلاس‌های مذکور با هدف آموزش اذان خوانی با صدای خوش و همچنین ایراد خطابه و سخنرانی به شیوه امام خطیب‌ها تشکیل می‌گردند. تاکنون حدود 1051 نفر مؤذن و 5678 نفر امام خطیب از کلاس‌های مذکور فارغ التحصیل شده‌اند.

در داخل کشور نیز فعالیت‌های مأجوری صورت گرفته است. سفیران هدایت-مرکز آموزش‌های تخصصی تبلیغ حوزه علمیه قم نمونه‌ای از این فعالیت‌هاست. این مرکز دارای اهداف زیر است:

**الف) اهداف آموزشی:**

1 - آشنایی با علوم مورد نیاز مبلغ، برای استفاده از منابع اسلامی؛

2 - تسلط بر فنون و مهارتهای تبلیغی؛

3 - آشنایی با معارف اسلامی و مباحث مورد نیاز مخاطبان .

**ب) اهداف تربیتی:**

1 - نهادینه شدن اخلاق اسلامی و حسن سلوک اجتماعی؛

2 - افزایش تقلید نسبت به احکام شرعی و دستورات دینی؛

3 - رشد انگیزه دفاع از اسلام و نظام اسلامی .

دروس آموزشی و برنامه‌های تربیتی، براساس اهداف مذکور تدوین شده که برخی از عناوین آنها عبارتند از:

ادبیات، فقه، اصول، منطق، عقاید، تجوید، تفسیر قرآن، حدیث شناسی، روان شناسی، جامعه شناسی، تاریخ و سیره معصومین، مدیریت، آداب معاشرت، مشاوره و راهنمایی، روش کلاسداری و شیوه‌های تبلیغی.

همچنین در برنامه درسی جدیدی که به وزارت علوم عرضه شده است دوره کارشناسی ارشد مدیریت امور فرهنگی با دو گرایش برنامه ریزی امور فرهنگی و مدیریت امور فرهنگی تا حدودی به موضوع مسجد نزدیک شده‌اند.

جمع‌بندی بحث اینکه دانشگاه‌های دینی پدیده جدیدی نیست از جامع الازهر که از قرن 4 هجری تاکنون فعال بوده است و دانشگاه‌های نوظهور در عربستان و مالزی و رشته‌های مرتبط با مسجد در کشوری مثل انگلیس همه و همه نشان دهندۀ مسئولیت مضاعف سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان داخلی در این زمینه است. رشته‌های موجود داخلی نیز تخصصی مسجد نبوده (توجه عمومی به فرهنگ) و از جامعیت لازم برخوردار نیستند(توجه به بعد عبادی و تبلیغی و غفلت از سایر کارکردها) که ضرورت طراحی رشته را دو چندان می‌کنند.

**ب)ضرورت تأسیس رشته اداره امور مسجد**

در بخش قبل نشان دادیم دغدغۀ مدیریت فرهنگ و به طور خاص مدیریت مساجد مقولۀ جدیدی نیست و در برخی مراکز علمی و دانشگاهی در قالب رشته‌های رسمی دانشگاهی مورد توجه است. آنچه سؤال برانگیز است این که چرا تاکنون به این موضوع به نحو درخور توجه نشده است؟

چند جواب برای این سؤال وجود دارد:

\_ **مدیریت مسجد پیچیده نیست**. برخی معتقدند مدیریت مسجد پیچیده نیست که بخواهیم برای آن رشته طراحی کنیم. در حالی که وقتی به کارکردهای مسجد در اسلام نگاه می‌کنیم انبوهی از وظایف متوجه مسجد است در حالی‌که هم اکنون به کارکرد حداقلی تنزل یافته است. ما در این مقاله تلاش می‌کنیم گستردگی موضوع را در عناوین دروس نشان دهیم.

\_ **تاکنون برای این موضوع رشته‌ای تعریف نشده است**. برخی منتظرند رشته‌ای در دنیا و خصوصاً در غرب تعریف شود تا بر آن اساس رشته‌ای نو در کشور رونویسی شود. این نگاه منفعلانه متأسفانه حتی در سطوح بالا و برخی برنامه‌ریزان علمی و فرهنگی کشور وجود دارد. ضمن تقبیح این نگاه باید گفت ما در بخش‌های قبلی نشان دادیم مسیحیت منحرف و برخی فرق تازه ساخته در این زمینه فعالیت کرده و رشته و دانشگاه راه انداخته‌اند که باید عبرت آموز باشند. آنچه یک رشته را رشته می‌کند مشابه‌سازی با آنچه موجود است نیست بلکه نیاز واقعی جامعه و اتقان در طراحی دوره است.

\_ **راه‌اندازی دوره هزینه بالایی دارد**. احتمالاً برخی مسئله هزینۀ زیاد تأسیس دانشگاه و مرکز حوزوی مختص این کار را مطرح کنند که در جواب باید گفت در مرحله اول لزومی به تشکیلات مفصلی نیست بلکه می‌توان این رشته را در کنار سایر رشته‌ها ارائه کرد و در گام‌های بعد با جذب منابع از محل موقوفات و خیرات، نسبت به تأسیس دانشگاه امام سجادq با مأموریت اقامه نماز در جامعه اسلامی اقدام نمود.

\_ **در صورت برگزاری دوره با کمبود متقاضی مواجه خواهیم شد**. در جواب باید گفت امروز نزدیک به دو میلیون دانشجوی علوم انسانی در کشور در حال تحصیل هستند که اگرچه در بدو ورود به دانشگاه از انگیزه بالایی برخوردارند اما به مرور برای بسیاری از ایشان آینده مبهم و ناامید کننده می‌شود (محتوای نامناسب دروس، فضای تحصیل و پژوهش، آینده شغلی و ...). در بین انبوه ایشان قطعاً تعداد قابل توجهی وجود دارند که با گزینش صحیح توانایی ادامه تحصیل در این رشته را دارند. ضمن این که هم اکنون برخی از طلاب برای ادامه تحصیل وارد برخی رشته‌های دانشگاهی می‌شوند که برای ایشان تکرار مکررات و یا بی‌تفاوت نسبت به رسالت حوزوی ایشان است. هدایت بخشی ازطلاب به این عرصه می‌تواند بخشی از نیازهای واقعی را پاسخگو باشد. ضمناً تأسیس رشته لزوماً به معنای گسترش بی‌محابای آن نیست بلکه به مرور زمان و با توجه به امکانات و کشش دانشجو نسبت به گسترش رشته اقدام نمود.

مباحث دینی قابل تبدیل شدن به واحد و کلاس درس نیست. شاید برخی بگویند در صورتی که مباحث دینی به واحد و کلاس درس تبدیل شوند از اخلاص در آن کاسته می‌شود. در جواب باید گفت اولاً دوگان مخلصان بی‌مدرک و بی اخلاصان با مدرک حداکثر در قواره یک ذو حدین جعلی است. آیا واقعاً برگزاری دوره‌های منظم و هدف‌دار که در پایان دوره گواهی و مدرک هم داده می‌شود از بی‌برنامگی و هدر دادن وقت طلبه و عدم آماده‌سازی وی برای خدمت در مهم‌ترین و استراتژیک ترین پایگاه اسلام خطرناک‌تر است؟ مسئله تشکیلات و کار سازمان یافته و منظم ضروری است؛ آنچه خطرناک است مدرک‌گرایی و غفلت از خطر مدرک‌گرایی است که بایستی در گزینش‌ها و برنامه تربیتی دوره آموزشی به آن توجه نمود.

**ج) الگو‌های برنامه‌ریزی درسی و طراحی رشته**

پس از مرور مطالعات و اقدامات صورت گرفته و ضرورت تأسیس رشته تحصیلی در باره اداره امور مسجد لازم است مقدمتاً در باب الگوهای برنامه‌ریزی درسی**[[16]](#footnote-16)** صحبت شود تا بر آن اساس برنامه پیشنهادی ارائه شود. برنامه‌ریزی درسی از لحاظ مفهومی اشاره به فرآیندی دارد که حاصل یا نتیجه آن برنامه درسی است.(برنامه ریزی درسی، 1383)

اگر بخواهیم تجارب یادگیری دانشجویان را در دوره‌های تحصیلی متفاوت مدیریت کنیم تا به یک سلسله اهداف متناسب با نظام ارزشی و شرایط ملی برسند، نیاز به طرح و نقشه داریم. نام این نقشه از نظر علمی برنامه‌درسی است. (ملکی،1387،ص6)

برنامه درسی به‌عنوان یک رشته مستقل، تا سال1900م، مرزهای خود را نمی‌شناخت. در واقع در این سال برنامه‌ریزی درسی به‌تدریج با تألیف کتاب‌های تخصصی رشد یافت؛ به‌خصوص کتاب فرانکلین بوبیت که در 1918م به‌چاپ رسید. پس از آن، مسائل این حوزه، توجه بسیاری از صاحبنظران و متخصصان آموزش را به خود معطوف ساخت. (پروند،1374) دانش‌ سازمان‌یافته حرفه‌ای نیز منجر به تکامل و تالیف نخستین دایره‌المعارف بین‌المللی برنامه درسی در 1991 شد و بدین طریق مطالعات برنامه ‌درسی به‌عنوان یک رشته تخصصی از اوایل قرن بیستم میلادی شکل گرفت. (قورچیان وتن‌ساز،1374)

ایش**[[17]](#footnote-17)** (1991) برنامه درسی را به پنج بعد یا جز اصلی تقسیم می‌کند:

1. چارچوبی از مقدمات و مفروضات درباره فراگیرنده درس و جامعه.

2. اهداف عمومی و اختصاصی.

3. محتوا یا ماهیت موضوع، همراه با انتخاب قلمرو و نتیجه حاصل از آن.

4. الگوهای انتقال؛ از جمله روش‌ها و محیط‌های یادگیری.

5. ارزشیابی.

علاوه بر این تقسیم‌بندی، مهر محمدی (1381) عوامل و عناصر تشکیل‌دهنده برنامه درسی را که اغلب در مباحث مربوط به الگوهای برنامه‌ریزی درسی از آن‌ها یاد می‌شود شامل اهداف، محتوا، فعالیت‌های یادگیری فراگیران و بالاخره روش‌های ارزشیابی می‌داند.  
 خندان در الگوی برنامه ریزی درسی رشته معارف اسلامی شکل شماره یک را پیشنهاد داده است.(خندان، 1386)

**د) برنامه درسی پیشنهادی رشته مدیریت امور مساجد**

مبانی

جامعه

دانشجو

اهداف

يادگيری

دانش

معيارهای انتخاب محتوا

معيارها و روشهای سازماندهی محتوا

محتوای برنامه درسی

سازماندهی

اجرا

ارزشيابی

با عنایت به الگوی برنامه درسی و همچنین با توجه به ساختار برنامه درسی مصوب در وزارت علوم برنامه پیشنهادی رشته مدیریت امور مساجد به صورت زیر پیشنهاد می‌شود.

1- **عنوان رشته**: مدیریت امور مساجد

2- **مقطع تحصیلی**: کارشناسی ارشد

با توجه به ویژگی‌‌های ورودی‌‌ها که یا از حوزه هستند و یا از دانشگاه.

3- **طول دوره**: دو و نیم سال

4- **سابقۀ دوره**: تأسیسی  اصلاحی تصویبی 

5- **ضرورت راه‌اندازی دوره**:

6- **سیاست‌های اتخاذ شده در تدوین برنامه درسی**

میان‌رشته‌ای بودن

دانشجو و طلبه در کنار هم

7- **اهداف کلی دوره**:

با عنایت به استعداد، توانایی و سطح مسئولیت‌پذیری دانشجو و بر اساس آموزه‌های اسلامی و معارف ناب قرآن و اهل‌بیت و منویات ولی معظم فقیه و با تأکید بر مطالعات و پژوهش‌های میان‌رشته‌ای و فرارشته‌ای این دوره با هدف کلی اقامه نماز در جامعه اسلامی و نیل به مسجد طراز اسلامی در چهار مسیر برگزار می‌شود:

7-1. **تربیت امام جماعت** در تراز مسجد اسلامی در سطح ملی و بین المللی از بین طلاب علوم دینی با حداقل مدرک سطح 2 در بدو ورود.

7-2. **تربیت معین امور مسجد**(جهت عضویت در هیئت امنا، مدیریت امور داخلی مسجد و ...) در تراز مسجد اسلامی از بین طلاب علوم دینی با حداقل مدرک سطح 2 در بدو ورود و یا کارشناسی رشته‌های مرتبط مثل مدیریت، حقوق، الهیات، معماری، علوم اجتماعی، روان‌شناسی، مددکاری اجتماعی، مطالعات خانواده و زنان و ...

7-3. **تربیت محقق و صاحب نظر در مطالعات مسجد** از بین طلاب علوم دینی با حداقل مدرک سطح 2 در بدو ورود و یا کارشناسی رشته‌های مرتبط مثل مدیریت، حقوق، الهیات، معماری، علوم اجتماعی، روان‌شناسی و ... .

7-4. **تربیت کارشناس و مدیر و مشاور در امر سیاست‌گذاری امور مساجد** از بین طلاب علوم دینی با حداقل مدرک سطح 2 در بدو ورود و یا کارشناسی رشته‌های مرتبط مثل مدیریت، حقوق، الهیات، معماری، علوم اجتماعی، روان‌شناسی و ...

8- **دسته بندی اهداف**:

8-1. **اهداف شناختی**:

دستیابی به عمق و مرزهای مطالعات حوزه مسجد و مدیریت اسلامی.

درک و فهم نظریه‌ها و الگوهای مرسوم در مدیریت متعارف و اسلامی.

کاربرد و استعمال نظریه‌ها در عمل و دستیابی به قابلیت واکنش مدبرانه به شرایط واقعی در باب مسجد.

تجزیه و تحلیل و تفسیر مؤلفه‌ها و اصول مندرج در مدیریت و سازماندهی آنها بر اساس مبانی اسلامی.

ایجاد ساختارهای جدید، مدل‌ها، رویکردها و ایده‌های نو در مدیریت مسجد بر اساس آموزه‌های اسلامی.

ارزشیابی، اعتبارسنجی و بررسی مفید بودن ساختارها و الگوهای موجود مدیریت مسجد.

8-2. **اهداف گرایشی**:

آمادگی برای تجربه و شوق برای اقدام عملی، مطالعه و پژوهش در عرصه مدیریت مسجد.

درونی‌سازی ارزش‌های اسلامی و وصول به اتحاد علم و عالم حول حقیقت اسلام در عرصه مدیریت مسجد.

3-8. **اهداف مهارتی**:

قابلیت در مشاهده دقیق و توانایی در به کارگیری دانش مدیریت بر اساس مبانی و اصول اسلامی در امور مسجد.

کسب مهارت اداره و مدیریت در سطح مسجد و کلان، ملی، منطقه‌ای و جهانی بر اساس باورهای اسلامی.

**جدول کلی دروس کارشناسی ارشد مدیریت امور مساجد**

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| **ردیف** | **عنوان** | **تعداد واحد** | **توضیحات** |
| **1** | **دروس پیش نیاز** | **-** | **بر اساس تشخیص گروه آموزشی** |
| **2** | **دروس اصلی** | **14** | **مشترک بین طلاب و دانشجویان** |
| **3** | **دروس انتخابی** | **10** | **بر اساس توانایی و علاقه علمی دانشجو از جدول دروس** |
| **4** | **پروژه پایانی** | **4** | **بر اساس دروس انتخابی** |
| **جمع** | | **28** |  |

**جداول تفصیلی عناوین دروس**

**دروس پیش‌نیاز**

این دروس حسب توانایی فرد و صلاح‌دید گروه آموزشی ارائه می‌شود. دروس مذکور فاقد واحد بوده و فقط قبولی در آن شرط است.

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| **ردیف** | **عنوان درس** | **ساعت** | **توضیح** |
| **1** | **قرائت و تجوید** | **2** | **تصحیح قرائت و تجوید پیشرفته** |
| **2** | **زبان و ادبیات فارسی** | **2** | **آشنایی با نگارش اداری، ادبیات مربوط به مسجد و عبادت** |
| **3** | **مهارت‌های تحصیلی** | **2** | **روش‌های مطالعه، فیش‌نویسی، نگارش علمی، هدف‌گذاری، نویسندگی** |
| **4** | **آشنایی با احکام نماز و مسجد** | **2** | **آشنایی با احکام نماز، مسجد و مسائل مبتلا‌به مطابق با فتاوی علمای معاصر** |
| **5** | **آشنایی با نرم افزارهای رایانه** | **2** | **در حد ICDL** |
| **جمع** | | **10** |  |

**دروس اصلی (مشترک)**

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| **ردیف** | **عنوان درس** | **واحد** | **ساعت** | **پیش‌نیاز** |
| **1** | **اخلاق اسلامی در مسجد** | **1** | **1** |  |
| **2** | **مسجد و تمدن اسلامی** | **2** | **2** |  |
| **3** | **سمینار مطالعات تطبیقی معابد دینی** | **2** | **2** |  |
| **4** | **روش تحقیق کاربردی** | **3** | **3** |  |
| **5** | **مباحث ویژه فقهی** | **2** | **2** |  |
| **6** | **مکاتب و نظریه‌های مدیریت و سازمان** | **2** | **2** |  |
| **7** | **مدیریت امور فرهنگی** | **2** | **2** |  |
| **جمع** | | **14** | **14** |  |

**دروس اختیاری**

| **ردیف** | **عنوان درس** | **واحد** | **ساعت** | **پیش‌نیاز** |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| **1** | **فقه تخصصی** | **2** | **2** | **با تأکید بر فقه الصلاه و فقه الاداره** |
| **2** | **فقه السیره صلاه و مسجد** | **2** | **2** | **بررسی روایی-تاریخی سیره پیامبر و اهل‌بیت** **در امور مسجد و نماز** |
| **3** | **فنون سخنوری و تبلیغ پیشرفته** | **2** | **2** | **آشنایی با فنون سخنوری، شیوه‌های تبلیغ مؤثر، بررسی الگوهای موفق** |
| **4** | **اصول و فنون سرپرستی در مساجد** | **2** | **2** | **مدیریت هیئت امناء، تشکل‌های وابسته به مسجد، قوانین و مقررات مربوطه** |
| **5** | **مدیریت افراد و منابع انسانی در مسجد** | **2** | **2** | **مسائل نیروی انسانی، مدیریت نیروهای داوطلب، سازوکارهای جذب، انگیزش، نگهداشت و تنظیم سطح همکاری در سطح مسجد** |
| **6** | **اخلاق کاربردی اهل مسجد** | **2** | **2** | **اخلاق هنجاری در محیط مسجد، مدیریت رفتار فردی، بررسی موارد خاص و تقویت ملکه رفتار حسنه با اهالی مسجد و محل** |
| **7** | **الحان و نغمات** | **2** | **2** | **آشنایی و تقویت نغمه‌های قرائت در تلاوت قران، ترتیل‌خوانی، قرائت نماز، اذان‌گویی، مکبری، مرثیه‌خوانی** |
| **8** | **مدیریت زمان** | **2** | **2** | **آشنایی با مفاهیم مدیریت زمان، هدف گذاری، برنامه ریزی،اجرا، کنترل و خاتمه یک فعالیت** |
| **9** | **مدیریت وقایع مسجد** | **2** | **2** | **شیوه مدیریت بهره ورانه ایام الله و مراسمات و مناسبت‌ها، اعتکاف، محرم، رمضان، دهه فجر و...** |
| **10** | **مدیریت دانش و اطلاعات مسجد و محله** | **2** | **2** | **مدیریت دانش و الگوهای مدیریت داده‌ها، تبدیل داده به اطلاعات، سازماندهی، کاربست و ارزیابی دانش درونی و ضمنی تولید شده در مسجد** |
| **11** | **خلاقیت و نوآوری** | **2** | **2** | **فنون و روش‌های تقویت خلاقیت و نوآوری در مسجد و امور فرهنگی** |
| **12** | **معماری مسجد و محله** | **2** | **2** | **تاریخ معماری مساجد، الگوهای معماری اسلامی در مساجد، مؤلفه‌های معماری طراز مسجد اسلامی، بررسی آثار معماری و مکان‌یابی بر تغییر رفتار محله** |
| **13** | **بهداشت و ایمنی برای مسجد** | **2** | **2** | **بررسی الگوهای ارتقا بهداشت محیط مسجد، نکات و فنون ارتقا سلامت، مکان‌یابی کفشداری، رائحه مطبوع و مباحث ایمنی شامل آتش‌سوزی و امنیت مسجد، سرقت و تروریسم** |
| **14** | **مدیریت تجهیزات و نگهداشت اموال مسجد** | **2** | **2** | **مسائل مربوط به مدیریت تجهیزات، خرید، انبارداری، نگهداری، تعمیرات تجهیزات، مدیریت جامع نگهداری و تعمیرات** |
| **15** | **سازمان‌های فرهنگی** | **2** | **2** | **آشنایی با سازمان‌های فرهنگی، وظایف سازمان‌های فرهنگی، نحوه ارتباط‌گیری** |
| **16** | **مدیریت امور خیریه** | **2** | **2** | **برنامه‌ریزی، تأمین، سرمایه‌گذاری، نظارت در امور خیریه** |
| **17** | **مدیریت وقف** | **2** | **2** | **هدایت نیات واقفان، شناسایی و تشویق واقفان، حفظ موقوفات از تعرض و تصرف نابجا، عمران موقوفات، بهره‌وری موقوفات** |
| **18** | **محیط‌شناسی خرد و کلان** | **2** | **2** | **سازوکارهای شناخت محله، اقوام و قومیت‌ها، زبان، فرهنگ بومی** |
| **19** | **بازاریابی اجتماعی** | **2** | **2** | **اصول بازاریابی، انواع بازاریابی، بازاریابی در اسلام، بازاریابی اجتماعی و فنون آن برای مسجد** |
| **20** | **تحلیل سیاسی برای اهل مسجد** | **2** | **2** | **شبهه‌شناسی، فنون تحلیل سیاسی، کانال‌های دریافت اطلاعات صحیح، مخاطب سنجی و شیوه‌های ارائه** |
| **21** | **مدیریت آموزشی** | **2** | **2** | **مبانی فلسفی تعلیم و تربیت در اسلام، آموزش کودکان و بزرگ‌سالان، برنامه‌ریزی آموزشی، اجرای برنامه‌های آموزشی، ارزیابی آموزش** |
| **22** | **مدیریت مدارک و کتابخانه برای مسجد** | **2** | **2** | **آشنایی با اصول کتاب‌داری، مدیریت منابع و مدارک، مسائل کتابخانه‌های مساجد، عضوگیری، نگهداری منابع، نرم افزارهای کتابخانه‌های کوچک، شیوه‌های ارتقاء سطح کتاب‌خوانی** |
| **23** | **روش تحقیق کاربردی** | **2** | **2** | **آشنایی با روش‌های تحقیق متناسب با نیازهای مسجد، پیمایش، مورد کاوی، تاریخی تطبیقی** |

از بین عناوین ذکر شده در جدول بالا دانشجو حسب علاقه و توانایی حداقل 10 واحد را انتخاب می‌نماید که مبنای دوره پژوهشی وی نیز می‌باشد.

البته بدیهی است در سال‌های اولیه راه‌اندازی دوره امکان ارائه همه عناوین وجود ندارد و به مرور سرفصل‌ها و طرح درس‌های جدید برای دروس مذکور نوشته و تکمیل می‌شوند. کاربرگ پیشنهاد سرفصل درس در زیر ارائه شده است. لازم است در مرحله بعد برای هریک از دروس کاربرگ مذکور تکمیل شود.

**کاربرگ پیشنهاد سرفصل درس:**

|  |  |
| --- | --- |
| **نام درس:** | |
| **شماره درس:**  **تعداد واحد:**  **نوع درس (اعمّ از نظری، عملی، نظری ـ عملی و...)** | **مقطع:**  **تعداد ساعت:**  **پیش‌نیاز:** |
| **شرح درس: (بین 3 تا 5 خط)** | |
| **اهداف درس (در حیطه‌های دانشی، گرایشی، شناختی، مهارتی و مبتنی بر اهداف کلّی و تفصیل و سه‌گانۀ رشته):** | |
| **سرفصل درس: (دقّت شود که در طول نیم‌سال قابل تحقّق باشد)** | |
| **منابع اصلی:** | |
| **منابع فرعی:** | |

**جمع بندی و ارائۀ پیشنهادهای اجرایی و مطالعاتی**

در دنیای کنونی بسیاری از پدیده‌ها در قالب سازمان ظهور و بروز می‌یابند و بدیهی است که نهادها و سازمان‌های مذکور نیازمند مدیریت و راهبری و سیاست‌گذاری هستند. نویسنده با این دغدغه که مسجد به عنوان مهم‌ترین سازمان اجتماعی در الگوی اسلامی نیازمند مدیریت‌کردن در سطح خرد و کلان است، مقاله پیش رو را نوشته است. در این مقاله کارکردهای مسجد احصاء نشده‌اند - همانند بسیاری از مقالات که تاکنون نوشته شده‌اند- بلکه با مفروض دانستن کارکردهای چندگانه مسجد، برنامه درسی رسمی رشته مدیریت امور مساجد را پیشنهاد داده است.

البته طراحی این دوره به معنای غفلت از طراحی دوره‌های کوتاه مدت برای همه ائمه جماعات خدام و هیئت امناء نیست که می‌توان با برنامه‌ریزی دوره‌های موجود همچون سفیران هدایت و دوره‌های مرکز امور رسیدگی به مساجد را به آن منضم نمود و تکمیل کرد.

این رشته را فعلاً بدون گرایش پیشنهاد دادیم ولی در آینده و پس از چند دوره اجرا و بر اساس اهداف دوره، حداقل پیشنهاد گرایش‌های زیر داده می‌شود:

1‌. گرایش توانمندسازی ائمۀ جماعت،

2. گرایش اداره داخلی مسجد،

3. گرایش مطالعات مسجد،

4. گرایش سیاست‌گذاری مساجد.

در مقام اجرا می‌توان از ظرفیت مراکز حوزوی و دانشگاه‌هایی همچون امام صادقq، باقرالعلومq، امام حسینq استفاده کرد، اگرچه در یک الگوی بلند‌پروازانه می‌توان دانشگاه بین‌المللی امام سجادq را پیشنهاد داد که برنامه تربیتی کلان و بلند‌مدت را در آن پی‌گیری نمود.

**منابع:**

مرکز تخصصی آموزشی تبلیغ حوزه علمیه قم. www.tth.ir

سایت رایزن فرهنگی ایران در ترکیه. www.ankara.icro.ir

خاقانی زاده، مرتضی، فتحی واجارگاه کورش، الگوهای برنامه درسی دانشگاهی، فصل‌نامه علمی- ترویجی راهبردهای آموزش، 1387.

حمیدیا، بابک، واکاوی تطبیقی وتاریخی پدیده دانشگاه دینی در جهان معاصر و معرفی وتنظیم الگوهای کاربردی موجوددر این عرصه(تجاربی برای دستیابی به الگوی دانشگاه اسلامی)، دانشگاه امام صادق، 1393.

برنامه ریزی درسی، دایره‌المعارف آموزش عالی، بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی، جلد اول، صفحه 210، تهران، چاپ اول، 1383.

برنامه‌ریزی درسی و مدرسه، گفتگو با دکتر حسن ملکی، ماهنامه رشد مدیریت مدرسه، شماره 8، اسفند 1387.

قورچیان، نادر علی و تن ساز، فروغ، سیمای روند تحولات برنامه درسی به عنوان یک رشته تخصصی از جهان باستان تا جهان امروز،، تهران، چاپ اول، 1374.

خندان، اصغر، طراحی برنامه‏ی درسی گروه معارف اسلامی برای دورۀ كارشناسی‌ارشد پیوستۀ تمام رشته‌های دانشگاه امام صادق‏‌، گروه معارف اسلامی دانشگاه امام صادق، 1386.

نصر، احمد رضا و اصغر سلطانی، ضرورت تاسیس، ساختار آموزشی و محتوای برنامه درسی دوره کارشناسی ارشد آموزش علوم، روان‌شناسی و علوم تربیتی، سال سی و هشتم، شماره4، صص 189-210، 1387.

**نقش سازمان‌های فرهنگی**

**درگرایش خانواده‌ها به نماز و مسجد**

**محسن موحدی[[18]](#footnote-18)**

**چکیده:**

تحقیق حاضر با هدف بررسی نقش سازمان‌های فرهنگی در گرایش خانواده‌ها به نماز و مسجد و به روش پیمایشی انجام شده است. تعامل مسجد و خانواده نقش مهمی در تربیت فرزندان یک خانواده دارد، در نتیجه همۀ سازمان‌های فرهنگی جامعه می‌توانند در تقویت این تعامل نقشی مهم داشته باشند. برخی یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که غنی سازی جلسات آموزش خانواده درباره اهمیت نماز جماعت و عملکرد مسجد از طریق به کارگیری متخصصین و کارشناسان، مهم‌ترین نقش آموزش و پرورش؛ انجام مطالعات و تحقیقات پیرامون عوامل مؤثر بر جذب خانواده‌ها به نماز جماعت و مسجد و استفاده از نتایج حاصل در برنامه‌ریزی‌های فرهنگی، مهم‌ترین نقش وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ ساخت برنامه‌هایی در خصوص آشنا‌سازی خانواده‌ها با تأثیر نماز جماعت و مسجد بر عملکرد اعضای خانواده بویژه جوانان و نوجوانان، مهم‌ترین نقش صدا و سیما، تبیین سیرۀ پیامبر اعظم و ائمۀ اطهار علیهم السلام در اهمیت دادن به نماز جماعت و مسجد، مهم‌ترین نقش حوزۀ علمیه و ارائۀ اولویت‌های پژوهشی مطالعات راهبردی تعامل خانواده و مسجد، برای موضوعات پایان‌نامه‌های رشته‌های علوم انسانی بصورت فراخوان به دانشگاه‌ها مهم‌ترین نقش وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در گرایش خانواده‌ها به نماز جماعت و مسجد است.

**واژگان کلیدی:**

فرهنگ، سازمان‌های فرهنگی، خانواده، نمازجماعت، مسجد.

**مقدمه:**

نماز برتر از همۀ عبادات، جامع تمام کمالات، منعکس‌کنندۀ کلّ واقعیّات، منبع برکات و کلید قفل تمام مشکلات است. بر همین اساس است که مقام معظم رهبری به زیبائی هر چه تمام‌تر این فریضه الهی را توصیف می‌کنند: «هیچ وسیله‌اى مستحکم‌تر و دائمى‌تر از نماز براى ارتباط میان انسان با خدا نیست، مبتدى‌ترین انسان‌ها رابطه خود با خدا را بوسیله نماز آغاز مى‌کنند. برجسته‌ترین اولیاى خدا نیز، بهشت خلوت انس خود با محبوب را در نماز مى جویند. کلمات و اذکار نماز، هر یک خلاصه‌اى است که به بخشى از معارف دین اشاره مى‌کند و بطور مکرّر آن را به یاد نمازگزار مى‌آورد. نمازى که با تدبّر در معانى و بدون غفلت گزارده شود، انسان را روزبه‌روز با معارف الهى آشناتر و به آن دلبسته‌تر می‌سازد.» (خامنه‌ای، 1381، صص 34-33)

قرآن کریم نماز را عامل نهی‌کننده از فحشا و منکر معرفی می‌کند و پیامبر اعظم پنج بار نماز خواندن مؤمن در یک روز را به پنج بار شستشوی او از آلودگی‌ها در یک جوی آب پاک تشبیه می‌فرمایند. امروزه با شناخت بیشتر ابعاد شخصیت انسان، معلوم شده است که اعتقاد و التزام انسان به عقاید و فرائض دینی تا حد زیادی در نجات او از ناملایمات زندگی مؤثر است، این امر به ویژه وقتی اهمیت خاص می‌یابد که توجه داشته باشیم در عصر حاضر و با پیشرفت علم و تکنولوژی، مشکلات انسان امروزی، پیچیدگی‌های خاص خود یافته و انسان چاره‌ای جز پناه‌بردن به منبع لایزال الهی و روی‌آوردن به معنویات وکمک‌گرفتن از آن ندارد. (امینی، 1368، صص 13-12)

سازمان‌های فرهنگی در حکومت اسلامی باید بر مبنای انسان‌شناسی اسلامی، تأثیر عمده خود را بر گرایش خانواده‌ها به مسجد و نماز نمایان سازند. انسان‌شناسی اسلامی بر پایه آیات قرآن و روایات معصومین همواره بر استعدادها و ظرفیت‌های او در عین عجز و ناتوانی‌اش تأکید دارد و رسیدن به اوج این ظرفیت‌ها جز درمان فسادپذیری انسان راه دیگری ندارد. ذکر بهترین راه درمان این آفت بزرگ است و نماز با همه خصوصیات منحصر به فردش رهنمون انسان به سوی ذکر است.

از سوی دیگر، برمبنای یک احساس و سنت دیرین، مشخص‌ترین مسئولیت خانواده در برابر زیست و رفاه فرزندان در تأمین خوراک و پوشاک، مسکن، بهداشت و تربیت خلاصه شده است. غذا و پوشاک و مسکن در چارچوب تسهیلاتی که خانواده برای خود فراهم می‌کند تأمین می‌شود. در این سه زمینه فرزندان خانواده‌ها از امکاناتی که نیازهای دیگر اعضای خانواده را تأمین می‌کند خود به خود بهره‌ مند می‌شوند. بهداشت فرزندان خانواده در دو بعد مراقبت و پیشگیری و درمان، یکی با مسئولیت و کوشش خانواده و دیگری با مباشرت پزشک و سازمان‌های درمانی شکل می‌گیرد. یکی دیگر از موارد، تربیت است که گرچه گروه‌ها و عوامل اجتماعی زیادی بر تربیت (فرایند انتقال ارزش‌های دینی) تأثیر می‌گذارند، غالباً خانواده در این زمینه به منزله با‌نفوذترین عامل به شمار می‌رود. در خانواده است که کودک نخستین چشم‌انداز را از جهان پیرامون می‌آموزد و احساس وجود می‌کند. در خانواده است که کودک به آداب و رسوم ملی، مراسم دینی، وظایف فردی و حدود و اختیارات و مسئولیت‌ها پی می‌برد.(پارسا، 1368، ص 43) با توجه به نقش سرنوشت‌ساز تربیت خانوادگی در رشد و تعالی فرزندان است که بحث حقوق کودکان در اسلام مطرح می‌شود. از جمله حقوق کودکان که بر عهده خانواده‌‌هاست تأمین سعادت دنیایی و آخرتی آنان است که این امر میسر نمی‌شود مگر از راه انتقال مفاهیم دینی. آیات و روایات فراوانی متذکر این معنی شده در عین حال در سیرۀ عملی پیامبر و ائمه اطهار جلوه‌های فراوانی از این موارد را مشاهده می‌کنیم. (شاکری نیا، 1380، ص76)

**الف) فرهنگ و مفهوم آن:**

مطالعۀ تعاریف متعدد فرهنگ، نشان می‌دهد که وفاق همه جانبه‌ای در مورد تعریف و معنای این واژه وجود ندارد. البته در این که فرهنگ، امری است که به نوعی در شخصیت انسان مؤثر می‌افتد و افکار، احساسات و رفتار او را شکل می‌دهد، یا دست کم به نوعی او را متأثر می‌سازد، اختلافی وجود ندارد؛ اما در مصادیق آن و به تعبیر بهتر در عناصر آن، اختلاف نظر زیادی وجود دارد. برخی فرهنگ را مجموعه‌ای از امور مادی و غیر مادی می‌دانند؛ به گونه‌ای که حتی اموری مانند تمدن و صنعت، بناها و نیز میراث فرهنگی را نیز جزء آن می‌شمارند؛ اما برخی دیگر فرهنگ را منحصر در امور غیر مادی می‌دانند. همچنین برخی- با اذعان به این که فرهنگ دستاورد آدمی است- آن را امری جدا از انسان که در او مؤثر است، تعریف می‌کنند. برخی دیگر، فرهنگ را در ارتباط تنگاتنگ با آدمی و به عنوان خصیصه‌ای از خصائص او تعریف می‌کنند. به همین جهت می‌توان در مفهوم شناسی فرهنگ، آن را از زوایای گوناگونی همچون توصیفی (بیان عناصر)، کارکردی (نوع و کیفیت عمل فرهنگ) و... طبقه‌بندی کرد. یک تعریف جامع از فرهنگ باید متضمن مهم‌ترین عناصر و کارکردهای آن باشدکه البته بسیار دشوار است و با اذعان به اشکال‌ها و ایرادهایی که ممکن است وجود داشته باشد، تعریف زیر برای فرهنگ ارائه می‌گردد:

«فرهنگ، مجموعه‌ای از هنجارها، قوانین و عادات، آداب و رسوم، عقاید و باورها و ارزش‌ها و الگوهای ارتباطی و نیز امور مادی ارزشمند و معقول یک جامعه است که افکار، احساسات و رفتار اعضای آن اجتماع را شکل می‌دهد و یا به نوعی تحت تأثیر قرار می‌دهد.» (افروغ،1379،ص54)

به هر حال فرهنگ یک امر انسانی است و تنها مخاطب فرهنگ، انسان است. در میان حیوانات از فرهنگ نمی‌توان سخن گفت، حتی اگر تعبیر «فرهنگ حیوانی» نیز به کار می‌رود، نه به معنای آن است که حیوانات برخوردار از فرهنگ‌اند، بلکه به معنای آن است که انسان به سر حد حیوان تنزل یافته است. بنابراین گرچه تعبیر «حیوان فرهنگی» در مورد انسان به کار می‌رود، اما هیچ حیوان دیگری فرهنگی نیست. علاوه بر این، فرهنگ، خاصِّ یک انسان نیست و هر جا سخن از فرهنگ به میان می‌آید، دست کم سخن از گروهی از انسان‌ها در میان است؛ انسان‌هایی که با انبوهی از فرهنگ‌های دور و نزدیک مواجه‌اند، و این هم‌جواری و مواجهه، با لحاظ نمودن روحیات و نیازهای او، فرهنگ او را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.

بر همین اساس ویژگی‌های سازمان‌های فرهنگی را باید در جایگاه منحصر به فرد محصولات و فرآورده‌های فرهنگی و نقش حیاتی این محصولات در زندگی بشر و نیز ظرافت و دقت بالایی که به لحاظ پیچیدگی کار و حساسیت عمومی باید در این گونه فعالیت‌ها به خرج داد و نیز در اهمیت نقش سازمان‌های فرهنگی با کیان اقتصادی و نظامی جامعه و بالأخره در گستردگی روابط و ارتباطات انسانی در این حوزۀ کاری جستجو کرد. (اسدی، 1380،صص 21-20)

یکی از مهم‌ترین حوزه‌های کاری سازمان‌های فرهنگی، ترویج و کمک به تحقق تعامل مسجد و خانواده است. تعاملی که بخشی از تربیت دینی است و به پذیرش و نهادینه کردن مفهوم عبودیت خداوند و مهیا کردن زمینه‌های معنویت در جامعه، منجر می‌شود. اهمیت نقش سازمان‌های فرهنگی در تحقق این امر مهم، به انجام تحقیق حاضر انجامید.

**ب) اهمیت سازمان‌های فرهنگی و مدیریت آنها:**

دلایل فراوانی را می‌توان بر اهمیت سازمان‌های فرهنگی و مدیریت آنها، اقامه کرد که عمدۀ آن به نقش و کارکردهای فرهنگ در جامعه باز می‌گردد. فرهنگ در حقیقت راه و رسم و شیوه زندگی است و نقش آن برای یک جامعه، به مثابه روح برای جسم آدمی است. همچنان که سلامت روحی و روانی انسان نیازمند عنایت جدی و برنامه‌ریزی و به کارگیری فعالیت و اقدامات مناسب است، و هر گونه بی‌توجهی و غفلت از آن می‌تواند به حیات فردی انسان اختلال وارد آورد و آن را در معرض تهدید جدی قرار دهد، بی‌توجهی و عدم اهتمام لازم به مقولۀ فعالیت‌های فرهنگی نیز صدمات و لطمات جبران‌ناپذیری بر حیات یک ملت وارد آورده، آن را در معرض فرسودگی و نابودی قرار می‌دهد.

باید کوشید تا این عنصر حیات‌بخش به آسانی در اختیار همۀ اقشار مردم جامعه قرار گیرد و نباید به گونه‌ای رفتار شود که کالاهای فرهنگی، مانند کالاهای مصرفی و اقتصادی به سوداگری در‌افتد. همچنین با وجود نظریۀ همگانی بودن فرهنگ و لزوم مشارکت مؤثر مخاطبان، لزوم مدیریت قوی برای سامان‌مند و بهینه‌کردن این مشارکت احساس می‌شود. همچنین محافظت قوی و مؤثر از مرزهای فرهنگی و پاسداری از باورها و ارزش‌ها و سنن اسلامی و ملی در برابر تهاجم قوی فرهنگی بیگانگان، نیازمند مدیریت‌های موفق در همۀ سطوح فرهنگی است. همچنان که در اصل انجام فعالیت‌های فرهنگی و تربیتی مؤثر برای حفاظت از کیان فرهنگی و تضمین شکوفایی صحیح استعدادها و پیشگیری از انحرافات فرهنگی یک ضرورت است، باید توجه داشت که مهم‌تر از آن مدیریت فرهنگی صحیح در انجام این گونه فعالیت‌ها و برنامه‌ریزی‌ها است که اثربخشی این گونه فعالیت‌ها را تضمین کند.(بخشنده، 1381، صص 72-71)

گذشته از موارد یاد شده، محققان دلایل و موارد دیگری را نیز به عنوان اموری که ضرورت سازمان‌های فرهنگی و مدیریت آنها را اقتضا می‌کند، ذکر کرده‌اند؛ از جمله: بالا‌بردن خلاقیت‌های فردی و ارتقای توسعۀ اجتماعی، تعدیل بی‌عدالتی اجتماعی در توزیع علم و دانش، ایجاد زیرساخت‌ها و رو‌ساخت‌های مناسب برای انجام فعالیت‌های فرهنگی، تمرکز‌زدایی یا احتراز از تمرکزگرایی در انجام اقدامات یا فعالیت‌های فرهنگی تا حد ممکن، تضمین حقوق فرهنگی اقلیت‌ها و... .

با این وجود، متأسفانه نگرش غالب در برخی جوامع و نزد برخی افراد که نه از اهمیت فرهنگ آنچنان که باید و شاید مطلع‌اند و نه اهمیت و ضرورت مدیریت را دریافته‌اند، این است که مدیریت فرهنگی ضرورت ندارد؛ در حالی که اساساً موفقیت و پیروزی یک ملت در زمینۀ مادی یا معنوی جز به وجود مدیریت در هر یک از این حوزه‌ها امکان پذیر نیست. (بخشنده، 1381، ص74)

دیدگاه‌های مقام معظم رهبری درباره وظایف سازمان‌های فرهنگی و مدیریت آنها، بیشتر با بحث مهندسی فرهنگی گره خورده است که بیانگر تأکید ایشان بر فرآیند بودن این وظایف می‌باشد. ایشان معتقدند کنترل فرهنگ آن‌گونه که در سایر مدیریت‌ها اعمال می‌گردد نه ممکن و نه جایز می‌باشد اما در عین حال میزانی از کنترل در این عرصه نیز لازم است:

«یکی از مهم‌ترین تکالیف ما در درجه اول مهندسی فرهنگ کشور است؛ یعنی مشخص کنیم که فرهنگ ملی، فرهنگ عمومی و حرکت عظیم درون‌زا و صیرورت‌بخش و کیفیت بخشی که اسمش فرهنگ است و در درون انسان‌ها و جامعه بوجود می‌آید، چگونه باید باشد؛ اشکالات و نواقص‌اش چیست و چگونه باید رفع شود؛ کندی‌ها و معارضاتش کجاست؟ مجموعه‌ای لازم است که اینها را تصویر کند و بعد مثل دست محافظی هوای این فرهنگ را داشته باشد. نمی‌گویم به طور کامل کنترل کند؛ چون کنترل فرهنگ به صورت کامل نه ممکن است، نه جایز؛ اصلاً رشد فرهنگی با ابتکار و آزادگی و آزادی و میدان دادن به اراده‌هاست؛ در این تردیدی نیست؛ منتها هوای کار را باید داشت.» (خامنه‌ای، 1373، ص13)

مقام معظم رهبری ضمن مخالفت با افراط وتفریط در مقوله وظایف سازمان‌های فرهنگی معتقدند حتی در آزادترین کشورها نیز میزانی از نظارت وکنترل در عرصه فرهنگ وجود دارد:

«آنچه که در مقولۀ فرهنگ بر عهدۀ حکومت است، عبارت است از نظارت هوشمندانه، متفکرانه، آگاهانه، مراقبت از هرزروىِ نیروها و هرزه‏روىِ علف هرزه‏ها، هدایت جامعه به سمت درست، کمک به رشد و ترقى فرهنگى افراد جامعه؛ باید به این همه مجموعۀ انسان و بخصوص جوان که در جامعه هستند، کمک کرد تا بتوانند راه صحیح و رشد خود را پیش ببرند. ما نه معتقد به ولنگارى و رها سازى هستیم، که به هرج و مرج خواهد انجامید، نه معتقد به سخت‌گیرى شدید؛ اما معتقد به نظارت، مدیریت، دقت در برنامه‏ریزى و شناخت درست از واقعیات هستیم. نمى‏شود ما میدان را رها کنیم تا دیگران هر کارى که مى‏خواهند، بکنند. امروز همان کسانى که ادعاى آزادى مى‏کنند و دم از لیبرال بودن مى‏زنند، پیچیده‏ترین و دقیق‏ترین و ظریف‌ترین شیوۀ کنترل را بر روى فرهنگ کشورهاى خودشان، بلکه سراسر دنیا، اعمال مى‏کنند و سعى دارند که فرهنگ خود را به کشورهاى دیگر منتقل و تزریق کنند.» (خامنه‌ای، 1373، ص16)

ایشان در توضیح بیشتر نظرات خود درمورد بحث نظارت و کنترل در عرصه وظایف سازمان‌های فرهنگی و مقابله با دو دیدگاه افراط و تفریط می‌فرمایند:

«ما نمى‏خواهیم با نگاه افراطى به مقولۀ فرهنگ نگاه کنیم؛ بایستى نگاه معقول اسلامى را ملاک قرار داد و نوع برخورد با آن را بر طبق ضوابطى که معارف و الگوهاى اسلامى به ما نشان مى‏دهد، تنظیم کرد. برخورد افراطى، از دو سو امکان‏پذیر است و تصور مى‏شود: یکى از این طرف که ما مقولۀ فرهنگ را مقوله‏یى غیرقابل اداره و غیرقابل مدیریت بدانیم؛ مقوله‏یى رها و خود رو که نباید سربه‏سرش گذاشت و وارد آن شد و با این منطق که با فرهنگ مردم نمى‏شود کارى کرد؛ نمى‏شود الگوهاى فرهنگى را به مردم داد؛ نمى‏شود مردم را در زمینۀ مسائل فرهنگى پیش برد، مقولۀ فرهنگ عمومى مردم و رشد فرهنگى آنها را رها کرد، که متأسفانه این تفکر در جاهایى هست و عده‏یى طرفدار رها کردن و بى‏اعتنایى و بى‏نظارتى در امر فرهنگ هستند. این تفکر، تفکر درستى نیست و افراطى است. در مقابل آن، تفکر افراطى دیگرى وجود دارد که آن سخت‌گیرى خشن و نظارت کنترل‏آمیزِ بسیار دقیق - چه در زمینۀ فرهنگ عمومى، چه حتى در زمینۀ اخلاق شخصى؛ قالب‌ها را تحمیل کردن- است. این تفکر هم به همان اندازه غلط است. نه مى‏شود فرهنگ را در جامعه رها کرد که هرچه پیش آمد، پیش بیاید، نه مى‏شود آن‏طور سخت‌گیری هاى غلطى را که نه ممکن است و نه مفید، الگو قرار داد.» (خامنه‌ای، 1373، ص16)

مقام معظم رهبری با ارائه تشبیه وظایف سازمان‌های فرهنگی به وظایف یک باغبان، پرده از ترویج حساب شده بی بند و باری از سوی برخی افراد برمی دارند: «در مقوله‏ى فرهنگ، رفتارِ حکومت باید دلسوزانه و مثل رفتار باغبان باشد. باغبان به هنگام نهال مى‏کارد، به هنگام آبیارى مى‏کند، به هنگام هرس مى‏کند، به هنگام سمپاشى مى‏کند و به هنگام هم میوه‏چینى. باید فضاى فرهنگى کشور را باغبانى کرد؛ یعنى مسئولانه و با دقت این مقوله را دنبال کرد. بعضى‏ها به عمد و کاملاً حساب شده بى‏بند و بارى را ترویج مى‏کنند. البته بنده نشانه ‏هاى این کار را مى‏دیدم و حدس مى‏زدم که چه اتفاقى مى‏خواهد بیفتد. بعد کارهایى که دستگاه‏ هاى مسئول کردند و اطلاعاتى که به‏دست آوردند، روشن کرد که همان حدسى که مى‏زدم، واقعیت دارد.» (خامنه‌ای، 1373، ص23)

مقام معظم رهبری معتقدند وظایف سازمان‌های فرهنگی مانند سایر عرصه‌ها با تغییر سر و کار دارد و مقوله فرهنگ همیشه ثابت نخواهد بود: «البته فرهنگ ملی را می‌شود به مرور در طول زمان تغییر داد؛ یعنی مثل کوه‌های عالم که در طول قرن‌های متمادی جابه‌جا نمی‌شوند، جزو ثوابت نیست. فرهنگ یک ملت را می‌شود با عوامل تأثیرگذار به‌تدریج عوض کرد؛ یک ملت از لحاظ فرهنگی عزیز را تبدیل کرد به یک ملت توسری‌خور و ضعیف؛ متقابلاً یک ملت تنبل را می‌شود تبدیل کرد به یک ملت زرنگ؛ این رنگ ثابت لایزالی و لایزولی نیست.»(خامنه‌ای، 1373، ص32)

مقام معظم رهبری ادای وظایف سازمان‌های فرهنگی را یکی از حقوق مردم بر حکومت قلمداد می‌کنند و این کار را از وظایف مهم حکومت بر می‌شمرند: «در قبال هجمه‏یى که امروز وجود دارد، نمى‏شود بیکار نشست و نظارت را از دست داد؛ بایستى با دقت، مراقب رفتار و حرکت فرهنگى جامعه بود و براى آن برنامه‏ریزى کرد؛ این یکى از مهم ترین وظایف حکومت است و حق بزرگى است که مردم بر گردن حکومت دارند؛ حق رشد فضیلت‌ها و پیشرفت در زمینه‏ى معنویات؛ این حق را باید حکومت ایفا کند. این مطلب مهمى است که باید برایش برنامه‏ریزى و فکر شود و راه‏هاى اثرگذارى بر روى فرهنگ عمومى مردم و رشد فضایل شناخته شود.» (خامنه‌ای، 1373، ص50)

مقام معظم رهبری بی نشاطی و رکود و عدم پیشرفت را از آسیب‌های جدی وظایف سازمان‌های فرهنگی بر می‌شمرند: «نمى‏شود قبول کرد که ما یک مجموعۀ فرهنگى داریم که آن را به عنوان قرارگاه اصلى مسائل فرهنگى و کار زار فرهنگى قرار داده‏ایم -‌یک‏چنین کارزارى در همه‏ى ادوار و در همۀ کشورها اجتناب‏ناپذیر است‌- در عین‏حال، در این قرارگاهِ اصلى، بى‏نشاطى یا رکود یا عدم پیشرفت ملاحظه و مشاهده بشود؛ این را من اصلاً تصور نمى‏توانم بکنم.» (خامنه‌ای، 1373، ص64)

مقام معظم رهبری ادای وظایف سازمان‌های فرهنگی کشور را دارای دو قسمت مهم عقبۀفکری و خط مقدم اجرائی می‌دانند و معتقدند همه دستگاه‌ها و نهادها در این عرصه دخالت دارند:

«این احتیاج دارد به دو چیز اساسی: اول، عقبۀ علمی و فکری؛ دوم، خط مقدم اجرایی. عقبه‌ فکری‌اش همان جایی است که باید مطالعه و کارهای علمی بکند. عقبه فکری در مراکز دانشگاهی و حوزه‌ای است. خط مقدمتان هم عبارت است از دولت، مجلس و حتی مجمع تشخیص مصلحت ـ‌که توضیح خواهم داد مجمع تشخیص هم یکی از مراکزی است که خط مقدم شماست و می‌تواند سیاستگذاری کند‌ـ ‌و دستگاه قضایی و دیگر دستگاه‌هایی که در کشور هستند؛ اینها بازوان اجرایی شما هستند. این بازوان اجرایی، فقط چهار وزارتخانه‌ فرهنگی نیستند - ‌یعنی وزارت علوم و ارشاد و بهداشت و آموزش و پرورش - بلکه صنایع ما هم جزو خط مقدم شماست. فرهنگ ما باید در تولید صنعتی ما اثر بگذارد: ما چه چیزی تولید کنیم؟ چگونه و برای چه تولید کنیم؟ صداوسیما هم جزو خطوط مقدم شماست. دستگاه قضایی ما - اداره زندان، کیفیت زندان و این گونه مسائل - ‌همه‌اش با فرهنگ ارتباط دارد و باید تحت تأثیر آن باشد. مجلس ما برای عملی شدن آنچه این جا به عنوان مهندسی انجام می‌گیرد، حتماً باید قانون بگذارند. مجمع تشخیص مصلحت هم در سیاستگذاری‌ها همین مهندسی کلان را درنظر داشته باشد.» (خامنه‌ای، 1385، ج2، صص133-132)

**ج) اصول مدیریت سازمان‌های فرهنگی برای ادای وظایف آنها:**

وقتی سخن از اصول مدیریت سازمان‌های فرهنگی در میان است، مقصود قواعد و معیارهایی است که در فرآیند مدیریت این سازمان‌ها در جهت ادای وظایف بهتر آنها؛ باید مراعات شود و به هیچ وجه، امکان نادیده انگاشتن و تخطی از آنها وجود ندارد. این اصول، تضمین کنندۀ نتیجه بخش بودن فرآیند مدیریت سازمان‌های فرهنگی است. البته اصول، اموری اکتشافی است که با توجه به مبادی و مبانی و بالحاظ اهداف باید استخراج گردد، که در این مختصر، مقام و امکان استخراج و تبیین همۀ آن اصول نیست. از این رو به ذکر برخی از اصول مهم بسنده می‌شود. اما پیش از بیان اصول مورد نظر، ارائه توضیح بیشتری از «اصل» ضرورت دارد. (لودین، 1380، ص29)

اصل، در لغت و اصطلاح معانی گوناگونی دارد که از جمله آنها می‌توان به: بن و اساس یک شیء، امر عینی و محصل در خارج (درمقابل امر اعتباری و ذهنی)، حقیقت یک شیء و... اشاره کرد. اما آنچه از کاربرد این واژه در این بحث مطمح نظر است، یک دستورالعمل، قاعده و معیار کلی است که ناظر به فرآیند مدیریت تربیتی و فرهنگی است که همواره باید حاکم بر همه اعمال، فعالیت‌ها و روش‌های فرهنگی باشد تا بتوان به ثمربخشی و نتیجه بخش بودن این فرآیند، دل خوش کرد. این اصول، خاصِّ یک زمان نیست، بلکه در هر زمانی اعتبار دارد. همچنین این اصول تنها به یک جامعه و مکان خاص، اختصاص ندارد، بلکه هر کس در هر زمان و در هر مکان و با هر نوع ملیت و قومیتی که در کار مدیریت سازمان‌های فرهنگی باشد، باید این اصول را مراعات کند.

**1.زمان شناسی:**

در مدیریت سازمان‌های فرهنگی، «زمان» از جهات گوناگونی حائز اهمیت است؛ یک جهت که جهت عام در هر نوع فعالیت و مدیریتی است، «ارزش زمان» است که در غالب فعالیت‌های مدیریتی ما، توجه چندانی به آن نمی‌شود؛ بلکه اساساً ارزش فرصت و زمان را هنگامی درک می‌کنیم که بدانیم در آن مقطع زمانی چه کارهایی را می‌توانستیم انجام دهیم و انجام ندادیم و به اصطلاح وقت کشی کرده ایم. از آن جا که ما برای زمان هزینه ای نمی‌پردازیم، از ارزش آن هم غافلیم. امروزه در دنیای مدرن، «زمان» یکی از مهم ترین سرمایه‌ها برای دولت‌‌ها، مدیریت‌ها و سازمان‌ها به حساب می‌آید و بهره‌گیری صحیح از زمان است که موفقیت یا شکست را رقم می‌زند. سازمان دهی صحیح زمان، بی تردید یکی از نخستین بندهای هر دستورالعمل برای موفقیت است. دشوارترین وظیفه در میان گروه‌‌ها، همیشه سازماندهی و مدیریت زمان و تنظیم وقت توسط افراد گروه بوده است.

جهت دیگر اهتمام به مسئلۀ زمان که خاص مدیریت فرنگی و تربیتی است، آن است که از یک منظر، همواره سه زمان ما را احاطه کرده است: گذشته، حال و آینده. مواجهه با هر یک از سه مقطع یاد شده، با دیگری متفاوت است. از آن جا که زمان، ظرفی برای فعالیت‌های آدمی است، مدیر فرهنگی باید نسبت به هر یک از سه زمان حال، گذشته و آینده، برنامه و ایده مشخصی داشته باشد. نظر به نوع آنچه آدمیان در این فر صت‌ها انجام می‌دهند، رویکرد ما به هر یک از زمان‌های یاد شده نیز متفاوت است.

گذشتۀ هرجامعه ای سرشار از وقایع و حوادث شیرین یا تلخ است. چشم فرو بستن نسبت به این وقایع، در واقع، نادیده انگاشتن برخی مواریث فرهنگی است. یک مدیر فرهنگی باید همواره فهرستی از وقایع گذشته را پیش روی خود داشته باشد؛ وقایعی که تأثیرات شگرفی بر حیات گذشته جامعه و فرهنگ آن داشته است. وقایع شیرین را باید زنده نگاه داشت تا نه تنها از خاطره‌ها محو نگردد، بلکه از میراث کهن پاسداری شده و مایه تقویت روحیه و آمادگی فرد برای حال و آینده باشد. وقایع و حوادث اسفناک و تلخ گذشته نیز باید در خاطره‌ها زنده بماند تا از آن عبرت گرفته شده، دیگر تکرار نگردد. اگر به گذشته این مرز و بوم بنگریم. روزهایی مانند بیست و دوم بهمن، دوازده فروردین، سوم خرداد و... داریم که هر یک با حادثه و واقعه ای خوش و دلنشین قرین است و منشأ اثرات و برکات فراوان در حیات این ملت بوده است. در نقطه مقابل روزهایی مانند 28 مرداد، هفتم تیر و... نیز داریم که از روزهای تلخ برای ملت ما بوده است. در تاریخ اسلام نیز وقایع دلنشین و جذاب و یا تأسف انگیز و ملامت بار بسیار است. این وقایع در فرهنگ ما وجود دارد و نباید آن را از یاد برد.

پاسداشت ایام خاص گذشته از حیث دیگری نیز حائز اهمیت است و آن این که مبادا در مورد ماهیت و علل و عوامل آن و تحلیل‌هایی که در این خصوص وجود دارد، تحریفی صورت گیرد. علاوه بر این مشخص ساختن هر چه بیشتر و بهتر ایام گذشته، آشنایی با فرهنگ ملی را آسان‌تر می‌کند.

بعد دیگر زمان، حال است. منظور از زمان حال، وضعیت و فرصتی است که هم اکنون در اختیار ما است و البته همراه با تحولات و اوضاع و احوال ویژه ای است. شناخت این وضعیت، وظایفی را برای مدیر فرهنگی رقم می‌زند که متفاوت از اقتضائات زمان گذشته است. مهم ترین مسئله از این حیث، بهره‌گیری از لحظه‌های زمان موجود و استفاده از آن در مسیر اهداف فرهنگی و تربیتی است. همچنان که برای فرد «عمل شایسته» یک وظیفه است، برای مدیر فرهنگی نیز تدارک فعالیت‌ها و برنامه‌های مفید یک اصل اساسی به شمار می‌آید. فرهنگ در تار و پود زندگی در هم تنیده است؛ بنابراین باید کوشید تا زمان موجود نیز به گونه ای سامان یابد که از لحظه لحظه آن برای ترویج و تثبیت فرهنگ استفاده گردد.

«زمان آینده» سومین جنبۀ زمان شناسی است. از این حیث، دوراندیشی و آینده نگری برای مدیر فرهنگی ضروری است. یک مدیر فرهنگی باید تحولات و اوضاعِ پیش روی را به خوبی پیش بینی نماید و آمادگی مواجهه و رویارویی منطقی و صحیح با آنها را داشته باشد. افزون بر این، زمان ظرف تحقق اهدافِ مدیریت فرهنگی است که البته باید با تنظیم زمان بندی اهداف در انتظار آن بود. (لودین،1380، صص 48-44)

شناخت زمان حال و آینده از این حیث مهم است که استعداد و آمادگی را برای مدیریت سازمان‌های فرهنگی به ارمغان می‌آورد. امام علی می‌فرماید: «آن کسی که زمان را می‌شناسد، از آمادگی و استعداد لازم برای بهره‌گیری و مواجهه با آن غافل نمی‌ماند.» (سمنانی، 1380، ص66)

امام صادق نیز از جمله فواید زمان شناسی را این می‌داند که اشتباهات و شبه‌ها و لوابس فرد را فرا نمی‌گیرد و راه خروج از آنها را تدارک می‌بیند: «آن کس که زمان خویش را می‌شناسد و به مقتضیات آن وقوف دارد، هدف هجوم اشتباهات وقایع نمی‌شود».

در حقیقت ثمرۀ مهم زمان شناسی «بصیرت» است که بر رفتارهای دیگر مدیر تأیید می‌گذارد. پیامبر اکرم از جمله ویژگی‌های انسان عاقل را بصیرت به زمان و احوال آن می‌داند. بصیرت به زمان، به معنای درک صحیح مقتضیات و موانع حال و آینده است. آن کس که به زمان بصیرت دارد و نیازها و ویژگی‌های ضروری زمان حال را می‌شناسد و بین نیازها و اقتضائات زودگذر و لحظه ای و نیازها و ضرورت‌های دائمی تفاوت می‌نهد، هرگز دچار جمود و تحجر نمی‌شود و می‌داند که چگونه باید با وضعیت‌ها و مسائل گوناگون مواجه شود.

فردی از اصحاب امام صادق که نوع لباس و پوشش آن حضرت را متفاوت با لباس پیامبر گرامی اسلام و دیگر ائمۀ قبل از آن حضرت می‌دید، زبان به اعتراض گشود که به خدا قسم نه پیامبر گرامی اسلام و نه حضرت علیو نه هیچ یک از پدران تو، چنین لباسی نمی‌پوشیدند، حضرت در پاسخ می‌فرمایند:

پیامبردر زمان تنگدستی و فقر مسلمانان زندگی می‌کردند و مراعات آن تنگدستی‌ها را می‌نمودند؛ در حالی که دنیا بعد از آن درهای نعمت را گشود و شایسته ترین افراد برای استفاده از نعمات دنیا، نیکوکاران هستند.سپس این آیه را تلاوت نمود: «بگو چه کسی زینت‌های الهی را که خداوند برای بندگان خود آفریده و روزی‌های پاکیزه را حرام کرده است.» (اعراف/ 32) سپس فرمود: «ما شایسته ترین افرادی هستیم که از نعمت‌های الهی استفاده می‌کنیم.»(اسدی، 1380، صص 77-73)

**2. دین محوری:**

منظور از این اصل، نقش محوری دین در فرهنگ است و مدیریت سازمان‌های فرهنگی باید با این ضابطه، فعالیت‌ها و برنامه‌های خود را تنظیم نماید. درست است که فرهنگ موجود در یک جامعه ممکن است با معیارها و ضوابط اسلامی همخوانی نداشته باشد، اما مدیریت سازمان‌های فرهنگی هیچ گاه به فرهنگ موجود در یک جامعه به عنوان مبدأ و مقصد نمی‌نگرد، بلکه سمت و سوی فعالیت‌ها و برنامه‌ها باید متوجه «فرهنگ ایده آل» باشد. در این صورت هر چند به یک باره با عناصر فرهنگی مغایر با ارزش‌ها و آرمان‌های موجود در یک اجتماع برخورد نمی‌شود، ولی کوشش بر آن است که در گذر زمان و با محوریتِ دین، جهت گیریِ دینی به فرهنگ و عناصر آن داده شود. امور فرهنگی اموری نیست که به یک باره و در مدت زمانی کوتاه بتوان آن را محو کرد و زدود. این امر مستلزم برنامه ریزی و زمان بندی و تدریج است. آنچه مهم است، این است که هم ارزشیابی عناصر فرهنگی و هم اتخاذ نوع مکانیزم‌ها و شیوه‌های مواجهه با آن، با معیارهای دینی انجام گیرد. آنچه در این میان مهم است، فهم صحیح از دین است. یک مدیر فرهنگی، باید قرائت صحیح و درستی از دین داشته باشد تا بتواند در نقد و تحلیل پدیده‌ها و عناصر فرهنگی به خوبی و درستی عمل نماید. از این رو، از جمله آموزش‌های لازم و ضروری برای مدیران فرهنگی، معارف دینی است، که البته باید همراه نوعی آموزش‌های کاربردی در نقد و تحلیل پدیده‌ها و عناصر فرهنگی از منظر دینی باشد. از منظر کلی باید انطباق و ارزیابی سیاست‌ها و برنامه‌های کلان فرهنگی که به مدیریت‌های فرهنگی زیر دست ابلاغ می‌شود، با معیارهای دینی، در سطح کلان حکومت انجام گیرد؛ زیرا بسیاری از خرده مدیریت‌های فرهنگی، توان و استعداد لازم را برای تحقق این مهم ندارند. به هر حال، اگر دین محوری، اصل و قاعدۀ مدیریت فرهنگی قرار نگیرد، از یک سو سبب می‌شود که فرهنگ یک جامعه سمت و سوی زوال و ابتذال در پیش گیرد، و از سوی دیگر، این به نابودی یکی از مهم ترین بخش‌های فرهنگ که همان دین باشد، منجر خواهد شد. در نقطه مقابل، دین محوری همراه تفسیرها و قرائت‌های ناصواب از دین و تطبیق نادرست عناصر و پدیده‌های فرهنگی با دین نیز نتیجه ای جز آنچه گفته شد، نخواهد داشت. نمونۀ عینی این دو جریان را که ناشی از عدم توجه دقیق به مفاد اصل دین محوری است، می‌توان در گذشته و اکنون جوامع و به ویژه جوامع اسلامی ملاحظه کرد.

دین محوری، افزون بر کارکردهای یاد شده، آمادگی لازم را برای مدیران سازمان‌های فرهنگی در مواجهه منطقی با پدیده انتقال و تبادل فرهنگی فراهم می‌آورد. با این معیار، هیچ گاه مدیر فرهنگی به نفی یا اثبات فرهنگ‌های دیگر برنمی خیزد، بلکه آنها را در این قالب، مورد ارزیابی قرار می‌دهد. از این رو، پشتکار و دقت عمل، نظم و انضباط، اهتمام به بهداشت و سلامت جسمی، رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی، توجه به کیفیت کالا و... که امروزه در فرهنگ‌های دیگر قوت بیشتری نسبت به فرهنگ رایج در جامعه ما دارد، تأیید می‌شود و فرهنگی نشدن این گونه امور در جامعۀ اسلامی جای تأسف دارد. ولی از سوی دیگر، نمودها و مظاهر منفی موجود در فرهنگ‌های بیگانه، نظیر همجنس بازی، بی حیایی و عدم عفاف، لا ابالی گری و... نیز مورد تأیید قرار نمی‌گیرد.

علامه محمد تقی جعفری در این باره معتقد است: «هر پدیده و فعالیت فرهنگی که با ارزش‌های متعالی انسانی، مانند اخلاقیات و مذهب ناسازگار باشد، فرهنگ اسلامی آن را نمی‌پذیرد؛ زیرا هر پدیده و فعالیتی که به نام فرهنگ در جامعه بروز کند و مخالف حیثیت و شرافت و شخصیت کمال طلب انسانی باشد، اگر چه در جذاب ترین صورت عرضه شود، فرهنگ اسلامی با آن مخالفت نموده و از عرضه و ترویج آن جلوگیری می‌نماید.» (جعفری،1373، صص 118-113)

**3. انسان مداری:**

انسانی بودن از جمله ویژگی‌های فرهنگ است. مدیریت سازمان‌های فرهنگی و تربیتی نیز به همین اعتبار، مدیریت انسانی است؛ البته مدیریت‌های انسانی -در انسانی بودن خود یعنی در میزان و نوع ارتباط با انسان‌ها و امور انسانی- شدت و ضعف دارند. گسترده ترین، عمیق ترین و شدیدترین نوع مدیریت انسانی، مدیریت فرهنگی است؛ زیرا هم گسترۀ آن محدود به یک قشر از انسان‌ها مثلاً نوجوانان و جوانان نمی‌شود، بلکه میان سالان و پیران از زن و مرد با هر قومیتی را پوشش می‌دهد، و هم به انسان بما هو انسان و با لحاظ همه جوانب و ابعاد آن توجه جدی دارد، نه این که وجه خود را تنها به یک بعد و ساحت انسانی محدود نماید. اصل انسان مداری در مدیریت فرهنگی ناظر به معنای یاد شده است. سر و کار مدیریت فرهنگی با عموم اقشار اجتماعی است و حتی اگر به ظاهر یک قشر خاص در معرض برنامه‌های مستقیم آن باشد، به طور غیرمستقیم و چه بسا اساسی تر، سایر اقشار نیز در دیدرس و دامنۀ برنامه‌ها و فعالیت‌های او قرار دارند. به همین جهت در مدیریت‌های فرهنگی مدارس و مساجد و فرهنگ سراها، اثر برنامه‌هایی که برای نوجوانان طراحی می‌شود، هیچ گاه به خود نوجوان محدود نمی‌شود، بلکه خانواده آنان را نیز متأثر می‌سازد؛ همچنان که برای تأثیرپذیری و شرکت فعال نوجوانان در این گونه فعالیت‌ها و برنامه‌‌ها، هماهنگی و همراهی خانواده‌ها نقش بسیار مؤثری ایفا می‌کند.

وجه دیگر انسان مداری در مدیریت سازمان‌های فرهنگی، شناخت ابعاد انسانی و ساحت‌های اوست. مدیر سازمان فرهنگی باید اطلاع درست و دقیق و کافی از ماهیت انسان و ابعاد و نیازهای انسانی او داشته باشد. برنامه‌های عبادی -به معنای اخص- برنامه‌های اجتماعی، برنامه‌های ورزشی، نقاشی و استفاده از زیبایی‌های طبیعت، برنامه‌های تفریحی و... هماره باید در دستور کار مدیران قرار گیرد. برنامه‌هایی که در جهت تقویت ابعاد جسمی، زیبایی طلبی و جمال خواهی و... است؛ گاه نادیده انگاشته می‌شود و بیشتر بر برنامه‌های عبادی به معنای اخص تکیه می‌کنند و دقیقاً یکی از علل ناکارآمدی و افت تأثیر عملکرد مدیریت‌های فرهنگی و تربیتی ما همین مسئله است؛ در حالی که مقتضای روایات و متون اسلامی توجه جامع و همه جانبه به انسان حتی در برنامه‌های فردی است.

وجه دیگر انسان مداری در مدیریت سازمان‌های فرهنگی، شناخت مبانی و ساز و کار تأثیرگذاری بر انسان و به اصطلاح دقیق هدایت انسان است. ضرورت شناخت مبانی و مبادی رفتارهای انسانی و کیفیت سمت و سو دادن به فعالیت‌های انسانی، برخاسته از همین اصل انسان مداری است، تا کیفیت و چگونگی نحوه شکل گیری باورها، احساسات و عواطف و افعال و رفتارهای انسانی را ندانیم و از چند و چون آن آگاه نباشیم، هرگز در دستیابی به اهداف مدیریت فرهنگی موفق نخواهیم بود. دقیقاً از همین منظر است که ماهیت برخی از فعالیت‌ها و برنامه‌های تربیتی و فرهنگی بیشتر شباهت به مدیریت‌های صنعتی و بازرگانی دارد و از این جهت به شکست و ناکامی می‌انجامد.

در این جا، به لحاظ اهمیت این وجه از انسان مداری، یکی دو نمونه از متون اسلامی را بیان می‌داریم. نمونه اول، کاربرد رفق و مدارا و ملاطفت و ملایمت در فعالیت‌ها و روش‌های مدیریت سازمان‌های فرهنگی است. این امر آن قدر حائز اهمیت است که خداوند متعال در قرآن کریم، پیامبر خویش را فرمان می‌دهد که برای هدایت انسان‌ها باید از این اصل به حد کمال بهره جوید و در مقام تعلیل، به یک مبنای انسان شناختی اشاره می‌کند و آن این که انسان‌‌ها، در مقابل درشتی و خشونت، سرسختی و لجاجت در پیش می‌گیرند. خداوند متعال می‌فرماید: «**فبما رحمة من الله لنت لهم و لو کنت فظاً غلیظ القلب لانفظوا من حولک**.»(آل عمران آیه 159) به برکت رحمت الهی در برابر ایشان نرم و مهربان شدی و اگر خشن و سنگدل بودی از اطراف تو پراکنده می‌شدند.

نمونۀ دوم توجه به مبادی رفتارهای انسانی این است که از نظر متون اسلامی با فرض ارضای نیازهای مادی و اولیه و جسمی انسان هاست که می‌توان انتظار رفتارهای متعالی برخاسته از میل و رضایت مخاطب را داشت و در چنین صورتی است که این گونه رفتارها تأثیرگذاری لازم خود را خواهند داشت. شاید وجه این که در متون اسلامی انجام فرایض به هنگام احساس گرسنگی، ادرار شدید و خستگی... (عدم وجود حالت جسمی و بدنی مناسب) منع شده است، همین نکته باشد. حال می‌توان دریافت که برنامه‌های فرهنگی برخی مدارس که مثلاً در اوج سرمای زمستان، آن هم بدون همراه کردن جذابیت‌های لازم، صورت می‌گیرد، چه اندازه مفید و مؤثر است. همچنین است ناکامی مدیریت برخی از مساجد و هیئت‌های مذهبی که گاه جلسات مذهبی را طولانی کرده، همه را به زحمت می‌اندازد.

وجه دیگر انسان مداری در مدیریت سازمان‌های فرهنگی، توجه به ابعاد، ریشه‌ها و عوامل روابط و ارتباطات انسانی است. مدیریت فرهنگی جدا از آن که با انسان‌ها ارتباط دارد، شدیداً در جهت فرهنگی کردن روابط انسانی گام بر می‌دارد و این مستلزم شناخت دقیق و کافی از ماهیت روابط انسانی است. (سازمان امور اداری و استخدامی،1369، صص 91-86)

**4. انعطاف و پویائی در عین پافشاری بر اصول:**

محتوای فرهنگ را می‌توان به دو دسته ثابت و متغیر تقسیم کرد، که بخشی از این به تنوع و تکثر نیازهای آدمی و شیوه‌های گوناگون پاسخگویی به آنها باز می‌گردد و بخش دیگر، ناشی از همجواری یک فرهنگ با فرهنگ‌های دیگر و تعامل و تبادل و گاه تزاحم با فرهنگ‌های دیگر است. از سوی دیگر فرهنگ اساساً وجه مشخصه و ممیزه یک جامعه از جامعه دیگر و عامل هویت دهنده به اعضای آن جامعه است. با لحاظ همین نکات است که وظایف مدیریت فرهنگی، بسیار دشوار می‌نماید؛ زیرا از سویی وظیفه حفظ فرهنگ و هویت فرهنگی یک اجتماع را بر عهده دارد و از سوی دیگر باید در جهت تکامل و پویایی آن بکوشد. انجام این مهم، از سویی نیازمند پای فشاری بر اصول و ثابتات فرهنگ، از سوی دیگر، انعطاف و پویایی در قبال عناصر متغیر فرهنگی است.

بدیهی است عکس این روند (انعطاف در مقابل ثابتات فرهنگی و جمود بر بخش متغیر فرهنگ) یا اتخاذ هر روند افراطی یا تفریطی دیگر (جمودورزی محض بر ثابتات و متغیرات، یا اساساً رویکردی انعطاف پذیر در همه موارد) نتیجه ای جز نابودی و اضمحلال فرهنگ، در پی نخواهد داشت. از این منظر شناخت دقیق ثابتات و متغیرات فرهنگی برای مدیران سازمان‌های فرهنگی، بسیار ضروری است. به همین جهت است که در متون اسلامی، نسبت به آداب و اخلاق دو رویکرد متفاوت را می‌توان ملاحظه کرد. منظور از اخلاق قواعد بایدها و نبایدهایی است که از منبع عقل یا وحی سرچشمه می‌گیرد و تضمین کننده سعادت انسان‌ها در دنیا و آخرت است و به هیچ وجه نباید ترک شود؛ در حالی که منظور از آداب، قواعد و سنت‌هایی است که به حکم ضرورت‌های اجتماعی در یک جامعه پذیرفته می‌شود. مثلاً رعایت عفت و حیا یک قاعدۀ اخلاقی است، همچنان که داشتن نظافت و تمیزی نیز یک قاعده اخلاقی است، اما نوع لباس یا مو یا حتی شیوه‌های جزئی انتظام به امور، بر حسب ضرورت‌ها و نیازهای زمانی و مکانی هر جامعه متفاوت است. به همین جهت گرچه باید همواره بر نظافت ظاهر تأکید داشت، اما این که آیا موی سر بلند باشد یا کوتاه یا این که لباس پشمینه، بلند یا کوتاه باشد، امری است متغیر و همچنان که نمی‌توان از انسان عادی انتظار داشت که در فصل زمستان، همان لباس تابستانی خود را بپوشد و اگر چنین کرد مورد سؤال قرار می‌گیرد، در برخی از امور فرهنگی متغیر نیز باید مطابق رویه و مذاق اجتماعی حرکت کرد.

امام علی به فرزند خویش می‌فرماید: «فرزندم! هرگاه در میان قومی بودی آداب آنها را پاس دار». و در جای دیگر به عنوان یک قاعده در تربیت و فرهنگی کردن فرزندان می‌فرمایند:

«فرزندان خود را به رعایت آداب خویشتن وادار نکنید؛ زیرا آنها برای زمانی غیر از زمان شما آفریده شده اند».

تعبیر وادار نکردن در کلام امام علی، بیانگر آن دسته از فعالیت‌ها است که فرهنگ را به حالت جمود و رسوب می‌کشانند و نتیجۀ آن، فرهنگ گریزی خواهد بود؛ به ویژه آن که عملکرد مدیریت فرهنگی به سبب این گونه حرکت‌های قسری زیر سؤال می‌رود و حتی در آن بخش از فعالیت‌های صائب خویش نیز، موفقیت را آن چنان که باید و شاید، در نمی‌یابد. در نقطه مقابل، توجه دادن مخاطبان به انعطاف‌های عقلایی اسلام و برخوردی پویا و انعطاف پذیر، از جمله عوامل جذب افراد به فرهنگ اسلامی و موفقیت مدیریت فرهنگی است. مدیریت فرهنگی از منظر اسلامی نه مدیریتی کاملاً سیال، تابع و پیرو است که هر آنچه را که مردم در یک زمان بپسندند، تجویز کند و نه آن گونه است که هیچ رویکردی به تنوعات و خواست‌ها و امیال انسانی نداشته و به اصطلاح جامد و ثابت باشد. (اسدی، 1380، صص 131-127)

**5. مشارکت دادن همه افراد جامعه:**

از جمله اصول مهم مدیریت سازمان‌های فرهنگی استفاده مؤثر از آحاد اجتماع در برنامه‌های فرهنگی است. ماهیت برنامه‌ها و فعالیت‌های فرهنگی اقتضا می‌کند که از توان اجتماع برای پیشبرد اهداف فرهنگی استفاده شود. این امر از سویی ریشه در خود فرهنگ دارد؛ چه، فرهنگ یک امر اجتماعی است و بدون دخالت خود اجتماع هیچ فعالیت فرهنگی، به مقصد و مقصود خود نمی‌رسد. به بیان دیگر فعالیت‌ها و برنامه‌های فرهنگی هیچ گاه به حالت یک سویه و از جانب تعداد محدودی از افراد -به ویژه در قالب متصدیان دولتی- به مقصود و هدف خویش نمی‌رسد. طراوت، جذابیت، پویایی و نشاط فعالیت‌های فرهنگی، اقتضای مشارکت مخاطبان، هم در امر برنامه ریزی و هم در اجرای فعالیت‌ها را دارد. از سوی دیگر مشارکت اجتماعی، فعالیت‌های فرهنگی را از حالت کلیشه ای و خشک و بی روح خارج می‌سازد. افزون بر این، افراد و آحاد اجتماع، مهم ترین منبع و سرمایۀ لازم برای فعالیت‌های فرهنگی به شمار می‌روند.(الوانی،1374،ص 77)

وقتی به انبوه فعالیت‌های فرهنگی نظر می‌کنیم، لزوم توجه به مشارکت اجتماعی، بیشتر پدیدار می‌شود. البته مشارکت اجتماعی در قالب‌های گوناگونی امکان پذیر است؛ گاه این مشارکت در قالب کار گروه‌های سازمان یافتۀ رسمی و غیر رسمی انجام می‌گیرد و گاه، در قالب حرکت جمعی و گاهی به شکل امکان دخالت هر یک از آحاد اجتماع بدون هرگونه سازماندهی گروهی یا جمعی آنها امکان پذیر است. البته آنچه بیشتر مطلوب است، مشارکت‌های گروهی و جمعی خود جوش و تنها با حمایت‌های دولتی است. قدرت و توان این گونه مشارکت‌ها هرگز قابل مقایسه با گونه‌های دیگر نیست. بدین لحاظ نقش مدیریت سازمان‌های فرهنگی، بیشتر در قالب فعالیت‌هایی بروز می‌کند که انگیختگی و حمایت لازم را برای تشکیل جمعیت‌های سازمانی مستقل فراهم می‌آورد. پس «اصل امر به معروف و نهی از منکر» به عنوان یکی از اصول مسلم اسلامی، در مدیریت سازمان‌های فرهنگی باید شدیداً مد نظر قرار گیرد. این اصل همگان را به دخالت مؤثر در ترویج و تثبیت نیکی‌ها و پیرایش و زدودن زشتی‌ها از پیکر جامعه، ملزم می‌کند و مفاد آن مشارکت اجتماعی مؤثر آحاد اجتماع در فعالیت‌های فرهنگی است که با این دو هدف، همخوانی دارد. (سمنانی،1380، صص 80-79)

استاد مطهری در برداشتی بسیار زیبا چنین عنوان می‌کند که :

«این وظیفه، جز در قالب گروهی به اهداف خود نمی‌رسد و درست است که هر کس می‌تواند، باید که امر به معروف و نهی از منکر نماید، اما هنگامی این فریضه شکل واقعی به خود می‌گیرد که به صورت گروهی -و نه فردی- انجام پذیرد.» (مطهری، 1380، ص 166)

بدیهی است که لازمه پذیرش اصل مشارکت اجتماعی، آن است که وظایف زیر را برای مدیران سازمان‌های فرهنگی به رسمیت بشناسیم: (افروغ، 1379، ص 55)

لحاظ جایگاه، نقش و میزان امکان مشارکت گروهی در برنامه ریزی و فعالیت‌های فر هنگی.

تبلیغ و زمینه سازی فرهنگی- روانی لازم برای تحریک و ترغیب آحاد اجتماع به این فعالیت‌ها.

برداشتن موانع و محدودیت‌های مشارکت اجتماعی.

هدایت و کنترل صحیح مشارکت‌های گروهی سازمان یافته و غیر سازمان یافته.

تعیین نوع فعالیت‌هایی که می‌تواند در قالب مشارکت اجتماعی صورت گیرد.

تشویق و پاداش مشارکت جویان در فعالیت‌ها.

**6. تقویت فرهنگ ملی:**

از جمله مسائل مهم در مدیریت سازمان‌های فرهنگی، توجه و اهتمام به اقتضائات و ویژگی‌های قومی و ملی است. آیا اساساً -و به ویژه با رویکرد دینی- جایی برای ملیت گرایی و قومیت محوری وجود دارد؟ برخی اساساً طرح مسائل قومی و ملیتی را مغایر با آموزه‌های اسلامی می‌دانند و معتقدند که آنگاه که فرهنگ، متصف به «اسلامی» می‌شود، دیگر این گونه مسائل جایی ندارد؛ ولی اگر توجه داشته باشیم که فرهنگ، امری هویت ساز است و در زمینه‌های شفاهی، جهان شناختی فلسفی و ارزشی، ضرورت‌ها و اقتضائات خاص هر منطقه، پیشینه، دیرینه و وضعیت محیطی و جغرافیایی خاص خود، ریشه دارد، این پنداره باطل خواهد شد. به بیان دیگر موضوع، فرهنگِ انسانِ مطلق نیست، بلکه انسانِ قرار گرفته در یک حیطۀ خاص با مؤلفه‌های اجتماعی، روان شناختی، زیستی و سیاسی، دینی و... خاص آن محیط است. این گونه امور چنان در شخصیت فرد نفوذ دارند که چشم پوشی از آنها و نادیده گرفتن آنها، نتیجه ای جز ناکامی در برنامه‌های تربیتی و فرهنگی ندارد. در حقیقت راه درست تربیت انسان‌‌ها، ورود از مجاری و ابواب اصلی است و فرهنگ ملی از جملۀ این مجاری است. وانگهی نمی‌توان از جنبه‌های مثبت و سازندۀ فرهنگ‌های ملی غافل بود. به بیان دیگر استفاده از استعدادها و پتانسیل‌های فرهنگی که از جمله آنها مواریث فرهنگی یک جامعه است، در جریان تربیت و هدایت انسان‌ها ضروری است. از این رو، حفظ، تقویت و استفاده از جنبه‌های مثبت فرهنگی ملی، در واقع تسهیل کنندۀ جریان تربیت است. (جعفری، 1373، صص 119-117)

**7. عقلانیت:**

در جهان بینی توحیدی اسلام، عقل و وحی (دین) دو منبع هدایت بشرند و هر کس و هر گروه که خواستار سعادت دنیوی و اخروی است، باید بکوشد تا از هدایت‌ها و راهنمایی‌های این دو منبع بهره گیرد. تمسک به یکی از این دو به تنهایی جامعۀ بشری را به سر منزل مقصود رهنمون نمی‌شود و اساساً تمسک به یکی، بدون دیگری در واقع تمسک نکردن به هر دو است؛ زیرا کسی که دین محوری و عمل به آموزه‌های دینی را شعار خویش قرار می‌دهد، گریزی از تمسک به عقل و آموزه‌های عقل سلیم ندارد و هر آن کس که حقیقتاً شعار عقلانیت مداری را مطرح می‌کند، به خوبی در می‌یابد که باید به آموزه‌های اصیل دینی تن در دهد. جای خوشبختی است که امروزه، عقلانیت مداری به عنوان یک اصل فراگیر در جهان و به ویژه در حوزه علوم انسانی در حال استقرار است؛ اما متأسفانه طراحان اصلی این شعار به تمامی مفاد و محتوای آن پایبند نیستند. (منصوری،1382، صص 44-43)

پذیرش عقلانیت مداری در مدیریت سازمان‌های فرهنگی نیز نه صرفاً یک شعار، بلکه تن دادن به تمام لوازم آن است. برخی از لوازم عقلانیت مداری بدین قرارند: (افروغ،1379، ص 90)

کنار گذاشتن تعصبات قومی، قبیله ای و فرقه ای و داشتن روحیه نقد پذیری

در پیش گرفتن رویکردی اندیشمندانه و عاقلانه در مواجهه با پدیده‌ها و جریانات فرهنگی داخلی و خارجی؛ از این منظر نه همۀ آنچه امروز در جوامع اسلامی دیده می‌شود قابل دفاع است و نه همۀ آنچه در فرهنگ غربی مطرح است، قابل رد و نقد

در پیش گرفتن روش‌ها و شیوه‌های مدبرانه و حکیمانه در برنامه ریزی، اجرا و ارزشیابی فرهنگی.

**8. جذابیت بخشی:**

در واقع جذابیت بخشی و کاستن از سختی‌ها و دشواری‌‌ها، عمل به آموزه‌های فرهنگی و دینی است؛ به گونه ای که مخاطبان، به آموزه‌های فرهنگی، اقبال نشان داده، به صورت آزادانه و از روی رغبت و میل آنها را پذیرا می‌شوند. این امر به ویژه وقتی با آموزه‌های فرهنگ دینی سر و کار داریم، بسیار مهم و کارساز جلوه می‌کند؛ زیرا آموزه‌های دینی متضمن تکلیف است و در قالب حلال و حرام و وجوب و حرمت و استحباب و کراهت به نوعی فرد را به انجام کاری وا می‌دارد یا از انجام کاری نهی می‌کنند. این امر اگر با مکانیزم‌های جذابیت بخشی همراه نباشد، چندان قرین به موفقیت نخواهد بود. ترسیم چهره و جلوه زشت اعمال حرام و در نقطه مقابل، ارائه تصویری زیبا و دلنشین از اعمال واجب، اکتفا نکردن به بیان حرام‌های خداوندی و توجه بیشتر به بیان جایگزین‌ها و حلال‌های خداوندی، ترسیم چهره اخروی نیکوکاران، تبیین دقیق پیامدهای شوم اعمال حرام و تشریح آثار بسیار مثبت و سازنده اعمال واجب و مستحب و دیگر روش‌هایی که در قرآن و کتب روایی آمده است، می‌تواند چهره زیبا و دلنشین آموزه‌های فرهنگی اسلام را به مخاطبان عرضه دارد. (لودین، 1380، صص 112-110)

افزون بر این، در نحوه و شکل ارائه آموزه‌ها و معارف دینی نیز باید جذابیت بخشی را مدنظر قرار داد؛ مثلا ارائه قرآن به قالب‌های شکلی و صوری بسیار زیبا، قرائت قرآن و اذان توسط قاریان و مؤذنانی که صوت دلنشین دارند، تبلیغ معارف و احکام دین، توسط عالمانی که علاوه بر داشتن سیما و صدای خوش، عمل به آموزه‌های اسلامی را همواره مدنظر قرار می‌دهند و... از جمله راهکارهای این مهم می‌باشد. بدیهی است عدم رعایت این گونه جذابیت‌‌ها، فرهنگ پذیری آموزه‌های اسلامی را با مشکل مواجه می‌کند.

رعایت جذابیت بخشی در ارائۀ آموزه‌های فرهنگی و دینی در مدیریت سازمان‌های فرهنگی، علاوه بر موارد یاد شده به تسهیل و آسان جلوه دادن و آسان گیری در آموزه‌های دینی نیز مربوط می‌شود. مراد از تسهیل، سهل انگاری نیست، بلکه آسان گیری در عمل به آموزه‌های دینی است. متأسفانه گاه دینداری و فرهنگ دینی را آنچنان سخت و دشوار می‌نمایانند که هیچ گونه جذابیتی برای مخاطبان در بر ندارد. مثلاً اصرار و پافشاری بر عمل به مستحبات، می‌تواند جذابیت لازم را از آموزه‌های دینی بگیرد. (بخشنده،1381، صص 108-106)

**9. تأکید بر جذب و پرهیز از دفع:**

مدیریت سازمان‌های فرهنگی باید بکوشند تا هر چه بیشتر بر تعداد علاقه مندان و شیفتگان به فرهنگ اسلامی بیفزایند؛ حتی از منظری وسیع تر باید کوشید تا کلیّه کسانی که به فرهنگ ادیان توحیدی، اعتقاد و باور دارند و وجه مشترکشان در این است که دین آسمانی و خدای واحد را می‌پرستند، در کنار هم و یار و همکار قرار داد و با هر بهانه که باعث تضاد و رویارویی آنها می‌شود، مقابله کرد. این موضوع در حوزۀ داخلی کشور ما از چند جهت، حساسیت بیشتری دارد:

یکی بحث اتحاد شیعه و سنی است که پس از انقلاب شدیداً بر آن تأکید می‌شود و امری بسیار حیاتی و ضروری است. از این نظر، مدیریت سازمان‌های فرهنگی باید با هر گونه فعالیتی که باعث رویارویی و دفع افراد از فرهنگ اسلامی می‌شود، پرهیز کنند.

نکتۀ مهم تر، در حوزۀ فعالیت‌های سازمان‌های فرهنگی و تبلیغی غالب کشور است که باید بنابر جذب افراد باشد، حتی اگر در کمترین درجۀ دینداری-‌از نظر ما- باشند. در روایات اسلامی به شدت بر این نکته تأکید شده است که مبادا هم دیگر را به بی دینی متهم کنید و باعث گریزان شدن دیگران از خود شوید. در روایات، ایمان به نردبانی تشبیه شده است که هر کس فراخور استعداد و تربیت خویش بر روی پله ای از آن ایستاده است و کسانی که در پله‌ها و مدارج بالاتری قرار دارند، نباید به کسانی که در پله‌ها و مدارج پایین تری هستند، نسبت بی دینی دهند که باعث رنجش خاطر و دفع آنها از دایرۀ دینداران گردد.

حتی از منظری عمیق تر و با مطالعۀ روایات اسلامی، می‌توان دریافت که اصل جذب به عنوان یک اصل مهم فرهنگی در مواجهه با کسانی که اندیشه‌های التقاطی نیز دارند، مطرح است، و این امر آن قدر کارساز است که اگر مخاطبینی از این دست را به حوزه دینداران واقعی نکشاند، دست کم به پاکی و صداقت و شایستگی‌های مسلمانان و والایی اسلام اعتراف خواهند کرد. (سازمان امور اداری و استخدامی،1369، صص 89-86)

**د) اهمیت نماز در زندگی و تأثیر سازمان‌های فرهنگی در تعامل مسجد و خانواده:**

موضوع نماز و مسجد که بخش مهمی از این تحقیق را به خود اختصاص داده است و در پی بررسی تعامل آن با خانواده و نقش سازمان‌های فرهنگی می‌باشیم، با توجه به نکات زیر اهمیت خاصی می‌یابد:

نماز خواندن، انسان دارای ایمان به خدا را به اصل فطرتی که خدا دردرون او قرار داده است و خمیر مایه اورا با آن سرشته است، باز می‌گرداند و این امر یعنی بازگشت به تعادل، زیرا انسان از روزی که از اصل خویش جدا شد، از درد فراق می‌نالد، مگر این که از این جدائی و فراق رهائی یابد و با یاد و فکر روز وصل به خویش آرامش ببخشد. (دشتی، 1378، ص 44)

هرقدر که انسان در دنیای پیشرفت فن آوری، غرق تظاهرات زندگی مادی و رفاه ظاهری و ارضای خواسته‌های جسمانی خود گردیده و از اندیشه‌های اصیل و عمیق فطری خویش فاصله پیداکرد، افقی مبهم تر از گذشته فراروی خود مشاهده نمود و خود را تنهاتر از همیشه و جدا از واقعیات وجودی و معنوی خویش در وادی هولناک و بی پناهی، رها و سرگردان یافت. این احساس تنهائی، سردرگمی و سرگردانی ازیک طرف و رو به رو شدن با پوچی‌های ناشی ازدوربودن از فطرت و طبیعت اصیل انسانی، انسان‌ها را دچار انواع درهم ریختگی فکری و مسائل و مشکلات گوناگون روحی و رفتاری نموده است، به طوری که او مهم ترین و آشکارترین ویژگی زمان را حالت اضطراب و تنش عمومی ارائه می‌نماید. بدون شک نماز خواندن نیز به منزله یکی از مهم ترین جلوه‌های عبادت و فرائض مذهبی نقشی مهم در این زمینه ایفا می‌کند. انسان با نماز خواندن، با کسی آشنا و مانوس می‌شود که همواره و همه جا انیس و همراه اوست و هرگز احساس تنهائی نخواهد کرد. در واقع خداوند نماز را انیسی برای انسان قرار داد که اگردر قله کوهی تنها باشد، وحشتی نداشته باشد. (مظلومی، 1364، صص 67-66)

انسان بوسیله نماز خواندن، امکانات موجود خود را وسعت می‌دهد زیرا بدون نماز خواندن، انسان محدود و محصور دراین جهان مادی و دنیائی است که امکاناتش محدود است، ولی با ایمان به خدا و به جای آوردن نماز، به منبع علم، حکمت، قدرت، عزت، لطف و رحمت بی انتهای او متصل می‌شود، بطوری که همه چیز را از او می‌طلبد و از هیچکس و هیچ چیز ترس، نگرانی و اضطرابی ندارد.

یکی از مهم ترین نیازهای انسان، داشتن اراده قوی و متمرکز برای پیشرفت در یک موضوع و در مجموع برای پیشرفت در زندگی است. انسان بدلایل مختلفی از قبیل عدم شناخت کافی نسبت به امکانات و محدودیت‌های خود، عدم اعتماد به خود و اطرافیان؛ از اراده قوی و منسجم برخوردارنیست و دچار تزلزل و ناپایداری متناوب است. آنچه که می‌تواند انسان را از این وضعیت رهائی بخشد، درآویختن به ریسمانی محکم همچون ایمان به خدا و عبادت اوست و زیباترین جلوه عبادت خدا یعنی نماز دراین میان نقشی مهم و حیاتی ایفا می‌کند. (مطهری، 1374، صص 89-88)

درحالت شک و تردید ماندن در مورد هر چیزی، اضطراب آفرین است زیرا در مفهوم شک، دودلی و تزلزل خوابیده و شک همان تردد درونی است. هم آرامش و راحتی در یقین است و هم در برابرش اندوه و اضطراب در شک است، چون شک و یقین ضد هم هستند و اضطراب و آرامش هم ضد یکدیگر.

ازاین رو باید انسان از مرحله شک عبور کرده و به مرحله یقین رسد. یقین علمی است در درجه نهایت، به نحوی که هیچ گونه شک و تردیدی در آن راه ندارد. کسی که به یقین نائل می‌شود، هستی اشیاء و موجودات را به چشم دیگری می‌نگرد. گرچه دست یافتن به چنین حالتی ساده و راحت نیست ولی ایمان به خدا و عبادت او به ویژه فریضه نماز خواندن، تاحدزیادی در رفع شک و شبهه و ایجاد یقین مؤثر است، چرا که از این طریق انسان به اطمینان خاطر می‌رسد و خود را از دام شک و شبهه آزاد و رها می‌یابد. (باقری، 1379، ص184)

از سوی دیگر نهادهای فرهنگی جامعه و تأثیری که بر خانواده‌ها دارند، بسیار مهم و کلیدی است. پیوند نماز و مسجد با موضوع پرورش، بسیار ضروری است و پرداختن به بعد پرورش حتی در کشورهای پیشرفته نیز حائز اهمیت فراوان است. مقام معظم رهبری بر همین مبنا می‌فرمایند:

«مهم ترین کارى که باید امروز در کنار قاعده سازى انجام بگیرد، این است که به مقولۀ پرورش- به هر شکلى- اهمیت داده شود؛ نه چون ما مسلمانیم، مسئله فقط این نیست. امروز در دنیاى غربِ از لحاظ دانش و فناورى پیشرفته، مسئلۀ پرورش در بسیارى از کشورها جزوِ آن مبانى اصلى است؛ مسئول و مأمور پرورشى وجود دارد. به پرورش اهمیت مى‏دهند. پرورش فقط دین دار شدن و عمق ایمان یافتن نیست که ما دنبالش هستیم. پرورش تأثیر خودش را در رفتارها، برخوردها، رشد شخصیت، تقویت اعتماد به نفس و جوشاندن چشمۀ استعداد نشان مى‏دهد. بنابراین مسئلۀ پرورشى، یک مسئلۀ مهم است.» (خامنه‌ای،1385، ج6، صص 67-66)

تأثیر سازمان‌های فرهنگی جامعه در گرایش خانواده‌ها به نماز و مسجد را می‌توان بویژه در تزکیه جوانان و نونهالان جستجو نمود که مقام معظم رهبری نیز به خوبی مورد تأکید قرار می‌دهند: «تزکیه خیلى والاست. تزکیه، یعنى تربیت. گنجینه‏هاى ملت -یعنى کودکان و نوجوانان و جوانان- در دست شماست؛ هیچ گنجى از این بالاتر نیست. اگر از استعداد اینها در راه پرورش فکرى و رشد علمى استفاده نشود؛ یا رشد علمى پیدا کنند، اما از لحاظ انسانى و اخلاقى و تربیتى انسان هاى منحرف و معوجى بار بیایند؛ انسانى بى‏اعتقاد و بى‏اعتناى به همه موازین اخلاقى باشند؛ نه به ملت، نه به کشور، نه به مردم، نه به اسلام و انقلاب، نه به خدمت‌گزاران و مسئولان کشور و نه به سرنوشت و تاریخشان هیچ اعتنایى نداشته باشند؛ اینها هر چه هم عالم باشند، این علم ارزش منفى دارد؛ یعنى میزان علم هر چه بیشتر شد، ضربه و ضررش هم بیشتر خواهد بود. بنابراین باید براى تربیت دانش‏آموزان هم خیلى اهمیت قائل شد.» (خامنه‌ای، 1385، ج2، ص89)

اهمیت سازمان‌های فرهنگی در گرایش خانواده‌ها به نماز جماعت و مسجد تربیت جوانان بیدار و مؤمن تا آنجاست که مقام معظم رهبری نیز با درایت کامل به این مسئله اشاره دارند: «همه تلاش شما باید این باشد که جوان مسلمان و مؤمن و بیدار تربیت کنید. همّت شما عزیزان امور تربیتى در درجه اوّل این باشد که جوان را مؤمن، آگاه، روشن‏بین در مسائل دینى و پایبند به معارف و عمل اسلامى بار بیاورید. آینده کشور این‏گونه تأمین خواهد شد. وسوسه دشمنان براى ایجاد تشکیک در اعتقادات جوانان را، زمزمۀ خصمانه به حساب آورید و نگذارید در کارشان موفّق شوند. سرگرم کردن جوانان به چیزهایى که جوانان دنیا پیش از جوانان ما به آنها سرگرم شدند و امروز تاوانش را پس مى‏دهند، کمک به نسل جوان این کشور نیست. عدّه‏اى سعى مى‏کنند جوان ایرانى را با بهانه‏هاى گوناگون، به سمت مسائل سرگرم کننده، موسیقی هاى مضر، سرگرمی هاى جنسى و از این قبیل سوق دهند. این همان لجن‌زارى است که جوان غربى را در خودش غرق مى‏کند؛ این چیز تقلید کردنى‏اى نیست. در مقابل این بایستید.» (خامنه‌ای، 1385، ج3، ص45)

از دیدگاه مقام معظم رهبری سازمان‌های فرهنگی جامعه در تعامل با خانواده‌ها و از جمله گرایش آنان به نماز جماعت و مسجد، باید تربیت نسل جوان را در محیطی همراه با سوق دادن آنان به اندیشیدن، تعقّل، اخلاق اسلامى، حلم، اجتناب از شتابزدگى و عجله در امور، اجتناب از تندخویى و اِعمال خشونت دنبال کند. ایشان می‌فرمایند: «از جمله چیزهایى که بخصوص در رابطه با جوانان، لازم است به آنها گفته شود و آنها به آن هدایت شوند، سوق دادن آنان به اندیشیدن، تعقّل، اخلاق اسلامى، حلم، اجتناب از شتابزدگى و عجله در امور، اجتناب از تندخویى و اِعمال خشونت است. در محیط اسلامى آن وقتى مى‏شود حقایق را به اعماق دل‌ها نفوذ داد که زبان لیّن، رفتار اندیشمندانه و عاقلانه در میان باشد و حلم وجود داشته باشد. جوانان را جوانانِ پرداخته و ساخته امّت اسلام و اخلاق اسلامى بار آورید. اینها لازم است.» (خامنه‌ای، 1385، ج1،ص90)

موضوع تعامل مسجد و خانواده ریشه در نقش و اهمیت خانواده در تربیت فرزندان دارد. تربیت دینی در محیط خانواده دارای دو شیوه اساسی کلامی و نمادین است که هر یک در تربیت کودک نقش اساسی دارد. به طور خلاصه، به آن‌ها اشاره می‌شود: (سادات، 1368، صص 90-87)

**1.شیوه کلامی:**

منظور از شیوه کلامی (دستوری - بیانی) امر و نهی‌های والدین و دیگر اعضای خانواده است که نسبت به بایدها و نبایدهای دینی کودک صورت می‌گیرد؛ یعنی: به آنچه پدر و مادر در مورد انجام احکام و کارهای دینی به کودک دستور می‌دهند «شیوه کلامی» تربیت گفته می‌شود. این نوع تربیت به نوبه خود، در رشد و شکوفایی حسّ دینی کودک تأثیر فراوان دارد؛ زیرا کودک در دوره کودکی وابستگی کامل به والدین دارد و با دید مثبت به آن‌ها می‌نگرد و هر چه از آنان دریافت کند، می‌پذیرد. گفتارهای والدین، اعم از دستوری و غیر دستوری، حتی سخنان معمولی آن‌ها در شکل گیری رفتار و افکار کودک مؤثر است و چه بسیار سخنان نامناسب و احیاناً دروغ‌‌ها، سرزنش‌ها و تهدیدهایی که در محیط خانه جریان می‌یابد در روح کودک اثر منفی می‌گذارد. بر این اساس، پدر و مادر لازم است درگفتار و دستورات خود به کودک، دقت نمایند تا عامل بدآموزی فرزندانشان نگردد.

**2.شیوه نمادین (عملی):**

به آنچه کودک از اعمال و رفتار والدین و دیگر افراد خانواده یاد می‌گیرد بدون این که دعوتی از او شده باشد، «شیوه نمادین (عملی)» تربیت گفته می‌شود. این گونه یادگیری و تربیت به صورت پنهان صورت می‌گیرد و در شکل گیری شخصیت کودک بسیار مؤثر بوده و در عین حال، دارای دامنه گسترده ای است.

اساساً یکی از شیوه‌های تربیتی انبیاء، تربیت از راه عمل بوده و برای تربیت دینی مردم از آن استفاده می‌کرده اند؛ یعنی: پیش از آن که به مردم دستوری بدهند، خود به آن عمل می‌نمودند و برای مردم الگو قرار می‌گرفتند. بیش‌تر مردم و به ویژه کودکان، از رفتار ظاهری دیگران تقلید می‌کنند و یا پس از مشاهده رفتار آن‌ها دست کم، زمینه تربیت کلامی برایشان فراهم می‌شود. پیامبر اعظم نیز در موارد متعددی، مانند تعلیم نماز و حج، از این شیوه استفاده کردند و فرمودند: «نماز بگزارید، آن گونه که می‌بینید من نماز می‌گزارم.»

استفاده از شیوه غیر کلامی و عملی در تربیت دینی کودک نیز بسیار مؤثر است و باید در این زمینه، از آن بهره گرفت. دوره کودکی دوره وابستگی و اعتماد کامل کودک به والدین است و میزان تأثیرپذیری او از پدر و مادر بسیار عمیق و پابرجاست. از این رو برای تربیت دینی کودک فرصت مناسبی است. بیشترین ارتباط کودک در این دوره با والدین است و ارتباط در تمامی ابعاد پنهان و آشکار و کلامی و غیر کلامی آن زمینه ساز رشد و تحوّل کودک در جنبه‌های روحی و بدنی است. تنها الگوی مورد اعتماد کودک در این دوره، پدر و مادر است و تا آن جا که بتواند، خود را بر اساس رفتارهای آنان منطبق می‌سازد.(عباسی، 1371، ص89)

چشمان ظریف و تیزبین کودک مانند دوربین حسّاس از تمام صحنه‌های زندگی خانواده و به خصوص حرکات و رفتار والدین و دیگر اعضای آن، فیلم برداری می‌کند. از لبخندها، زمزمه‌ها و نوازش‌های والدین درس خوش بینی، امیدواری، اعتماد و محبّت می‌آموزد و به عکس، از تندی‌‌ها، بد رفتاری‌ها و عصبانیت‌های آن‌ها درس تندی و بداخلاقی می‌گیرد. معمولاً کودک سخن گفتن، آداب معاشرت، رعایت نظم یا بی نظمی، امانت داری یا خیانت، راست گویی یا دروغ گویی، خیرخواهی یا بدخواهی را در محیط خانه فرا می‌گیرد. اگر پدر و مادر به دستورات دینی اهمیت دهند، اهل عبادت، نماز، دعا، تلاوت قرآن و توجه به معنویات باشند، بدون شک، بر ابعاد روحی و دینی کودک تأثیر می‌گذارند.( عباسی، 1371، صص 48-47)

به همین دلیل، کودک سه یا چهار ساله هنگام مشاهده نماز والدین به نماز ترغیب می‌شود و مانند آنان به رکوع و سجده می‌رود. فرزندان کوچکی که همراه پدر و مادر به مساجد و حسینیه‌ها رفته در مجالس عزاداری امام حسینq شرکت می‌نمایند و مانند پدر و مادر خود را به حالت گریه در می‌آورند، همه حاکی از تأثیر عملکرد والدین بر رفتار دینی فرزندان است. اظهار این گونه رفتارها از کودک ناشی از تأثیر عمیق رفتار والدین بر جسم و روح اوست که غالباً تبدیل به ملکه می‌شود و تا پایان عمر در او باقی می‌ماند. از میان اعضای خانواده، مادر نقش بیشتری در تربیت کودک دارد؛ چرا که او نخستین کسی است که رابطه ای مستقیم با کودک دارد، نیازهای او را تأمین می‌کند و به خواسته هایش پاسخ می‌گوید. از این رو، کودک از عواطف، احساسات، نگرش‌ها و اندیشه‌های مادر بیش تر متأثر می‌شود و بر این اساس، وظیفه مادر در قبال تربیت دینی کودک سنگین تر است. (کریمی، 1374، ص 113)

تهذیب نفس و پرورش روانی افراد جامعه به ویژه نسل جوان، از اولین مأموریت‌های سازمان‌های فرهنگی در حکومت اسلامی است که این امر با استفاده از ظرفیت‌های بالای نماز و مسجد، به خوبی قابل اجراست. مقام معظم رهبری با تکیه بر لزوم تهذیب نفس و پرورش روانی افراد جامعه و برشمردن ابعاد سه گانه نماز در این جهت می‌فرمایند: «سه خصوصیت عمده در نماز هست که نقش برتر آن را در تهذیب نفس و پرورش روانى انسان‌ها پدید مى‏آورد: نخست این‏که نماز، با شکلى که در اسلام براى آن معین گشته یعنى حرکات و اذکار مخصوص، بطور طبیعى نمازگزار را به دورى از گناه و آلودگى فرا مى‏خواند، دوم آن‏که در او روح پرستش و خضوع در برابر حضرت بارى تعالى را که محبوب حقیقى و فطرى هر انسان است، زنده مى‏کند و غبار فراموشى از این حقیقت درخشنده را که در ژرفاى فطرت او نهاده شده است مى‏سترد. سوم آن‏که به جان و دل نمازگزار، آن آرامش و اطمینانى را که شرط اصلى موفقیت در همۀ عرصه‏هاى زندگى است، هدیه مى‏کند و تزلزل و اضطراب را که مانع بزرگى در راه اقدام مجدانه براى پرورش اخلاقى است، از او دور مى‏سازد. هر یک از سه خصوصیتى که گفته شد در خور آن است که با تدبر و ژرف نگرى دیده و سنجیده شود و از این راه، بسیارى از معارف نماز آشکار خواهد شد.» (خامنه‌ای، 1381، ص 81)

خانواده، علاوه بر تریبت جسمی و علمی افراد بویژه جوانان و نونهالان، پرورش روح و آموزش ایجاد آرامش روانی را نیز بر عهده دارد که نماز و مسجد در ایفای این وظیفه، کمک‌های شایانی به خانواده‌ها می‌نماید و سازمان‌های فرهنگی با ایفای نقش مؤثر خود در این زمینه به بهترین وجه می‌توانند، در مرحلۀاول والدین و به تبع آنها نونهالان و جوانان را به نماز جماعت و مسجد سوق دهند. در این تحقیق به برخی از این نقش‌ها پرداخته می‌شود.

**هـ) نقش سازمان‌های فرهنگی در گرایش خانواده‌ها به نماز جماعت و مسجد:**

**1. روش تحقیق:**

با توجه به موضوع و هدف تحقیق و بر اساس موارد موجود درکتب روش تحقیق، روش این تحقیق پیمایشی می‌باشد. برای تجزیه و تحلیل آماری یافته‌های خام تحقیق از میانگین و آزمون تی استفاده گردید. این امر به دلیل تأیید یا رد فرضیه صفر در هر فرضیه و قدرت بالای این آزمون آماری در انجام چنین کاری صورت گرفته است.جامعه آماری پژوهش فرهنگیان شهرستان نجف آباد می‌باشند.اعضاء جامعه در این تحقیق طبق اطلاعات موجود در آموزش و پرورش شهرستان نجف آباد، 3000 نفر می‌باشد. تعداد افراد نمونه بر اساس جدول مورگان برآورد شده اند که در نتیجه برای یک جامعه 3000 نفری حجم نمونه 340 نفر خواهد شد. برای دستیابی به نظرات نمونه تحقیق و همچنین امکانات محدود محقق، بهترین روش برای جمع آوری این اطلاعات، استفاده از پرسش‌نامه محقق ساخته می‌باشد. برای پنج سؤال موجود که هر کدام پنج متغیر داشته اند، پرسش‌نامه 25 سؤالی طراحی و بین اعضای نمونه توزیع گردید.

**2. سؤالات تحقیق:**

نقش فرهنگی وزارت آموزش و پرورش در گرایش خانواده‌ها به نماز جماعت و مسجد چیست؟

نقش فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در گرایش خانواده‌ها به نماز جماعت و مسجد چیست؟

نقش فرهنگی سازمان صدا و سیما در گرایش خانواده‌ها به نماز جماعت و مسجد چیست ؟

نقش فرهنگی حوزه‌های علمیه در گرایش خانواده‌ها به نماز جماعت و مسجد چیست؟

نقش فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در گرایش خانواده‌ها به نماز جماعت و مسجد چیست ؟

**3.یافته‌های تحقیق:**

**سؤال یک: نقش فرهنگی وزارت آموزش و پرورش در گرایش خانواده‌ها به نماز جماعت و مسجد چیست؟**

برای این سؤال متغیرهای برنامه ریزی برای حضور والدین در نماز جماعت مدارس، تبیین جایگاه نماز و مسجد در زندگی برای والدین به صورت حضوری و مکاتبه ای، مواجه نمودن والدین و دانش آموزان با خانواده‌های موفق در تعامل با مسجد، برگزاری ماهانه نقد و بررسی تأثیر تعامل خانواده و مسجد بر رفتار فردی و اجتماعی دانش آموزان، غنی سازی جلسات آموزش خانواده درباره اهمیت نماز جماعت و عملکرد مسجد از طریق به کارگیری متخصصین و کارشناسان؛ مطرح شده است.

جدول یک، نشان دهنده وضعیت پاسخ اعضای نمونه به متغیرهای مربوط می‌باشد:

**جدول 1: وضعیت پاسخگوئی افراد نمونه به سؤال یک**

|  |  |
| --- | --- |
| **متغیر** | **درصد** |
| **غنی سازی جلسات آموزش خانواده درباره اهمیت نماز جماعت و عملکرد مسجد از طریق به کارگیری متخصصین و کارشناسان** | **90** |
| **تبیین جایگاه نماز و مسجد در زندگی برای والدین به صورت حضوری و مکاتبه ای** | **86** |
| **برگزاری ماهانه نقد و بررسی تأثیر تعامل خانواده و مسجد بر رفتار فردی و اجتماعی دانش آموزان** | **85** |
| **مواجه نمودن والدین و دانش آموزان با خانواده‌های موفق در تعامل با مسجد** | **81** |
| **برنامه ریزی برای حضور والدین در نماز جماعت مدارس** | **78** |

تحلیل آماری یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، غنی‌سازی جلسات آموزش خانواده دربارۀ اهمیت نماز جماعت و عملکرد مسجد از طریق به کارگیری متخصصین و کارشناسان، مهم ترین نقش در گرایش خانواده‌ها به نماز جماعت و مسجد از سوی آموزش و پرورش به حساب می‌آید و در مجموع 84 درصد اعضای نمونه، نقش‌های فرهنگی آموزش و پرورش در این زمینه را مهم می‌دانند.

**سؤال دو: نقش فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در گرایش خانواده‌ها به نماز جماعت و مسجد چیست؟**

برای این سؤال متغیرهای بهره‌گیری از امکانات سمعی و بصری خصوصاً اینترنت، کتب و نشریات و برگزاری گردهمایی‌ها در داخل و خارج از کشور، ارسال رایگان کتب و نشریات مربوط به نماز جماعت و مسجد به مراکز فرهنگی، ایجاد و توسعه و حمایت از مؤسسات فرهنگی مؤثر در تعامل خانواده و مسجد، انجام مطالعات و تحقیقات پیرامون عوامل مؤثر بر جذب خانواده‌ها به نماز جماعت و مسجد و استفاده از نتایج حاصل در برنامه ریزی‌های فرهنگی، شناسایی و حمایت از مؤلفان و ناشرانی که به تألیف و چاپ کتاب در زمینه گسترش فرهنگ نماز جماعت و مسجد در بین خانواده‌‌ها، اشتغال دارند؛ مطرح شده است.

جدول دو، نشان دهنده وضعیت پاسخ اعضای نمونه به متغیرهای مربوط می‌باشد:

**جدول ۲: وضعیت پاسخگوئی افراد نمونه به به سؤال دو**

|  |  |
| --- | --- |
| **متغیر** | **درصد** |
| **انجام مطالعات و تحقیقات پیرامون عوامل مؤثر بر جذب خانواده‌ها به نماز جماعت و مسجد و استفاده از نتایج حاصل در برنامه ریزی‌های فرهنگی** | **82** |
| **بهره‌گیری از امکانات سمعی و بصری خصوصاً اینترنت، کتب و نشریات و برگزاری گردهمایی‌ها در داخل و خارج از کشور** | **81** |
| **ایجاد، توسعه و حمایت از مؤسسات فرهنگی مؤثر در تعامل خانواده و مسجد** | **78** |
| **ارسال رایگان کتب و نشریات مربوط به نماز جماعت و مسجد به مراکز فرهنگی** | **77** |
| **شناسایی و حمایت از مؤلفان و ناشرانی که به تألیف و چاپ کتاب در زمینه گسترش فرهنگ نماز جماعت و مسجد در بین خانواده‌ها اشتغال دارند** | **72** |

تحلیل آماری یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، انجام مطالعات و تحقیقات پیرامون عوامل مؤثر بر جذب خانواده‌ها به نماز جماعت و مسجد و استفاده از نتایج حاصل در برنامه ریزی‌های فرهنگی مهم ترین نقش فرهنگی در گرایش خانواده‌ها به نماز جماعت و مسجد از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به حساب می‌آید و در مجموع 78درصد اعضای نمونه، نقش‌های فرهنگی وزارت فرهنگ وارشاد اسلامی در این زمینه را مهم و مؤثر می‌دانند.

**سؤال سه : نقش فرهنگی سازمان صدا و سیما در گرایش خانواده‌ها به نماز جماعت و مسجد چیست ؟**

برای این سؤال متغیرهای تهیه و پخش فیلم‌های سینمایی، پویانمایی و... مناسب جهت مقاطع سنی مختلف در راستای ترویج نماز جماعت و مسجد، ساخت برنامه‌هایی که نتایج نماز جماعت و ارتباط با مسجد را به صورت ترویجی و با شیوه ای جذاب انعکاس دهد، ساخت برنامه‌هایی در خصوص آشنا سازی خانواده‌ها با تأثیر نماز جماعت و مسجد بر عملکرد اعضای خانواده بویژه جوانان و نوجوانان، برگزاری مسابقاتی در خصوص آشنائی با فواید نماز جماعت و مسجد، تصحیح نگرش برنامه‌های صدا و سیما از رویکرد مادی گرائی به معنویت و نماز جماعت؛ مطرح شده است.

جدول سه نشان دهنده وضعیت پاسخ اعضای نمونه به متغیرهای مربوط می‌باشد:

**جدول ۳: وضعیت پاسخگوئی افراد نمونه به به سؤال سه**

|  |  |
| --- | --- |
| **متغیر** | **درصد** |
| **ساخت برنامه‌هایی در خصوص آشنا سازی خانواده‌ها با تأثیر نماز جماعت و مسجد بر عملکرد اعضای خانواده بویژه جوانان و نوجوانان** | **84** |
| **تصحیح نگرش برنامه‌های صدا و سیما از رویکرد مادی گرائی به معنویت و نماز جماعت** | **82** |
| **تهیه و پخش فیلم‌های سینمایی، پویانمایی و... مناسب جهت مقاطع سنی مختلف در راستای ترویج نماز جماعت و مسجد** | **81** |
| **ساخت برنامه‌هایی که نتایج نماز جماعت و ارتباط با مسجد را به صورت ترویجی و با شیوه ای جذاب انعکاس دهد** | **80** |
| **برگزاری مسابقاتی در خصوص آشنایی با فواید نماز جماعت و مسجد** | **78** |

تحلیل آماری یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، ساخت برنامه‌هایی در خصوص آشنا سازی خانواده‌ها با تأثیر نماز جماعت و مسجد بر عملکرد اعضای خانواده بویژه جوانان و نوجوانان، مهم ترین نقش فرهنگی در گرایش خانواده‌ها به نماز جماعت و مسجد از سوی سازمان صدا و سیما به حساب می‌آید و در مجموع 81 درصد اعضای نمونه، نقش‌های صدا و سیما در این زمینه را مهم و مؤثر می‌دانند.

**سؤال چهار : نقش فرهنگی حوزه‌های علمیه در گرایش خانواده‌ها به نماز جماعت و مسجد چیست؟**

برای این سؤال متغیرهای احیای مفاهیم قرآنی و تفسیر روشن آیات مربوط به نماز جماعت و مسجد، تفسیر و تشریح روشن و دقیق روایات و احادیث مربوط به نماز جماعت و مسجد، تبیین سیره پیامبر اعظم و ائمه اطهار در زمینه نماز جماعت و مسجد، گنجاندن معیارهای اسلامی و قرآنی نماز جماعت و مسجد در آموزش طلاب، استخراج راهکارهای گرایش به نماز جماعت و مسجد از مباحث اخلاق و رفتار اجتماعی و فردی در اسلام؛ مطرح شده است.

جدول چهار نشان دهنده وضعیت پاسخ اعضای نمونه به متغیرهای مربوط می‌باشد:

**جدول 4: وضعیت پاسخگوئی افراد نمونه به سؤال چهار**

|  |  |
| --- | --- |
| **متغیر** | **درصد** |
| **تبیین سیره پیامبر اعظم و ائمه اطهار** **در زمینه نماز جماعت و مسجد** | **74** |
| **احیای مفاهیم قرآنی و تفسیر روشن آیات مربوط به نماز جماعت و مسجد** | **72** |
| **استخراج راهکارهای گرایش به نماز جماعت و مسجد از مباحث اخلاق اجتماعی و فردی در اسلام** | **71** |
| **تفسیر و تشریح روشن و دقیق روایات و احادیث مربوط به نماز جماعت و مسجد** | **70** |
| **گنجاندن معیارهای اسلامی و قرآنی نماز جماعت و مسجد در آموزش طلاب** | **68** |

تحلیل آماری یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، تبیین سیره پیامبر اعظم و ائمه اطهار در زمینه نماز جماعت و مسجد مهم ترین نقش فرهنگی در گرایش خانواده‌ها به نماز جماعت و مسجد از سوی حوزه علمیه به حساب می‌آید و در مجموع 71 درصد اعضای نمونه، نقش‌های حوزه علمیه در این زمینه را مؤثر می‌دانند.

**سؤال پنج: نقش فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در گرایش خانواده‌ها به نماز جماعت و مسجد چیست ؟**

برای این سؤال متغیرهای در نظر گرفتن مجموعه مباحثی از نماز جماعت و مسجد در سرفصل‌های دروس دانشگاهی تمامی رشته‌ها به منظور آشنایی تخصصی جوانان با این موضوع، تهیه و ارائه اولویت‌های پژوهشی مطالعات راهبردی تعامل خانواده و مسجد برای موضوعات پایان نامه‌های رشته‌های علوم انسانی بصورت فراخوان به دانشگاه‌‌ها، شناسایی استعدادهای درخشان در رشته‌های مختلف علمی و معرفی آنها به مراکز تحقیقاتی جهت بهره‌گیری از قابلیت آنها در مطالعات راهبردی تعامل خانواده و مسجد در کشور، برنامه ریزی برای جذب متخصصان و صاحب‌نظران ایرانی داخل و خارج از کشور جهت تبیین علمی گرایش خانواده‌ها به نماز جماعت و مسجد، هماهنگی برنامه‌های فرهنگی نماز جماعت و مسجد در دانشگاه‌ها و مراکز علمی- پژوهشی با نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها؛ مطرح شده است.

جدول پنج نشان دهنده وضعیت پاسخ اعضای نمونه به متغیرهای مربوط می‌باشد:

**جدول 5: وضعیت پاسخگوئی افراد نمونه به سؤال پنج**

|  |  |
| --- | --- |
| **متغیر** | **درصد** |
| **تهیه و ارائه اولویت‌های پژوهشی مطالعات راهبردی تعامل خانواده و مسجد برای موضوعات پایان نامه‌های رشته‌های علوم انسانی بصورت فراخوان به دانشگاه ها** | **78** |
| **در نظر گرفتن مجموعه مباحثی از تعامل خانواده و مسجد در سرفصل‌های دروس دانشگاهی تمامی رشته‌ها به منظور آشنایی تخصصی جوانان با این موضوع** | **76** |
| **برنامه ریزی برای جذب متخصصان و صاحب‌نظران ایرانی داخل و خارج از کشور جهت تبیین علمی گرایش خانواده‌ها به نماز جماعت و مسجد** | **75** |
| **شناسایی استعدادهای درخشان در رشته‌های مختلف علمی و معرفی آنها به مراکز تحقیقاتی جهت بهره‌گیری از قابلیت آنها در مطالعات راهبردی تعامل خانواده و مسجد در کشور** | **74** |
| **هماهنگی برنامه‌های فرهنگی نماز جماعت و مسجد در دانشگاه‌ها و مراکز علمی-پژوهشی با نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها** | **72** |

تحلیل آماری یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، تهیه و ارائه اولویت‌های پژوهشی مطالعات راهبردی تعامل خانواده و مسجد، برای موضوعات پایان نامه‌های رشته‌های علوم انسانی بصورت فراخوان به دانشگاه‌ها مهم ترین نقش فرهنگی در گرایش خانواده‌ها به نماز جماعت و مسجد از سوی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به حساب می‌آید و در مجموع 75 درصد اعضای نمونه، نقش‌های این وزارتخانه در این زمینه را مهم و مؤثر می‌دانند.

**و) نتیجه گیری و پیشنهادات :**

از بین نهادهای فرهنگی یاد شده در این تحقیق، ترتیب زیر نشان دهنده اهمیت آنها می‌باشد.

|  |  |
| --- | --- |
| **عنوان** | **درصد** |
| **وزارت آموزش و پرورش** | **84** |
| **صدا و سیما** | **81** |
| **وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی** | **78** |
| **وزارت علوم، تحقیقات و فناوری** | **75** |
| **حوزه علمیه** | **71** |

**اولویت بندی نهادهای فرهنگی مؤثر در گرایش خانواده‌ها به نماز جماعت و مسجد**

|  |  |
| --- | --- |
| **عنوان** | **درصد** |
| **وزارت آموزش و پرورش** | **84** |
| **صدا و سیما** | **81** |
| **وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی** | **78** |
| **وزارت علوم، تحقیقات و فناوری** | **75** |
| **حوزه علمیه** | **71** |

جدول بالا نشان می‌دهد نقش‌های فرهنگی مربوط به حیطه وظایف وزارت آموزش و پرورش مهم ترین نقش‌ها بوده است و پس از آن نقش‌های مربوط به حیطه وظایف صدا و سیما، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت علوم و تحقیقات وفناوری و حوزه علمیه در این رده بندی قرار می‌گیرند.

برای تحقق یافتن نقش‌های تربیتی مؤثر در گرایش خانواده‌ها به نماز و مسجد، پیشنهاد می‌گردد:

**وزارت آموزش و پرورش:**

آموزش و پرورش از جمله نهادهای بسیار مهم در زمینه ایجاد و نهادینه نمودن نقش‌های تربیتی نماز و مسجد در بین کودکان، نوجوانان و جوانان است. از آنجا که این نهاد مهم تربیت و آموزش نسل آینده را به عهده دارد شایسته است که به تربیت و آماده سازی این قشر عظیم در راستای فرهنگ اسلامی بپردازد. ناگفته نماند که آموزش و پرورش در چند سال اخیر فعالیت‌های زیادی را در زمینه گسترش موضوع نمازجماعت آغاز کرده است، اما این امر باید به صورت ریشه ای و گسترده تر ترویج شود و برنامه و راهکار ارائه شود. بدین منظور این نهاد مهم تربیتی و فرهنگی می‌بایست؛ این مهم را با هدف راهبردی در برنامه هایش در نظر گرفته و پیاده کند. از جمله مواردی که می‌بایست به آن توجه کند بدین شرح است:

**1. آموزش خانواده**

خانواده سهم اصلی و مهمی را در تربیت فرزندان به عهده دارد و با توجه به پیوند و ارتباط اولیا و مربیان، خانواده‌ها می‌توانند کمک بزرگی در عملیاتی کردن برنامه‌های آموزش و پرورش در زمینه گسترش نماز جماعت و ارتباط با مسجد داشته باشند.

تعلیم خانواده‌ها جهت تربیت فرزندان بر مدار نماز و مسجد. در همین راستا می‌توان به راهکارهای ذیل اشاره کرد:

برگزاری جلسات آشنایی با نماز و مفاهیم آن در مدارس؛

تشویق فرزندان با هدایای حاوی مطالب نماز جماعت مانند: کتاب، لوح فشرده و برچسب‌های تشویق و لوازم التحریر؛

ایجاد عادات خوب در فرزندان از جمله شرکت در نماز جماعت مدارس و مساجد.

آموزش فرزندان در مجامع فامیلی و دوستانه: مجامع و مجالس گفتگوهای فامیلی می‌تواند محملی مناسب برای آموزش ارزش‌های فرهنگی و اخلاقی چون نماز جماعت و... باشد. اقوام و خویشان می‌توانند به هر بهانه ای به دور از هر گونه حب و بعض دور هم جمع شده و به جای صحبت‌های لغو و یا غیبت از دیگر اعضای فامیل با برگزاری جلسات با نشاط گفتگو خصوصاً محافل فرهنگی و اخلاقی، این صفات نیکو را در فرزندان خود پرورش دهند. خانواده‌ها می‌توانند در محافل و مجالس میهمانی‌های‌شان مقرر کنند که مثلاً هفته ای یک بار به صورت دوره ای به دعوت هر یک از فامیل و دوستان جلسات بررسی و ارزیابی نماز جماعت و آثار آن را برگزار نمایند. فایده این جلسات این است که علاوه بر دید و بازدید و انجام سنت پسندیده صله رحم، مجموعۀ مفیدی از مطالب اخلاقی و فرهنگی را هم خود و هم فرزندانشان می‌آموزند.

تهیه کتابخانه‌ای با کتاب‌هایی در خصوص نماز جماعت و مسجد با توجه به مقاطع سنی فرزندان به منظور بالا بردن فرهنگ کتاب‌خوانی.

**صدا و سیما:**

صدا و سیما از با اهمیت ترین نهادهای تربیتی کشور است به طوری که عضوی فعال از اعضای خانواده به شمار می‌آید و حضوری دائمی در خانه‌ها دارد. از طرفی «چشم و گوش حساس کشور است» (ماده 15- قانون خط مشی کلی و اصول برنامه‌های صدا و سیما- مصوب 1361 مجلس شورای اسلامی) و پل ارتباطی میان دیگر ارگان‌ها و مسئولین کشور با مردم است. لذا به نظر می‌رسد مسئولیتی خطیر نسبت به دیگر نهادها به عهده داشته باشد و بتواند بار بیشتری از این مهم را به دوش کشد.

از آنجا که مسائل خبری و تهیه برنامه‌های تربیتی، آموزشی و تبلیغی از جمله وظایف صدا و سیما است، لذا باید در انعکاس اخبار و انتقال فرهنگ نماز جماعت و مسجد به موارد ذیل توجه کند:

**1. برنامه‌های اجتماعی**

ساخت برنامه‌های مستند مرتبط با آثار نماز جماعت و مسجد.

تهیه و پخش فیلم‌های سینمایی، پویانمایی و... مناسب جهت مقاطع سنی مختلف در راستای ترویج فرهنگ نماز جماعت و مسجد.

**2. برنامه‌های آموزشی**

از آنجا که هر آنچه در دوران کودکی فرا گرفته می‌شود در ذهن کودک همچون نقش بر سنگ است؛ می‌بایست در زمینۀ آشنایی خانواده‌ها از تأثیر فرهنگ نماز جماعت و مسجد برنامه‌هایی را تدارک دید:

برنامه‌هایی در خصوص آشنایی تمامی اقشار جامعه با نماز جماعت و مسجد.

فیلم‌های انیمیشن در خصوص معرفی آثار نماز جماعت و مسجد.

برگزاری مسابقات مربوط به نماز جماعت و حضور در مسجد برای کودکان و نوجوانان

تولید و پخش میان برنامه‌های متعدد، متنوع و جذاب مربوط به آثار نماز جماعت و حضور در مسجد جهت پخش در همه شبکه‌های رسانه ای.

**3. برنامه‌های تربیتی و اخلاقی**

از جمله موانع گسترش فرهنگ نماز جماعت و مسجد، مرگ ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی در جامعه است. سازمان صدا و سیما می‌تواند نسبت به تهیه برنامه‌های ذیل اقدام نماید:

ساخت برنامه‌هایی که نتایج نماز جماعت و مسجد را به صورت ترویجی و با شیوه ای جذاب انعکاس دهد.

ساخت برنامه‌هایی که آثار دنیوی و اخروی نماز جماعت و حضور در مسجد را به نمایش بگذارد.

جلوگیری از نمایش فیلم‌های مخالف فرهنگ اسلامی و نماز.

برنامه‌هایی در خصوص بررسی آثار نماز جماعت و حضور در مسجد با استفاده از مفاهیم قرآن، نهج البلاغه، صحیفه سجادیه و ادعیه و زیارات.

**4. برنامه‌های فرهنگی**

نحوه عملکرد و تأثیر روزافزون فرهنگ بیگانه در زمان ما یکی از عوامل زمینه سازی بروز ناهنجاری‌ها و اعمال مخالف با ارزش‌های دینی و اسلامی است که این خود نمونه ای از موانع گسترش فرهنگ نماز جماعت و مسجد است. برخی از برنامه‌های پیشنهادی در این خصوص عبارتند از:

ساخت برنامه‌هایی در خصوص آشنا سازی مخاطبان خصوصاً نسل جوان با فرهنگ غنی اسلامی در زمینه آثار نماز جماعت و حضور در مسجد.

ساخت فیلم، تئاتر و مستندسازی در خصوص ارتباط تهاجم فرهنگی، نماز جماعت و مسجد.

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی:

از جمله اهداف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی رشد فضایل اخلاقی، استقلال فرهنگی و مصونیت جامعه از نفوذ فرهنگ اجانب، اعتلای آگاهی‌های عمومی در زمینه‌های مختلف؛ از طرف دیگر رواج فرهنگ اسلامی در جامعه است. لذا این نهاد به عنوان سرخرگ حیاتی فرهنگ کشور می‌تواند کمک شایانی در تمهید شرایط گسترش نماز جماعت و حضور در مسجد نماید. برخی راهکارهایی که می‌تواند در این راستا طراحی و پیگیری شود از این قرارند:

1. شناساندن آثار نماز جماعت و حضور در مسجد از طریق:

بهره‌گیری از امکانات سمعی و بصری خصوصاً اینترنت، کتب و نشریات و برگزاری گردهمایی‌ها در داخل و خارج از کشور.

ارسال رایگان کتب و نشریات مربوط به نماز جماعت و مسجد به مراکز فرهنگی.

2. مطالعه و تحقیق در زمینه تبلیغات رسانه‌های جهانی و کشف روش‌های عملکرد آنان و اتخاذ شیوه مقابله با آنان در جهت پیشگیری از موانع گسترش نماز جماعت و حضور در مسجد. مصداق بارز این موانع تهاجم فرهنگی است. در همین راستا باید سیاست‌هایی از این دست اتخاذ شود:

جلوگیری ازترویج فرهنگ و اندیشه غربی، چرا که فرهنگ غربی، فرهنگی است با قدمتی کمتر از حدود یک سوم عمر فرهنگ اسلامی که به طور جدی تمامی ابعاد و عرصه‌های فرهنگ اسلامی را به همآورد طلبیده و با استمداد از زر و زور و تزویر سلطه‌ای بسان کف روی آب بر جهان یافته است. نهادهای فرهنگی مسلمان باید با طی طریق در همان مسیر مقابله با فرهنگ غرب در تمامی عرصه‌ها همت گمارند.

نظارت بر ورود و خروج وسایل سمعی و بصری، آثار هنری، مطبوعات و نشریات و کلیه موارد تبلیغی و فرهنگی و تجاری.

3. نظارت کامل بر فعالیت مطبوعات و نشریات کشور

جایگاه مطبوعات در جامعه به لحاظ اطلاع رسانی، جهت دهی و تنویر افکار عمومی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. وظیفه این نهاد نسبت به دیگر نهادها خصوصاً در ترویج اندیشه‌های غرب زده و تهاجم فرهنگی خطیر است. لذا می‌بایست در فعالیت‌های خود نهایت دقت را مبذول نماید. در این راستا وظیفه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی چنین است:

تمرکز و بررسی اخبار و اطلاعات مربوط به نماز جماعت و مسجد جهت آسیب شناسی موضوعی و اتخاذ روش مقابله با آنان.

نظارت بر فعالیت مطبوعات کشور خصوصاً هفته نامه‌های اجتماعی برای جلوگیری از ترویج فرهنگ ابتذال و جریان‌های مخالف با فرهنگ نماز و مسجد.

4. تهیه آمار دقیق از کتاب‌های چاپ شده در زمینه نماز و مسجد و دسته بندی موضوعی آنان جهت انتشار و ارائه به مؤسسات فرهنگی کشور.

5. ایجاد و توسعه و حمایت از مؤسساتی که در زمینه فرهنگ نماز جماعت و حضور در مسجد فعالیت می‌کنند و تعیین وظایف و فعالیت‌های آنان.

6. همکاری با مراکز اسلامی و فرهنگی سایر کشورها خصوصاً کشورهای اسلامی به منظور:

اشاعه فرهنگ نماز جماعت و مسجد در سطح جهان اسلام.

اتخاذ تدابیر مشترک در جهت مقابله با آسیب‌های مادی مخالف فرهنگ نماز و مسجد و نحوه مقابله با آنها.

7. انعقاد قرارداد در زمینه مبادله دستاوردهای نماز جماعت و فعالیت مساجد و همکاری مشترک در انجام طرح‌های مربوط در حوزه‌های هنری، سینمایی، جهانگردی، خبری و مطبوعاتی.

8. ایجاد شبکه جهانی با همکاری سازمان‌های منطقه ای اسلامی جهت ترویج فرهنگ نماز جماعت و مسجد.

9. هر نوع بهره برداری از تأسیسات ایرانگردی و جهانگردی جهت ترویج نماز جماعت و مسجد.

ارائه نشریات و کتاب‌های جذاب و کارشناسی شده در زمینه نماز جماعت و حضور در مسجد به صورت رایگان در اماکن دیدنی به مسافران.

تهیه بروشورهایی در خصوص شناخت تأثیر نماز جماعت و حضور در مسجد و آثار چاپ شده در این مورد و توزیع آن در تمامی اماکن دیدنی جهت ارائه به مسافران.

10. تقویت روح تحقیق و تتبع و ابتکار در زمینه‌های نماز و مسجد از طریق:

شناسایی محققان نخبه در زمینه نماز جماعت و مسجد و گرامی داشت شخصیت‌های محقق این حوزه جهت تشویق، حمایت و انتشار آثار مربوط به آنان.

حمایت از طرح‌های پژوهشی با موضوع نماز جماعت و مسجد.

در نظر گرفتن فضایی اختصاصی در تمام کتابخانه‌های عمومی کشور در حوزه نماز و مسجد.

11. نظارت و پیگیری مستمر بر فعالیت‌های مخالف نماز جماعت و مسجد برای جلوگیری از تبلیغات سوء در جهت گرایش جوانان به این فعالیت ها.

12. چاپ و انتشارات:

شناسایی و حمایت از مؤلفان و ناشرانی که به تألیف و چاپ کتاب در زمینه نماز و مسجد اشتغال دارند و اختصاص دادن تسهیلات ویژه ای به آنها در نمایشگاه بین المللی کتاب و دیگر عرصه ها.

اختصاص دادن غرفه ای به آثارمربوط به نماز و مسجد از ناشران مختلف.

حمایت از نویسندگان در زمینه نماز و مسجد جهت چاپ، خرید و توزیع آثار آنها.

13. حمایت از مؤسسات، کانون‌ها و تولیدکنندگان آثار سمعی و بصری در زمینه نماز و مسجد.

14. حمایت از همایش‌های ترویجی نماز جماعت و حضور در مسجد.

15. تحقیق درباره اثرات وسایل ارتباط جمعی و سنجش میزان تأثیر برنامه‌ها و آثار تولید شده در خصوص نماز جماعت و مسجد در افکار عمومی با همکاری دستگاه‌های مربوط.

16. انجام مطالعات و تحقیقات پیرامون فرهنگ عمومی در زمینه نماز جماعت و حضور در مسجد و استفاده از نتایج حاصله در برنامه ریزی‌های فرهنگی در جهت بهبود کیفی و کمی امور محول شده.

17. تنظیم سیاست‌های کلی در خصوص مطالعات راهبردی نماز و مسجد، خصوصاً آسیب‌ها و آفات و موانع گسترش این فرهنگ و ارائه آنها به نهادهای مختلف.

**وزارت علوم، تحقیقات و فناوری:**

آموزش و پرورش که در مقطعی به آموزش و تربیت دینی کودکان و نوجوانان و نهادینه کردن ارزش‌های اخلاقی و اسلامی اهتمام دارد، در مقطعی دیگر این سرمایه عظیم و جوان را به وزارت علوم می‌سپارد تا در دانشگاه‌های کشور، دانش آموختگانی مسلمان، متعّهد، متخلّق، با هویت و آماده به خدمت پرورش دهد. برخی از نقش‌های مربوط به گسترش نماز جماعت و حضور در مسجد که می‌تواند در این نهاد پی گیری شوند عبارتند از:

1. در نظر گرفتن مجموعه مباحثی از نماز و مسجد در سرفصل‌های دروس دانشگاهی تمامی رشته‌ها به منظور آشنایی تخصصی جوانان.

2. برگزاری همایش‌ها و سلسله نشست‌های تخصصی در خصوص نماز جماعت و مسجد در دانشگاه‌های سراسر کشور.

3. تهیه و ارائه اولویت‌های پژوهشی مطالعات راهبردی نماز و مسجد برای موضوعات پایان نامه‌های رشته‌های علوم انسانی بصورت فراخوان به دانشگاه‌های سراسر کشور.

4. برنامه ریزی برای شناسایی استعدادهای درخشان و معرفی آنها به مراکز تحقیقاتی جهت بهره‌گیری از قابلیت و استعداد آنها در مطالعات راهبردی نماز و مسجد در کشور.

5. برنامه ریزی برای استفاده از نتایج و دستاوردهای مطالعات علوم انسانی و پایان نامه‌های دانشجویان جهت کاربرد در پیشگیری و مقابله با موانع گسترش فرهنگ نماز و مسجد.

6. برنامه ریزی برای جذب متخصصان ایرانی داخل و خارج از کشور برای بررسی راه‌های علمی گرایش خانواده‌ها به نماز جماعت و مسجد.

7. ایجاد فرصت و امکان برخورد سالم اندیشه‌ها و گسترده نمودن پژوهش در زمینه نماز جماعت و مسجد به منظور جلوگیری از تهاجم فرهنگی.

**- حوزه علمیه:**

روحانیت در نظام اسلامی از جایگاه ویژه ای برخوردار است و در واقع یکی از عناصر اصلی مولد فرهنگ دینی است. حوزه‌های علمیه و روحانیان به عنوان پل ارتباطی دولت و مردم می‌توانند نقش تربیتی مهمی در گسترش فرهنگ نماز جماعت و مسجد ایفا نمایند خصوصاً پایگاه مرکز حوزه‌های علمیه که در شهر مقدس قم است می‌بایست تلاش بیشتری نماید.

1. آموزش تخصصی طلبه‌ها جهت شناخت آثار نماز جماعت و حضور در مسجد و تبلیغ آن در جامعه.

2. آموزش طلبه‌ها به عنوان تبیین گر مکتب اسلام و مرزبانی از احکام و قوانین دینی و تعمیق فرهنگ دینی جهت پیشگیری از عمل نکردن به احکام و دستورات قرآن در زمینه نماز و مسجد.

3. آموزش طلبه‌ها همگام با تحولات روز و تجهیز به فناوری اطلاعات از طریق :

- آشنایی با اینترنت و زبان‌های خارجی.

- برگزاری کارگاه‌ها و نشست‌های تخصصی در خصوص تعیین راهبرد دقیق و هدفمند در راستای پیشگیری و مقابله با موانع گسترش فرهنگ نماز و مسجد.

4. حفظ وحدت حوزه و دانشگاه با تعامل و بهره‌گیری از توانایی یکدیگر برای گسترش فرهنگ نماز جماعت و مسجد.

5. تربیت خطیبان مخلص و صالح برای تفهیم اهمیت وآثار نماز جماعت در مساجد جهت:

- تبیین سیره پیامبر اعظم و ائمه اطهار در زمینه نماز جماعت و اهمیت مسجد.

- احیای مفاهیم قرآنی و تفسیر روشن آیات مربوط به نماز جماعت و مسجد.

- تفسیر و تشریح روشن و دقیق روایات و احادیث مربوط به نماز جماعت و مسجد.

**منابع و ماخذ :**

اسدی، علی، فرهنگ پذیری در آیینة روایات، پایان نامة کارشناسی ارشد مؤسسة امام خمینی، 1380.

افروغ، عماد، فرهنگ شناسی و حقوق فرهنگی، چاپ اول، تهران: موسسه فرهنگ و دانش، 1379.

الوانى، سیدمهدى، مدیریت عمومى، تهران: نشر نى، 1374.

امینی، ابراهیم، آیین تربیت، قم : انتشارات اسلامی، 1379.

باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران: انتشارات مدرسه، 1379.

بخشنده، فرهاد، اصول طراحی برنامه های فرهنگی، تهران : نشر تیراژه، 1381.

پارسا، محمد، روان‌شناسی کودک و نوجوان، تهران: انتشارات بعثت، 1368.

جعفری، محمد تقی، فرهنگ پیرو فرهنگ پیشرو، تهران : انتشارات علمی فرهنگی، 1373.

خامنه ای، سید علی، فرهنگ و تهاجم فرهنگى برگرفته از سخنان مقام معظم رهبرى، تهران: سازمان مدارك فرهنگى انقلاب اسلامى، 1373.

خامنه ای، سیدعلی، مجموعه پیام ‏هاى مقام معظم رهبرى به اجلاس‏هاى سراسرى نماز، تهران: ستاد اقامه نماز، 1381.

خامنه ای، سید علی، حدیث ولایت، تهران : سازمان تبلیغات اسلامی، 1385.

دشتی، محمد، مسئولیت تربیت، قم: انتشارات نهج البلاغه، 1378.

دلشاد تهرانی، مصطفی، دولت مهدی، سیرت مهدی، چاپ پنجم، تهران: دریا، 1382.

سادات، محمدعلی، اخلاق اسلامی. تهران: انتشارات سمت، 1368.

سازمان امور ادارى و استخدامى كشور، اصول و مبانى مدیریت اسلامى، تهران، 1369.

سمنانى، غلامرضا، تحلیلى از مدیریت اسلامى در پنج سال حكومت علی، قم : نشر بوستان، 1380.

شاکری نیا، ایرج، دین، نیاز دیروز، امروز و فردای انسان، مقاله ارائه شده در همایش دین و دنیا از منظر امام علی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، 1379.

عباسی، مصطفی، نقش اسوه ها در تعلیم و تربیت، تهران : سازمان تبلیغات اسلامی، 1371.

کریمی، عبدالعظیم، تربیت دینی، تهران: انتشارات قدیانی، 1374.

لودین، شهین، اصول مدیریت از دیدگاه قرآن و احادیث، مشهد : نشر واسع، 1380.

مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام. تهران: انتشارات صدرا، 1374.

مطهرى، مرتضى، مجموعه آثار، جلد سوم، تهران: انتشارات صدرا، 1380.

مظلومی، رجبعلی، گامی به سوی تربیت، تهران: نشر آفاق، 1364.

منصورى لاریجانى، اسماعیل، مدیریت اسلامى، تهران: انتشارات سمت، 1382.

**راهبردها و راهکارهای علمی و عملی جذب جوانان به مسجد**

**داریوش عشقی[[19]](#footnote-19)**

**چکیده**

جوانان به عنوان آینده سازان جامعه اسلامی از بزرگ ترین سرمایه‌های این کشور به شمار می‌روند و تلاش در جهت توسعه آگاهی‌های دینی آنان از اهمیت به سزایی برخوردار است. اگر میزان معرفت جوانان به آموزه‌های دینی و زلال معارف دین از رشد و نمو مطلوبی بهره مند باشد، شخصیت دینی آنان به گونه ای شایسته شکل خواهند گرفت و هنگام ورود به جامعه اسلامی تأثیر به سزایی در آن جامعه پدید خواهند آورد، اما اگر خدای ناکرده از تربیت لازم برخوردار نباشند زمینه اصلاح جامعه فراهم نخواهند شد. یکی از مکان‌هایی که می‌تواند شخصیت جوان را مطابق آموزه‌های دینی بارور سازد و روح خداجویی و عدالت خواهی را در اعماق وجود آنان ریشه دار سازد مسجد می‌باشد که کانون انسانی سازی است.

در تأثیرگذاری و قابلیت مسجد در ارتقاء و آموزش‌های دینی تردیدی وجود ندارد اما نکته ای که اینجا باید مورد توجه قرار گیرد حضور جوانان در مسجد است، که با وجود تبلیغات گستردۀدشمنان اسلام و موانع موجود در مدیریت مساجد، امری سخت، اما اجرایی است.

پس لازم است راهکارهای جذب جوانان و هدایت آنان به مساجد شناسایی شده و مورد اهتمام قرار گیرد تا رفته رفته زمینه‌های حضور فعال تر جوانان در مساجد فراهم شود. در این یادداشت تلاش گردیده تا به مهم ترین این راهکارها بپردازد.

برای این هدف ابتدا مقدمه ای در تبیین و توصیف موضوع آورده، سپس به شیوه‌ها و راهکارهای عملی جذب جوانان به مسجد از قبیل نوع طراحی مسجد، هیئت امنای مسجد، امام جماعت، برنامه‌های فرهنگی-هنری مسجد، خانواده، مدرسه و دیگر عوامل پیوند دهندۀ میان مسجد و جوانان (همراه با آسیب شناسی علل ایجاد فاصله بین مسجد و جوانان) پرداخته شده و در پایان مقاله بخش نتیجه گیری ومنابع و مآخذ آورده شده است.

مساجد آنگاه خواهند توانست نقش تاریخی خود را در تربیت دینی، عبادی، اجتماعی، فرهنگی وسیاسی ایفا کنند که بتوانند مخاطبان خود، به خصوص نسل نوجوان و جوان را جذب و حفظ نمایند.تقویت مساجد از نظر امکانات ظاهری مانند رسیدگی به ساختمان مسجد، تغییر در معماری مسجد، نظافت و امکانات گرمازا و سرمازا، افزودن بر جاذبه‌های مسجد مانند برگزاری کلاس‌های هنری و علمی در رشته‌های گوناگون، برگزاری اردوهای سیاحتی و زیارتی، نمایش فیلم و اجرای تئاتر و مانند آن با رعایت موازین اسلامی، تأسیس مکان‌های ورزشی و دعوت از مربیان مجرّب برای آموزش، دقت درانتخاب امام جماعت مسجد با ویژگیهای خاص (خوش رفتاری با جوانان، برخورداری از تقوای کافی، توانایی علمی و...)، طولانی نشدن نمازهای جماعت، تشکیل و تقویت کتابخانۀ مناسب برای مسجد، برگزاری مسابقات کتابخوانی، قصه نویسی، بیان لطافت‌ها و ظرافت‌های نماز، بیان آثار معنوی نماز، تشویق و تحسین جوانان نمازگزار با اعطاء جایزه‌های متنوع و... از راهکارهای عملی برای جذب نوجوانان و جوانان به مسجد، نماز جماعت و شرکت در سایر برنامه‌های فرهنگی آن می‌باشند.

**واژگان کلیدی:**

تربیت جوانان، پرورش روحی و هنری، فرق‌برنامه‌های فرهنگی، امکانات ظاهری مساجد.

**مقدمه**

مسجد به عنوان اصلی ترین پایگاه اسلامی نقش مهمی در تربیت، آموزش و ایجاد نزدیکی بین اعضای خود (مسلمانان) دارد. پایگاهی که همواره در روایات از آن به بزرگی یاد شده است. یکی ازرسالت‌های پیامبر اکرمپس از دریافت وحی الهی و رسانیدن آن به مردم، ایجاد پایگاهی به نام مسجد بود تا مکانی برای عبادت و ذکر حق تعالی و تشکیل اجتماعات اسلامی و مردمی باشد. بعد از آن بود که مسلمین در صفوف وحدت بخش نماز جماعات که در مساجد برگزار می‌شد، روح تربیت ونشاط را در جامعه به وضوح مشاهده کردند. به طوری که اینک بعد از گذشت قرن‌های متمادی از پیدایش اسلام، مسجد نه تنها اعتبار و ارزش خود را حفظ کرده بلکه همواره در برهه‌های مختلف زمانی، نقش مهمی در تحولات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی داشته است. در کشور ما مخصوصاً در دوران انقلاب و هشت سال دفاع مقدس، مسجد مکانی برای بسیج نیروهای مردمی، آموزش، سازماندهی و پشتیبانی نیروهای بسیجی و مردمی بوده در این میان حضور جوانان در کنار سایر قشرهای مردم دیده می‌شود. حضور آنان در نمازهای جماعت و تشکیل حلقه‌های کمک‌های مردمی، بسیج نیروهای اعزامی به جنگ، ایجاد کلاس‌های آموزشی و... نقش مؤثّرتری در رونق مساجد داشته است، اما با گذشت زمان و سپری شدن آن روزهای سخت، نه تنها کارکرد مسجد در کشور تفاوت پیدا کرده، بلکه با کم رنگ شدن حضور جوانان در مساجد به علت‌های مختلف رونق روزهای گذشته را ندارد.

متأسفانه در سالهای بعد از جنگ تحمیلی به خاطر سهل انگاری، نبود برنامه ریزی صحیح و بی اعتنایی به این سنگر اسلامی، مسجد در گرایش و جذب جوانان ضعیف عمل کرده است. امروزه با تغییر نیازهای نسل جوان و تحول روحیات آنها، نقش بارز مسجد به عنوان کانون تربیت دینی جوانان به روشنی مشخص می‌گردد. جوانی که امروزه در قرن بیست و یکم به سر می‌برد، جوانی است که با بحران هویت دینی و فرهنگی روبرو است و با هجمه فرهنگی بیگانگان دست و پنجه نرم می‌کند، دشمن خاموش در پشت سرش سعی در القای مفاهیم و الگوهای شیطانی خود به جوانان دارد و این هشدار، « تهاجم فرهنگی » است. این زنگ خطری برای همه ماست تا از پیشرفت چنین ویروس خطرناکی جلوگیری کنیم. پس از اینجاست که مسجد می‌تواند به روح پرسشگر و کنجکاو جوان پاسخی درخور و متناسب با نیازهایش بدهد و الگوی شایسته ای از دین و فرهنگ ایرانی-اسلامی به او معرفی کند.

از جمله موانع جذب نوجوانان و جوانان به مسجد و گریز از مکانها و مراکز دینی که بارزترین دلایل بی علاقگی به امور مذهبی و گرایش به پوچی و انحراف در بین آنها نیز محسوب می‌شود، فقدان جهان بینی مطلوب و نداشتن بینش صحیح در این خصوص می‌باشد. اگر باورها در انسان منفی، سراب گونه و غلط باشد، طبیعی است که اعمال و کردار مبتنی بر آن باورها صحیح، متکامل و سعادت آفرین نخواهد بود. حرکات، سکنات، کردار، کنشهای رفتاری و جلوه‌های عملی فرد، نمودی از باورهای درونی اوست، مثلاً کسی که خدا و معاد را باور داشته و در حقیقت انسانی وارسته و مؤمن است، ایمان و باورهای دینی و مذهبی اش حتی در ظاهر اعمال، رفتار، حرکات، سکنات، نگاه و برخوردهای او اثر می‌گذارد. برای نمونه از پوشش نامناسب و حضور در مجامع یا از ورود به مواضع اتهام و موارد احتمال لغزش و گناه، می‌پرهیزد و خودداری می‌کند.

برای جذب جوانان به مساجد و نماز جماعت و شرکت در سایر برنامه‌های فرهنگی مساجد شیوه‌ها و عواملی وجود دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

**الف) مسجد**

مسجد و ویژگی‌های آن می‌تواند عامل جذابی به منظور گرایش نوجوانان و جوانان به آن باشد. این ویژگی‌ها و خصوصیات عبارتند از:

**1.فضای مناسب و ظاهر خوب آن (احداث و زیباسازی مساجد و نمازخانه ها)**

مسئولان ذیربط در عصر کنونی باید در احداث مساجد تا حد زیادی مداخله کنند، انتخاب محل احداث، نقشۀ مورد نظر، امکانات و فضای سبز آن و... باید حساب شده و از روی اصول باشد؛ احداث مسجد در کوچه و پس کوچه‌ها و با مساحت کم، بدون دیگر امکانات سوت و کور است و رغبتی در دل جوانان و ناآشنایان به مسجد ایجاد نخواهد کرد. مسجد و نمازخانه باید احساسات و خاطره‌های زیبا و به یادماندنی را برای همه به ویژه نوجوانان و جوانان تداعی کند. لذا باید تدابیری اتخاذ شود که نوجوانان و جوانان، مسجد را محل آرامش بخش، زیبا و دوست داشتنی بدانند تا با انگیزه و علاقمندی بیشتر به آن روی آورند. استفاده از ظرافت‌های خاص معماری زیبای سنتی ایرانی-اسلامی در فضای درونی و بیرونی مساجد با توجه به روحیه زیباپسند جوانان می‌تواند احساسات و خاطرات خوشایند را در نوجوانان و جوانان زنده کند و این خود عاملی برای جذب جوانان به سوی مسجد می‌باشد. جوان زیبایی را می‌پسندد و با توجه به فطرت پاک خود به سوی آن گرایش پیدا می‌کند. یکی از ضرورت‌‌ها، زیبایی مساجد و توجه به روح زیباشناختی در معماری آن است. این حس زیبا اگر در روح مسجد دیده شود، جوانان از آن استقبال می‌کنند.

گاهی دیده شده مسجدی که حتی شکل و بنای قدیمی دارد، اما به لحاظ موقعیت جغرافیایی مناسب است، مورد استقبال عموم، خصوصاً جوانان قرار گرفته است.

**2. نظافت و پاکیزگی مسجد**

تمیزی و پاک بودن از جمله عواملی به شمار می‌رود که باعث گرویدن جوانان به مسجد و نماز می‌شود، لذا مسئولان مسجد باید در خصوص غبارروبی، نظافت منظم روزانه یا هفتگی، شستن فرش‌ها و عطرافشانی اقدام کنند. نظافت دستشویی، ایجاد امکانات بهداشتی نظیر صابون، مایع ضدعفونی کننده، آب گرم در زمستان‌ها و شستشوی مرتب و منظم محیط دستشویی‌ها و به کار بردن خوشبوکننده‌های مناسب از ضروریات مساجد است.

یکی از عوامل گریز جوانان و نوجوانان از محیط‌های نماز، بوی بدی است که به مرور زمان فرشها و موکت‌های محل نماز، به خود می‌گردد، که این امر به ظاهر ساده، اما مهم برای جوانان، باعث دوری جوانان از این محیط‌ها می‌گردد.

استفاده از پاشویه و یا ایجاد فرهنگ شستن پا، قبل از ورود به مسجد در کنار شستن منظم فرش‌های محل نماز، می‌تواند به از بین بردن این مانع کمک کند.

**3. وسایل صوتی، گرمازا و سرمازا**

مسائل ناخوشایندی مثل نامناسب بودن صدای بلندگوها، سرد یا گرم بودن بیش از حد مسجد، تنظیم نامناسب نور در مسجد و دیگر عواملی از این قبیل، ذهنی منفی در اذهان افرادی که به مسجد می‌روند، باعث ایجاد سابقه شده و موجبات نارضایتی و گریز جوانان از مسجد است. رفع این مشکل مدیریت مدبرانه هیئت امنای مسجد و افراد اداره کننده امورات و مناسبت‌های مسجد را می‌طلبد.

در واقع با یک برنامه ریزی منظم در روشن و خاموش کردن وسایل گرمازا و سرمازا می‌توان اثرات مخرب این دستگا‌‌ها، در دوری جوانان از مسجد را کاهش داد.

این باور باید در مدیران مساجد ایجاد شود، که تهیه وسایل امروزی و کارآمد، حتی با هزینه زیاد، امری لازم و ضروری است. نماز خواندن و یا انجام فعالیت‌های دیگر مساجد، با لرزیدن از سرما و یا عرق ریختن از گرما به شکل صحیحی انجام نمی‌شود و می‌تواند باعث دوری نوجوانان و جوانان شود، زیرا تحمل کمتری نسبت به این موضوعات دارند.

ضمن اینکه ما شاهد هستیم در مساجدی که در مناطق سنی نشین احداث می‌شود، که غالبا در مناطق گرمسیر می‌باشد، برای جذب جوانان به مساجد خود، از بهترین وسایل خنک کننده استفاده می‌کنند، به گونه ای که جوان در خانه خود از چنین سیستم خنک کننده ای برخوردار نیست و این در مناطقی که گرمای شدید و آزاردهنده دارد، می‌تواند عامل جذب جوانان و نوجوانان به مساجد شود.

**4.تصمیم گیری متمرکز**

مؤمنان و نمازگزاران و مسئولان مربوط می‌توانند به منظور تنظیم برنامه‌ها در امور مساجد و جلوگیری از پراکندگی و تعدد تصمیم گیری‌‌ها، با انتخاب تعدادی از افراد جوان و متعهد و حتی المقدور متخصص، همچنین ریش سفیدان با نظارت امام جماعت در قالب هیئت امنا، امور مساجد را با صلابت و برنامه ریزی منسجم اداره کنند.

جوانان و نوجوانان به دلیل اشتغال به تحصیل در مدرسه که خود از نظم و قانون خاصی تبعیت می‌کند، به این امر (نظم) عادت و دقت لازم را دارند، به همین دلیل، به هم ریخته گیِ برنامه‌ها و نا منظم بودن آنها می‌تواند انگیزۀ جوان را از آمدن به مسجد کم کند.

**5. ایجاد امکانات فرهنگی ورزشی**

مسئولان و گردانندگان مساجد می‌توانند با تهیه و تخصیص امکانات فرهنگی از قبیل: کتابخانه، کامپیوتر، سالن مطالعه، تشکیل گروه‌های تواشیح، سرود، هم‌خوانی قرآن و تشکیل جلسات آموزش قرآن در دوره‌های گوناگون، کلاس‌های تقویتی رایگان و کلاس‌های آموزشی دیگر، باعث جذب جوانان به مساجد شوند.

جوانان سرشار از نیازهای متنوع و مختلف هستند و علاقه و کشش آنها به مکان‌های مختلف به سبب میزان برآورده شدن این نیازها در آن مکان خاص می‌باشد، با یک برنامه ریزی دقیق و کمک از خود جوانان و نوجوانان برای کشف این نیازها، می‌توان با احتساب امکانات مسجد در رفع آن نیازها کوشش لازم صورت داد که این می‌تواند یکی از بهترین راه‌های جذب جوانان به مسجد باشد.

یکی از مساجد شلوغ و مملو از جوانان، مسجدی بود که بهترین و بزرگ‌ترین باشگاه کاراته محله با بهترین اساتید در زیر زمین آن مسجد تشکیل می‌شد.

**6. استفاده از افراد خوش صدا**

استفاده از قاریان قرآن و مؤذن‌های مسن و افراد بدصدا در بعضی از اوقات در مساجد باعث دفع جوانان از مساجد می‌شود. مسئولان مسجد در جهت جذب نوجوانان و جوانان به مسجد باید از مؤذّنان، قاریان و مداحان خوش صدا، جذاب و جوان استفاده نمایند.

 برخی از اذان‌ها که از صدا و سیما پخش می‌شود، جذابیت لازم را داشته و انسان را به گوش دادن آن وا می‌دارد، این امر برکسی پوشیده نیست که در صدر اسلام یکی از ویژگی‌های مبلغانی که رسول خدا برای شهرهای مختلف اعزام می‌فرمودند داشتن صوت زیبا بوده است و چه تعداد افرادی که به واسطه صوت زیبای قرآن جذب اسلام شده و دین اجدادی خود را به همین واسطه کنار گذاشتند.

در نتیجه قطعاً این مورد می‌تواند در جذب جوانان تأثیر خوبی داشته باشد، موردی که پیامبر اعظم اسلام هم از این روش برای جذب مردم به اسلام استفاده می‌فرمودند.

**ب) هیئت امنای مسجد**

پیشبرد امور مسجد و آبادانی آن، هم به لحاظ معنوی و هم به لحاظ مادی، اشتراک مساعی و همت والای اعضای هیئت امنا را می‌طلبد، آنان می‌توانند با همفکری و همدلی، از عهدۀ این وظیفۀ شرعی و داوطلبانه به خوبی برآیند و ذخیره ای برای آخرت خود بردارند؛ خصوصیات ضروری که می‌باید این افراد داشته باشند، به شرح ذیل است:

**1. همکاری جدی**

اعضای هیئت امنای مسجد می‌باید در ادای وظایف خود جدیت داشته باشند و مصمم حرکت کنند، در غیر این صورت اختلال در امور مسجد پیش می‌آید. به همین دلیل که کار برای خدا انجام می‌شود، اگر فردی از اعضای هیئت امنا احساس کرد نمی‌تواند کار مثبتی انجام دهد، ولو اینکه سالیان زیادی در این جمع بوده است، باید استعفاء داده و جای خود را به کسانی که توانمندی بیشتری دارند بدهد. ضمن اینکه گاهی برای پیشبرد صحیح کار لازم است انسان از مواضع خود پایین آمده و همراه با جمع شود.

**2. تقسیم کار**

به نظر می‌رسدکه امور مسجد می‌باید به تناسب سن، تخصص، علاقه و دیگر عوامل شخصی اعضای هیئت امنا، تقسیم شود تا فشار کار بر دوش فرد یا افراد معینی نباشد؛ از طرف دیگر این اعضا می‌توانند از افراد غیر عضو که علاقه به کار دارند کمک بجویند تا در تسریع کار مؤثر باشند، مراعات مجموعۀ امور یاد شده باعث بروز حرکتی منسجم در امور مساجد می‌شود که برای افراد مرتبط با مسجد و خصوصاً جوانان دلپذیر خواهد بود.

**3. علاقه به کار**

افرادی که در قالب عضو هیئت امنای مسجد به کار مشغول می‌شوند باید در برابر مسئولیت پذیرفته شده علاقه داشته باشند و از نیت غیر تقرب الی الله پرهیز کنند تا بتوانند بدون هیچ گونه دلسردی فعالیت کنند. در راه خدا سختی‌های زیادی ممکن است برای انسان پیش آید و گاهاً انسان مجبور می‌شود کاری را انجام دهد که خلاف میل باطنی فرد است، اما مسئولین مساجد باید بدانند که وقتی قرار است برای خدا کار انجام شود باید مسائل جانبی و سختی‌های آن نیز پذیرفته شود.

**4. تأمین بودجه**

پیشرفت و بهبود کیفیت فعالیت‌های مساجد تا حد زیادی بستگی به مسائل مالی دارد؛ اعضای گردانندۀ مساجد باید در این خصوص فکر اساسی کنند و مخارج متفاوت مسجد را در نظر بگیرند و به تناسب آن بودجۀ لازم را جذب کنند و از طرفی به مخارج معمولی مسجد از قبیل آب، برق و گاز اکتفا نکنند و هزینۀ جذب جوانان را نیز به صورت مسئله ای مهم در نظر گیرند و در ردیف هزینه‌های خود بگنجانند و از طرف دیگر به روش سنتی جمع آوری پول در مسجد اکتفا نکنند، بلکه با کمک گرفتن از افراد متمکّن و خیر، جمع آوری منظم ماهیانۀ وجوهات نقدی از منازل و عرضۀ قبض، در نظر گرفتن منابع درآمد از قبیل خرید مغازه و اجاره دادن آن، مشارکت‌های اقتصادی و غیره، مشکلات مالی مسجد را رفع کنند.

ضمن اینکه باید دقت شود این موضوع زیاد در ملأ نباشد تا چهره مسجد و هیئت امنا را منفی جلوه دهد و این از آن نکاتی است که باید مورد توجه قرار گیرد و ممکن است به شکل مخفی و آرام مانعی از حضور جوانان در مسجد شود.

**5. توجیه جوانان و نوجوانان**

بیان حرمت و احترام مسجد می‌تواند جنبۀ معنوی آن را تقویت کند و این ذهنیت را که صرفاً مسجد به مجلس ختم و امثال آن منحصر است، محو کند، این جلسات به صورت رسمی و غیر رسمی و همچنین به شکل فردی یا جمعی می‌تواند در موقع مناسبی انجام شود.

ضمن اینکه نداشتن سختگیری‌های بی مورد، خود در توجیه جوانان کمک خواهد کرد.

**6. اهتمام به مسئلۀ نوجوانان و جوانان و احترام گذاشتن به عقیده و شخصیت آنان**

توجه کردن به جوانان و سرمایه گذاری برای آنها نیز از امور مهمی است که مسئولان و گردانندگان مسجد باید به آن عنایت داشته باشند. گرداندن مسجد و ادارۀ امور آن نباید به شکل سنتی باشد، یعنی به شکلی که گاهی اوقات مشاهده می‌شود. اکثر کودکان و نوجوانان را به دلیل شلوغ کردن، حرف زدن و غیره از مسجد بیرون می‌کنند، یا نسبت به آنان بدرفتاری می‌شود، باید توجه داشته باشیم که این نوع برخورد با آنها سابقۀ بدی در اذهانشان باقی می‌گذارد. این نکته بسیار دیده شده است که با بی حرمتی به جوان و شخصیت او از مسجد رویگردان شده، نه تنها از حضور در مسجد امتناع می‌کند، بلکه به دلیل نوع رفتاری که با او شده است به اسلام نگاه بدبینانه پیدا می‌کند و این معضلی است که در سال‌های اخیر، بسیار مشاهده می‌شود.

چون جوان موجودی است عاطفی و زودرنج که اگر با صداقت و احترام با او برخورد نشود، این دوره از حیات در عمق روح او نفوذ کرده و او را مجذوب می‌کند و می‌تواند به تحولی شگرف در روحیه و اعتقادات او بی انجامد. بسیاری از دست اندرکاران کانون‌های فرهنگی و مذهبی مساجد بدون توجه به روحیات و اقتضائات سنی جوانان به واکنش‌های تند و افراطی دست می‌زنند و چه بسا با یک برخورد ناسنجیده و حتی آمرانه جوان را برای همیشه از مساجد دور می‌کنند.

**7. استفاده از تخصص‌های گوناگون**

برای رفع مشکلات روزمرۀ مساجد و تقلیل هزینه‌های آن می‌توان از افرادی که در شغل‌های گوناگون مهارت دارند، استفاده کرد و در مواقع لزوم از آن‌ها کمک گرفت. به کارگیری این تخصص‌ها هم در زمینۀ امور فنی و حرفه ای و اقتصادی و هم در امور فرهنگی و غیر مادی خواهد بود.

**ج) امام جماعت**

امام جماعت در هر مسجد عاملی مهم در پیشرفت و ترقی مسجد به شمار می‌رود و چنانچه دارای شرایط لازم باشد، تأثیری به سزا در تحولات مثبت در جوانان و در نتیجه گرایش آنان به مساجد خواهد داشت، این صفات از این قرار است:

**1. ثابت بودن**

شناخت امام جماعت از مسجد، مؤمنان محل و نمازگزاران و.... از جمله اموری است که در عملکرد وی نقشی مهم دارد، خصوصیات و اوضاع خاص هر محل و اهالی آن باعث می‌شود که وی تصمیم مقتضی اتخاذ کند و در راه اجرای آن گام بردارد که ثابت بودن امام جماعت در مسجد محل این مسئله را عملی می‌سازد.

**2. توانایی علمی**

از عواملی که می‌تواند در جذابیت امام جماعت مؤثر باشد، توانایی و اندوخته‌های علمی اوست، چرا که ممکن است سؤالی از طرف جوانان در حیطۀ تخصصی او مطرح شود تا او با استفاده از معلومات خود در زمینه‌های مختلف از جمله جامعه شناسی و روان شناسی جوانان و غیره، پاسخ دهد. طبیعتاً قدرت علمی روحانی مسجد باعث اطمینان و اعتماد مردم، به خصوص جوانان می‌شود و آنان نیز همواره سعی می‌کنند در مواقع لزوم با او ارتباط برقرار سازند و با اطمینان خاطر و طیب نفس با وی معاشر باشند و از کمالات و معلومات او بهره مند شوند.

**3 نظم و انضباط**

امام جماعت ضرورت دارد که در کلیۀ کارهای مربوط به مسجد نظم و انضباط را مراعات کند، به موقع به مسجد بیاید، نماز را اقامه کند و اوقات سخنرانی و ارشاد مردم را تنظیم و با توجه به حال حضار مطالب خود را بیان کند و از ذکر مطالب اضافی و اطالۀ کلام خودداری ورزد. ما در زمانی زندگی می‌کنیم که معروف به عصر فست فوتی است، به این معنا که زندگی با سرعت و خلاصه وار پیش می‌رود، و مردم حوصله و صبر گذشته را ندارند، به همین دلیل توجه به این نکته می‌تواند نقش مؤثری در جذب جوانان و نوجوانان به مسجد داشته باشد.

**4. برخورداری مسجد از امام جماعت خوش خلق**

رسول گرامی اسلام: با دیگران با گشاده رویی مواجه شود.[[20]](#footnote-20)

امام باقر: تبسّم در برابر دیگران را حسنه دانسته اند.[[21]](#footnote-21)

1. **کینه توزی**

پیامبر اکرم: خوش رویی کینه را می‌زداید.[[22]](#footnote-22)

2. **پایان دادن به دشمنی**

امام علی : خوش رویی تو، آتش دشمنی را خاموش می‌کند.[[23]](#footnote-23)

3. **ایجاد الفت ومحبت**

امام باقر : خوش رویی و گشاده رویی آوردگاه محبت است.[[24]](#footnote-24)

4. **قرب به خداوند**

امام باقر : خوش رویی آوردگاه نزدیکی به خدای عزو جل می‌باشد.[[25]](#footnote-25)

5. **فرجام نیک**

پیامبر اکرم: عدم خوش رویی تو را از بهره دنیا و آخرت باز می‌دارد.[[26]](#footnote-26)

عامل دیگری که می‌تواند جوانان را به سوی مسجد جذب کرده و به ترویج فرهنگ نماز کمک کند، ویژگیهای شخصیتی و رفتاری امام جماعت مسجد است. خلق و خوی نیکوی امام جماعت مسجد و مهارت اجتماعی او در برقراری ارتباط با نمازگزاران فوق العاده مؤثر است. اگر رفتار مناسب و حاکی از احترام مشاهده نمایند، به نماز علاقمند می‌شوند. به فرموده پیامبر عزیز اسلامامام جماعت زمانی می‌تواند امین مردم باشد و اعتماد مردم را به خود جلب کند و جوانان با آرامش در کنار او بنشینند و رازهای درونی خود را برایش بگشایند که دنیا زده  و مداح سلاطین نباشد. که اگر چنین شد مردم برای حفظ دین خود، باید از او بگریزند. **الْفُقَهَاءُ أُمَنَاءُ الرُّسُلِ مَا لَمْ یَدْخُلُوا فِی الدُّنْیَا قِیلَ یَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا دُخُولُهُمْ فِی الدُّنْیَا قَالَ اتِّبَاعُ السُّلْطَانِ فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِکَ فَاحْذَرُوهُمْ عَلَى دِینِکُمْ.** (کافی:1/46)

شخص رسول گرامی اسلام یکی از ابزار‌های موفقیتش در جذب مردم به اسلام اخلاق نیکوی ایشان بود، اخلاقی که دوست و دشمن از آن به نیکی یاد می‌کنند و این اخلاق و سعه صدر باعث شده بود دشمنان را به زانو در آورد.

**و قولو للناس حسنا** (سوره بقره/ آیه 83)

**و لا تنابزوا بالالقاب** (سوره حجرات/ آیه 11)

**ویل لکل همزه لمزه** (سوره همزه/ آیه 1)

امام صادق فرمودند: یکی از مصادیق خوش اخلاقی، پاکیزه سخن گفتن است.[[27]](#footnote-27)

**5. بیان ساده و شیوا**

مطالبی که امام جماعت بیان می‌کند، باید حتی المقدور ساده و شیوا باشد و از تلفظ کلمات و جملات عجیب و غریب و نا مأنوس بپرهیزد، چرا که عمدۀ مخاطبان وی بی سواد، کم سواد و ناآشنا به کلمات تخصصی هستند، در غیر این صورت با توجه به روحیۀ جوانان و کم ظرفیت بودن آنان، خستگی و کسالت بر آنها عارض می‌شود.

داشتن بیان زیبا و قشنگ و آشنایی با فنون سخنرانی می‌تواند کمک بسزایی به امام جماعت در جذب جوانان به مسجد کند.

**6. ابتکار خلاقیت**

برخی از امامان جماعت هنگام سخنرانی آموخته‌های علمی خود را همان گونه که فرا گرفته اند، بیان می‌کنند، در حالی که می‌توانند با ذکر مثال‌ها و حکایت‌های تاریخی، مطالب و کلمات قصار، شوخ طبعی و داستان‌های شیرین را با رعایت نکات روان‌شناسی جوانان به گونه ای زیبا و جذاب تر عرضه کنند.

استفاده از ابزار روز و تلاش در ارائه مطالب در قالب جدید می‌تواند کمک خوبی برای جذب باشد.

**7. احترام و تواضع**

همیشه با احترام به دیگران و داشتن حالت تواضع در مقابل همنوعان، نوعی ارادت قلبی دیگران را در حق خود جذب می‌کنیم، حال اگر تواضع و احترام از جانب روحانی و رهبر معنوی، آن هم با جوانان که دارای قلبی پاک و جویای محبت هستند، صورت گیرد، قطعاً موفقیت‌های چشمگیری به دست خواهد آمد. این روش از جمله طرق تبلیغ عملی است که در تاریخ صدر اسلام خصوصاً در وصف پیامبر گرانقدر اسلام نقل شده است و نتایج بسیار خوبی هم در بر داشته است. امامان معصوم نیز در برخورد با دیگران و خطاب قرار دادن آنها کمال احترام را رعایت می‌کردند بگونه ای که علاقه خود برای مناظره با امام را از خود نشان می‌دانند.

**8. آراستگی ظاهری**

روحانی و رهبر معنوی در اجتماع باید در قالب الگو و نمونۀ خوبی‌ها مطرح شود بنابراین امام جماعت باید به بهترین وجه ممکن لباس بپوشد، تمیز باشد، محاسن مرتب داشته باشد و از عطر خوشبو استفاده کند، مواظب نظافت دهان و دندان و احیاناً بوی بد دهان خود باشد و در مجموع مسئلۀ نظافت ظاهری را فراموش نکند. رسول گرامی اسلام در پشت درب منزل، کوزه آبی که دهانه بزرگی داشت قرار داده بودند و هنگام خروج از منزل چهره مبارک را درون آن دیده و موهای سر و محاسن را مرتب می‌کردند، ضمن اینکه بیشترین سفارش به خرید و استعمال عطر را ما از بیانات حضرتش سراغ داریم و همه اینها دلیل بر اهمیت نظافت و خوشبویی مبلغ دینی است.

**9. توانایی جسمی**

در برگزاری نماز جماعت و سخنرانی‌ها لازم است مسائلی نظیر وقت دیگران و کهولت سن حاضران مراعات شود حال اگر امام جماعت سن بالایی داشته باشد، طبیعتاً نماز طولانی می‌شود و ممکن است مأمومان خسته شوند. انرژی امام جماعت می‌تواند به مخاطبان انرژی دهد و کسالت و بیماری او نیز روح مسجد را درگیر خواهد کرد.

**10. درک موقعیت سنی نوجوانان و جوانان**

موقعیت سنی جوانان و نیازها و روحیات آنان در این سنین باید مورد توجه قرار گیرد. لازم نیست همیشه از آنان بخواهیم در کلیۀ مراسم ادعیه و زیارات شرکت و گریه و زاری را پیشه کنند، زیرا نوجوانان و جوانان در کناراین مسائل معنوی، نیاز به تفریحات سالم و بانشاط، ورزش و آموختن دانش روز را دارند. تحرک و انرژی زیاد از خصوصیات این دوران است و جوانان به تنوع بیشتری نیازمندند.

مخاطب شناسی در عرصه تبلیغ حرف اول را می‌زند، یعنی امروزه تا مشخص نشود مخاطبی که قرار است مورد خطاب قرار گیرد، چه خصوصیات و علایقی دارد، کاری انجام نمی‌گیرد، مخاطب در هر سنی باید از چهار لحاظ مورد توجه امام جماعت قرار بگیرد: جنسیت؛ تحصیلات؛ مکان زندگی و فرهنگ آنجا؛ سن مخاطب.

امام جماعتی موفق عمل می‌کند که به این نکات توجه لازم را داشته باشد، این نکات کمک می‌کند نوع برخورد، محتوا و شیوه ارائه محتوا متناسب با مخاطب باشد، که این خود احتمال تأثیرگذاری را بالا می‌برد.

**برخی از ویژگیهای دوران نوجوانی عبارتند از:**

دوره انتقال از کودکی؛

خیال پردازی و رویا در بیداری؛

سن جستجوی هویت؛

افسردگی و هیجان؛

دوره مسئله آفرینی؛

دوستی‌های افراطی؛

توجه به جنس مخالف؛

پرخاشگری؛

لجبازی؛

عیب جویی و سنت شکنی؛

رفتارهای متناقض و گرایش‌های متضاد؛

شروع اجتماعی شدن؛

ابتکار فوق العاده و ذهن فعال؛

بی باکی.

**برخی از ویژگی‌های سن جوانی عبارتند از:**

کسب استقلال کامل (مالی، فکری، گرایشی)؛

شکل دهی هویت؛

ایجاد و تحکیم موقعیت شغلی؛

انتخاب همسر و سازش با ازدواج؛

ایفای نقش پدر و مادری و پرورش فرزندان؛

**برخی از تفاوت‌های روان شناختی زن و مرد عبارتند از:**

خانم‌ها جزئی نگرند، آقایان کلی نگر؛

آقایان بیشتر اهل احتیاط و خانم‌ها اهل اعتماد هستند؛

خانم‌ها احساس مدارند و آقایان اندیشه محور؛

لزوم دقت در الفاظ درجمع بانوان و لزوم دقت در مفاهیم در جمع آقایان؛

آستانه تحمل خانم‌ها بالا و آقایان پایین است؛

در آقایان انگیزه سازی ابتدایی مهم است ولی در خانم‌ها انگیزه سازی میانی؛

در خانم‌ها اول تبشیر بعد انذار به عکس آقایان؛

اولویت خانم‌ها ماندگاری کلام است و اولویت آقایان رفتارسازی است.

**برخی از ویژگی‌های مشترک بین پسران و دختران عبارتند از:**

انرژی زیاد؛

آمادگی بالا برای شادی و خنده؛

بی علاقگی ابتدایی نسبت به روحانی؛

برخلاف تصور پذیرش بالا نسبت به قرآن و روایات دارند؛

دوست مداری شدید؛

نوگرائی شدید نسبت به مطالب؛

علاقه به جنس مخالف.

|  |  |
| --- | --- |
| **ویژگی‌های دختران** | **ویژگی‌های پسران** |
| **اهمیت دهی نسبت به آینده** | **روزمرگی و شیطنت** |
| **احساس و عواطف فوق العاده** | **میل جنسی تحریک شده** |
| **گرایش به معنویت؛ به خصوص معنویت عاشقانه** | **گرایش به ورزش** |
| **میل به خودنمائی و محبوبیت** | **میل به خود برتربینی و قدرت** |

**11. دوستی با نوجوانان و جوانان**

امام جماعت مسجد می‌تواند با کنار گذاشتن بعضی از محدودیت‌های کاذب یا غیر ضروری، بین خود و جوانان، آن‌ها را به خود نزدیک کند. به قدر معقول با آنان صحبت کند، احوال آن‌ها را در حالت عادی و غیرعادی جویا شود و حتی المقدور در همنشینی‌ها و مجالست‌ها همراه آنان باشد. ضمن اینکه برگزاری اردوهای پر نشاط و همراه شدن امام جماعت با جوانان در این اردوها می‌تواند ارتباط خوبی بین امام جماعت و جوانان فراهم آورد.

**12. رویکرد جوان گرایی در انتخاب امام جماعت مسجد**

معمولاً جوانان از همسن و سالان خود تأثیرپذیری بیشتری دارند تا بزرگترها و این به دلیل نزدیکی جهان احساسی و عاطفی آنهاست. در حال حاضر بیشتر ائمۀ جماعات مساجد افراد مسنّی هستند که با دنیای پر از نشاط، هیجان و احساسی نوجوانان و جوانان بیگانه اند، هرچند افرادی هم وجود دارند که در جذب جوانان توانایی زیادی دارند. اما نیاز است که در میان امامان جماعت مساجد به جوان گرایی هم توجه داشته باشیم. جوانان امروزی چون نمی‌توانند با امام جماعت بزرگتر از نظر سنی، رابطه برقرار کنند و جواب پرسش‌های خود را از او بگیرند پس به ایجاد فاصله می‌اندیشند و از او می‌گریزند.

**13. « این پل راه نجات است و باید از آن بروی تا نجات یابی »**

 وقتی مبلغ به مخاطب خود می‌گوید امام خود از روی همان پلی که برای دیگران توصیف کرده عبور نکند، مخاطبین او شک می‌کنند که اگر این پل واقعاً پل محکمی است چرا خودت نمی‌روی؟ انبیاء و اولیاء کسانی بوده اند که ابتدا خود از روی پل رد می‌شدند، آن سوی پل که می‌رسیدند به مردم می‌گفتند: شما نیز بیایید. مبلّغ صالح به مردم می‌گوید که بیایید و مبلّغ دروغین به مردم می‌گوید: بروید این راه خیلی خوب است، راه نجات در آن است، به بهشت ختم می‌شود.

**14. نداشتن تعصب بی مورد**

تعصب، جزمیت و تحمیل سلایق شخصی باعث سرخوردگی جوان از مذهب می‌گردد. مبلّغ قبل از تبلیغ و قبل از آنکه مطلب مورد نظر خود را به ذهن مخاطب برساند، می‌بایست فضای ذهنی خود را از پیش‌د‌اوری نسبت به مخاطب خویش پاک سازد و در این مرحله تصور شخصیّت کافر یا منافق از طرف مقابل، تلقی ناصحیحی می‌باشد.

**15. معنویت و علمیت امام جماعت**

کسی که در مقام تبلیغ کننده قرار می‌گیرد باید به نحوی عمل کند که مخاطب و یادگیرنده، منزلت و پایگاه علمی و معنوی او را به عنوان مرجع و منبع مورد اتکاء و اطمینان بپذیرد. بدون فراهم کردن چنین شرایطی و بدون توجه به میزان اقتدار معنوی، نه قدرت سیاسی و فیزیکی، امکان تأثیرگذاری بر مخاطب بسیار ضعیف و ناپایدار خواهد بود. امام جماعت خود باید عامل به دستورات معنوی دین و سرشار از معنویت باشد و این عاملی زیبا و کارآمد برای جذب جوانان به محیط مسجد خواهد بود.

**د) برنامه‌های فرهنگی مسجد**

ذوق، سلایق و افکار قاطبه نوجوانان و جوانانی که معمولاً حضور فعالی در مسجد دارند، مورد توجه قرار نمی‌گیرد. با توجه به شرکت تعداد بیشماری از نوجوانان و جوانان در مساجد، لازم است، در اجرای برنامه‌‌ها، سلیقه‌های آنان مد نظر قرار گیرد. اما برنامه ریزی سنتی موجب شده است تا نظرات و خواسته‌های این قشر نادیده انگاشته شود که این امر موجبات دلخوری و ناراحتی آنان را فراهم می‌سازد.

مسائل و مشکلاتی که در برنامه‌های فرهنگی، تبلیغی و دینی مساجد وجود دارند و باعث ایجاد فاصله بین جوانان و مسجد می‌شوند، عبارتند از:

1. متنوع نبودن برنامه‌های مساجد و نیز روش‌های تبلیغ و ناآشنابودن گردانندگان آن با شیوه‌های نوین جذب نوجوانان و جوانان به مسجد و در مقابل متنوع و جذاب بودن برنامه‌های مراکز و اماکن تفریحی اجتماعی نظیر: باشگاه‌های ورزشی، کلوب‌‌ها، کافی نت‌‌ها، ماهواره و.... باید اذعان داشت که برنامه‌های بعضی از مساجد اغلب یکنواخت، کسالت آور و خسته کننده است.

2. اعمال روش‌های خشک و مستبدانه در بعضی برنامه‌ها و آموزش‌های مذهبی و به کارگیری شیوه‌های غلط تعلیمی و درخواست اطاعت کورکورانه و بی قید و شرط که موجب بی علاقگی و دلسردی از دین و مراکز دینی به خصوص مساجد در میان نوجوانان و جوانان می‌شود.

3. ملحوظ نداشتن شاخص‌های مذهبی، فرهنگی، بومی، نژادی، زبانی و نیز عدم به کارگیری اولویت‌های اصلی در برنامه‌های فرهنگی-تبلیغی موجب شده است تا تعدادی از برنامه‌ها و فعالیت‌های اجرایی برای نوجوانان و جوانان از نتایج مثبت و مطلوبی برخوردار نباشد.

4. کمتر مشاهده می‌شود که در انجام برنامه‌های مذهبی و اسلامی از وجود اندیشمند ان و صاحب نظران بزرگوار استفاده شود. استفاده از اساتید دانشگاهی و حوزوی مطّلع، موجب اقبال نوجوانان و جوانان به مساجد خواهد شد.

5. حاکم بودن افکار عام نگر، همراه با اجرای برنامه‌های عامه پسند و سنتی که اینگونه برنامه‌ها بیشتر مورد پسند بزرگسالان و سالخوردگان است.

6. طولانی شدن برنامه‌های اجرایی مساجد، به ویژه سخنرانی و خطابه وعاظ، ائمه جماعات و مبلغین و نیز اقامه نماز و اجرای مراسم دعا و زیارت.

7. خلاء برنامه ریزی منسجم، مرتب و منعطف در مساجد موجب شده است تا اغلب مساجد ما دچار برنامه‌های یکنواخت و کسل کننده شوند.

8. حاکم نبودن روحیه جوان گرایی و تفکر جوانی و در نظر نگرفتن سلایق و نظرات جوانان، در برنامه ریزی فعالیت‌ها توسط مدیریت مساجد.

10. منطبق نبودن برنامه‌های مساجد با نیازهای فکری و فرهنگی جوانان و متناسب نبودن با شرایط زمان و مسائل مبتلا به روز جامعه.

11. فقدان تجهیزات، لوازم و ابزار مناسب نرم افزاری مدرن و روز در مساجد (رایانه، وسایل آموزشی و کمک آموزشی و...)

12. فقدان برنامه‌های زمان بندی شده و تعریف شده کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت در مساجد.

**پیشنهادات در رابطه با رفع کاستی‌ها و نواقصات مربوط به برنامه ریزی‌های فرهنگی مساجد:**

1. استفاده از جوانان و نوجوانان.

2. در برنامه ریزی فرهنگی و دینی مساجد به نیازها، علایق و سلایق نوجوانان و جوانان توجه شود.

3. انطباق محتوای برنامه‌های فرهنگی مساجد با نیازهای فکری جوانان، مقتضیات زمان، و مسائل مبتلا به روز جامعه.

4. استفاده از تکنولوژی آموزشی روز در اجرای برنامه‌های آموزشی، فرهنگی، دینی و... مساجد.

5. تشکیل بانک اطلاعات و مرکز اطلاع رسانی و گروه ویژه مطالعاتی و تحقیقاتی به منظور انجام پژوهش در مورد ارزیابی برنامه‌های فرهنگی مساجد.

6. بهره‌گیری از وجود اساتید و صاحب نظران مشهور دانشگاهی و حوزوی در برنامه‌های فرهنگی و دینی مساجد.

7. تنوع بخشیدن به محتوای برنامه‌های فرهنگی مساجد از نظر موضوع، روش و اجرا.

8. استفاده از شیوه‌های نوین آموزشی در ارائه و انتقال مفاهیم و ارزش‌های دینی و مذهبی به نوجوانان و جوانان.

9. «اصل آسان گیری» و «اصل اعتدال و میانه روی» در آموزش مسائل و مفاهیم دینی به نوجوانان و جوانان از سوی مربیان دینی و مبلغین رعایت گردد.

10. پرهیز از اجرای برنامه‌های یکنواخت، تکراری و خسته کننده.

11. تجهیز مساجد به امکانات، لوازم و ابزار فرهنگی روز دنیا از قبیل کتابخانه‌های تخصصی، سالن مطالعه، کامپیوتر، وسایل آموزشی و....

12. طرح کردن مسائل و مشکلات نوجوانان و جوانان محله و برنامه ریزی در راستای رفع و حل مشکلات آنان.

13. عدم یکسونگری در اجرای برنامه‌های فرهنگی مساجد.

14. داشتن مدیریت زمان در برنامه‌های فرهنگی و دینی مساجد به طوری که سعی شود برنامه‌های اجرایی مساجد (سخنرانی‌‌ها، کلاس‌های آموزشی، همایش‌‌ها، مراسم دعا و...) کوتاه و متناسب با ظرفیت‌های جسمی، روحی و روانی، ویژگی‌های سنی و ذهنی مخاطبین طراحی و اجرا گردد تا از خستگی، دل‌زدگی و در نتیجه گریز جوانان از برنامه‌های فرهنگی مساجد جلوگیری شود.

15. برنامه‌های فرهنگی و دینی مساجد برای نوجوانان و جوانان جذاب، مفید بوده و هنر و مهارت را به آنان بیاموزد. « زیستن دینی »

16. مشارکت دادن نوجوانان و جوانان در امر برنامه ریزی‌های فرهنگی و دینی و اجرای برنامه‌ها در جذب جوانان به مسجد مؤثر است.

17. بسیاری از جوانان به این خاطر از مساجد دوری می‌کنند که آن را همیشه مکانی برای گریه، موعظه و عبادت می‌دانند در حالیکه اسلام نقش مسجد را علاوه بر عبادت، مکانی برای آموزش، تعلیم و تربیت و شادابی جامعه معرفی کرده است. اگر این روحیه شادابی و طراوت همراه با حفظ حریم‌های اسلام به مساجد برگردانده شود، مکانی برای گرایش جوانان خواهد بود. اجرای برنامه‌های فرهنگی، آموزشی و هنری و برگزاری اعیاد اسلامی مثل قربان، نیمه شعبان، فطر، غدیر، میلادیه‌های ائمه اطهار و... روح نشاط را به جامعه برمی گرداند.

18. بررسی نیازهای روز جوانان و پاسخگویی به آنها در برنامه‌های مسجد.

**ه) خانواده**

یکی از عوامل مهم در راستای برداشتن فاصله میان مسجد و جوانان و ایجاد حلقه عاطفی بین آن دو خانواده است. این وظیفه پدر و مادر است که کودک را از همان ابتدای کودکی با مسجد و انجام فرایض دینی مثل نماز و روزه آشنا کنند که در دین اسلام سفارش زیادی به آن شده است. در روایات آمده است فرزندان خود را از کودکی به نماز و روزه عادت دهید تا تقید به فرایض در بزرگسالی برای آنان دشوار نگردد.

اگر پدر و مادر فرزند خود را از کودکی به حضور در مسجد و خواندن نماز و عبادات عادت دهد، این سنت پسندیده رفته رفته در ذهن کودک نقش بسته و با آن مأنوس می‌گردد. مساجد نیز می‌توانند با برپایی برنامه‌های آموزشی و هنری اولین قدم را برای ایجاد این رابطه عاطفی بردارند.

در بحث خانواده نیز مانند مباحث مطرح شده اگر خانواده با برخی از مباحث روان شناسی رشد آشنا باشد متوجه می‌شود که با فرزندان خود در سنین مختلف، برخوردهای خاصی باید انجام گیرد و برای درگیر نمودن آنها با مسائل تربیتی و اخلاقی خصوصاً نماز، روش‌های مخصوص به کار گرفته شود. برای مثال، کودکان در سنین زیر چهار سال شدیداً از پدر و مادر تقلیدپذیرند، در این زمان بهترین راه تأثیرگذاری بر کودکان این است که پدر و مادر اعمال دینی را در حضور کودک انجام دهند، تا او این اعمال را دیده و سعی کند آن را انجام دهد، که در این صورت باید والدین امکانات لازم را در اختیار کودک قرار دهند و در همین زمینه و برای علاقه مند کردن کودکان به مسجد باید خود والدین مقید به نماز در مسجد باشند، تا این علاقه مندی در کودک ایجاد گردد.

اما زمانی که خانواده علاقۀ خاصی برای حضور در مسجد نداشته باشند، مطمئناً کار برای جذب نوجوان و جوانی که در این خانواده رشد پیدا کرده سخت خواهد بود. بنابراین باید برای جذب جوانان و نوجوانان به مسجد از همان ابتدای زندگی و کودکی فرزندان، سعی در جذب خانواده‌ها خصوصاً خانواده‌های جوان به مسجد شود، تا با حضور خانواده‌های جوان در مسجد با همۀ روش‌های ذکر شده و آموزش آنها در چگونگی تربیت دینی فرزندان زمینۀ حضور نوجوانان و جوانان در آینده نزدیک در مساجد را فراهم سازیم. بنابراین این موضوع هم نقش بسیار مهمی دارد که خانواده‌ها هم مورد آموزش قرار گیرند، که این خود بابی جدید می‌طلبد که خانواده‌ها را چگونه به مسجد بیاوریم و با برنامه‌های کاربردی و جذاب، سعی در آموزش آنها در عرصه برخورد با همسر و چگونگی تربیت صحیح و دینی فرزندان داشته باشیم.

در بحث خانواده امام جماعت می‌تواند با درگیر نمودن خانواده‌ها در مباحث و همچنین آموزش خانواده‌ها در این رابطه، یک پل ارتباطی خوبی بین خانواده و مسجد ایجاد کند، تا به این واسطه جوانان و نوجوانان را جذب مسجد کنند.

**و) مدرسه**

امروزه، لازم است مدارس یک علاقه واقعی و باطنی برای حضور مستمر و ارتباط نزدیک دانش‌آموزان با مساجد در آنان ایجاد کنند. در این راستا، مدارس نباید فقط به ساختن نمازخانه‌ها اکتفا کنند. هرچند ساخت و توسعه نمازخانه‌ها اقدامی مثبت و ارزنده برای رسیدن به ارزش‌ها و مقدسات والای دینی است، اما هیچگاه جای مساجد و اثرات سازندۀ آن را نمی‌گیرد. لازم است همۀ تلاش دست اندرکاران تعلیم و تربیت بر این باشد که پیوندی واقعی بین خانه، مدرسه و جامعه (این مثلث تربیتی) ایجاد کنند. البته این پیوند باید مستمر باشد نه مقطعی. فرهنگ انس گرفتن با مسجد و در رأس آن نماز به عنوان یک حرکت ارادی، آگاهانه و مستمر باید از آغاز دوران کودکی در نظام تربیتی خانه، مدرسه و جامعه به عنوان یک اصل مهم تربیتی مد نظر قرار بگیرد. مدرسه محل آموزش و یادگیری است و غالبا دبیران موفق الگوی دانش آموزان قرار می‌گیرند، در این محیط آموزشی که دانش آموزان آمادگی دریافت آموزش‌های گوناگون را دارند، با برنامه ریزی و مخاطب شناسی دقیق می‌توان شرکت در مسجد و مکان‌های مذهبی را آموزش داد، در این مورد هم، پیوند خوب امام جماعت مسجد محل با مدرسه و حضور منظم ایشان در برنامه‌های فرهنگی، اردویی مدرسه، می‌تواند عامل خوبی برای جذب نوجوانان و جوانان به مسجد باشد.

آنچه تجربه نشان داده، حضور روحانیت در مدارس و داشتن ارتباط صمیمی و دوستانه با دانش آموزان توانسته در جذب جوانان به مسائل مذهبی نقش خوبی ایفا نماید، ضمن اینکه غالب افرادی که در دورۀ دبیرستان علاقه مند به تحصیل در حوزه علوم دینی می‌شوند، از شروع این فرایند با ارتباط دوستانه با یک روحانی در مدرسه یاد می‌کنند. بنابراین یکی از مهم‌ترین عوامل عملی جذب جوانان به مسجد و محیط‌های مذهبی، حضور روحانی پرنشاط، باسواد، جوان و خلاق در مدارس می‌باشد.

**ز) سایر عوامل پیوند‌دهنده میان مسجد و جوانان**

**1. ترجمه و توضیح دعاها و اذکار**

به منظور رفع بعضی شبهات و ابهامات که از سوی نوجوانان و جوانان مطرح می‌شود مثل اینکه چرا یک سری عبارات را به زبان عربی می‌خوانیم در حالی که نمی‌دانیم مخاطب ما کیست؟ حتی المقدور سعی کنیم به همراه دعاها، ترجمۀ آن‌ها را نیز به زبان ساده و روان بیان کنیم، تا ارتباط بین خوانندۀ دعا و مخاطب او، یعنی خداوند را محکم تر کنیم.

**2. استفاده از هنر**

بدون شک بیان قصه‌های لطیف و خاطرات زیبا و به یادماندنی درباره نماز و اهمیت آن در زندگی در به تصویر کشیدن نگرش و رفتار پیشوایان، رهبران و الگوهای «هنر نمایش» و استفاده بهینه از محبوب در ارتباط با نماز می‌تواند تأثیرات بسیار مؤثر در گرایش نوجوانان و جوانان به مسجد و توسعه فرهنگ نماز داشته باشد. «صدا و سیما» نقش اصلی را می‌تواند ایفا نماید و نکته ای که در تهیه، تولید، پخش و ارائه این گونه برنامه‌ها باید رعایت شود، توجه به ویژگی‌های سنی، ذهنی و شرایط فرهنگی-اجتماعی مخاطبان است.

**3. الگو و همانندسازی**

در روند توسعه فرهنگ نماز و ایجاد پیوند بین مخاطب و مسجد، لازم است الگوهای والای نمازگزاران واقعی به افراد جامعه معرفی شوند تا نوجوانان و جوانان با بینش روشنی به الگوگیری از آنها بپردازند. (استفاده از روش الگویی) افرادی که علاقه به نماز ندارند و یا نمازگریز هستند نیز به خاطر وجود نداشتن الگوهای مناسب و عدم اهتمام والدین به این موضوع با افراد بی‌نماز و نمازگریز همانندسازی نموده و آنها را الگوی شخصیتی خویش قرار داده اند، بنابراین والدین و مربیان باید از نخستین دوران کودکی، هم خود به عنوان الگوی مناسب برای کودکان و نوجوانان بوده و هم افراد دیگری را که اهل نماز هستند به عنوان الگو معرفی نمایند و بالطبع نوجوانان و جوانان هرچه از الگوهای مناسب تر و والاتری بهره مند شوند، کمتر دچار آسیب نمازگریزی می‌شوند.

**4. به کارگیری روش محبت**

از نیکوترین و اساسی ترین روش‌های تربیت دینی جامعه و عامل اساسی توسعه فرهنگ نماز است. با توجه به سرشت آدمی و تأثیرپذیری انسان از نرمی و دوستی، و انزجار فطرت آدمی از تندی و خشونت گرایی، نیکوترین راه و رسم تربیت مذهبی کودکان و نوجوانان و همچنان عامل مؤثر در ترویج فرهنگ نماز آنان و ایجاد حلقه بین اقشار جوان و مسجد، به کارگیری روش محبت است.

**5. بیان ویژگیهای اخلاقی نمازگزاران**

یکی دیگر از روشهای ترغیب نوجوانان و جوانان به نماز و تشویق آنان برای حضور در مساجد «ترسیم چهره ای زیبا و جذاب از نمازگزاران و بیان ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری انسان‌های مسجدی» است تا دیگران با دیدن جلوه‌های رفتاری آنان در عرصه‌های مختلف به نماز و مسجد گرایش پیدا کنند.

**6. بیان اهمیت و موقعیت والای مسجد**

اهمیت مسجد و تفاوت فعالیت‌های انجام شده در مساجد و مکان‌های دیگر می‌تواند عامل جذب خوبی باشد.

**7. بیان رمز و راز نماز و آثار و فواید آن و آشنا کردن جوانان با فلسفه اعمال عبادی یکی دیگر از روشهای جذب نوجوانان و جوانان به مسجد و ترویج فرهنگ نماز می‌باشد.**

**8. انعکاس فعالیت ها**

فعالیت‌های مسجد باید در بین مردم منعکس شود (از طریق صدا و سیما و...) تا از آن مطلع شوند این اطلاع و آگاهی از فعالیت‌های گوناگون باعث تشویق و دلگرمی مردم می‌شود و سامان و نظم امور مسجد را نمایان می‌سازد.

**9. مساجد گره گشای مشکلات جوانان**

اگر مردم به ویژه نوجوانان و جوانان بدانند که برخی از مشکلاتشان در مسجد رفع می‌شود، طبیعتاً به مسجد روی می‌آورند، مثلاً اگر کلاس‌های رفع اشکال و تدریس خصوصی به شکل آسان در مسجد تشکیل شود، یا با تشکیل صندوق‌های قرض الحسنه بخشی از نیازهای مالی جوانان تأمین گردد، آنان با امید به آینده و با حس اینکه مأمنی برای حل مشکلات خود دارند به مسجد خوشبین شده و به آن روی می‌آورند.

**10. خادمین و هیئت امنای مساجد**

اکثر خدام و اعضای هیئت امنای مساجد از افراد کهنسال، باز نشسته و بی سواد یا کم سواد هستند، و این گونه افراد روحیۀ برخورد با تمام طبقات اجتماع را ندارند و از آنجا که خستگی روحی و پیری در اعصاب و روان انسان تأثیر می‌گذارد، شایستگی لازم را برای ادارۀ مساجد ندارند و باعث گریز نوجوانان و جوانان از مسجد می‌شوند. پس باید خادمان مسجد از افراد جوان، تحصیل کرده و آگاه باشند تا اشکالات یاد شده پیش نیاید. لازمۀ جذب این افراد نیز تأمین مسائل اقتصادی، امنیتی و رفاهی آنها است.

11. متأسفانه برخورد بعضی از نمازگزاران با نوجوانان و جوانان در مسجد به گونه ای است که آن‌ها را از هر چه مسجد و مسجدی است، متنفر می‌سازد، چرا که طریقۀ برخورد با نوجوانان و جوانان را نمی‌دانند در حالی که با استفاده از شیوه‌هایی مثل مسئولیت دادن و مراعات شخصیّت جوانان، می‌توان در جذب ایشان به مساجد مؤثر عمل نمود.

12. بسته بودن مساجد در مواقع به غیر از برگزاری نماز جماعت و ایام خاص مثل ماه مبارک رمضان، ماه محرم و صفر و... می‌تواند پیامدهای منفی داشته باشد. با هماهنگی ارگان‌ها و ادارات رسیدگی کننده به امورات مساجد، دستورالعملی برای مساجد تدوین و ارسال گردد تا مساجد به عنوان یک مکان عبادی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، سیاسی و... در طول روز باز بوده و پذیرای نوجوانان و جوانان و مسافرین باشد. این امر می‌تواند به تداوم و استمرار پیوند جوان و مسجد منتهی گردد.

13. معمولاً در فرهنگ ما برای برگزاری مراسم عزاداری، سوگواری و ایام شهادت ائمه اطهار بیشتر اهمیت داده می‌شود تا برگزاری جشن‌ها و مراسمات شاد و سرور به مناسبت میلادیه‌های بزرگواران دینی. با توجه به روحیه نشاط طلاب، هیجان و تحرک نوجوانان و جوانان اگر در مساجد برنامه‌های میلادیه‌ها در طول سال به صورت مرتب و منظم و باشکوه و عظمت برگزار گردد، این امر می‌تواند در گرایش نوجوانان و جوانان به مساجد مؤثر شود که متأسفانه تاکنون از این موضوع غفلت شده است.

14. از نظر سخت افزاری مساجد تقریباً ما مشکل نداریم اما از لحاظ نرم افزاری مساجد مشکل اساسی داریم. معمولاً مساجد زیبا در کشور ما ساخته می‌شود اما متأسفانه غافل از اینکه برنامه ریزی فرهنگی برای مساجد نداریم. باتوجه به کارکردهای فرهنگی، عبادی، سیاسی، اجتماعی، علمی، دینی، آموزشی و... مساجد لزوم برنامه ریزی فرهنگی برای مساجد از سوی مسئولان فرهنگی و نهادهای ذیربط از ضرورت خاصی برخوردار است که این امر می‌تواند در گرایش جوانان به مساجد تأثیر بسزائی داشته باشد.

15. از مساجد فعال در روز جهانی مساجد تقدیر شود و از آنها حمایت شود تا یک رقابتی بین مساجد فعال در جذب جوانان به مساجد ایجاد گردد. با تشکیل شوراهای محلی و واگذار کردن بعضی از موضوعاتی که قرار است مردم در آن خصوص با مساجد ارتباط برقرار کنند، به مساجد، ارتباط بین مردم به ویژه جوانان با مسجد تقویت می‌یابد.

**16. نظم**

مسجد باید منظم باشد. معلوم باشد چه ساعتی در مسجد باز و چه ساعتی بسته می‌شود تا مردم سرگردان و بلاتکلیف نباشند و زمان باز و بسته بودن مسجد در تابلو اعلانات جلوی مسجد اطلاع رسانی گردد. در همه برنامه‌های مسجد باید نظم باشد.

**17. برنامه ریزی**

مسجد برای هر سلیقه و جمعیتی باید برنامه مناسب داشته باشد. برای هر یک از کودکان، بزرگسالان، دانشجویان، جوانان و... باید برنامه خاصی داشت. برای آنها که اهل دعا هستند برنامه دعا، برای آنها که اهل کتاب هستند، کتابخانه و برای جوانان آنچه مناسب سلیقه جوانان است، برنامه ریزی شود.

**18. عدم مزاحمت**

مسجد نباید برای همسایه هایش مزاحمت ایجاد کند. متأسفانه بعضی از مساجد به شکلی است که اگر کسی بخواهد خانه بخرد، خانه کنار مسجد را نمی‌خرد برای اینکه بلندگو را روی پشت بام گذاشته اند و تا ساعت 12 شب برنامه از آن پخش می‌شود. مگر مستمعین روی پشت بام هستند که این کار لازم باشد؟ ما فقط موقع اذان می‌توانیم صدای اذان را با بلندگو به همه شهر برسانیم. بلند کردن صدای بلندگو برای برنامه‌های مختلف، عدم وجود پارکینگ برای مسجد، بد بودن وضعیت فاضلاب مسجد و... از عوامل ایجاد مزاحمت برای مردم است.

**19. خوش رفتاری**

امام جماعت، هیئت امنا، خادم و همه باید با احترام با نوجوانان و جوانان برخورد کنند. اگر بچه ای به صف اول جماعت آمد اشکالی ندارد، اگر او را بگیرند و به صف دیگر پرت کنند، دیگر مسجد نمی‌آید. بچه‌ها را می‌شود با احترام جابجا کرد. متأسفانه خشونت در برخوردها و عدم رعایت آداب، باعث فرار بعضی از مردم از مساجد شده است.

**امام علی** **ره آورد مسجد را برای مؤمنان چنین بیان می‌کند:**

1. به دست آوردن دوستانی خداشناس، پرهیزگار و اهل یقین که انسان را در طی مدارج کمال انسانی یاری کنند.

2. بهره مند شدن از دانشی که موجب تقویت مبانی علمی و عملی توحید، اخلاق، مسائل مستحدثه و... شود.

3. برخورداری از نشانۀ محکمی بر آیات الهی که الگوی آن در وجود امام جماعت و نمازگزاران تجلی یافته است.

4. رحمتی از خداوند طلب کرده و در انتظار تحقق آن بوده است و به برکات تجمع مؤمنان در مسجد به آن دست می‌یابد.

5. موعظه ای دلنشین و اثرگذار از عالم ربانی و انسان متقی شنیده و به موجب آن از ارتکاب عمل یا سخن زشتی دست شسته و به گناه گفتاری یا عملی آلوده نمی‌شود.

6. پند و اندرز هدایت گری شنیده و یک درجه از نردبان هدایت بالاتر رفته و با حکمت و برهان جدیدی در علم توحید آشنا می‌شود.

7. از ترس اینکه اعتبار و آبروی او در جمع مؤمنان نمازگزار کاستی نیابد و منزلت و شأن او کاسته نشود، گناهی را ترک می‌کند.

8.  حیا و آزرم ناشی از اینکه ممکن است برخی نمازگزاران در کوچه و محله اعمال او را ببینند، موجب شده تا از عمل ناپسندی دست بشوید.

هر یک از این هشت اثر حضور در مسجد برای اصناف و طبقات مردم از زن و مرد، کارساز و راهگشا ست و نقش عظیم و مأموریت وسیع مدیران را بیان می‌کند. این مهم زمانی به نتیجه مطلوب خواهد رسید که مسجد از جاذبه کافی برخوردار باشد و همه طبقات مردم به ویژه نسل جوان که از صفای قلب و معنویت بیشتری برخوردارند و به فرموده امام خمینی؟ره؟ جوانان نزدیک ترند به ملکوت،( صحیفه نور: 21/45) حضور چشم گیری در آن داشته باشند.

**منابع و مآخذ**

قرآن کریم.

موظف رستمی، محمدعلی، آیین مسجد (3 جلد)، نشر گویه، تهران: چاپ اول، بهار 1382.

قرائتی، تقی، آیین امامت مسجد، نشر مؤسسه مسجد، قم، چاپ اول، 1387.

موظف رستمی، محمدعلی، تجارب مبلغین در خصوص جذب نوجوان و جوان به مسجد، انتشارات دارالمعارف، قم: چاپ اول بهار، 1387.

به کوشش جمعی از کارشناسان، ترویج و توسعة فرهنگ نماز، انتشارات گنج معرفت، قم، چاپ اول، 1385.

دکتر میرزایی مقدم، داود، مبلغان دینی و مخاطب شناسی، انتشارات دارالمعارف، قم: چاپ اول، بهار 1387.

سایت فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان. www.tebyan.net

سایت مرکز ملی پاسخگویی به سوالات دینی (وابسته به پژوهشگاه و علوم فرهنگ اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی.) www.pasokhgoo.ir

مشاهدات و گفتگوهای نویسنده مقاله از تعدادی مساجد و با گردانندگان آن.

دژبانی، علی، مقاله.

قرائتی، محسن، یكصد و چهارده نكته درباره نماز، ناشر، چاپ و نشر و طرح اقامه نماز، 1370.

نماز نشانه حكومت صالحان مجموعه مقالات، مشهد، ستاد اقامه نماز، 1370.

قرائتی، محسن، پرتوی از اسرار نماز، چاپ 7، ناشر، طرح اقامه نماز، 1372.

نماز گنجینه ذكر و راز، تهران، موسسه فرهنگی قدر ولایت، 1372.

رجالی، تهرانی، نماز در نهج‌البلاغه، قم انتشارات دارالصادقین، 1357.

قائمی، علی، اقامه نماز در دوران كودكی و نوجوانی، انتشارات ستاد اقامه نماز، 1375.

نوبهار، رحیم، مسجد نمونه، چاپ دوم، تهران، ستاد اقامه نماز، 1375.

نماز راهی به سوی كامیابی مجموعه سخنرانی و میزگرد، ستاد اقامه نماز، 1376.

رفسنجانی، هاشمی، جایگاه نماز در حكومت، مجموعه سخنرانی و مقالات نماز راهی به سوی كامیابی، ناشر: ستاد اقامه نماز، 1376.

علیقلی، محمدمهدی، محراب عشق، قم، ستاد اقامه نماز، 1376.

شیرازی، علی، راز و نیاز عارفانه، قم، نشر خرم، 1377.

ابوالقاسمی، محمدجواد، امام و مأموم در جلوگاه حضور، تهران، نشر یاس‌كبود، 1378.

رهبری، حسین، مسجد نهاد عبادت و ستاد ولایت، تهران سازمان چاپ و انشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 1380.

مجموعه سخنرانی نماز، حكومت، تربیت، جلد دوم، ستاد اقامه نماز، 1380.

موسوی‌راد لاهیجی، نماز از دیدگاه قرآن و حدیث، قم، دفتر انتشارات اسلامی، 1380.

ولی ابر قویی، روح اله، قم، انتشارات رواق دانش1385.

قرائتی، محسن اولین سرمایه داران دنیا - مجله رشد مدیریت مدرسه، شماره 7، دوره پنجم -صص7-4، 1386.

دلبری، سید محمد، آسیب‌های تعلیم و تربیت دینی از نگاه شهید بهشتی - مجله رشد آموزش معارف اسلامی، دوره 20، شماره 4 صص 13-4، 1387.

جعفری، حسین علی، 500 حدیث پیرامون نماز و مسجد، چاپ سوم - مؤسسه فرهنگی انتشاراتی ستاد اقامه نماز، 1388. www.pasokhgoo.ir

روش جذب جوانان به مساجد چیست، 1388. www.irib.ir

جوانان و مسجد، 1388. www.ido.ir

انصـاری‌راد، علی‌اكبـر، راهـكارهـای ‌جـذب ‌جـوانان‌ بـه‌ مساجـد، 1388. www.andishegom.com

شیوه‌ها و عوامل جذب جوانان به مساجد، 1388. www.taghribnews.ir

جوان‌و جاذبه‌های مسجد، نقل از روزنامه ایران، 1388. www.sobheomid.ir

**ایجاد شبکه‌های اجتماعی**

**فرصتی برای استفاده از ظرفیت‌های مساجد**

**سید سجاد میرغضنفری[[28]](#footnote-28)**

**چکیده**

یکی از مسائل مهم در جوامع، هویت بخشی است. هویت‌ها اغلب در طول فرآیند گروهی حاصل می‌شوند و آنچه می‌تواند این فرآیند گروهی را شکل دهد، رسانه‌ها هستند. مسجد نیز یک رسانه جمعی است که برای رسیدن به کارکردهای خود ورساندن پیام خود، نیاز به ابزارهای متنوع و مناسبی دارد که یکی از آنها شبکه‌سازی است که یک نیاز ضروری است.

شبکه دربردارنده مجموعه‌ای از کنشگران یا گره‌ها همراه با مجموعه‌ای از پیوندها با گونه‌های خاص از رابطه (مثل دوستی) است که آنها را به هم وصل می‌کند. باید توجه داشت که شبکه‌های اجتماعی نه کاملاً منظم اند و نه کاملاً تصادفی، بلکه همراه با کمی تصادفی بودن، کاملا منظم شده اند و با ایجاد شبکه، اتصال انفصال یافته‌ها ممکن می‌شود.

نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد بحث اعظمی از کارکردهای مساجد، توسط سایر سازمان‌ها در حال انجام است و با توجه به قدرت و انسجام آنها به نظر می‌رسد استفاده از کارکردهای مساجد و در بلندمدت سپردن کارکردهای مساجد به خودشان نیازمند همکاری تنگاتنگ مساجد با این سازمان‌ها ونهادها می‌باشد.

در زمینه شبکه سازی نیز پنج عنوان اصلی به منظور ایجاد شبکه‌ای منسجم بیان شد که سه عنوان آن (افراد مرتبط با یکدیگر، محتوای ارتباط و الگوی ارتباط) به تفصیل بیان شد و تبیین گشت و تبیین دو عنوان باقیمانده (ارتباط الگو با رفتار و ارتباط الگو با سایر عوامل اجتماعی) نیازمند پژوهشی مستقل و با تخصصی در حوزه جامعه شناسی می‌باشد.

**کلیدواژه:**

مسجد، هویت، رسانه جمعی، شبکه سازی.

**الف ) کلیات پژوهش**

**مقدمه**

مسجد، نخستین نهاد عبادی-سیاسی در جامعه اسلامی است. جایگاه علم و دانش، محل عبادت، جایگاه قضاوت، علما، مفسران و پایگاه تبلیغاتی اسلام است که قداست و حرمت والایی دارد.

فرق اساسی بین نهاد و سازمان آن است که نهادها در روند تحولات جامعه و کارکرد آن به وجود می‌آیند و فرد، مقام یا دولت در پیدایش آن دخالت ندارند، به عبارت دیگر نهادهای اجتماعی از پیش طرح‌ریزی شده نیستند در حالی که سازمان‌ها یا نظام‌های اداری و آموزشی را مسئولین، معتمدین، مدیران، سرمایه‌گذاران، دولت‌ها و ... طرح‌ریزی کرده و سازمان می‌دهند. (گلشن فومنی، 1379: 11)

در میان کلام بزرگان نیز پرداختن به اهمیت این نهاد، موج می‌زند. رهبر کبیر انقلاب اسلامی، مساجد را سنگر خواندند و از مردم خواستند به حفظ این سنگرها بپردازند. همچنین ایشان پیرامون مدیریت مساجد نیز می‌فرمایند: «استقامت هر مسجدی و اهل هر مسجد به عهده امام مسجد است ... گوینده‌ها باید مستقیم باشند تا بتوانند مستقیم کنند. ائمه جماعات باید مستقیم باشند تا بتوانند مستقیم کنند دیگران را. » ( امام خمینی، 1385، ج ۹:۴۷۹)

مقام معظم رهبری نیز در سخنان خود مکرراً بر اهمیت مساجد تأکید فرموده‌اند. ایشان در سخنانی می‌فرمایند: «من بارها گفته‌ام که با همه‌ این وسایل ارتباط جمعى که وجود دارد -البته روحانیت باید از همه‌ این وسایل ارتباط جمعى استفاده کند؛ از اینترنت و تکنولوژی‌هاى جدید ارتباطاتى باید همۀ روحانیت براى دین استفاده کند؛ همچنانى که از رادیو و تلویزیون و بقیۀ چیزها استفاده مى‌کند- در عین حال، مسجد، جلسه‌ مذهبى، نشستن روبه‌روى مردم، دهان به دهان و نفس به نفس با مردم حرف زدن، یک نقش بى‌بدیل دارد و هیچ چیزى جاى این را نمى‌گیرد و این هم مال شماست. » (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار علما، طلاب و اقشار مختلف مردم شهر مقدس قم به مناسبت سالروز 19 دی‌ماه، 19/10/1375)

در سال‌های اخیر، حملات فرهنگی زیادی به نظام مقدس اسلامی شده است که حاصل آن هدف قرار دادن اسلام ناب محمدی؟ص؟ و در نتیجه تلاش برای جدا کردن مردم ایران از اسلام است. آنچه در این میان حائز اهمیت است، داشتن سنگری مناسب برای در امان ماندن از سیل این تهاجمات مختلف است. بهترین سنگر به فرموده امام راحل؟ره؟ مساجد است. (امام خمینی، 1385، ج12:148)

مساجد با داشتن قابلیت‌ها و کارکردهای مختلف می‌تواند به پایگاهی مناسب برای مقابله با جبهه دشمن و تربیت نیروهای خودی تبدیل شود. برای تبدیل این پایگاه به خط مقدم مستحکم مقابله با دشمن، برنامه ریزی، سازماندهی و بسیج نیروها جایگاه ویژه ای دارد.

یکی از مسائل مهم در جوامع، هویت بخشی است. هویت‌ها اغلب در طول فرآیند گروهی حاصل می‌شوند و آنچه می‌تواند این فرآیند گروهی را شکل دهد، رسانه‌ها[[29]](#footnote-29)هستند. تعاریف متعددی از رسانه وجود دارد اما آنچه وجه مشترک اکثر آنهاست، ابزار ارتباط بودن برای رساندن پیام است. حال اگر این پیام برای تعداد زیادی از افراد ارسال شود به آن رسانه جمعی گویند. با توجه به تعریف بیان شده می‌توان گفت مسجد نیز یک رسانه جمعی[[30]](#footnote-30) است. حال این رسانه جمعی برای رسیدن به کارکردهای خود ورساندن پیام خود، نیاز به ابزارهای متنوع و مناسبی دارد که یکی از آنها و حتی می‌توان گفت مهم‌ترین آنها شبکه سازی است زیرا مهم‌ترین کارکرد رسانه‌‌ها، کارکرد اجتماعی آنهاست و مهم‌ترین کارکرد اجتماعی نیز، بسیج توده‌ها و جذب افکار عمومی است. (بروگمن (میرزایی)، 1389: 17)

در حالی که بسیاری از دولتمردان با دیدۀ تردید و حتی تهدید مهلک به شبکه‌های اجتماعی می‌نگرند، در بسیاری از کشورهای دنیا، شبکه‌های اجتماعی نقش اصلاح کننده اجتماعی بر عهده دارند. (میرمحمدصادقی، 1391: 16) خوشبختانه مسئولین حوزه مسجد با نگاهی فرصت محور به این ابزار ارتباطی می‌نگرند و نیاز به شبکه سازی مساجد را حتی در سخنان ایشان نیز می‌توان یافت. [[31]](#footnote-31)

نهادهای دولتی ایران به اهمیت و قدرت اثرگذاری شبکه‌های اجتماعی پی برده اند و بودجه ای نیز برای ایجاد شبکه‌های اجتماعی (مجازی) فارسی زبان اختصاص داده اند اما تنها ایجاد شبکه‌های اجتماعی به معنای موفقیت آن نیست. این مهم است که بدانیم علاوه بر مسائل تکنیکی و زیرساختی، درون یک شبکه اجتماعی چه می‌گذرد. (میرمحمدصادقی، 1391: 16)

شبکه سازی مساجد به معنای استفاده از ظرفیت‌های بالفعل و شناسایی و به کارگیری ظرفیت‌های بالقوه موجود در مساجد است. همانطور که در بیانیۀ مأموریت مرکز رسیدگی به امور مساجد نیز آورده شده است، «این ویژگی‌ها بیانگر ضرورت وجود نظام اجتماعی است که بر شبکه‌هایی بنا می‌شود. در این شبکه‌ها باید امکان تصمیم سازی و تصمیم گیری در عرصه‌های مختلف اجتماعی به ویژه در عرصه فرهنگی وجود داشته باشد تا مساجد بتوانند کارکرد ارتباطی و رسانه ای خود را به خوبی انجام دهند».

با توجه به مطالب بیان شده، شبکه سازی مساجد، یک نیاز ضروری است. ما نیز در این تحقیق به دنبال تبیین نظری شبکه اجتماعی مساجد به عنوان ابزار ارتباطی میان نهادها، سازمان‌‌ها، مسئولین و افراد مرتبط با مساجد هستیم. اما آنچه نباید مغفول واقع شود، توجه به جایگاه ویژه مساجد و کارکردهای آن و همچنین اطلاع کامل از مباحث علمی و فنی مرتبط با شبکه سازی است. عدم توجه به این دو موضوع و صرفاً استفاده از فناوری موجود، می‌تواند ضررهای جبران ناپذیری را وارد کند که متأسفانه امروزه شاهد این آسیب‌های وارد شده از طریق شبکه‌های اجتماعی موجود (حقیقی و مجازی) هستیم. می‌توان گفت محقق در این پژوهش به دنبال یافتن پاسخ سؤالات ذیل می‌باشد:

**1. مساجد چه کارکردها و ظرفیت‌هایی دارند؟**

**2. شبکه اجتماعی چیست و جه ویژگی‌هایی دارد؟**

**3. شبکه سازی چیست؟ ایجاد یک شبکه منسجم چه نیازمندی‌هایی دارد؟**

**ب) پیشینه موضوع**

**مبانی نظری**

**مسجد**

**تعریف مسجد**

کلمه «مسجد» اسم مکانی است که از فعل «سجد» می‌باشد و به معنای مکانی است که سجده در آن انجام می‏شود، مانند خانه‌ای که به خاطر سجده برای خدا ساخته می‏شود. (الویری، 1386: 2) قرآن نیز بر پایه عرف به مکانی که به اسم مسجد ساخته می‏شود این عنوان را اطلاق می‌کند، هرچند که از تمام اهداف عالیه مسجد تهی بوده و حتی نماز خواندن در آن ممنوع و حتی‏ تخریب آن لازم باشد، مانند مسجد ضرار که قرآن با همین عبارت (مسجد ضرار) از آن یاد می‏کند. (باقی و همکاران،1381: 147)

**ارکان مسجد**

مساجد در زمان پیامبر اکرم دارای ساختار ساده‌ای بودند و پیامبر نیز مدیریت این نهاد را با کمک نمازگزاران بر عهده داشتند. همچنین این نهاد در زمان پیغمبر دارای کارکردهای مختلفی از جمله عبادی، علمی-فرهنگی، سیاسی- حکومتی، قضاوت و داوری، پایگاه فرماندهی و بسیج نیروهای نظامی و اطلاع رسانی بود. (جوان آراسته، 1386: 138-149) که با گذشت زمان، کارکردهای مختلف دیگری برای مساجد در نظر گرفته شد و نهادها و سازمان‌های مختلفی در دل مساجد شکل گرفتند تا اینکه ساختار فعلی مساجد به وجود آمد و برخی از کارکردهای مساجد به نهادهای ایجاد شده محول شد که در ادامه به آنها پرداخته خواهد شد.

در یک تصویر کلی و به صورت ساختاری می‌توان گفت آنچه در این تحقیق با عنوان مسجد مورد بررسی قرار می‌گیرد، مساجد برساخته شده در جامعه ایران است. مساجد امروزی از نهاد مسجد (امام جماعت و هیئت امنا)، نهاد بسیج و کانون فرهنگی هنری مساجد تشکیل شده اند و با کنارهم قرار گرفتن این بخش‌های مختلف، مسجد ایجاد می‌شود. همچنین افراد مختلفی نیز در خود مساجد مشغول به فعالیت هستند که مهم‌ترین آنها نمازگزاران هستند و در کنار آنها نیز می‌توان به خادم، موذن و مربیان تربیتی اشاره نمود.

**مطالعات موجود**

دررابطه با مساجد و مبحث شبکه سازی، تحقیقاتی به صورت جداگانه صورت گرفته و در این میان کتب و یا مقالاتی نیز وجود دارند که مطالبی هرچند اندک، در ارتباط با موضوع مقاله بیان نموده اند. از میان این تحقیقات می‌توان به کتاب دکتر رسول عباسی با عنوان «الگوی مدیریت اثربخش مسجد» (1391)، کتاب دکتر فریبا شایگان با عنوان «تبیین جامعه شناختی مشارکت مردم در مساجد (1389)، کتاب حجت الاسلام و المسلمین علی رضایی با عنوان «جایگاه مساجد در فرهنگ اسلامی» (1382)، کتاب واین بیکر که توسط دکتر سید مهدی الوانی و محمد رضا ربیعی ترجمه شده با عنوان «مدیریت و سرمایه اجتماعی» و کتاب یرون برگمن که توسط خلیل میرزایی ترجمه شده با عنوان «درآمدی بر شبکه‌های اجتماعی» اشاره کرد. همچنین مقالات ارزشمندی مانند مقاله دکتر عابدی جعفری و همکاران با عنوان «طراحی مدل مطلوب کارکرد و مدیریت مساجد به عنوان یک سازمان داوطلبانه مذهبی (1384)، مقاله خانم لیلا شجاعی با عنوان «کارکردهای نوین مسجد در محله‌های شهر تهران (1390)، مقاله آقای حسین نقی زاده با عنوان «بررسی کارکردهای مسجد (1386)، مقاله آقای محمد مهدی فجری با عنوان «آشنایی با کارکردهای مسجد (1388)، مقاله آقای محمد مهدی نجفی با عنوان «مساجد در افق چشم انداز 20 ساله کشور (1384)، مقاله دکتر محمد‌هادی همایون با عنوان «تجزیه و تحلیل سیستمی فرآیند پرورش منابع انسانی در مسجد؛ مطالعه موردی: علل پویایی و حیات مسجد صنعتگران مشهد (1386)، مقاله محمد مصطفی حسینی با عنوان «مدیریت در شبکه‌های اجتماعی» و مقاله دکترحمید ضیایی پرور با عنوان «جنگ نرم سایبری در فضای شبکه‌های اجتماعی» و پایان نامه آقای امیر حسین بنایی با عنوان «طراحی ساختار نظام‌مند مطلوب برای مساجد جمهوری اسلامی ایران با بهره‌گیری از الگوی سازمان یادگیرنده» (1390) و همچنین پایان نامه نویسنده با عنوان « طراحی مدل ارزیابی عملکرد نهادهای فرهنگی- مذهبی (مورد مطالعه: مسجد)» اشاره نمود.

در مورد ارتباط میان «شبکه‌سازی»[[32]](#footnote-32) و «مساجد» نیز هیچ پژوهشی صورت نگرفته و تنها می‌توان به سخنرانی‌ها و یا مصاحبه‌های انجام شده پیرامون این مطلب اشاره نمود.

**اسناد بالا دستی**

**سند چشم انداز**

سند چشم انداز 20 ساله مساجد کشور، حاصل جلسه کمیسیون تخصصی مساجد و چشم انداز 20 ساله در سومین همایش بین‌المللی گرامیداشت هفته مساجد می‌باشد. در این سند به بیان ویژگی‌های مطلوب مساجد پرداخته شده است. چند بند آن که ناظر به بعد شبکه سازی مساجد می‌باشند عبارتند از:

رشد یافته و دارای ساختاری متناسب و کارآمد در عرصه‌های مأموریت و توانمند در جذب و جلب اقشار مختلف مردم و مؤثر در عرصه نشر و گسترش اسلام ناب محمدی.

دارای حضور مؤثر در عرصه تصمیم سازی و تصمیم گیری‌های فرهنگی کشور.

برخوردار از دانش پیشرفته کارشناسان و صاحب‌نظران عرصه‌های مرتبط با فعالیت‌ها و رسالت مساجد.

توانمند در فراخوانی مؤثر مردمی و بسیج افکار عمومی در راستای اهداف انقلاب اسلامی ایران.

برخوردار از توانایی‌های مطلوب، روزآمد و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین و کارآمد در راستای مأموریت، رسالت و انجام وظایف.

برخوردار از ظرفیت‌های بالا در امور فرهنگی و مذهبی به عنوان محور محله و شهر.

برخوردار از ظرفیت تعاون در حل معضلات اجتماعی و خدمت رسانی به اقشار مختلف.

حاضر در متن زندگی مردم و مرتبط و مؤثر در کلیه امور فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و ... از طریق برقراری پیوند مستحکم و ارائه آموزه‌های دینی و در تعامل با مدرسه، دانشگاه و محیط پیرامون (نجفی، 84: 96-99).

**سخنان امام خمینی**

**مسجد مرکز انقلاب و تداوم آن**

مسجد محلی است که از آن باید امور اداره بشود، این مساجد بود که این پیروزی را برای ملت ما درست کرد، این مراکز حساسی است که ملت باید به آن توجه داشته باشند، این طور نباشد که خیال کنیم حالا دیگر ما پیروز شدیم، دیگر مسجد می‌خواهیم چه کنیم؟ پیروزی ما برای اداره مسجد است. (امام خمینی، 1385، ج ۱۳: ۱۵)

**محوریت مسجد در جنبش‌ها و حرکت‌های اسلامی**

مسجد در اسلام و در صدر اسلام همیشه مرکز جنبش و حرکت‌های اسلامی بوده ... از مسجد تبلیغات اسلامی شروع می‌شده است، از مسجد حرکت قوای اسلامی برای سرکوبی کفار و وارد کردن آنها در [زیر] بیرق اسلام بوده است. شما که از اهالی مسجد و علمای مساجد هستید، باید پیروی از پیغمبر اسلام و اصحاب آن سرور کنید و مساجد را برای تبلیغ اسلام و حرکت اسلامیت و قطع ایادی شرک و کفر و تأیید مستضعفین در مقابل مستکبرین قرار دهید. (امام خمینی، 1385، ج ۷: ۶۵)

باید تمام اسلحه‌هایی که در دست مردم است، جمع شوند. هرکس اسلحه ای پیدا کرد، باید به مسجد محله خود ببرد و به امام جماعت مسجد تحویل بدهد، و بعد این اسلحه‌ها از مساجد به کمیته آورده می‌شود. ( امام خمینی، 1385، ج ۶: ۱۳۱)

**نقش و اهمیت اجتماع در مسجد**

مساجد باید مجتمع بشود از جوان‌ها، اگر ما بفهمیم که این اجتماعات چه فوائدی دارد و اگر بفهمیم که اجتماعاتی که اسلام برای ما دستور داده و فراهم کرده است، چه مسائل سیاسی را حل می‌کند، چه گرفتاری‌ها را حل می‌کند، این طور بی حال نبودیم که مساجدمان مرکز بشود برای چند پیرزن و پیرمرد. (امام خمینی، 1385، ج ۱۳: ۳۲۵)

نماز را در جماعت بخوانید، اجتماع باید باشد. اجتماعاتتان را حفظ کنید. مساجدتان را محکم نگه دارید. (امام خمینی، 1385، ج ۱۲: ۳۹۳ - ۳۹۴)

مسجد مرکز تبلیغ است، در صدر اسلام از همین مسجدها جیش‌ها، ارتش‌ها راه می‌افتاده، مرکز تبلیغ احکام سیاسی-اسلامی بوده، هر وقت یک گرفتاری را طرح می‌کردند صدا می‌کردند: الصلوه مع الجماعه اجتماع می‌کردند، این گرفتاری را طرح می‌کردند، صحبت‌ها را می‌کردند، مسجد مرکز اجتماع سیاسی است. اجتماعات خود را هرچه بیشتر در مساجد و محافل و فضاهای باز عمومی برپا نمایید. (امام خمینی، 1385، ج ۱۰: ۱۶ - ۱۷)

**ترس دشمن از مسجد**

اگر این مسجد و مرکز ستاد اسلام قوی باشد، ترس از فانتوم‌ها نداشته باشید. ترس از آمریکا و شوروی و اینها نداشته باشید. آن روز باید ترس داشته باشید که شما پشت بکنید به اسلام، پشت کنید به مساجد. ( امام خمینی، 1385، ج ۱۳: ۲۱)

این یک توطئه است که می‌خواهند مسجدها را کم کم خالی کنند. شما باید هوشیار باشید که مسجدهایتان و محراب‌هایتان و منبرهایتان را حفظ کنید و بیشتر از سابق ... . مسجدها را محکم نگه دارید و پرجمعیت کنید. ( امام خمینی، 1385، ج ۱۳: ۱۹)

**سخنان مقام معظم رهبری (دام ظله)**

**مسجد منشأ حرکت‌های اسلامی**

مسجد، نه فقط در زمان ما و نه فقط در کشور عزیز اسلامی ما، بلکه در نقاط مختلف عالم و در طول تاریخ، منشأ آثار بزرگ و نهضت‌ها و حرکت‌های اسلامی بزرگی شده است. مثلاً قیام مردم کشورهای شمال آفریقا که مسلمان هستند ... . از مساجد شروع شد، که به پیروزی هم رسید و کشورها استقلال پیدا کردند. انقلاب در این کشورها هم، آن روزی رو به شکست رفت و دوباره ملت‌ها استقلال خودشان را از دست دادند که رابطۀ‌ خود را با مساجد و با دین و ایمان مساجد قطع کردند.

در صدر اسلام هم، در زمان نبىّ مکرّم اسلام و همچنین در زمان حکومت با برکت امیرالمؤمنین، مسجد مرکز همۀ تصمیم‌گیری‌هاى مهم و کارهاى بزرگ بود. (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار علما، طلاب و اقشار مختلف مردم شهر مقدس قم به مناسبت سالروز 19 دی‌ماه، 19/10/1375)

**مساجد کانون حرکت‌های انقلابی**

در همه مراحل این تاریخ پرافتخار، مساجد همیشه پایگاه دین‌داری و حرکت مردم در جهت دین بوده است. شما خودتان یادتان است که انقلاب از مساجد شروع شد؛ امروز هم در هنگامی که حرکت و بسیج مردم مطرح می‌شود - چه سیاسی و چه نظامی- باز مساجد کانونند؛ این برکت مساجد است. (امام خامنه‌ای، سخنرانی در دیدار با جمعی از روحانیون، ائمه جماعات و وعاظ نقاط مختلف کشور در آستانه ماه مبارک رمضان، 14/12/1370)

**بسیج در مساجد**

خودسازی باید بکنید. مساجد را رها نکنید. نیروی مقاومت بسیج، بهترین جایی که دارد، همین مساجد است. منتها مساجد را مسجد نگه دارید. با امام جماعت مسجد، با عبادت کنندگان مسجد و با مؤمنینی که در مسجدند، برادرانه صمیمی باشید ... برای مسجد، جاذبه درست کنید تا بچه‌ها، جوانان و زن و مرد محله، مجذوب مسجدی شوند که شما در آن هستید و بیایند. مسجد، پایگاه بسیار مهمی است. (امام خامنه‌ای، پیام به اجلاس نماز، 16/06/1371)

**کارکردهای مسجد**

در دانشگاه‌ها و دیگر مراکز انسانى انبوه، مسجد مى‌تواند جایگاه امن و صفا باشد، و امام جماعت، غمگسارى و راهنمایی و همدلى را در کنار اقامۀ نماز، در آن مهبط رحمت و هدایت الهى به نمازگزاران هدیه کند. مجامع دانشجوئى و دانش‌آموزى در آن صورت، جذاب ترین مرکز تجمع خود را مسجد دانشگاه و مدرسه خواهند یافت و پایگاه تقوا، پایگاه فعالیت جوانان خواهد شد. به مدیران آموزش و پرورش و علوم یادآورى مى‌کنم که سهم مسجد سازی و مسجد پردازی باید در اعتبارات فعالیت‌هاى فوق برنامه، در ردیف اوّل و بیش از سهم دیگر بخش‌های این سرفصل باشد. (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار علما، طلاب و اقشار مختلف مردم شهر مقدس قم به مناسبت سالروز 19 دی‌ماه، 19/10/1375)

میان مسجد و مراکز آموزشی در هر محل، همکاری و پیوند تعریف شده و شایسته‌‌ای برقرار گردد. چه نیکوست که دانش آموزان برجسته و ممتاز در هر محل، در مسجد و در برابر چشم مردم و از سوی امام جماعت، تشویق شوند. (امام خامنه‌ای، پیام به نوزدهمین اجلاس سراسری نماز، 18/07/1389)

**بیانیة مأموریت مرکز رسیدگی به امور مساجد**

طبق آنچه در بیانیۀ مأموریت مرکز رسیدگی به امور مساجد آمده است یکی از مهم‌ترین وظایف این مرکز، شبکه سازی بیان شده است. در توضیح این وظیفه آمده است: «این ویژگی‌ها بیانگر ضرورت وجود نظام اجتماعی است که بر شبکه‌هایی بنا می‌شود. در این شبکه‌ها باید امکان تصمیم سازی و تصمیم گیری در عرصه‌های مختلف اجتماعی به ویژه در عرصه فرهنگی وجود داشته باشد تا مساجد بتوانند کارکرد ارتباطی و رسانه ای خود را به خوبی انجام دهند. مطابق با این ویژگی‌‌ها، وجود حلقه‌ها و شبکه ارتباطی بین مساجد، ایجاد و سازماندهی ساختارهای سلسله مراتبی از مرکز تا مساجد به منظور تقویت هم افزایی، ایجاد جبهه نورانی با محوریت این پایگاه‌‌ها، مواجهه سازمان یافته با فرصت‌ها و تهدیدهای محیطی و گفتمان سازی به عنوان یک ضرورت و موضوع راهبردی مطرح می‌باشد». (مرکز رسیدگی به امور مساجد، 20/12/1392) در ادامه نیز در چهار محور و در قالب سیاست‌های اجرایی و اقدامات اساسی، راهکارهایی به منظور شبکه سازی بیان شده است که در نوشته دیگری باید به آنها پرداخته شود.

**جایگاه مسجد**

**جایگاه مسجد در فعالیت‌های قبل از انقلاب**

در این دوره فعالیت مساجد عبارتند از: جمع آوری نیروها و گفتمان‌های سیاسی، اجتماعی و تدارک یک انقلاب عظیم. عملکرد مساجد و موفقیت آن‌ها را در این دوره می‌توان مثبت ارزیابی کرد. در این دوره، مساجد با استفاده از اصول شبکه سازی، به خوبی به سازماندهی نیروهای انقلابی به منظور مبارزه با رژیم پهلوی پرداختند. این شبکه سازی به گونه ای بود که مردم برای متصل شدن و ارتباط گرفتن با یکدیگر، ناگزیر از حضور در مسجد بودند. محور قرار گرفتن مسجد به منظور انجام فعالیت‌ها و در مسجد نیز، محور قرار دادن امام جماعت، از نکات حائز اهمیت در این دوره است.

**جایگاه مسجد در فعالیت‌های بعد از انقلاب**

**قبل از جنگ تحمیلی**

در این دوره متأسفانه برای عملکرد مساجد بعد از انقلاب، درست اندیشیده نشده بود اما خود را نشان نداد زیرا در این دوره مسائل دیگری پیش آمد که عملکرد مساجد معطوف به آن شد. در این دوره با توجه به ظهور گروهک‌های منافقین و درگیری‌های مختلف در کشور و بروز مشکلات اقتصادی برای مردم، بیشتر فعالیت‌های مساجد، معطوف به کمک رسانی به مردم، انجام فعالیت‌های اقتصادی و شناسایی منافقین و یا اعزام نیرو به مناطق درگیر بود. در این دوره نیز عملکرد مساجد مثبت است. شبکه‌های فعال در این دوره همان شبکه‌های ایجاد شده در دوران قبل از انقلاب هستند.

**بعد از جنگ تحمیلی**

در این دوره فعالیت‌های مساجد معطوف به تجلیل از خانواده‌های شهدا و انجام کارهای پشتیبانی بوده و همچنان جای خالی تحقیق و بررسی در مورد عملکرد مساجد در نظام اسلامی وجود داشته است. در این دوره با اضافه شدن پایگاه‌های بسیج به مساجد، با توجه به اینکه مسئولین بسیج، رزمنده‌های جبهه‌های جنگ بودند غالبا به علت عدم تفکر بر کارکرد مساجد و با توجه به روحیه‌های نظامی فرماندهان، روح نظامی گری در مساجد رواج پیدا کرد و اغلب متفکران نیز جایی برای خود، در خارج از مساجد جستجو می‌کردند. این روند تا به امروز ادامه یافته است و همچنان این خلأ وجود دارد و به علت نبود جنگ‌های داخلی و خارجی و معطوف شدن بر روی وضعیت موجود، این مشکل خود را بیش از پیش نشان می‌دهد. در این دوره عملکرد مساجد متوسط است زیرا تنها پاسخگوی بخشی از نیازهای مردم است. (ابراهیمی، 1385: 5)

امروزه مساجد، تنها به عنوان جایگاهی برای انجام عبادات (که البته اصلی‌ترین کارکرد آن نیز می‌باشد) بدل شده است. البته با این تفاوت که تعریف فعلی از عبادات فقط به خواندن نماز در مساجد معطوف شده است حال آنکه مساجد دارای کارکردهای عظیم و چشمگیری هستند و باید در کنار کارکردهای عبادی، کارکردهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و ... را نیز در نظر گرفت. آنچه مهم است در نظر گرفتن مساجد به عنوان یک رسانۀ عمومی با کارکردهای خاص و منحصر به فرد است.

در این عصر، شاهد این مطلب هستیم که غرب برای پر کردن خلأ به وجود آمده ناشی از جدایی نهاد دینی از نهاد‌های حکومتی، چه اهمیتی برای کلیسا قائل شده است و حتی کارکردهای تربیتی، اقتصادی و آموزشی آن در مقالات معتبری به چشم می‌خورد در حالی که تنها یک روز در هفته برای پرداختن به امور دینی و رفتن به کلیسا اختصاص دارد.

از تحقیقات انجام شده در این حوزه می‌توان به رساله دکترای آقای دونالد نودسن[[33]](#footnote-33)، با عنوان بررسی تأثیر تحول آفرین بر رشد تعداد کلیسا روندگان، مقاله آقای ویلیام باگس[[34]](#footnote-34) با عنوان بررسی رابطه ویژگی‌های فرهنگ سازمانی کلیسا و شاخص‌های اثربخشی سازمانی و همچنین مقالۀ آقای لازلو لوکاس[[35]](#footnote-35) با عنوان جامعه اطلاعاتی و کلیسا اشاره نمود.

نهادهای فرهنگی-مذهبی به دلیل نقش کلیدی که در شکل گیری فرهنگ جامعه دارند از اهمیت خاصی برخوردارند. در میان این نهادها به نظر می‌رسد مسجد با توجه به سوابق تاریخی موجود به عنوان کلیدی‌ترین نهاد باید مد نظر قرار گیرد.

**شبکه اجتماعی[[36]](#footnote-36)**

**تعریف شبکه اجتماعی**

شبکه دربردارنده مجموعه ای از کنشگران[[37]](#footnote-37) یا گره ها[[38]](#footnote-38) همراه با مجموعه ای از پیوندها با گونه‌های خاص از رابطه (مثل دوستی) است که آنها را به هم وصل می‌کند. بافت پیوندها در شبکه، ساختاری خاص ایجاد می‌کند و گره‌ها موقعیت‌هایی را درون این ساختار، اشغال می‌کنند. (میرمحمدصادقی، 1391: 18) اما در یک نگاره منفرد عبارتست از توده ای از کنشهای متقابل بین بسیاری از مردم که ممکن است در زمان‌ها و مکان‌های مختلف روی دهند. (بروگمن (میرزایی)، 1389: 35)

گونه ای از این شبکه‌‌ها، اجتماعی هستند. شبکه‌های اجتماعی ساختاری اجتماعی‌اند که افراد و سازمان‌های انسانی، میان خود ایجاد کرده اند تا در موضوعات و مقوله‌های از پیش تعیین شده با یکدیگر تعامل کنند. ساده ترین شبکه اجتماعی را می‌توان خانواده، بستگان، قبیله، دوستان و همکاران دانست. (علیمرادی، 1389: 6) می‌توان این‌گونه شبکه‌های اجتماعی را «شبکه‌های اجتماعی حقیقی» نامید.

نوع دیگری از شبکه‌های اجتماعی نیز وجود دارند که به آنها «شبکه اجتماعی مجازی» گفته می‌شود. در این شبکه‌‌ها، روابط اشخاص، بر پایه رایانه و اینترنت و به صورت برخط[[39]](#footnote-39) انجام می‌پذیرد. جامعه ای برخط که کاربران آن، مُجاز به اشتراک اطلاعات، تصاویر، فیلم‌‌ها، نرم افزارها و همچنین برقراری ارتباط با دیگران و کشف نشانی ارتباطی افراد جدید هستند.

**سابقه کاربرد واژه شبکه اجتماعی**

شایدایجاد مفهوم شبکه اجتماعی همزمان با پیدایش بشر باشد، اما کاربرد و جعل این واژه در سال ۱۹۴۵ صورت گرفت. جی ای بارنز[[40]](#footnote-40) برای نخستین بار از اصطلاح «شبکه اجتماعی» برای بررسی پیوندهای اجتماعی در روستایی در نروژ استفاده کرد. او در این مطالعات به این نتیجه رسید که همه زندگی‌های اجتماعی ممکن است به منزله مجموعه ای از نقاط دیده شوند که برخی از آنها با خطوطی به هم متصل‌اند و یک شبکه کلی از روابط را می‌سازند. (علیمرادی، 1389: 7)

شاید بتوان گفت ایجاد فضایی برای تعامل انسان‌ها به شکل برخط نیز برای نخستین بار در نظام‌های تابلوی اعلانات[[41]](#footnote-41)، صورت گرفت. اولین بار در سال 1973 بود که نظام‌های تابلوی اعلانات، رایانه ای شدند و در شهر برکلی ایالت کالیفرنیا از پایانه‌های سخت افزاری مستقر در شهر سانفرانسیسکو برای تبادل اطلاعات استفاده کردند. با عمومیت یافتن اینترنت در سال 1990 پایگاه‌های گوناگون راه‌اندازی شدند (اینترنت وارد عرصه زندگی عمومی مردم شد و پایگاه‌های تجاری، دانشگاهی-آموزشی، در سراسر وب رواج یافت) اما نخستین پایگاه شبکه اجتماعی در معنای مدرن آن در سال 1995 ایجاد شد (علیمرادی، 1389: 10) و همچنان ایجاد چنین شبکه‌هایی تا به امروز ادامه دارد.

**ویژگی‌های شبکه‌های اجتماعی**

در این قسمت به منظور استفاده بهینه از ویژگی‌های شبکه‌های اجتماعی در راستای شبکه سازی، با استفاده از ماتریس SWOT به بررسی این ویژگی‌ها خواهیم پرداخت:

**نقاط قوت:**

هویت: هویت در شبکه‌های اجتماعی به سمت واقعی تر شدن پیش می‌رود چون هیچ کس مایل نیست فرد ناشناس را به لیست دوستان خودش اضافه کند.

به اشتراک گذاری و یادگیری: افراد علاقمند هستند هر چه سریعتر اطلاعات یا محتوایی را که تولید کرده اند به اشتراک بگذارند. این محتوا ممکن است خبر، فیلم، عکس، مقاله، طنز، دیدگاه شخصی یا تجربیات آنها باشد.

بسیج کنندگی و سازماندهی: شبکه‌های اجتماعی قدرت بسیج کنندگی دارند یعنی می‌توانند افراد را در یک زمان و یا مکان در محیط واقعی گرد هم آورند یا در محیط مجازی به ایجاد کمپین بپردازند.

دوستی: تعمیق دوستی‌ها و دوستی با دوستان دوستان.

اعتماد: قابلیت اعتماد به شبکه‌های اجتماعی بیش از وب سایتهاست چون اطلاعات، فیلتر نشده و خام منتقل می‌شود. قدرت اعتماد به شاخص بودن یا مشهور بودن فرد تولید کننده اطلاعات بستگی دارد.

حلقه‌های مخاطبان: به جای مخاطبان انبوه، حلقه‌هایی کوچک و بزرگ از مخاطبان شکل می‌گیرد. این حلقه‌ها در جاهایی با یکدیگر همپوشانی دارد. تأثیر گذاری هر شبکه بر هر حلقه به تناسب تخصصی بودن یا گرایش خاص آن شبکه است.

قدرت کندو سازی: قابیلت لینک‌دهی، دنبال کردن و علایق مشترک یعنی کندوسازی.

استناد و تعمیم: فیلم، عکس، صدا و متون اصلی رسانه‌‌ها، قابلیت استناد و تعمیم را بالا برده است.

ادغام فناوری ها: شبکه‌های اجتماعی محصول ادغام فناوری‌های جدید هستند.

صحبت: شبکه‌ها قابلیت صحبت یا همان چت کردن[[42]](#footnote-42) را با خود به همراه دارند.

دنبال کردن ودنبال شدن: این کار برای افراد امری لذت بخش است.

بازنشر: در محیط شبکه‌ها خبرها پالایش و انتخاب شده و سپس بازنشر می‌شوند.

خرد جمعی: همه چیز را همگان دانند. گرایش عمومی را می‌شود از این فضاها سنجید. شبکه‌های اجتماعی بهترین فضای افکار سنجی هستنند.

جهانی بودن ( مترجم گوگل): حذف مرزهای زبانی مهمتریم اتفاقی است که در فضای جدید وب اتفاق افتاده است.

سرگرمی: سرگرمی، طنز، خنده، شوخی و ... از ویژگی‌های این شبکه هاست.

جستجو شدن: از طریق ترکیب موتورهای جستجو با بسیاری از شبکه‌ها شما می‌توانید در این فضاها همزمان جستجو کنید و جستو شوید.

اطلاع رسانی و خبر رسانی: رسانه‌های شهروندی، خبرنگاران شهروند. از سونامی تا رخدادهای انتخاباتی تهران.

رسانه نسل جوان: نو بودن، خلاق بودن و ابتکاری بودن باعث جذب جوان‌ها به این پدیده شده است.

رسانه جایگزین: در مقابل رسانه‌های جریان اصلی، نقش رسانه‌های جایگزین را ایفا می‌کنند.

ترکیب با موبایل: اغلب این فناوری‌ها یا نسخه موبایل دارند، یا با استفاده از موبایل قابل انتشار و دسترسی هستند. مستندات محتوایی این رسانه‌ها نیز توسط موبایل تولید می‌شود.

شفاف شدن بیش از گذشته: درون خانه‌های شیشه ای زندگی می‌کنند از کوچکترین رخدادهای همدیگر مطلع می‌شوند.

ابتکار و خلاقیت: نوآوری در ذات شبکه هاست. ارتباطات افقی، پیشنهادات خلاقه، طوفانهای مکرر فکری در این محیط‌ها اتفاق می‌افتد.

ساختار دمکراتیک: مانند بالاترین، ویکی پدیا، گوگل زمین، وبلاگ‌ها، فروم‌ها و ... همه برابرند.

قدرت سرمایه اجتماعی: منابعی که از یا درون شبکه‌های کسب وکار یا فردی در دسترس است. این منابع شامل احساسات، اندیشه‌‌ها، راهنمایی‌ها، فرصت‌های کسب وکار، سرمایه‌های مالی، قدرت و نفوذ، پشتیبانی احساسی، خیرخواهی، اعتماد و همکاری می‌باشد.

تحرک اجتماعی: جنبش‌های اجتماعی با تحرک یا تجمع گروه‌هایی از افراد متولد می‌شوند. این تحرک از یک سو به معنای جابجایی جمعیت است و از سوی دیگر به معنای سرعت یافتن ایده‌‌ها، ارتباطات و تماس‌ها است. در این شرایط افرادی که کمتر محتمل بود با همدیگر ارتباط داشته باشند یا پیوندی بین آن‌ها به وجود آید، فرصت آن را خواهند یافت تا یکدیگر را بیایند. تحرک جغرافیایی یا جابجایی جمعیت، امکان فراتر رفتن از محیط سنتی و قرار گرفتن در شرایط جدیدی را مهیا خواهد کرد که ظرفیت‌های افراد را افزایش خواهد داد.

ارتباطات غیر رسمی: خارج از نهادهای رسمی آموزشی، رسانه ای، حکومتی و سیاسی.

دیده شدن: ارسال مطلبی که نام نویسنده بر آن درج شده است، موجب می‌شود تا این نام به همراه آن مقاله در دنیای وب به خوبی دیده شود.

جزئی از وب بودن: ارسال مطلب و درج عنوان با نام ارسال کننده موجب ایجاد این حس می‌شود که آن‌ها اکنون جزئی از وب هستند.

تولید کننده محتوا به جای مصرف کننده صرف: تولیده کننده بودن حسی است که حتی در وب نیز به عیان دیده می‌شود؛ اما در دنیای وب که امر تولید بسیار پررنگ تر است، کاربران تولید کننده اند و بدون دردسرهایی که در وب دارند، به تولید محتوا می‌پردازند.

کمک گرفتن از نظرات دیگران برای بهبود آثار: بازخورد و نقد و بررسی دیگران بر تولید آثار بعدی و تنقیح اثر ارسالی می‌تواند تأثیرگذار باشد.

استفاده از فضای موجود در پایگاه: کاربران می‌توانند فایلی را ارسال کنند و دیدن فایل را فقط به خودشان و یا برای دوستشان و یا گروهی محدود ممکن نمایند. ارسال فایل در این پایگاه‌های وب دویی، یعنی در اختیار داشتن منابع در هر کجا که دسترسی به اینترنت وجود دارد.

انگیزه‌های شخصی و دینی: انگیزه‌هایی چون گسترش دین و فرهنگ مثبت یا منفی، گسترش علم و آموزش، انتقال تجربیات، تبلیغ فکر و اندیشه یا مذهب، از جمله مواردی است که کاربران را به این پایگاه‌ها می‌کشاند تا از این طریق، اندیشه و فکرشان را منتشر سازند.

**نقاط ضعف:**

کاهش احساسات: به دلیل اینکه اغلب ارتباطات در این فضا، به صورت نوشتاری است، اغلب فاقد احساسی است که در فضای واقعی، از طریق قدم زدن، سخن گفتن و ... به دست می‌آید. افراد با وجود امکانات ارتباطی در فضای مجازی، دیگر اهمیتی به کیفیت روابط نمی‌دهند و این مسئله، به کاهش بیشتر احساسات منجر می‌شود.

متن گرایی: علی رغم امکانات چند رسانه ای موجود در فضای مجازی، هنوز هم قسمت عمده ای از ارتباطات در فضای مجازی را ارتباطات متنی در قالب ایمیل و چت تشکیل می‌دهد. ارتباطات متنی می‌تواند شکل جدیدی از هویت مجازی را شکل دهد.

انعطاف پذیری هویتی: افراد در فضای مجازی، به دلیل نبود راهنماهای چهره ای، می‌توانند بازنمایی‌های متفاوتی از خود ارائه دهند.

دریافت‌های جایگزین: در ارتباطات مجازی، شما می‌توانید دیوارها را بشکنید، به حوزه خصوصی دیگران وارد شوید و حرف‌هایی را که حاضر نیستند، در ارتباط چهره به چهره به شما بگویند، بشنوید.

عدم توانایی شبکه‌های اجتماعی برای نهادسازی سیاسی در جریان اعتراضات و پس از آن.

به میزان قابل توجهی، شانس کنترل سیاسی و مردم فریبی را بالا می‌برد، زیرا پیشرفت تکنولوژی، چنان از ارتقای بصیرت افراد پیشی می‌گیرد که افراد هنگام رویارویی با تکثیر سریع اطلاعات کاملاً بی دفاع می‌مانند.

خارج شدن سیاست از فرآیند عقلانی.

وارونه شدن برخی نظریه‌های مدرن در عرصه‌های سیاست و اجتماع.

یکسان سازی فرهنگی.

تقویت گرایش‌های گریز از مرکز (فروملی و فراملی) و اخلال در روند وحدت ملی.

ایجاد اختلاف و شکاف میان ملت‌ها به دلیل ملی گرایی افراطی، ایدئولوژی‌های متضاد و در نهایت بروز شکاف فرهنگی.

یکپارچگی افقی گروه‌ها و طبقات و تشدید دوقطبی.

تضاد با ارزش‌‌ها، باورها.

تضعیف پیوندهای سنتی از طریق تقویت و تبلیغ ارزش‌های غربی و کمک به استحالۀ فرهنگی.

بهره برداری تبلیغاتی و انتشار اخبار غیرواقع تحریف شده.

ایجاد نخبگان سیاسی و فرهنگی وابسته به جریانات خود ساخته از طریق شبکه ارتباط.

**فرصت‌ها:**

گسترش زبان فارسی؛

ارتباطات بین نسلی میان ایرانیان و حوزه تمدنی فارسی زبان‌ها؛

ترویج مبانی مذهب تشیع؛ ( پیام جهانی اسلام و ایران)

دفاع از حقوق بشر؛

تغییر تصویر عمومی ایران نزد دنیا؛

شناساندن فرهنگ و تمدن ایران به دنیا؛

قدرت بسیج کنندگی رسانه‌های خرد سایبری؛ (وبلاگ‌ها)

استفاده‌های آموزشی؛

ایجاد شبکه‌های اجتماعی بومی (تبیان)؛

جبهه سازی فرهنگی؛

**تهدیدها:**

واگرایی اقوام ایرانی در فضای سایبر؛

واگرایی ادیان و مذاهب و فرقه‌ها؛

ترویج ملی گرایی افراطی؛

ترویج سبک زندگی غربی؛

ترغیب و گرایش به مظاهر فرهنگ بیگانه؛

برقراری ارتباطات کنترل نشده؛

انتقال هنجارهای نامتعارف؛

ترویج ابتذال و خشونت؛

نقض حریم خصوصی افراد و خانواده ها؛

امکانات فناورانه برای جاسوسی مدرن؛

تشویق به فرار مغزها، سرمایه‌ها و نیروی کار؛

زمینه سازی برای افکار سازی و اعتماد سازی به رسانه‌های خارجی؛

تضعیف مبانی دینی و اعتقادی ایرانیان؛

واگرایی سیاسی و بی اعتماد کردن مردم به دولتمردان؛

سایبر تروریسم؛

تضعیف مبانی خانواده؛ (ارتباط‌های غیر متعارف میان جوانان)

**شبکه سازی**

**مقدمه**

افراد را می‌توان به عنوان اتم‌های شناور در بازارهایی که در آن‌ها کالا و خدمات را مبادله می‌نمایند، به حساب آورد. انسان‌ها تا حدودی ترجیح می‌دهند خودشان را به سایر افراد در گروه‌ها و اجتماع‌هایی نظیر خانواده‌ها، سکونتگاه‌‌ها، مذاهب، سازمان‌ها و گاهی نیز اجتماع‌های مجازی پیوند بزنند.

آنها بعنوان بخشی از جامعه گرایی خود، بیشتر آنچه را که از دیگران می‌دانند از طریق رسانه‌هایی که ممکن است این دیگران استفاده نمایند، یاد می‌گیرند. آنها قادرند به صورت جمعی از یکدیگر پشتیبانی نمایند. مردم به دلیل بهتر و بدتر شدن آنچه می‌دانند، آنچه دارند و آنچه انجام می‌دهند عمیقاً تحت تأثیر دیگران قرار دارند.

بدون مطالعه روابط اجتماعی، پدیده‌های اجتماعی نظیر اعمال مذهبی، خشونت جمعی، نوآوری‌های فنی، منابع جستجو و ذائقه‌ها در زمینه مد و موسیقی قابل درک نخواهند بود چون آن‌ها را نمی‌توان به سطح ویژگی‌های افراد تقلیل داد، درست همانگونه که نمی‌توان موسیقی را از طریق دریافت مجموعه ای از نت‌های منفرد احساس کرد.

این تکنولوژی‌ها آمده اند که تصویر جدیدی از جامعه بدهند که در آن تعریف مرزهای جامعه به روش سنتی دیگر امکانپذیر نیست. ما با جامعه ای روبرو هستیم که میلیونها تار ارتباطی نامرئی تار و پود آنرا تنیده است و بزرگترین لذتش، **لذت در ارتباط بودن با دیگران** است و این لذت نباید از میان برود. (بیکن (الوانی و ربیعی)، 1382: 105)

شبکه‌های اجتماعی را می‌توان همچون زیرمجموعه‌ای از جامعه در نظر گرفت که افراد در آن به زندگی‌ای موازی با زندگی بیرونی خود در جامعه واقعی می‌پردازند و با افراد دیگر ارتباط برقرار می‌کنند. افراد با حضور در شبکه‌های اجتماعی و استفاده از گونه‌های مختلف رسانه‌های اجتماعی، از مزایای حضور در این اجتماع مجازی نظیر حمایت اطرافیان، اطلاعات، عواطف و احساسات برخوردار شده و اغلب جوانب زندگی واقعی خود را که نیازمند حضور فیزیکی افراد در کنار یکدیگر نیست در این اجتماعات مجازی دارا هستند.

در شبکه‏های اجتماعی فضایی ایجاد شده که کاربران به جبران محدودیت‏ها و موانع فضای واقعی زندگی می‏پردازند. در این شبکه‏های مجازی فرصتی ایجاد شده برای تعاملات، ارتباطات و انتقال پیام و سایر کارکردها که نسل جوان به‏خوبی از آن استفاده می‏کنند. می‌توان گفت که شبکه‌های اجتماعی، جماعتهایی در وضعیت مدرن و واسطه‌ای میان جامعه و دولتهای مدرن هستند که وارد مسائل مربوط به امر عمومی می‌شوند.

**نیازمندی‌های شبکه سازی**

بهترین امکانی که در اختیار ما قرار دارد تا با استفاده از آن بتوانیم به شبکه سازی بپردازیم، استفاده از فضای مجازی و قابلیت‌های متعدد آن است. از آنجایی که فضای عمومی شهری برای گفتگو به ندرت وجود دارد، فضای مجازی به عرصه‌ای برای گفتگو تبدیل شده است و ویژگی اصلی آن، پویایی این فضاست که با توجه به ابزارهایی که در اختیار کاربران قرار می‌دهد سبب می‌شود تا افراد بهتر بتوانند گرایش‌های خود را نشان دهند.

برای اکثر مردم، ایجاد شبکه یک اتفاق است نه انتخاب زیرا شبکه سازی یک مهارت است که باید آن را به دست آورد. ایجاد شبکه یعنی پدید آوردن پیوند از طریق افرادی که ما می‌شناسیم و افرادی که آنان ما را می‌شناسند به روشی کاملا سازماندهی شده و برای هدفی خاص در حالی که تعهد خود را نسبت به انجام وظیفه خویش رعایت می‌کنیم و در قبالش هیچ انتظاری نداریم. (یعنی بخشش، کمک و حمایت از دیگران بدون هیچ چشم داشتی) (بیکن (الوانی و ربیعی)، 1382: 100)

باید توجه داشت که شبکه‌های اجتماعی نه کاملاً منظم اند و نه کاملاً تصادفی، بلکه همراه با کمی تصادفی بودن، کاملاً منظم شده اند و با ایجاد شبکه، اتصال انفصال یافته‌ها ممکن می‌شود. (بروگمن (میرزایی)، 1389: 40)

حال با توجه به مطالب بیان شده می‌توان گفت به منظور ایجاد یک شبکه منسجم نیازمند درک پاسخ سؤال‌های ذیل می‌باشیم:

**1.چه کسی با چه کسی ارتباط دارد(حقیقی یا حقوقی)؟**

ارتباط موجود در شبکه اجتماعی مسجد را می‌توان به دو بخش حقیقی و حقوقی تقسیم نمود. ارتباط حقوقی به معنای ارتباط مساجد با یکدیگر می‌باشد که بیشتر ناظر به بعد زیرساخت مسجد و ارتباط گیری میان آنها می‌باشد. اگر از این منظر به شبکه سازی مساجد نگاه کنیم (که متأسفانه در حال حاضر برخی سازمان‌ها این‌گونه به شبکه سازی مساجد نگریسته اند) راه اندازی پرتال مساجد نیاز ما را برآورده خواهد کرد اما نکته اینجاست که بخش حقیقی مسجد، بخش اساسی و کلیدی است که بدون در نظر گرفتن آن، مسجد دیگر هویتی ندارد. (مسجد بدون امام و مأموم، تنها یک نام است)

مردم تمایل دارند با کسانی که به خودشان شباهت دارند معاشرت می‌کنند. ارتباط مردم با یکدیگر به منظور دستیابی به منابع می‌باشد. آن‌ها برای اهداف جمعی با یکدیگر همکاری می‌کنند که این مسئله باعث پیدایش یک اجتماع (اجتماع مسجدی ها) می‌شود. نکته قابل تأمل در این قسمت تعیین وجه تشابه میان مردم است. در این قسمت هر تعریفی از مسجد و کارکردهای آن ارائه گردد، اجتماع را نیز همانگونه شکل می‌دهد. [[43]](#footnote-43)

**2. محتوای ارتباط چیست ؟**

در یک پاسخ کلی می‌توان گفت این کارکردهای موجود در مساجد است که محتوای ارتباط میان آنها و مردم را تعیین می‌کند. هر اندازه محتوای کامل‌تر، پربارتر، مفیدتر، به روزتر و ارزشمندتری باشد، می‌توان گفت شبکه منسجم تری تشکیل شده است.

در نگاه جزئی تر باید به این نکته اشاره کرد که افرادی که حول محور مسجد گرد هم می‌آیند قطعاً به دنبال کسب رضایت حضرت حق و عمل به دستورات الهی می‌باشند بنابر این محتوای موجود در ارتباط میان این افراد نیز قطعاً صبغه دینی و الهی دارد.[[44]](#footnote-44)

یکی از وظایف مهم مرکز رسیدگی به امور مساجد و یا سایر سازمان‌ها که خود را مرتبط با امر مساجد می‌دانند تولید محتوا به منظور غنای بیشتر ارتباطات میان افراد در این شبکه می‌باشد. این کار از طریق شناخت صحیح پیام‌هایی است که باید به ذهن مردم منتقل شود، سپس تولید آنها و در نهایت مدیریت صحیح در توزیع و پخش محصولات محقق می‌شود. (خامنه‌ای، دیدار مدیران مراکز صدا و سیما، 15/11/1381) در صورت انجام صحیح این فعالیت، مدیریت افکار عمومی در اختیار مساجد قرار خواهد گرفت.

**3. الگوی شکل گیری**

نخستین مطلب مهم، حضور روحانی شایسته در مساجد است. (خامنه‌ای، پیام به نوزدهمین اجلاس سراسری نماز، 20/07/1389) شبکه‌سازی در مساجد، حول محور امام جماعت (امامی که دارای شروط لازم باشد) تعریف می‌شود. در واقع می‌توان گفت امام، در نقش رهبری برای پیروانش ظاهر می‌شود اما رابطه او با مأمومین به قدری استوار می‌شود که به پیوند معنوی عمیق و رابطه عارفانه و عاشقانه تبدیل شود. اطاعت محکم و عمیق از رهبر نشانه چنین پیوندی است. ایمان و عشق و شناخت، نقش اساسی را در استحکام این پیوند دارد. (محمدی اشتهاردی، 1384: 175)

ویژگی‌های اساسی (شروط لازم) امام جماعت عبارتند از:

بلوغ؛

عاقل بودن؛

داشتن عدالت؛

شیعه دوازده امامی؛

حلال زاده؛

قادر به ادای صحیح نماز؛

دارای محبوبیت و مقبولیت. (فلاح زاده، 1383 :48)

آنچه در این میان بسیار حائز اهمیت است، اعتمادی است که مأموم به امام دارد اما این اعتماد مبتنی بر عملکرد امام است. تا زمانی که امام دارای شروط مذکور باشد، این اعتماد پابرجاست اما به محض سلب شدن یکی از آنها، خود به خود این سمت از وی ساقط می‌شود.

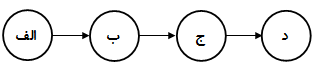
الگوی شبکه ای، الگوی فکری است و مربوط به زاویه دید است بنابر این، الگوی شکل گیری ارتباط میان امام و مأموم را می‌توان در میان الگوهای شبکه ای جستجو نمود.

شبکه‌های ارتباطی از حیث شکل، ساختار و عملکرد بر دو نوعند:

**1. شبکه‌های غیر رسمی و سیستم‌هایی که بر اثر تعامل با افراد ایجاد می‌شوند**.**(رضائیان، 1382: 480)**

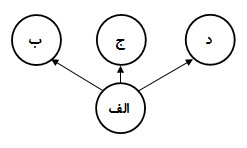
با توسعه روابط غیر رسمی در میان اعضای سازمان، شبکه‌های ارتباطی خاصی شکل می‌گیرند که سیستم‌های غیررسمی نامیده می‌شوند. اینگونه سیستم‌ها به 4 نوع کلی تقسیم میشوند:

شبکه رشته ای: عوامل انتقال اطلاعات در امتداد یک خط قرار می‌گیرند و هریک از آنها به ترتیب، اطلاعات دریافتی از عامل ماقبل خود را به عامل مابعد خود انتقال می‌دهند. دقت انتقال اطلاعات در این شبکه‌ها بسیار کم است.



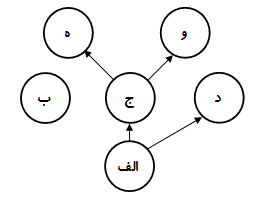
**نگاره -1 شبکه رشته‌ای**

شبکه انشعابی: یکی از عوامل انتقال اطلاعات، اطلاعات را به دست می‌آورد و آنها را بین اعضا نشر می‌دهد. این شبکه‌ها به ویژه برای انتشار اطلاعات مفیدی که با کار افراد مرتبط نیستند به کار می‌روند.



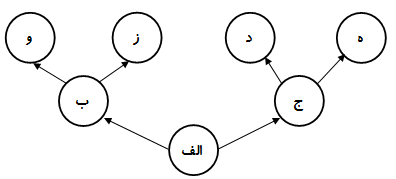
**نگاره -2 شبکه انشعابی**

شبکه تصادفی: عوامل انتقال دهنده به طور تصادفی اطلاعات را دریافت می‌کنند و همین ترتیب منتشر می‌سازند. این شبکه‌ها هنگامی به کار می‌روند که اطلاعات، ناچیز و کم اهمیت باشند و مانعی در مسیر انتشار آنها موجود نباشد.



**نگاره 3 - شبکه تصادفی**

شبکه خوشه ای: هر عامل انتقال اطلاعات، عوامل دیگری را انتخاب می‌کند و اطلاعات مورد نظر را به آنها می‌دهد. آن عوامل انتقال دهنده جدید نیز به همین منوال اطلاعات خود را منتقل می‌کنند. (رضائیان، 1382: 482)



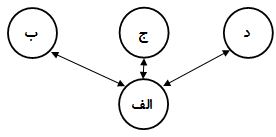
**نگاره -4 شبکه خوشه‌ای**

با توجه به اهمیت انتقال مطالب، شبکه‌های خوشه ای می‌توانند الگوی مناسبی به منظور شکل گیری شبکه‌های غیررسمی و تبادل اطلاعات میان افراد مسجدی باشد. خروجی مورد انتظار از این شبکه، نشر گسترده اطلاعات، همراه با دقت زیاد می‌باشد.

2. **شبکه‌های رسمی و سیستم‌هایی که در اثر فراگردهای رسمی به وجود می‌آیند**(**رضائیان، 1382: 480)**

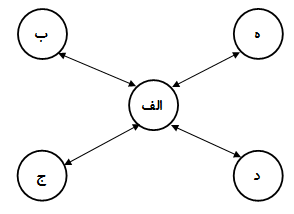
در سیستم‌های رسمی، فراگردهایی به کار گرفته می‌شوند که نحوه ارتباطات میان افراد را معین می‌کنند و به 6 گونه کلی تقسیم می‌شوند:

شبکه متمرکز: ارتباطات سریعتر و دقیقتر صورت می‌پذیرد، در حالیکه احتمالا در شبکه غیرمتمرکز، روحیه افراد بهتر است. ساختار ارتباطی به صورت سریع و پایدار شکل می‌گیرد و جایگاه رهبری بارز و نمایان است و ارتباطات، ماهیت سلسله مراتبی دارد.



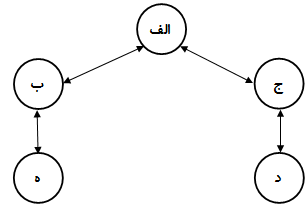
**نگاره -5 شبکه متمرکز**

شبکه ستاره ای: ساختار ارتباط به گونه ای است که یک فرد با تمام افراد در ارتباط است و سایرین نمی‌توانند با یکدیگر ارتباط مستقیم برقرار کنند و این فرد، رابط بین آنهاست. سرعت و دقت در برقراری ارتباطات خوب است. ساختار ارتباطی پایدار و متشکل است. جایگاه رهبر، مشخص و بارز است ولی روحیه افراد ضعیف است.



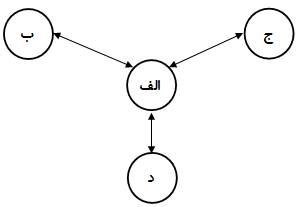
**نگاره-6 شبکه ستاره‌ای**

شبکه زنجیره ای: افراد به صورت زنجیره ای با یکدیگر در ارتباطند. در این حالت جایگاه رهبر، مشخص است، سرعت نسبتاً زیاد است، دقت خوب است. ساختار ارتباط نسبتاً پایدار و در حال شکل گیری است ولی روحیه کارکنان ضعیف است.



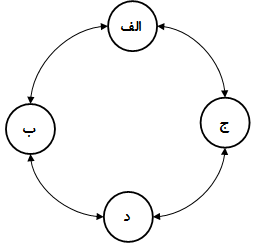
**نگاره -7 شبکه زنجیره‌ای**

شبکه سه شاخه: طرحی شبیه به Y دارد. سرعت ارتباطات متوسط است، دقت نسبتاً خوب است، ساختار ارتباطی در حال شکل گیری است، جایگاه رهبر، نسبتاً مشخص است، سیستم نسبتاً متمرکز است و روحیه افراد ضعیف است.



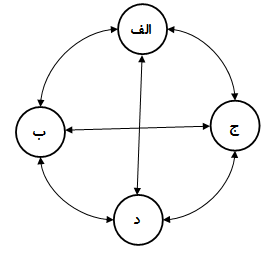
**نگاره -8 شبکه سه شاخه**

شبکه دایره ای: هریک از افراد تنها با 2 نفر دیگر در ارتباط است. در این حالت دقت و سرعت ارتباطات بسیار کم و جایگاه رهبر نامشخص و ساختار ارتباطی نسبتاً ناپایدار است اما افراد از روحیه خوبی برخوردارند.



**نگاره -9 شبکه دایره‌ای**

شبکه همه جانبه: همه افراد می‌توانند با هم در ارتباط باشند. سرعت و دقت ارتباط نسبتاً خوب است، روحیه کارکنان عالی است ولی جایگاه رهبر مشخص نیست و هیچگونه ساختار ارتباطی برای آن تعریف نشده است. (رضائیان، 1382: 484)



**نگاره -10 شبکه همه جانبه**

در مورد ارتباطات رسمی درون مسجد، همانگونه که بیان شد، محور قرار گرفتن امام جماعت، نکته بسیار مهمی است که باید در نحوه شکل گیری شبکه نیز مد نظر قرار گیرد اما می‌توان این مطلب را از 3 منظر مورد بررسی قرار داد:

شبکه ارتباطات رسمی درون مسجد: با توجه به جایگاه ویژه امام جماعت و اهمیت محور قرار گفتن وی، شبکه ارتباطی متمرکز می‌تواند الگوی مناسبی برای ارتباطات رسمی درون مسجد باشد.

شبکه ارتباطی بین مساجد: به دلیل اهمیت سرعت انتقال اطلاعات و همچنین لزوم استفاده از خلاقیت و ابتکار افراد در ارتباط میان مساجد، می‌توان الگوی شبکه همه جانبه را الگوی مناسبی دانست.

شبکه ارتباطی بین مرکز رسیدگی به امور مساجد و سایر سازمان‌ها و نهادهای مرتبط: نظر به اهمیت محور قرار گرفتن مساجد، الگوی ارتباطی ستاره ای، الگویی مناسب است که با توجه به آن تمام سازمان‌ها به منظور فعالیت در حوزه کارکردهای مساجد، ملزم به واسطه قرار دادن مرکز رسیدگی به امور مساجد می‌باشند.

**4. رابطه بین الگو و رفتار (مفهوم سازی عقاید در قالب گفتگو)**

ساختار هر جامعه ای حول محور اسطوره‌های آن (علی الخصوص اسطوره‌های فرهنگی) می‌چرخد. عملاً افراد محوری، جامعه را اداره می‌کنند. آنان باعث گسترش عقاید و اطلاعات می‌شوند و قسمتهای مختلف و منزوی جامعه را به هم وصل می‌کنند. محوریت، انواع مختلفی دارد که عبارتند از:

الف. **محوریت زمانی**: مردم را در طول زمان و نسلها با یکدیگر مرتبط می‌سازد به عنوان مثال: ائمه.

ب. **محوریت فرهنگی**: فرهنگ‌های مختلف را به یکدیگر مرتبط می‌سازد به عنوان مثال: امام خمینی، مقام معظم رهبری و ائمه جماعات.

ج. **محوریت گونه ای**: موضوعات مختلف را به یکدیگر مرتبط می‌سازد به عنوان مثال: دکتر رحیم پور ازغدی، آیت الله جوادی آملی.

د. **محوریت جغرافیایی**: جوامع دورافتاده را به یکدیگر مرتبط می‌سازد.

**5. رابطه بین الگو و سایر عوامل اجتماعی**

این مقوله از مقولات اجتماعی می‌باشدو تبیین کامل آن نیازمند پژوهشی مستقل است تا عوامل اجتماعی و ارتباط میان آنها با الگو به درستی بررسی و تبین گردند.

**ج) نتیجه گیری**

هدف اصلی از انجام این تحقیق، تبیین نظری شبکه اجتماعی مساجد به عنوان ابزار ارتباطی میان نهادها، سازمان‌‌ها، مسئولین و افراد مرتبط با مساجد بود، به همین منظور ابتدا به بررسی کارکردها و ظرفیت‌های موجود در مساجد پرداخته شد. در این میان سازمان‌ها و نهادهایی وجود داشتند که در طول سالهای پس از انقلاب (به اقتضای زمان) ایجاد شدند که بخشی از کارکردهای مساجد را برعهده گرفتند و موجب کم رونق گشتن مساجد شدند. با توجه به هدف تحقیق، شناخت اجمالی این سازمان‌ها نیز در دستور کار قرار گرفت تا تمامی ظرفیت‌های موجود در سازمان‌های مرتبط با مساجد نیز تبیین گردند.[[45]](#footnote-45) در ادامه نیز مباحث مرتبط با شبکه اجتماعی و ویژگی‌های آن تبیین گشت تا در نهایت به شبکه سازی مساجد پرداخته شود.

نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد بحث اعظمی از کارکردهای مساجد، توسط سایر سازمان‌ها در حال انجام است و با توجه به قدرت و انسجام آنها به نظر می‌رسد استفاده از کارکردهای مساجد و در بلندمدت سپردن کارکردهای مساجد به خودشان نیازمند همکاری تنگاتنگ مساجد با این سازمان‌ها ونهادها می‌باشد.

در زمینه شبکه سازی نیز پنج عنوان اصلی به منظور ایجاد شبکه‌ای منسجم بیان شد که سه عنوان آن (افراد مرتبط با یکدیگر، محتوای ارتباط و الگوی ارتباط) به تفصیل بیان شد و تبیین گشت و تبیین دو عنوان باقیمانده (ارتباط الگو با رفتار و ارتباط الگو با سایر عوامل اجتماعی) نیازمند پژوهشی مستقل و با تخصصی در حوزه جامعه شناسی می‌باشد.

برای دستیابی به اهداف مدنظر، راهکارهای زیر می‌تواند راهگشا باشد:

ایجاد زیرساخت‌های تکنولوژیک مناسب برای مساجد؛

رتبه بندی مساجد به منظور الگوسازی و تغذیه مناسب شبکه؛

ایجاد شورای سیاست‌گذاری با حضور رؤسای نهادها و سازمان‌های مرتبط با مساجد؛

ادغام تشکیلات موازی؛

تعیین استراتژی کلان و تعیین بودجه؛

اهتمام دولت و تشویق مردم برای نوسازی مساجد؛

وضع قوانین لازم برای پشتیبانی حقوقی؛

اقدام لازم برای بازنشسته نمودن خادمان و ائمه جماعات؛

تأسیس دانشگاه مسجد برای آموزش نیروهای به روز و کارآمد؛

برپایی و تداوم همایش ها؛

احداث پژوهشکده ها؛

تشکیل شورای عالی مهندسین مساجد؛

طراحی سیستم ماهواره ای و استفاده مناسب از برنامه‌های آن؛

تلاش برای حضور مسجد در متن زندگی مردم.

**د) منابع و مآخذ**

قرآن كریم.

محمدی اشتهاردی، محمد، ولایت فقیه ستون خیمه انقلاب اسلامی، قم: نشر مطهر، 1384.

الویری، محسن، مسجد؛ ارتباطات و توسعه پایدار، نامه صادق (31)، 2، 1386.

افروز، غلامعلی روش‌های پرورش احساس مذهبی نماز دركودكان و نوجوانان، تهران: انتشارات كلینی، 1371.

الویری، محسن، مسجد؛ ارتباطات و توسعه پایدار، نامه صادق (31)، 2، 1386.

امانی، مهدی و همکاران، لغت نامه جمعیت شناسی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، 1354.

بخاری، محمد ابن اسماعیل، صحیح بخاری، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی، 1401.

باقی، عماد الدین و همکاران، پرستشگاه در عهد سنت و تجدد، تهران: نشر سرایی، 1381.

تویسركانى راورى، فاطمه، عوامل و موانع جذب مردم به ویژه نوجوان و جوانان به مساجد، نشریه فروغ مسجد (3)، 46-51، 1384.

جوان آراسته، حسین، کارکرد مسجد در حکومت نبوی، حکومت اسلامی (43)، 138 - 152، 1386.

حرعاملی، وسایل‌الشیعه (ج3 و 12). تهران: انتشارات المكتبه الاسلامیه، 1401.

خمینی، سید روح الله، صحیفه امام، مجموعه آثار امام خمینی: (بیانات، پیام‌ها، مصاحبه‌ها، احکام، اجازات شرعی و نامه ها) (نمایه ها)، قم: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، 1385.

رحیمی، غفور، ارزیابی عملکرد سازمان، ماهنامه تدبیر 17 (173)، 41-44، 1385.

‌رضایی، علی، جایگاه مساجد در فرهنگ اسلامی، قم: مؤسسه فرهنگی ثقلین، 1382.

شایگان، فریبا، تبیین جامعه شناختی مشارکت مردم در مساجد. تهران: انتشارات جامعه شناسان، 1389.

شجاعی، لیلا، کاركردهای نوین مسجد درمحله های شهر تهران، 1390.

www.iranurbanstudies. com

شجاعی زند، علیرضا، افول معنا در رسانه ماهنامه پژوهشی اطلاعات حکمت و معرفت 3 (7)، 22-46، 1387.

‌صدوق. من لا یحضره الفقیه (ج1)، قم: جامعه مدرسین، 1413.

‌طبرسى، مجمع البیان فی تفسیر القرآن (ج1). تهران: انتشارات ناصر خسرو، 1372.

عابدی جعفری، حسن، جعفری، محمد صابر، شبیری، نسیبه سادات، فخریان نجفی کاشانی، منا، شمس، راحیل و عرب، نگار. طراحی مدل مطلوب کارکرد و مدیریت مساجد به عنوان یک سازمان داوطلبانه مذهبی، مجله دانشکده علوم انسانی14 (60)، 73-126، 1384.

عبدالحمید بن ابی الحدید معتزلی، شرح نهج البلاغه (ج11)، قم : انتشارات نیستان، 1388.

فجری، محمّدمهدی جایگاه مسجد در نگاه امام خمینى. مجله مبلغان (95، )، 103-108، 1386.

فجری، محمّدمهدی. آشنایی با کارکردهای مسجد. مجله مبلغان (120)، 68-79.

قائمی، علی. نماز در سیمای خانواده. تهران: انتشارات سازمان انجمن اولیا و مربیان، 1381.

قائمی، علی، جوان از دیدگاه نیازها، خواسته‌ها و مصالح. تهران: دفتر مشاور رئیس سازمان صدا و سیما در امور جوانان، 1379.

قدمی، شهناز، راهبردها و راهكارهای جذب جوانان به مسجد. تهران: ستاد اقامه نماز، 1389.

گلشن فومنی، محمد رسول، جامعه‌شناسی سازمان‌ها و توان سازمانی. تهران: دوران، 1379.

گلی زواره، غلامرضا، مسجد کانون قیام های اسلامی از آغاز تا انقلاب اسلامی. مجله پاسدار اسلام (302)، 26، 1385.

مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار. لبنان: موسسه الوفاء بیروت، 1404.

محمدی، محسن مسجد، تهران: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، 1383.

مركز رسیدگی به امور مساجد، فروغ مسجد (3)، قم: موسسه فرهنگی ثقلین، 1384.

مرکز رسیدگی به امور مساجد. www. masjed. ir

مكارم شیرازى، ناصر. كاوشى در راه‏هاى عملى ایجاد جاذبه براى مساجد. فصل‏نامه مبلغان (13)، 47-52، 1421.

مولانا، حمید، گذر از نوگرایی (مترجم: شكرخواه، یونس). تهران: مركز تحقیقات رسانه ها، 1371.

موظف رستمی، محمد علی، آئین‌مسجد (ج1 و 2)، تهران: انتشارات گویه، 1382.

میرغضنفری، سید سجاد، طراحی مدل ارزیابی عملکرد نهادهای فرهنگی-مذهبی (مورد مطالعه: مسجد) (پایان نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه امام صادق، 1392.

نبوی، محمد حسن، فعالیتهای اجتماعی مساجد. مجله مبلغان (59)، 3، 1383.

نقی زاده، حسین. بررسی کارکردهای مسجد. مجله مبلغان (96)، 55-67.

بیکر، واین، مدیریت و سرمایه اجتماعی (الوانی، سید مهدی و ربیعی، محمد رضا). تهران: سازمان مدیریت صنعتی، 1382.

ویکی پدیا، fa.wikipedia.org

علیمرادی، مصطفی، سیر تطور شبکه های اجتماعی؛ نگاهی به آغاز و انجام شبکه های اجتماعی، نشریه اطلاع رسانی و کتابداری (31)، 6-13، 1389.

بروگمن، یرون، درآمدی بر شبکه های اجتماعی (مترجم: میرزایی، خلیل). تهران: جامعه شناسان، 1389.

**نگاهی گذرا به سیمای مسجد طراز اسلامی**

**عسکری اسلام‌پورکریمی**[[46]](#footnote-46)

**چکیده**

این نوشتار، با روش توصیفی(Descriptive) و ‌کتابخانه‌ای، به تبیین جایگاه و شاخصه‌های مسجد طراز اسلامی در صدر اسلام پرداخته است. در این راستا، بعد از بیان مفهوم واژه «طراز» و پارادایم‌های مسجد طراز نظام اسلامی، مهم‌ترین شاخصه‌های مسجدِ طراز اسلامی تحت عناوین: مسجد، کانون عبادت؛ مسجد، کانون فعالیت‌های سیاسی؛ مسجد، کانون فعالیت‌های اجتماعی؛ مسجد، کانون فعالیت‌های اقتصادی؛ مسجد، مرکز دادخواهی و قضاوت؛ مسجد، پایگاه نظامی؛ مسجد، کانون تربیت و آموزش، مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در میان ویژگی‌ها و کارکردهای مسجد در صدر اسلام، کارکردهای تربیتی و آموزشی آن تبلور شایان توجّهی داشته است؛ ازاین‌رو، در این نوشتار به طور مبسوط، کارکردهای آموزشی و تربیتی این مکان مقدس مورد بررسی قرار می‌گیرد.

**واژگان کلیدی:**

مسجد طراز اسلامی، کارکرد عبادی، فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی مسجد، فعالیت‌های اقتصادی مسجد، پایگاه نظامی، مرکز قضاوت، کانون تربیت و آموزش.

**مقدمه**

امروزه، جامعه اسلامی ما همانند دیگر جوامع، از ویژگی‌ها و کارکردهای حقیقی مسجد در صدر اسلام فاصله دارد که برای رسیدن به الگوی مسجد طراز اسلامی نیاز است این فاصله‌ها کم شود، زیرا مسجد طراز اسلامی عهده‌دار نقش‌های مهمی در زمینه عبادی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و نظامی و... است.

برای تبیین جایگاه و شاخصه‌های مسجد طراز اسلامی باید بازگشتی به صدر اسلام داشت و بررسی کرد که در آن زمان هدف از تشکیل بنای «مسجد» چه بوده و نیّات و خواسته‌‌های پیامبردر مورد مسجد چیست؛ زیرا مشخص کردن کارکرد مسجد در صدر اسلام می‌تواند بهترین الگو در تهیه و تدوین مسجد جامع طراز اسلامی باشد. با الگوبرداری از مساجد صدر اسلام می‌توان به مسجد طراز اسلامی در جامعه کنونی دست یافت.

مطالعه ویژگی‌ها و کارکردهای مسجد در صدر اسلام، سیمای مسجد طراز اسلامی را برای ما به خوبی روشن می‌کند؛ در میان ویژگی‌های و کارکردها مسجد در صدر اسلام، کارکرد تربیتی و آموزشی آن تبلور شایان توجّهی داشته است؛ از آنجا که تزکیه و تعلیم دو بال پرواز در آسمان کمال انسانی است، مساجد در کنار انسان سازی و پرورش بُعد اخلاقی، همواره جایگاه و مهد علوم مختلف به ویژه علوم دینی بوده است. در این نوشتار، فرازهایی از این ویژگی‌ها و کارکردهای مسجد در صدر اسلام، به ویژه کارکرد تربیتی و آموزشی آن را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

**الف) مفهوم «مسجد طراز اسلامی»**

واژۀ «طراز» در اصل کلمه‌ای پارسی و «‌تراز» بوده و سپس معرّب شده است. به لباس ویژه‌ای که برای سلطان بافته می‌شود، طراز گفته ‌شده است و از همانجا بر هر چیزی که خوب و عالی بوده، این واژه اطلاق گردیده است و در نهایت، به تقدیر مستوی؛ یعنی چیزی که در اندازه و قواره مورد پسند باشد، طراز می‌گویند.

ابن‌منظور در «لسان العرب» می‌نویسد: «**و الطِّرزُ: ما یُنسَجُ مِن الثّیابِ للسّلطان، فارسیٌ أیضاً و الطِّرزُ و الطّرازُ: جَیِّدُ کُلِّ شیءٍ و قیل: هو مُعَرّبٌ و اصلُه التقدیرُ المُستوی بالفارسیة**».[[47]](#footnote-47)

از کتاب‌های لغت فارسی این‌گونه استفاده می‌شود که واژۀ «طراز» یا «تراز» به معنای قاعده، قانون، روش، رتبه، قِسم، نوع، هم‌شأن، هم‌پایه و هم‌سطح است.[[48]](#footnote-48)

مسجد طراز اسلامی عنوانی است که نخستین بار مقام معظم رهبری در پیامی که به نوزدهمین اجلاس سراسری نماز(18 مهرماه 89) دادند، خواستار رسیدن به چنین مسجدی شدند. منظور از مسجد طراز اسلامی، رسیدن به مسجدی است بر اساس قاعده و روش صدر اسلام.

**ب) پارادایم‌های مسجد طراز نظام اسلامی**

اگرچه در خصوص تعریف و مختصات «مسجد طراز نظام اسلامی» غیر از چند پژوهش موردیِ محدود و یک کتاب کوچک مستقلّ که آن هم عصاره یک رسالۀ دکترا بوده است‌، تحقیقات شایسته و بایسته‌ای صورت نگرفته است؛ امّا از بررسی مجموع دیدگاه‌های منتشره در خصوص مسجد و انتظارات کارکردی آن می‌توان سه تلقّی از مفهوم «مسجد طراز اسلامی» احصاء نمود:

**1ـ دیدگاه تاریخی، سنّتی**

عدّه‌ای مقصودشان از «مسجد طراز اسلامی» یا «مسجد طراز نظام اسلامی»، همانا مسجدی است که به‌طور کامل منطبق بر ویژگی‌ها و کارکردهای مسجد در صدر اسلام و به خصوص در زمان حکومت نبوی در مدینة الرّسول باشد.[[49]](#footnote-49) این تلقّی اگر چه از لحاظ ابتناء بر روش و سیره پیامبر اکرم بسیار صواب و قابل تقدیر است و حتّی گاهی در ظاهر منطبق با فرمایشی از امام راحل است که فرمودند: «امیدوارم موفّق به این امر بشوید و مساجدمان برگردد به حال مساجد صدر اوّل»[[50]](#footnote-50) امّا نگرشی جامع و پویا نیست.

به عبارت دیگر، احیای تمام کارکردها و نقش‌های مسجد در عصر نبوی، امری بسیار ضروری و شایسته است؛ امّا چنانچه از فرمایش حضرت امام راحل و نظایر آن چنین برداشت شود که سقف و نهایت نقش‌آفرینی و کارکرد مسجد همان است که در صدر اسلام ظهور و بروز پیدا کرد و کسی حقّ ندارد کارکردی فراتر از آن را برای مساجد تعریف نماید، چنین برداشتی به‌طور قطعی ناصواب و عامل رکود و ایستایی خواهد بود.

نکته شایان توجه در اینجا این است که سخن حکیمانه امام راحل که به‌طور قطعی نمی‌تواند به تنهایی و بدون توجّه به سایر مبانی و دیدگاه‌های دیگر ایشان مورد استناد قطعی قرار گیرد، ناظر بر مقایسه دوران پیش و اوایل دوران پس از انقلاب با دوران صدر اسلام است. در واقع، امام راحل در مقام اعلام عدم ‌رضایت از وضع موجود مساجد در ابتدای انقلاب و فاصله بسیار زیاد آن از جایگاه و کارکردها شایسته آن است و با ارجاع اذهان به اوضاع مساجد در صدر اسلام و عصر حکومت اسلامی پیامبر اکرم، قصد داشته‌اند این حقیقت را یادآوری و القاء کنند که باید کارگزاران نظام اسلامی تلاش کنند تا مساجد به عنوان کانون‌های اصلی شکل‌گیری انقلاب به تراز لایق خود برگردند.

از طرف دیگر، در زمان شخص امام راحل‌ هم مساجد به پایگاه خدماتی تبدیل شده بودند که شاید هرگز در طول تاریخ سابقه نداشته است؛ نظیر تمرکز بسیج اقتصادی در مساجد، مراکز برگزاری انتخابات، محلّ اسکان مسافران نوروزی و... .

**2ـ دیدگاه حدّاقلی**

گروهی از صاحب‌نظران و محقّقان بر این باورند که کارکردها و نقش‌های مسجد در عهد نبوی، بر دوگونه بوده است:

الف) کارکردهایی که مربوط به مسجد، بما هو مسجد می‌شود، فارغ از اینکه حکومت و حاکمیّت اسلامی ‌باشد یا نه و صرف‌نظر از اینکه در حکومت اسلامی، حاکم پیامبر یا امام معصوم یا ولی فقیه غیرمعصوم باشد.

ب) کارکردهایی که ناشی از اختیارات انحصاری حاکم معصوم - ‌اعمّ از پیامبر و ائمّه - است و به‌طور مستقیم به شئون و اختیارات ایشان بازمی‌گردد.

این گروه ـ که اغلب دارای مبانی اسلام‌شناختی غیرپویا و کم‌بهره از تأثیرات زمان و مکان هستند ـ در سایه دسته‌بندی مذکور، چنین نتیجه می‌گیرند که مهم‌ترین وظیفه مساجد، برپایی نماز جماعت، مجالس ذکر و دعا و موعظه و حداکثر - ‌‌‌در بُعد اجتماعی‌ - همکاری مؤمنان برای رفع نیازهای مادّی و مالی نیازمندان محلّ و تسکین آلام آنهاست.

متأسّفانه باید گفت این دیدگاه - ‌دانسته و ندانسته ‌- حاشیه‌ای از تئوری دشمن ساخته «سکولاریسم» و جدایی دین از دنیا و سیاست است که گاه آگاهانه از تریبون‌های روشنفکران دینی مطرح می‌شود و گاه ناآگاهانه بر زبان و قلم متدیّنین سنّتی جاری می‌گردد.

**3ـ دیدگاه فقه پویا (حدّاکثری)**

به هر حال، با تکیه بر دو مبنای اصولی و عمده در فقه شیعه، معتقدیم که کارکردهای مسجد در دوران نظام اسلامی، علاوه بر شمول کلّیه کارکردهای مسجد در نظام اسلامی نبوی، می‌تواند و باید بتواند - ‌ضمن رعایت اصول و ارزش‌های بنیادین تفکّر اسلامی - شامل کارکردها و نقش‌های نوینی متناسب با نیازها و مقتضیّات جدید باشد.

**ج) مهم‌ترین شاخصه‌های مسجدِ طراز اسلامی**

**1. مسجد، کانون عبادت**

از آیات شریف قرآن کریم این‌گونه استفاده می‌شود که یکی از اهداف آفرینش عالم و موجودات، «عبادت»[[51]](#footnote-51)و «تقرّب الی اللّه» است.[[52]](#footnote-52)عبادت در مورد انسان، دو معنای عامّ و خاصّ دارد؛ عبادت در معنای عامّ، هر رفتار و کرداری را شامل می‌شود که رضایت و خشنودی خداوند در آن باشد. عبادت در معنای خاصّ، راز و نیاز با خداوند، ذکر و یاد او و سخن‌گفتن با اوست و عباداتی چون دعا، ذکر، تلاوت قرآن و برپایی نماز را شامل می‌شود.

بی‌شکّ، در پیدایش توجّه قلبی به خداوند، عوامل فراوانی نقش دارند که از جمله‌ آنها، «مکان عبادت» است. مسجد، با ویژگی‌های خاصّ خود، بهترین و مناسب‌ترین مکان برای حضور و شکرگزاری به درگاه الهی است.

در قرآن کریم، هر جا سخن از مسجد به میان آمده، به جنبه‌های عبادی آن به عنوان عنصر محوری و بنیادین در تعالی فرهنگ دینی جامعه اشاره شده و در آیات متعدّدی از قرآن کریم، مسجد، جایگاه عبادت و یاد خداوند شناخته شده است که در ادامه برخی از آنها به عنوان نمونه بیان می‌شود:

1. «**وَ أَنَّ الْمَساجِدَ لِلَّهِ فَلا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَداً**».[[53]](#footnote-53)

2. «**قُلْ أَمَرَ رَبِّی بِالْقِسْطِ وَ أَقیمُوا وُجُوهَکُمْ عِنْدَ کُلِّ مَسْجِدٍ وَ ادْعُوهُ مُخْلِصینَ لَهُ الدِّینَ کَما بَدَأَکُمْ تَعُودُونَ**».[[54]](#footnote-54)

3. «**الَّذینَ أُخْرِجُوا مِنْ دِیارِهِمْ بِغَیْرِ حَقٍّ إِلاَّ أَنْ یَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَ لَوْ لا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهُدِّمَتْ صَوامِعُ وَ بِیَعٌ وَ صَلَواتٌ وَ مَساجِدُ یُذْکَرُ فیهَا اسْمُ اللَّهِ کَثیراً وَ لَیَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ یَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِیٌّ عَزیزٌ**».[[55]](#footnote-55)

4. «**فی‏ بُیُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَ یُذْکَرَ فیهَا اسْمُهُ یُسَبِّحُ لَهُ فیها بِالْغُدُوِّ وَ الْآصال‏**؛ (این چراغ پرفروغ) در خانه‏هایى قرار دارد که خداوند اذن فرموده دیوارهاى آن را بالا برند (تا از دستبرد شیاطین و هوس‌بازان در امان باشد)؛ خانه‏هایى که نام خدا در آنها برده مى‏شود و صبح و شام در آنها تسبیح او مى‏گویند».[[56]](#footnote-56)

«**وَ مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَساجِدَ اللَّهِ أَنْ یُذْکَرَ فیهَا اسْمُه**؛ کیست ستم‌کارتر از آن کس که از بردن نام خدا در مساجد او جلوگیرى کرد».[[57]](#footnote-57)از جمله «**أَن یُذْکَرَ فِیهَا اسْمُهُ**»، استفاده مى‏شود که مساجد محلّ عبادت و پرستش الهى است.

علامّه طباطبایی در تفسیر گران‌سنگ «المیزان» می‌فرمایند: «به طور مسلّم، معنای بیوت، همان مساجد است که جایگاهی ویژه برای ذکر نام خداست و به همین منظور بنا شده و حتّی خانه‌های پیامبران و ائمّه اطهار نیز از مصادیق کلمه بیوت است».[[58]](#footnote-58)

راز این نام‌گذاری آن است که مردم در این مکان به سوی خداوند متعال تقرّب می‌جویند و با عبادت خالصانه و جمعی، به سوی او ره می‌سپارند و از همین رو، قرآن کریم کعبه را که برترین خانه خدا بر روی زمین است، خانه‌ای برای مردم به شمار می‌آورد و می‌فرماید: «**إِنَّ أَوَّلَ بَیْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذی بِبَکَّةَ مُبارَکاً وَ هُدىً لِلْعالَمین‏**».[[59]](#footnote-59)

به هر حال، همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، در این آیات وصفی که برای مسجد ذکر شده، آن است که در مساجد نام خداوند برده می‌شود و مردان خدا برای تسبیح و ستایش حقّ تعالی در صبح و شام بدان روی می‌آورند و این به روشنی بیانگر این حقیقت است که رسالت اوّلیه و اساسی این مکان مقدّس در اسلام، آن است که کانون عبادت و ذکر و تسبیح خداوند متعال باشد.

آری؛ نام مسجد یادآور بندگی در برابر پروردگار متعال است. مسجد، جایگاه سجده است و سجده اوج عبادت و بندگی انسان برای خدا: «**السُّجودُ مُنتَهَی العِبَادَه مِن بَنی آدَم**.»[[60]](#footnote-60)

پیامبرگرامی اسلام از نخستین روزهایی که دعوت به اسلام را به صورت آشکارا مطرح ساختند، از کعبه و مسجدالحرام (اوّلین مسجد ساخته شده بر روی کره زمین) به عنوان پایگاه عبادی استفاده می‌کردند و در آن به قرائت قرآن و مناجات با خدا و اقامه نماز می‌پرداختند. شواهد تاریخی بیانگر آن است که مسلمانان را تشویق و ترغیب می‌نمودند تا به مسجد رفت آمد کنند و از برگزاری نمازهای پنج‌گانه در مساجد بدون عذر تخلف نورزند.

پیامبر اکرم فرمودند: «**مَنْ صَلَّى الْخَمْسَ فِی جَمَاعَةٍ فَظُنُّوا بِهِ خَیْراً**؛ هرکس نمازهای پنج‌گانه خود را در مسجد به صورت جماعت اقامه کند، پس بر او گمان نیک ببرید».[[61]](#footnote-61)

همچنین فرمودند: «**الجُلوسُ فِی المَسجِدِ اِنْتِظاراً لِلْصَلاة عِبادةٌ**؛ نشستن در مسجد به انتظار اقامه نماز، عبادت است».[[62]](#footnote-62)

از ابوذر غفّاری نقل شده است که پیامبر به او چنین وصیّت کردند: «**یا أَبَاذَر! إِنَّ اللَّهَ یعْطِیک مَا دُمْتَ جَالِساً فِی الْمَسْجِدِ بِکلِّ نَفَسٍ تَنَفَّسْتَ فِیهِ دَرَجَةً فِی الْجَنَّةِ وَ تُصَلِّی عَلَیک الْمَلَائِکةُ وَ یکتَبُ لَک بِکلِّ نَفَسٍ تَنَفَّسْتَ فِیهِ عَشْرُ حَسَنَاتٍ وَ یمْحَى عَنْک عَشْرُ سَیئَاتٍ**؛ ای اباذر، به درستی که خداوند به تو اعطا می‌کند، مادامی که در مسجد نشسته‌ای، به اندازه هر نفسی که می‌کشی، درجه‌ای در بهشت و ملائکه نیز بر تو درود می‌فرستند و برای تو به اندازه هر نفسی که می‌کشی، ده حسنه ثبت و ده گناه تو را پاک می‌کنند».[[63]](#footnote-63) این تأکیدات تا بدان حد هستند که خودداری از حضور در مساجد از روی بی‌اعتنایی، نوعی روی‌گردانی از سنّت پیامبر و موجب عدم قبول عبادات به شمار می‌آید.[[64]](#footnote-64)

در صدر اسلام، مسلمانان به برپایی نمازهای جماعت‌ ـ‌که مظهر بندگی، شُکوه، حیات و وحدت امّت اسلامی است‌ـ بیش از امروز اهمّیت می‌دادند؛ امّا باید گفت که در طول تاریخ 1400 سالۀ‌ اسلام، کارکرد مسجد در بعد عبادی، هرگز افول نکرده است؛ اگرچه در زمینه‌های دیگر با فراز و نشیب بسیار همراه بوده است.

ویل دورانت، مورّخ مشهور غربی، در گزارشی از جوامع اسلامی، چنین می‌نویسد: «پیش از آفتاب و نیمه‌ روز و نزدیک غروب، مؤذّن بر گلدسته بالا می‌رود و به ‌وسیله اذان، مسلمانان را به نماز می‌خواند. به ‌راستی، این دعوت چه نیرومند و شریف است که مردم را پیش از طلوع آفتاب به بیداری دعوت می‌کند؛ چه خوب است که انسان به هنگام نیم‌روز از کار باز ایستد و چه بزرگ و باشکوه است که ضمیر انسان، در سکوت شب به جانب خداوند جلّ ‌جلاله توجّه کند.»[[65]](#footnote-65)

**2. مسجد، کانون فعالیتهای سیاسی**

یکی دیگر از کارکردهای مسجد در صدر اسلام، کارکرد سیاسی بود. به‌ صراحت می‌توان ادّعا کرد که در کنار بعد عبادی مسجد، وسیع‌ترین و مهم‌ترین کارکرد مسجد، کارکرد سیاسی آن بوده است.

از آغاز اسلام، این مکان مقدس با مسائل سیاسی آمیخته شد. زیرا شریعت اسلام دینی است که در آن رابطه‌ای مستقیم بین فعالیت‌های عبادی و سیاسی وجود دارد. این ارتباط به روش‌های متعدد قابل تصوّر و درک است که از آن جمله، می‌توان به خطبه‌های نماز جمعه و بیان مسائل حکومتی و سیاسی و مسائل مهم اجتماعی توسط خطیب جمعه اشاره کرد. مسجد، پایگاه و مرکز همۀ ‌فعّالیّت‌های سیاسی جامعه ‌اسلامی و در واقع، «دارالحکومة» آن بوده است. ملاقات رهبران و نمایندگان خارجی و تصمیم‌گیری‌های مهم در مساجد صورت می‌گرفت و حرکت‌های سیاسی، اجتماعی از مسجد رهبری و سازمان‌دهی می‌شد.[[66]](#footnote-66)پیامبر پیش از هجرت به مدینه، با وجود فشار حاکم در مکه با برخی از گروه‌ها، در مسجدالحرام گفتگو می‌کرد. پس هجرت به مدینه نیز پیامبر در مسجد، با افراد و گروه‌های اعزامی از قبیله‌ها و طایفه‌های گوناگون گفتگوی سیاسی انجام می‌داد. در مسجدالنبی مکانی به نام «اسطوانةالوفود»(ستون هئیت‌ها) برای این گفت‌و‌گوها در نظر گرفته شده بود.[[67]](#footnote-67) همچنین در زمان خلفای نخستین و امام علی همۀ ‌ملاقات‌های عمومی در مسجد انجام می‌شد و حتّی نمایندگان خارجی، در مسجد به حضور پذیرفته می‌شدند. مسجد، محلّ بیعت و اعلام برنامه‌های حکومتی نیز بود.

ابن‌ابی‌الحدید در شرح نهج‌البلاغه می‌نویسد: وقتی مردم هجوم آوردند تا با امام علی بیعت کنند، آن حضرت امتناع ورزید؛ ولی اصرار عموم در حدّی بود که حضرت چاره‌ای نداشت. در این مرحله که مشروعیّت الهی با مقبولیّت عمومی همراه گشته بود و حجّت بر آن حضرت تمام شد، امام، حاکمیّت را پذیرفت؛ ولی برای انجام بیعت فرمودند که اگر به‌ناچار قرار است با من بیعت کنید، پس در مسجد [با من بیعت کنید]؛ زیرا بیعت با من، نباید به‌طور مخفی و پنهان باشد، بلکه باید با خواست مسلمانان و در ملأ عامّ و محلّ اجتماع مسلمانان انجام بگیرد. پس، حضرت بلند شدند در حالی ‌که مردم در اطرافش بودند، حرکت کردند تا داخل مسجد شدند؛ مردم از هر طرف بر سر حضرت ریختند و با ایشان بیعت کردند.[[68]](#footnote-68)

روشن است که امروز بیعت به انتخابات، تغییر نام یافته است و کارکرد سیاسی، با پیروزی غرورآفرین انقلاب اسلامی، در مساجد احیا شده است؛ به‌گونه‌ای ‌که همۀ‌ انتخابات‌های گذشته (که در واقع، هر انتخاب یک بیعت جدید با نظام اسلامی است) در مجامع عمومی و مساجد صورت گرفته است.

مسجد، در صدر اسلام همواره مجلس مشورتی مسلمانان در رویدادها نیز بوده است. بر اساس دستور قرآن کریم،[[69]](#footnote-69)پیامبر اکرم در امور مختلف با افراد دارای صلاحیّت‌ مشورت می‌کردند. مهم‌ترین این مشورت‌ها در حوزه‌ نظامی، غزوات و تنظیم سیاست‌های دفاعی بود. یکی از مهم‌ترین مشورت‌ها، در جنگ احد بود که پیامبرگرامی با اصحاب خود درباره‌ نحوۀ اجرای جنگ مشورت کردند.[[70]](#footnote-70)

در واقع، پر رنگ‌ترین نقش مساجد در دوران انقلاب اسلامی، نقش سیاسی بوده است. با فراگیر شدن انقلاب اسلامی، مسجدها جایگاهی مؤثّرتر در این زمینه یافتند. سخنرانی‌های روحانیان و دانشگاهیان در مساجد مردم را بیش ‌از پیش با ابعاد فساد، ظلم، تبعیض و بی‌عدالتی ساختار سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور آشنا کرد. مساجد، در طرد رژیم طاغوت از سوی مردم، بسیار مؤثّر بودند. پس از تبعید امام خمینی، در سال 1343، مبارزۀ فّعال سیاسی فروکش کرد و مساجد رویکردی دیگر یافتند. امام خمینی، معمار انقلاب اسلامی ایران، در ارتباط با این نقش می‌فرمایند: «مسجد در اسلام و در صدر اسلام، همیشه مرکز جنبش و حرکت‌های اسلامی بود و از مسجد تبلیغات اسلامی شروع می‌شده است و مسجد محلّ حرکت قوای اسلامی برای سرکوب کفّار و وارد کردن آنها در زیر بیرق اسلام بوده است».[[71]](#footnote-71)

در واقع، سخنان امام خمینی تلاشی برای معطوف نمودن توجّه به فرهنگ اصیل اسلامی و سامان‌دهی حرکت‌های اسلامی از مساجد است. مساجد که پایگاه‌های انقلاب بودند، به ‌صورت سنگرهای مستحکم برای مبارزۀ انقلابی‌ها درآمدند. بر این ‌اساس، امام خمینی با ژرف‌نگری خاصّ خود می‌فرماید:

«مساجد و محافل دینیّه را که سنگرهای اسلامی در مقابل شیاطین است، هر چه بیشتر گرم و مجهّز نگه دارید».[[72]](#footnote-72)همچنین ایشان فرمودند: «مسجد، یک سنگر اسلامی است و محراب محلّ جنگ است و محلّ حرب است؛ [دشمنان،] این را می‌خواهند از دست شما بگیرند».[[73]](#footnote-73)

«در صدر اسلام، مساجد، محافل و نمازها جنبه سیاسى داشته است. از مسجد راه مى‌انداختند لشکر را به جنگى که باید بکنند و به آن جایى که باید بفرستند؛ از مسجد مسائل سیاسى طرح ریزى مى‌شد... مع الأسف، مساجد را ما کارى کردیم که بکلى از مصالح مسلمین دور شد و با دست ما، آن طرحهایى که براى ما ریخته بودند، پیاده شد».[[74]](#footnote-74)

«ارتش اسلام هر جا رفته است و سردارهاى اسلام هر جا پاگذاشتند، همان جایى که پاگذاشتند، اول مسجد درست کردند؛ وقتى به قاهره رسیدند، اوّل خط کشیدند براى مسجد و هرجا این طور بود، مسجد مطرح بود، معبد مطرح بود و ارتش اسلام براى آباد کردن مساجد، محراب، کوشش مى‌کردند».

«اسلام مساجد را سنگر قرار داد، وسیله از باب این که از همین مساجد، از همین جمعیتها و جماعت... همه امورى که اسلام را به پیش مى‌برد و قیام را به پیش مى‌برد، مهیا باشد».[[75]](#footnote-75)

در پی این تأکیدهای رهبر کبیر انقلاب بر استفاده‌ هر چه ‌بیشتر از مساجد و بازگشت آنها به نقشی که در صدر اسلام داشتند، یاران و شاگردان امام، با افشاگری در مساجد، آتش مبارزات را روز به ‌روز شدیدتر و رژیم منحوس پهلوی را ناکارآمدتر کردند. پایه‌های اصلی و اوّلیه‌ انقلاب را شاگردان، نزدیکان و معتمدان امام بنا کردند. امام،400 نفر شاگرد مخصوص تربیت کرده بودند که اثر آنها در همه‌ جا دیده می‌شد. آیت‌اللّه امامی کاشانی در شرق تهران، آقای ایروانی در جنوب تهران، آیت‌اللّه غیوری در جنوب شرقی، آیت‌اللّه ملکی در مسجد همّت شمیرانات، آیت‌اللّه شهید مطهّری در مرکز تهران کانون توحید، امام جمارانی در شمال و مسجد شهید بزرگوار دکتر مفتّح به کار تبلیغی و سیاسی مشغول بودند؛ ایشان در شهرستان‌ها نیز شاگردانی داشتند.[[76]](#footnote-76)

در محور سیاسی، مساجد و نهادهای دینی، به واسطه‌ عملکردشان و عملکرد مبارزاتی‌شان علیه حکومت‌ها، مورد توجّه خاصّ کارگزاران دولت بود؛ چرا که می‌دیدم مسئولان بلندمرتبه ‌رژیم شاه، چه عکس‌العمل‌های تندی در مقابل مسجد و مسجدی‌ها ابراز می‌داشتند و اعمال می‌کردند. بی‌ جهت نبود که سپهبد رزم‌آرا، مهره‌ حلقه‌‌به‌‌گوش شاه، می‌گفت: مسجد را بر سر کاشانی و مجلس را بر سر مصدق خراب می‌کنیم؛ به این ترتیب، اهمّیت و حسّاسیّت سیاسی‌بودن مساجد را بهتر درک می‌کنیم.[[77]](#footnote-77)

در دوران انقلاب هم به‌طور طبیعی و بر اساس سوابق تاریخی، مساجد ایران نقش خود را باز یافته و مرکز مبارزات ضد رژیم شاه بودند. حمله به مسجد گوهرشاد در زمان رضا شاه و کشتار مردم، به توپ‌ بستن حرم امام رضا توسّط روس‌ها و همچنین، حمله و به آتش‌کشیدن مسجد جامع کرمان و کشتار مردم، نشان‌دهنده اهمّیت مسجد در مبارزات مزبور و استفاده از مسجد به عنوان سنگر مبارزه است. همچنین، این امر بیانگر عنادی است که قدرت سیاسی نسبت به این مکان مقدّس داشته است.[[78]](#footnote-78)

**3. مسجد، کانون فعالیتهای اجتماعی**

مسجد، محل گردهمایی مسلمانان و تجلیگاه پرشکوه انسجام و یک پارچگی ملت مسلمان است. مسجد، حافظ سلامت دین و جامعه است و نمایش وحدت و همدلی نمازگزاران، بقای اسلام را تضمین می‌کند. حضور نمازگزاران در مسجد، امید دشمنان اسلام را به ناامیدی بدل می‌سازد.

وحدت اجتماعی، عنصری اساسی برای سلامت و بقای اصل و اساس هر جامعه‌ای است. مسجد در تحکیم این عنصر اساسی، نقشی بس بزرگ ایفا می‌کند. افراد مختلف، زن و مرد، بزرگ و کوچک، صاحبان افکار و سلیقه‌های مختلف، همه در یک جا گرد هم می‌آیند. همدل و همسو و دوش به دوش یکدیگر می‌ایستند.

مسجد کانون اتّحاد و همبستگی، انس و الفت مسلمانان با یکدیگر است. مسلمانی که به‌طور منظّم و در زمان‌هایی ویژه، مانند نمازهای روزانه و نماز جمعه و با آدابی خاصّ، مانند با وضو و طهارت بودن، در اجتماعی عبادی شرکت می‌کند، خودآگاه یا ناخودآگاه در معرض تربیت دینی قرار می‌گیرد و آثار مهمّ اخلاقی و رفتاری و حسّ همبستگی اجتماعی در وجود او نمایان می‌شود.

مارسل بوازار می‌گوید: «مسجد عامل نیرومندى در همبستگى و اتحاد مسلمانان جهان است و اهمیت اجتماعى و فرهنگى آن را از این بابت، نمى‌توان نادیده گرفت، به خصوص در روزگار معاصر، که مسلمانان شور و حرارت صدر اسلام را دوباره از خود نشان مى دهند، مساجد به صورت مراکز تربیت روحانى و پایگاه جنبش امّت مسلمان نسبت به ستمگران و سلطه جویان در آمده است. اندک اندک مساجد موقعیت سال‌هاى نخستین ظهور اسلام را به دست آورده اند. تأسیس کتابخانه‌ها و تالار اجتماعات در درون مساجد این حقیقت را آشکار مى سازد که مساجد در اسلام بدان گونه که بعضى پنداشته اند، منحصراً براى اداى فریضه نماز نیست و یقیناً یکى از مراکز سیاسى و فرهنگى مهم اسلام است. اقامۀ نماز جمعه وسیله اى است براى گردهمایى مسلمانان در روز تعطیل و طرح مسائل مهم اجتماعى و بحث و گفتگو در باب کمبودهاى رفاهى؛ نظیر بهداشت، مسکن، تصمیم گیریهاى سیاسى، مسائل حرفه اى و غیر آن. در حقیقت، برپایى نماز جمعه به کار گرفتن عبادت خداوند است در راه خدمت به امّت. گردهمایى جمعه، به ویژه در سالهاى اخیر، در ممالک آزاد شده توسط اسلام، تأثیر و کارایى بسیارى داشته است. در این سالها، على رغم تفرقه و پراکندگى سیاسى مردم، گردهمایى مسلمانان ناخشنود از حکومت هاى ستمگر فاسد، در درون همین مساجد طرح قیام عمومى و مبارزه علیه ستمگران را ریخته و تزلزلى در ارکان فرمان روایى دست نشاندگان استعمار غرب پدید آورده است؛ کارى که احزاب و گروه‌هاى سیاسى مخالف در ممالک غرب از انجام آن هنوز ناتوانند».[[79]](#footnote-79)

بر پایه چنین ترسیمی از مسجد است که خداوند متعال، پیامبر خویش را از نمازگزاردن و حتّی حضور در مسجدی که وحدت جامعه اسلامی را دچار آسیب کند، نهی می‌نماید.[[80]](#footnote-80) آن حضرت نیز نه تنها در چنین مسجدی حضور نیافتند، بلکه جمعی را فرمان دادند تا آن را به آتش کشند. حتّی بنابر نقلی، زمین آن مسجد به مزبله‌دان تبدیل شد.[[81]](#footnote-81)

شواهدی نشان می‌دهد که پاره‌ای از مقرّرات نماز جماعت، همچون تأکید بر منظّم بودن صفها و اتّصال شانه‌های نمازگزاران، نهی از این که نمازگزار تنها در یک صفّ بایستد و یا موقع اذان، از مسجد خارج شود[[82]](#footnote-82) و ... بدین منظور تشریع شده تا هم وحدت و هماهنگی مسلمانان بیشتر شود و هم بهتر به نمایش گذاشته شود.

ازاین‌رو می‌توان گفت: مسجد هر قدر وحد ت و یکپارچگی مسلمانان را پایدارتر کند و قشرهای بیشتری از جامعه را در برگیرد، به مسجد طراز اسلامی نزدیک‌تر است. حضور پیروان مذاهب گوناگون در یک مسجد نیز نشانگر آن است که اختلاف‌های عقیدتی و مذهبی نتوانسته صف واحد مسلمانان را دچار تفرقه و پراکندگی کند. پس مسجد طراز اسلامی در مناطقی که پیروان مذاهب گوناگون زندگی می‌کنند، مسجدی است که همگان با وجود اختلاف‌های مذهبی، دوش به دوش هم در آن نماز بگزارند.

از نظر امام صادق کسی که در صف اوّل نماز جماعت برادران اهل‌سنّت حضور یابد و در صف اوّل بایستد، همچون کسی است که شمشیر خویش را از نیام برکشیده و آماده نبرد در راه خداست.[[83]](#footnote-83)

راز این سخن امام روشن است. در حقیقت نمایش وحدت و همدلی مسلمانان، همان آرمان رسول خداست و ارزش آن کمتر از جنگیدن با دشمنان دین خدا نیست. پس مسجد طراز اسلامی در زمینۀ وحدت اجتماعی، مسجدی است که اتّحاد و یکپارچگی جامعۀ اسلامی را استوار نماید. نمازگزاران آن به راستی همدل و با صفا بوده، از کینه‌ها و کدورت‌ها به دور باشند و همدلی و اتّحاد خود را به دشمنان آشکار و نهان جامعۀ اسلامی نشان دهند.

گفتگو پیرامون مشکلات اجتماعی و چاره اندیشی برای رفع آنها، هنگامی به نتیجه نهایی می‌رسد که اقداماتی عملی را نیز در پی داشته باشد. مسجد، پایگاه عمومی مسلمانان و محلّ حضور قشرهای گوناگون است. ازاین‌رو جایگاه مناسبی برای تعاون اجتماعی مسلمانان و مشارکت آنان در راستای رفع نارسایی‌های اجتماعی.

در صدر اسلام توجّهی همه جانبه به تهیدستان و محرومان در مسجد به عمل می‌آمد که باید الگوی مساجد در این عصر قرار گیرد این توجّه عبارت بود از:

الف) **کمک مالی**؛ مسجد تنها محل خواندن نماز نبود، بلکه جایگاهی برای دادن صدقه و کمک به مستمندان نیز به شمار می‌آمد.

داستان معروف و تاریخی امام علی که در حال رکوع انگشتر خویش را به مستمندی بخشید، در مسجد به وقوع پیوست.

مسجد باید باعث برطرف کردن اندوه‌های دنیوی، افسردگی، و پناه‌گاه مسلمانان باشد.[[84]](#footnote-84) در روایت آمده که پیامبر در مسجد با تهیدستان هم غذا می‌شد و با آنان افطار می‌کرد.[[85]](#footnote-85)

امام رضا در گفتاری نورانی یکی از فواید و آثار سازنده نماز جماعت را ـ که معمولاً در مسجد برپا می‌شود ـ همیاری و تعاون مسلمانان بر «بِرّ و تقوا» بر شمرده است.[[86]](#footnote-86) این سخن امام، باب علمی است که صدها باب علم دیگر از آن به روی انسان گشوده می‌شود. کارهایی مانند جمع‌آوری کمک برای نیازمندان، پرداخت وام، اعطای خدمات درمانی، اقدامات برای تسهیل ازدواج زوجهای جوان، برنامه‌ریزی برای عیادت و سرکشی از بیماران و اموری از این دست، همگی از مصادیق تعاون بر«برّ و تقوا» است. اهل مسجد باید فقر را از میان خویش برچینند با این همه، مساجد امروز سنگینی این رسالت را کمتر بر دوش خود حس می‌کنند در مساجد کمک به تهیدستان فراموش شده است یا حد اقل به سمت و سوی نادرستی کشیده شده است. تهیدستانی که نقاب تعفّف برچهره زده‌اند و در هاله‌ای از شرم و نجابت، فقر را بی‌نیازی جلوه می‌دهند، مستحقان واقعی کمک‌ها در مساجد هستند؛ امّا ایستادن و سرافکندگی و ذلّت را روبه‌روی جمعیت تمرین کردن کاری ناشایست است که متأسفانه امروزه رواج پیدا کرده و با مرام اهل مسجد و حرمت خانه خدا سازگار نیست.

ب) **اسکان مستمندان**؛ اهل صفّه گروهی از مهاجرین و انصار بودند که از تهیدستی، منزل و سرپناه نداشتند پیامبر اینان را در صفّه مسجدالنبی (سایبانی در آن مسجد) جای داد.

همچنین در زمینه‌ مسائل اجتماعی، مسجد در اوایل ظهور انقلاب، پایگاه ترغیب و تحریک مردم برای همکاری و همیاری در زمینه‌های مختلف بود. در مسجد، بسیاری از مشکلات اجتماعی جامعه، با همکاری مردم، حلّ می‌شد. از کارهایی که فقط جنبه ‌اجتماعی داشتند می‌توان به کمک‌های مردم در جریان زلزله‌ طبس و کمک به خانواده‌هایی که سرپرست آنها در زندان یا بازداشت بودند، اشاره کرد.

مساجد و ائمّه‌ جماعات نه ‌تنها اختلافات مالی مردم را حلّ ‌و فصل می‌کردند، بلکه اختلافات خانوادگی و حتّی قومی و محلّی افراد را فیصله می‌دادند؛ چرا که متدیّنین و مؤمنان، مجاز نبودند که به دادگستری و محاکم قضایی مراجعه نمایند... در مورد طلاق نیز وضع به همین صورت بود؛ چون مراجع، شرط صحّت طلاق را وجود دو شاهد عادل برای جاری ‌کردن صیغه‌ طلاق، می‌دانستند و دادگاه‌های زمان قبل از انقلاب، مصداق وجود این شرط نبودند؛ بنابراین، بسیاری از طلاق‌ها و صیغه‌ آن در سر نماز جماعت و با شاهد گرفتن از متدیّنین انجام می‌شد.[[87]](#footnote-87)

**4. مسجد، کانون فعالیتهای اقتصادی**

از جمله فعالیت‌های مسجد در صدر اسلام، امور اقتصادی بود. بنابر شواهد تاریخی، اموال عمومی در مسجد گردآوری و از آنجا در بین مسلمانان توزیع می‌گردید؛ غنائم جنگی نیز پس از جنگ به مسجد انتقال می‌یافت و در آنجا بین رزمندگان تقسیم می‌شد.

در صدر اسلام، هرگاه مالى از ناحیه‏اى به مدینه مى‏رسید آن را به مسجد پیامبر مى‏آوردند و طبق نظر آن حضرت میان مردم تقسیم مى‏شد. این دستورات و قوانین فراگیر اسلام در شکل‏گیرى اجتماعى، سیاسى و اقتصادى جوامع مؤثر بوده است، چنانکه تا قرن‏ها، بیشتر فعالیت‏هاى شهرهاى اسلامى بر مدار یک مسجد با موقعیت مرکزى انجام مى‏گرفت و مساجد به ویژه مسجد جامع، به شهرهاى اسلامى چهره‏اى کاملاً خاص مى‏بخشید، این نقش کانونى (مسجد جامع و بازار با محله‏هایش) همواره منشأ تحرک‏هاى اجتماعى، سیاسى و اقتصادى در اسلام و نیز روابط نزدیک دانشمندان با طبقه متوسط شهرى بوده است.

در صحیح بخاری، نقل شده است: اموال فراوانی را از بحرین به حضور رسول خدا آوردند، حضرت فرمود: «**انثروه فی المسجد**؛ آن را در مسجد توزیع کنید».[[88]](#footnote-88)

شاید ساختن مجموعه‌ای متصل به مسجد به نام «خزانه» و محل نگهداری بیت المال در قرنهای بعد برگرفته از همین سیره نورانی پیامبراکرمباشد. چنان که در کتابهای تاریخ اسلامى، فراوان اشاره شده است به جایى در مسجد به نام «قبه بیت المال» که خلفا ثروت نقدى عمومى را که از طریق زکات و مالیات اسلامى و غنایم جنگى به دست مى‌آمد، در آنجا جمع و حفظ مى‌کردند.[[89]](#footnote-89)

صاحب کتاب «الخطط» دربارۀ مسجد جامعى که عمروبن العاص در فسطاط مصر بنا کرد، مى‌گوید: بیت المال مسلمانان در بالاى فوّاره در مسجد جامع قرار داشت، که آن را «اسامة بن زید تنوخى»، متوّلى مصر در سال (970هـ.ق) بنا کرد. در آن زمان، امیر مصر «عبدالملک بن رفاعه الفهمى» بود.[[90]](#footnote-90)

ابن رسته، از علماى قرن سوم هجرى، بیت المال مذکور را در کتاب «الاعلاق النفسیه» توصیف کرده و گفته است: این مکان، شبیه قبه‌اى بود که داراى درهایى از آهن بود و در سمت جلوى منبر قرارداشت.[[91]](#footnote-91)

همچنین مسجد جامع ابن طولون، که در سال(263 هـ.ق) در قاهره ساخته شد، به دستور خود وى، پس از عشاء قفل و بسته مى‌شد؛ زیرا بیت المال در آن قرار داشت.[[92]](#footnote-92) این مسئله، که خزانه دولت یا بیت المال در مسجد جامع شهر نگهدارى مى‌شد، نشانگر ارتباط محکم بین مذهب و سیاست بود. بیشتر صاحب نظران معتقدند که این رسم از زمان‌هاى اول حکومت خلفا شروع شد؛ آنها مسجد را محل امنى براى نگهدارى ثروت ملى مى‌دانستند.

رابطه بین مسجد و اقتصاد از منظر دیگری نیز مورد تأمّل است. قرآن کریم به مسلمانان دستور می‌دهد: «**فَإِذَا قُضِیَتِ الصَّلَاةُ فَانتَشِرُوا فِی الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِن فَضْلِ اللَّهِ**...؛ هنگامی که نماز پایان یافت، در زمین پراکنده شوید و از فضل خدا بطلبید».[[93]](#footnote-93) مفسران در تفسیر این آیۀ شریفه می‌نویسند: «**أی: إِذَا صَلَّیْتُمُ الْجُمُعَةَ وَ فَرَّغتُم عَنها تَفرَّقُوا فِی الأرضِ وَ اُطلِبُوا الرّزقَ فِی الشِّراءِ وَ البیع**؛ پس از نماز جمعه، در زمین پراکنده شوید و با خرید و فروش، طلب رزق کنید.»[[94]](#footnote-94) در برخی از روایات نیز برای کسب رزق حلال، به همین آیه شریفه استشهاد شده است.[[95]](#footnote-95)

در گذشته، در کنار مساجد شهر، مسجدِ بازار هم وجود داشت که بیشتر افراد شرکت‌کننده در آن، بازاری بودند. این مساجد، به غیر از مساجد محلّات بود. در این مساجد، بیشتر بازاریان شرکت داشتند و بیشتر اخبار تخصّصی حوزه تجارت و گزارشات مربوط به بازار و اوضاع اقتصادی، در این مساجد بیان می‌شد. برخی از کسبه و بازاریان، ساعاتی را برای آموختن احکام معاملات و بیع و شراء اختصاص می‌دادند.[[96]](#footnote-96) براین اساس، اکثر تجّار و بازرگانان به محض اینکه وارد شهرها مى‏شدند به مساجد بازارمراجعه مى‏کردند. حضور این تجّار و بازرگانان در مسجد بازار، نشان از ورود کالاهاى جدیدى داشت که به محض فراغت از نماز، خریداران کالا وارد گفتگو و مذاکره براى خرید و فروش یا مبادله مى‏شدند. اگر چه به طور مستقیم، خرید و فروش در داخل مسجد انجام نمى‏گرفت و هنگام حضور در مسجد، اصل همه کارها بر محور عبادت و نیایش بود، امّا دید و بازدید و گفت‌وگو براى تبادل و خرید کالاها، بعد از انجام اعمال عبادى صورت مى‏گرفت. نکته قابل توجه این که خدمات بین مساجد و بازرگانان متقابل بوده است. یعنى همچنان که مسجد در امر اقتصادى به کمک تجّار و بازرگانان می‌شتافت، بازرگانان نیز نقش مهمى در گسترش اسلام و ساخت مساجد در مسیر حرکت کاروانهای تجاری و دیگر سرزمین‏هاى دور دست داشتند.

اگر کاروان‌هاى بازرگانان مسلمان در یک محل چند بار فرود مى‏آمدند، در آنجا مسجدى مى‏ساختند تا محل تجمّع آنان باشد. چیزى نمى‏گذشت که مردم محل به این مسجد روى مى‏آوردند و به اسلام مى‏گرویدند. راه‌هاى بازرگانى، راههاى اسلام در آسیا بود، چنانکه در آفریقا نیز راه آشنایی مردم با اسلام همین طور بود.

امروزه فعالیت‌های اقتصادی مساجد با مشارکت و همیارى مردم، بیشتر در قالب تشکیل صندوقهای قرض الحسنه و حمایت و دستگیری از محرومان جامعه در مشکلات صورت می‌گیرد.

ارائه خدمات مالی اعم از حفظ سپرده‏هاى مردم و واگذارى وام بدون بهره از طریق شوراى صندوق قرض‏الحسنه انجام می‌پذیرد. این سنت حسنه قرون متمادى است که بین مؤمنین نمازگزار مساجد انجام مى‏شود.

با توجه به تأکیدات فراوان آیات و روایات درباره منع انجام معاملات ربوی، تشکیل صندوق‌هاى قرض‏الحسنه از بهترین روش‌هاى اقتصادى براى رفع احتیاجات مالى و اقتصادى مردم است که خاستگاه اولیه تشکیل این نوع صندوقهاى خیریه و قرض‏الحسنه، مساجد بوده‏اند. انجام این عمل ارزشمند اقتصاد اسلامی، موجب توسعه اقتصادی و تأمین نیازهای مالی و اقتصادی مردم شهرها و محلّه‌ها می‌شود. این فعّالیّت مسجدی، انگیزه‌سازی برای روحیّه خودیاری در مردم و انجام امور داوطلبانۀ اقتصادی در سطح جامعه را باعث خواهد شد. توجّه به این سنّت حسنه و آموزش تعالیم آن به نمازگزاران و حاضرین در مسجد، در دوران مقاوم‌سازی اقتصاد و گذشتن از دوران ریاضت‌های اقتصادی بسیار مهم است. این آموزۀ اقتصادی در درمان بسیاری از آفت‌ها و استثمارهای اقتصادی جوامع اسلام، مانند ربا بسیار مؤثّراست؛ زیرا وقتی قرض الحسنه مورد توجّه قرار نگیرد، ربا اقتصاد جوامع را فرامی‌گیرد. در صورتی که ربا در آموزه‌های اسلامی به شدّت نکوهش شده است.[[97]](#footnote-97) بنابراین، قرض الحسنه و اشاعه و تبیین آن در کنار فعّالیّت‌های مسجدی، موجب می‌شود تا اقتصاد جامعه اسلامی از آسیب‌های متعدّد اقصادی مانند ربا، استثمار مالی و ذخیره‌سازی و ناکارآمدی منابع اقتصادی و... مصون بماند.

همچنین دیگر از فعالیت‌های اقتصادی مساجد، امور عام المنفعه با محوریت مسجد است. تشکیل برخی فروشگاه‌ها و تعاونى‏هاى مصرف محلّه نیز توسط هیئت امناء مساجد برای رفع نیازهاى ضرورى جمعیت، حوالى مسجد انجام مى‏شود.

نوع دیگر کارهاى اقتصادى که عمدتاً در مساجد صورت مى‏گیرد و بیشتر جنبۀ خیرخواهانه و بشر دوستانه دارد، جمع آورى پول براى مستمندان و نیازمندان، خرید جهیزیه براى خانواده‏هاى کم درآمد و فقیر، پیدا کردن کار براى بیکاران و نیز جمع آورى کمک و اعانه براى ساخت کارگاه‌هاى تولیدى و مراکز کوچک اقتصادى که در امر کمک‌رسانى و با هدف خیرخواهانه و فى سبیل‏الله است. در ادوار گذشته که مساجد در مرکز شهر و بازار در کنار آن ایجاد مى‏شد، اکثر مساجد داراى حجره‏ها و مغازه‌هایی بوده‏اند که درآمد حاصل از اجاره یا تجارت آنان براى مسجد هزینه مى‏شد، این درآمدها بخشى از فعالیت‏هاى اقتصادى مسجد را تشکیل مى‏داد که در راه کارهاى عام‏المنفعه یا تعمیر، نگهدارى و توسعه مساجد یا در امر کمک به ابن‏سبیل و فقیران و مستمندان هزینه مى‏شد.

**5. مسجد، مرکز دادخواهی و قضاوت**

به گواهی تاریخ، مسجد نخستین مکانی است که پیامبراکرمدر آن به قضاوت و دادخواهی و حلّ و فصل اختلافات، منازعات و صدور احکام قضایی پرداختند، مکان دیگری جز مسجد برای قضاوت آن حضرت نقل نشده است.

یکی از دلایلی که پیامبر اعظم مسجد را جایگاه قضاوت قرار دادند، این بود که همه‌ افراد از قوی و ضعیف، توانگر و بینوا و کوچک و بزرگ، شاهد اقامه‌ عدل و اجرای احکام الهی باشند و به آن روی آورند که این موضوع، تهذیب نفوس را موجب خواهد شد.[[98]](#footnote-98) از سوی دیگر، چون در سرزمین‌های اسلامی، آیین دادرسی بر مبنای اصول و قواعد اسلامی بود، تشکیلات خاصّ و مکان ممتازی به‌جز مسجد برای قضاوت وجود نداشت. این روند در زمان خلفای راشدین هم ادامه داشت.

قضاوت، پس از نبیّ مکرّمهمچنان در مسجد انجام می‌شد و این امر، به قدری رایج بود که بعد از پیامبر گرامیاین سیره در زمان خلفای راشدین ادامه داشت تا جایی که در مورد قضاوت امام علی چنین آمده است: «**أنَّهُ کَانَ یَفعلُ ذَلِک فِی مَسجدِ الکُوفة، وَ لَهُ بِهِ دکة معروفة بدکّة القَضاء**؛ در مسجد کوفه، محلّی برای قضاوت امام علی بود که معروف به «دکّةالقضاء» بوده است».[[99]](#footnote-99)

در روایتی به نقل از امام علی چنین آمده است: «به آن حضرت گزارش رسید که شریح قاضی امر قضاوت را در خانه‌اش انجام می‌دهد، فرمود: «**یا شُرَیح! إجلس فی المسجد، فانّه أعدل بین الناس و انّه وَهْنٌ بالقاضی أن یجلس فی بیته**؛ ای شریح، در مسجد قضاوت کن که این عمل برای اجرای عدالت بین مردم بهتراست. نشستن در خانه و قضاوت کردن موجب وهن قاضی است».[[100]](#footnote-100)

قرار دادن مسجد به عنوان محلّ قضاوت تا مدّت‌ها ادامه داشت و بیشتر قاضیان در مسجد به داوری می‌پرداختند تا این که «ملک عادل نورالدین زنکی» محلّی را در دمشق به قضاوت اختصاص داد و نام آن را «دارالعدل» نهاد. پس از این، ایّوبیان در مصر این کار را تعقیب کردند و مکان‌هایی را به امر قضاوت اختصاص دادند.[[101]](#footnote-101)

با گسترش جمعیت مسلمانان و کثرت منازعات و اختلافات، سازمان‌هایی به امر قضا در جامعه اسلامی پرداختند. پس از برقراری جمهوری اسلامی ایران، قوه قضائیه، یکی از قوای سه گانه نظام حکومتی، این امر برعهده گرفت. امروزه، جلسات شوراهای حلّ اختلاف با نظارت قوه قضائیه نیز در مسجد تشکیل می‌گردد. لازم به ذکر است که برخی از علما قایل به کراهت قضاوت در مسجد هستند.[[102]](#footnote-102)

مراد از قضاوت در مسجد، آن است که قاضی در این مکان مقدّس که بیت‌الله است، بنشیند و خصومت بین دو طرف دعوا را حلّ‌ و فصل کند. به‌طور کلّی دلایل، حکایت از آن دارد که اصل «قضاوت در مسجد»، به همین معنا، مورد اتّفاق همه علما است. از این‌رو، هیچ فقیهی به حرمت قضاوت در مسجد قائل نیست و البتّه قائل به وجوب هم نداریم. همه‌ فقها، قضاوت در مسجد را جایز می‌دانند.

افزون بر مطالب بیان شده، قضاوت در مسجد از نظر روانی هم برای طرفین دعوا و هم برای قاضی، آرامش بیشتری را به دنبال دارد؛ زیرا همگان به مقدّس‌ بودن این مکان ایمان دارند و فضای مسجد خود به‌ خود باعث می‌شود افرادی که در آنجا حضور پیدا می‌کنند، از مسائلی نظیرِ دروغ‌ گفتن، شهادت به باطل و سوگند دروغ پرهیز کنند. این امر باعث می‌شود که قاضی بحقّ قضاوت کند.

**6. مسجد، پایگاه نظامی**

به گواهی تاریخ، مسجد در صدر اسلام، محل برافراشته شدن پرچم سپاه اسلام و اعزام آنان به جبهه‌های نبرد بوده است. پیامبر اکرم، خطبه‌هاى آتشین خود را که براى اعزام مسلمانان به جهاد و مبارزه با کفر و شرک بود، در مساجد ایراد مى‌کردند و حتّى آمادگی‌هاى قبل از اعزام هم در مسجد شکل مى‌گرفته است. در زمان خلفای راشدین و حتی امویان هم مسجد از این نظر فعال بود.

همواره مسجد، جایگاه گفتگو و مشورت در رویدادها بوده است و مهم‌ترین این مشورت‌ها در حوزه نظامی و غزوات و تنظیم سیاسست‌های دفاعی انجام می‌شده است.

شواهد گویایى نشان می‌دهد که مسلمانان حتّى در خصوص مسائل نظامى نیز در مسجد به مشورت می‌پرداختند. مسجد، خانه آشنایى با دردها و مشکلات اجتماعى و چاره اندیشى براى رفع آنها است.

امام خمینی در گفتاری به این نقش مسجد تأکید کرده‌اند و فرموده‌اند: «این مسجد الحرام و مساجد در زمان رسول اکرم، مرکز جنگ‏ها و سیاست‏ها و مرکز امور اجتماعى و سیاسى بود. این طور نبوده است که در مسجد پیغمبر، همان مسائل عبادى نماز و روزه باشد؛ مسائل سیاسى‏اش بیشتر بود. اسلام مى‏خواهد که مردم آگاهانه براى مصالح خودشان و براى مصالح مسلمین در آنجا فعّالیّت کنند».[[103]](#footnote-103)

بدون تردید، جامعه‌ای که در راه تحقّق ارزشهای اسلامی گام برمی‌دارد، هیچ‌گاه از دستبرد و تجاوز دشمنان دین ایمن نمی‌ماند؛ این رهنمود قرآن است که: «**وَ لا یَزالُونَ یُقاتِلُونَکُمْ حَتَّى یَرُدُّوکُمْ عَنْ دِینِکُمْ**؛ کافران همواره با شما می‌جنگند، تا آن‌گاه که شما را از دینتان برگردانند.»[[104]](#footnote-104) از سوی دیگر، در جهاد اسلامی رسیدن به پیروزی، همواره در گرو برخورداری از نیروهای رزمنده مؤمن، معتقد و مکتبی است. مسجد در این زمینه، نقشی حیاتی را ایفا می‌کند؛ زیرا در حقیقت رزمندگان مدافع اسلام، پرورش یافته مساجدند. این مسجد است که در فضای قدس و طهارت و شکوفائی علمی، فرهنگی و تربیتی خود، بذر ایمان، آگاهی و روشن‌بینی را در جان و دل جوانان حقجو می‌پرورَد. دست پرورده‌های مسجد، گاه چنان به بار می‌نشینند که حتّی مربّیان خود را هم دچار شگفتی می‌کنند. آنان در نهایت، خارِ چشم دشمنان دین و مایه عزّت و آبروی مسلمانان می‌شوند. خدای تعالی ستم‌ستیزی این‌گونه مسلمانان پارسا و جهادگر را چنین ترسیم می‌نماید: «**مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَ الَّذینَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْکُفَّارِ رُحَماءُ بَیْنَهُمْ تَراهُمْ رُکَّعاً سُجَّداً یَبْتَغُونَ فَضْلاً مِنَ اللَّهِ وَ رِضْواناً سیماهُمْ فی‏ وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذلِکَ مَثَلُهُمْ فِی التَّوْراةِ وَ مَثَلُهُمْ فِی الْإِنْجیلِ کَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوى‏ عَلى‏ سُوقِهِ یُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِیَغیظَ بِهِمُ الْکُفَّارَ وَعَدَ اللَّهُ الَّذینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَ أَجْراً عَظیماً**؛ محمّدپیامبر خداست و کسانى که با او هستند، بر کافران، سخت‌گیر [و] با همدیگر مهربان هستند. آنان را حال در رکوع و سجود مى‏بینى. آنان فضل و خشنودى خدا را خواستارند. علامتِ [مشخصّه‏] آنان بر اثر سجود، در چهره‏هایشان مشخّص است. این صفت آنها در تورات و مَثَلِ آنها در انجیل است که چون کِشته‏اى است که جوانه خود برآوَرَد و آن را مایه دهد تا ستبر شود و بر ساقه‏هاى خود بایستد و دهقانان را به شگفت آورد تا از [انبوهىِ‏] آنان [خدا] کافران را به خشم دراندازد. خدا به کسانى از آنان که ایمان آورده و کارهاى شایسته کرده‏اند، آمرزش و پاداش بزرگى وعده داده است».[[105]](#footnote-105)

بنابراین، مسجد از یک سو، مهد و پرورش‌گاه نیروهای مدافع اسلام بوده است و از سوی دیگر، به هنگام بروز جنگ و پیدایش ناامنی در جامعه، مسجد بسان پایگاه و سنگری استوار برای رزمندگان اسلام در عصر رسول خدا عمل می‌کرده است. چنان‌که واقدی در کتاب مغازی در شرح حوادث جنگ اُحد چنین می‌گوید: «بزرگان اوس و خزرج، مانند سعدبن‌عباده، سعدبن‌معاذ و اسیدبن‌حضیر همراه عدّه‌ای، در حالی که مسلّح‌شدن بودند، شب جمعه را در مسجد کنار خانه پیامبر اکرم گذراندند. به دلیل اینکه از شبیخون مشرکان بیم داشتند، شب جمعه از مدینه پاسداری کردند تا آنکه صبح شد».[[106]](#footnote-106)

علاوه بر این، در هر مسجدی، نقطه‌ای بنام محراب ساخته می‌شود. محراب از مادّه حرب به معنای جنگ است و این موضوع به این مناسبت است که مسلمانان این نکته را در مساجد در نظر داشته باشند که برای نیل به کمالات مورد نظر و تحقّق ارزش‌های اسلامی و دفاع از کیان اسلام و حفظ جامعه اسلامی، از گزند دشمنان، گاهی راه دیگری جز جنگ با دشمنان داخلی و خارجی وجود ندارد.[[107]](#footnote-107) البتّه این بدین معنا نیست که اسلام جنگ طلب باشد؛ بلکه اسلام صلح و صفا و همزیستی مسالمت‌آمیز با بقیّه مذاهب و ادیان را در قدم اوّل پیشنهاد می‌کند. بنابراین، در قرآن کریم می‌خوانیم: «**وَ إِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَها وَ تَوَکَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمیعُ الْعَلیمُ**؛ و اگر به صلح گراییدند، تو [نیز] بدان گراى و بر خدا توکّل نما که او شنواى داناست».[[108]](#footnote-108)

مسئله جنگ و جهاد در اسلام، احکام و شرایط خاصّ خودش را دارد که در شرایط اضطراری به عنوان آخرین راه‌حل تشریع شده است. تبلیغات مسجد، مسئله جنگ را در شرایطی که راه دیگری غیر از جنگ وجود نداشته باشد، به عنوان یک مسئله فراموش نشدنی در ذهن‌ها زنده نگه می‌دارد و همزمان، فرهنگ ایثار، فداکاری، جهاد و شهادت را که مایه عزّت و سرافرازی مسلمانان است، شکوفایی می‌بخشد.

به خاطر رابطه تنگاتنگ مسجد با جبهه و جنگ است که مسجدیان از عبادت‌های عاشقانه‌اش و ارتباط با خدای تعالی بهره گرفته و با دعاهای خالصانه‌شان پشتوانه عظیم برای جبهه‌های نبرد را فراهم می‌آورده‌اند. آنان با دعاهای خود از یک طرف، باران عنایت‌ها و الطاف الهی را بر جبهه‌ها نازل می‌کردند و از طرفی، با این کار همراهی و همدلی خود را با رزمندگان اسلام نشان می‌دادند تا آنان با شور و دلگرمی به جهاد مقدّس خود ادامه دهند.[[109]](#footnote-109)

در عصر حاضر نیز از آغاز اوج‌گیری انقلاب اسلامی ایران تا کنون، جلوه‌های پر فروغی از نقش مسجد در این زمینه رخ نموده است. بنابراین می‌توان گفت: مسجدی که مهد و پرورش‌گاه نیروهای مدافع اسلام است و نیروهای بسیج مردمی در آن گرد هم می‌آیند، تا از امنیّت و آسایش مردم پاسداری کنند، در واقع یکی از شاخصه‌های مسجد طراز اسلامی را داراست.

**7. مسجد، کانون تربیت و آموزش**

**7-1. کارکرد تربیتی مسجد**

در صدر اسلام و در طول تاریخ با توجه به سفارش مؤکد قرآن کریم مبنی بر لزوم تقدم «تزکیه» بر «تعلیم»، کارکرد و قابلیت‌های تربیتی مسجد، در صدر امور قرار می‌گرفت.

تربیت، در لغت به معنای رشد و پاکیزه کردن است. در اصطلاح، تربیت عبارت است از تبدیل قوه‌ها به فعلیت و استخراج نیروها و استعدادهای درونی انسان که سبب شکوفایی و پرورده ساختن است.[[110]](#footnote-110)

تربیت‌، از ارکان‌ حیات‌ اجتماعی‌ انسان‌ است؛ از‌این‌رو، توجّه‌ به‌ ابعاد مختلف‌ تربیتی‌، توجّه‌ به شخصیّت‌ والای‌ انسان‌ است‌. نکته دارای اهمّیت‌ در اصول‌ تربیتی‌ این‌ است‌ که‌ «محیط‌ زیست»، یکی‌ از عوامل‌ تأثیرگذار است و می‌تواند کفه‌ ترازوی‌ تربیت‌ را به‌ نفع‌ خود سنگین‌ نماید. بنابراین،‌ «مساجد» یکی‌ از محورهای‌ تربیتی‌ قابل‌ توجّه‌ هستند و از آنجایی‌ که‌ امور تربیتی‌، بیشتر با روان‌ انسان سر و کار دارند، حضور در جمع‌ تربیت‌ شده‌ای‌ که در مراسم‌های مسجد شرکت‌ می‌کنند، می‌تواند راه‌ آسانی‌ برای‌ کسب‌ آداب‌ و اخلاق مقبول‌ جامعه‌ اسلامی‌ باشد.[[111]](#footnote-111)بنابراین مسجد علاوه بر آثار عبادی با گسترۀ فعالیت‌ها و مفاهیم حاشیه‌ای، در امور تربیتی نیز نقش مهمی ایفا می‌کند.

«مسجد»، به‌ عنوان‌ یک‌ مکان‌ تربیتی،‌ دارای‌ دو جلوه‌ فردی و جمعی است؛ یعنی‌ اینکه‌ دو نوع‌ رفتار می‌تواند در آن‌ جلوه‌گر شود که‌ در امر تعلیم‌ و تربیت‌ و جهت‌دهی‌ رفتارهای‌ فردی‌ و جمعی‌ افراد بسیار مؤثّر است‌. هنگامی‌ که‌ انسان‌ها به‌ صورت‌ جمعی‌ به‌ برگزاری‌ مناسک و انجام‌ فرایض‌ می‌پردازند، رفتارهای‌ جمعی‌ ظاهر می‌شوند و هنگامی‌ که‌ به‌ صورت ‌غیرجمعی‌ و به‌ شکل‌ فردی‌ در مسجد حضور پیدا می‌کنند، خودبه‌خود به‌ محاسبه‌ و بررسی ‌رفتارهای ‌شخصی‌ و فردی‌ می‌پردازند.[[112]](#footnote-112) گرچه‌ می‌توان‌ گفت‌ که عبادت‌ در هر مکانی،‌ نیاز روحی‌ انسان‌ را به‌‌طور نسبی‌ تأمین‌ می‌کند؛ ولی‌ مسجد و عبادتگاه‌، جایگاه‌ بهتری برای این ‌امر است‌ و نیاز انسان‌ را کامل‌تر تأمین‌ می‌کند. بنابراین،‌ انسان‌ بنا به‌ فطرت‌ خویش،‌ معبد و مسجد را دوست‌ دارد و تاریخ‌ هم ‌نشان‌ می‌دهد که‌ معبد همواره‌، همراه‌ و همزاد انسان‌ بوده‌ است‌.[[113]](#footnote-113)

در دنیایی که هدف و فلسفه زندگی گم شده است و پذیرش حیات پوچ و بیهوده، زمینه‌ساز پیامدهای نامطلوبی شده است (که به ‌صورت‌های گوناگون در زمینه‌های فردی و اجتماعی بروز می‌کند)، فقط دین و تربیت دینی است که عامل هدایت انسان در مسیر زندگی محسوب می‌شود. افراد بسیاری از شکاف بین نسل‌ها، دین‌گریزی جوانان، بحران هویّت دینی و... سخن می‌گویند؛ امّا بیان این سخنان و حسّاسیّت‌ها و ایجاد ناامیدی کافی نیست و باید بیشتر از گذشته و جدّی‌تر به تربیت دینی درست اقدام نمود. باید فضاهای مساعد برای پرورش حسّ دینی اقشار مختلف جامعه، به‌ویژه جوانان را مورد تحلیل قرار داد تا زمینۀ مطلوب تربیت دینی فراهم شود. یکی از این فضاها، مسجد است. تربیت دینی، فقط با کمک مدرسه صورت نمی‌گیرد؛ در هر جامعه، نهادها و مؤسّسه‌های مختلف دینی نیز متولّی چنین امر خطیری هستند که از آن جمله می‌توان به مؤسّسه‌ها و کانون‌های مذهبی و مسجد نیز اشاره کرد. نقش مسجد، میان محافل دینی برجسته است؛ زیرا در چنین مکانی، صحنه‌های حقیقی دین آشکار می‌شود و وابستگی و گرایش انسان‌ها به مرزهای عقیدتی تذکّر داده می‌شود.[[114]](#footnote-114)

آثار تربیتی، اخلاقی و رفتاری مسجد عبارت‌اند از: ایجاد آرامش، پرهیز از گناه‌، بعد تربیتی‌ ارتباط‌ با دوست‌ خوب، پرورش‌ روح‌ جمع‌گرایی‌، پرورش‌ روح‌ تعهّد، پرورش‌ روح‌ تواضع‌ و فروتنی.‌ در این بخش، به اختصار، به تشریح هر کدام می‌پردازیم:

**7-1-1. ایجاد آرامش روح‌**

سلامت روح، آرامش خاطر و زندگی فارغ از نگرانی و گرفتاری از نیازهای اساسی بشر هستند. روان‌شناسان برای تأمین بهداشت روانی افراد تلاش می‌کنند که باورها، عواطف و رفتارهای نادرستی را بشناسند که باعث بیماری‌ها و ناراحتی‌ها می‌گردد. آنها در پی تغییر این عامل‌ها و یافتن قاعده‌هایی برای زیست بهتر هستند. یکی از بهترین راه‌ها برای این مقصود عمل به فرمان خالق روح انسان است؛ زیرا او نیازهای انسان و قوانین حاکم بر جهان را بهتر از هر کس دیگری می‌داند. بسیاری از روان‌شناسان به این نتیجه رسیده‌اند که تنها روزنه‌ امید برای رهایی از ناراحتی‌ها، ایمان به خدا و اعتقاد به قدرت مافوق انسان است.[[115]](#footnote-115)معبد در ادیان و به‌ویژه مسجد در اسلام، بهترین مکان برای حفظ ایمان، اعتقاد به خدا و ارتباط با مبدأ قدرتمند و مافوق انسانی است.

مسجد، نماد رابطه انسان با خداست و حضور در آن نشانه‌ای از ایمان به خداوند است. رسول خدا می‌فرماید: «وقتی مردی در رفت‌وآمد به مسجد مداومت دارد، گواهی دهید که او فردی مؤمن است».[[116]](#footnote-116)

به یقین افراد با ایمان روحی مطمئن‌تر، اعصابی آرام‌تر و قلبی سالم‌تر دارند؛ زیرا انسان مؤمن همواره مورد لطف الهی قرار می‌گیرد و خداوند آرامش بر آنان نازل می‌کند قرآن کریم می‌فرماید: «**هُوَ الَّذِی أَنْزَلَ السَّکِینَةَ فِی قُلُوبِ الْمُؤْمِنِینَ لِیَزْدَادُوا إِیمَانًا مَعَ إِیمَانِهِمْ**؛ او کسی است که آرامش را در دل‌های مؤمنان نازل کرد تا ایمانی بر ایمان‌شان بیفزاید».[[117]](#footnote-117)

استاد مطهّری می‌نویسد: «آمار نشان می‌دهد که همۀ بیماران روانی یا بیشتر آنان در میان طبقه‌‌ای هستند که از ایمان به خدا و اعتقاد خالص به مبدأ متعال بی‌بهره‌اند. منشأ این بیماری‌های روانی احساس محرومیّت‌ها و مصونیّت‌های اجتماعی است. ایمان، حکم داروی پیش‌گیری را دارد. با وجود ایمان، محرومیّت‌ها انسان را از پا در نمی‌آورد و تعادل او را محفوظ می‌دارد».[[118]](#footnote-118)

فضای مسجد، فضایی نورانی و الهی است و بر همین اساس، بر روح انسان تأثیر می‌گذارد. پیامبر اسلام می‌فرماید:«**مَنْ کَانَتِ الْمَسَاجِدُ بَیْتَهُ ضَمِنَ اللَّهُ لَهُ بِالرَّوْحِ وَ الرَّاحَةِ**؛ هر کس که مساجد را خانه خودش قرار دهد، خداوند آرامش روحی و روانی را برای او ضمانت می‌کند».[[119]](#footnote-119)

معصومان در سخنان‌ خویش‌، مسجد را پناهگاه‌ مؤمن‌ دانسته‌اند. پناهگاهی‌ که‌ انسان‌ را از دغدغه‌ و اضطراب‌ نجات‌ می‌دهد و به‌ آرامش‌ و سکون‌ می‌رساند. پیامبراکرم ‌می‌فرمایند: «**مَا جَلَسَ قَوْمٌ فِی مَجْلِسٍ مِنْ مَسَاجِدَ اللَّهِ تَعَالَى یَتْلُونَ کِتَابَ اللَّهِ وَ یَتَدَارَسُونَهُ بَیْنَهُمْ إِلَّا نَزَلَتْ عَلَیْهِمُ السَّکِینَةُ وَ غَشِیَتْهُمُ الرَّحْمَةُ وَ حَفَّتْهُمُ الْمَلائِکَةُ وَ ذَکَرَهُمُ اللّه‏ُ فیمَنْ عِنْدَهُ**؛ قومی [با یکدیگر] در مسجدی از مساجد خداوند متعال برای تلاوت و آموختن قرآن ننشینند؛ مگر آن که آرامش بر ایشان نازل و رحمت الهی شامل حال آنها شود و خداوند از آنها در میان کسانی که نزد او هستند، یاد می‌کند».[[120]](#footnote-120)

مسجد، «افسردگی‌» را که‌ یک‌ بیماری‌ روحی‌ است‌، برطرف‌ می‌کند و شادمانی‌ و نشاط‌ را جایگزین‌ آن‌ می‌سازد. امام‌ صادق به‌ مسلمانان‌ سفارش‌ می‌کنند که‌ هنگام‌ رویارویی‌ با مشکلات‌ و اندوه‌های‌ دنیوی،‌ به‌ نماز و مسجد پناه‌ ببرند.[[121]](#footnote-121)

نقل است که شیخ الرئیس ابوعلی سینا برای ابو سعید ابوالخیر نوشت: چه لزومی دارد، مردم همه در مسجد اجتماع کنند، با اینکه خداوند از رگ گردن به انسان نزدیکتر است. «**نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَیْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِید**؛ ما از رگ گردن هم به او نزدیک‌تریم».[[122]](#footnote-122) هرجا که باشی اگر رابطه‏ات با خدا برقرار باشد، نتیجه خواهی گرفت. وی در پاسخ نوشت: اگر چند چراغ در یک‏جا روشن باشد، اگر یکی از آنها خاموش شد، چراغ‌های دیگر روشن است، ولی اگر همان چراغ‌ها هر کدام در یک اطاق باشد، اگر یکی از آنها خاموش شد، آن اتاق در تاریکی فرو خواهد رفت. انسانها نیز این‏گونه‏اند؛ تربیت سیاسی که در مسجد ارائه می‏شود، به دلیل ماهیت مذهبی آن می‏تواند نسلی را پدید آورد که پشتوانه جامعه دینی باشند و در برابر حوادث سیاسی هوشیاری لازم را داشته باشند. بعضی گناهکارند، اگر تنها باشند، شاید موفق به کسب فیوضات الهی نشوند، ولی اگر در جمع باشند، شاید خداوند به برکت افراد دیگر، آنها را هم مشمول برکات خود سازد.[[123]](#footnote-123)

استاد مطهّری می‌گوید: «اگر بشر خیال کند که با رسیدن به ثروت و رفاه به مقام آسایش می‌رسد و از اضطراب و ناراحتی و شکایت بیرون می‌آید، اشتباه کرده است. فقط با یاد خداست که دل‌ها آرامش پیدا می‌کند. بسیاری از مکتب‌ها، تکیه بر دور ماندن انسان از اصل خود دارند. مکتب‌های دیگری هستند که تکیه انسان، روی درد انسان است برای خلق خدا، نه درد انسان برای خدا. دیگری می‌گوید: انسان و سوّمی می‌گوید: خدا و انسان؛ در حالی که خدا و انسان از یکدیگر جدا نیست تا خدا نباشد، انسان هم نیست، تا آن درد، خدایی را که در انسان است نشناسد و تا انسان به سوی خدا نرود، درد انسانی او هم به جایی درمان نخواهد شد. انسانیّت، درد خداست؛ درد انسان از درد خدا [داشتن] است».[[124]](#footnote-124)بنابراین، چون مسجد محلّ ذکر خدا، قرائت قرآن و نماز است، بهترین مکان نیز برای آرامش دل خواهد بود.

در اینکه مسجد، چگونه آرامش روح می‌آورد و روان انسان را سیراب می‌کند، راهکارهایی وجود دارد:

**- راهکارهای معرفتی**

منظور از معرفت، شناخت خود، خدا و نیز جهانی است که در آن زندگی می‌کنیم. شناخت صحیح و ارزشیابی دقیق انسان از رویدادهای زندگی، می‌تواند نقشی بسیار مهمّ در سلامت روحی داشته باشد. دنیا، همیشه همراه با گرفتاری‌هاست؛ امّا این مشکلات به‌طور مستقیم انسان را ناراحت نمی‌کنند؛ بلکه طرز تفکّر و نحوه برخورد فرد با مشکل است که اهمیّت دارد و می‌تواند زندگی فرد را از مشکل رها سازد. برای مثال، اگر فرد بیمار از خوردن برخی غذاها پرهیز کند یا داروهای تلخ و تند را بخورد، بهبود می‌یابد و چه بسا به جای ناراحت شدن از تلخی دارو، خوشحال هم باشد که بیماری را از خود دور کرده است.

این همان شناختی است که می‌تواند راه صحیح زندگی را به انسان بیاموزد و نیز با تغییر شناخت، از شناخت مادّی به سوی اعتقاد به خداوند و شناختن این که جهان، فعل خداوند و ناشی از اراده اوست، می‌توان بهداشت روانی افراد را تأمین کرد. رابطه و أنس فرد با مسجد، در بسیاری از مؤلّفه‌های معرفتی، مانند ایمان و اعتقاد صحیح، کسب دانش و غیره می‌تواند نقشی اساسی و تقویّت کننده ایفا کند.

**- راهکارهای عاطفی**

منظور از راهکارهای عاطفی، مؤلّفه‌هایی است که احساسات فرد را نشان می‌دهد؛ مانند ترس، وحشت، شادی، غم و رضایت.[[125]](#footnote-125) گرایش‌های عاطفی افراد نیز همواره بر نگرش‌های شناختی آنها مبتنی است. برای مثال، افراد با ایمان در آرامش روحی و روانی به‌سر می‌برند و همواره نوعی رضایت در آنان به چشم می‌خورد. ارتباط با مسجد هم، می‌تواند نقشی مستقیم و اساسی در شادی، نشاط و امیدواری افراد داشته باشد.

**- راهکارهای رفتاری**

منظور، رفتار و اعمالی است که افراد بر اساس نگرش‌های شناختی و عاطفی انجام می‌دهند؛ مثل بسیاری از وظایفی مانند: استعانت از نماز و صبر، استفاده از روزی‌های پاک و حلال که خداوند برای افراد مؤمن مقرّر می‌فرماید.[[126]](#footnote-126)

با توجّه به عقاید انسان و احساسات صحیح عاطفی، ارتباط با مسجد در این‌گونه موارد تأثیری مثبت دارد. کسب روزی پاک با وجود ارتباط با مسجد و آموزه‌هایی که در این باره وجود دارد، با کسب روزی از شیوه‌های دیگر متفاوت خواهد بود. همچنین، حضور زنان در مسجد با لباسی خاصّ، نقشی مهمّ در شخصیّت آنان دارد. به همین ترتیب، آراستگی مردان و لباس‌های نظیف و زیبا پوشیدن و استعمال بوی خوش و نیز روابط اجتماعی مناسب با افراد مسجدی، می‌تواند شخصیّت رفتاری انسان را زیباتر کند.

**7-1-2. پرهیز از گناه‌**

بر اساس‌ حدیثی‌ متواتر از امام‌ علی، مسجد، در جایگاه‌ اصیل‌ خویش‌، روح‌ پرهیز از گناه ‌و دوری‌ از سرکشی ‌را در دل‌ و جان‌ مؤمنان‌ می‌دمد و آنان‌ را به‌ زیور «حیای‌ اسلامی‌» آراسته ‌می‌کند‌ و جامه‌ «خشیت‌ از خدا» را به‌ آنان‌ می‌پوشاند. ‌هنگامی‌ که‌ مؤمن‌ وارد مسجد می‌شود، فضایی‌ آکنده‌ از قدس‌ و طهارت‌ او را در برمی‌گیرد. خانه‌ای‌ ساده‌ و به دور از پیرایه‌های‌ مادّی‌ که مملوّ از جاذبه‌های‌ معنوی‌ و الهی‌ است. پس،‌ فرد مؤمن‌ هنگامی‌ که‌ در این‌ مکان‌ مقدّس‌ قرار می‌گیرد، سعی‌ می‌کند به‌ گناه‌ آلوده‌ نشود و تمام ‌اعضاء و جوارح‌ خود را از گناه‌ دور نگه‌ دارد و این‌ عمل،‌ نوعی‌ تمرین‌ در انجام ‌کارهای‌ خیر و دوری‌ از بدی‌ها است‌. پس‌، می‌توان‌ گفت‌ حضور در مسجد، تمرین‌ توجّه‌ به ‌خدا‌ و آزمون‌ ترک‌ دنیاست‌.

طبق روایتی که از امام علی نقل شد، تأثیرات رفتاری که حضور در مسجد برجای می‏گذارد، می‏تواند جامعه دینی را از فساد و گناه پاک کرده و مسلمانان را به سمت یک جامعه سالم هدایت کند: «**اَوْ کَلِمَةً تَرُدُّهُ عَنْ رِدی اَوْ یَتْرُکُ ذَنْبا خَشْیَةً اَوْ حَیاءً**؛ یا کلماتی می‏شنود که او را از فساد و گناه باز می‏دارد. و یا به خاطر ترس [از خدا] یا حیا و آبرو، گناهی را ترک می‏کند».[[127]](#footnote-127)بر این اساس، یکی از کارکردهای مسجد، نقش بازدارندگی آن در ارتکاب جرایم و گناهان است.

علمای‌ تربیتی‌ نیز معتقدند که‌ اجرای‌ مناسک‌ دینی،‌ نوعی‌ تمرین‌ برای‌ خویشتن‌‌داری‌ و تحمّل‌ قیود است‌ و می‌تواند مقاومت‌ در برابر جاذبه‌های‌ نفسانی‌ را افزایش‌ دهد و موانع‌ زندگی اخلاقی‌ را کم‌ کند.[[128]](#footnote-128) آثار سازنده‌ و تربیتی‌ حضور در مسجد، رفته‌رفته‌ به‌ دیگر اعمال‌ و احوال‌ مؤمن ‌نیز سرایت‌ می‌کند. حضرت علی در روایتی فرمودند: خداوند - ‌تبارک و تعالى - به حضرت عیسى‌بن‌مریم وحى فرمود که به جَماعت [و یا اَشراف] بنى‌اسرائیل بگو که جز با قلب‌هایى پاکیزه و چشمان خاشع و دست‌هاى پاکیزه، به خانه من وارد نشوند».[[129]](#footnote-129)

بنابراین،‌ می‌توان‌ نتیجه‌ گرفت‌ که‌ نقش ‌مسجد، نقشی‌ تکمیلی‌ و ایجادی‌ در حیطه شکل‌گیری‌ و تقویّت‌ رفتارهای‌ مطلوب‌ است‌ و نه ‌فقط این که تثبیت‌کننده رفتارهایی‌ باشد که‌ در مسجد رخ‌ می‌دهند.

**7-1-3. ارتباط‌ با دوست‌ خوب‌**

از مهم‌ترین روابط اجتماعی انسان، روابط دوستی است. هیچ فردی در زندگی اجتماعی از دوستان خوب بی‌نیاز نیست. دوست خوب، یاور انسان در مسیر راه سعادت و غم‌خواری دلسوز در هنگام بروز مشکل‌ها و سختی‌ها است. داشتن دوستان مناسب باعث سلامت روحی و هویّت اجتماعی مناسب انسان می‌شود؛ به خصوص در دوره نوجوانی و جوانی، افراد به شدّت تحت تأثیر محیط و دوستان خود هستند. یکی از مکان‌هایی که روایات آن را کانون یافتن دوست خوب و صمیمی می‌دانند، «مسجد» است. ازاین‌رو یکی از نقش‌های‌ تربیتی‌ مسجد، این‌ است‌ که‌ دلدادگان‌ خود را با انسان‌های‌ صالح‌ و برگزیده‌ پیوند می‌دهد. از نظر علمای‌ تربیتی‌، دوست‌ِ خوب‌ در سعادت‌ انسان‌ نقش مهمّی دارد؛ مسجد، بستری‌ مناسب است‌ تا میان‌ صالحان‌ و مؤمنان‌ جامعه‌، آشنایی‌ و پیوند ایجاد شود و شرایط‌ تربیت‌ و پرورش‌ روحی‌ و اخلاقی‌ انسان‌ فراهم‌ آید. مسجد پایگاهی دینی و فرهنگی است که نمازگزاران مؤمن در آن رفت و آمد می‌کنند و دوستی با این افراد، در بینش انسان مؤثر است. با ایجاد پیوند و آشنایی میان مؤمنان، نخبگان و صالحان جامعه، بستری مناسب برای پرورش و تربیت روحی انسان فراهم می‌آید.

در روایتی از امام علی برای حضور در مسجد هشت اثر نقل شده است:

«**مَنِ اختَلَفَ اِلَی المَسجِدِ اَصابَ اِحدَی الثَّمانِ؛ اَخا مُستَفاداً فِی اللهِ، اَو عِلماً مُستَطرَفاً اَو آیَةً مُحکَمَةً اَو یَسمَعُ کَلِمَةً تَدُلُّ عَلی هُدیً، اَو رَحمَةً مُنتَظَرَةً، اَو کَلِمَةً تَرُدُّهُ عَن ردی، اَو یَترُکَ ذَنبا خَشیَةً اَو حَیاءً**؛ کسی که به مسجد رفت و آمد می‌کند، یکی از منافع هشت‌گانه نصیب او می‌شود: برادری مفید و باارزش در راه خدا، یا علم و دانش نو، یا دلیل و برهان محکم [برای تثبیت عقاید]، یا کلماتی که موجب هدایت شود [می‌شنود]، یا رحمت مورد انتظاری [شامل حال او می‌شود]، یا مواعظی که او را از فساد و گناه بازدارد، [می‌شنود،] یا به خاطر ترس یا حیا و آبروی خود گناهی را ترک می‌کند».[[130]](#footnote-130)

امام علی، اوّلین اثر ارتباط با مسجد را یافتن دوستان و برادران دینی مطرح می‌فرمایند. دوستی‌ای که بر محور دین و بندگی خدای متعال شکل گیرد، پایدار خواهد بود و به دور از هر‌گونه دغل و انحراف است. این دوستیِ ایمانی، در شکل دادن به هویّت اجتماعی نوجوان و جوان، قابلیّت زیادی دارد و هویّت اجتماعی با محوریّت ملاک‌های دینی و الهی را در فرد ایجاد می‌کند.

‌کسی‌ که با خوبان‌ معاشرت داشته باشد، حتّی‌ اگر به‌ این‌ درجه‌ از تکامل‌ هم‌ نرسیده‌ باشد که‌ به‌ سبب‌ ترس‌ از خداوند به‌ طرف‌ گناه‌ نرود، دست‌کم‌ به دلیل شرم‌ از برادران‌ دینی‌ خود، راه‌ انحراف‌ را در پیش‌ نمی‌گیرد.

در این مکان مقدس مؤمنان فرصت می‏یابند با جمعی آشنا شوند که از نظر دین و عبودیت با آنان همرنگ هستند و توان ایجاد گروه‌های اجتماعی هماهنگ را دارند. بنابراین آنان می‏توانند از بین اهل مسجد برادران یا خواهران مناسبی، از حیث دینی، برای خود بیابند که طبعاً آثار آن در ابعاد اجتماعی بروز خواهد کرد.

امام صادق فرمود: «**لا یَرْجِعُ صاحِبُ الْمَسْجِدِ باَقَلّ مِنْ اِحْدی ثَلاثِ خِصالٍ:... وَاِمّا اَخٌ یَسْتَفیدُهُ فِی اللّه‏ِ**؛ اهل مسجد به کمتر از یکی از سه چیز از مسجد بر نمی‏گردد که یکی از آنها دوستی است که از او در مسیر خدا استفاده می‏کند».

**7-1-4. پرورش‌ روحیّه‌ تواضع‌ و فروتنی**

در نظام تربیتی اسلام، تواضع و فروتنی یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های اخلاقی است که در سایۀ غلبه بر هوای نفس و تکبر، ایجاد می‌شود. مسجد با شیوه‌های گوناگون سبب تقویت فروتنی می‌شود؛ زیرا مسجد تنها به گروه ویژه‌ای از مسلمانان با سطح دانش و ثروت و جایگاه اجتماعی بالا تعلق ندارد، بلکه همه قشرهای جامعۀ اسلامی می‌توانند برای اجرای مراسم دینی خود، در خانه خدا حاضر شوند. حضور همۀ طبقه‌های اجتماعی در مسجد و ارتباط آنان با یکدیگر به ایجاد و روحیه فروتنی در انسان کمک می‌کند. در مسجد، ثروتمندان با فقیران، عالمان با بی‌سوادان و جوانان با پیرها در ارتباطند. بی شک، کسی که در جریان روابط اجتماعی با افراد گوناگون ارتباط داشته باشد و از نشست و برخاست با قشرهای متوسط و ضعیف خودداری نمی‌کند، معمولاً از رفتارهای متکبرانه به دور می‌ماند.[[131]](#footnote-131) از سوی دیگر از نظر مقررات دینی در مسجد، همۀ افراد در یک سطح هستند و کسی حق ندارد نسبت به دیگران تکبّر ورزد. آداب و مقررات مسجد برای همه یکسان است و کسی امتیازی بر دیگران ندارد و همه باید آداب مسجد را رعایت کنند. در نماز جماعت همه به یک شکل و در یک قالب کلی نماز می‌گذارند و کسی نمی‌تواند با تکبر و غرور خود را از دیگران برتر بداند و خارج از این چارچوب رفتار کند. افزون بر اینکه نماز در مسجد سبب افزایش تقوا می‌شود و تقوا نیز در ایجاد فروتنی نقش مهمی دارد. بنابراین، با توجه به جنبه‌های آموزشی و عبادی مسجد، باید گفت مسجد به عنوان مهم ترین پایگاه دینی با ایجاد و گسترش مفاهیم و تعالیم دینی در ایجاد فروتنی نقش مؤثری دارد.

**7-1-5. پرورش‌ روحیّه‌ جمع‌گرایی‌**

اثر سازندۀ تربیتی‌ دیگر مسجد، پرورش‌ روح ‌جمع‌گرایی‌ در مسلمانان‌ است‌. مسجد با ایجاد آشنایى و پیوند میان مؤمن با نخبگان و صالحان جامعه، بسترى مناسب براى پرورش و تربیت روحى - اجتماعى وى فراهم مى‌کند. «انزواطلبی‌» و«جمع‌گریزی‌»، بیماری‌ روحی‌ شناخته ‌می‌شود؛ در حالی‌ که‌ «اجتماعی‌ بودن‌» و «جمع‌گرایی‌» در حّد معقول‌ و مطلوب‌ آن‌، نشان‌ سلامت‌ روح‌ و روان‌ انسان‌ به‌ شمار می‌آید. بر این‌ اساس‌، مسجد با فراخوانی‌ پیوسته ‌مسلمانان‌ به‌ اجتماعات‌، روح‌ جمع‌گرایی‌، انعطاف‌ و نظم‌پذیری‌ را در آنان‌ تقویّت‌ می‌کند.

**7-1-6. پرورش‌ روح‌ تعهّد**

مسجد، به‌طور معمول جایگاهی‌ برای‌ طرح‌ مشکلات‌، دغدغه‌ها و نارسایی‌های‌ اجتماعی‌ است‌. بنابراین،‌ حضور فرد در چنین‌ مکانی‌‌ تقویّت‌ روح‌ تعهّد و دردمندی‌ را در وی‌ موجب می‌شود و در مقابل‌ نوعی‌ مبارزه‌ با روح‌ بی‌تعهّدی‌ و بی‌تفاوتی‌ محسوب می‌شود. اگر در میان‌ افراد جامعه‌ای،‌ به‌‌ویژه‌ نسل‌ جوان‌‌، روح‌ بی‌تعهّدی‌ حاکم شود، آسیب‌های‌ اساسی‌ بر پیکر اجتماع‌ وارد خواهد شد.[[132]](#footnote-132)

**7-2. کارکرد آموزشی مسجد**

قرآن کریم می‌فرماید: «...**قُلْ هَلْ یَسْتَوِى الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَ الَّذِینَ لَا یَعْلَمُون‏**...؛ بگو ای رسول، آیا آنان که اهل دانش هستند با مردم نادان یکسان هستند؟»[[133]](#footnote-133)

این آیه شعار بلند دین اسلام، در اصالت بخشیدن به علم و ارزش‌گذاری صریح برای دانایی است. همین یک شعار حماسی، کافی است تا امتّی را به حرکت در آورد و آنان را در مسیر علم‌آموزی تا مرحله جانبازی پیش ببرد.

در نظام تربیتی اسلام، برای کسب آگاهی و شناخت هر فرد، به عنوان مقدّمه‌ ایمان شخصی و اجتماعی و به اندازۀ عقل او واجب است. بر همین اساس، تحصیل علم در میان مسلمان، وجوب عینی پیدا کرد و این موضوع، غیر از رشته‌های تخصّصی بود که گاهی وجوب کفایی و گاهی وجوب عینی داشت.

علاوه بر آیات قرآن کریم، سیره‌ پیامبر عامل مهم دیگری در رویکرد علمی و آموزش جامعه اسلامی محسوب می‌شد. پیامبر اسلام رسالت خود را با خواندن و قلم آغاز کرده بود؛ آن هم در محیطی که سابقه‌ای از علم و دانش به معنای رایج آن روز جهان در آنجا وجود نداشت.[[134]](#footnote-134)

دینی که بر امر به خواندن و آموزش و مبارزه با جهل و نادانی شود طبیعی است که در این باره، ابزارها و وسایلی را به خدمت بگیرد؛ از جمله این ابزارها، استفاده از فضای مسجد در اوقات غیر عبادی است.

پژوهش‌های تاریخی نشان می‌دهد که مسجد نخستین مرکز تعلیم و تربیت مسلمانان بوده است. ازاین‌رو، نقش آموزشی‌ و فرهنگی مسجد پس از جنبه‌های عبادی آن، سرآمد دیگر ابعاد است. به ‌طور اساسی، پی‌ریزی مسجد در صدر اسلام، پی‌ریزی بزرگ‌ترین مدرسه اسلامی بود. مسلمانان تا چند قرن پیش، با پدیده‌ای به نام مدرسه ‌ـ به معنای غربی و امروزی آن ‌ـ روبه‌رو نبودند. پیش از پیدایش مدرسه - که تاریخ پیدایش آن به دو قرن نمی‌رسد‌ - مسجد، یگانه مرکز مهمّ آموزشی و فرهنگی در کشورهای اسلامی بوده است. تا جایی که روزگاری این مسئله در میان فقیهان مطرح بوده که آیا تأسیس مدرسه جایز است یا نه؟![[135]](#footnote-135)

در صدر اسلام، مسجد افزون بر محل برگزاری مراسم عبادی، محل دانش آموزی نیز به شمار می‌آمد. پیامبر و یارانش در مسجدالحرام گردهم می‌آمدند و از احکام الهی سخن می‌گفتند.

پس از هجرت پیامبر اسلام به مدینه و بنا نمودن مسجدالنّبی، فصلی نوین در آموزش و فعّالیّت‌های فرهنگی مسلمانان آغاز شد. تعلیم و تربیت و آموزش احکام دین در مسجد صورت مى‌گرفت و پیامبر بیشتر اوقات پس از نماز صبح و عشا به سخنرانی و گفتگوهای علمی می‌پرداخت. این جلسه‌ها با حضور مردان و زنان مسلمان برپا می‌شد[[136]](#footnote-136) که این از آشکارترین جلوه‌های آموزشی مسجد در مدینه بود. تفسیر قرآن و سخن گفتن درباره معانی آن، بخش درخور توجّهی از سخنرانی‌های پیامبر را تشکیل می‌داد.[[137]](#footnote-137) افزون بر جلسه‌های سخنرانی پیامبر، کلاس‌های آموزشی گوناگونی نیز در مسجد تشکیل می‌شد.[[138]](#footnote-138)

در پرتو این گفتگوها و مناظرات، حقایق وحی و آیات الهی روشن می‌گردید و به شبهات پاسخ داده می‌شد و پرده جهل و تردید فرو می‌ریخت.

«مسجد مدینه»، از یک سو، به صورت یک مرکز آموزشی ‌ـ فرهنگی و پایگاهی برای مبارزه با جهل و از سویی دیگر به مکانی برای اشاعه فرهنگ و ادب و دیگر معارف اسلامی تبدیل شد. «حلقه‌های علمی» با جنب و جوش خاصّی در مسجد بزرگ مدینه به صورت رسمی تشکیل می‌شد. پیامبر اسلام اصحاب را در قول و عمل، به پیوستن و شرکت فعّال در این حلقه‌ها تشویق می‌کردند و می‌فرمودند: «به سوی باغ‌های بهشت بشتابید». پرسیدند ای پیامبر خدا! منظور شما از این سخن چیست؟ فرمودند: «حلقه‌های ذکر».[[139]](#footnote-139)

فعّالیّت‌های آموزشی در زمان رسول اکرم منحصر به مسجدالنّبی نبود؛ بلکه جلسات بحث و بررسی مسائل علمی در مساجد دیگری نیز انجام می‌شد که البتّه مسلمانان در سطحی محدودتر به کار آموزش و تلاش‌های علمی مشغول بودند.

بدین‌ ترتیب، مسجد به عنوان نخستین پایگاه علمی، رسالت خود را در جامعه نوساخته اسلامی برای ترویج و اشاعه دانش و گسترش فرهنگ اسلامی آغاز کرد و همچنان مسیر رشد و ترقّی علمی را پیمود؛ به‌طوری که در عصر خلفا نیز مساجد نزد عموم به عنوان کانون اصلی آموزش قرآن کریم، مسائل دینی، احکام و فقه اسلامی بود. این آموزش‌ها، نه فقط در مرکز حکومت (شهر مدینه)، بلکه در شهرهای دیگر، مانند مکّه و سایر نقاط شبه‌جزیره و در تمام سرزمین‌های پیوسته به حوزه قلمرو اسلامی انجام می‌گرفت.

در عصر خلافت امام علی با انتقال مرکز خلافت از مدینه به کوفه، مسجد جامع بزرگ این شهر به عنوان یکی از مهم‌ترین مراکز علمی آن روزگار، نقش خاصّی را در شکوفایی نهضت علمی و ارتقاء فرهنگ و تمّدن اسلامی ایفا می‌نمود.

اختصاص روند آموزشی و علمی در مسجد، به صدر اسلام منحصر نیست؛ بلکه در دوره‌های بعد از آن نیز اندیشمندان، متخصّصان و دانش‌پژوهان علوم و معارف اسلامی، جلسات خود را در مسجد برپا می‌کردند. ائمه بزرگوار شیعه و بزرگان تابعین، اصحاب پیامبر و نیز شاگردان و تربیت‌یافتگان مکتب اهل‌بیت، رسالت تعلیم و تربیت و حلّ و فصل مسائل مهم علمی و دین را در مساجد بزرگ بلاد اسلامی عهده‌دار بودند. به خصوص، در عصر امام باقر و امام صادق که نهضت و حرکت فرهنگی بزرگی توسّط این دو رهبران معصوم آغاز شده بود، مساجد به رشد و شکوفایی قابل توجّهی دست یافت. حتّی برخی از آنها به دانشگاه‌های بزرگ اسلامی در زمینه‌های علوم مختلف، نظیر فقه، حدیث، تفسیر و دیگر علوم اسلامی تبدیل شدند و پیدایش نهضت‌های علمی و عقلانی در تاریخ اسلام را موجب گردیدند.[[140]](#footnote-140) چنان که «در عصر امام صادق مسجد به دانشگاه بزرگی بدل گردید که قریب به چهار هزار دانشجو در آن آموزش می‌دیدند و طیف وسیعی از علوم مختلف در آن تدریس می‌شد که تا آن زمان بی سابقه بوده است».[[141]](#footnote-141)

**7-2-1. مرکزیت علمی مسجدالنبی**

با دقّت در سیره‌ نورانی پیامبر اکرم می‌بینم که آن حضرت به ابعاد آموزشی مسجد اهتمام ویژه‌ای داشتند. پیامبر می‌فرمایند: «**کُلُّ جُلُوسٍ فِی الْمَسْجِدِ لَغْوٌ إِلا ثَلاثَةً: قِرَائَةُ مُصَلٍّ أَوْ ذَاکِرٌ لِلَّهِ تَعَالَى أَوْ مُسَائِلٌ عَنْ عِلْمٍ**؛ هرگونه توقّفی در مسجد لغو و بیهوده است، مگر برای سه دسته: کسی که پس از نماز به تلاوت قرآن می‌پردازد، آن که سرگرم ذکر و یاد خداست و کسی که به مباحثات علمی اشتغال داشته باشد».[[142]](#footnote-142)

براساس روایت، تشکیل جلسه‌های علمی در مسجد، نسبت به جلسه‌های دعا، جایگاه والاتری دارد[[143]](#footnote-143)و پاداش آن، ثواب عمره کامل یا حجّ کامل[[144]](#footnote-144)و جهاد در راه خدا است[[145]](#footnote-145) که رحمت خدا آنان را فرا‌می‌گیرد.[[146]](#footnote-146) در این میان، طرح مباحث دینی در مسجد، فضیلت بیشتری دارد.

در منابع روایی اسلام احادیث و روایات وارده در خصوص مرکزیت مسجد برای تعلیم و تعلّم در عصر نبوی در مسجد آن حضرت تصویر روشنی را ارائه می‌نمایند که ذیلاً به چند نمونه اشاره می‌شود:

علّامه مجلسی در کتاب «بحارالانوار» این روایت را بیان کرده است: «**خَرَجَ رسولُ اللهِ** **فَإِذَا فِی الْمَسْجِدِ مَجْلِسَانِ مَجْلِسٌ یَتَفَقَّهُونَ وَ مَجْلِسٌ یَدْعُونَ اللَّهَ وَ یَسْأَلُونَهُ فَقَالَ کِلَا الْمَجْلِسَیْنِ إِلَى خَیْرٍ أَمَّا هَؤُلَاءِ فَیَدْعُونَ اللَّهَ وَ أَمَّا هَؤُلَاءِ فَیَتَعَلَّمُونَ وَ یُفَقِّهُونَ الْجَاهِلَ هَؤُلَاءِ أَفْضَلُ بِالتَّعْلِیمِ أُرْسِلْتُ ثُمَّ قَعَدَ مَعَهُم**؛ رسول خدا به مسجد وارد شدند؛ در مسجد دو جلسه جداگانه برپا بود. گروهی در حال یاد دادن و فراگرفتن دانش بودند. جمعی نیز به دعا و راز و نیاز با خداوند مشغول بودند. پیامبر اعظمفرمودند: هر دو گروه به سوی یک هدف گام برمی‌دارند؛ دسته‌ای خدا را می‌خوانند و گروهی نیز آموزش می‌بینند و نادانان را تعلیم می‌دهند؛ ولی این گروه، کار برتری انجام می‌دهند. من نیز به منظور آموزش به مردم مبعوث شده‌ام؛ از این‌رو، پیامبر اعظم در میان گروهی که سرگرم آموزش بودند، نشستند».[[147]](#footnote-147)

حضرت رسول اکرم ضمن تشویق عملی برای برگزاری جلسات درس و آموزش در مسجد، در حدیثی فرمودند: «**مَنْ غَدَا إِلَى الْمَسْجِدِ لَایُرِیدُ إِلَّا لِیَتَعَلَّمَ خَیْراً أَوْ لِیُعَلِّمَهُ کَانَ لَهُ أَجْرُ مُعْتَمِرٍ تَامَّ الْعُمْرَةِ و مَنْ رَاحَ إِلَى الْمَسْجِدِ لَایُرِیدُ إِلَّا لِیَتَعَلَّمَ خَیْراً أَوْ لِیُعَلِّمَهُ فَلَهُ أَجْرُ حَاجٍّ تَامَّ الْحِجَّةِ**؛ پاداش کسی که صبحگاهان به قصد یاد دادن یا فراگرفتن چیز مطلوبی به مسجد می‌آید، همچون پاداش شخصی است که یک عمره‌ کامل را انجام داده باشد و پاداش کسی که شبانگاهان به قصد یاد گرفتن و یاد دادن کار خیری به مسجد می‌آید، مانند پاداش فردی است که یک حجّ کامل به جای آورده باشد».[[148]](#footnote-148) از این حدیث روشن می‌شود که لازم نیست گفت‌وگوی علمی که در مسجد انجام می‌گیرد، به‌طور حتم، دانش‌های دینی باشد؛ هر دانش سودمندی را می‌توان در مسجد مورد بحث و بررسی قرار داد.

«مکحول» از «عبدالرحمن بن غنم» روایت می‌کند که از ده نفر از اصحاب پیامبراکرم شنیدم که می‌گفتند:

«**إنّا کُنّا نُدّرسُ العلمَ فِی مسجدِ قُبا إذا خَرجَ عَلینا رسول الله** **فقال: تَعلّمُوا مَا شئتُم ان تعلموا فلن یأجرکمُ الله حتّی تعملوا**؛ ما در مسجد مدینه مشغول مباحثه و فراگیری علم بودیم که ناگاه پیامبر وارد مسجد شد، و فرمود: از علوم آنچه را که می‌خواهید یاد بگیرید، امّا بدانید که در قبال این یادگیری مشمول اجر و پاداش الهی نخواید بود، مگر این که بدان عمل نمایید.»[[149]](#footnote-149)

از صَفَوان بن عسّال نقل شده که گفت: به حضور پیامبر رسیدم در حالی که آن حضرت به پُشتی بُرد سرخ رنگ خویش تکیه زده بود. گفتم: یا رسول الله، من برای کسب علم به مسجد آمده‌ام، حضرت فرمودند: «**مَرْحَباً بِطَالِبِ الْعِلْمِ، إِنَّ طَالِبَ الْعِلْمِ تَحٌفُّهُ المَلائِکَةُ بِأَجْنِحَتِهَا، ثٌمَّ یَرْکَبُ بَعْضُهُمْ بَعْضاً حَتَّى یَبْلٌغٌوا السَّمَاءَ الدُّنْیَا مِنْ مَحَبَّتِهِمْ لِما یَطْلُبُ**؛ آفرین باد بر طالب علم، همانا انبوه فرشتگان با بالهایشان گرداگرد شخص دانشجو را فرامی‌گیرند تا جایی که آسمان دنیا را از علاقه‌مندی و محبّت خودشان نسبت به دانشجو و آنچه دانشجو در تحصیل آن است پر می‌سازند».[[150]](#footnote-150)

همچنین از «ابی القمراء» نقل شده است: «**کُنّا فِی مسجدِ رسول الله** **حِلَقاً نَتحدَّثُ إذ خَرجَ علینا رسول الله** **مِن بعض حُجره فنظر الی الحِلَقِ ثمّ، جلس الى اصحاب القرآن فقال: بهذا المجلس اُمرتُ**؛ ما در مسجد رسول الله به صورت حلقه‌هایى نشسته بودیم و سخن مى‌گفتیم که رسول خدا وارد مسجد شد و پس از نگاهى که به این حلقه‌ها کرد، در گروه قاریان قرآن نشست و گفت من به حضور در این مجالس مأمور شده‌ام».[[151]](#footnote-151)

صاحب‌دلی به مدرسه آمد ز خانقاه

بشکست عهد صحبت اهل طریق را

گفتم میان عالم و عابد چه فرق بود؟

تا اختیار کردی از آن این فریق را

گفت آن گلیم خویش برون می‌برد ز موج

وین سعی می‌کند که رهاند غریق را(گلستان سعدی)

پیامبراکرم با چنین ایده بلند و رسالتمندانه‌ا‌ی است که در هر فرصتی تشکیل حلقه‌های درسی را مسجد گوشزد می‌فرمود و اهمیت تحصیل علم را تبیین می‌‌فرمودند.

آن حضرت در حدیثی می‌فرمایند: «**مَا جَالَسَ قومٌ فی بیتٍ مِن بیوتِ الله یَدرسون کتابَ الله و یَتَغاطونَهُ بینهم إلاّ کانوا اَضیاف الله تعالی و اَضلّت علیهمُ الملائکةُ بِأجنحَتِها مادامُوا فیه حتّی یَخوضُوا**؛ هیچ گروهی در خانه‌ای از خانه‌های خدا برای آموزش کتاب خدا و آمیزش با آن اجتماع نکردند، مگر این که به مهمانی خداوند تعالی درآمدند و تا زمانی که غرق در مباحثات علمی هستند ملائکه آنان را مورد حمایت و حفاظت قرار می‌دهند».[[152]](#footnote-152)

آن حضرت در سخنی دیگر فرمودند: «**مَنْ دَخَلَ مَسْجِدَنَا هَذَا، لیَتَعَلَّمَ خَیْرًا أَوْ لیعَلِّمَهُ، کَانَ کَالْمُجَاهِدِ فِی سَبِیلِ اللَّه**... ؛ هرکسی برای تعلیم یا تعلّم وارد مسجد شود، همچون مجاهد در راه خداست».[[153]](#footnote-153)

به طور کلی علاقه‌ای که پیامبر به فراگیری علم در توده مردم مسلمان آن روز ایجاد کرده بود آن را وامی‌داشت که هرگاه پیامبر در مسجد حضور پیدا می‌کردند، آن حضرت را چون نگینی در میان گرفته و از فرایض و سنن اسلامی سؤال نمایند.

**7-2-2. مشهورترین مساجد آموزشی(مساجد دانشگاهى)**

**- مسجد نبوى در مدینه**

همچنان که گفته شد، «مسجد النبى»، که همزمان با هجرت رسول خدا به مدینه بنیاد گردید، در واقع از مشهورترین و کهن‌ترین دانشگاه‌های عمومی اسلامى و پایگاه اساسى‌ترین تعلیمات در تاریخ آموزش اسلامى بوده است. پس از رحلت پیامبراکرم ، بزرگان صحابه و سپس تابعان در این مسجد به تدریس و تعلیم مى‌پرداختند. تعلیم مبانى فقه مالکى به دست بنیانگذار آن، امام مالک، در این مسجد آغاز شد. با آن همه اعتبار و عظمتى که براى این مسجد فراهم گردید، تدریس و بحث در زمینه مسائل دینى و علمى، حتى در زمان پیامبر نیز منحصر و محدود به این مسجد نبود و در خود مدینه مساجد دیگرى، اگرچه کوچک تر و محدودتر از مسجد بزرگ نبوى، فعالیت آموزشى داشتند.[[154]](#footnote-154)

بنا به گفته سهیلى، در شهر مدینه علاوه بر مسجدالنبى ، نُه مسجد دیگر بود که در همه آنها با اذان بلال، اقامه نماز مى‌شد. همچنین به گفته «بکیر بن عبدالله بن الاشجع» که داود و دارقطنى به ترتیب، در مراسیل و سنن خود آن را روایت کرده‌اند، از جمله آن نه مسجد، مسجد «راتج»، مسجد «بنى عبدالاشهل»، مسجد «بنى عمروبن مندول» و مسجد «جهنیه و اسلم» بود.[[155]](#footnote-155)

تا روزگار خلیفه دوم، که مرزهاى اسلامى از حدود جزیرة العرب فراتر نرفته بود، مسجد النبى در مدینه و مسجدالحرام در مکّه و گاهى نیز خانه اصحاب در آن دیار، مراکز فعّال تعلیمات اسلام بود. در اواخر دهه دوم، با افزایش چشمگیر دامنۀ فتوحات مسلمانان، مرزهاى اسلام از سوى شرق و غرب گسترش یافت و جمع کثیرى به آیین اسلام گراییدند که در زبان و نژاد، با اعراب مسلمان مغایرت داشتند. از این زمان، آموزش زبان عربى براى درک معانى آیات قرآن و تعالیم اسلام در سرزمین‌هاى فتح شده آغاز گردید و آن دسته از اصحاب پیامبر و تابعان ایشان، که دعوت به اسلام و تعلیم مبانى دین را بر حضور در صحنه‌هاى پیکار ترجیح مى‌دادند، در مساجد نوبنیاد به آموزش پرداختند. این مساجد ابتدا در شهرهاى کوفه، بصره، حیره و مدائن بنیاد گردید و به دستور خلیفه دوم برخى از صحابه رسول خدا مأمور اقامۀ نماز و آموزش قرآن و مسائل دین شدند.[[156]](#footnote-156)

فاصله زمانى آغاز سده دوم تا پایان سده سوم هجرى را مى توان از درخشان ترین دوره هاى تعلیمات مسجدى یا به عبارت دیگر، عصر فعالیت آموزشى دانشگاه‌هاى عمومى دانست؛ زیرا دستاوردهاى مسلمانان در مسائل گوناگون علمى و فکرى در این دوره از تاریخ اسلام و نیز آن قسمت از پیشرفت‌هاى اقتصادى، اجتماعى، عمرانى، که پس از استیلاى عباسیان به وجود آمد، تأثیر قابل ملاحظه‌اى در ایجاد هوشیارى و جنبش علمى در مساجد گردید. توجه دقیق به اجتماعات و تشکیل جلسات علمى در مساجد بزرگ و مشهور آن زمان و مجامع ممتاز و مناسبى که با شرکت متفکران و دست اندرکاران مسائل تعلیماتى در آن مراکز به وجود آمد، همه دلایل کافى و آشکارى بر میزان پویایى و بارورى فکرى و علمى قابل ملاحظه در آن دوره از تاریخ اسلام است.[[157]](#footnote-157)

**- مسجدالحرام در مکّه**

این مسجد از مسجدالنبى در مدینه کهن‌تر است. امّا تنها پس از فتح مکه در سال هشتم هجرى، در زمینه اهداف و اغراض اسلامى مورد استفاده قرار گرفت. تمامى دوران امویان و نیمه اول عصر خلافت عباسىان از درخشان‌ترین مراحل تعلیماتى این دانشگاه بزرگ ملّى بوده است. رازى به نقل از حمیدى گفته است: بنابر مشهور، مجالس حلقه فتوا در مسجدالحرام به ترتیب به «عبدالله بن عباس» و پس از وى به «عطاء بن ابى رباج» و سپس به «ابن جریج» ابوخالد، بعد به «مسلم بن خالد رْنجى»، آن گاه به «سعید بن سالم قداح» و پس از او به «محمد بن ادریس شافعى» اختصاص داشت.[[158]](#footnote-158)

**- مسجد جامع بصره**

این مسجد که به «مسجد الامام علی» شهرت دارد، نخستین مسجد ساخته شده در عراق است. امام علی، پس از واقعه جمل در این مسجد نماز گزارد و در باره آن پیش‌گویی نمود[[159]](#footnote-159) که صدها سال بعد به وقوع پیوست و جزو غیب‌گویی‌های آن حضرت شمرده می‌شود. امروزه از این مسجد، تنها قسمتی از گلدسته و باروی آن باقی مانده است.

این مسجد در سال 41 هـ.ق. به دست زیاد بن ابیه، عامل معاویة بن ابى سفیان بر بصره، تجدید بنا یافت. نهضت معتزله، که در جریانات فکرى و سیاسى عصر اوّل عباسى تأثیر بزرگ و قابل ملاحظه‌اى داشت، نخست در جامع بصره پدیدار گشت.[[160]](#footnote-160)

**- مسجد جامع کوفه**

این مسجد در سال 17 هـ.ق. بنا نهاده شد. انتقال امام على به کوفه و انتخاب این محل به عنوان مرکز حکومت اسلامى از سوى آن حضرت، در شکوفایى و جنبش علمى این مسجد تأثیر چشمگیری داشت.

مسجد جامع کوفه، پیوسته مسیر رشد و ترقى را پیمود تا در آغاز دولت عباسى، از مراکز مهم حل و عقد علوم و معارف اسلامى گردید و با جامع بصره به رقابت برخاست و مسائل و مبادلات علمى و ادبى بین این مرکز دینى و ادبى اسلامى در بارور ساختن علوم عربى به مقدار زیادى مؤثر افتاد.

علامه مرحوم استاد زکى (پاشا) دو دانشگاه بزرگ بصره و کوفه را از نظر روابط علمى و ادبى و رقابت هاى فیمابین و آثار متبادلى که با یکدیگر داشته اند با دو دانشگاه بزرگ انگلیسى - یعنى: آکسفورد و کمبریج - همانند دانسته است.[[161]](#footnote-161)

**- مسجد جامع فسطاط (جامع عمرو)**

این مسجد بزرگ در سال 21 هـ.ق. به وسیله عمرو بن العاص (م. 42 ق) بنیاد گردید و از همان روزهاى نخست، براى مسائل آموزشى مورد استفاده قرار گرفت و در طول حیات خود، مورد توجه و عنایت دولت‌هاى طولونى و اخشیدى و فاطمى بود. روش آموزشى معمول در این مسجد غالباً مبتنى بر مذهب شافعى بوده است.[[162]](#footnote-162)

مساجد دانشگاهى یا دانشگاه‌هاى عمومى و آزاد را تقریباً در همه سرزمین‌هاى اسلامى مى‌توان یافت. معروفترین آنها عبارت‌اند از: جامع دمشق در شام (اواخر قرن اول)، جامع زیتونیه در تونس، (اوایل قرن دوم)، جامع منصور در بغداد (نیمه اول قرن دوم)، جامع اعظم قریه در اندلس (نیمه دوم قرن دوم)، جامع قزوین در فاس مراکش (نیمه اول قرن سوم)، جامع الازهر در مصر (نیمه دوم قرن چهارم).

**7-2-3. مساجد دانشگاهى در ایران**

نمونه این مساجد دانشگاهى در ایران اسلامى فراوان به چشم مى‌خورد و ایرانیان در استفاده آموزشى از این مساجد، اگرچه فضل تقدم را از آن خود نساختند، اما بسیار سریع دست به کار شدند. در قرن اول هجرى، مسجد آدینه سیستان ساخته شد و حسن بصرى در آن به آموزش پرداخت.[[163]](#footnote-163) در اواخر همان قرن، مسجد جامع بخارا پاى گرفت و حلقه‌هاى درس در آن تشکیل شد. در قرن‌هاى بعد، نمونه این مساجد در نیشابور، همدان، کرمان، یزد، قزوین، شیراز، اصفهان و حتّى بخش‌ها و شهرهاى درجه دوم، چون: بردسیر کرمان تأسیس شد و مورد استفاده عالمان و متعلمان قرار گرفت.[[164]](#footnote-164)

صاحب عباد مى‌نویسد: یکى از مراکز معتبر علمى - اسلامى در مرکز ایران، شهر تاریخى اصفهان است که چهره‌هاى درخشان تاریخى و ادبى و شخصیت‌هاى بارز علمى، همچون: حمزه اصفهانى، ابن واضح یعقوبى، ابوالفرج اصفهانى، حافظ ابونعیم اصفهانى، راغب اصفهانى و وجود مساجد کهن و مراکز متعدد علمى نام این شهر را از همان سده‌هاى نخستین اسلام در تاریخ فرهنگ تمدن اسلامى به عنوان «دارالعلم شرق» شهرت داده است.[[165]](#footnote-165)

همچنین دیگر از مساجد دانشگاهی ایران، نیشابور است که یکى از مراکز مهم سیاسى و علمى خراسان بود، از این‌گونه مساجد بزرگ که در آموزش و پرورش از آنها استفاده مى‌شد، فراوان داشت؛ مانند مسجد «جامع منیعى» و مسجد «مطرزى» و مسجد «قدیم».[[166]](#footnote-166)

در بردسیر کرمان، مسجد بزرگى به نام «جامع تورانشاهى» وجود داشت و در آن کتابخانه‌اى داراى پنج هزار جلد کتاب بنا شده بود. در یزد، علاءالدوله کالنجار، از امراى دوره سلجوقى، مسجدى داشت که به «جامع قدیم» یا مسجد «قدیم جمعه» مشهور شده و تا دیرگاه - یعنى: حدود قرن نهم - مورد استفاده اهل علم بود.[[167]](#footnote-167)

استفاده از مساجد به عنوان دانشگاه و تشکیل کلاس‌هاى درسى در زمینه‌هاى فقه، اصول، تفسیر و کلام اکنون در حوزه‌هاى علمیه بزرگ و کوچک رایج است و علاوه بر جنبه‌هاى علمى، جنبه‌هاى تربیتى و اخلاقى در آنها مدّ نظر استادان و طلاب است. این سنت در بسیاری کشورهای اسلامی همچنان باقی است و می‌توان به «مسجدالحرام» در مکّه مکرّمه و «مسجدالنبی» در مدینة الرسول و «مسجد گوهرشاد» در مشهد مقدّس و «مسجد اعظم» قم در جوار حرم حضرت معصومه، که مهم‌ترین مرکز دروس عالی حوزه علمیه قم به شمار می‌آید، اشاره کرد.[[168]](#footnote-168)

**7-2-4. تنوع آموزش و آموزشگران در مساجد**

در مسجد مسائل گوناگونی به مسلمانان آموزش داده می‌شد. مباحث اعتقادی و آموزش مبانی ایمان به خداوند، در شمار اوّلین مسائلی بود که به مسلمانان و به‌ویژه آنان که تازه به دین مبین اسلام گرویده بودند، آموزش داده می‌شد. ابوذر می‌گوید: رسول خدا ایمان را قبل از آموزش قرآن به ما می‌آموخت. حضرت رسول در کنار آموزش مباحث دینی، مسلمانان را با مسائل تاریخی نیز آشنا می‌کردند. راوی می‌گوید: پیامبر گاهی شب‌ها تا دیر وقت پیرامون تاریخ بنی ‌اسرائیل برای ما سخن می‌گفت.[[169]](#footnote-169)

عامه مردم که به تعلیم و آموزش فرزندان خود رغبتی داشتند آنان را به مسجدها می‌فرستادند؛ و در آنجا حلقه‌های درس قرآن و حدیث فراهم می‌شد. بنابراین، قدیمی‌ترین آموزگاران اسلام، قاریان بودند. تدریس در حلقه، با مراسم ساده و نیز با نشان دادن تقوا و فضیلت کامل آغاز می‌شد. معلّم، همیشه کار خود را با تمجید و تکریم خدا و با درخواست یاری و هدایت مردم آغاز می‌کرد و سپس به درس خود می‌پرداخت. در مراحل آغازین به علّت نبودن کتاب، با توجّه به اهمیّت متن تدریس شده، معلّم مجبور بود همه ‌متن یا قسمتی از آن را برای دانش‌آموزان املاء کند. علاوه بر املاء، معلّم توصیه می‌کرد که دانش‌آموزان تمام یا قسمتی از مطالب بیان شده را حفظ کنند. در واقع، یکی از اصولی که برای قبولی و تأیید دانش‌آموزان ضروری بود؛ اصلِ حفظ کردن مطالب و بیان نمودن آنها بدون مراجعه به متن بود و کیفیّت و طرز بیان نیز بر قبولی تأثیر داشت.[[170]](#footnote-170)

«گرچه همۀ موضوعاتی که برای مسلمانان آشنا بود، در مسجد تدریس نمی‌شد، امّا موضوعات درسی، بسیار متنوع بود. در اکثر حلقه‌های درسی، علاوه بر تدریس مهارت‌های اساسی خواندن و نوشتن، تبحّر یافتن در اصول دین نیز موضوعی اساسی بود. این امر از طریق تحصیل دروسی چون قرائت و تفسیر قرآن، حدیث، توحید و فقه حاصل می‌شد. بر آموزش ادب و زبان نیز تأکید می‌شد. علاوه بر شعر و ادبیات، دروس مربوط به جنبه‌های مختلف زبان عربی بسیاری از طالبان علم را به خود جلب می‌کرد و این دروس عبارت بود از لغت، نحو، صرف، بلاغت، انشا و خط.»[[171]](#footnote-171)

علاوه‌بر علوم مذکور، مطالب علمی و مسائل اجتماعی نیز در آن تدریس می‌شد و موضوعاتی، مانند تاریخ، جغرافی، اقتصاد و حتّی علوم سیاسی در آنجا بحث می‌شد. علم فلسفه، موضوعی بود که بیشتر مورد توجّه و انتخاب بسیاری از دانش‌آموزان بود. در بین موضوعات مهّم درسی، می‌توان منطق، اخلاق، منطق مناظره و تصوّف را نام برد. جلسات درس‌هایی، مانند شیمی، فیزیک، ریاضیات، جبر و هندسه نیز دایر بود. اگرچه علوم علمی و تجربی یا در دانشکده‌های مخصوص یا در منازل معلّمان به صورت خصوصی تدریس می‌شد؛ ولی مدارک تاریخی در دست است که آموزش این‌گونه موضوعات علمی در بعضی از مساجد بزرگ نیز دایر بود. جلسات علم طبّ در جامع الازهر و در جامع ابن‌طولون مصر دایر بود. در «قَرَوّیین» مراکش طب تدریس می‌شد. در جامع الازهر و جامع ابن طولون کلاس‌هایی در علم نجوم و مهندسی برگزار می‌شد. به گفته «خولی» در مسجد بغداد طب، داروشناسی، مهندسی، نجوم و موضوعات دیگری تدریس می‌شد. طلاب سوری، ایرانی و هندی برای یادگیری این علوم به آنجا می‌رفتند».[[172]](#footnote-172)

استاد و مدّرس کلاس‌هایی که در مسجد تشکیل می‌شد، تنها حضرت رسول نبود؛ حضرت علی نیز گاهی به فرمان پیامبر خدا بر منبر آن حضرت و در حالی که یک پلّه پایین‌تر از جای پیامبر اسلام می‌نشست، برای مردم سخن می‌گفت. گروه‌های مختلف با اساتید معیّن در گوشه و کنار مسجد، کلاس‌های آموزشی برگزار می‌کردند و علوم و فنون مختلف آموزش داده می‌شد. أَنس می‌گوید: اصحاب پیامبر پس از نماز صبح به گروه‌های مختلف تقسیم می‌شدند؛ برخی به تلاوت قرآن می‌پرداختند و گروهی واجبات و مستحبّات را فرامی‌گرفتند. به عنوان مثال، عبدالله‌بن‌رواحه در مسجد جلسات مربوط به توحید و معاد (مسائل اعتقادی) را اداره می‌کرد. او در غیاب حضرت رسول نیز مسائل فقهی و اعتقادی را به مسلمانان آموزش می‌داد.[[173]](#footnote-173) خلیفه دوم در سال 17 هـ.ق. (638م) گروهی از قاریان را به نواحی مختلف فرستاد تا روزهای جمعه در مسجدها مردم را تعلیم دهند.[[174]](#footnote-174)

نکته درخور توجه این که موقعی که دانشجو تحصیلات خود را با موفقیت به پایان می‌رساند، به او گواهینامه‌ای داده می‌شد که «اجازه» نام داشت. گواهینامه را مسجد تأیید نمی‌کرد، بلکه خود استاد آن را صادر می‌کرد. در گواهینامه قید می‌شد که دانشجو علم مورد نظر را مطالعه کرده و آموخته است و می‌تواند یافته‌های علمی خود را به دیگران نیز انتقال دهد. این گواهینامه‌ها که به خط خود استاد نوشته می‌شد به دانشجو اجازه‌ تدریس می‌داد. در گواهینامه نام استاد، مهر و امضای او و محل و تاریخ نگارش گواهینامه قید می‌شد. در مواردی، استاد نام و امضای خود را در صفحه‌ سفید اول یا آخر کتابی می‌نوشت که خود آن را یاد داده بود؛ بنابراین معمولاً هر فارغ‌التحصیل گواهینامه‌ای از طرف استادش داشت.

**7-2-5. ضرورت حفاظت از محتوای آموزشی مساجد**

مساجد، آن گونه که در صدر اسلام و دوران رسالت پیامبراکرم مورد استفاده بوده است همچنان باید پا برجا نگهداری شود. بنابراین اگر با گسترش مراکز علمی، دینی، فرهنگی و مؤسسات مختلف، موجبات تخلیه مساجد از محتوای آموزشی آن فراهم شود و برنامه‌های آن صرفاً در نماز و مراسم عبادی و نیایشی خلاصه گردد، در آن صورت از مسجد طراز اسلامی، فرسنگ‌ها فاصله گرفته‌ایم. در حالی که نماز همواره در قالب علم، روح معنویت کسب می‌کند و معراج مؤمن نمازگزار با دو بال ایمان و معرفت مصداق عملی می‌یابد. ازاین‌روست که با وجود توسعه نهایی علوم، مراکز و مؤسسات علمی در عصر دولت کریمه حضرت مهدی، برنامه‌های اموزشی مساجد به هیچ‌وجه تعطیل نمی‌گردد، بلکه بر رونق آن نیز افزوده خواهد شد. چنان امام علی در سخنان گهربارش در تعریف عصر مهدویت و جهان بعد از ظهور چنین می‌فرماید: «**کَأنّی أنظُرُ إلى شیعَتنا بمسجِدِ الکُوفَة، قَد ضَرَبُوا الفَساطیطَ یُعَلّموُنَ النّاسَ القُرآنَ کَما اُنزِلَ**؛ گویا شیعیان ما اهل‌بیت را مى‌بینم که در مسجد کوفه گرد آمده‌اند و خیمه‌هایى برافراشته‌اند و در آنها قرآن را آن چنان که نازل شده است، به مردم آموزش می‌دهند».[[175]](#footnote-175)

همچنین آن حضرت در روایتی دیگر می‌فرمایند: «**کَأنّی بِالعَجَمِ فَساطیطُهُم فی مَسجدِ الکُوفَة یُعَلّمُونَ النّاسَ القُرآنَ کَما اُنزِلَ**؛ گویی ایرانیان را با چشم خود می‌بینم که در مسجد کوفه خیمه زده قرآن را آن گونه که نازل شده، به مردمان آموزش می‌دهند».[[176]](#footnote-176)

**7-2-6. نکاتی درباره آثار آموزشی مسجد**

1. جنبه‌های آموزشی مسجد، رسالت اساسی این نهاد در تمامی دوره‌ها و مکانهاست. مسجد با ویژگی‌هایی که دارد، برای همیشه آموزشگاه مبانی دینی و معارف اسلامی است. ازاین‌رو مسجدی که نقش مؤثر خود را در زمینه‌های فرهنگی، آموزشی ایفا نکند، در حقیقت در اجرای بخش مهمی از رسالت خویش باز مانده و از مسجد طراز اسلامی فاصله گرفته است. بر پایه همین ارزیابی است که امام علی، مسجدی را که در آن خبری از هدایت، تبلیغ و ترویج دین نباشد، مسجد خراب برشمرده است.[[177]](#footnote-177)

2. بی تردید شکوفایی علمی مسجد و طرح دانشهای گوناگون در آن، کمالی برای مسجد به شمار می‌آید، ولی پرداختن به این امور، نباید سبب شود تا رسالت اولیۀ مسجدی که پرداختن به دانشهای دینی است، فراموش شود.

از نگاه امام علی، یکی از رسالت‌های مهم و اساسی مسجد آن است که به معنای حقیقی کلمه، کانون هدایت مسلمانان باشد.[[178]](#footnote-178)

3. در میان مباحث و علوم دینی، پرداختن به علوم قرآنی در مسجد، اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا قرآن و مسجد، پیوند ویژه‌ای با یکدیگر دارند. پیامبر در این باره می‌فرمایند:

«**انما نُصِبَت المساجِدُ لِلقُرآنِ**؛ مساجد را برای (خواندن و فهمیدن) قرآن بنا کرده‌اند».[[179]](#footnote-179)

همچنین فرمودند: «**مَن اَحبَّ القُرآنَ فَلیُحِب المساجِد**؛ دوستدار قرآن، مسجد را نیز باید دوست داشته باشد».[[180]](#footnote-180)

شواهد تاریخی بیانگر آن است که در مسجد النبی جلسه‌های قرائت و تفسیر قرآن رونق ویژه‌ای داشته است. عبادة بن صامت، از سوی پیامبر مأمور بود تا قرآن را به مردم آموزش دهد.[[181]](#footnote-181) جلسه‌ای مربوط به قرآن و علوم قرآنی حتی شب‌ها تا دیر هنگام نیز در مسجدالنبی برپا بود.[[182]](#footnote-182)

4. مطالعه تاریخی مساجد از آغاز تاکنون نشان می‌دهد که مسجد و کتابخانه، همواره در کنار هم بوده‌اند.

از همان آغاز که قرآن به صورت مکتوب درآمد، مسلمانان قرآن‌های نوشته را به مسجد هدیه و یا وقف می‌کردند. با افزایش شمار کتاب‌ها، کتابخانه‌های مساجد نیز، رشد چشم‌گیری یافت. این کتابخانه‌ها نقشی بزرگ در شکوفایی فرهنگ و تمدن اسلامی داشته‌اند. در شرایط کنونی، نمی‌توان مسجدی را که بدون کتابخانه باشد، مسجد نمونه‌ای نامید. ازاین‌رو، لازم است در زمینه تأسیس و تجهیز کتابخانه مساجد، گام‌های مهمی برداشته شود. برای رسیدن به این مهم باید به چگونگی ساختمان و بنای مسجد بسیار توجه کرد.

5. روایاتی که مسجدِ زن را، خانه او دانسته[[183]](#footnote-183) بر آن نیست که زنان را از آمد و شد به مسجد بازدارد، بلکه همان‌گونه که بسیاری از فقیهان گفته‌اند، مقصود این روایات، تأکید بر لزوم رعایت حجاب و پاکدامنی است. ازاین‌رو اگر زنان بتوانند حجاب اسلامی و شئون زن مسلمان و عفاف و پاکدامنی را رعایت کنند، می‌توانند با حضور در مساجد از فضائل و آثار معنوی این مکان مقدس بهره برند و فضیلت نماز خواندن در مسجد برای آنان، همچون مردان است.

امام خمینی در این باره فرموده است: «اگر [زنان] بتوانند کاملاً خود را از نامحرم حفظ کنند، بهتر است در مسجد نماز بخوانند.»[[184]](#footnote-184) همچنین حضرت آیت ا... مکارم شیرازی می‌فرمایند:«برای زنها بهتر آن است که نماز را در خانه بخوانند، ولی اگر خود را از نامحرم به خوبی حفظ کنند، بهتر است در مسجد بخوانند.»[[185]](#footnote-185) چنان که در تاریخ صدر اسلام آموزش و یادگیری در مسجدالنبی، امری همگانی بود و به گروه و یا قوم خاص و یا مردان اختصاص نداشت. به همین دلیل، زنان نیز در مسجدالنبی و دیگر مساجد حضور می‌یافتند و سؤال‌هایشان را مطرح و پاسخ دریافت می‌کردند.[[186]](#footnote-186)

**نتیجه گیری**

از مطالب یادشده به روشنی درمی‌یابیم که مساجد، در طول تاریخ اسلام، کارکردهای متنوّع و متعددی داشته و همواره تأثیرگذار و سازنده بوده‌اند، امّا این کارکردها، طی سال‌های أخیر کمتر مورد توجه قرار گرفته و شرایطی ایجاد شده که بیشتر مساجد تنها حکم اماکنی برای عبادت و اقامه نماز پیدا کنند.

اکنون جوامع اسلامی همانند دیگر جوامع از ویژگی‌ها و کارکردهای حقیقی مسجد در صدر اسلام بسیار فاصله‌ دارد؛ برای رسیدن به الگوی مسجد طراز اسلامی نیاز به کم کردن این فاصله‌ها داریم، مسجد طراز اسلامی عهده‌دار نقش‌های مهمی در زمینه عبادی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی، تربیتی، آموزش و... است. برای تبیین جایگاه و شاخصه‌های مسجد طراز اسلامی باید بازگشتی به صدر اسلام داشت و بررسی کرد که در آن زمان هدف از تشکیل بنای «مسجد» چه بوده و نیات و خواسته‌‌های پیامبر در مورد مسجد چیست؛ زیرا مشخص کردن کارکرد مسجد در صدر اسلام می‌تواند بهترین الگو در تهیه و تدوین مسجد جامع طراز اسلامی باشد. از جمله کارکردهای شاخص و اثرگذار مسجد، کارکرد تربیتی و آموزشی بوده است. از روزهای نخست ساخت مسجد، مسئله آموزش با مسجد ارتباطی تنگاتنگ داشت؛ زیرا آموزه‌های وحیانی در مسجد آموزش داده می‌شد. حفظ و درک آیات قرآن آغاز آموزش بود و پس از آن مطالعه و یادگیری سخنان گران‌بهای پیامبر . براین‌اساس، تبدیل مسجد به اولین مدرسه مسلمانان رویدادی اتفاقی نبود؛ بلکه پیامبر می‌خواست مسجد به مرکز مهم آموزش در جامعه اسلامی تبدیل شود. بنابراین، مسجد نخستین مکانی بود که مسلمانان در آن با خداوند نیایش و رازونیاز می‌کردند؛ ولی از همان نخستین سال‌های ظهور اسلام، در این مکان مقدس، مسائل علمی و آموزشی نیز مطرح می‌شد. از زمان رسول خدا ، تشکیل حلقه‌های درس در مسجد امری طبیعی بوده است. در تاریخ اسلام، مساجد و جوامع علمی بسیاری تأسیس شد که برخی از آنها به ‌دلیل قوت آموزشی شهرت بسیار یافتند. باوجود اینکه پس از ظهور مدارس و دارالعلم‌ها بیشتر مساجد نقش آموزشی و تعلیمی خود را از دست دادند؛ امّا برخی از آنها این وظیفه خطیر را همچنان حفظ کردند.

به هر حال، مبالغه نیست اگر گفته شود که مسجد در گذشته، همان نقشى را داشت که دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالى کنونى دارند. اساطین علما، که مسلمانان به آنها مباهات مى‌کنند، حیات علمى خود را در رواق‌هاى مساجد سپرى مى‌کردند و آن گاه که بهره کافى کسب مى‌نمودند، حلقات درس تشکیل مى‌دادند و به تعلیم مى‌پرداختند. ازاین‌رو مى‌توان گفت که مساجد مسلمانان در هیچ روزى از حلقه درس علما و طلاب خالى نبوده، حتى امروزه نیز در این زمینه، مساجد همچون ستارگان فروزانى مى‌درخشند و همه ساله هزاران استاد از این مساجد و مؤسسات وابسته به آنها خارج مى‌شوند و به نشر اسلام و علوم اسلامى مى‌پردازند.

از آنجا که تزکیه و تعلیم دو بال پرواز در آسمان کمال انسانی است، مساجد در کنار انسان‌سازی و پرورش بُعد اخلاقی، همواره جایگاه و مهد علوم مختلف به ویژه علوم دینی بوده است. ترغیب و تشویق رهبران دینی به گسترش تعلیم و تعلّم در مساجد، از یک سو دلیلی بر اهتمام اسلام به مسئله علم‌آموزی و از سوی دیگر عاملی برای توجه دادن به مسجد به عنوان نه فقط یک پایگاه عبادی بلکه به عنوان مرکزی علمی، فرهنگی و آموزشی است. نکته پایانی این که، بدون شک با احیای کارکرد مسجد در صدر اسلام و الگو قراردادن آن می‌توان به مسجد جامع طراز اسلامی دست یافت. به یقین در شرایط کنونی «توسعه» و «جهانی شدن» و عصر انفجار اطلاعات، دیگر نمی‌توان در مساجد فقط به تلاوت آیات کریمه و نقل روایات معصومین، توصیه‌ای اخلاقی و احیاناً مشکلات مسجد و یا اهالی محله، بسنده کرد و بهره وری مساجد را به این حد محدود، متوقف ساخت. بلکه مساجد باید بتواند با رویکرد و رهیافت جدید و الگوگیری از کارکرد آغازین آن کاملاً هدفمند نمازگزاران را هدایت کند. زیرا، مسجد ابزارها و موقعیتی را در اختیار دارد که به کمک آن می‌تواند به آموزش و افزایش شناخت دینی نمازگزاران بپردازد. مسجد مکانی است که مسلمانان برای برپایی فرائض الهی و مجالس مذهبی در آن حاضر می‌شوند و این فرصت مناسبی است تا معارف و احکام دین نشر پیدا کند.

**منابع و مآخذ تحقیق**

قرآن کریم.

دورانت، ویل، تاریخ تمدّن، تهران، آموزش انقلاب اسلامى، 1371 ش.

معین، محمّد، فرهنگ لغت معین، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوّم، 1378 ش.

دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، تهران، چاپ دانشگاه تهران، 1377 ش.

عباسی، رسول، مسجد طراز اسلامی، تهران، ستاد عالی هماهنگی و نظارت عالی بر کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد، 1390ش.

مجلسى، محمّدباقر، بحارالأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمّة الأطهار،‏ تهران، دارالكتب الإسلامیة، چاپ سوّم، 1412ق.

كلینى، ابوجعفرمحمّدبن ‌یعقوب، الكافی‏، تهران، دارالكتب الإسلامیة، چاپ چهارم‏، 1407ق.

طوسى، ابوجعفر محمّدبن‌حسن، تهذیب الأحکام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1365 هـ.ش.

ابن بابویه، محمّدبن‌علی (شیخ صدوق)، من لایحضره الفقیه، متوفّای 382 ق، چاپ قدیم، بی تا، بی نا، سال 1404ق.

المقریزی، تقی‌الدین احمد، المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط و الاثار (الخطط المقریزیه)، مکتبة الاحیاء العلوم، لبنان، بی‌تا، ۱۴۱۸ق/ ۱۳۷۷ش.

موسوی الخمینی، سیّد روح‌الله، صحیفه نور، تهران، مؤسّسه حفظ و نشر آثار امام خمینی، 1382ش.

حرّ عاملى، محمّدبن‌ حسن‌بن ‌على، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم، مؤسّسه آل‌البیت، چاپ اوّل، 1409ق.

ابن‌منظور، محمّدبن‌مكرم، لسان العرب‏، بیروت، انتشارات دار صادر، چاپ سوّم، 1414ق.

طبرسى، فضل‌بن‌حسن، مجمع‌البیان فى تفسیر القرآن‏، تهران، انتشارات ناصر خسرو، 1372ش.

ابن ابی‌الحدید معتزلی، عبدالحمیدبن هبة‌الله، جلوه تاریخ در شرح نهج‌البلاغه ابن ابی‌الحدید، مترجم: مهدوی دامغانی، محمود، تهران، نشر نی، 1375ش.

محرمی، غلامحسین، نقش مسجد در جامعه‌اسلامی (از آغاز تا عصر عبّاسیان)، قم، مؤسّسه‌ فرهنگی انتشاراتی یمین، چاپ اوّل، 1369ش.

ابن ابی‌جمهور احسائی، ابوجعفربن علی‌بن ابراهیم، عوالی اللآلی، قم، انتشارات سیّدالشّهدا، 1405ق.

طبرسى (رضى‌الدّین)، حسن‌بن‌فضل، مكارم الاخلاق، مترجم سیّدابراهیم میرباقرى، تهران، انتشارات فراهانی، چاپ دوّم، 1375ش.

حموده، عبدالوّهاب، ره‌آورد مسجد در فرهنگ اسلامی، ترجمه‌ مهدی اسفندیاری، مجموعه‌ مقالات کارکرد مساجد، تهران، رسانش، چاپ اوّل، تابستان 1384 ش.

بخاری، ابوعبدالله بخاری، صحیح بخاری، (م 256 ق)، طبع مصر، سال 1330 ق.

طه، الولی، المسجد فى الاسلام، دار العلم للملابین، بیروت، 1409 ق.

فخرالدّین رازی، التفسیر الکبیر، بیروت، دارالکتب العلمیه، ج16، 1411ق.

فلیپ خلیل، حِتّی، تاریخ عرب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، نشر آگاه، چاپ دوم، 1366ش.

نوبهار، رحیم، سیمای مسجد، انتشارات اعتماد، قم، 1372ش.

مسجد نمونه، بی‌جا، ستاد اقامه نماز، چاپ سوّم، بهار1366 ش.

سبحانی، جعفر، فروغ ابدیّت، قم، دفتر تبلیغات اسلامى، 1370ش.

شبلی احمد، تاریخ آموزش در اسلام، ترجمه ساكت محمّدحسین، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی،۱۳۶۳ ش، پیوست ۲ (نقدی بر كتاب تاریخ آموزش در اسلام) از مصطفی جواد.

شریف پور، رضا، مسجد و انقلاب اسلامی، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، 1380ش.

محمّدی، منوچهر، تحلیلی در انقلاب اسلامی، تهران، انتشارات امیرکبیر.

نورى، میرزا حسین، مستدرك الوسائل و مستنبط المسائل‏، بیروت، مؤسّسه آل‌البیت، 1408ق/(چاپ قدیم).

المحقّق ‌الحلّی، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، تهران، انتشارات استقلال، 1409 ق.

متقی الهندی، کنزالعمال، تحقیق الشیخ بکری حیاتی، الشیخ صفوةالصفا، بیروت، مؤسّسة الرسالة، بی‌تا.

غنیمه، عبدالرحیم، دانشگاه‌هاى بزرگ اسلامى، ترجمه نورالله کسایى، تهران، نشر دانشگاه تهران، 1372

بلاذری، احمد بن یحیى، فتوح البلدان، القاهره، شرکة طبع الکتب العربیه، 1319 ق.

ابوعبدالله محمد بن عمر رازى، مناقب الامام الشافعى.

حجتی، محمدباقر، اسلام و تعلیم و تربیت، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامى، 1357ش.

ادموند کلیفورد باسورث، تاریخ سیستان، ترجمه حسن اندیشه، تهران، انتشارات امیر کبیر، 1370ش.

الراوندی، محمد سلیمان، راحة الصدور، تهران، امیرکبیر، 1364ش.

الحموی، یاقوت، معجم الادباء، بیروت، داراحیاء التراث العربى، بى‌تا.

کاتب یزدی، احمد بن حسین، تاریخ جدید یزد، محقق: افشار، ایرج، تهران، مؤسسه انتشاراتی امیرکبیر، 1383ش.

صبحی صالح، نهج البلاغه، مركز البحوث الاسلامیة،ایران، 1359ش، افست از چاپ بیروت، 1387ق.

كتّانی، عبدالحی سید محمد (متوفی1382ق)، نظام الحكومة النبویة المسمّی التراتیب الاداریة، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، 1346 ـ 1349ق.

واقدی، محمد بن عمر، المغازی، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، مركز نشر دانشگاهی تهران، چاپ دوم، 1369ش.

سباعی مکّی، محمد، نقش كتابخانه‌های مساجد در فرهنگ و تمدن اسلامی، ترجمه علی شكویی، تهران، انتشارات سازمان مدارک انقلاب اسلامی، 1373ش.

محمد عباسپور و محمدجواد مهدوی، تاریخ کتابخانه‌های مساجد، مشهد، آستان قدس رضوی، 1373 ش.

سیدجوادی، فریبرز، «مسجد- مدرسه های قزوین»، مجموعه مقالات همایش معماری(معماری مسجد؛ گذشته، حال، آینده)، تهران، انتشارات دانشگاه هنر، چاپ اول، 1378ش.

مسعودآذربایجانی و دیگران، روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی، قم، انتشارات مؤسّسه پژوهشی حوزه و دانشگاه، چاپ اوّل، 1382 هـ.ش.

طباطبایی، سیّد محمّدحسین، تفسیرالمیزان، قم، نشر جامعه مدرّسین، 1380 ش.

نعمانی، محمد بن ابراهیم، کتاب الغیبة، مترجم غفاری، محمد، تهران، نشر صدوق، 1376ش.

مطهری، مرتضی، بیست گفتار، قم، انتشارات صدرا، 1375 هـ.ش.

مطهری، مرتضی، داستان ها و پندها، قم، انتشارات صدرا.

مطهری، مرتضی، انسان کامل، قم، انتشارات صدرا.

ویلفرد کنت ول اسمیت، اسلام در جهان امروز، ترجمه حسنعلى مهروى، تهران، دانشگاه تهران، 1356 ش.

ابن رسته،الاعلاق النفسیه، ترجمه و تعلیق دكتر حسین قره چانلو، تهران، انتشارات مؤسسه مطبوعاتی امیرکبیر، چاپ اول، 1365ش.

راوندی، قطب الدین، فقه القرآن، قم، مکتبة المرعشی النجفی، 1405ق.

ابن فهد حلّی، عدة الداعی، دارالکتاب الاسلامی، 1407ق.

تمیمی مغربی نعمان‌بن‌محمّد، دعائم الاسلام، مصر، دارالمعارف، 1385ق.

پورعلی فرد، محمدمهدی، نکته هایی درباره روش تربیت دینی نسل جوان و نوجوان، قم، انتشارات شاکر، 1380ش.

حسینی، سیّد حمید، آثار، برکات و کارکردهای فردی و اجتماعی مسجد، مجموعه‌ مقالات فروغ مسجد، ج5، قم، مؤسسه‌ فرهنگی ثقلین، 1387ش.

موظّف رستمی، محمّدعلی، آیین مسجد (کارکردهای مسجد)، تهران، گویه، چاپ اوّل، 1382ش.

ابن‌طاووس، على‌بن‌موسى، ادب حضور (ترجمه فلاح السائل)، قم، انتشارات انصاری، چاپ اوّل، 1380ش.

برومند اعلم، عبّاس، درآمدی بر جایگاه مسجد در تمدّن اسلامی، تهران، ستاد اقامه نماز، چاپ دوّم، بهار 1384 ش.

فراهتی، عبّاس، نگاهی به تاریخ آموزش در مساجد، رسانه‌ دانشگاه،1383و1384 ش.

عاملی، زین‌الدّین‌بن ‌علی (شهید ثانی)، منیه المرید فی آداب المفید و المستفید، تحقیق: رضا مختاری، انتشارات مكتب الاعلام الاسلامی، 1368ش.

زرکشی، محمّدبن عبدالله، اعلام الساجد بأحکام المساجد، مصر، قاهره، 1384ق.

فیض کاشانی، ملّامحسن، محجّة البیضاء، دفتر تبلیغات اسلامی، 1380 ش.

ابن‌ عبدالبر، یوسف‌ بن‌ عبدالله، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، محقق: بجاوی، علی محمد، بیروت، دارالجیل.

مبارک، علی باشا، الخطط التوفیقیه الجدیده، مصر، قاهره، ۱۹۸۰ـ۱۹۸۳م.

امام خمینی، رساله توضیح المسائل.

آیت ا... مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل.

محمد زمان تبریزی، فرائد الفوائد در احوال مدارس و مساجد، تصحیح و تحقیق: رسول جعفریان، تهران، احیای كتاب و دفتر نشر میراث مكتوب، 1373 ش.

ابن فضل‌الله العمرى، شهاب‌الدین‌حمد‌بن‌یحیی، مسالك الابصار فی ممالك الامصار، محقّق: شاذلی، احمدعبدالقادر، المجمع الثقافى، ابوظبى، چاپ اوّل، 1423ق.

فراهتی، عباسعلی، مسجد و تأثیرات علمی و اجتماعی آن در جامعه اسلامی، از آغاز اسلام تا پایان حکومت اموی، تهران، ستاد عالی کانون های فرهنگی هنری مسجد، چاپ دوّم، 1385ش.

بی آزار شیرازی، عبدالکریم، مقاله: مسجد قلب جامعه اسلامی، فصلنامه فرهنگ کوثر، شماره 16، 1377ش، ص 86.

فتحی و آجارگاه کورش، تأمّلی بر کارکردهای مسجد (مسجد نقطه وصل).

نشریه ایران، نظام آموزشی مسجد، ش31.

جعفری‌نژاد، نقش مسجد، در تربیت دینی نسل جوان، ماهنامه مسجد، ش86.

ماهنامه مسجد،1391، شماره162.

**آسیب‌شناسی وجود رقیب برای مسجد**

**(ارائه راهکارهایی برای نیل به مسجد طراز انقلاب)**

**حسین اسلام‌پور[[187]](#footnote-187)**

**چکیده**

این نوشتار، با روش توصیفی(Descriptive) و ‌کتابخانه‌ای، به آسیب‌شناسی وجود رقیب برای مسجد پرداخته است. بدین‌منظور، پس از بیان اهمّیت و جایگاه مسجد در صدر اسلام و عصر ظهور، واژگان کلیدی و مکان‌ها و نهادهای رقیب مسجد تعریف شد و سپس، فلسفه و تاریخچۀ پیدایش و گسترش آنها تشریح شد که این رقیبان عبارت‌اند از: حسینیّه، زینبیّه و فاطمیّه، تکّیه، مهدیّه، عزاخانه‌های موقّت، مسجدجامع، روضه‌خوانی در منازل، فرهنگ‌سرا یا خانه‌های فرهنگ، مسجد و تعدّد آن، رسانۀ‌جمعی و مسجد مجازی. علاوه بر تعریف هر یک از رقیبان مسجد، برخی از آسیب‌های اختصاصی اثرگذار آنها بر رونق مسجد و منزلت معنوی، ‌اعتقادی، اجتماعی، آموزشی و فرهنگی مسجد بیان گردیده و راه‌حل برون‌رفت از این آسیب‌ها مطرح شد. در ادامه، فهرست برخی از آسیب‌های کلّی و عمومی رقیبان مسجد، با نگاهِ کاربردی مطرح گردید. بر اساس نتایج این تحقیق، مدیریت وضعیّت حاضر و بهبود رونق مساجد، تنها با سبک مدیریت اُرگانیک (organic management) امکان‌پذیر بوده و مرکز رسیدگی به امور مساجد کشور باید با اِعمال مدیریت متمرکز (management centralized) به طور مستقیم یا غیرمستقیم دارای شاخص‌ترین نقش اثرگذار در این مورد باشد.

**کلیدواژه‌ها:**

آسیب‌شناسی، مسجد، مسجد مجازی، رقیب، رقابت، حسینیّه، عزاخانه موقّت، زینبیّه، فاطمیّه، تکّیه، مهدیّه، مسجدجامع، روضه‌خوانی در منازل، فرهنگ‌سرا (خانه‌های فرهنگ)، رسانه‌ها.

**الف: کلیات**

**1. پیشینه تحقیق**

در خصوص عملکردهای اعتقادی و مذهبی مساجد، مقالات متعدّدی نگاشته شده است و اندیشمندان عرصه پژوهش‌های مسجدی، به بیان ویژگی‌های مسجد طراز اسلامی و انقلابی پرداختند. این تحقیقات، بسیار متعدّد هستند و بیان آنها در این مقال نمی‌گنجد. محقّقان و پژوهشگران، در قالب مجموعه مقالات فروغ مساجد که توسّط مرکز رسیدگی به امور مساجد کشور انتشار یافته و در حال تجدید چاپ است، به همه کارکردهای متنوّع مساجد پرداخته‌اند. برخی به کارکردهای عبادی و گروهی به کارکردهای فرهنگی و اجتماعی و بعضی به کارکردهای قانون‌گرائی، آموزشی، سیاسی، نظامی و... اشاره کرده‌اند. محقّقان این مقوله‌ها با معیار قرار دادن مساجد صدر اسلام و اوایل انقلاب به قلم‌فرسائی پرداختند که بیان چکیده یا پیشینه تحقیق این پژوهش‌ها، خود، تحقیقی جامع را می‌طلبد. با بررسی تحقیقات انجام شده، مشخّص می‌شود که پژوهشی به طور خاصّ به مسئله رقیبان مسجد و آسیب‌شناسی این مقوله اشاره نکرده است. نظر به این خلاء پژوهشی، نگارنده به تتبّع و تحقیق در راستای این موضوع اقدام نموده است.

**2. مقدّمه**

مسجد، از دیرباز در زندگی مسلمانان نقش محوری داشته است و زیربنای شکل‌گیری تمدّن اسلامی محسوب می‌شود. مسجد، در نظام سیاسی‌ـ‌اجتماعی مسلمانان، فقط کارکرد عبادی و مذهبی نداشته است، بلکه کارکردهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی و... نیز داشته است. با ظهور اسلام، ساختن مسجد با اندک امکاناتی مورد عنایت مسلمانان بود تا مسلمانان بتوانند با داشتن مسجد در کنار منازلشان، از برکات آن بیشترین بهره را ببرند. به دلیل اینکه مسجد متعلّق به شخص یا گروه یا حزب خاصّی نبود، هر مسلمانی با آرامش خاطر می‌توانست در آن حضور یابد و با مسلمانان دیگر ارتباط برقرار کند.

مسلمانان به ساختن مسجد گرچه کوچک، چنان تشویق شده‌اند که در هر گوشه و محلّه‌ای با رغبت و امکانات بسیار کم و دست‌ خالی به این کار اقدام می‌کردند و خالصانه در مساجد حضور می‌یافتند. پیامبر گرامی فرمودند: «**مَن بَنی مَسجِداً و لَو کَمَفحَصِ قَطاةٍ بَنَی اللَّهُ لَهُ بَیتاً فِی الجَنَّةِ**؛ هر که مسجدی، هر چند به اندازه لانه یک پرنده، بنا کند، خداوند برای او در بهشت خانه‏ای می‌سازد.»[[188]](#footnote-188) آن حضرت همچنین در ترغیب مسلمانان به حضور در مسجد می‌فرمایند: «**مَنْ مَشَی إِلَی مَسْجِدٍ مِنْ مَسَاجِدِ اللَّهِ فَلَهُ بِکُلِّ خُطْوَةٍ خَطَاهَا حَتَّی یَرْجِعَ إِلَی مَنْزِلِهِ عَشْرُ حَسَنَاتٍ وَ مُحِیَ عَنْهُ عَشْرُ سَیِّئَاتٍ وَ رُفِعَ لَهُ عَشْرُ دَرَجَاتٍ**؛ کسی که برای رفتن به مسجد گام برمی‌دارد، برای هر یک قدمش، خداوند ده پاداش به او می‌دهد و ده گناه را از پرونده‌اش پاک و ده درجه به مقامش می‌افزاید.»[[189]](#footnote-189)

در ایران، همزمان با ورود اسلام، مسجدها شکل گرفتند و پس از آن، یکی از نهادهای تأثیرگذار در زندگی مردم بودند. در شکل‌گیری نهضت‌های سیاسی‌ـ اجتماعی ایرانیان در دوره‌های مختلف نیز، مسجدها نقش بسیار مهمّی ایفا کردند؛ مانند: قیام سربداران، نهضت مشروطه، قیام گوهرشاد و انقلاب اسلامی. مسجدها، هرچند که در جایگاه یک نهاد سنّتی بودند و قدمت1400 سال داشتند؛ امّا با ارائه کارکردهای متناسب با نیاز روز جامعه، توانستند گوی سبقت را از نهادهای مدرن و وارداتی بِرُبایند و همچون ستون فقرات و سازمان انقلاب ایفای نقش کنند. در دوران جنگ تحمیلی هم، اهمّیت مساجد، بسیار چشم‌گیر بوده است. می‌توان گفت که همه شهدای انقلاب و جنگ تحمیلی از جوانان و افراد مسجدی بودند. با توجّه به ویژگی‌های ارزشمند مسجد طراز اسلامی و انقلابی، امروز برخی نهادها به رقابت با مسجد پرداخته و در برخی موارد، رونق آن را تضعیف نمودند. این نوشتار با نگاهی توصیفی به آسیب‌شناسی وجود رقیب برای مساجد پرداخته است.

**3. بیان مسئله**

مسجد از مهم‌ترین نهادهای فرهنگی، اجتماعی و مذهبی است. اگر نگاهی به عملکرد مسجد در صدر اسلام بیندازیم، درمی‌یابیم که پیامبر اسلام مسجد را محور بسیاری از کارهای تبلیغی، فرهنگی، آموزشی، قضایی و... قرار داده بود. آن حضرت، به مسجد، تنها به عنوان پدیده جغرافیایی و مکانی نمی‌نگریست، بلکه اندیشه‌ای بسیار فراتر و بالاتر از دیدگاهی صرفاً مکانی به آن داشت. در اوایل انقلاب و دفاع مقدّس نیز مساجد نقش خود را به خوبی ایفا کرده‌اند. در گذشته مراکز فرهنگی و آموزشی، مثل کتابخانه، مدرسه، مکتب‌خانه، دانشگاه و... ابتدا در مسجد شکل گرفته و سامان‌دهی می‌شد. به محض اینکه مسجد بنا به دلایلی همچون افزایش جمعیّت و بیشتر شدن متقاضیان، گنجایش این امور را نداشت، در کنار مسجد به طور مستقلّ برخی مراکز فرهنگی و آموزشی ایجاد شده‌اند. در واقع، مساجد عامل اصلی و پیشتاز در تأسیس و راه‌اندازی مراکز فرهنگی و آموزشی جدید بوده است و تمامی این مراکز مکمّل و از اجزاء و عناصر وابسته به مسجد محسوب می‌شدند. این در حالی است که امروز، توسّط نهادها و دستگاه‌های اجرایی مراکز متعدّدی در قالب پایگاه‌های فرهنگی و دینی در سطح کشور راه‌اندازی شده و توجّه بسیاری از نوجوانان و جوانان و میانسالان را به خود جلب نموده است. در برخی موارد، این مراکز و نهادها، موجب خالی شدن مساجد از عموم مردم و غیرفعّال شدن آنها گردیده است. نمونه بارز آنها، برخی تکایا، مهدیّه‌ها، حسینیّه‌ها، عزاخانه‌های موقّت احداثی، فرهنگ‌سراها و مانند آن هستند. این مراکز به جای اینکه در دل مساجد و تحت نظارت معنوی و اعتقادیِ آن ساخته شوند، در داخل این اماکن تعبیه و استقرار یافته است. علاوه بر آن، وجود برخی نهادها و سازمان‌های دینی، با موازی‌کاری و هم‌پوشانی اهداف سازمانی، مشکلات را افزون نموده است و با تداخل برنامه‌های غیرهماهنگ و تشابه فعّالیّت‌ها، موجبات دل‌زدگی مردم و مخاطبان مسجد را موجب شده است. به نظر می‌رسد که این رقبا به کمک امکانات و اعتبارات و نیروهای انسانی آموزش‌دیده، به راحتی جای مساجد را گرفته‌اند و به عنوان رقیب برای مساجد مطرح هستند. اکنون این سؤال مطرح است که این رقیبان چه آسیب‌هایی برای مساجد طراز اسلامی و انقلابی ایجاد می‌کنند و راهکار مدیریت کردن وضعیت موجود چگونه است؟

**4. اهمّیت و ضرورت مسئله**

در قرآن کریم به عمران، آباد کردن و بهسازی و توسعه و گسترش مسجد از همه نظر و در همه جوانب، سفارش شده است؛ آنجا که می‌فرماید: «**إِنَّمَا یَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللّهِ مَنْ آمَنَ بِاللّهِ وَ الْیَوْمِ الآخِرِ وَ أَقَامَ الصَّلاَةَ وَآتَى الزَّکَاةَ وَ لَمْ یَخْشَ إِلاَّ اللّهَ فَعَسَى أُوْلَـئِکَ أَن یَکُونُواْ مِنَ الْمُهْتَدِینَ**؛ مساجد خدا را تنها کسانی آباد می‌کنند که به خدا و روز بازپسین ایمان آورده و نماز برپاداشته و زکات داده و جز از خدا نترسیده‌اند؛ پس امید است که اینان از راۀافتگان باشند.»[[190]](#footnote-190) این آیه شریف، ضمن برشماری شرایط و ویژگی‌های متولّیان و مسئولان مسجد، بر اهمّیت آباد کردن مساجد نیز اشاره دارد. از طرف دیگر، قرآن کریم هر گونه ایجاد مانع و رقیب در برابر مسجد را مورد نکوهش قرار داده و این کار را بزرگ‌ترین ظلم برشمرده است؛ آنجا که می‌فرماید: «**وَ مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَساجِدَ اللَّهِ أَنْ یُذْکَرَ فیهَا اسْمُهُ وَ سَعى‏ فی‏ خَرابِها**؛ و کیست بیدادگرتر (ظالم‌تر) از آن کس که نگذارد در مساجد خدا، نام وى برده شود و در ویرانى آنها بکوشد؟»[[191]](#footnote-191)در ادامه برخی از مصادیق آبادکردن مسجد و بعضی از مصادیق خراب کردن مسجد بر اساس تفاسیر مختلف بیان می‌شود تا اهمّیت و ضرورت پژوهش، از منظر آموزه‌های قرآنی تبیین شود.

**4-1. مصادیق آباد کردن مسجد**

آیه 17 سوره توبه، به آباد کردن مساجد اشاره دارد. در این آیه، از کلمه «یعمروا» استفاده شده است. این کلمه از «عمارة» برگرفته شده که ضد خرابى است؛ وقتى گفته می‌شود «عمر الارض»، یعنی اینکه زمین را آباد کرده و در زمین بنائى بالا برده باشد و «عمر البیت» وقتى گفته می‌شود که نقاط مشرف بر خرابى خانه را اصلاح کرده باشد. «تعمیر» هم از همین مادّه و همچنین «عمر» نیز به همین معناست؛ چون عمر عبارتست از تعمیر بدن به وسیله روح. اگر زیارت خانه خدا را «عمره» می‌گویند، باز به خاطر همین است که زیارت مردم، مایه آبادانى بیت‌الله‌الحرام است.[[192]](#footnote-192)تعمیر به مفهوم آبادسازی ساختمان‌های آسیب‌دیده، زیارت و دیدار دوستان نیز است.[[193]](#footnote-193)

تعمیر صوری و ظاهری مسجد، ساختن آن مطابق اصولی است که دین دستور داده و تعمیر باطنی آن با نام و یاد حقّ تعلیم و تعلّم و مباحثه علمی و عبادت و مانند آن است.[[194]](#footnote-194)تعمیر مسجد، شامل مرمّت، نظافت و فرش کردن، روشنایى، تدریس و تبلیغ مى‏شود.[[195]](#footnote-195)برخی از مفسّران، رفت و آمد و حضور در مسجد، رونق بخشیدن به مساجد، انجام عبادت و فرمان‌برداری از خدا در مسجد، آبادسازی و تعمیر خرابی مساجد، محروم ساختن مشرکان از حضور در مسجد، آماده‌سازی مساجد برای خداپرستی، مبارزه با شرک و بت‌پرستی، شایسته کرداری و درست‌اندیشی و تقواپیشه کردن را از مصادیق تعمیر مساجد ذکر نموده‌اند.[[196]](#footnote-196)روش و نحوه نگهداری مسجد و اقبال به عبادت خداوند و دوری از اشتغال به امور دنیوی از مصادیق دیگر تعمیر است.[[197]](#footnote-197)عدهّ‌ای مصادیق تعمیر مسجد را بنا کردن، پاک کردن و چراغ روشن کردن، عبادت کردن، درس و علم گفتن و حرف دنیا نزدن ذکر نمودند.[[198]](#footnote-198)برخی تفاسیر، عمارت را شامل مصادیقی مانند تزئین و انجام و ادامه عبادت و ذکر و درس علوم شیعه و صیانت مسجد از آنچه بنای مسجد به خاطر آن بنا نشده (مانند سخن گفتن از دنیا) مطرح کردند.[[199]](#footnote-199)

**4-2. مصادیق خراب کردن مسجد**

بر اساس آیه 114 بقره، خراب کردن مسجد شامل از بین بردن اصل بنا و فرش و سایر اسباب مسجد می‌شود که بالملازمه وجوب نگهداری و عمارت مساجد را فراهم می‌سازد.[[200]](#footnote-200) کلمه «منع» به مفهوم خودداری از انجام کار و گاهی به مفهوم جلوگیری از انجام کار به وسیله دیگران است که در این آیه مفهوم دوّم مورد نظر است.[[201]](#footnote-201)

عبارت ارزشمند «**سَعى‏ فی‏ خَرابِها**» عامّ است و شامل هر مانعی می‌شود.[[202]](#footnote-202)خراب، مصدر ریشه «خرب» و به معنی ویران کردن و ضدّ آبادانی و ضدّ ساختن و مخالف تعمیر است.[[203]](#footnote-203)جلوگیرى از ورود به مسجد و منع ذکر نام پروردگار و کوشش در تخریب آن، تنها به این نیست که با بیل و کلنگ ساختمان آن را ویران سازند، بلکه هر عملى که نتیجه آن تخریب مساجد و از رونق افتادن آن باشد، مشمول همین حکم است.[[204]](#footnote-204)

بی‌توجّهی برخی به مسجد، آلوده کردن مسجد، هرگونه تبلیغ سوء علیه مسجد، ساختن مسجد در کنار مسجدی دیگر و هرگونه تبلیغ شر در مسجد مصداق منع یا خراب کردن مسجد است. در مطالب فوق، انواع مصادیق تعمیر و تخریب مساجد مطرح گردید و بیان مباحث بیشتر در این مقال نمی‌گنجد.[[205]](#footnote-205) از مقایسه تطبیقی بین دو آیه فوق و با استفاده روش تفسیری قرآن با قرآن، می‌توان گفت که افراد فاقد ویژگی‌های مدّنظر در آیه 18 توبه، خود به نوعی از ویران‌کنندگان مساجد محسوب می‌شوند. به عبارت دیگر،نداشتن ایمان به خدا، عدم اعتقاد به روز بازپسین، عدم‌حضور در مسجد و اقامۀ نماز، عدم پرداخت زکات، ترسیدن از غیرخدا و... ویژگی‌هایی است که در صورت وجود در مبلّغان فرهنگی و افراد مسئول و متولّیان مساجد، خود مصادیق **«سَعى‏ فی‏ خَرابِها»** خواهند بود.

در دو آیه فوق به دو واژه یا ریشه متضادّ هم (عمر، خرب) در رابطه با مسجد اشاره شد.[[206]](#footnote-206)**«یَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللّهِ»** و **«سَعى‏ فی‏ خَرابِها»** دو عملکرد متفاوت و خلاف جهت هم و در تضاد هم هستند (البتّه روایات متعدّدی وجود دارند که به این دو مقوله مربوط می‌شوند و ذکر آنها از حوصله بحث خارج است).[[207]](#footnote-207)در قرآن، بارها به مشتقّات ریشه «عمر» به مفهوم آباد ساختن[[208]](#footnote-208)اشاره شده است. در این شبکه معانی، تعابیر دیگری چون عمردادن، قابل سکونت نمودن، حجّ عمره گزاردن هم استفاده شده است؛ ولی مشتقات خرب فقط دو بار آمده است.[[209]](#footnote-209)به نظر می‌رسد که این تفاوت آماری در واژگان مذکور بیانگر این مطلب است که ساختن و آبادکردن مکانی مانند مسجد، تلاش و زحمت بسیاری را می‌طلبد، ولی ویران ساختن آن و از رونق انداختن مساجد سهل‌تر از آباد ساختن آنها به نظر می‌آید.

ظلم فرهنگى (تخریب مساجد در همه ابعاد)، بزرگ‌ترین ظلم‏هاست. خرابى مسجد تنها با بیل و کلنگ نیست، بلکه هر برنامه‏اى که از رونق مسجد بکاهد، تلاش در خرابى آن است. مساجدى مورد قبول هستند که در آنها یاد خدا زنده شود و مطالب خداپسند و احکام خدا بازگو شود. دشمنان اسلام از در و دیوار مسجد نمى‏ترسد، بلکه از زنده شدن نام خدا و بیدارى مسلمانان است.[[210]](#footnote-210)بر این اساس، هر اقدامی که مسجد را به جایگاه حقیقی و طراز انقلابی - ـ‌اسلامی آن نزدیک کند، بی‌شکّ از مصادیق «عمران» و هر عملی که در جهت تضعیف مساجد صورت پذیرد، مصداق «ظلم بزرگ» در مورد مقام مساجد است.

امروز، برخی از مساجد به دلیل عملکرد رقبای مسجد واقعاً غیرفعّال شدند. این مراکز با توجّه به امکانات و اعتبارات و نیروهای انسانی آموزش دیده‌ای که دارند، به راحتی جای مساجد را گرفته‌اند. در برابر فعّالیّت‌های این مراکز، بیشتر مساجد به دلیل نداشتن نمازگرار، امام جماعتِ راتب ندارد. برخی به حالت نیمه‌فعّال و حتّی تعطیلی درآمدند. رقبای مسجد در حقیقت با مجوّزهای رسمیِ چند نهاد دولتی و سازمان دینی تأسیس می‌شوند که به صورت پراکنده و مختلف‌ازهم و بدون هیچ‌گونه هماهنگی با یکدیگر، در امر نظارت و مدیریت و برنامه‌ریزی امور مسجد فعّال هستند. تداخل برنامه‌های غیرهماهنگ و غیر هم‌راستا، تشابه فعّالیّت‌ها و دل‌زدگی مردم و مخاطبان مسجد را موجب شده است. در این خصوص جوانان و نوجونان بیشتر از سایر گروه‌های سنّی آسیب‌پذیر هستند؛ چون این امر باعث بدبین شدن برخی افراد، به‌ویژه جوانان و نوجوانان شده است. بنابراین، بسیار ضروری است که آسیب‌های وجود رقیب برای مسجد مورد مطالعه قرار گیرد و با برشماری این آسیب‌ها، توسّط متوّلیان امر و مهندسان فرهنگی، راه چاره‌ای اندیشیده شود.

**5. سؤالات تحقیق**

**5-1. سؤال اصلی**

رقبای مسجد چه آسیب‌هایی برای مساجد طراز انقلابی - اسلامی دارند؟

**5-2. سؤالات فرعی**

رقبای مسجد کدام‌اند و چگونه به وجود آمده و توسعه یافتند؟

آسیب‌هایی که رقبای مسجد برای مسجد و آموزه‌های مسجدی دارند، چیست؟

سبک مدیریت بر نهادهای رقیب مسجد کدام‌ است و چگونه باید اِعمال شود؟

**6. روش تحقیق**

این تحقیق از نوع کتابخانه‌ای و توصیفی است. نگارنده با وسعت نظر و نگرشی کل‌گرا و با مراجعه به کتب و مقالات و منابع مختلف مرتبط با موضوع، مباحث را مطرح می‌نماید و از منظر روایی و قرآنی و با تأکید بر کاربردی بودن، مباحث را تبیین می‌کند. نگارنده، به عنوان یکی از فعّالانِ دارای سوابق اجرائی در امور فرهنگی مسجد و اشاعه فرهنگ نماز، از تجربیّات و مطالعات خود در زمینه وجود رقبا برای مسجد، بهره خواهد جست.

**7. تعاریف مفهومی کلیدواژه‌های تحقیق**

**7-1.مفهوم رقابت و رقیب**

رقیب یعنی نگهبان، پاسبان، مراقب، مواظب و در فارسی به مفهوم رقابت‌کننده و آنکه می‌خواهد از کسی پیشی گیرد و آنکه با کسی رقابت می‌کند آمده است و جمع آن رقیبان است.[[211]](#footnote-211)در قرآن به واژه رقیب و مشتقّات آن به مفهوم «نگهبان و مراقب» اشاره شده است.[[212]](#footnote-212)قرآن می‌فرماید: «**مَا یَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلاَّ لَدَیْهِ رَقیبٌ عَتیدٌ**؛ آدمى، هیچ سخنى را به لفظ درنمى‏آورد، مگر اینکه مراقبى آماده نزد او، آن را ضبط مى‏کند».[[213]](#footnote-213)با توجّه به این آیه شریف می‌توان گفت که رقیب همان فرشته نگهبان است که اعمال انسان‌ها را ثبت می‌کند.

در این تحقیق، منظور از رقیب مسجد همان مراکزی هستند که به عنوان مراقب (رونق و توسعه) و رقابت‌کننده با مسجد هستند و برخی از فعّالیّت‌های مسجدی در آنها انجام می‌شود. این مراکز در برخی مواقع و شرایط، به دلیل اینکه موجب عدم حضور مسلمانان در مسجد می‌گردند، به عنوان رقیب مسجد شناخته می‌شوند و رونق و توسعه و تعالی مساجد را به خطر می‌اندازند.

یکی از مجاری خسارت‌های وارده بر کشور ما، موازی کاری‌ها و تداخل در مأموریت‌ها و اهداف دستگاه‌های مختلف اجرایی است. به طوری که برخی از دستگاه‌ها در عمل، از وظایف و اهداف اصلی خود منحرف شده و اعتبارات و امکانات خود را به برنامه‌های خارج از وظایف قانونی مصرف می‌نمایند. بنابراین، تعریف دقیق و روشن وظایف افراد و مراکز و سازمان‌ها، مانع از موازی‌کاری‌های فرهنگی در رابطه با مدیریت امور مساجد می‌گردد و رونق مساجد بهبود ‌می‌یابد.

**7-2.آسیب‌شناسی**

آسیب‌شناسی (pathology) بر تشابهی مبتنی است که دانشمندان بین بیماری عضوی و انحرافات اجتماعی قائل می‌شوند. این واژه از ریشه یونانی (path=patho) به معنی رنج، محنت و غضب و (logy) به ‌معنای دانش و شناخت، ترکیب یافته است.[[214]](#footnote-214)بر این اساس، آسیب‌شناسی، به معنای ناخوشی‌شناسی، مرض‌شناسی و علم تشخیص امراض و مطالعه عوارض و علائم غیرعادّی به‌کار می‌رود.[[215]](#footnote-215)

هدف از مطالعات آسیب‌شناسانه در حوزه‌های علوم مختلف تکمیل و یا تأمین فرآیندهای سه‌گانه شناسایی، تشخیص، پیشگیری یا درمان است که برآیند این فرآیند، پیشنهاد راه‌کارهای مناسب برای دفع یا رفع آفات و آسیب‌هاست.[[216]](#footnote-216)به‌ عبارت دیگر، آسیب‌شناسی فرآیندی است که با شناخت آسیب شروع و با بیان علّت و پیامد آسیب‌ها ادامه می‌یابد و سرانجام، با ارائه راهکار پایان می‌یابد. در این نوشتار، مسائل و مشکلاتی که رقیبان مسجد در راستای رونق و محوریّت مسجد ایجاد می‌کنند، به عنوان آسیب و انحراف از مسجد طراز اسلامی مطرح و تشریح می‌شوند.

**7-3. مسجد و جایگاه آن در صدر اسلام**

نخستین مسجد در نظام آفرینش، کعبه و مسجدالحرام بوده است.[[217]](#footnote-217)پیامبر گرامی اسلام، از نخستین روزهایی که دعوت به دین اسلام را به ‌صورت آشکار شروع کرد، از مسجدالحرام همچون پایگاهی اساسی بهره گرفت.[[218]](#footnote-218)شواهد تاریخی، گواه این است که پیامبر اسلام، علاوه بر حضور در مسجد و اقامه‌ عبادت در آن، دیگر مسلمانان را نیز ترغیب و تشویق می‌کرد تا به مسجد رفت‌‌وآمد کنند. پیامبر عظیم‌الشّأن و ائمّه‌ معصوم بر اقامه‌ نماز، به‌‌ویژه نماز جماعت، در مسجد بسیار تأکید می‌کردند و برای آن فضایل بسیاری نقل فرموده‌اند.[[219]](#footnote-219)از سوی ‌دیگر، قرآن کریم هر کسی را که به نقش بنیادین مسجد، یعنی «عبادت و پرستش» آسیب برساند، ظالم می‌داند و می‌فرماید: «**وَ مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَساجِدَ اللَّهِ أَنْ یُذْکَرَ فیهَا اسْمُهُ وَ سَعى‏ فی‏ خَرابِها**؛ کیست ستمکارتر از آن کسی که از بردن نام خدا در مساجد او، جلوگیری کرده و سعی در ویرانی آن می‌نماید.»[[220]](#footnote-220)

**7-4.جایگاه مسجد در عصر انتظار**

در انتظار بودن برای ظهور امام زمان از بهترین عبادت‌هاست و کسی که منتظر امام زمان باشد، اجر و مزدش همانند اجر و مزد کسی است که همیشه در حالت صیام، مشغول نماز باشد؛ یعنی روزها روزه و شب‌ها مشغول عبادت باشد. امام صادق می‌فرمایند: «**اعْلَمُوا أَنَّ الْمُنْتَظِرَ لِهَذَا الْأَمْرِ لَهُ‏ مِثْلُ‏ أَجْرِ الصَّائِمِ‏ الْقَائِمِ‏**؛ آگاه باشید که همانا پاداش منتظر این امر (فرج امام زمان)، مانند پاداش روزه‌دارِ شب زنده‌دار است.»[[221]](#footnote-221)بهترین محلّ عبادت مسجد است؛ پس در مسجد نیز باید منتظر امام زمان باشیم تا نوعی عبادت را انجام داده باشیم. اوّلین نیروهایی که وجود مقدّس امام زمان را یاری و به ایشان لبیک می‌گویند، نیروهای مخلص و مؤمنان هستند. طبق روایات اسلامی، بعد از اینکه حضرت بقیه‌الله در بین رکن و مقام می‌ایستد و به فریاد بلند صدا می‌زند: ای جماعت نقبا و ای خاصّان و آنان که خداوند شما را پیش از ظهور برای من ذخیره کرده است، از صمیم دل و اطاعت کامل نزد من آیید. همه صدای مبارک او را می‌شنوند و دعوتش را اجابت کرده، رو به مکّه می‌آورند و... .[[222]](#footnote-222)افراد مخلص، تربیت‌یافته مسجد و مؤمنان مسجدی مصداق این گونه افراد هستند؛ چرا که رسول خدا می‌فرمایند:«**إِذَا رَأَیْتُمُ الرَّجُلَ یَعْتَادُ الْمَسَاجِدَ فَاشْهَدُوا لَهُ بِالْإِیمَانِ**؛ هنگامی که دیدید مردی بر رفت و آمد به مسجد مداومت می‌کند، وی را مؤمن بدانید» و قرآن کریم نیز می‌فرماید: «**إِنَّما یَعْمُرُ مَساجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّه‏**؛ تنها آنان که ایمان به خداوند دارند، مساجد خدا را آباد می‌کنند.»[[223]](#footnote-223)بنابراین، بهره‌گیری بهینه از مساجد، زمینه‌ساز ظهور مهدی موعود است.

**7-5.بحث واژگانی و اصطلاحی مسجد**

مسجد در اصل اسم مکان از فعل «سَجَدَ، یَسجُدُ» و در زبان فارسی به معنای محلّ و جایگاه عبادت به کار رفته است. راغب اصفهانی می‌نویسد: «**المَسجِدُ موضِعُ الصّلاةِ اعتباراً بالسّجود**؛ یعنی مسجد، جایگاه نماز است و به اعتبار اینکه در آن سجده وجود دارد»[[224]](#footnote-224)و سجده، شریف‌ترین رکن نماز و مظهر تامّ بندگی و کُرنِش عبد، در برابر پروردگار متعال است «**السُّجودُ مُنتَهَی العِبَادَة مِن بَنی آدَمَ**».[[225]](#footnote-225)از این‌رو، اسم آن را مسجِد گذاشته‌اند.[[226]](#footnote-226)صاحب جواهر می‌نویسد: «**و المُرادُ بالمَسجد شرعاً المکانُ المَوقوفُ علی کافة المُسلمین للصّلاة**؛ مسجد در اصطلاح شرعی، مکانی است که برای برپایی نماز عموم مسلمانان وقف شده باشد.»[[227]](#footnote-227)

**8-5.مفهوم مسجد در آیات قرآن**

هر چند مسجد از مادّه «سجد» برگرفته شده که 95 بار مشتقّات این ریشه در قرآن آمده است، امّا خود واژه مسجد به صورت مفرد و جمع، 28 بار در قرآن آمده است. برخی از این موارد، این واژه به مسجدالاحرام منستب شده و گاهی به مسجدالاقصی و مسجد ضرار اطلاق شده است. در بعضی موارد هم مسجد به معنای معبد و محلّ عبادت، یعنی به صورت کلّی اطلاق شده است و برخی از دستورات یا احکام الهی و بعضی هشدارها و... به همراه واژه مسجد (در حالت جمع یا مفرد) مطرح شده است؛ مانند: رو به سوی قبله نمودن، دوری از مسجد ضرار به عنوان منشأ تفرقه بین مسلمانان، مسجد محلّ ذکر خداوند، مسجد محلّی برای گرامی‌داشت مقام اصحاب کهف،حفاظت الهی در برابر انهدام احتمالی مساجد، شرایط و ویژگی‌های آبادکنندگان و محافظان مساجد و برخی از احکام مربوط به مسجدالحرام و... . با بررسی آیات مربوط به مسجد و دقّت در تفاسیر مشخّص می‌شود که در قرآن دو آیه به تعریف اساسی مسجد دلالت دارد که با جمع بستن مسجد در قالب لفظ مساجد آن را تعریف نموده است. قرآن می‌فرماید: «**مَساجِدَ اللَّهِ أَنْ یُذْکَرَ فیهَا اسْمُهُ**»؛[[228]](#footnote-228)همچنین در جائی دیگر می‌فرماید: «**مَساجِدُ یُذْکَرُ فیهَا اسْمُ اللَّهِ کَثیراً»؛**[[229]](#footnote-229)بنابراین، بر اساس آیات شریف قرآن، می‌توان گفت که مسجد به صورت کلی مکان‌هائی هستند که نام خدا (به هر صورت ممکن) در آنها بسیار برده مى‏شود.

**ب)رقبای مسجد**

در مطالب گذشته مباحث اوّلیه و کلّیات تحقیق مطرح شد. در ادامه، رقبای مسجد به همراه بحث واژگانی و نحوه پیدایش و توسعه آنها بیان خواهد شد و سپس، آسیب‌های هر رقیب و راه‌حل پیشنهادی خاصّ همان آسیب ذکر می‌شود.

**1-1.تکّیه، قدیمی‌ترین رقیب مسجد**

در فرهنگ لغات، تکّیه به معنای محلّ آسایش، طاق، قبه، حسینیه‌ای که در آن روضه می‌خوانند، جای تعزیه‌خوانی، جای روضه‌خوانی بوده و جمع آن، تکایا است.[[230]](#footnote-230)همچنین، به مفهوم پشت دادن به چیزی، جایی وسیع برای انجام مراسم عزا و روضه‌خوانی و اسمی قدیمی برای جای نگه‌داری مستمندان است.[[231]](#footnote-231)تکّیه، محلّ برگزاری مراسم روضه‌خوانی و سوگواری و جای زندگی درویشان و زاهدان است.[[232]](#footnote-232)تکّیه بستن به معنی درست کردن یا ساختن تکّیه به صورت برپاکردن چادرهائی است که در کوچه یا محلّه مرسوم بود.[[233]](#footnote-233)

**1-2.تاریخچه به وجود آمدن تکّیه در ایران و رقابت تدریجی آن با مسجد**

تکّیه در جهان اسلام در ابتدای حکومت عثمانی مطرح گردید و شبیه «رباط»، «دویر» و «لنگر» بود و اقامتگاه صوفیان بود و برخی افراد مانند ابن‌سبیل و نیازمندان در آن سکونت داشته و از آنان پذیرائی می‌شد[[234]](#footnote-234)و در آن زمان به مفهوم زاویه، آستانه، درگاه و... بود. پس از مدّتی تکّیه جایگاه عبادت و اقامت درویشان گردید. تکّیه‌ها در آغاز در ایران کارکرد دیگری داشتند و در دوره صفویان برای نخستین‌ بار، تکّیه‌ها کارکرد عزاداری برای امام‌ حسین پیدا کردند. سلسله صفویان به دلیل تبار صوفیانه‌ای که داشتند، در تکّیه‌ها به عبادات و آیین‌های صوفیانه می‌پرداختند. در آن زمان تکّیه نقش آرامگاه دراویش و صوفیان و نقش خانقاهی داشت. تکّیه در آن زمان مکانی بود که صوفیان در آن پیرامون شیخ، گرد آمده و مراسم ذکر و نیایش و آداب صوفیانه را انجام می‌دادند. پس از مدّتی، برخی مشکلات اصناف و مسائل اقتصادی و مشاعره و مناظره در تکایا انجام می‌شد. کم‌کم به‌خاطر علاقه و الفتی که صفویان به اهل‌بیت داشتند، کارکرد تکّیه‌ها دگرگون و به مکانی برای سوگواری اهل‌بیت، به‌ویژه در ماه محرّم تبدیل شد. توجّه به مقوله عزاداری و فعّالیّت‌های مذهبی در تکایا بیشتر در اواخر دوره صفویان و اوایل زندیان شدّت گرفت.[[235]](#footnote-235)

**2-2 . مهم‌ترین تکّیه در تاریخ ایران**

«تکّیه دولت» از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین تکایای اوّلیه ایران بود که در عصر ناصرالدّین شاه بنا شده و دارای معماری ارزشمند و رواج تعزیه‌خوانی در دو نوبت عصر و شب بوده است. این تکّیه سه طبقه و با سقف چادری از جنس کرباس بر روی اسکلت چوبی بوده که در آن اتّفاقات مهم سیاسی و تاریخی مانند تصمیماتی در مورد ضرب سکه، تشییع ناصرالدّین شاه و مظفّرالدّین شاه و مجلس مؤسّسین و... در آن اتّفاق افتاد. پس از ناصرالدّین شاه این تکّیه رو به ویرانی نهاد و سرانجام در محلّ آن بانک ملّی کشور بنا شد.[[236]](#footnote-236)

**3-2.خاستگاه تاریخی تکّیه‌ها در ایران**

در ایران همزمان با گسترش حسینیّه‌سازی، تکّیه‌سازی هم گسترش یافت. در آن زمان تکّیه فقط جای شبیه‌خوانی و تعزیه‌خوانی بود. بیشترین تکّیه‌سازی در دوران ناصرالدّین شاه انجام شد و در دوران وی 54 تکّیه در تهران دایر بود و در انتهای سلسله قاجاریه تعداد تکایای تهران به 95 تکّیه رسید. با بررسی اسناد تاریخی می‌توان خاستگاه تکایا را در این سه مورد خلاصه نمود:[[237]](#footnote-237)برخی تکایا در ابتدا بقعه و آرامگاه و مقبره بزرگان و مشایخ و صالحان بود و سپس به تکّیه تغییر یافت؛ مثل تکّیه هفت‌تن، تکّیه پهلوان شریف. برخی تکایا در گذشته کاروانسرا بودند و کم کم به مکانی برای تعزیه‌خوانی و عزاداری تبدیل شدند؛ مثل تکّیه حمام‌خانه. گروهی دیگر از تکایا در دوران زندیان فقط با هدف تعزیه‌خوانی ساخته شدند؛ مثل تکّیه حاج میرزا آقاسی.

**4-2.همّیت اجتماعی وکارکردهای تکّیه در گذشته**

تکّیه‌ها بر چهار پایه اساسی ساختار می‌یافتند. مرکز شهر، مرکز محلّه، عنصر ارتباط‌دهنده، گذر اصلی و میدان. برخی از آنها در طول سال غیر فعّال بودند و از آنها برای خشک کردن و نگهداری کردن و انبار نمودن برخی محصولات کشاورزی و خواربار استفاده می‌کردند. در ایّام عزاداری محرّم و صفر با همبستگی اهالی شهر یا محلّه، تکایا تمیز می‌شد و چادر عزا برافراشته می‌گردید. اجزای بیشتر تکایا شامل سکّو در وسط، ساختمانی بدون سقف و ساختمانی مسقّف، حیاط آن دارای شیبی ملایم برای ورود و خروج اسب‌ها، جای نشستن بچّه‌ها و زنان، چند مدخل، طاق‌نماها، جائی برای نشستن مردان تماشاگر، غرفه‌های رختکن برای تعزیه‌خوانان بود. از اسباب درویشی مانند کشکول، تسبیح، منتشا، پوست‌تخت، وصله‌ها و برخی اشعار محتشم کاشانی، برای تزئین تکّیه‌ها استفاده می‌کردند. تکّیه‌سازی در دوران قاجار رواج داشت و برخی تکّیه‌ها کارکردی سیاسی داشتند. برخی تکایا جنبه شاهی و دولتی و برخی جنبه اعیانی و اشرافی و برخی عادّی در شهر و روستا بودند.

بر اساس آمار سال 1375 تعداد 1707 تکّیه در ایران وجود داشت که مازندران بیشترین تعداد 1135 تکّیه و استان تهران 58 تکّیه را دارا بودند.[[238]](#footnote-238)تکّیه‌های مازندران دارای یک ویژگی خاصّی هستند که آنها را با دیگر تکایا متمایز می‌کند. در تکایای مازندرانی، سقّا‌نفار، سقّا‌نپار یا ساقی‌نفار احداث می‌شد که بنای بیشتر آنها ساده و چهارگوش و از جنس چوب بوده و بر اساس زندگی ساده و بی‌پیرایه دامداری و کشاورزی ساخته می‌شود و دارای پلکان چوبی و برخی منبّت‌کاری‌های ساده در اطراف آن است. این بناها نذر حضرت ابوالفضل، سقّای کربلا، بوده و زیارتگاه محسوب می‌شوند و در پای این بناها قربانی می‌کنند. همچنین بیشتر سفره‌ها و مراسم‌های منتسب به آن حضرت به قصد قربت در همین مکان برگزار می‌شود. در این مکان برخی امور مربوط به سیراب نمودن عزاداران تشنه در مراسم‌های محرّم و دستجات با طبخ چای، تهیه و توزیع شربت و سایر نوشیدنی‌ها بر حسب وضعیّت آب و هوا، برای عزاداران انجام می‌شود.[[239]](#footnote-239)

**5-2. آسیب‌ها و راهکارها**

بر اساس مطالب مطرح شده، تکّیه ازخاستگاهی به مراتب ضعیف‌تر از مسجد برخوردار است و منزلت آن با مساجد به عنوان بیت‌الله قابل مقایسه نیست. عامل اصلی توسعه تکایا بعد از اعمال صوفی‌گری، تعزیه‌خوانی بوده است. با تحلیل روند تاریخیِ ایجاد و توسعه و گسترش تکایا مشخّص می‌شود که در بنا نمودن برخی، نیّات غیرمسجدی دخیل بوده است. یکی از آسیب‌های تکایا این است که ضمن کاهش رونق مساجد، برخی فعّالیّت‌های غیرمسجدی (به خاطر تقدّس کمتر) در آن انجام می‌شود. همچنان که برخی احکام فقهی مسجد و تخفیفاتی (حضور بانوان معذور و حتّی حضور افراد غیرمسلمان) که در نگهداری تکایا در نظر گرفته شده بر این مطلب گواهی می‌دهد.

وجود جایی برای نشستن مردان تماشاگر، غرفه‌های رختکن برای تعزیه‌خوانان، استفاده از اسباب درویشی مانند کشکول، تسبیح، منتشا، پوست‌تخت، وصله‌ها برای تزئین تکّیه‌ها و... به کمتر بودن تقدّس تکّیه در مقابل مسجد در گذشته و حال دلالت دارد. این موضوع می‌تواند به عنوان دست‌آویزی، هرچند کم‌اهمّیت تلقّی شود تا برخی دشمنان فرهنگ مسجدی به بیان توجیهاتی برای رفتار خود در تکایا اقدام نمایند؛ چرا که تکایا از امور صوفی‌گری برخاسته و فقط با انجام تعزیه‌خوانی در ایّام محرّم و صفر به صورت تکایای امروزی در آمده‌اند. استفاده از تکایای قدیمی به عنوان انبار و فعّال بودن آنها فقط در ماه‌‌های محرّم و صفر و داشتن نگرش قبیله‌ای و محلّه‌ای به تکایا و بسیاری از امور قابل انجام در تکایا، امروز از عوامل آسیب‌زا هستند که باید در مدیریت آنها کوشید.

تکایا بخشی از فرهنگ و نگرش‌های اجتماعی محلّات و روستاها و برخی شهرها را تشکیل می‌دهد و حذف آنها خود، آسیب‌های متعدّد دیگری را ایجاد می‌کند. در برخی موارد شاید اعتقاد و تعصّب مردم به خصوص در روستاها و محلّات کوچک به تکایا بیشتر باشد و احتمال دارد وجود بنای تکّیه در کنار بنای مسجد خود به رونق و اعتبار مسجد در نظر عموم بیفزاید.

راه‌حل کنونی این است که نگرش‌های فرهنگی متضادّ با مسجد در خصوص تکّیه ‌که در اذهان مردم وجود دارد، با تبلیغات مسجدی توسّط امامان جماعت و متولّیان مساجد و بر اساس آموزه‌‌های قرآنی اسلام اصلاح شود و برحسب مورد با نگرش‌های اسلامی غنی‌سازی گردد. به عبارت دیگر، اصل‌بودن مسجد و فرع بودن تکّیه باید تبیین شود. سپس باید تکایا را در قالب مدیریت مسجدی اداره نمود و تکایا را جزئی از زیرمجموعه مساجد و تحت لوای آن و زیر نظر متولّیان مسجدی (نه در قالب یک متولّی خود مختار) و برحسب قوانین و تفکّرات مسجدی مدیریت نمود. با این‌گونه مدیریت، تکایا می‌تواند محلّ برخی از فعّالیّت‌های مسجدی مانند مراسم‌های زنانه، مجالس جوانان و نوجوانان و برخی فعّالیّت‌های دیگر باشد که همزمان و همراه با مکان مسجد برگزار می‌شوند.

**2.حسینیّه**

خانه‌ای است که مخصوص اقامه عزای امام حسین باشد. حسینیه،[[240]](#footnote-240)مسافرخانه‌هایی هستند که در شهرها، مخصوص زائران حسینی (زائرسرا) می‌سازند و جنبه انتفاعی ندارد.[[241]](#footnote-241)حسینیّه، مکانی برای برگزاری مراسم مذهبی، به‌ویژه مراسم سوگواری حسین‌بن‌علی است.[[242]](#footnote-242)حسینیّه، از نام سیّد و سرور سالار شهیدان گرفته شده و در ابتدا هدف از تأسیس حسینیّه‌ها، برگزاری مراسم و محافل عزاداری برای آن حضرت بوده است.

در نام‌گذاری حسینیّه‌ها، گاهی نام واقف یا بانی را بر روی حسینیّه می‌گذارند یا آنها را به نام اصناف می‌خوانند. حسینیّه‌هایی که اهالی برخی شهرها در شهرهای دیگر بنا می‌کنند، به نام گروه مهاجران یا زائران خوانده می‌شوند. برخی حسینیّه‌ها نیز به نام محلّه‌ای که در آن واقع شده‌اند، خوانده می‌شوند. نام‌گذاری حسینیّه‌ها به نام امامان معصوم و فرزندان آنها نیز مرسوم است.[[243]](#footnote-243)بر اساس آمار سال 1375، تعداد 8752 حسینیّه در کشور وجود داشت که از این تعداد، استان خراسان با 1158حسینیّه، اوّل بود و تهران دارای976 حسینیّه بود که همه آنها در دوران قاجاریه ساخته شدند.[[244]](#footnote-244)برای روشن شدن رقیب‌بودن حسینیّه برای مسجد در ادامه به نحوه شکل‌گیری آن اشاره می‌شود.

**2-1.تاریخچۀ شکل‌گیری حسینیّه در ایران**

دسته‌های عزاداری امام حسین در شکل جدید، نخستین بار در سال ۳۵۲ق به وجود آمدند.[[245]](#footnote-245)به دستور معزّالدوله، در عاشورای سال ۳۵۳ق عزای عمومی اعلام شد و از مردم خواسته شد که با پوشیدن جامه سیاه، اندوه خود را نشان دهند.[[246]](#footnote-246)در عاشورای سال ۳۵۲ق نیز گریه و ندبه برای امام حسین و نوحه‏خوانی و برپایی ماتم برای آن امام برگزار گردید.[[247]](#footnote-247)با روی کار آمدن دولت صفویّه و تغییر مملکت به صورت کشوری شیعه و مقتدر، سرودن شعر در مدح و رثای ائمّه و شهدای کربلا برای شاعران افتخاری بس بزرگ محسوب می‎شد و این تأثیری فراوان بر آینده‎ آیین سوگواری محرّم گذارد.

در طول دوره صفویه شکل مهم و معروف دیگری از نمایش مذهبی پدید آمد که در ارتباط با واقعه‎ کربلا و شهادت امام حسین و یارانش بود. غالب این داستان‎ها از کتاب «روضةالشّهداء» گرفته می‎‌شد و از اوایل سده‎ شانزدهم در میان شیعیان به گونه‎ای گسترده انتشار یافت. از این زمان به بعد تکّیه‌ها و حسینیّه‌ها و موقوفات مربوط به عزادارى امام حسین در ایران شکل گرفت و در سراسر کشور گسترش یافتند.[[248]](#footnote-248)با این حال حسینیّه، از دوره قاجار تثبیت شده است، چنان‌که تاریخِ بنای حسینیّه‌های مهم و معروف نیز تاریخی قدیم‌تر از آن را نشان نمی‌دهد.[[249]](#footnote-249)

**2-2.حسینیّه‌های قدیم و حسینیّه‌های امروزی به عنوان رقیب مسجد**

در گذشته حسینیّه‌ها سرپوشیده نبودند و در واقع شبیه تکایا بودند. همچنین در برخی موارد واژه حسینیّه و تکّیه به یک محلّ واحد و مشابه اطلاق می‌گردید. متأسّفانه در دهه‌های اخیر حسینیّه‌های سرپوشیده با عملکرد مشابه مسجد در برخی شهرها و روستاها ساخته شده‌اند. برخی از حسینیّه‌ها (مثل حسینیّه‌های شهر کربلا) فقط در حکم زائرسرا بودند. اکنون برخی از حسینیّه‌ها به مجموعه‌ای وسیع اطلاق می‌شود که شامل مسجد، محلّ برپائی اجتماعات و سخنرانی، محلّ فعّالیّت‌های مختلف فرهنگی است. معروف‌ترین این حسینیّه‌ها، حسینیّه ارشاد تهران و پس از آن، حسینیّه‌های یزد، نائین، شیراز و حسینیّه‌های شمال کشور است. همه این حسینیّه‌ها در دوران قاجاریه ساخته شدند. برخی از حسینیّه‌ها دارای رواق، فضای سرپوشیده و فضای روباز، غرفه‌ها و ایوان‌های شاه‌نشین بودند.[[250]](#footnote-250)

متأسّفانه با وجود برخی مساجد بزرگ و فعّال، امروز حسینیّه‌ها کارکردهای زیادی دارند. کارکرد اختصاصى حسینیّه‏ها، برگزارى مراسم سنّتى عزادارى و روضه‌خوانى، به‏ویژه براى امام حسین و یارانش و کارکرد عمومى‏شان، شامل برگزارى آیین‏هاى مذهبى و فرهنگی، تشکیل صندوق‌های قرض‌الحسنه، سکونت‏گاه موقّت زائران در شهرهای زیارتی، تقویت روحیّه همدلی و... است. تهران (در اواخر دهه 1340ش) حدود 630 حسینیّه داشته است.[[251]](#footnote-251)براساس آمار (1375ش)، 7528 حسینیّه در ایران وجود داشته که بیش از 11% کل اماکن دینی و مذهبی کشور را تشکیل می‌داد.[[252]](#footnote-252)

**2-3.آسیب‌های احتمالی حسینیّه و راهکارها**

حسینیّه، پس از مسجد، پرکاربردترین مکان مذهبى در میان شیعیان است و از رقبای جدّی و قدرتمند مساجد بوده و موجب خالی شدن مساجد می‌گردند. بررسی تاریخ عزاداری حسینی و تحوّلات و تطبیقات عملی آن در جامعه نشان می‌دهد که هر اندازه این مراسم‌ها در فضایی سالم برگزار شود، به همان مقدار از افراط و خشنونت و لغزش‌های احتمالی در رفتار فاصله می‌گیرد و ضرورت استقلال عزاداری امام حسین از عوامل پیرامونی خود به ندرت مورد تردید واقع شده است؛ به‌ویژه آنکه مراسم عزاداری حسینی، از سوپاپ‌های اطمینانی در درون خود برخوردار بوده و آن قداست نهضت عاشورا و ارزش‌های انقلابی است که مانع هرگونه سوء‌استفاده از آن می‌شود؛ با این حال، مراسم عزاداری حسینی نیز همانند هر رسم و سنّت ملّی‌ـ‌مذهبی در معرض تلاش‌هایی برای سوءاستفاده و تخریب از ناحیه سودجویان و مغرضان قرار گرفته است.

یکی از دلایلی که بر اساس آن به ساخت حسینیّه‌ها اقدام می‌شود این است که در نحوه بنای مسجد، مکانی برای عزاداری زنان یا جائی برپائی برخی مراسم‌های زنانه ساخته نمی‌شود. نامتناسب‌بودن حجم جمعیّت تحت‌پوشش برخی مساجد با فضای مساجد، عامل دیگر ایجاد حسینیّه‌ها بوده است. برخی از مهندسان و معماران در ساخت مسجد، جایگاهی برای زنان ضمن رعایت موارد خاصّ زنانه، در نظر نمی‌گیرند. این امر موجب می‌شود که پس از اتمام بنای مساجد، متولّیان به ساخت حسینیّه در کنار مسجد اقدام نمایند. این عمل مستلزم تحمّل هزینه‌های مجدّد و مضاعف در عمران و توسعه بنای مساجد است.

متأسّفانه به دلیل عدم فعّالیّت (مناسب) مسجد و به دلیل بسته بودن درب آن گاهی اوقات، (برخی فعّالیّت‌های خاصّ مسجد، مانندِ) کلاس‌های اخلاق، قرآن و احکام و... در سرای محلّه‌ها و یا حسینیّه‌ها برگزار می‌شود که این امر با «مسجد تراز اسلامی» مغایر است.[[253]](#footnote-253)حسینیّه‌ها به دلیل داشتن فضای سرپوشیده زیاد و پرحجم، کانون ارتباط و توجّهات اجتماعی در شهرها و روستاها در ماه‌های محرّم و صفر هستند[[254]](#footnote-254)و در بسیاری از موارد، همزمان با برنامه‌های مسجدی و عزاداری در مساجد، حسینیّه‌ها نیز به فعّالیّت می‌پردازند و بدین‌ترتیب با مساجد رقابت می‌کنند. برای حلّ این مشکل، باید مساجد بر حسب اصول مهندسی و معماری و بر اساس چشم‌اندازی از تخمین جمعیّت شرکت‌کنندگان و آحاد جمعیّت تحت‌پوشش ساخته شود. در این خصوص، رعایت ظرفیّت مسجد بر حسب ساکنان محلّه یا بخش تحت‌پوشش مسجد الزامی بوده و متولّیان امر باید رشد نسبی جمعیّت در سال‌های آتی را مدّنظر داشته باشند؛ زیرا ناکافی بودن ظرفیّت مساجد برای جمعیّت عزاداران حسینی از مهم‌ترین دلایل برپائی حسینیّه‌ها و عزاخانه‌های موقّت است. بنابراین، به نظر نگارنده، باید با ساخت مساجد مناسب، مساجد را به حسینیّه و عزاخانه واقعی (در ایّام محرّم و صفر و فاطمیّه و...) تبدیل کنیم نه اینکه عزاخانه موقّتی یا حسینیّه بسازیم و مساجد را از رونق بیندازیم و رقیبی برای مساجد ایجاد نمائیم.

**2-4.قداست خاصّ مسجد و تفاوت‌های بین مسجد، تکّیه و حسینیّه**

تفاوت اساسی مسجد با دو مورد دیگر در این است که اگر مسجد، مسجدالحرام و یا مسجدالنّبی باشد، بر شخص جنب حرام است که در آن وارد شود اگر چه از یک در داخل و از در دیگر خارج شود و اگر مسجد از نوع دیگر مساجد باشد، توقّف برای جنب در آن حرام است، ولی اگر از یک در داخل و از در دیگر خارج شود یا برای برداشتن چیزی به مسجد برود، مانعی ندارد.[[255]](#footnote-255)در حالی که در دو مورد دیگر، یعنی حسینیّه و تکّیه، اگر شخص جنب وارد و خارج یا توقّف کند، مانعی ندارد.[[256]](#footnote-256)نجس کردن مسجد حرام و تطهیر آن واجب فوری است،[[257]](#footnote-257)امّا تطهیر حسینیّه واجب نیست.[[258]](#footnote-258)علاوه بر آن، با تحقّق وقفیّت مسجد، بانی و سازنده آن با سایر مردم در استفاده از آن مساوی است و حقّ منع از ورود و نماز خواندن کسی را ندارد؛ امّا سازنده حسینیّه می‌تواند شرایط خاصّی را برای واردین قرار دهد.[[259]](#footnote-259)

در گذشته نیز تفاوت تکّیه و حسینیّه این بود که خاستگاه اصلی تکّیه‌ها پیوندی با اهل تصوّف و دراویش داشته و در تکایا سکّویی قرار داشت که برفراز آن و گرداگرد آن تعزیه‌خوانی و شبیه‌خوانی می‌کردند، ولی در حسینیّه بیشتر به عزاداری و روضه‌خوانی سرور و سالار شهیدان در ماه‌های محرّم و صفر می‌پرداختند.[[260]](#footnote-260)بنابراین، می‌توان گفت که تکّیه معنای اعمّ دارد و همه مکان‌هایی مانند خانقاه، آرامگاه، درویشان و صوفیان و مکان‌های شبیه‌خوانی و تعزیه‌خوانی را دربر می‌گیرد. حسینیّه، برخلاف تکّیه از ابتدا بر پایه عزاداری بنا شده و تنوّع کمتری نسبت به تکّیه دارد. تکایا به دوران قاجاریه برمی‌گردند، ولی حسینیّه‌ها گاهی به دوره ایلخانی و بیشتر به دوران صفویه مربوط می‌شوند.[[261]](#footnote-261)

**3.مَهدیّه**

مَهدی نام قائمِ‌منتظر در نزد شیعیان و به معنی کسی که خداوند او را به‌سوی حقّ هدایت نموده و به مفهوم هدایت‌شده، ارشاد‌شده است.[[262]](#footnote-262)مَهدیّه برگرفته از اسم حضرت مَهدی و مؤنّث (مجازی) مَهدی است. در واقع، مَهدیّه محلّی است که خیمه عاشقان و منتظران حضرت مهدی است و برنامه‌های مذهبی و دعای ندبه در آن برگزار می‌شود. ساختن مکان‌هایی با نام‌های قائمیّه، منتظریّه، بیت‌المهدی، دارالمهدی و... همانند ساختن حسینیّه و تکایا است که محلّی برای عرض ارادت به اهل‌بیت بوده و مصداق آیه شریف «**تَعاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوى‏**»[[263]](#footnote-263)است.[[264]](#footnote-264)

**3-1.تاریخچه بنای مَهدیّه**

اوّلین بار شهری به نام شهر مَهدیّه در سال 308 قمری توسّط فاطمیان در کشور تونس در کنار خلیج قابس ساخته شد و سپس مسجدی به همین نام در آن شهر (مسجد مَهدیّه) بنا گردید.[[265]](#footnote-265)در ایران، استقبال گسترده مردم از جلسات سخنرانی مرحوم حاج شیخ احمد کافى و مراسم دعای کمیل و ندبه، باعث شد که وی ساخت مَهدیّه در تهران را پیشنهاد کند. او با کمک بازاریان خوشنام تهران و مردم، در سال 1348در خیابان ولی عصر تهران، مَهدیّه‌ای بنا کرد که ساختمان اوّلیه آن پانزده هزار نفر را در خود جای می‌داد. مردم تهران و برخی شهرستان‌ها، در محافل این مَهدیّه، مشتاقانه شرکت می‌کردند. مهدیه تهران علاوه بر این، منشأ خدمات و خیرات ارزنده‌ای بود که بسیاری از آنها هم‌اکنون نیز ادامه دارد.[[266]](#footnote-266)

**3-2. مدیریت کلان مَهدیّه‌های فعلی در سطح کشور**

امروز در هر شهر، مَهدیّه‌های متعدّدی ساخته شده است. در حال حاضر اطّلاعات مَهدیّه‌های سراسر کشور در بانک اطّلاعاتی «مجمع مَهدیّه‌های سراسر کشور» به آدرس «www.mahdieha.ir» دسته‌بندی و سامان‌دهی و نگهداری می‌شود. مهدیّه‌ها می‌توانند برای تحقّق همبستگی بیشتر و دست‌یابی به امکان گفتگو و تبادل نظر سازنده و مؤثّر بین مهدیه‌ها در سطح کشور، پشتیبانی از اجرای برنامه‌های مؤثّر و کارشناسی، تلاش برای جلوگیری از انحرافات، تلاش برای رسیدن به مفهوم واقعی انتظار، در این سایت ثبت‌نام نمایند. مَهدیّه‌ها، با تکمیل فرم الکترونیکی ثبت مشخّصات، مَهدیّه‌ها در این سایت، ثبت شده و به شبکه «مهدی یاران» می‌پیوندند.

**3-3.مسجد جمکران یا مهم‌ترین مهدیّه کشور**

یکی از مکان‌های ارزشمندی که به حضرت امام مهدی منتسب است و می‌تواند نوعی مهدیّه تلقّی شود، مسجد جمکران واقع در شش کیلومترى شهر مذهبى قم است. این مسجد، بیش از یک هزار سال پیش به فرمان حضرت بقیة‌الله تأسیس گردید و در طول قرون و اعصار، پناهگاه شیعیان و پایگاه منتظران و تجلّی‌گاه امام زمان بوده است. فردى به نام «حسن مثله جمکرانى» دستور امام زمان را برای بناى مسجد (در بیداری نه در خواب) دریافت نمود و طبق جزئیات اوامر حضرت، آن اجرا کرد.[[267]](#footnote-267)جمکران با محوریّت مسجد و با نام مسجد جمکران تأسیس شده و اکنون با این رویکرد ارزشمند، مدیریت می‌شود. همه فعّالیّت‌های مسجدی به نحو احسن و مدیریت و درایت مسئولان و شرکت مؤمنان سراسر کشور برنامه‌‌ریزی و اجرا می‌شود که می‌تواند الگوئی برای مدیریت مهدیّه‌های کشور باشد.

**3-4.آسیب‌ها و راه‌حل‌ها**

قدمت مَهدیّه از قدمت حسینیّه و تکّیه کمتر است و این مکان‌ها برای تکریم و تعظیم مقام حضرت مهدی تأسیس و گسترش یافته است. فلسفه وجودی مَهدیّه‌ها در ابتدا انجام امور و ادعیه منتسب به حضرت ولی عصر و انتظار فرج آن حضرت بوده است. با این حال، امروز برخی فعّالیّت‌های مسجدی در مَهدیّه‌ها انجام می‌شود. امتیاز مهم مَهدیّه‌ها داشتن فضای بزرگ و مسقّف است که ارائه خطابه‌هایی با شنوندگان متعدّد و انعقاد مجالس و محافل پرجمعیّت را امکان‌پذیر می‌نماید. توجّه بیش از حدّ به بناهای مَهدیّه، صرف هزینه‌‌های مهدیّه‌ها از محلّ مشارکت خیّرین و نیکوکاران و تلاش در استقلال یافتن مَهدیّه‌ها و انجام فعّالیّت‌های مسجدی در آنها، موجب کاهش منزلت مساجد در انظار عموم می‌شود و مساجد را از رونق می‌اندازد. به علاوه اینکه انجام امور خاصّ و مقطعی مانند دعای ندبه و کمیل و جشن‌های نیمه شعبان و نپرداختن به امور عبادی و اعتقادی مستمر در مَهدیّه‌ها، اهمیت آنها را در برابر مساجد کاهش می‌دهد. ایجاد بانک‌های اطّلاعاتی مستقل برای مَهدیّه‌‌های سراسر کشور و ایجاد یک مرکز رسیدگی به امور مَهدیّه‌ها تحت عنوان «شبکه مهدی یاران»، یک فعّالیّت شبیه‌سازی شده و موازی‌کاری با مرکز رسیدگی به امور مساجد کشور است که جامعیّت عملکرد و مدیریت این مرکز را مخدوش می‌کند.

باید مَهدیّه‌ها تحت نظارت مرکز رسیدگی به امور مساجد کشور و به عنوان مرکزی، تحت نظارت و مدیریت متولّیان و مسئولان مساجد به ادامه فعّالیّت بپردازند. در این خصوص باید با انجام امور فرهنگی و تبلیغی، نگرش‌های خیّرین مَهدیّه‌ساز را نسبت به اهمّیت ساخت مساجد روشن یا اصلاح نمود. در حقیقت، برای رفع هرگونه آسیب‌های احتمالی مَهدیّه برای مساجد، باید مسجد جمکران را الگوی کاربردی سایر مَهدیّه‌ها محسوب نمود تا مساجد، محوریّت مسجدی‌بودن برنامه‌های خود را رعایت نمایند. نگارنده بر این عقیده است که باید با انجام امور معنوی در راستای فرهنگ انتظار، مساجد را مَهدیّه کنیم و بزرگداشت این فرهنگ به عنوان متمایزترین فرهنگ شیعه با سایر مذاهب، مساجد را رونق دهیم.

**4. فاطمیّه و زینبیّه، رقیب‌هایی دیگر برای مسجد**

زینبیّه، برگرفته از نام ارزشمند حضرت زینب است. این بانوی بزرگوار از عصر عاشورای سال شصت هجری به بعد رسالت پیام‌رسانی خون شهیدان و سرپرستی و رهبری اسیران نهضت عاشورا را بر عهده گرفت و لحظه‌ای از حمایت امام سجّاد غافل نشد. حضرت زینب با ایراد خطبه‌های آتشین پایه‌های کاخ ستم بنی‌امیّه را به لرزه در آورد و در یک کلام، با این همه تبلیغات و نقشه‌های دشمنان را خنثی و نفاق منافقان را رسوا و غفلت غافلان را برطرف ساخت و اگر تلاش بی‌نظیر و فداکاری کامل زینب نبود به یقین جریان کربلا و بنی‌امیّه یا به فراموشی می‌سپردند یا از مسیر حیات‌بخش خود منحرف می‌کردند.

حضرت زینب دارای مقامی بس گرانقدر هستند. به گونه‌ای که امام زمان در روز وفات این بانوی گرامی به همراه سوگواری ملائکه در آسمان‌ها، در مجالس آنها شرکت می‌کنند. در این مجالس ملائک خطبه آن حضرت را می‌خوانند و به گریه و زاری می‌پردازند و آنقدر به سوگواری ادامه می‌دهند تا اینکه حضرت ولی عصر آنان را ساکت نماید.[[268]](#footnote-268)زنان مؤمن در الهام‌گیری و تأسّی‌جویی از شیر زن کربلا، با همکاری برخی مردان مؤمن، اقدام به تأسیس بناهایی با نام گرانقدر حضرت زینب کرده‌اند. آنها با این عمل خود، ایجاد استقلال مفرط در مجالس خاصّ زنانه را مدّنظر داشته و با زینب کبری در مصائب بزرگ آن بانوی گرامی هم‌صدا می‌شوند.

فاطمیّه، برگرفته از نام ارزشمند حضرت زهرا بوده که بیشتر برای عزاداری و سوگواری آن حضرت در ایّام فاطمیّه بنا شده‌اند. زنان در فاطمیّه، برای برگزاری مجالس عزادری آن حضرت، بدون توجّه به عذر شرعی از این مکان بهره جسته، برخی برنامه‌های دیگر مذهبی را در آن انجام می‌دهند. بسیار روشن است که روحیّه استقلال‌طلبی زنانه و اهمّیت برگزاری مجالس خاصّ سوگواری حضرت فاطمه در تأسیس و بنای این مکان‌ها نقش اساسی داشته و به تدریج سایر امور و فعّالیّت‌های مذهبی مانند قرائت ادعیه، اقامه نماز و عزاداری یا برپائی جشن در سایر مناسبت‌ها و برگزاری مجالس وعظ توسّط مبلّغان و مدّاحان زن در این مکان‌ها رواج یافته است.

**4-1.آسیب‌ها و راه‌کارها**

زینبیّه‌ها و فاطمیّه‌ها و برخی مکان‌هایی با اسماء مشابه (حسنیّه، عباسیّه و...) به هدف تأسّی از بزرگان دین تأسیس می‌شوند که نوعی همکاری در امور خیریّه است. برخی از زینبیّه‌ها و فاطمیّه‌ها و... به طور منسجم فعّالیّت می‌کنند؛ به گونه‌ای که حتّی مدّاح و سخنرانان و امام جماعت راتب این بناها را از بانوان روحانی و تحصیل کرده در حوزه‌های علمیه انتخاب می‌کنند. آنها در مناسبت‌های محرّم و صفر و ایّام فاطمیه و... بیشتر به برگزاری مراسمات متعدّد در راستای سوگواری شهدای کربلا و سایر معصومان اقدام می‌کنند. با بررسی بیشتر وضعیّت فعلی این مکان‌ها و انجام مصاحبه حضوری با برخی بانیان و متولّیان این مکان‌ها، مشخّص می‌شود که فلسفه وجودی این بناها معذوریّت شرعی بانوان برای شرکت در مراسمات مذهبی منعقد شده در مساجد، عدم همکاری مدیران مساجد یا متولّیان مسجد برای مراسمات خاصّ و مستقل زنانه، ناتوانی زنان برای حضور در مسجد به دلیل بعد مسافتی خانه نسبت به مسجد، توجّه و اعتقاد داشتن به برخی خواب دیدن‌ها و رؤیاهای برخی عارفان و زنان مؤمنه، فقدان مکان مناسب بانوان در مساجد یا ناکافی بودن امکانات و تجهیزات فضای بخش زنانه در مساجد احداث شده و ... بوده است.[[269]](#footnote-269)

در برخی روستاهای کوچک هنوز مسئله حضور زنان در مساجد و محافل مذهبی به طور کامل حلّ نشده و این نگرش یا آثاری از این طرز فکر در ساختن مساجد یا مرمّت و توسعه مساجد، اساس تصمیمات متولّیان امر است. این بناها موجب دور شدن بانوان از مساجد می‌شود و آنها در مراسمات و مجالس مساجد شرکت نمی‌کنند. بسیاری از مساجد به این دلیل، خالی از حضور زنان و دختران است و تعصّب خاصّ و ترجیح جنسیّتی که متأسّفانه با اعتقادت هم عجین شده، موجب شده است که مجالس زینبیّه‌ها و فاطمیّه‌ها پُرازدحام‌تر از محافل مساجد باشد؛ به گونه‌ای که در بیشتر موارد افراد به دلیل ظرفیّت محدود این مکان‌ها، از مدّت‌ها قبل از مراسم، در آن حضور می‌یابند و به انتظار شروع مراسم می‌نشینند. هرچند بیشتر بانوان به دلیل معذوریّت به حضور در این مکان‌ها ترغیب می‌شوند، ولی این عدم توجّه موجب می‌شود که در شرایط عادّی و رفع معذوریّت‌های شرعی باز هم به مساجد توجّهی نداشته و مسجد خالی از حضور زنان باشد. این در حالی است که در آموزه‌‌های اسلامی به حضور بانوان در مساجد سفارش شده است.

**4-2. تبیین اهمّیت حضور بانوان در مساجد، راه‌حلی برای رونق بیشتر آن**

به دلیل فرهنگ ناروا و کج فهمی‌های به وجود آمده در گذشته، همیشه زن‌ها از حقوقی کمتر از مردها برخوردار بودند.[[270]](#footnote-270)این طرز تفکّر در دوران پیش از اسلام با شرمساری یا خشم پدران از تولّد نوزاد دختر نمود پیدا می‌کرد؛[[271]](#footnote-271)همچنان که قرآن کریم می‌فرماید: «**وَ إِذا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِالْأُنْثی ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَ هُوَ کَظِیمٌ**».[[272]](#footnote-272)هر چند احادیثی مانند «**خَیرُ مَساجِدِ نِسائِکُمْ الْبُیوتُ**»[[273]](#footnote-273)و«**صَلاهُ المَرئَةِ فی مِخدَعِها اَفضَلُ مِن صَلاتِها فی بَیتِها وَ صَلاتُها فی بَیتِها اَفضَلُ مِن صَلاتِها فِی الدّار**»[[274]](#footnote-274)به منع حضور زن در مساجد اشاره دارد؛ ولی این احادیث مربوط به دوره‌ای است که برای بانوان ناامنی یا موانعی وجود داشته باشد یا ناظر به زمانی است که شوهران به زنان خود، اجازه حضور در مسجد را ندهند. البته در خصوص بررسی سندیّت و تفسیر جنبه‌های این روایات مباحث مطوّلی لازم است که در این مقال نمی‌گنجد.[[275]](#footnote-275)آموزه‌های اسلامی، به زنان اجازه داده تا با حفظ حریم و عفّت و پاکدامنی در اجتماع حضور یابند و برای رشد و ترقّی خود و جامعه گام بردارند.[[276]](#footnote-276)حضور زنان در مساجد برای انجام فرایض دینی، مصداق تعظیم و بزرگداشت و رونق مساجد است، ولی شرط حضور رعایت عفّت، حجاب و شئون اسلامی است. در مستندات متعدّد قرآنی یا روایی، شواهدی در مورد لزوم و اهمّیت حضور زنان در مساجد و شرکت‌نمودن زنان در سخنرانی یا مجالس وعظ پیامبر یا انعقاد جلسات اختصاصی توسّط آن حضرت برای زنان وجود دارد.[[277]](#footnote-277)

برای رفع این آسیب‌ها، ابتدا باید مسئله حضور بانوان در مساجد و سایر محافل مذهبی، به همراه آقایان توسّط مبلّغان مرد و مبلّغان زن در مجالس مسجدی یا زینیّه‌ها تبیین شود. باید به مسئله حضور بانوانِ معذور از نظر شرعی در مسجد بیش از پیش توجّه شود و در خصوص بنای مساجد و معماری و مهندسی آنها، از نظرات بانوان صاحب‌نظر کمک گرفته شود. به نظر نگارنده، عضویّت تعدادی بانوان صاحب‌نظر و اندیشمند و علاقمند به امور اجرایی و مدیریتی در مجموعه هیئت‌امنای مساجد برای تصمیم‌گیری‌های مربوط به مساجد الزامی به نظر می‌رسد.

یکی از راه‌حل‌های رفع مشکل فضای کافی برای حضور بانوان در مساجد و توسعه مساجد فعلی، ایجاد همبستگی اجرائی و تعاملات بین سازمان‌هایی، در سازمان‌هایی مانند اوقاف و امور خیریّه، فرهنگ و ارشاد اسلامی، راه و مسکن و شهرسازی، سازمان میراث فرهنگی و... است تا بر اساس اهداف سازمانی مربوط، بودجه و تمهیدات لازم برای مرمّت و توسعه و گسترش مساجد به سهولت و با سرعت بیشتر امکان‌پذیر گردد.[[278]](#footnote-278)نکته مهم این است که عدم توجّه به تسهیل حضور زنان در مساجد موجب می‌شود که متولّیان زینبیّه‌ها و فاطمیّه‌ها، برنامه‌ریزی منسجم‌تر و گسترده‌تری برای این مکان‌ها انجام دهند و به رقابت آشکار با مساجد بپردازند.

**5.مسجد جامع**

مسجد جامع از دو کلمه مسجد و جامع تشکیل شده است. کلمه «جامع» به معنی فراهم‌آورنده، گردکننده و جمع آن جوامع است و به هر چیز تمام و کامل اشاره دارد.[[279]](#footnote-279)به عبارت دیگر، جامع، اسم فاعل از جمع، به معنای پیوستن اجزا به یکدیگر و گردآوردن است.[[280]](#footnote-280)

ترکیب واژه جامع با مسجد به صورتِ وصفی «المسجد الجامع» و اضافی «مسجد الجامع» در متون عربی آمده است. در شکل اوّل، مقصود مسجدی است که مردم را برای ادای نماز، به ویژه نماز جمعه، گرد آورده است و در شکل دوّم، می‌توان برای کلمه جامع موصوفی، مانند «امر»، «وقت» یا «یوم»، در تقدیر گرفت.[[281]](#footnote-281)مسجد جامع، مسجدی است که در آن نمازجمعه (و نماز عید فطر و عید قربان) برپا می‌کنند. مسجد جامع، همان مسجد آدینه، مزگت آدینه، مسجد جمعه یا مصلّی است.[[282]](#footnote-282)به عبارت دیگر مسجد جامع، مسجدی است که در هر شهر برای اجتماع همه اهل شهر بنا شده است و به گروه یا قشر خاصّی اختصاص ندارد.[[283]](#footnote-283)

پیش از اسلام، هر قبیله برای گردآمدن مردم، بزرگان قوم و رئیسان خود، در مناسبت‌ها یا هنگام ضرورت، مکانی را اختصاص داده بود. پس از اسلام حضرت رسول مسجدالنّبی را بنا کرد که مرکز اصلی فعّالیّت‌های عبادی، اجتماعی، سیاسی، اداری و تعلیمیِ شهر مدینه شد. بعد از آن، با توجّه به اوضاع و شرایط جمعیّتی و...، پیامبر اکرم، بنا به درخواست مردم و برای راحتی آنان، اجازه بنای مساجد دیگر را می‌دادند.[[284]](#footnote-284)

به نظر می‌رسد که اوّلین مساجد جامع در شهرهای بصره و کوفه، با مصالح ساختمانی ابتدائی و در مساحتی کوچک ساخته شد. با گسترش شهرها لزوم بازسازی مساجد جامع با مصالح ساختمانی محکم‌تر و استفاده از خشت، آجر و... ضروری گردید. پس از گسترش جمعیّت مسلمانان در سراسر جهان، مساجد جامع دیگری بنا شد.

**آسیب‌ها و راه‌حل‌ها**

بسیار روشن است که مساجد جامع در راستای اهداف مسجدی بنا می‌شود، ولی خود آنها، رقیبی برای مساجد معمولی یا مساجد غیرجامع هستند. مؤمنانی که در همسایگی مسجد جامع سکونت دارند، به دلیل اهمّیت بیشتر انجام امور مذهبی در این مساجد (مانند مجالس و محافل بزرگ و اعتکاف[[285]](#footnote-285)و...) و ثواب بیشتر داشتن اعمال در مسجد جامع و مزیّت آن در احکام شرعی و فقهی نسبت مساجد غیرجامع، از حضور در مساجد[[286]](#footnote-286)چشم‌پوشی می‌کنند. چه بسا مساجدی که در نزدیکی مسجد جامع شهر بنا می‌شوند و رونقی ندارد.

بسیار روشن است که مساجد جامع از ضروریّات هر شهر هستند و اعمال عبادی سیاسی و معنوی بی‌شماری مانند نماز جمعه و نماز عیدین و... در آنها برگزار می‌شود. در واقع، این‌گونه مساجد بر محوریّت اتّحاد و همبستگی و توجّه اسلام به اجتماع تأسیس و بنا می‌شوند. قرآن نیز در این خصوص می‌فرماید: «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمیعاً وَ لا تَفَرَّقُوا؛ و همگى به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید».[[287]](#footnote-287)برای اینکه مساجد جامع، مانع یا رقیبی برای رونق مساجد عادّی (غیرجامع) نشوند، باید موارد زیر توسّط مسئولان امر مورد توجّه قرار گیرد:

توجّه به موقعیّت مکانی مسجد جامع، قبل از احداث و عدم‌نزدیکی فاصله آن با مساجد عادی؛

ایجاد همبستگی و فرهنگ‌سازی تفکّر و نگرش تجمیع بودن در بین متولّیان مساجد غیرجامع؛

مدیریت مسجد جامع به عنوان یک مسجد عادّی در شرایط و ایّام عادّی و جلوگیری از کاهش رونق مسجد جامع و و تلاش برای فعّال بودن آن؛

تشکیل جلسات و ایجاد تفاهم بین متولّیان مساجد عادّی شهر به منظور همکاری در مناسبت‌های فراگیر و جمعی؛

تشکیل هیئت امنای مساجد جامع با همکاری و مدیریت مشارکتی هیئت امناهای مساجد عادّی؛

تبلیغ و اشاعه فرهنگ حضور در مساجد جامع، ضمن تأکید بر رعایت حقّ همسایگی مساجد عادّی.

**6.عزاخانه موقّت یا خیمه‌های سوگواری**

انتقاد از نحوه و سبک عزاداری سیّد و سالار شهیدان از انتقاداتی ا‌ست که به دلیل همه‌گیر بودن و همه‌پذیر بودن، در بسیاری از موارد راه به جایی نبرده و حتّی با فشار و برخوردهای قهرآمیز برخی افراد همراه می‌گردد. تا جایی که گاهی فرد منتقد را مخالف عزاداری امام حسین و یارانش می‌شمارند. با وجود این، همه آحاد جامعه و همه عاشقان سرور و سالار شهیدان و یاران آن حضرت، بر این نکته اتّفاق‌نظر دارند که در همه مراحل عزاداری آن حضرت و عزاداری در سایر مناسبت‌ها، باید منزلت، شأنیّت و مرتبت این حضرات و اهمّیت واقعه عاشورا توسّط متولّیان امر و همه عزاداران رعایت شود.

عزاخانه‌ و ماتم‌خانه، خانه‌ای است که در آن عزا برپا می‌کنند. به عبارت دیگر، جایی که در آن مراسم عزا برپا دارند، ماتم‌سرا یا مصیبت‌سرا یا عزاخانه محسوب می‌شود.[[288]](#footnote-288)موضوع عزاخانه‌های موقّت، به طور معمول در ایّام محرّم و صفر مطرح می‌شود. این مکان‌ها مخصوص هیئت‌های تشکیلاتی و گسترده خاصّ هستند و در کوچه‌های خلوت یا بر روی محوّطه میادین پُرتردّد و به کمک چادر و داربست‌هایی خاصّ یا سایر ابزار اسکلتی آماده، احداث می‌شوند که در ایّام محرّم و صفر عزاداری شهدای کربلا در داخل آن انجام می‌شود.

**6-1. خاستگاه عزاخانه‌های موقّت**

خیمه سوگواری، رسمی قدیمی در بین مردمان ایران بوده است. مردم دوره آل‌بویه، به دستور معزّالدوله دیلمی در سال 352ق، در عاشورا خیمه‌هایی برای عزاداری در خیابان‌ها برپا می‌کردند. در برپایی خیمه، از داربست‌های چوبی یا فلزّی استفاده می‏شد و روی آن را با پارچه‌های برزنتی می‏پوشاندند. این رسم همچنان باقی است.[[289]](#footnote-289)

**6-2. آسیب‌ها و راه‌حل‌ها**

در روزهای آخر ماه ذی‌الحجّه برخی از مسئولان اجرائی و خدماتی هیئت‌ها، مقدّمات عزاخانه‌‌های موقّتی را در سطح شهر آماده می‌کنند. بسیاری از این عزاخانه‌ها با فاصله کمی از مساجد برپا می‌شوند. البتّه برخی از آنها بسیار مهم و فراگیر هستند که بسیاری از مسئولان کشوری و لشگری و مسئولان شهری در مراسم‌های آن شرکت نموده و در بین عزاداران حضور می‌یابند. بسیار روشن است که مراسم عزاداری و برپایی خیمه‌هایی که به صورت نمادین است و انجام دسته‌روی‌ها در اطراف میدان‌ها و مسیر خیابان‌ها، در راستای وحدت و هم‌صدا شدن، به نمایش گذاشتن مقام تشیّع و قدرت ایمان آنها، وحدت و یکپارچگی، حفظ فرهنگ‌ها و سنّت‌های مربوط به سبک عزاداری، ایجاد پیوند عاطفی و قلبی با اهل‌بیت، به خصوص امام حسین و یارانش و... بسیار مطلوب است. با وجود این، برخی از آسیب‌های این مراکز عبارتست از: حرمت‌شکنی احتمالی توسّط برخی فرصت‌طلبان به دلیل فقدان قداست مکان، عدم توجّه به اشعار و مضامین و مفاهیم نوحه‌ها توسّط مدّاحان و نوحه‌خوانان، کاهش اعتبار مساجد، خالی شدن مساجد از عزاداران حسینی و... .

عزاداری سنتی، منبرهایی پر از آیات قرآن و حدیث می‌خواهد و مداحی‌هائی را که از اشعار شعرای بزرگی همچون محتشم کاشانی بهره داشته باشد می‌طلبد. امروز، این قبیل عزاداری هر چند کم پیدا می‌شود، ولی در غربت و انزوا قرار دارد. برای جلوگیری از پراکندگی‌های غیرلازمِ محافل عزاداری، از قبیل چادرهای مکرّری که در خیابان‌ها و کوچه‌ها دیده می‌شوند، تجمیع نمودن آنها در مساجد محلّ می‌تواند یکی از اقدامات مؤثّر در جهت ممانعت از هرز رفتن امکانات و نیروها و جلوگیری از پدید آمدن انحرافات، خرافات و آلودگی‌ها در محافل و مجالس عزاداری باشد. پدیده پراکندگی غیرلازم چادرهای عزاداری، متأسّفانه در سال‌های اخیر در حال رشد است و یکی از عوامل سطحی شدن و دور شدن عزاداری‌ها از مسیر صحیح، همین پدیده است. خودداری مراکز حمایتی از دادن امکانات به این چادرها و هدایت مشفقانه آنها به ادغام شدن در مراکز اصلی محلّه‌ها از یک طرف موجب رونق مساجد می‌شود و از طرف دیگر، به حذف یکی از عوامل انحراف در عزاداری‌ها منجر می‌گردد.[[290]](#footnote-290)

یکی از سازمان‌های اثرگذار در خصوص برپائی مراسم و محافل مذهبی و فرهنگی، سازمان فرهنگ و ارشاد اسلامی است. همان‌گونه که این سازمان در صدور مجوّز برگزارى جشنواره‌ها، کنگره‌ها و مراسم فرهنگى و ادبى فعّالیّت دارد، بهتر است که در امور مربوط به مجالس و محافلی که خارج مساجد و در فضای غیررسمی شهر و در کوی و برزن برپا می‌شود، وارد شود تا احتمال فعّالیّت برخی گروه‌های سؤاستفاده‌کننده کاهش یابد.

سازمان تبلیغات اسلامی نیز باید با تأکید بر محوریّت مساجد، محلّ فعّالیّت اصلی هیئت‌های مذهبی را در مسجد متمرکز کند و با هرگونه رقابت کردن با مسجد و کاهش رونق مساجد و خالی شدن آنها که از نحوه فعّالیّت برخی هیئت‌ها ناشی می‌شود، حسب آئین‌نامه‌های سازمانی، برخورد و ارشاد‌های لازم را ارائه نماید.

**7. عزاداری، روضه‌خوانی و برگزاری سفره‌های چند روزه در محرّم، صفر و فاطمیّه در منازل**

روضه‌خوانی و عزاداری، از زمان ائمّه شروع شد و در زمان آل‌بویه، جهشی در این زمینه اتّفاق افتاد که یکی از مهم‌ترین مراحل عزاداری امام حسین، بعد از قدرت یافتن سلسله آل‌بویه در قرن چهارم هجری است. صفویّه، دولت شیعی بود و از رسوم دربار آن روزگار این بود که شاعران در رثای امام حسین و ائمّهشعر می‌گفتند و صله دریافت می‌کردند؛ همچنین زمانی که روضه‌خوانی رونق یافت، کتاب‌های مقتل زیادی نیز نوشته شد. در این زمان کتاب «روضة الشّهداء» به رشته‎ تحریر درآمد و قوّه‎ محرّکه‌‎ای برای پیدایش مراسم محرّم شد که از بطن آن، سبک تازه‎ای از فعّالیّت‌ به نام روضه‎‌خوانی یا قرائت «روضة‌الشّهداء»، به وجود آمد.[[291]](#footnote-291)

در آموزه‌های اسلامی به برگزاری مجالس عزاداری در سوگ معصومان سفارش شده است. امام باقر در این مورد فرمودند: «**إِذَا کَانَ ذَلِکَ الْیَوْمُ بَرَزَ إِلَى الصَّحْرَاءِ... ثُمَّ لْیَنْدُبِ الْحُسَیْنَ** **وَ یَبْکِیهِ وَ یَأْمُرُ مَنْ فِی دَارِهِ بِالْبُکَاءِ عَلَیْهِ وَ یُقِیمُ فِی دَارِهِ مُصِیبَتَهُ بِإِظْهَارِ الْجَزَعِ عَلَیْهِ وَ یَتَلَاقَوْنَ بِالْبُکَاءِ بَعْضُهُمْ بَعْضاً فِی الْبُیُوتِ وَ لْیُعَزِّ بَعْضُهُمْ بَعْضاً بِمُصَابِ الْحُسَیْنِ**؛ (شایسته است که شیعه ما) در روز عاشورا به سوی صحرا برود و سپس بر حسین ندبه و عزادارى و گریه کند و به اهل خانه خود دستور دهد که بر او (امام حسین) بگریند و در خانه‏اش با اظهار گریه و ناله بر حسین، مراسم عزادارى برپا کند و یکدیگر را با گریه و تعزیت و تسلیت‌گویى در سوگ امام حسین در خانه‏هایشان ملاقات کنند.[[292]](#footnote-292)

**7-1. آسیب‌ها و راه‌حل‌ها**

برگزاری سفره‌های عزاداری چندروزه در محرّم، صفر و ایّام فاطمیّه و... در برخی منازل، به منظور به جا آوردن نذر یا قسم مرسوم است. در این مراسم‌ها به طور معمول یک فرد حقیقی یا یک شخصیّت حقوقی بانی و برنامه‌ریز است و همه امور مربوط به این مجالس را به عهده می‌گیرد. این مراسم‌ها در بیشتر اوقات، منطبق با زمان برگزاری مراسم‌ها عزاداری محرّم، صفر و ایّام فاطمیّه یا لیالی قدر و سایر شب‌های ماه رمضان در مساجد است که این امر موجب کاهش رونق مساجد می‌شود. مبلّغان یا خطیبان مراسم‌های روضه‌خوانی، قبل از هر سخن و بیانی باید ابتدا به اهمّیت مسجد و جایگاه معنوی و منزلت اعتقادی و عرفانی آن بپردازند تا بانیان این‌گونه مراسم در دفعات بعدی، مراسم‌های خود را در مساجد برپا نمایند.

در برخی موارد، دلیل استفاده از منازل به جای مسجد برای این‌گونه مجالس، فقدان فضای کافی یا امکانات و عدم‌تمایل متولّیان مساجد به برگزاری این‌گونه محافل در مسجد است. برخی از این مجالس در قالب مجلس خاصّ زنانه و با حضور خواهران روحانی به عنوان روضه‌خوان و واعظ برگزار می‌شود؛ چرا که بعضی از مساجد ساخته شده، فاقد بخشی به عنوان قسمت زنانه هستند و این انگیزه‌ای برای رقابت با مساجد است. متولّیان و معماران مساجد و مسجدسازان باید با رعایت عدالت و عدم‌تبعیض جنسیّتی، مسجد را طوری بسازند که همه گروه‌‌های جمعیّتی و جنسیّتی، بتوانند در مسجد شرکت نمایند و مجالس مذهبی و اعتقادی را برپا نمایند. به نظر می‌رسد که در این خصوص تخریب مساجد ناکارآمد و دارای عملکرد ضعیف (بارعایت احکام مساجد و استعلام فقهی از علمای دینی در صورت نیاز) برای توسعه فیزیکی و رفع کمبودهای امکانات لازم وضروری باشد.

**8. مساجدِ مصداق مسجد ضرار، رقیبی دیگر برای مساجد واقعی**

بسیار روشن است که در حال حاضر در برخی شهرها و برخی مجتمع‌های مسکونی، دچار کمبود مسجد هستیم و مؤمنان برای استفاده از مسجد، ملزم به طی مسافت طولانی و صرف زمان و انرژی نامتعارف هستند. مقوله کمبود مساجد در برخی از شهرها، مانند تهران بسیار جدّی است. ساخت مسجد باید با پراکندگی جمعیّت سرانه در هر محدوده جمعیّتی متناسب باشد.

با این حال، با بررسی برخی روستاها و شهرها و محلّات، برخی مساجد یافت می‌شود که برای تفرقه یا با نیّت غیردینی بنا ‌شده‌اند. زیاد بودن تعداد مساجد نسبت ظرفیّت جمعیّت تحت‌پوشش، عامل دیگری است که رونق مساجد را نسبت به یکدیگر کاهش می‌دهد. گاهی اوقات در ابتدا و انتهای یک خیابان کوچک، دو مسجد احداث می‌شود و افراد ساکن در کوچه‌های مُشرف به این خیابان در تصمیم‌گیری برای حضور در این مساجد، مردّد هستند. در برخی از واحدهای کوچک‌تر جمعیّتی، مانند روستاها و محلّات و دهکده‌ها، به دلیل مسائل فرهنگی و اجتماعی خاصّ بین گروه‌‌های جمعیّتی و وجود نگرش قبیله‌ای، تعدّد مساجد بیشتر به چشم می‌خورد که بسیاری از خاستگاه آنها، درگیری‌ها یا اختلافات احتمالی بین افراد بوده است. چنین مساجدی مصادیق مسجد ضرار هستند. قرآن در این مورد می‌فرماید: «**وَ الَّذینَ اتَّخَذُوا مَسْجِداً ضِراراً وَ کُفْراً وَ تَفْریقاً بَیْنَ الْمُؤْمِنینَ وَ إِرْصاداً لِمَنْ حارَبَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَ لَیَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنا إِلاَّ الْحُسْنى‏ وَ اللَّهُ یَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَکاذِبُون‏**؛ و آنهایى که مسجدى اختیار کردند که مایه زیان و کفر و پراکندگى میان مؤمنان است، و نیز کمینگاهى است براى کسى که قبلاً با خدا و پیامبر او به جنگ برخاسته بود و سخت سوگند یاد مى‏کنند که جز نیکى قصدى نداشتیم؛ ولى‏ خدا گواهى مى‏دهد که آنان قطعاً دروغگو هستند».[[293]](#footnote-293)

سازمان اوقاف و امور خیریّه (به همراه سایر سازمان‌های اثرگذار) باید در صدور احداث مساجد، ضمن بررسی نیّات افراد و مطالعه فرهنگ محلّ مورد تقاضا، با کمک مبلّغان محلّی مستقر به انگیزه معنوی یا غیرمعنوی افراد پی برده و بر حسب مقررات و آیین‌نامه‌های سازمانی خود، مانع از ساخت احتمالی مساجدی با مصادیق مسجد ضرار گردد و در صورت نیاز با یاری سازمان تبلیغات اسلامی به توسعه فرهنگی و اجتماعی محلّات و حتّی روستاهای دورافتاده و کوچک کمک نماید. البتّه امروز با رشد فرهنگی و اشاعه آموزه‌‌های فرهنگ اسلامی این تفکّرات و این‌گونه مساجد کمتر مشاهده می‌شود. بر اساس احکام فقهی مستخرج از آیات شریف قرآنی، ساختن مسجد در نزدیک مسجدی دیگر برای ایجاد تفرقه، احداث دو مسجد جامع در درون یک شهر، امامت دو امام در یک مسجد و انعقاد دو جماعت همزمان در یک مسجد جایز نیست.[[294]](#footnote-294)

**8-1. آسیب‌ها و راه‌حلّ‌ها**

تعدّد مساجد و مسافت غیرمنطقی و اندک بین مساجد مشکلات متعدّدی را دامن می‌زند. زیاد بودن مساجد در برابر همدیگر و ساختن مساجد بر اساس چشم‌و هم‌چشمی، نگرش‌های تعصّبی و قبیله‌ای و بدون نیّت دینی و... رقیبی دیگر برای مسجد محسوب می‌شود. این موضوع، مشکل مدیریت بر آنها و سازمان‌دهی را مشکل می‌کند. آسیب‌ها و کشمکش‌هایی مانند رقابت شدید و توسّل به راه‌های مختلف در جذب افراد، خالی شدن یکی از آنها یا خالی شدن مساجد دارای مدیریت ضعیف‌تر، تفرقه بین افراد و کاهش وحدت‌ اهالی محلّ، تغییر نیّات خالص به نیّات شخصی یا گروهی یا قبیله‌ای و مشکلات متعدّد دیگر در صورت تعدّد بی‌مورد مساجد به وجود می‌آید.

راه‌حل این است که این‌گونه مساجد که شاید در برخی موارد اندک، مصادیق مسجد ضرار باشد، باید با دقّت، بر اساس تحقیقات فرهنگی و اجتماعی محلّی شناسائی شوند تا ضمن بررسی، انگیزه بانیان از ساخت آنها مشخّص گردد. سپس، موضوع به طور دقیق از نظر فقهای اندیشمند و بر اساس احکام ثانویّه و دستورات حکومتی مورد مطالعه قرار گیرد تا اقدام شایسته شأن مساجد معمول گردد. روشن است که در صورت وجود مسجد مصداق مسجد ضرار، مسئولان محلّی و مؤمنان راستین باید بر حسب دستورات قرآنی و سنّت نبوی عمل کنند و تکلیف خود را تمام و کمال انجام دهند.

به‌علاوه، در صورت ضروری شدن دو مسجد نزدیک هم، راهکار دیگری باید اتّخاذ شود. در برخی موارد لازم است که دو یا چند مسجد رقیب در کنار به فعّالیّت بپردازند؛ البتّه نکته مهم این است که حداقل فعّالیّت‌های مسجدی به طور مستمر باید در هر مسجدی برگزار شود و مسجد، به مسجد غیرفعّال تبدیل نشود. با رعایت این نکته مهم، برخی از راهکارهای مدیریت بهینه مساجد نزدیک به هم و رونق دادن بیشتر مساجد رقیب به شرح زیر است:

تقسیم تعدادی و تسهیم جمعیّتی همسایگان این‌گونه مساجد به کمک مسئولان محلّی؛

تقسیم مجالس و محافل مذهبی و دینی بین دو مسجد بر اساس نوع مراسم‌ها؛

تقسیم‌بندی دو مسجد بر اساس وظایف تخصّصی نسبی با مدیریت فرهنگی توانمند توسّط متولّیان و کارشناسان مذهبی و فعّالان فرهنگی؛

تضعیف یا حذف احتمالی سایر رقبای مساجد نزدیک که آن رقبا قداست و معنویّت کمتری نسبت به مسجد دارند (مانند حذف یک خانه فرهنگ روستایی یا یک عزاخانه موقّت دیگر).

با مطالعات میدانی، ضمن مدیریت آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی و بررسی تبعات امور و تلاش فرهنگی شخصیّت‌‌های نافذ می‌توان این رقبا را حذف نمود.

**9. هر مسجد، رقیب خودش**

در ابتدا، شاید این سؤال در اذهان خواننده محترم تداعی شود که مسجد می‌تواند چگونه رقیب خودش باشد. مفهوم مسجد در برابر خودش با تأمّل در عبارت «تیشه به ریشه خود زدن» بیشتر آشکار می‌شود. همه رقبای مسجد وجود خارجی ندارند تا رقابت آنها با مسجد برای کاهش رونق مساجد به طور آشکار، مشهود باشد. برخی از رقبای مسجد نامحسوس یا نامشهود هستند. عناصر داخلی مسجد به عنوان یک رقیب نامحسوس برای خود مسجد مطرح هستند. البتّه تا زمانی که عملکرد عناصر مسجد مطلوب باشد، خود مسجد، رقیب دیگر نهادهای مقابل خودش محسوب می‌شود و رونق خوبی دارد، ولی در صورت بروز مسائل خاصّ و وجود ضعف یا نقص این عناصر، هر مسجد، رقیبی برای خودش محسوب می‌شود که باعث می‌شود تا افراد از مسجد و برنامه‌های مسجدی بیزار ‌شوند.

**آسیب‌ها و راه‌حلّ‌های مدیریتی**

عوامل و عناصر متعدّدی مطرح هستند که در بهبود یا کاهش رونق هر مسجد نقش دارد؛ برخی از آنها عبارت‌اند از: زرق و برق بی‌مورد مسجد، به روز نبودن مساجد از همه نظر، نحوه مدیریت مساجد توسّط عوامل مسجد (امام جماعت، متولّیان، مسئولان اجرایی)، تعدّد مدیریت و عدم تمرکز مدیریت، نداشتن بودجه کافی، سایر مسائل و مشکلات مساجد.

بر اساس مطالب مطرح شده می‌توان گفت که عبارت مسجد در مقام رقابت با خود، به «مدیریت مسجد» اشاره دارد. برای تعریف مدیریت مسجد ابتدا باید مفهوم مدیریت مشخّص شود. برخی از تعاریف مدیریت عبارت‌اند از: «هماهنگ کردن منابع انسانی و مادّی برای نیل به هدف»؛[[295]](#footnote-295)«فنّ بهتر بسیج کردن و بهتر سامان‌دادن و بهتر کنترل کردن نیروهای انسانی و به کار بردن آنها.»[[296]](#footnote-296)در یک تعریف کلّی، مدیریت عبارت است از: «فراگرد به‌کارگیری مؤثّر و کارآمد منابع مادّی و انسانی بر مبنای یک نظام ارزشی پذیرفته‌شده که از طریق برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت و کنترل عملیات برای دست‌یابی به اهداف تعیین‌شده صورت می‌گیرد.[[297]](#footnote-297)

مدیریت مسجد، زیرمجموعه مدیریت فرهنگی و تربیتی است و با توجّه به اهداف مدیریت فرهنگی و تربیتی، می‌توان نتیجه گرفت که اصول و قواعد مدیریت در عرصه‌های فرهنگی، تربیتی و نیز اجتماعی و سیاسی از پیچیدگی و گستردگی‌های بسیاری برخوردار است. مدیریت مسجد (که هدف غایی آن رساندن بشر به کمال مطلوب دنیوی و اخروی است)، عبارت است از: «اداره یک سازمان معنوی از طریق هماهنگ‌سازی منابع انسانی، مالی و مادّی، در جهت تحقّق اهداف الهی و معنوی».[[298]](#footnote-298)بنابراین، محورهای مدیریت مساجد عبارت‌اند از: مشخّص کردن وظایف و اختیارات مدیر مسجد؛ تعریف موقعیّت و جایگاه اجتماعی موضوع مدیریت مسجدی؛ تعیین هدف یا اهداف مسجدی؛ برنامه‌ریزی فعّالیّت‌های مسجدی؛ ایجاد انگیزه در مجریان و شرکت‌کنندگان در مساجد؛ سازمان‌دهی و اجرای برنامه‌ها و فعّالیّت‌های مسجدی؛ کنترل و نظارت بر برنامه‌ها و بررسی اشتباهات و اجرای اصلاحات لازم.

راه‌حل همه آسیب‌های مربوط به مسجد که در برابر رونق آن مطرح است، مدیریت بهینه و مطلوب مساجد است. مرکز رسیدگی به امور مساجد و برخی سازمان‌های اثرگذار باید نظارت دقیق‌تری بر عملکرد مساجد و مسئولان مساجد داشته باشند. البته بحث در مورد نحوه مدیریت اثربخش مسجد و تبیین جزئیات آن، مباحث متعدّدی را شامل می‌شود که ذکر آن در این مقال نمی‌گنجد.[[299]](#footnote-299)

**10. فرهنگ‌سرا (خانه فرهنگ)**

فرهنگ‌سرا از دو واژه «فرهنگ» و «سرا» تشکیل شده است؛ فرهنگ به معنی علم، دانش، ادب و معرفت، تعلیم و تربیت، آثار علمی و ادبی یک قوم یا ملّت است. گاهی به مجموعه عقاید و افسانه‌ها و ترانه‌های محلّی یک قوم فرهنگ می‌گویند[[300]](#footnote-300) وگاهی به آن فرهنج هم گفته می‌شود که به همان معنی علم، ادب و دانش است.[[301]](#footnote-301)فرهنگ یا تمدّن، به مفهوم قوم‌نگاری عامّ خود، مجموعه پیچیده‌ای است مشتمل بر معارف، معتقدات، هنر، حقوق، اخلاق، رسوم و تمامی توانایی‌ها و عاداتی که بشر به عنوان عضوی از جامعه دریافت می‌نماید.[[302]](#footnote-302)سرا یا سرای به مفهوم خانه، بیت، کوشک، قصر، بارگاه، منزلگاه و... است.[[303]](#footnote-303)فرهنگ‌سرا، مؤسّسه‌ای با امکانات آموزشی که برای ترویج و گسترش ادبیات و هنر و یا اجرای برنامه‌های فرهنگی ایجاد می‌شود.[[304]](#footnote-304)بنابراین، فرهنگ‌سرا و خانه فرهنگ به یک معنا است. فرهنگ‌سرا، مؤسّسه‌ای برای فعّالیّت‌‌های فرهنگی مراجعه‌کنندگان است که به طور معمول دارای کتابخانه، سینما، تماشاخانه، موزه، میدان‌های ورزشی و اسکان‌های دیگر است.

مجتمع فرهنگی، نهادی مشابه فرهنگ‌سراست، با این تفاوت که کارکردهای بیشتری دارد. مجتمع‌های فرهنگی اصطلاحی است که به مجموعه‌ای چند کارکردی اطلاق می‌شود. مراکز تفریحی، تجاری، ورزشی و آموزشی از اجزای تشکیل‌دهنده این مجتمع‌ها هستند. امروز، مجتمع‌های فرهنگی را یکی دیگر از مراکزی می‌دانند که با مسجد موازی‌کاری می‌کند. به طور خلاصه می‌توان گفت که فرهنگ‌سرا به مجموعه‌ای فرهنگی و هنری اطلاق می‌شود که برای ارائه خدمات فرهنگی به شهروندان، توسّط شهرداری‌ها ساخته می‌شود. فرهنگ‌سرا دارای کارکردهایی مانند برگزاری جشنواره‌ها، برگزاری کارگاه‌های مختلف اعمّ از هنری، فرهنگی و اجتماعی، نمایشگاه‌های عرضه محصولات هنری ـ فرهنگی و... هستند.

**10-1.آسیب‌ها و راه‌حل‌ها**

فرهنگ‌سرا، امروز مهم‌ترین نهاد موازی مسجد در حوزه فرهنگ است و در آسیب‌شناسی وضعیّت کنونی مساجد ایران باید به آن توجّه ویژه‌ای صورت گیرد.[[305]](#footnote-305)فرهنگ‌سراها بر پایه شیوه فعّالیّت به یکی از محورهای سه‌گانه شخصیّت (کیستی)، محتوا (درونمایه) و نهاد می‌پردازند. فرهنگ‌سراهای شخصیّت‌محور، عبارت‌اند از: فرهنگ‌سراهای کودک، نوجوان، جوان، دانشجو، دختران و سالمند. فرهنگ‌سراهای محتوامحور، عبارت‌اند از: اندیشه، قرآن، ولاء، انقلاب، پایداری، هنر، قانون، تیره‌ها (اقوام)، ورزش، دانش‌ها، تندرستی، طبیعت و فنّ‌آوری اطّلاعات. فرهنگ‌سراهای نهادمحور، عبارت‌اند از: خانواده، مدرسه و شهر.[[306]](#footnote-306)فرهنگ‌سراها در رشته‌هایی مانند قرائت، تجوید، روان‌خوانی، ترجمه و تفسیر قرآن، تفسیر نهج‌البلاغه، تحلیل تاریخ اسلام، کلاس‌های اعتقادی‌ـ‌‌مذهبی، گفتمان‌های دینی، احکام، مفاهیم اخلاقی و... نیز فعّالیّت می‌کنند. این در حالی است که انجام این آموزش‌ها باید در مساجد خالی و بی‌رونق کنونی انجام شود. پیامبر اسلام فرمودند: «**اِنَّما نُصِبَتِ الْمَساجِدُ لِلْقُرْآنِ**؛ مسجدها را برای قرآن خواندن ساخته‎اند»[[307]](#footnote-307)و در جائی دیگر می‌فرمایند: «**وَ مَنْ اًحَبَّ الْقُرْآنَ فَلْیُحِبَّ الْمَساجِدَ**؛ کسی که دوست‌دار قرآن است، مساجد را نیز دوست دارد».[[308]](#footnote-308)بنابراین، قرآن کلام خدا و مسجد خانه خدا و هر دو نور خدا هستند و بین قرآن و مسجد، پیوندی غیبی وجود دارد.

برای رفع این آسیب‌ها یک راه‌حل این است در شرایط کنونی فرهنگی و اجتماعی، در کنار مساجد، فرهنگ‌سرا هم ساخته شود تا نوجوان و جوانی که در فرهنگ‌سرا حضور می‌یابد، در کنار آن به مسجد هم سوق یابد.[[309]](#footnote-309)در همین راستا، فعّالیّت‌ها و رشته‌هایی که فرهنگ‌سراها در قالب آن به ارائه خدمات اقدام می‌کنند، نباید با فعّالیّت‌های دایر در مساجد تداخل داشته باشد، بلکه بهتر است رشته‌هایی مانند آموزش قرآن و تفسیر در مسجد برگزار گردد.

فرهنگ و ارشاد و شهرداری‌ها باید نظارت و بازرسی دقیق‌تری بر عملکرد فرهنگ‌سراها داشته باشند تا انحرافات احتمالی عملکرد آنها از اساسنامه مصوّب و فعّالیّت‌های خلاف اصل اشاعه فرهنگ اسلامی اصلاح و برطرف گردد. نکته دیگر اینکه فعّالیّت‌ها و برنامه‌های فرهنگ‌سراها در ساعات اقامه نماز جماعت و ساعات برگزاری مجالس و محافل مذهبی (مانند عزاداری‌ها و...) در مساجد، تعطیل گردد و ارجحیّت پرداختن به فعّالیّت‌های خاصّ مسجدی آشکارا رعایت گردد.

برخی از دشمنان اسلام و قرآن با سرمایه‌گذاری‌های بلندمدّت و منسجم درصدد آن هستند تا از پتانسیل اجتماعی و تجمّع و تردّد نوجوانان و جوانان در فرهنگ‌سراها سؤاستفاده نمایند. آنان از هر فرصتی برای اهداف شوم خود و تضعیف فرهنگ و آئین ناب اسلامی بهره می‌گیرند. در این خصوص، فعّالان نشر فرهنگ اسلامی و مبلّغان دینی باید ضمن ورود به مقوله نظارت بر فرهنگ‌سراها، با همکاری نهادهای کشوری، تلاش بیشتری نمایند؛ چرا که نشر رفتار فرهنگ‌های غیراسلامی و غیرایرانی به تدریج اهمّیت مسجد را در ذهن نوجوانان و جوانان تضعیف و رونق مساجد را کم می‌کند.

**11. رسانه‌های جمعی**

رسانه جمعی همان رسانه گروهی و رسانه همگانی است و وسیله‌ای است که اخبار و اطّلاعات را به مردم می‌رسانند؛ مانند: رادیو، تلویزیون، روزنامه، مجلّه، شبکه‌های کامپیوتری و...[[310]](#footnote-310)رسانه یا «Media» در لغت به معنی رساندن است و به آن دسته از وسایلی گفته می‌شود که انتقال‌دهنده فرهنگ‌ها و افکار عدّه‌ای به گروهی دیگر باشد. رسانه، وسیله حامل پیام از فرستنده به گیرنده است. کتاب، مجلّه، عکس، فیلم، نوار صوتی و تصویری، ماهواره و... نمونه‌هایی دیگر از رسانه هستند.

**آسیب‌ها و راه‌حل‌ها**

امروز، رشد شگفت‌آور فنّ‌آوری‌ها و رسانه‌های اطّلاعاتی و ارتباطی مدرن و اقبال گسترده اقشار گوناگون جامعه به این رسانه‌ها، افزون بر ایجاد فرصت‌های خاصّ و بی‌بدیل، تهدیدها و چالش‌های مهمّی را نیز فراروی جوامع گوناگون نهاده است. در این زمینه، جوامع دینی با چالش‌های بیشتری مواجه هستند. فضای کلان حاکم بر این رسانه‌ها (ماهواره و اینترنت)، فضایی متکثّر، سکولار و اباحه‌گرانه است. از این‌رو، بحث کردن در مورد رسانه مدرن و مسجد (به عنوان نهادی دینی) از اهمّیت خاصّی برخوردار است و چگونگی تعامل و یا رقابت این دو نهاد، یکی از مباحث مهم در الگوی آسیب‌شناسی مسجد است. مباحث این بخش در دو بعد است که عبارت‌اند از:[[311]](#footnote-311)اوّل محتوا، یعنی گاهی رابطه محتوای رسانه با مسجد، مورد نظر است. دوّم زمان، گاهی تداخل زمانی استفاده از رسانه با زمان حضور و فعّالیّت‌ در مسجد مورد توجّه است.

راه‌حل این است که در رسانه‌ها، به خصوص صدا و سیما، در فرهنگ‌سازی رفتارهای مسجد در مخاطبان بیشتر تلاش نماید و در برنامه و فیلم‌ها و سریال‌ها، به قداست مسجد در برابر سایر مکان‌ها به طور عملی تأکید نماید. برنامه‌های جذّاب و پرمخاطب باید در زمان اذان و هنگام فعّالیّت مساجد، تعطیل و به تعویق افتد تا همه مخاطبان به سمت مساجد و شرکت در برنامه‌‌های مسجدی ترغیب شوند. همچنین، زمان پخش برنامه‌‌های زنده، مانند فوتبال (خارجی یا داخلی) و... نباید با اوقات شرعی و برنامه‌‌های مسجدی تداخل داشته باشد.

بهتر است که در تهیّه فیلم و سریال‌ها، شخصیّت‌های مسجدی و افراد متدیّن و مجّبه پرورش‌یافته مسجد بیشتر حضور یابند و در صحنه‌های فیلم‌‌ها، نسبت انجام فرایض دینی اسلام (به خصوص نماز جماعت به هنگام مواقع شرعی در مسجد) توجّه بیشتری شود؛ به‌گونه‌ای که برای مخاطب غیرمسلمان، مسلمان بودن بازیگران، فیلم‌سازان و... مشخّص شود. از ساخت یا تولید هرگونه فیلم و برنامه و سریال که موجب تضعیف شخصیّت افراد مسجدی و پرورش‌یافته مسجد و کاهش رونق مساجد می‌شود، باید خودداری شود و برای تولیدکنندگان این‌گونه فیلم‌ها، برنامه‌ها و سریال‌ها، حقّ استفاده از حمایت‌های معنوی، مادّی و مدیریتی حذف شود.

**12.مسجد مجازی**

مسجد مجازی، عبارت است از وجود همه ساز و کارهای (ارکان) یک مسجد واقعی (فیزیکی) در فضای مجازی، اعمّ از اینترنت و... . مسجد مجازی، همگام با پیشرفت‌های فنّّ‌آوری جدید مطرح شده است و موجب تبلیغ اسلام در دنیای مجازی اینترنت شده و راهی برای مقابله با جنگ نرم دشمنان اسلام است. هر چند به فرموده رهبر معظّم تحوّل، راز ماندگاری و تعالی بشر است و کناره‌گیری از تحوّل، موجب از بین رفتن و یا منزوی شدن خواهد شد،[[312]](#footnote-312)ولی مساجد مجازی نوعی رقیب برای مساجد واقعی محسوب می‌شوند.[[313]](#footnote-313)

**آسیب‌ها و راه‌حل‌ها**

گسترش مساجد مجازى، موجب دورى مردم از مساجد مى‏شود. رسانه‏ها اعمّ از تلویزیون، رادیو و اینترنت خود به نحوى، رقیب مساجد است. بردن مساجد به فضاى وب (web)، در کاهش استقبال از مساجد و تضعیف رونق مساجد مؤثّر است؛ زیرا آن نیازى را که مساجد پاسخ‌گوی آن بودند، این بار به آسانى در اینترنت، قابل یافتن است.

تقدّس مسجد به دلیل ساختمان فیزیکی آن است. وجود احکامى که در مورد خود ساختمان مسجد در فقه اسلامى مطرح است، بیانگر آن است که خود ساختمان مسجد، جایگاهى خاص دارد.[[314]](#footnote-314)مسجد مجازى، دلیل فقدان این مزیّت نمى‏تواند مطلوب باشد. آنچه بر مسجد، قداست بخشیده است، انتساب آن به خداست. قرآن در این مورد می‌فرماید: «**فی‏ بُیُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَ یُذْکَرَ فیهَا اسْمُهُ یُسَبِّحُ لَهُ فیها بِالْغُدُوِّ وَ الْآصال**؛ در خانه‏هایى که خدا رخصت داده که قدر و منزلت‏ آنها رفعت یابد و نامش در آنها یاد شود. در آن خانه‌ها هر بامداد و شامگاه او را نیایش مى‏کنند‏».[[315]](#footnote-315)بر اساس این آیه، علّت رفعت این خانه‏ها همان «**یُذْکَرَ فِیهَا اسْمُهُ**» است.[[316]](#footnote-316)بنابراین، تعدّد مساجد مجازی در فضای وب و استفاده از آن موجب تقدس‌زدائی مساجد فیزیکی، اعتیاد بیشتر جوانان و جوانان به اینترنت، محرومیّت از ثواب حضور در فضای فیزیکی مساجد و در نهایت، کاهش رونق مساجد می‌شود.

در شرایط کنونی باید به گونه‌ای عمل نمود تا این «رقیب» رسانه‏اى مسجد، «رفیق» مسجد گردد. به عبارت دیگر، بهتر است که مدیران فضاهای فرهنگی‌ـ‌‌سایبری به گونه‌ای تلاش نمایند تا مساجد مجازی در راستای کارکردهای رسانه‌ای مسجد فعّالیّت نمایند و همگام با فعّالیّت‌ها و مناسبت‌های دینی، فضای مساجد مجازی تغییر یابد و با مساجد فیزیکی همسو باشند. مسئولان فرهنگی کشور اسلامى باید تلاش نمایند تا رسانه‏هاى مدرن، رقیب و در عرض مسجد نباشند، بلکه یار و یاور مسجد و در طول آن قرار گیرند؛ چون رفتار آنها اگر از کارکرد رسانه‏اى مسجد بکاهد، مصداق «منع مساجد» خواهد بود که در مباحث اوّلیه این نوشتار به طور مفصّل به آنها اشاره شده است.

**ج)آسیب‌های دیگر رقبای مسجد**

در مطالب قبلی مهم‌ترین رقبای مسجد مطرح شد. بسیار روشن است که با مداقه در ابعاد موضوع، رقبای بیشتری شناسائی می‌شوند؛ مانند نمازخانه‌ها، مصلّی، امامزاده‌ها، برخی بقاع متبرکه و... که به منظور اختصار تشریح و تبیین نشده‌اند. در این نوشتار، مهم‌ترین رقیبان مسجد بیان شد که از جنبه واژگانی و اصطلاحی و برخی مطالب مرتبط مورد بررسی قرار گرفت و فلسفه وجودی و نحوه گسترش آنها بیان گردید. سپس در ذیل هر کدام از رقیبان مسجد به آسیب‌های مربوط به آن و برخی راه‌حل‌ها اشاره گردید. علاوه بر موارد ذکر شده، با جمع‌بندی و با نگاهی دیگر به مباحث مطرح شده آسیب‌های دیگر مترتّب بر مسجد از سوی رقیبان مسجد را می‌توان به شرح زیر خلاصه نمود:[[317]](#footnote-317)

کاهش رونق مساجد و تضعیف کارکردهای آن در همه ابعاد و کاهش حضور اقشار مختلف مؤمنان در همه گروه‌های سنّی و جمعیّتی و کاهش منزلت همه‌جانبه و قداست مساجد در نظر مردم به خصوص نوجوانان و جوانان.

ایجاد شبهه‌های اعتقادی و مذهبی به دلیل عدم استفاده از متخصّصان دین و امور فقهی و منزوی شدن برخی سنّت‌های گرانقدر مذهبی و بعضی آیین‌های اعتقادی تأیید شده اسلام؛

ایجاد فرصت سوء استفاده برای برخی دشمنان فرهنگ اسلامی و قرآنی در داخل یا خارج کشور؛

تحمّل هزینه‌های متعدّد و غیراثربخش به دلیل ایجاد یا گسترش مکان‌ها و ابنیه دارای اهداف موازی؛

عدم بهره‌گیری از اساتید و خطیبان و عالمان دین و اندیشمندان روحانی به دلیل حذف یا کاهش یا غیرفعّال شدن مساجد؛

تضعیف برخی آموزه‌های دینی خاصّ محیط و فضای مسجدی و بی‌نصیب ماندن مردم از اثرگذاری معنوی و عرفانی محیط فیزیکی مسجد و محرومیّت از ثواب حضور بیشتر در مساجد؛

ایجاد برخی موقعیّت‌های احتمالی برای عدم تربیت دینی و عدم پرورش مسجدی کودکان و نوجوانان و جوانان؛

کاهش میزان جمعیّت مسجدی با اخلاص برای تصدّی‌گری مسئولیّت‌های مدیریتی و اجرائی در آینده برای ساختن و آباد کردن ایران اسلامی.

**نتیجه‌گیری، ایده‌پردازی و پیشنهادات کاربردی**

برخی از مکان‌های مطرح شده در مطالب فوق، دارای قداست نسبی هستند و در فرهنگ عامّه، منزلت معنوی دارند، ولی با تعریف بیان شده «مسجد» در ابتدای بحث متفاوت هستند. بنابراین، از نظر فقهی جایی که بدون وقف، محلّ نماز است یا برای نماز خواندن تعدادی خاصّی وقف یا ساخته شده است، مسجد نیست. همچنان که تکّیه، خانقاه و حسینیّه هم حکم مسجد ندارد. مراکز و نهادهای رقیب مسجد نمی‌توانند از نظام‌های اجتماعی حذف گردند؛ زیرا با توجّه به توسعه و گسترش فرهنگی، برخی از نیازهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ملّت‌ها از طریق این نهادها برآورده می‌شود؛ به عبارت دیگر، توسعه همه‌جانبه اجتماعی و جمعیّتی باعث شده است تا این نهادها که رقیب مساجد هستند، ایجاد و توسعه یابند. بنابراین، نمی‌توان با یک سبک مدیریت مکانیکی و سبک رهبری غیرارگانیک به حذف آنها اقدام نمود. نگارنده بر این عقیده است همان‌گونه که مدیریت مساجد به عهده مرکز رسیدگی به امور مساجد کشور است، باید این نهادها به طور مستقیم یا غیرمستقیم، تعاملی یا مشاوره‌ای زیر نظر مرکز مزبور فعّالیّت نماید. در این راستا، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

بسیاری از این مراکز با مجوّز‌های رسمی‌سازمان‌های دولتی، مانند شهرداری‌ها، سازمان تبلیغات، فرهنگ و ارشاد و... مجوّز فعّالیّت‌ دریافت می‌کنند و دارای دستورالعمل خاصّ خود هستند. با وجود این و به دلیل تشابه نسبی عملکرد این نهادها با مساجد، بهتر است برخی از نکات و مفاد متن این دستورالعمل‌ها توسّط مرکز رسیدگی به امور مساجد یا با تأثیرگذاری مستقیم یا غیرمستقیم آن تهیّه، تنظیم و تدوین شود.

تشکیل گروه بازرسان فرهنگی متشکّل از نخبگان امور مدیریت و مهندسی فرهنگی که نمایندگانی از سازمان تبلیغات، دفتر تبلیغات، فرهنگ و ارشاد اسلامی، اوقاف و امور خیریه، شهرداری‌ها داشته باشد و انجام بازدید از نحوه عملکرد مبلّغان و روحانیون و متولّیان و خدّام مساجد و کارکرد مسئولان فرهنگ‌سراها، خانه‌های فرهنگ و هنر و نظارت بر فضاهای مجازی فرهنگی.

ایجاد تعامل و تفاهم سازمانی یکپارچه بین سازمان‌های مسئول و دست‌اندر کار، مثل سازمان تبلیغات، دفتر تبلیغات، فرهنگ و ارشاد اسلامی، اوقاف و امور خیریه، شهرداری‌ها و... در مدیریت نهادها و مراکز فرهنگی رقیب مسجد، برای بررسی و نظارت عملکرد آنها به صورت ضمنی و هم‌پایه که با تأثیرگذاری مستقیم سازمان رسیدگی به امور مساجد همراه باشد.

نظارت و بازدید از مراکز دیگر به صورت دوره‌ای سه‌ماهه یا شش‌ماهه یا در حین مناسبت‌ها، به منظور تلاش در رفع اشکالات و کشف موارد خاصّ مربوط به مراکز فعلی؛

برطرف کردن کاستی‌ها، نقص‌ها و ضعف‌های مساجد فعلی (مانند مشکلات مربوط به مکان حضور بانوان، توجّه به برگزاری مجالس خاصّ زنانه یا سایر گروه‌های جمعیّتی، ایجاد فضا و امکانات لازم برای همه گروه‌های سنّی، مشکلات و مسائل وقفی، مدیریت مساجد و...)؛

مکان‌های فاقد شأنیت مذهبی و اعتقادی تعطیل شوند یا فعّالیّت‌‌های مذهبی تخصّصی انجام ندهند و این امور به مساجد سپرده شود.

عموم مردم که متقاضی خدمات از مکان‌های رقیب مسجد هستند، از نظر نگرشی توجیه و با فرهنگ‌سازی، تصوّرات ذهنی آنان اصلاح شود؛ به گونه‌ای که محوریّت و برتری مسجد بر سایر مراکز رقیب به خوبی آشکار گردد.

توجّه برنامه‌ریزان امور فرهنگی و اجتماعی به اینکه آغاز و پایان همه فعّالیّت‌های سراسری مردمی و ملّی (مانند راهپیمائی‌ها) از مسجد شروع و به مسجد ختم شود تا محوریّت مسجد در همه امور زندگی نهادینه شود.

در شهرهای فاقد مسجدجامع، مسجد جامع مناسب بنا شود و فعّالیّت‌های مذهبی و نمازهای خاصّ یا امور دارای جنبه همبستگی و وحدت عمومی، با مدیریت و تعامل متولّیان مساجد غیرجامع، در مساجد جامع برگزار شوند.

همه مراکز باید اولویّت را به مسجد بدهند و مسجد، سرآمد و فوقِ همه رقبایش باشد و مراکز و نهادهای دیگر، مؤیّد مسجد و فعّالیّت‌های مسجدی باشند نه در مقابل یا خلاف مسیر آن.

برقراری تعامل و هم‌فکری و نشست‌های دو یا چندجانبه مرکز رسیدگی به امور مساجد با مراکز یا سایر نهادهای مرتبط با مساجد باید دقیق‌تر و کامل‌تر انجام شود. این نشست‌ها باید با تفاهم‌نامه‌های کاربردی و در راستای رونق و توسعه مساجد همراه باشد و محوریّت و جامعیّت مساجد حفظ و تقویّت گردد.

مهندسان و معماران مساجد و شهرسازی باید ضمن توجّه به سرشماری‌ها و تخمین جمعیّت و عنایت به روند و نرخ رشد آن به ساخت مساجد بر اساس جمعیّت سرانه در هر محلّه، شهر، شهرک و مجتمع‌های مسکونی و واحدهای آپارتمانی و... اقدام نمایند. نباید مساجدی ساخته شوند که پس از اندک زمانی، گنجایش مسلمانان و مؤمنان نمازگزار را نداشته و آنان به مراکز یا محافل رقیب مساجد سوق داده شوند.

پیشنهاد می‌شود که به موضوع عذر شرعی بانوان برای حضور در مساجد توجّه بیشتری مبذول گردد. با انتخاب بانوان توانمند به عنوان اعضای هیئت امنای مساجد، نظرات و مشاوره‌های لازم در امور زنان از آنها اخذ و در اجرای تصمیمات لحاظ شود. با مهندسی دقیق، می‌توان به گونه‌ای مساجد را معماری و احداث نمود که فضاهایی برای بانوان معذور در نظر گرفته شود. این فضاهای شبه‌مسجدی، باید به‌گونه‌ای ساخته شود که ضمن اتّصال یا ارتباط به بنای اصلی مساجد، با رعایت قداست مسجد و رعایت احکام شرعی، استفاده بانوان معذور، از برخی برنامه‌های مذهبی، فرهنگی و سخنرانی‌ها مانند سایرین به سهولت امکان‌پذیر باشد. این دقّت‌نظرِ مهندسان و متولّیانِ امر و توجیه یا اصلاح نیّت واقفین موجب می‌شود تا بانوان به بهانه ایّام معذوریّت، به سمت مکان‌های رقیب مساجد هدایت نشوند و همچنان تا حدّامکان در برخی فعّالیّت‌های مذهبی و فرهنگی مساجد شرکت نمایند.

اِعمال نظارت تعاملی و مشاوره‌ای بر مراکز رقیب مسجد به منظور رفع اشکالات و ضعف‌ها و بهینه‌سازی عملکرد؛

کنترل نظارت دوره‌ای سه‌ماهه یا شش‌ماهه یا در مناسبت‌ها بر عملکرد مساجد ضمن تأکید بر مردمی بودن مدیریت مسجد و پیش‌بینی سازوکار حسابرسی صورت‌های مالی مساجد، ضرورت تأیید صلاحیّت اخلاقی و احراز توانمندی‌های هیئت امناء و خادمان مساجد و معرّفی ائمّه جماعات، ایجاد ارتباط با مبادی قضایی، در صورت احراز تخلّف یا وقوع جرم آنها توسّط مرکز رسیدگی به امور مساجد.[[318]](#footnote-318)

**منابع و مآخذ**

**الف) کتب و مقالات**

قرآن کریم، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی، ناصر، قم، اسوه، چاپ اوّل، 1387.

قرآن کریم، ترجمه: فولادوند محمّدمهدی، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، چاپ اوّل، 1379.

ابراهیمی، محمّدحسین، مدیریت اسلامی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ دوّم، 1379.

ابن‌الجوزى، أبوالفرج عبدالرحمن‌بن على‌بن محمّد، المنتظم فى تاریخ الأمم و الملوك، تحقیق: محمّد عبدالقادر عطا و مصطفى عبدالقادر عطا، بیروت، دارالكتب العلمیة، ط الأولى، ۱۴۱۲ق.

ابن بابویه قمی محمّدبن‌ علی‌ (شیخ صدوق)، من لایحضره الفقیه، دارالکتب الاسلامیه،1390ش.

ابن درید، جمهرة اللغة، چاپ رمزی منیر بعلبکی، بیروت، ۱۹۸۷ـ۱۹۸۸م.

ابن شبّه نمیری، تاریخ المدینة المنورة: اخبار المدینة النبویة، چاپ فهیم محمّد شلتوت، بیروت، ۱۴۱۰ق/۱۹۹۰م.

ابن قدامه، المغنی، چاپ افست، بیروت، ۱۴۰۳ق/۱۹۸۳م.

ابن‌منظور محمّدبن‌مکرم، لسان العرب، دارالفکر، دار صار، بیروت،

ابوالقاسمی، محمّدجواد، شناخت فرهنگ، تهران، انتشارات عرش‌پژوه، چاپ اوّل، 1385ش.

اراکی محمّد، فرهنگ آیات فقهی قرآن کریم، انتشارات اسوه، تهران، چاپ اوّل، پائیز 1383.

آ.اس. هورنای، فرهنگ پیشرفته آکسفورد، مؤسّسه نشر جهان دانش، تهران، چاپ نهم، 1382.

الذهبى، شمس‌الدّین محمّدبن احمد، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام، تحقیق: عمر عبدالسلام تدمرى، بیروت، دارالكتاب العربى، ط الثانیة، ۱۴۱۳.

الشریف لاهجی بهاءالدّین محمّدبن علی، تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، نشر مطبوعاتی علمی، با تصحیح: میرجلال‌الدّین حسنی ارموی، 1363.

انصاری قرطبی ابو عبدالله محمّدبن احمد (578-671)، الجامع لاحکام القرآن (تفسیر قرطبی)، بیروت، دارالفکر، 1415ق.

انصاری‌قمى، محمّدرضا، موقوفات ایرانیان در عراق، وقف، میراث جاویدان، سال2، ش1 (بهار1373)، ش3(پاییز1373)، سال3، ش1، بهار 1374.

انوری حسن، فرهنگ بزرگ سخن، انتشارات سخن، تهران، چاپ چهارم، 1386.

پترچلكووسكی، اخلاص كامل به امام حسین، ژان كالمار، پاریس، بی‌تا، 1354ش، 1975م.

تونه‌ای مجتبی، موعودنامه ‌(فرهنگ الفبائی مهدویت)، میراث ماندگار، قم، چاپ اوّل، 1384.

جاسبی، عبدالله، اصول و مبانی مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی، چاپ پنجم، 1371هـ.ش.

جان نورمن هالیستر، تشیّع در هند، ترجمه: آزر میدخت، مشایخ فریدى، مركز نشر دانشگاهى، ۱۳۷۳ش.

جزایری سیّدنورالدّین، خصائص زینبیه، انتشارات مسجد مقدّس جمکران، به تحقیق: ناصر باقری بیدهندی، 1341 ه. ش،

جعفربن محمّدبن قولویه قمى (متوفّاى 367 هجرى)، كامل الزیارات، مترجم: ذهنی تهرانی، محمّدجواد، پیام حقّ، تهران، سال ١٣٧٧.

جوادی آملی عبدالله، تفسیر تسنیم، مرکز نشر اسراء، قم، چاپ هشتم، تابستان 1389.

جهانگیری سهروردی یحیی، (دفتر مطالعات و پژوهش‏هاى مرکز رسیدگى به امور مساجد)، مسجد مجازی، رهیافت‌ها و راهکارها در تبیین جایگاه مساجد در فضای مجازی، انتشارات ثقلین، 1 تیر 1388،

حدّادعادل غلامعلی، دانشنامه جهان اسلام، بنیاد دایرة المعارف اسلامی، تهران، چاپ اوّل، 1383.

حرّ عاملی محمّدبن‌حسن، وسائل الشیعه، قم، مؤسّسه آل‌البیت، 1409 ق.

حییّم سلیمان، فرهنگ معاصر، فارسی به انگلیسی، مؤسّسه فرهنگ معاصر، تهران، چ2، 1381.

خامنه‌ای حاج سیّدعلی، رساله اجوبه الاستفتائات، تهران، سپهر، چاپ 72، تابستان 1392.

خلیل‌بن‌احمد، العین، چاپ مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی، قم، ۱۴۰۵ق.

كاشانی‌زاده امیرمسلم، كرم‌الهی نعمت‌الله،

تبیین الگوی مفهومی آسیب‌شناسی وضعیت مسجد در ایران، نشریه معرفت فرهنگی اجتماعی،

سال سوم، ش3، تابستان1391.

خسروی حسینی، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن راغب اصفهانی (متوفّی 502)، انتشارت مرتضوی، تهران، 1361.

دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد، فرهنگ مسجد، انتشارات ثقلین، جمعی از محقّقین مرکز، ۱ آبان ۱۳۸۵.

دهخدا علی‌اکبر، لغتنامه دهخدا، مؤسّسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوّم، سال 1377.

راغب اصفهانی، حسین‌بن‌محمّد، مفردات الفاظ قرآن، محقّق: داوودی، صفوان عدنان، دار القلم، بیروت‌ـ‌دمشق، 1408ه.ق.

رضایی علیرضا، آسیب‌شناسی فرهنگی، تبیین مفهومی، نظری و راهبردی، مهندسی فرهنگی، سال دوم، ش17-18، خرداد وتیر 1387.

رضائى جمال، بیرجندنامه: بیرجند در آغاز سده چهاردهم خورشیدى، به اهتمام محمود رفیعى، تهران 1381ش؛

سبحانی تبریزی جعفر، فروغ ابدیّت (تجزیه و تحلیل کاملی از زندگی پیامبر اکرم)، مؤسّسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، ۱۳۸۵.

سلطان‌زاده حسین، روند شكل‌گیرى شهر و مراكز مذهبى در ایران، تهران، 1362ش.

شیبی کامل، تشیّع و تصوف، ترجمه قراگزلو، تهران، امیر کبیر، ۱۳۵۹.

صالحی امیری، مبانی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌فرهنگی، تهران، مركز تحقیقات استراتژیك مجمع تشخیص مصلحت نظام، 1387.

صدر حاج‌سیّدجوادى احمد، فانى كامران، خرمشاهى بهاءالدین، دایرةالمعارف تشیع، انتشارات حکمت، تهران، 1366ش.

طباطبائی علامه سیّد محمّدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه: سیّد محمّدباقر موسوی همدانی، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرّسین حوزه علمیه قم، چاپ 26، زمستان 1387.

طباطبائی یزدی، سیّدمحمّدكاظم، العروة الوثقى، منشورات مؤسّسة الاعلمی للمطبوعات، بیروت، [بی‌تا]، 1409ق.

طبرسی ابوعلی الفضل‌بن الحسن (متوفّای 548ق)، ترجمه تفسیر مجمع البیان، تحقیق و نگارش: کرمی حاج علی، انتشارات فراهانی، تهران، پائیز1379.

طوسی ابوجعفر محمّدبن‌ حسن‌‏بن علی‌‏بن حسن (شیخ طوسی)، تهذیب الاحکام، تهران، دارالکتب الاسلامیة، 1365 هـ.ش.

الاستبصار، چاپ حسن موسوی خرسان، تهران، ۱۳۹۰.

عابدی جعفری حسن و دیگران، طراحی مدل مطلوب کارکرد و مدیریت مساجد به عنوان یک سازمان داوطلبانه مذهبی، نشریه مصباح، سال چهاردهم، ش60، آذر و دی 1384.

عباسی رسول، ابوالحسن فقیهی، غلامرضا طالقانی، تدوین الگوی مدیریت اثربخش مسجد، دو فصلنامه علمی‌ـ‌تخصّصی اسلام و مدیریت، سال اوّل، ش 1، سال 1391.

علامه حلّی حسن‌بن‌یوسف، مختلف الشیعة فی احکام الشریعة، قم ۱۴۱۲ـ۱۴۲۰ق.

عمید حسن، فرهنگ عمید (تک جلدی)، انتشارات اشجع (با همکاری میکائیل)، چاپ اوّل، تهران، 1389.

فیض کاشانی ملاحسن، ترجمه تفسیر شریف صافی، چاپ و انتشارات نوید اسلام، چاپ ششم، تهران، ج1، پائیز 1388.

فقیهی علی‌اصغر، آل بویه و اوضاع زمان ایشان، تهران، صبا، ۱۳۵۷.

قرائتی محسن، تفسیر نور، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن‌، تهران، ١٣٨٨.

کاشانی ملاّفتح‌الله (988ق)، تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، ویرایش: عقیقی بخشایش، نوید اسلام، چاپ دوّم، بهار 1389.

کرمانی‌فریدنی علی، شرح واژه‌های قرآنی در ترجمه تفسیر مجمع‌البیان، مؤسّسه انتشارات فراهانی، تهران، چاپ اوّل، 1381.

کلینی، محمّدبن‌یعقوب، اصول الکافی، دارالاضواء، مجموعه 4 جلدی، 1413ق.

متقی هندی، کنزالعمّال، تصحیح: صفوه سقا، چاپ اوّل، مکتبة التراث الاسلام، بیروت، 1397ق.

مجلسی، محمّدباقر، بحارالانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوّم، 1403 هـ.ق/ 1983م.

محمّدى آشنایى علی، سازمان و مدیریت مسجد، مركز رسیدگى به امور مساجد، تهران، چاپ اوّل، 1377ش.

محمّدى محمود، فرهنگ اماكن و جغرافیاى تاریخى بیهق (سبزوار) براساس معجم‌البلدان یاقوت و تاریخ بیهق، سبزوار 1381ش.

مرکز رسیدگی به امور مساجد، رسانه ملی و مسجد (تقابل یا تعامل)، قم، ماهنامه مسجد، شماره162، شهریور1391.

مصدقی امینی فرشید، تأمّلی در مفهوم مسجد و معنای جامع، ویژگی‌ها، نقش‌ها و کارکردها، پژوهش‌نامه، مجموعه مقالات پژوهشی اداره کل میراث فرهنگی استان تهران، دفتر۱، پاییز۱۳۷۹.

معتمدى حسین، عزادارى سنّتى شیعیان در بیوت علما و حوزه‌هاى علمیه و كشورهاى جهان، قم، 1378ش.

مقّری احمدبن محمّد، نفح الطیب، چاپ احسان عبّاس، بیروت، ۱۳۸۸ش/ ۱۹۶۸م.

معین محمّد، فرهنگ معین (فرهنگ فارسی متوسّط)، انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ بیستم، 1382.

مکارم شیرازی ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ 45، 1382.

مکارم شیرازی، ناصر، رساله توضیح المسائل، انتشارات امام علیّ‌ابن ابی‌طالب، چ31، 1389.

ملازاده کاظم، محمّدی مریم، مدارس و بناهای مذهبی (تکّیه، حسینیّه، خانقاه، قدمگاه، مدرسه، مصلی)، دایرة المعارف بناهای تاریخی ایران در دوره اسلامی، نشر سوره مهر (پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی) تهران، چاپ اوّل، 1381.

موسوی بجنوردی سیّد محمّدکاظم، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران، چاپ اوّل، 1378.

موظّف رستمی، محمّدعلی، آیین مسجد، انتشارات گویه، 1384 هـ.ش.

مؤسّسه مسجد، حضور سبز زنان در خانه‌های خدا، نشریه مبلّغان، ش40، فروردین 1382.

مؤسسة دایرة المعارف الفقه الاسلامیة، دانشنامه جهان اسلام، سال 1375ش.

میرمحمّدى حمیدرضا، پراكندگى جغرافیایى اماكن مذهبى كشور در قالب استانى، مسجد، ش58، مهر و آبان 1380.

نجفی محمّدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، تحقیق: قوچانی عبّاس، دار احیاء التراث العربی، بیروت، سال ١٣۶٢ .

نوری حسین‌بن محمّدتقی، مستدرك الوسائل و مستنبط المسائل، مؤسّسة آل البیت، لاحیاء التراث، بیروت، 1408.

**ب)سایت‌ها وروزنامه‌ها**

روزنامه جمهوری اسلامی، حفاظت از میراث عاشورا، 14/08/92، قابل دسترس در:

http://www.jomhourieslami.com

صداقتی کیوان، تأملی بر طرح حمایت از احداث، تجهیز، نوسازی و مدیریت مساجد کشور، روزنامه کیهان،12/9/92، ش 20655، قابل دسترس در:

http://kayhanarch.kayhan.ir/920912/6.htm

سایت رسمی مسجد مقدّس جمکران به آدرس: http://www.jamkaran.info/Page

سایت رهبر معظّم انقلاب به آدرس: www.leader.ir

سایت ویکی‌پدیا به آدرس: http://fa.wikipedia.org

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی به آدرس:http://rc.majlis.ir/fa/law/show//11776

حاج‌علی‌اکبری، محمّدجواد، مصاحبه با خبرگزاری فارس، انتشار به تاریخ1/5/92، قابل دسترس در: http://www.farsnews.com

عظیم‌زاده فائزه، مطالعه تطبیقی حقوق زنان از منظر اسلام و غرب، قابل دسترس در آدرس:

http://www.women.gov.ir.

قرائتی محسن، مصاحبه با برنامه فصل نو، شبکه قرآن و معارف سیما، تاریخ 24/5/92، قابل دسترس در آدرس: http://shabestan.ir

هاشمی سیّدعلی، ویژگی‌های مدیریت فرهنگی در مساجد، 1/5/92، قابل دسترس در:

http://www.masjed.ir/fa/article/547

**ج) منابع انگلیسی**

The Oxford encyclopedia of the Modern Islamic world, ed. John L. Esposito, New York 1995, s.v. "Husayniyah" (by Gustav Thaiss.

**شیوه‌های قرآن آموزی در مساجد**

**محمد اللهیاری[[319]](#footnote-319)**

**چکیده:**

مساجد در صدر اسلام، دارای کارکردهای گوناگون عبادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، تربیتی، ادبی، تبلیغی، درمانی، اقتصادی و قضایی بوده اند و آنگونه که از احادیث برمی آید مساجد در عصر ظهور نیز دارای چنین کاربردهایی خواهند بود و مساجد، دانشگاه علوم قرآن در عصر ظهور خواهند بود.

در این مقاله، با هدف انس بیشتر مردم به قرآن، به راهکارهای عملیاتی و شیوه‌های قرآن‌آموزی در مساجد پرداخته و به چندین طرح متنوع در محورهای مختلف امور قرآنی که با مشاهدات عینی و تجربیات تبلیغی در طول سالهای متمادی در شهرهای مختلف کشور به مرحله اجرا در آمده در اختیار اصحاب مسجد قرار داده می‌شود به امید اینکه مساجد ما در عصر غیبت، مقدمه مسجد طراز اسلامی را در عصر ظهور بپیماید.

راه کارهایی از جمله، حفظ موضوعی قرآن، طرح راهی به سوی نور 1 و 2 و 3، طرح هر روز با قرآن، خانه‌های قرآنی، روخوانی کودکان در قالب مهدهای کودک و پیش دبستانی قرآنی در کنار مسجد، طرح ترجمه و مفاهیم، تبلیغ مکتوب قرآنی، طرح راه‌اندازی کرسی‌های تلاوت و محافل انس با قرآن و... می‌تواند به عنوان یک گام مؤثر در رسیدن اصحاب مسجد به مسجد طراز اسلامی در حوزه علوم قرآن و معارف اسلامی نقش بسزایی داشته باشد.

**واژگان کلیدی:**

قرآن، مسجد، روش قرآن آموزی، خانه‌های قرآنی، حفظ موضوعی قرآن.

**مقدمه:**

پژوهش‌های تاریخی نشان می‌دهد که مسجد نخستین مرکز آموزشی مسلمانان بوده است، در صدر اسلام، پیامبرو یارانش در مسجدالحرام گرد هم می‌آمدند و از احکام الهی سخن می‌گفتند و مسجد؛ محور امور و دارای کارکردهای گوناگون عبادی، سیاسی، اجتماعی،فرهنگی، آموزشی، تربیتی، ادبی، تبلیغی، درمانی، اقتصادی و قضائی بود.

آنگونه که از احادیث بر می‌آید مساجد در عصر ظهور نیز دارای چنین کارکردهایی خواهند بود. آموزش علوم اسلامی و قرآن در آن جریان خواهد داشت و برای قرآن آموزی، خیمه گاه مسلمانان اعم از عرب و عجم خواهد داشت و مساجد، دانشگاه علوم قرآنی در عصر ظهور خواهند بود.

در همین راستا مرکز رسیدگی به امور مساجد با توجه به ظرفیت‌های مساجد در کشور جهت رسیدن به مسجد طراز اسلامی در عصر ظهور، طی مقاله ای به راه کارهای عملیاتی قرآن آموزی در مساجد می‌پردازد.

سؤال اصلی این مقاله این است که راه کارها و شیوه‌های عملیاتی قرآن آموزی در مساجد چیست و کدامند؟ و به تعبیر دیگر چه راهکارهای نوینی در عملیاتی کردن قرآن در مساجد وجود دارد؟ و شیوه‌های نوین قرآن آموزی در مساجد کدام است؟

هدف از این تحقیق، اولاً یافتن و احصاء شیوه‌های موفق و عملیاتی و اجرایی قرآن آموزی در مساجد که در مقاله حاضر به آن اشاره می‌شود و پس از آن، ترویج همان شیوه‌ها در مساجد کل کشور جهت اجرای آنها، تا زمینه را برای مسجد طراز اسلامی عصر ظهور آماده نماید. و در پایان، هدف نهایی انس بیشتر مردم(همه اقشار) با قرآن است.

شایسته توجه است که طرح‌ها و شیوه‌های متعدد و متفاوتی در کل کشور و در جهان اسلام در حال اجراست. اما بعضاً دچار آسیب‌ها و انحرافاتی بوده که در این مقاله ضمن از بین بردن برخی نواقص و انحرافات و علمی کردن و کاربردی کردن، در قالب چند طرح کاربردی بررسی گردیده است.

روش جمع آوری اطلاعات در این مقاله به صورت میدانی و مشاهده ای و تجربیات تبلیغی در حوزه مسجد می‌باشد و تجزیه و تحلیل اطلاعات به صورت توصیفی- تحلیلی می‌باشد.

**الف) تعاریف**

**1.قرآن:**

قرآن کتاب اسلامی دین اسلام است. به باور مسلمانان قرآن به صورت وحی از سوی خداوند نازل گردیده و معجزه پیامبر است و یکی از موارد اشاره شده در حدیث ثقلین است. در باور مسلمانان، این کتاب در یک دورۀ 23ساله از جانب خدا و از طریق جبرئیل امین (پیک الهی) بر محمد که او را آخرین پیامبر می‌خوانند، فرو فرستاده شده است. قرآن دارای دو ویژگی خاص است: یکی این که از جانب خدا بر محمد امین نازل شده و دیگری این که جنبه خارق العاده بودن و معجزه بودن آن رعایت شده است. بنابراین تمام آنچه بر محمد امین نازل شده (وحی) قرآن نیست و یک بخش از آن به نام حدیث قدسی شناخته می‌شود که از جانب پروردگار آمده اما از ادبیات خارق العاده ای بر خوردار نیست.[[320]](#footnote-320) قرآن دارای 30 جزء و 114 سوره و 6236 آیه است. مسلمانان قرآن را کتاب دینی خود می‌دانند و از آن با افزودن القابی چون «کریم و مجید» یاد می‌کنند. قرآن خود را به نام‌های لوح حفاظت شده «به عربی: اللوح المحفوظ»، ذکر و فرقان می‌خواند.

**2.شیوه:**

شیوه .[شی وَ / وِ] (اِ) طور و عمل و طرز و روش و قاعده . (برهان ). طور. رسم . طریقه . سبک . اسلوب . روش . نهج . وتیره . نسق . سان . گون . گونه . هنجار. طریق . راه . طرز.[[321]](#footnote-321)

**3. مسجد:**

در لغت به معنای محل سجده، برگرفته از سجد و به معنای به خاک افتادن و خضوع و کرنش کردن است و در اصطلاح مسجد به محلی اطلاق می‌شود که جایگاه عبادت و خضوع در برابر حق تعالی است.

واژۀ مسجد در 28 جای قرآن به کار رفته و در بیشتر موارد اشاره به مسجد الحرام است. مسجد الحرام همان محیط اطراف خانه کعبه می‌باشد که سجده گاه بوده است.

به طور کلی چهار نوع مسجد متصوّر است: مسجد محله؛ مسجد مرکزی در شهر برای نمازگزاران شهر با عنوان مسجد جامع؛ مصلایی برای مراسم نماز عید برای تمامی مردم در یک منطقه؛ مسجدالحرام برای حضور مسلمانان.

واژه «مسجد» و «مساجد» 28 بار در قرآن کریم تکرار شده است.[[322]](#footnote-322)

نوع عبارات و تأکید خداوند برجایگاه الهی-معنوی مسجد و نفی شرک و نفاق[[323]](#footnote-323) و هرگونه آلودگی ظاهری و باطنی از مسجد،[[324]](#footnote-324) اهمیت مساجد را بیان می‌دارد. بدین دلیل خداوند در قرآن کریم مالکیت مساجد را به خود نسبت داده[[325]](#footnote-325) وآن‌ها را از آنِ خویش دانسته و نخستین خانه واقعی بشر را مسجد(کعبه) بیان نموده است: «**إنّ أول بیت وضع لِلنّاس للّذی ببکة مبارکاً و هدی للعالمین**».[[326]](#footnote-326)

همچنین روایات فراوان رسیده از منابع خاصه و عامه حاکی از اهمیت والا و قداست جایگاه مسجد است. اهم این موارد عبارت است از:

مساجد خانه، مجلس و جایگاه انبیاء،[[327]](#footnote-327) پرهیزکاران، مؤمنان، متقین و پارسایان است.[[328]](#footnote-328)

پیامبر خدا می‌فرماید: «هر کس که عترت و اهل بیتم را دوست داشته باشد باید قرآن را نیز دوست بدارد و دوستدار قرآن باید دوستدار و محب مساجد هم باشد. زیرا مساجد محضر وخانه‌های خداوند است که خودش فرمان برپایی و احترام آنها را داده و آن را مبارک گردانیده است. مساجد میمون و فرخنده است.»[[329]](#footnote-329)

**ب)کارکرد آموزشی** - **تربیتی مسجد**

**1.مسجد پیشگام در آموزش قرآن و معارف اسلامی**

دینی که بر امر خواندن و آموزش و مبارزه با جهل و نابودی بنا شود طبیعی است که در این زمینه، ابزارها و وسایلی را به خدمت بگیرد. از جمله این ابزارها استفاده از فضای مسجد در اوقات غیر عبادی است. پژوهش‌های تاریخی نشان می‌دهد که مسجد نخستین مرکز آموزشی مسلمانان بوده است. در صدر اسلام، پیامبر ویارانش در مسجدالحرام گرد هم می‌آمدند و از احاکم الهی سخن می‌گفتند. با هجرت پیامبر به مدینه و تأسیس مسجد النبی، نه فقط مکانی برای عبادت، بلکه دانشگاهی سراسر شور و نشاط در جهان اسلام تأسیس گردید. حضرت در این مسجد و دیگر مساجد به تعلیم و آموزش قرآن و گفت‌وگوها و مناظرات علمی می‌پرداختند و در پرتو این گفت‌وگوها، حقایق وحی و آیات الهی روشن می‌گردیدند و به شبهات پاسخ داده می‌شدند و پرده‌های جهل و تردید فرو می‌ریختند. مسجد در وهلۀ نخست برای ادای نماز فریضه است اما محدود به آن نیست و سایر عبادات را نیز می‌توان در مسجد بجا آورد. آموزش قرآن و معارف اسلامی از این جمله است.

دربارۀ تلاوت، فراگیری و آموزش قرآن در مسجد، سخنان پیامبر و اهل بیت نشان دهندۀ خشنودی خداوند متعال از فراگیرندگان و آموزش دهندگان قرآن است، تا آنجا که گاه وظیفه اعضای مسجد، قرآن و درس آن شده است.

رسول خدا می‌فرماید: «**انِّما نُصِبَتِ المساجدُ للقرآن**»[[330]](#footnote-330) همانا مسجدها برای (خواندن، آموختن و ترویج) قرآن برپا شده اند.

از اصحاب رسول اکرم روایت شده است که گفتند: در مسجد، حلقه وار در چند گروه نشسته بودیم و گفت‌وگو می‌کردیم. پیامبراز خانه به مسجد تشریف آوردند و به جمع ما نگریستند و آنگاه نزد اصحاب قرآن نشستند و فرمودند: من به سوی این انجمن مأمور شده ام.[[331]](#footnote-331)

امام باقر آنجا که از قرآن خوانان یاد و آنان را معرفی می‌کنند، از مردی نام می‌برند که قرآن بخواند و بداند و داروی شفابخش آن را به دل دردمند خود نهد و شب را با آن به سر آورد و روزی را از بامداد تا شامگاه با قرآن بگذراند. سپس حضرت می‌فرماید: «و قام به فی مساجده»[[332]](#footnote-332) و در مساجد خود برای خواندن و آموختن و آموزش و ترویج آن قیام کند.

پیامبر می‌فرمودند: «هیچ گروهی در مسجدی از مسجدهای خداوند گرد نیایند که به تلاوت کتاب خدا بپردازند و آن را به درس و بحث فراگیرند، مگر آنکه آرامش الهی بر ایشان فرود آید و رحمت او آنان را در برگیرد و خداوند ایشان را در شمار کسانی که نزد اویند یاد کند.»[[333]](#footnote-333) قابل توجه اینکه؛ آموزش و یادگیری قرآن و معارف اسلامی در صدر اسلام امری همگانی بود و به گروه یا قوم خاصی و یا مردان اختصاص نداشت. به همین دلیل، زنان در مساجد حضور می‌یافتند و سؤال‌هایشان را مطرح و پاسخ دریافت می‌کردند. در تاریخ، از مکان‌های دیگری همچون «دار القرّاء» (خانه قاریان قرآن) سخن به میان آمده است. ولی بی تردید حجم کارهای آموزشی و فرهنگی که در این مکان‌ها انجام می‌شد با آنچه در مساجد جامع صورت می‌گرفت قابل مقایسه نیست.

گذشت زمان و تتبع در سیره معصومان حکایت از آن دارد که تمام علوم رایج آن زمان همچون قرائت قرآن، تفسیر، حدیث و فقه، به طور عمده در مسجد تدریس می‌شد و با گذر زمان در کنار رشد و گسترش علم و دانش و پیدایش شاخه‌های جدیدی از علوم و افزایش شمار دانش پژوهان، «مدارس» در کنار «مساجد» برپا شدند. این روند در دوره‌های بعد هم ادامه پیدا کرد و اندیشمندان و متخصصان و دانش پژوهان علوم اسلامی جلسات درس و بحث را در مسجد برپا می‌کردند. از مشهورترین دانشگاه‌های عمومی یا مساجد آموزشی، می‌توان به «مسجد النبی»، مسجد جامع بصره، مسجد جامع کوفه، مسجد الاقصی، «قبه الصخره» در بیت المقدس، «جامع اموی» دمشق، مسجد «جامع فسطاط»، جامع زیتونه، جامع قیروان در تونس، جامع ابن طولون در قطائع، جامع الازهر در قاهره و مشاهد مقدس اهل بیت در کربلا، نجف، قم و مشهد اشاره کرد. بنابراین نهضت پیدایش دانشگاه اسلامی از مساجد آغاز شد و آن گاه در چهره دارالعلم نمایان گردید و با پیدایش مدارس گوناگون، به بلندای خود رسید. این سنت در بسیاری از کشورهای اسلامی همچنان باقی است و می‌توان به «مسجد الحرام» در مکه مکرمه و مسجد النبی در مدینةالرسول و مسجد گوهرشاد و مسجد اعظم قم که مهترین مرکز درس عالی حوزه علمیه قم به شمار می‌آید، اشاره کرد.[[334]](#footnote-334)

جلسات آموزشی دروس قرآن و معارف اسلامی در مسجد از صدر اسلام تا امروز، شاگردان بسیاری را تربیت و به جامعه اسلامی معرفی نموده است، شاگردانی که بار عظیم فکری و فرهنگی و دینی جامعه اسلامی را در طول قرون گذشته بر عهده داشته و هم اینک نیز بر دوش دارند.

**2. مسجد؛ دانشگاه علوم قرآنی در عصر بعثت و ظهور**

مساجد در صدر اسلام، دارای کارکردهای گوناگون عبادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، تربیتی، ادبی، تبلیغی، روحانی، اقتصادی و قضائی بودند.

در قرون گذشته برخی از این کارکردها با توجه به شرایط و موقعیت‌های گوناگون، تقویت و یا تضعیف و یا به طور کلی حذف شده است. قریب یک قرن پس از ظهور اسلام، کارکرد عمده و اساسی مسجد فقط به جنبه عبادی آن منحصر گردید. با شروع مبارزات امت اسلامی بسیاری از مساجد، احیا و فعال گردید و بسیاری از کارکردها همچون صدر اسلام به مساجد بازگشت، به گونه ای که مساجد نقش اساسی و عمده ای در پیروزی انقلاب اسلامی ایران ایفا کردند.

با تأسیس نهادها و سازمان‌های گوناگون طی سالهای اخیر برخی از کارکرد مساجد به آنها واگذار گردید و عملا کارکردهای مسجد به جنبه‌های ویژه ای همانند برگزاری نماز جماعت، سخنرانی در ایام گوناگون و برگزاری مراسم وفیات، تخصیص و تقلیل یافت.

**3.مسجد؛ جایگاه دانشگاه علوم قرآنی در عصر ظهور**

آنگونه که از احادیث بر می‌آید، مساجد عصر ظهور نیز دارای چنین کارکردهایی خواهند بود و آموزش علوم اسلامی و قرآن در آن‌ها جریان خواهد داشت و برای قرآن آموزی، خیمه گاه مسلمانان اعم از عرب و عجم خواهند داشت. ابن نباته از امام علی نقل می‌کند که فرمودند: «گویا غیر عرب را می‌بینم که خیمه‌هایشان در مسجد کوفه برپاست و به مردم قرآن را همانگونه که نازل شده است یاد می‌دهند.»[[335]](#footnote-335)

امام صادق نیز فرمودند: «چگونه خواهید بود اگر اصحاب قائم خیمه‌ها را در مسجد کوفه نصب کنند؟ آنگاه (امام) به سوی کوفیان آید و کاری نو از سر گیرد که بر عرب گران آید.»[[336]](#footnote-336)

**ج)آسیب شناسی مسجد**

مساجد در صدر اسلام نماد وحدت مسلمانان و پایگاه اصلی حکومت اسلامی بودند، ولی امروزه مساجد جهان اسلام از این نقش اساسی به دور مانده اند. آسیب‌های متعددی در شرایط امروزی مساجد را تهدید می‌کند که عبارت است از:

جریانات فکری ضد دین مثل سکولاریسم و لیبرالیسم که دین را به عنوان عامل مخدر، و افراد دیندار را به عنوان مرتجع معرفی می‌کنند.

گسترش ارزشهای مادی و رواج فرهنگ دنیا زدگی و مصرف گرایی.

وجود تشکیلات موازی با کارکردهای مسجد، که متأسفانه بسیاری از مؤسسات قرآنی در سطح کشور از مسجد فاصله گرفته اند.

بی توجهی در برنامه ریزی‌های بلند مدت برای امور مسجد و عدم تخصیص بودجه لازم برای آن که این خود یکی از بزرگترین معضل قرآنی کشور به شمار می‌رود.

فقدان آموزش‌های روز آمد برای عوامل و کارگزارن مساجد.

ناکارایی مسجد در مقایسه با نیازهای اجتماعی دورۀ معاصر و اکتفا به فعالیت‌های عبادی که منجر به عدمِ حضور مردم و بی تفاوتی نسبت به مسجد و برنامه‌های آن می‌شود.

نداشتن تبلیغات روشمند دینی و استفاده نکردن از ابزار تبلیغاتی مناسب و روزآمد.

نبودن مدیریت واحد در مساجد و نظام مهندسی فرهنگی-قرآنی مسجد.

**د) راهکارهای عملیاتی کردن قرآن در مساجد**

در فصل گذشته مباحثی پیرامون اهمیت قرآن و مسجد مطرح گردید؛ و همچنین بیان شد که مسجد جایگاه قرآن است و مسجد سرچشمه همه تحولات مهم، در عصر بعثت بوده و مهم‌ترین کانون تحولات عصر ظهور خواهد بود. در این فصل به راهکارها و شیوه‌های عملیاتی کردن قرآن در مساجد اشاره خواهیم کرد. به امید اینکه شاهد اجرا و عملیاتی کردن این شیوه‌ها که در مساجد مهم و مختلف کشور اجرا شده و قابلیت اجرا در مساجد دیگر نیز دارد، باشیم.

در این مقاله برآنیم که چند راه کار مهم و قابل اجرا را در اختیار علاقمندان به معارف قرآن بگذاریم.

**1. حفظ موضوعی قرآن کریم**

**1-1. جایگاه حفظ قرآن کریم:**

**1-1-1. در آیات:**

خداوند متعال در آیاتی از سوره مبارکه احزاب در ضمن دستوراتی به همراه پیامبر به آنان فرموده است: «**و اذکرن ما یتلی فی بیوتکن من آیات الله و الحکمة انّ الله کان لطیفاً خبیراً**»(احزاب/34)

«و آنچه را از آیات خداوند و حکمت در خانه‌های شما بازگو می‌شود، حفظ کنید و به خاطرتان باشد؛ حقا که خدا همواره ریزبین و آگاه است.»

علامه طباطبایی مفسر بزرگ قرآن کریم و صاحب تفسیر المیزان در تفسیر این آیه می‌فرماید:

از ظاهر سیاق بر می‌آید که مراد از ذکر، معنای مقابل فراموشی باشد، که همان یادآوری است، چون این معنا مناسب تأکید و تشدیدی است که در آیات است ... و در کلمۀ «فی بیوتکن» تأکیدی دیگر است (چون می‌فهماند مردم باید امتثال امر خدا را از شما [همسران پیامبر] یاد بگیرند؛ آن وقت سزاور نیست شما که قرآن در خانه هایتان نازل می‌شود، اوامر خدا را فراموش کنید.) پس معنای آیه این است که شما زنان پیامبر، باید آنچه را که در خانه هایتان از آیات خدا و حکمت تلاوت می‌شود، حفظ کنید و همواره به خاطرتان بوده باشد، تا از آن غافل نمانید و از خط سیری که خدا برایتان معین کرده است تجاوز نکنید.[[337]](#footnote-337)

« **ولقد یسّرنَا القرآن للذّکر فهَل من مدّکر**»(قمر/17)

این آیه چند بار در سوره قمر تکرار شده است و معنایش آن است که ما به راستی قرآن را برای تذکر و پندآموزی آسان و قابل فهم کردیم، پس آیا پند گیرنده ای هست؟

با توجه به تفسیری که در آیه قبل از واژه ذکر ارائه گشت، در این جا نیز مفسران بزرگی چون مرحوم طبرسی، مؤلف تفسیر مجمع البیان، بر این باور است که مراد از آسان سازی قرآن برای ذکر، این است که آن را بری حفظ و قرائت آسان نمودیم تا همۀ آیات آن قابلیت از بر خواندن را داشته باشد.[[338]](#footnote-338)

علامه شهید مطهری در کتاب آشنایی با قرآن در ذیل این آیه می‌فرماید:

«قرآن از کتاب‌هایی است که آمادگی اش برای حفظ شدن از هر کتاب دیگری بیشتر است. عجیب است، شعر را می‌شود حفظ کرد و قرآن شعر هم نیست، نثر است ... . در میان نثرها تنها کتاب نثری در عالم که قابل حفظ کردن است، یعنی اصلاً ذهن آن را برای حفظ کردن می‌پذیرد، قرآن است. نکتۀ قابل توجهی که از این آیه استفاده می‌شود و در خارج نیز محقق شده است، این که هیچ کدام از کتاب‌های آسمانی جز قرآن قابلیت حفظ کردن را ندارد.»[[339]](#footnote-339)

 «**بل هو ءایات بینات فی صدور الذین اوتو العلم**...»(عنکبوت/49)

خداوند سبحان جایگاه قرآن را سینه‌ها و قلوب مؤمنان معرفی می‌کند، نه فقط اوراق و صفحات قرآن، که این امر به خوبی دلالت بر فضیلت و ارزشمندی حفظ قرآن کریم دارد. روشن است هنگامی مؤمنان نهایت بهره و استفاده را از آیات دُرر بار قرآن، خواهند برد که سینۀ خود را مملو از این آیات نورانی سازند.

**1-1-2. در روایات:**

با بررسی تاریخ و روایات وارده از پیامبر گرامی اسلام و ائمه به روایاتی برمی‌خوریم که آنان اصحاب و یاران خویش را به صورتهای گوناگون به حفظ قرآن کریم توصیه فرموده اند. ناگفته پیداست که تشویق به یک امر، نشانگر مطلوبیت و اهمیت آن امر در نظر آن مردان پاک الهی است.

پیامبر گرامی اسلام به یاران و اصحاب خویش توصیه می‌فرمود: «**اقرءوا القرآن و استظهروه فان الله تعالی لایعذب قلبا وعی القرآن**»[[340]](#footnote-340) قرآن را بخوانید و آن را به خاطر بسپارید، چرا که خداوند قلبی که قرآن را در خود جای داده است عذاب نمی‌کند.

این امر تا بدان جا مورد توجه و عنایت حضرت بود که دربارۀ افراد بی بهره از حفظ قرآن این گونه می‌فرمودند: «**ان الذی لیس فی جوفه شیء من القرآن کالبیت الخرب**»[[341]](#footnote-341) کسی که اندرونش چیزی از قرآن نیست، همانند خانه ویران است.

و در روایتی دیگر فرمودند: «**عدد درج الجنة عدد آی القرآن فإذا دخل صاحب القرآن الجنة قیل له ارقأ و اقرأ[اقرأ و ارقأ] لکل آیة درجة فلا تکون فوق حافظ القرآن درجة**»[[342]](#footnote-342) درجات بهشت به تعداد آیات قرآن است، چون صاحب قرآن وارد بهشت شود، به او گفته می‌شود، بخوان و بالا برو که هر آیه ای را درجه ای است. پس [درآن روز] برتر از درجه حافظ قرآن درجه ای نیست.

**1-1-3. اهمیت و جایگاه حفظ در نزد بزرگان دین:**

 سیدبن طاووس در وصیت به فرزند خویش چنین می‌نگارد: « برای تعظیم و تحلیل از مقام وحی و همچنین احیای شعائر اسلامی، تمام قرآن را حفظ و از بر نما»[[343]](#footnote-343)

 رهبر معظم انقلاب: «یک جنبه مهم تر دیگر، حفظ قرآن است. برادران! شماها چرا قرآن را حفظ نمی‌کنید؟ شماها جوانید. والله مکرر اتفاق افتاده که با خودم فکر کرده ام و گفته ام که اگر ممکن باشد، هرچه دارم بدهم و حفظ قرآن را بگیرم.[[344]](#footnote-344)

ایشان در جای دیگر می‌فرمایند: «مردم مسلمان ایران باید حفظ قرآن را جدی بگیرند و آن را به عنوان سرمایه ای بزرگ در زندگی خویش به کارگیرند. این شرف بزرگی است که آیات الهی برای همیشه در ذهن و دل شما ماندگار باشد، ما به قرآن نیاز داریم.»[[345]](#footnote-345)

همچنین ایشان می‌فرمایند: «یکی از چیزهایی که می‌تواند تدبر در قرآن را به ما ارزانی دارد، حفظ قرآن است، ما حافظ قرآن کم داریم. ان شاءالله ما باید ده میلیون نفر حافظ قرآن داشته باشیم.»[[346]](#footnote-346)

**1-2.تبیین طرح**

با توجه به مقدمه فوق که اهمیت و جایگاه حفظ بر همگان آشکار شد، هرچند که بحث در این باره بسیار است و بنای ما در این مقاله بر اختصار است؛ بنا به فرمودۀ مقام معظم رهبری حفظه الله ما باید ده میلیون حافظ قرآن داشته باشیم که بحمدالله نهضت فراگیری در حوزه حفظ قرآن را در کشور شاهد هستیم.

اما این نکته را باید مد نظر داشت که تمام اقشار جامعه توفیق حفظ کامل قرآن را ندارند و رهبر معظم هم به این مسئله واقفند که از میان جمعیت 75 میلیونی کشور تقاضای ده میلیون حافظ کرده اند. حال باید بررسی گردد که آیا راه کار دیگری هم وجود دارد که تمام اقشار جامعه بتوانند از معارف قرآن و حفظ آن بهره مند گردند؟ در پاسخ می‌گوییم: بلی.

در چندین سال قبل با توجه به راه اندازی مؤسسه موقوفه مکتب القرآن ثارالله و احداث شعبات متعدد[[347]](#footnote-347) و نظر به اینکه در طول سالیان متمادی جهت تبلیغ به مناطق جنوب کشور عزیمت نموده و از آن جـا کـه برنامه‌های مؤسسه حول محور قرآن و عترت می‌چرخید، قشرهای مختلف جامعه اعم از محصل، کارمند، کارگر، دانشجو، طلبه، خانم‌های خانه دار و ... که علاقه مند به حفظ قرآن کریم بوده اما بنا به دلایلی از جمله عدم وقت و توان کافی، مشغله‌های زندگی و ... توفیق حفظ قرآن را پیدا نمی‌کردند، پیشنهاد طرحی می‌دادند که کاری کنید تا ما هم از قافله حافظان قرآن کریم عقب نمانیم و حداقل روزانه یک آیه را همراه با ترجمه و مفاهیم آن حفظ کنیم.

از آنجا که کتابی در این عرصه وجود نداشت جزواتی را به عنوان طرح مقدماتی آماده کرده و در اختیار عزیزان قرار دادیم و با توجه به علاقمندی اقشار مختلف بالاخص جوانان و نوجوانان و تجربه موفق حفظ موضوعی، موفق شدیم با استعانت از خداوند متعال، کتاب آیه‌های ماندگار[[348]](#footnote-348) را در پنج جلد با هدف ماندگاری و کاربردی کردن آیات در دل و جان خواننده تدوین نمائیم، که این مجموعه پنج جلدی، در اصل؛ شیوه قرآن آموزی پیامبر اکرم است که روزی یک آیه را بر مردم تلاوت می‌کردند، سپس ترجمه و شرح و در ادامه نکته‌های آن را بیان می‌فرمودند و یاد آور می‌شدند که این آیه را حفظ کرده تا روز بعد آیۀ دیگری را آموزش دهند. و ما هم بنابر این سیره نبی مکرم اسلام بیش از 500 موضوع را از قرآن استخراج کرده و برای هر موضوع به ترتیب موضوع، آیه، ترجمه آیه، درس، توضیح مختصر و نکته‌های ناب را ذکر کردیم.

لازم به ذکر است این طرح ویژه نوجوانان و جوانان و بزرگ سالان بود.

اما در راستای حفظ موضوعی ویژه کودکان، بعد از نشر آیه‌های ماندگار و استقبال گروه‌های مختلف تصمیم به تدوین حفظ موضوعی ویژه کودکان گرفتیم که با همکاری مؤسسه قرآن و عترت ثقلین قم و جمعی از متخصصین و مؤلفین عرصه قرآن در پنج جلد منتشر گردید.

مجموعه آیه‌های مهربانی که ویژه کودکان است می‌تواند هفته ای یک آیه را در ضمیر کودک نهادینه کند. که در اصل یک روز کامل کودک را با قرآن به تصویر کشیده است. که با همکاری امام جماعت و یادگیری اعضاء مسجد هفته ای یک آیه را با کودک تمرین کرده و موضوعات مختلف و کوتاه قرآنی در حوزه کودک و خانواده او نهادینه گردد.

**2. طرح راهی به سوی نور 1، 2 و 3:**

در راستای عمل کردن به مفاهیم قرآن کریم طرحی را در بیش از بیست مسجد مهم در سطح مراکز استان‌ها و شهرستان‌های مختلف اجرا کردیم که بحمدالله بسیار تأثیرگذار بوده و نتایج نظر سنجی نشان از رضایت‌مندی مخاطبین مسجدی و غیر مسجدی داشته است.

همان‌طور که می‌دانید یکی از راه‌های عمل به قرآن کریم آشنایی در نهایت عمل به رساله توضیح المسائل است که متأسفانه بسیاری از مخاطبین ما با احکام شرعی خود ناآشنایند. بر اساس یک آسیب شناسی، طرح راهی به سوی نور 1 و 2 و 3 را مدنظر قرار داده و موفق به اجرای آن شدیم.

**توضیح و شرح مختصر:**

**راهی به سوی نور 1**: مجموعه 15 درس مباحث اصول اعتقادی است که مهمات و مباحث مبتلابه اعتقادی در قالب 15 درس به صورت بسیار ساده و روان در قالب 15 جلسه برای مخاطبین بیان می‌گردد.

**راهی به سوی نور 2**: مجموعه 20 درسی مباحث احکام به صورت دسته بندی و نموداری و پاورپوینت است؛ و احکام مبتلا به شرع مقدس که در رساله‌های توضیح المسائل مراجع آمده را با بیانی ساده و شیوا برای مخاطب بیان می‌دارد.

**راهی به سوی نور 3**: مجموعه 15 درسی اخلاق نظری و عملی و آداب اسلامی است که این دروس نیز به صورت موردی و طبقه‌بندی شده در اختیار مخاطب قرار می‌گیرد.

لازم به ذکر است در هر بخش این طرح، در هر سه مورد اخلاق، احکام و عقاید در ابتدا و قبل از اجرای طرح بروشورهایی که هر کدام حاوی یکصد سؤال تشریحی برگرفته از جزوات، بین فراگیران توزیع گردیده و هیجان مخاطب را تحریک کرده و فرد را برای دریافت پاسخ به کلاس‌ها و دوره‌ها هدایت می‌کند.

این طرح در قالب‌های متعددی می‌تواند برگزار گردد. به عنوان مثال راهی به سوی نور2 که اختصاص به مسائل احکام دارد، در 5 جلسه 90 دقیقه ای و 10 جلسه 60 دقیقه ای و 20 جلسه 30 دقیقه ای و 40 جلسه 15 دقیقه ای و 60 جلسه 10 دقیقه ای و 100 جلسه 5 دقیقه ای قابل اجراست و امام جماعت می‌تواند در همین قالب‌های فوق جلسات مهم احکام را برگزار نماید.

خوبی این طرح این است که مخاطب ما حداقل با پاسخ یک صد سؤال عقیدتی، یک صد سؤال فقهی و یک صد سؤال اخلاقی آشنا می‌گردد که در طرح احکام فراگیری که در دوره‌ها شرکت می‌کند با پاسخ بیش از 500 سؤال فقهی آشنا می‌گردد که تمام این مسائل، مقدمه ای و راهی به سوی عمل به معارف بلند قرآن کریم است.

**3. طرح محافل انس با قرآن و عترت و کرسی تلاوت قرآن**

یکی از راه‌های جذب افراد به سوی معارف بلند قرآنی؛ تجوید، روخوانی و روان‌خوانی، حفظ، قرائت و ... است. محافل انس با قرآن و دعوت از شخصیت‌های قرآنی و استفاده از نخبگان و فراگیری قرآنی مسجد و مدرسه و نزدیک آن و ... می‌باشد. بارها شاهد بوده ایم افرادی که جذب برنامه‌های قرآنی شده اند، شروع به کار آن‌ها و جرقه ای که در دل آن‌ها زده شده است از همین محافل انس با قرآن و عترت است که مخاطب را با ظرفیت‌های درونی خود آشنا می‌کند و او را به فکر عملیاتی کردن آن در درون خود می‌اندازد و تأثیر فوق العاده زیادی در روح و روان وی داشته و اور ابه سمت و سوی برنامه‌های قرآنی سوق می‌دهد.

در این محافل که هم از قاریان و هم از حافظان جوان و نوجوان و خردسال استفاده می‌شوند و با برنامه‌های متنوعی از قبیل مسابقه و جایزه همراه است، خانواده‌های قاریان و حافظان را با توانمندی‌های فرزندانشان آشنا نموده و خانواده‌های دیگر را تشویق می‌کند.

در ضمن نباید از این نکته غافل شد که سخنران ویژۀ برنامه اگر از شخصیت‌های قرآنی باشد می‌تواند تأثیر بسیار زیادی بر مخاطب جهت سوق جوانان به سمت قرآن باشد.

**4. طرح خانه‌های قرآنی نور**

پیامبر اعظم : «**نوروا بیوتکم بتلاوة القرآن**»[[349]](#footnote-349)

امام جماعت می‌تواند با هماهنگی هیئت امناء و تشکل‌های فرهنگی مسجد؛ با شناسایی خانواده‌های محل، آماری از مجاورین و همسایگان مسجد را با ذکر تمام مشخصات: نام، نام خانوادگی، تعداد فرزندان، شغل، تحصیلات، مشکلات، محاسن و توانمندی‌ها آن‌ها را در دفترچه ای تهیه کرده و طی یک برنامه سالیانه حداقل یکبار به خانواده‌ها سرکشی نمایند که این به مراتب در جذب مجاورین به مسجد مؤثر خواهد بود. بعد از شناسایی کامل محل و اطلاعات و آمار دقیق می‌توان چندین خانه را به عنوان خانه قرآنی نور تشکیل دهند و جلسات قرآنی که قرار است در مسجد شکل گیرد در خانه اعضاء مسجد و مجاورین برگزار گردد. بعد از آن مرحله دوم طرح این است که خانواده‌هایی که آمادگی خود را اعلام کنند، می‌توانند روز مشخصی را در هفته معین کنند و علاقمندان به قرآن را به خانه خود دعوت کنند و از مفاهیم قرآن بهره برند. برنامه‌های انس با قرآن در خانه‌های قرآنی می‌تواند متنوع و جذاب برگزار گردد که باعث رونق جلسات قرآنی گردد.

**5. نشریه هفتگی قرآنی تک برگی مسجد**

از آنجا که مسجد محور امورات فرهنگی محل است؛ لذا تنها برای نمازگزاران مسجد نباید برنامه داشته باشد و هنر امام جماعت مسجد و دیگر تشکلات فرهنگی در مسجد آن است که برای افرادی که در همسایگی مسجد بوده و در آن مکان مقدس حضور پیدا نمی‌کنند، برنامه ریزی کنند. که با تبلیغ مکتوب (نشریه تک برگی) که می‌توان بیش از بیست ستون در آن قرار داد با یک طراحی ساده اما زیبا و جذاب، آموزه‌های قرآنی ناب را بین همسایگان و مجاوران مسجد توزیع کرده و آنان را با فرهنگ اسلامی قرآن مجید آشنا نمود. این نشریه بسیار کم هزینه اما بازدهی بسیار بالا دارد که تشکل‌های فرهنگی در مسجد می‌توانند آموزه‌های مهم در حوزه قرآن و عترت و اخبار مهم مسجد، محل، شهر، کشور، جهان و هشدارهای تربیتی-‌اخلاقی را از طریق همین نشریه تک برگی در اختیار مجاوران مسجد قرار دهند.

**مهم‌ترین ویژگی‌های این طرح این است که؛**

چند گروه جوانان را مشغول فعالیت فرهنگی و تبلیغ مکتوب می‌کند؛

آموزه‌های قرآن را به دست مخاطبین غیر مسجد به صورت مکتوب می‌رساند؛

در جذب افراد به سمت و سوی مسجد و قرآن بسیار مؤثر است؛

کم هزینه اما بازدهی بالا دارد.

فهرست بعضی از ستون‌ها که می‌تواند در نشریه گنجانده شود را به صورت خلاصه می‌آوریم:

حفظ موضوعی(هر هفته یک آیه ذکر گردد همراه با ترجمه و نکته‌های ناب)؛

هشدارهای تربیتی قرآن؛

قصه‌های قرآنی کوتاه؛

اندرزهای قرآنی؛

احکام؛

یک نکته اخلاقی؛

یک روایت زیبا؛

برنامه‌های مسجد؛

سیره شهداء؛

سیره امام و رهبری؛

اخبار مسجد؛

طنز؛

سؤال مسابقه پیامکی؛

دل نوشته و ... .

**6. طرح انس با قرآن و تلاوت روزانه قرآن کریم همراه با ترجمه و مفاهیم**

خداوند در قرآن می‌فرماید: «**لقد منّ الله علی المؤمنین اذ بعث فیهم رسولاً من انفسهم یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمة و ان کانوا من قبل لفی ضلال مبین**»(آل عمران/164)

در آیه شریفه فوق یکی از وظایف پیامبر عظیم الشأن اسلام را تلاوت قرآن می‌داند. و در روایات فراوان تأکید بر تلاوت قرآن شده است که روزانه حداقل چند آیه بخوانید. راه کاری که در بعضی از مناطق تجربه شده است طرح انس روزانه مسجدیان و خانواده آن‌ها با قرآن مجید می‌باشد. در این طرح، دفترچه ای آماده شده است که طی یک برنامه ریزی یک ساله در جدولی مشخص، روزانه یک صفحه و نیم قرآن همراه با ترجمه و مفاهیم، تلاوت می‌گردد، که تمامی اعضاء مسجد به همراه خانواده و فرزندان می‌توانند با هماهنگی و نظارت و مدیریت امام جماعت این طرح را طی یک سال انجام دهند. که در همین دفترچه جدول‌هایی جهت یادداشت نکته‌های ناب تفسیری، آموزه‌ها و برداشت‌ها و حفظ موضوعی 50 آیه طراحی شده که مخاطب در کنار تلاوت می‌تواند جهت یادداشت مختصر و ذکر آدرس و کد تحقیقی بهره ببرد. این طرح در چند مسجد شیراز و نقاط دیگر اجرا گردید که بحمدالله با استقبال خوبی مواجه گردید و جوانان و نوجوانان زیادی در این طرح شرکت کردند. لذا ائمۀ جماعات می‌توانند با توزیع دفترچه و نظارت حداقل ماهی یک بار دفترچه‌ها را ملاحظه کرده و امضاء نماید و از روند اجرای آن مطلع گردد و اگر تعداد شرکت کنندگان زیاد است، با مشارکت افرادی که مورد تأیید امام جماعت می‌باشند، گروه‌بندی کرده و هر گروه را یک نفر مدیریت و نظارت کند. این طرح در حاشیه می‌تواند به صورت مسابقه و اهداء جوایز طی یک سال مخاطب را با قرآن شریف مأنوس کند.

**7. طرح ترجمه و مفاهیم**

«**هذا بیان للناس و هدی و موعظة للمتقین**» (آل عمران/138)

این(قرآن) بیان روشنی برای عموم مردم و هدایت و اندرزی برای پرهیزکاران است.

رهبر معظم انقلاب می‌فرمایند: «فهمیدن مفاهیم قرآن، فهمیدن ترجمه کلمه قرآن برای کسانی که به زبان عربی آشنایی ندارند لازم است.»

برای ارائه روشی آسان در آموزش ترجمه و مفاهیم قرآن «طی دو دهه اخیر تلاش‌های بسیاری انجام شده است. نتیجه این کوشش‌‌ها، کشف روش‌های علمی و کاربردی جدید در این زمینه بوده است. روش‌هایی که به فراگیری هرچه زودتر و بهتر مفاهیم قرآن کریم می‌انجامد و علاقه‌مندان را به وادی نورانی تفسیر نزدیک می‌کنند. از جمله روش‌های آموزشی اخیر، روشی است که اساس آن بر آموزش کلمات پر کاربرد و تکراری قرآن نهاده شده است.

با عنایت به اینکه مجموع کلمات قرآن کریم حدود 78 هزار کلمه است که بسیاری از آن‌ها تکراری است. مجموعه کتاب سه جلدی تحت عنوان آموزش ترجمه و مفاهیم قرآن کریم، تألیف حجج اسلام آقایان محدث، صفار و علامی به رشته تحریر در آمده که بیش از 1200 کلمه از کلمات قرآن که حدود دو سوم آن‌ها را کلمات پرکاربرد (بیش از ده مرتبه تکرار) تشکیل می‌دهد، در قالب طرحی آموزشی و با استفاده از آیات قرآن کریم آموزش داده می‌شود به گونه ای که فراگیران می‌توانند بسیاری از آیات ساده قرآن را –که از همین کلمات تشکیل شده اند– معنا کنند و چون تقریبأ تمام معارف اساسی قرآن در همین آیات گرد آمده است، راه یابی به این دسته از معارف قرآن عزیز آسان می‌گردد. فراگیران در این طرح آموزشی با معنای بیش از 766 کلمه از کلمات پرکاربرد قرآن آشنا می‌شوند. این کلمه‌ها در قالب 48 درس، در سه کتاب تنظیم شده است.

برادران و خواهرانی که سطح معلومات آن‌ها در حدود سوم راهنمایی باشد با یاری خدای مهربان و اراده استوار می‌توانند با روشی جذاب و ساده در پایان دوره، بسیای از آیات ساده قرآن را ترجمه کنند و با معنای بیش از 86 درصد از کلمات و واژه‌های قرآن کریم آشنا شوند. البته لازم به ذکر است که دانستن معنای 86 درصد کلمات قرآن به هیچ وجه قرآن آموز را از تفاسیر بی نیاز نخواهد کرد و در اصل نقطۀ آغازی برای انس با قرآن کریم است. و در او احساس نیاز به فهم دقیق قرآن را قوت می‌بخشد و وی را نسبت به پیگیری علوم و معارف قرآن شائق می‌کند.

سخن آخر در این مرحله این که : این طرح به عنوان طرح ملی وزارت فرهنگ و ارشاد شناخته شده که طی چندین سال در اقصی نقاط کشور در مؤسسات قرآنی اجرایی گردیده و بحمدالله استقبال خوبی از این طرح شده و توفیقات زیادی در زمنیه ترجمه و مفاهیم داشته است.

**8. طرح جامع آموزش روخوانی و روان‌خوانی ویژه کودکان**

همان گونه که امیرمؤمنان علی می‌فرمایند: «**العلم من الصغر کالنقش فی الحجر**»[[350]](#footnote-350)؛ علم و آموزش در کودکی مانند حکاکی در سنگ است. آموزش روخوانی و روان‌خوانی قرآن کریم را باید از سنین کودکی شروع کرد تا در بزرگسالی ما با معضل بی سوادی در حوزه قرآن مواجه نشویم.

طرحی که در بیش از 160 نقطه کشور در حال انجام است و بحمدالله با رشد بسیار خوبی مواجه شده و دارای استاندارد‌های علمی و آموزشیِ آموزش و پرورش و بهزیستی نیز می‌باشد؛ طرح آموزش روخوانی و روان‌خوانی پیش دبستانی مؤسسه موقوفه مکتب القرآن ثارالله است.

پس از یک دوره آموزشی یک سال تحصیلی(مهر تا اردیبهشت)، کودکان شش ساله با روخوانی و روان‌خوانی قرآن آشنا شده و با تسلط کامل قرآن را بخوانند، و بزرگان و مسئولینی که از این طرح بازدید کرده اند به همین مسئله اذعان دارند.

این طرح با شروع فصل مدرسه و ایام تحصیلی، پیش دبستانی نیز شروع به فعالیت می‌کند. کتاب اول، آموزش حروف الفبا است که در قالب 5 داستان، حروف‌هایی که بین فارسی و عربی مشترکند، آموزش داده می‌شود که حدود 6 هفته زمان لازم دارد. درضمن ترکیبات فارسی به صورت شفاهی کار می‌شود تا نوآموز از دوگانگی آموزش در اول ابتدایی مصون بماند که این نیز حدود 2 هفته زمان لازم دارد. کتاب دوم، کتاب کار روخوانی قرآن است که بعد از آموزش حروف الفبا، صدای‌های کوتاه و کشیده در قالب شعر، قصه، بازی آموزش داده می‌شود و پس از اجرای موفق این مرحله جشن قرآن گرفته می‌شود و در همین جشن کتاب قرآن برای شکوفه‌ها هدیه داده می‌شود. کتاب سوم؛ کتاب قرآن برای شکوفه‌ها است که پس از اجرای موفق دو مرحله قبل، مربی شروع به تدریس کتاب مذکور کرده و کار تدریس روخوانی انجام می‌شود و نوآموز می‌تواند تا اردیبهشت ماه هر کجای قرآن را که بخواهد با تسلط روخوانی نماید. در ادامه از اول مهر تا اردیبهشت دو کتاب دیگر نیز در حاشیه تدریس می‌شود. کتاب کار شکوفه‌های قرآنی که تمام مفاهیم دینی، علوم، ریاضی، هنر، بهداشت و سرفصل‌های آموزشی ابتدایی به صورت هفته به هفته و روزنگار از اول مهر تا پایان سال تحصیلی کار می‌شود و کتاب عطر آیه‌ها که شامل سه بخش است؛ 14 سوره، نماز، حفظ دعاها و آیات و احادیث کاربردی.

ائمه جماعات محترم می‌توانند در مسجد اتاقی را برای مهد کودک یا پیش دبستانی در نظر گیرند و کودکان را از سنین پایین با روخوانی قرآن آشنا کنند. مسئولین محترم مرکز رسیدگی به امور مساجد نیز می‌توانند به صورت گسترده دوره تربیت مربی، ویژه خواهران علاقمند، برگزار کنند، که پس از موفقیت در این دوره می‌توانند تدریس در پیش دبستانی‌ها را شروع کنند.

لازم به ذکر است که مؤسسه موقوفه مکتب القرآن ثارالله تا به حال بیش از سی دوره تربیت مربی برگزار کرده و در حدود بیش از هشت هزار نفر را در کل کشور آموزش داده است. این مرکز می‌تواند با تعامل با مؤسسه مذکور زمینه برگزاری دوره تربیت مربی را فراهم نماید.

**9. طرح جامع روخوانی و روان‌خوانی قرآن کریم**

از آنجا که قرآن کتاب هدایت است و به عنوان کتاب راهنمای زندگی و سعادت انسان است لازم است که تمامی مسلمانان حداقل بر روخوانی و روان‌خوانی قرآن تسلط کافی داشته باشند و ننگ است برای شیعه و یک مسلمان که از خواندن و تلاوت این کتاب سعادت بی بهره باشد. لذا پیشنهاد نهضت فراگیری روخوانی و روانخونی در تمامی شهرها و در تمامی سطح کشور با محوریت مسجد می‌تواند نقطه عطفی در تحول قرآن باشد. ما متأسفانه شاهدیم که درصد بسیار بالایی از تحصیل کردگان ما با روخوانی قرآن بیگانه هستند و توانایی تلاوت و قرائت قرآن را ندارند. و بر همین مبنا همان‌طور که در سوادآوزی نهضت فراگیر و عزم ملی صورت می‌گیرد، به نظر می‌رسد که شایسته است در بحث روخوانی و روان‌خوانی هم یک نهضتی فراگیر و عزم ملی و مدیریت جهادی صورت بگیرد تا ما در کشور امام زمان کسی نداشته باشیم که نتواند قرآن را بخواند.

**9-1. راه کار علمی ویژه جوانان و بزرگسالان:**

پیشنهاد می‌گردد یک دوره تربیت مربی روخوانی و روان‌خوانی برگزار گردد و علاقمندان پس از فراگیری دوره مانند مربیان نهضت سوادآموزی، خود به دنبال مخاطب رفته و آنان را با روخوانی قرآن آشنا کنند. همان‌طور که در سواد آموزی باید بی‌سوادی را ریشه کن کرد در قرآن آموزی هم باید به جایی برسیم که بی سواد قرآنی نداشته باشیم. و این مربیان نیز می‌توانند ساعتی را در شبانه روز خالی کرده و در اختیار مسجد قرار دهند که در هر ساعت شبانه روز کسی خواسته باشد قرآن بیاموزد افرادی داشته باشیم که بتوانند روخوانی و روان‌خوانی را در همه مقاطع سنی و تحصیلی آموزش بدهند.

لازم به ذکر است طرحی که ویژه نوجوانان در برخی مناطق کشور اجرا می‌گردد که سابقه بسیار زیادی داشته و هنوز هم رواج دارد و با استقبال خوب خانواده‌ها همراه است؛ طرح مکتب خانه‌هاست.

خانواده‌ها مقیدند که فرزندانشان را پس از تعطیلی مدارس به مکتب خانه که در یک اتاق یا گوشه ای از مسجد می‌باشد، می‌فرستند و طی دو ماه زیر نظر استاد، موفق به روخوانی و روان‌خوانی کامل قرآن می‌گردند. و بعضاً یک نوآموز تمام قرآن را با یک استاد جلو رفته و تمام آیات آن را برای استاد می‌خواند و اشکالات او گرفته می‌شود.

اینجانب در یک برنامه تابستانی که در یکی از مناطق (بخش وراوی از توابع شهرستان قهر فارس) جهت تبلیغ اعزام شده بودم؛ با مکتب‌خانه ارتباط خوبی داشته و هر روز در آن شرکت می‌کردم. در پایان دورۀ کلاس درصورتیکه قرآن‌آموزی، موفق به یادگیری روخوانی کامل قرآن می‌شد، برنام خاصی را برگزار می‌کردند. بدین صورت که قرآن را در یکی سینی که با پارچه سبز تزیین شده بود قرار می‌دادند و بر روی سر او گذاشته و از او می‌خواستند که جلو حرکت کند. درحالی‌که استاد و بقیه شاگردان پشت سر او قرار گرفته و به سمت منزل وی حرکت می‌کردند و اشعاری را با هم زمزمه می‌کردند. به درب خانه که می‌رسیدند، والدین قرآن‌آموز و بستگان و همسایگان به استقبال قرآن‌آموزان رفته و گوسفند قربانی می‌کردند. سپس افراد را به درون خانه هدایت می‌کردند. قرآن‌آموز در یک سکوی خاص که تزیین کرده بودند بر روی کرسی نشسته سورۀ الرحمن را تلاوت می‌کرد و به آیه «**فبأی الاء تکذبان**» که می‌رسید بقیه جواب می‌دادند. برنامه که تمام می‌شد از استاد به پاس زحمت و تلاش وی تشکر کرده و هدیۀ ویژه‌ای به وی تقدیم می‌کردند، سپس هدیه‌ای ویژه فرزند خود و هدایایی هم به هم‌شاگردهای وی تقدیم می‌کردند. و جالب تر اینکه بستگان و همسایگان هم به فردی که قرآن را به اصطلاح خودشان ختم کرده بود به تناسب، هدیه به رسم یاد بود تقدیم می‌کردند.

**طرح نسیم قرآن در ضیافت رحمن (ویژه ماه مبارک رمضان)**

در این طرح، اعضا در صحن مسجد به صورت حلقه ای یا ستونی در کنار رحل قرآن نشسته اند، روحانی و یا امام جماعت مسجد به عنوان مدیر جلسه برنامه را با یک صلوات آغاز می‌کند. در ادامه از آنجا که هر جزء قرآن به رسم‌الخط عثمان‌طه 20 صفحه است، هریک از اعضاء یک صفحه از قرآن را می‌خوانند و صفحه دهم که تمام شد یک استراحت داده می‌شود. و پس از پذیرایی مختصر میان برنامه امام جماعت چند مسئله شرعی پیرامون احکام روزه بیان می‌دارد. و از کودکان حاضر در جلسه خواسته می‌شود که سوره‌های جزء 30 را از حفظ بخوانند. در ادامه، ده صفحه بعد را ده نفر از اعضاء تلاوت می‌کنند و بقیه به آن صفحه گوش فرا می‌دهند. پس از اتمام جزء، امام جماعت آیاتی از جزء قرائت شده را انتخاب کرده و تفسیری از آن ارائه می‌نماید.

برای شب بعد، از حاضران می‌خواهد که 29 جزء غیر از جزئی که فرداشب در مسجد قرائت می‌گردد تلاوت کنند که هر کدام یک جزء کمتر یا بیشتر بسته به تعداد شرکت کنندگان دارد را قرائت کنند تا شب بعد که در جلسه قرائت قرآن شرکت می‌کنند 29 جزء قرائت شده و از 30 جزء فقط یک جزء باقی مانده است و هنگامی که این یک جزء را در مسجد قرائت کنند کل قرآن به صورت دسته جمعی ختم می‌گردد.

در حاشیه این برنامه، طبق سنت و رسم و رسوم مؤمنین در ختم قرآن، عزیزانی که سوره یس و الرحمن و اخلاص را بخوانند، شیرینی می‌دهند. عزیزانی که سوره یس و اخلاص را قرائت کرده پذیرایی جلسه و عزیزی که سوره الرحمن را قرائت کرده چند هدیه برای سؤالات مسابقه به کودکان حاضر در جلسه که قرآن از حفظ می‌خواند به امام جماعت تحویل می‌دهند. در خلال برنامه امام جماعت سؤالاتی را می‌پرسد و جوایزی تقدیم می‌کند. از ویژگی‌های این برنامه این است که هیچ هزینه مادی ندارد و همه از مخاطبین دریافت می‌گردد و کاملاً مردمی است. از آنجا مسجد طراز اسلامی که در زمان صدر اسلام و ائمه هدی و همچنین عصر ظهور و حضور حضرت حجت  در همۀ امور نقش محوری دارد و امام جماعت هم محور فعالیت‌های مسجد است، لذا پیشنهاد می‌گردد اعزۀ گرامی، ائمۀ جماعات محترم مساجد در ابتدا یک بانک اطلاعاتی در مسجد تشکیل داده بدین صورت که فرم‌های مخصوص والدین و فرزندان تهیه کرده و از همه مجاورین مسجد خواسته شود که در این داده آماری شرکت نمایند.

پس از شناسایی مخاطبین اعم از مجاورین و اهل مسجد از ظرفیت‌های بالقوه موجود در همسایگی مسجد و در محل مد نظر می‌توان در امور مختلف عمرانی، اقتصادی، فرهنگی و ... بهره‌های فراوان برد. بعنوان مثال، از معلمان جهت کلاس‌های تقویتی ویژه کودکان و نوجوانان و محصلین؛ از پزشکان جهت مشاوره پزشکی و ویزیت اهالی جهت پیشگیری از بیماری‌ها؛ از وکلا جهت مشاوره حقوقی؛ از کارمندان جهت استفاده اهل محل از ایشان در راستای ارتقاء شکوفایی محل؛ و ... .

تا این که از همه ظرفیت‌ها استفاده گردد و اهالی محل گروه بندی شده و نقش مهمی در ارتقای مسائل فرهنگی، امنیتی، عمرانی، اقتصادی و ... محل داشته باشند.

**منابع:**

قرآن کریم.

مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، 1110ق، دارالاحیاء التراث العربی، 1403ق.

حسینی مرعشی، نورالله، احقاق الحق،مکتبه المرعشی، 1019ق.

طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، جامعه مدرسین قم،1402ق.

هاشمی رفسنجانی، علی اکبر، فرهنگ قرآن، کلید راهیابی به موضوعات و مفاهیم قرآن کریم،قم، بوستان کتاب، چاپ اول، 1387.

الطبرسی، فضل الله بن الحسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، 548ق، انتشارات ناصرخسرو، تهران،1376ش.

کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، 329ق، دارالمکتب الاسلامیه، 1375ش.

نهج الفصاحه، ابوالقاسم پاینده، چاپ سوم، انتشارات خاتم الانبیاء، اصفهان، 1385ش.

نوبهار، رحیم، سیمای مسجد، چاپخانه اعتماد، قم، 1373.

عبدالباقی، محمد فؤاد، المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم، قم، نوید اسلام، 1383ق.

قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دار المکتب الاسلامیه، تهران، چاپ هشتم، 1378.

اله یاری، محمد، آیه های ماندگار، مکتب القرآن ثارالله، قدسیان، چاپ اول، 1390.

**نقش مسجد در تربیت دینی کودکان و نوجوانان**

**زهرا رسولی شورکی[[351]](#footnote-351)**

**چکیده**

این مقاله با عنوان نقش مساجد در تربیت کودکان و نوجوانان، عناوینی مانند عوامل مؤثّر در جذب کودکان و نوجوانان به مسجد و اثرات و فوایدی که گرایش به این مکان مقدس بر روی آنان دارد؛ که هدف آن آشنایی بیشتر والدین با نقش مسجد در تربیت فرزندانشان، مسجدی بار آوردن آنان و اقامه نماز جماعت در این مکان مقدّس است. از آنجایی که یک مکان به‌عنوان عامل تربیتی محسوب می‌شود، این مقاله به اثرات تربیتی که مکان‌های مقدّس بر روی کودکان و نوجوانان می‌گذارند رسیده و در سنین ده تا پانزده سالگی در مورد آن سخن گفته است. این نوشتار نقش مسجد را از منابع اخلاقی-تربیتی و به روش تحلیلی-توصیفی جمع‌آوری نموده و در اختیار علاقه‌مندان قرار داده است.

**واژگان کلیدی:**

تربیت، مسجد، کودکان و نوجوانان، نماز، امام جماعت، هیئت امناء.

**مقدّمه**

حضور جوانان در مسجد دارای موضوعیتی ویژه است امّا حضور این قشر مستلزم آن است که انسان از اوایل کودکی و نوجوانی با مسجد آشنا شده باشد؛ بنابراین دوران کودکی و نوجوانی به ‌قدری حساس است که اگر از فرصت آن استفاده نشود و شخص ساخته‌وپرداخته نشود امکان بازسازی او هیچ‌گاه مثل اوّل مقدور نخواهد بود پس والدینی که نسبت به آوردن کودک و نوجوان خود به مسجد مقیّد باشند حضور آنان را در مسجد در مقطع جوانی تضمین کرده‌اند.

با توجّه به مطالعات و بررسی‌های اندکی که انجام شده مقالات و کتب فراوانی درزمینۀ نقش تربیتی مسجد به ‌خصوص در رابطه با جوانان نگارش یافته و کمتر به نقش مسجد در تربیت کودک و نوجوان پرداخته که این مقاله در صدد است نقش مسجد را از منابع عمومی موجود جمع‌آوری نموده و به‌صورت دسته‌بندی شده در اختیار قرار دهد. پس ضروری به نظر می‌رسد که والدین و تمامی دست‌اندرکاران تربیت به این اصل مهم که نقش اصلی آن را مکان‌های مقدّسی مثل مساجد ایفا می‌کنند، آشنایی پیدا کنند و خود با مساجد بیشتر مأنوس شوند تا فرزندانشان هم با این مکان‌ها رابطۀ بیشتری پیدا کنند و اثرات تربیتی در آن‌ها ظهور و بروز پیدا کند و جوانانی به بار آیند که با روحیۀ دینی و مذهبی خدمتکار اسلام و جامعه به شمار روند.

این نوشتار بر آن است که راه‌های جذب کودکان و نوجوانان به مسجد و نیز اثرات و فواید گرایش آنان به این مکان را از منابع اخلاقی-تربیتی قابل دسترس جمع‌آوری نموده و به روش تحلیلی-توصیفی در اختیار قرار دهد.

**الف) مفهوم شناسی**

**1. مفهوم لغوی:**

تربیت به معنای پروراندن، پرورش دادن، ادب و اخلاق به کسی یاد دادن است.[[352]](#footnote-352)

مسجد به معنای جای سجده و محلی که مسلمانان در آن نماز گذارند، آمده است.[[353]](#footnote-353)

**مفهوم اصطلاحی:**

مسجد عبادتگاه مسلمانان،[[354]](#footnote-354) جایی که آنان در آن نماز می‌خوانند یا مراسم دینی انجام می‌دهند.[[355]](#footnote-355) کلمۀ مسجد اسم مکانى است که سجده در آن انجام مى‏شود، مانند خانه‏اى که به خاطر سجده براى خدا ساخته مى‏شود و جمع مسجد، مساجد است. مساجد به معنی مواضع سجود از اعضای بدن نیز آمده است و اگر اعضای سجده را که عبارت‌اند از پیشانی، دو کف دست، دو سر زانو و نوک شست پاها، مسجد می‌نامند برای این است که اینها نیز به نوعی با سجده ارتباط دارند.[[356]](#footnote-356)

تربیت ایجاد کردن تغییرات مطلوب در کسی یا متربّی و نیز به رفتارهای مناسب و مطابق با آداب و سنت‌های هر جامعه گویند.[[357]](#footnote-357) به فعلیت رساندن نیروی بالقوه که در دین مبین اسلام از وظایف حتمیّۀ هر کسی شمرده‌شده که خود و هر کس که در حوزۀ تسلّط اوست را تربیت کند و خویشتن را مسئول پرورش آن داند.[[358]](#footnote-358) فرآیند کمک به فرد تربیت‌پذیر برای ایجاد تغییر تدریجی در گستره زمان، در یکی از ساحت‌های بدنی، ذهنی، روحی و رفتاری اوست که به‌واسطه عامل انسانی دیگر برای دست‌یابی وی به کمال و شکوفاسازی استعداد‌ها یا بازدارندگی و اصلاح صفات و رفتارهای او است.[[359]](#footnote-359)

**ب) اهمیت آشنایی فرزندان با مسجد**

یکی از مکان‌هایی که می‌توان کودک را با معنویت آشنا کرد، مسجد است و اولین گام به‌سوی نماز و عبادت، قدم نهادن در این مکان است. همواره باید کودک را تشویق نمود تا به عبادت و مسجد روی آورد چرا که اگر شالوده ساختمان معنوی کودک را مثل ساختمان جسمی او محکم بنا کرد آیندۀ او که منتهی به نوجوانی و جوانی او می‌شود درخشان خواهد بود. یکی از ثمرات رفت‌وآمد به مسجد انس پیدا کردن با مسجد است همین که کودک می‌بیند دیگران در یک صف به‌سوی یک جهت و هدف، نماز می‌خوانند خود تأثیر مثبت می‌گذارد.[[360]](#footnote-360)

از طرفی هم نوجوانی دورانی پر از تغییرات گوناگون است و مرحله‌ای انتقالی و مهم به شمار می‌رود. در این مرحله هر چه در زندگی گذشته نوجوان رخ‌داده است، در وضع فعلی او اثر می‌گذارد و اتفاقات و تربیت این مرحله نیز در وضع زندگی آینده‌اش تأثیرات پایداری خواهد داشت. از همین رو بسیاری از بزرگ‌سالان به فرصت‌های ازدست‌رفته در دوران نوجوانی خویش برای ادامه تحصیل، کار، پیشرفت مذهبی و... افسوس می‌خورند. در زمانی که نوجوان به‌سرعت با تغییرات جسمانی مواجه می‌شود، اجتماع از او می‌خواهد که مستقل و مسئولیت‌پذیر باشد و روابطش را با همسالان به نحوی مناسب تنظیم کند. در این دوره از نوجوانان خواسته می‌شود که دروس خود را به خوبی مطالعه کنند، تکلیف‌های اسلامی را انجام دهند و برخی انتظارات دیگر که تحقق آن برای نوجوانان کار آسانی نیست. با توجه به موارد مذکور اهمیت مسجد به‌منزله محیطی تربیت‌کننده نمایان می‌شود.[[361]](#footnote-361)

درمجموع حضور کودکان و نوجوانان در مسجد از اهمیت و ارزش ویژه‌ای برخوردار است و سنگ بنای آیندۀ آن‌ها ست‌. حضور آنان را در مسجد باید سرمایه تربیتی والایی به حساب آورد، سرمایه‌ای که در آینده می‌توانند با کمک آن تجارت معنوی، اخلاقی و فرهنگی کنند.[[362]](#footnote-362)

**ج) عوامل مؤثر در جذب کودک و نوجوان به مسجد**

**1. والدین:**

جلوه‌های رفتاری والدین و نقش الگویی آنان در ترغیب فرزندان به نماز و مسجد از والاترین احساسات مذهبی است. به دیگر سخن زیباترین اوقات، زمانی است که فرزندان شاهد اقامه نماز پدر و مادر خود هستند، زیباتر از آن زمانی محقّق می‌شود که یک رفتار را همراه با تجارب خوشایندی برای بچه‌ها فراهم کرد و آن بازکردن بابی از خانه به طرف مسجد است که کودکان و نوجوانان جهت ارضای نیازهای عاطفی خود از طریق مذهب ارضاء شوند. هنگامی‌که فرزندان پدر و مادر خود را در حال اقامه نماز مشاهده می‌کنند در روان آن‌ها احساسی بسیار لطیف و خوشایند جلوه‌گر می‌شود و به نماز و مکان نماز علاقه‌مند می‌شوند.[[363]](#footnote-363) این است که قرآن کریم می‌فرماید: «**یَا بَنِی آدَمَ خُذُوا زِینَتَکُمْ عِنْدَ کُلِّ مَسْجِدٍ**...‌»[[364]](#footnote-364) «ای فرزندان آدم! زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد، با خود بردارید!...»

وجود مقدّس امیر مؤمنان علی در نهج‌البلاغه این موضوع را این‌چنین تبیین فرموده‌اند که: صفحه دل نوجوان هم‌چون زمین مستعدّی است که هیچ گیاهی در آن نروییده و آماده هر نوع بذرافشانی است. «**إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدَثِ کَالْأَرْضِ الْخَالِیَةِ مَا أُلْقِیَ فِیهَا مِنْ شَیْ‏ءٍ قَبِلَتْه‏.**»[[365]](#footnote-365)

از فرمایش امیر مؤمنان چنین نتیجه گرفته می‌شود که نوجوانان عمیقاً نسبت به رفتار الگوهای مطلوبشان علاقه‌مند و کنجکاو هستند. وقتی به الگوی محبوبی علاقه‌مند شدند تلاش می‌کنند آن الگو را در نهاد وجودی خویش وارد نمایند. به‌عبارت‌دیگر وقتی آن‌ها نسبت به رفتار بزرگ‌سالان همچون پدر و مادر که الگوهای رفتاری فوق‌العاده مؤثری هستند، الگوگیری می‌کنند اثراتش در اعمال و رفتارشان ظاهر می‌شود.[[366]](#footnote-366)

پس اگر چنین فضایی بر خانواده‌ها حاکم باشد که اهل مسجد، تهجّد و نماز باشند، والدین بهترین و مطمئن‌ترین همراه برای کودکان و نوجوانان خواهند بود و رفتار آنان مورد توجه و تقلید آگاهانه قرار می‌گیرد. به قول نبی گرامی اسلام حضرت محمّد: «**الْمَرْءُ عَلَى دِینِ خَلِیلِهِ‏ وَ قَرِینِه.‏‏**»[[367]](#footnote-367) «مرد هم‌کیش دوست و رفیق خود است.»

قابل‌ذکر است اگر در برنامۀ عبادی توسط والدین سهل گیری شود رفتن به مسجد و حضور کودکان و نوجوانان برای آنان در مسجد ملال‌آور نخواهد بود چرا که خداوند خود فرموده: ... [**یُرِیدُ اللَّهُ بِکُمُ الْیُسْرَ وَ لاَ یُرِیدُ بِکُمُ الْعُسْرَ ]**...‌[[368]](#footnote-368) «... خداوند، راحتی شما را می‌خواهد، نه زحمت شما را!...»

فرزندان همان‌گونه که به خوراک، پوشاک و بهداشت نیاز دارند از نظر رفتاری یک گرایش مذهبی و معنوی و دینی هم در وجودشان هست که شکوفایی و تقویت آن به حمایت و توجّه کامل پدر و مادر نیاز دارد. اگر والدین به نیاز مذهبی فرزندانشان توجّه کنند و از همان دوران کودکی در تقویت و شکل‌گیری آن کوشا باشند یقیناً نتیجۀ آن را در تربیت صحیح فرزندان و مقیّد بودن آنان به نماز و قوانین دینی خواهند دید.[[369]](#footnote-369)

رسول خدا می‌فرمایند: «**کُلُ‏ مَوْلُودٍ یُولَدُ عَلَى‏ الْفِطْرَةِ حَتَّى یَکُونَ أَبَوَاهُ یُهَوِّدَانِهِ وَ یُنَصِّرَانِهِ‏‏**؛[[370]](#footnote-370) هر کودکی با فطرت خدایی متولّد می‌شود و این پدر و مادر هستند که او را [از مسیر فطرت سلیم خود منحرف ساخته] یهودی و نصرانی بار می‌آورند.»

**2. دوستان:**

خانواده به عنوان نخستین کانون تعلیم و تربیت نقش عمده‏اى در برقرارى ارتباط کودکان و نوجوانان با مساجد دارد. بر این اساس اسلام سفارش مى‏کند: «فرزندان را از کودکى به نماز و روزه عادت دهید تا تقیّد به فرایض در بزرگ‌سالی بر آنان دشوار نگردد.» خانواده و دوستان از مهم‌ترین عوامل تشکیل‌دهندۀ شخصیت افراد هستند که در شکل‌گیری اندیشه تربیتی، سیاسی، تحصیلی و دینی فرد مؤثر خواهند بود. در خارج از خانواده، دوستان بر ارزش‌ها و بینش‌های کودکان و نوجوانان تأثیر زیادی دارند. از آنجایی که روابط دوستانۀ نوجوانان، قوی‌تر و مؤثرتر از دیگر رده‌های سنّی است، اهمیت گروه دوستان بیشتر می‌شود. خانواده‌ها باید به گونه‌ای غیرمستقیم بر دوستان و دوست‌یابی فرزند خود نظارت کنند و ملاک‌های دوست خوب و اهمیت دوست و دوستی را برای آنان بازگو کنند تا فرزندشان به‌وسیلۀ دوستان مؤمن و مقیّد به آموزه‌های دینی از جمله مسجد علاقه‌مند شوند.[[371]](#footnote-371)

وقتی‌که نوجوان دوست مسجدی داشته باشد هنگامی‌که با یکدیگر از مدرسه و یا محیط ورزش و بازی برمی‌گردند و به طور کلی هر موقع که بیرون از خانه همراه باشند دوست او که مقیّد به اقامه نماز جماعت و اول وقت آن‌هم در مکانی مثل مسجد باشد او را با خود همراه می‌کند و به مسجد می‌برد ولی اگر روحیات دوست او روحیۀ دین‌گریزی و عدم تقیّد به نماز و امور دینی و نماز جماعت باشد و اشتیاقی به مکان‌های مقدّس و مساجد نداشته باشد قطعاً در روحیۀ نوجوان هم تأثیر خواهد گذاشت و او را از این مسائل دور خواهد کرد.

**3. امام جماعت مسجد:**

امام جماعت در هر مسجدی عاملی مهم در پیشرفت مسجد به شمار می‌رود و اگر دارای ویژگی‌های لازم باشد تأثیری شایسته در تحوّلات مثبت در کودکان و نوجوانان و در نتیجه گرایش آنان به مساجد خواهد داشت.[[372]](#footnote-372) این ویژگی‌ها عبارت‌اند از:

**3-1. آگاهی امام جماعت از مسائل مذهبی، فرهنگی و اجتماعی**

اگر امام جماعت توانایی و اندوختۀ علمی زیادی داشته باشد هنگامی‌که سؤالی از طرف کودکان و نوجوانان در زمینه‌های مختلف مطرح شود او با استفاده از معلومات خود در زمینه‌های مختلف ازجمله اعتقادی، جامعه‌شناسی، روانشناسی و... پاسخگوی آنان خواهد بود. همین قدرت علمی روحانی مسجد باعث اطمینان آنان خواهد شد لذا همواره سعی می‌کنند در مواقع لزوم با او ارتباط برقرار سازند و روشن است که برقراری ارتباط با یک روحانی ابتدا از مسجد شروع می‌شود.

**3-2. وقت‌شناسی و حضور منظّم**

ضرورت دارد که امام جماعت در کلّیۀ کارهای مربوط به مسجد نظم و انضباط را مراعات کند، به‌موقع به مسجد بیاید و نماز را اقامه کند، اوقات سخنرانی را تنظیم و با توجّه به حال حضّار مطالب خود را بیان کند و از ذکر مطالب اضافی خودداری ورزد.

**3-3. شیوایی بیان**

مطالبی که امام جماعت بیان می‌کند،‌ باید حتی‌المقدور ساده و شیوا باشد و از تلفّظ کلمات و جملات عجیب و غریب و نا‌مأنوس بپرهیزد؛ ‌یعنی درعین‌حال که علمی، تخصصی و باسواد صحبت می‌کند، سنگین و نامفهوم صحبت نکند و این باعث می‌شود که کودکان و نوجوانان به حرف‌هایش علاقه نشان دهند ‌در غیر این صورت با توجه به روحیه و کم‌ظرفیت بودن آنان، خستگی و کسالت بر آن‌ها عارض می‌شود و این باعث بی‌میلی آنان به مسجد خواهد شد.[[373]](#footnote-373)

**3-4. خلّاقیّت و ابتکار**

اگر امام جماعت این ویژگی را داشته باشد یعنی هر آنچه را که می‌خواهد به کودک و نوجوان بفهماند با ذکر مثال‌ها، حکایت‌های تاریخی، شوخ‌طبعی، داستان‌های شیرین و با رعایت نکات روانشناسی کودک و نوجوان به گونه‌ای زیبا عرضه کند مسجد برای آنان جذاب‌تر خواهد شد.

**3-5. همراهی و دوستی با نوجوانان**

امام جماعت مسجد می‌تواند با کنار گذاشتن بعضی از محدودیت‌های کاذب یا غیرضروری، بین خود و نوجوانان،‌ آن‌ها را به خود نزدیک کند؛ به‌قدر معقول با آنان صحبت کند،‌ احوال آن‌ها را در حالت عادی و غیرعادی جویا شود و حتی‌المقدور در هم‌نشینی‌ها همراه آنان باشد و از هر فرصتی برای بیان مقصود خویش و آموزش دین، اخلاق، ادب و احکام استفاده کند.

**3-6. احترام و تواضع**

احترام گذاشتن به دیگران و داشتن حالت تواضع در مقابل افراد، نوعی ارادت قلبی به آنان است و با این منش می‌توان دیگران را به خود جذب کرد حال اگر تواضع و احترام از جانب روحانی و رهبر معنوی، ‌آن‌هم با نوجوانان و کودکان که دارای قلبی پاک و جویای صحبت هستند، صورت گیرد، قطعاً موفقیت‌های چشمگیری به دست خواهد آمد.

**3-7. آراستگی ظاهری**

روحانی و رهبر معنوی در اجتماع باید در قالب الگو و نمونۀ خوبی‌ها مطرح شود؛ بنابراین امام جماعت باید به بهترین وجه ممکن لباس بپوشد، تمیز باشد، محاسن مرتب داشته باشد و از عطر استفاده کند؛ شاید یکی از دلایل ضرورت این ویژگی به خاطر آن باشد که نوجوانان به ظاهر خود و دیگران توجّه زیادی دارند.

**3-8. توانایی جسمی**

در برگزاری نماز جماعت و سخنرانی‌ها لازم است امام جماعت، مسائلی نظیر وقت دیگران و سنّ حاضران را مراعات کند؛ ‌حال اگر امام جماعت سن بالایی داشته باشد، طبیعتاً نماز طولانی می‌شود و ممکن است مأمومین نوجوان خسته شوند.[[374]](#footnote-374)

**4. هیئت امنای مسجد:**

اگر هیئت امنای مسجد در ادای وظایف خویش جدّیّت داشته باشند و مصمّم حرکت کنند، در امور مسجد اختلال پیش نمی‌آید، پس وقتی‌که کودکان و نوجوانان ببینند که امور مسجد دارای نظم خاصی است گرایش بیشتری به مسجد پیدا می‌کنند.[[375]](#footnote-375)

هیئت امنا باید به مسئلۀ نوجوانان اهتمام داشته باشند و باید توجه کنند که ادارۀ‌ امور مساجد نباید به شکل سنّتی باشد، یعنی به شکلی که گاهی اوقات مشاهده می‌شود اکثر کودکان و نوجوانان را به دلیل شلوغ کردن، حرف زدن و غیره از مسجد بیرون می‌کنند، ‌یا نسبت به آنان بدرفتاری می‌شود، چرا که این نوع برخوردها سابقۀ بدی را در اذهانشان باقی می‌گذارد.[[376]](#footnote-376)

**5. بهداشت مسجد:**

مساجد محل نشر معارف و فرهنگ اسلامی هستند و مأذنه‌های آن ندای نویدبخش سعادت و پاکیزگی و شعار النظافه من الایمان را سر می‌دهد پس سزاوار است که نخست خود این مکان‌ها به این شعار جامعۀ عمل بپوشانند. هرگاه فضای مسجد پاکیزه باشد و موارد آزاردهنده در آن نباشد فضایی به وجود خواهد آمد که شمیم عطرآگین آن انسان را به‌طرف خود خواهند کشاند.[[377]](#footnote-377)

یکی از مأموریت‌های مهم حضرت ابراهیم و اسماعیل: این بود که همیشه مساجد را پاک و مطهّر نگاه دارند: «... **وَ عَهِدْنَا إِلَى إِبْرَاهِیمَ وَ إِسْمَاعِیلَ أَنْ طَهِّرَا بَیْتِیَ لِلطَّائِفِینَ وَ الْعَاکِفِینَ وَ الرُّکَّعِ السُّجُودِ**»[[378]](#footnote-378) «... و ما به ابراهیم و اسماعیل امر کردیم که: خانه مرا برای طواف‌کنندگان و مجاوران و رکوع‌کنندگان و سجده‌کنندگان، پاک و پاکیزه کنید!» لذا مسئولان مسجد در خصوص نظافت منظّم مسجد توجّه بیشتری را مبذول دارند تا رعایت این مسئله منجر به رغبت بیشتر نوجوانان به مسجد شود.

**6. امکانات تفریحی و سرگرمی در کنار مسجد:**

در زمان ما دامنه تهاجم دشمن به قلمرو اندیشه‌های دینی گسترش یافته است و دشمنان برای تباه کردن جوامع اسلامی و گمراه نمودن نوجوانان مسلمان از صدها شیوه و ابزار گوناگون بهره می‌جویند در مقابله با این موج ضدّ فرهنگی و دینی باید تمامی ابزار و امکانات موجود را به‌کار بست و یک کار تبلیغی اصولی را از سنگر مساجد پی‌ریزی نمود. ازجمله کارهای زیر بنایی در این زمینه بنا نهادن مؤسسات و مراکز آموزشی فرهنگی در کنار مساجد است. وجود چنین مراکزی نسل امروز را با مسجد پیوند می‌دهد و از تکرار افسانه تلخ و غمبار جدایی دین از دانش و نسل جدید جلوگیری می‌کند.[[379]](#footnote-379)

بهتر است در کنار مساجد مکانی برای بازی کودکان قرار داده شود تا به شوق بازی و یا اسباب‌بازی بیایند و کم‌کم با مسجد آشنا شوند گرچه به شوق تفریح و بازی می‌آید ولی کم‌کم عشق به مسجد پیدا می‌کنند در این صورت روحیۀ امید و تعبّد در او زنده شده و از کودکی با معنویّت در لباس بازی آشنایی پیداکرده، بازی و مسجد در کنار هم نقش می‌بندند.[[380]](#footnote-380)

**7. هدیه و محبّت:**

رسول خدا فرمودند: «**الْهَدِیَّةُ تُورِثُ‏ الْمَوَدَّة**»[[381]](#footnote-381) «هدیه، محبّت می‌آورد.»

شخصی می‌گفت: «با فرزند کوچکم به مسجد و برای نماز جماعت رفتیم. بین دو نماز، شیرینی به افراد دادند. فردا شب پسرم گفت: بابا! مسجد نمی‌رویم؟ ازآن‌پس هر وقت او را به مسجد می‌برم، اگر شیرینی و... نبود، وقتی بیرون آمدیم حتماً برایش شکلات می‌خرم تا پیوند مسجد آمدن با برخورداری از یک چیز دوست‌داشتنی در ذهن او گسسته نشود و علاقه به مسجد و نماز، تداوم یابد.»[[382]](#footnote-382)

می‌توان گفت اگر در مناسبت‌های مربوط به اهل‌بیت در مسجد مراسمی برپا شود و بعد از آن پذیرایی انجام گیرد باعث گرایش بیشتر کودکان و نوجوانان به مسجد خواهد شد. اگر در مسجد برای آنان جشن تکلیف گرفته شود و به آن‌ها شیرینی و عیدی و کادو داده شود یا اعطای مدال و اهدای جوایز و تشویق‌ها در مسجد برگزار شود، خواه‌ناخواه تأثیر مطلوب خود را خواهد گذاشت؛ و این گره زدن خوشی‌های زندگی با نماز و مسجد خواهد شد.[[383]](#footnote-383)

**د) آثار و فواید گرایش کودکان و نوجوانان به مسجد**

**1. دین آموزی و تقویت ایمان و اعتقاد:**

اگر کودکان و نوجوانان پایه‏هاى اعتقادى استوار و تربیت دینى درست نداشته باشند، آسیب‏پذیرترین قشر جامعه در مقابل امواج گناه و فساد اخلاقى و اجتماعى به شمار مى‏آیند. دشمنان اسلام و انقلاب اسلامى نیز، برنامه و بودجه زیادی را براى تهاجم فرهنگى اختصاص داده‏اند و با همۀ ابزارها و شیوه‏ها در پى جدا ساختن این قشر جامعه از جریان مقدّس اسلام و مسائل توحیدی و اعتقادی هستند. چه خوب است که برای صیانت آنان از این آفت‌ها برنامه‌ریزی کرد.[[384]](#footnote-384) می‌توان گفت یکی از این برنامه‌ها به مسجد بردن آنان است؛ چرا که مسجد در تغذیۀ فکرى، روحى، عاطفى و هدایت آنان در بستر صراط مستقیم و بر اساس قرآن و عترت به‌عنوان مکان مقدّس گام بزرگی را می‌تواند بردارد.

شرکت در نماز و حضور در مساجد، گواه ایمان و اعتقاد انسان است. چنانچه در روایت معصومین: هست که می‌فرمایند: «شرکت در نماز جماعت مسجد، دلیل و گواه بر نمازخوان بودن آن در بین مردم است»[[385]](#footnote-385) و در جای دیگر می‌فرمایند: «**إِذَا رَأَیْتُمُ الرَّجُلَ یَعْتَادُ الْمَسَاجِدَ فَاشْهَدُوا لَهُ‏ بِالْإِیمَانِ‏** ...‏»[[386]](#footnote-386) «رفت‌وآمد مداوم در مسجد شهادت و گواه بر ایمان وی خواهد بود ...»

فردی که به مسجد رفت‌وآمد داشته باشد از آموزه‌ها و صحبت‌های دیگران استفاده می‌کند، وقتی‌که نوجوانی در مسجد برای نماز حاضر شود و بعد از نماز صحبت‌های امام جماعت را بشنود در ایمان و اعتقاد او اثرات بسیار سازنده‌ای را می‌گذارد چرا که امام جماعت در مورد مسائلی چون امامت، ولایت، معاد، قبر و قیامت، دنیا و مذمّت دنیاگرایی در قالب احادیث و حکایات سخنرانی می‌کند در روحیۀ وی اثر گذاشته و باعث تقویت مبانی اعتقادی و ایمان او خواهد شد.

**2. تعلیم قرآن و دعا:**

در میان همۀ مباحث و علوم دینی، پرداختن به علوم قرآن در مسجد دارای اهمّیتی ویژه است زیرا قرآن و مسجد پیوندی خاص با یکدیگر دارند. پیامبر گرامی اسلام فرموده‌اند: «**إِنَّمَا نُصِبَتِ الْمَسَاجِدُ لِلْقُرْآنِ**»[[387]](#footnote-387) «مساجد را برای (خواندن و فهمیدن) قرآن بناکرده‌اند.» و نیز فرموده‌اند: «**مَنْ‏ أَحَبَ‏ الْقُرْآنَ‏ فَلْیُحِبَّ الْمَسَاجِد**»[[388]](#footnote-388) «دوستدار قرآن، مسجد را نیز باید دوست داشته باشد.»

**3. پرورش حبّ اهل‌بیت**

یکى از راه‌های محبّت اهل‌بیت در کودکان و نوجوانان، پدید آوردن صحنه‏ها و فضاهایى است که آن‌ها در شرایط روحى خاصّى قرار بگیرند و به‌تدریج حسّ درونى آنان بیدار شود و جذب گردند. چه‏بسا اگر آنان را به حال خود رها کرد، به این سمت و جهت کشیده نشوند و به مجالس دعا و توسّل نیایند. ولى اگر ترتیبى دهیم که در این فضا قرار گیرند، جذب مى‏شوند. مثلاً اردوهاى فرهنگى و زیارتى و دیدار از حرم‌ها، زیارتگاه‌ها، شرکت در مجالس دینى و دعا و توسّل و عزادارى و ملاقات با شخصیت‌های معنوى، برگزار شود.[[389]](#footnote-389) بنا به نظر بنده این امور با حضور آنان در مسجد به‌دست می‌آید وقتی‌که کودک و نوجوان در مسجد حضور پیدا می‌کنند و در مسجد مجلس عزا و نوحه برپا شود عواطف آنان بر محور اهل‌بیت رشد و تعالی می‌یابد.

**4. دوست‌یابی:**

هنگامی‌که یک کودک و نوجوان به مسجد رفت‌وآمد داشته باشد می‌تواند دوستان زیادی پیدا کند و از دوست‌یابی در مراکز سوء و فحشاء و دوستان ناباب مصون بماند. حضرت علی هنگام بر شمردن آثار رفت‌وآمد و مراوده با این مکان مقدّس یکی از فواید آن را «... **أَخاً مُسْتَفَاداً فِی اللَّهِ عَزَّ وَ جَل‏** ...‏‏»[[390]](#footnote-390) «... برادر ایمانی که در مسیر خداوند از او استفاده کند...» بیان می‌فرمایند؛ و نیز از مضمون حدیث معصوم که می‌فرمایند افرادی که وارد مساجد می‌شوند افراد شایسته و اصیل هر قومی هستند، می‌توان استفاده کرد که به یقین همه‌کس توفیق نخواهد داشت نامش در شمار افراد دعوت‌شده به مسجد باشد و مسجد جایگاه افراد شایسته و مورد اعتماد است لذا می‌توان در آنجا دوستان دینی و واقعی خود را پیدا کرد.[[391]](#footnote-391)

**5. نظم آموزی:**

مسجد در یک جامعۀ اسلامی جایگاه تجمع منظّم و همه‌روزۀ مؤمنان حق‌جوست. آوای ملکوتی اذان به‌خودی‌خود آنان را به مسجد فرامی‌خواند و جلسه‌ای منظّم از دوستداران معارف اسلامی فراهم می‌آید بنابراین وقتی‌که کودکان و نوجوانان به مسجد بیایند و این نظم و هماهنگی اهل مسجد با همدیگر و با امام جماعت را می‌بینند این را برای خود الگو قرار می‌دهند و مسئلۀ نظم و یکپارچگی بیشتر برایش تجلّی و بروز پیدا می‌کند.[[392]](#footnote-392)

**6. ایجاد آرامش روحی و روانی:**

مسجد خانۀ الهی در گستره زمین و پناهگاه مؤمنان است. در آنجا دل‌ها با ذکر و یاد خدا آرام‌گرفته، از تنش‌های روانی دور می‌شوند. جسم در سایۀ آرامش روحی سالم و متعادل می‌شود بنابراین آرامش روح تندرستی انسان را تضمین می‌کند و این اطمینان و آرامش که نتیجۀ ذکر خداست «**الَّذِینَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِکْرِ اللَّهِ أَلاَ بِذِکْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ‌‌**»[[393]](#footnote-393) «آن‌ها کسانی هستند که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان به یاد خدا مطمئن (و آرام) است؛ آگاه باشید، تنها با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد!» در سایۀ مذهب و قداست مکان‌های مذهبی به اوج خود می‌رسد. پس اگر کودک و نوجوان امروز به مسجد رفت‌وآمد داشته باشند تندرستی روحی و روانی آن‌ها تضمین‌شده خواهد بود همان‌طور که حضرت رسول اکرم می‌فرمایند: «... **مَنْ‏ کَانَتِ‏ الْمَسَاجِدُ بَیْتَهُ ضَمِنَ اللَّهُ لَهُ بِالرَّوْحِ وَ الرَّاحَةِ** ...»[[394]](#footnote-394) «هرکس مساجد خانه‌اش باشد خداوند آسایش و آرامش را برای او ضمانت می‌کند.»

**7. پرکردن اوقات فراغت:**

هرگاه کودک و نوجوان به مسجد رفت‌وآمد داشته باشند و در مسجد با برنامه‌های مختلف، پرمحتوا و متنوّع مشغول شود از این راه‌ها ارضاء فکری می‌گردد و هیچ‌گاه در ذهنش مکانی برای فرهنگ مبتذل غرب باقی نمی‌ماند.[[395]](#footnote-395)

برای پر کردن اوقات فراغت آنان خوب است که به مناسبت‌های مختلف، مسابقه‌های کتاب‌خوانی، اردوهای تفریحی-زیارتی از طرف مسجد برگزار شود و نوجوانان در این مسابقات و اردوها شرکت کنند این کار باعث می‌شود که اوقات فراغت آن‌ها به طور مفید و با معنویّت پر شود و آن‌ها متوجّه می‌شوند که مسجد علاوه بر اینکه جایگاه عبادت است مکانی برای تفریحات سالم نیز هست.

**8. تقویت خلّاقیت و مسئولیت‌پذیری:**

امیر مؤمنان علی می‌فرمایند: «**لَا تَسْتَصْغِرَنَ‏ عِنْدَکَ الرَّأْیَ الْخَطِیرَ إِذَا أَتَاکَ بِهِ الرَّجُلُ الْحَقِیر**»[[396]](#footnote-396) «افکار ارزشمند افراد غیر مهمّ را کوچک نشمارید.» با توجّه به فرمایش حضرت می‌توان گفت که چه خوب است برای آموزش مسئولیت‌پذیری به کودکان و نوجوانان، مسئولیت‌هایی چون مؤذّن و مکبّر بودن بر عهدۀ آنان گذاشته شود و نیز هنگام برگزاری مراسم‌های مذهبی ازجمله اعیاد و ایام شهادت معصومین که مسجد نیاز به تزیین و یا سیاه‌پوشی دارد از آن‌ها کمک گرفت، هنگام قرائت قرآن، توزیع و جمع‌کردن این کتب مقدّس را بر عهدۀ آنان گذاشت. برای تمیزی و نظافت محیط مسجد از آنان کمک گرفت. برای پیشبرد فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی از تفکّرات آن‌ها بهره گرفت که این باعث شکوفایی استعدادهای نهفتۀ آنان و تقویت نیروی خلّاقیت و ابتکار در آن‌ها و علاقۀ بیشتر به مسجد و نماز می‌شود.

**9. پرورش روحیۀ جمع‌گرایی:**

از تأثیرات مناسب مسجد بر تعلیم و تربیت افرادی که در آن حضور می‌یابند تقویت و پرورش روح جمع‌گرایی، انعطاف‌پذیری، نظم‌پذیری و پیوستن به جمع را می‌توان برشمرد. حضور در مسجد درون‌گرایی، خودمحوری افراطی و بیگانگی از جمع را از کودکان و نوجوانان دور می‌کند. هنگامی‌که آنان وارد مسجد می‌شوند با افکار گوناگون، اشخاص متفاوت برخورد می‌کنند این علاوه بر آثار تربیتی و آموزشی، روح فردگرایی و خودبینی را در آنان از بین می‌برد و باعث می‌شود تنها به منافع شخصی خود فکر نکند و در صورت تزاحم منفعت شخصی و منافع جامعه، مصلحت شخصی را کنار گذاشته و جامعه را از خود بداند.[[397]](#footnote-397)

**نتیجه گیری:**

مسجد مکانی مقدّس است که در ابتدا تداعی‌کنندۀ نماز جماعت و مراسم‌های دینی و مذهبی می‌باشد امّا اسلام مسجد را پایه‌گذاری نمود تا افزون بر دعا و نیایش و عبادت کانون تعلیم و تربیت و فعالیت‌های آموزشی و فرهنگی نیز باشد. یکی از کارکردهای مهمّ این نهاد مقدّس کاربری آن در خصوص امور تربیتی و آموزشی است. این مکان با کارکردهای زیادی که دارد می‌تواند والدین و تمامی دست‌اندرکاران تربیت را کمک نموده و راه‌گشای بسیاری از مشکلات تربیتی آنان به شمار رود و از این طریق می‌توانند استعدادهای فطری خداجویانه کودکان و نوجوانان خود را بیدار نگه‌داشته و باعث تقویت باورهای مذهبی و اعتقادی آنان شوند.

**راهکارها:**

انتخاب امام جماعت جوان، صبور، مشاور و خلّاق برای مساجد.

تعلیم خانواده‌ها جهت تربیت فرزندان بر محور مسجد و نماز جماعت.

تشویق فرزندان با هدایا و جوایز به خاطر شرکت در نماز جماعت و حضور در مسجد.

برگزاری مسابقات فرهنگی و کتاب‌خوانی در مساجد.

شناساندن آثار نماز و حضور در مسجد به فرزندان و با کمک رسانه‌های جمعی، گنجاندن چنین مطالبی در کتب درسی توسط آموزش‌وپرورش.

**فهرست منابع و مآخذ:**

قرآن کریم، ترجمه ناصر مكارم شیرازى.

نهج‌البلاغه، ترجمه حسین انصاریان.

ابن‌بابویه، محمد بن على‏، علل الشرائع‏، قم، داورى‏، 1385‏.

ابن بابویه قمی‏، ابوجعفر محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسین‏ حوزه علمیه، 1413ق.

اعرافی، علیرضا، فقه التربیه، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، 1387.

انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، تهران، سخن، 1381.

پرهیزکار، علی‌اکبر، تشویق و تنبیه کودکان، قم، پیام دبیر، 1383.

تمیمى آمدى، عبدالواحد بن محمد، تصنیف غررالحکم و درر الکلم، قم، دفتر تبلیغات‏، 1366.

حرّ عاملى، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل‌البیت، 1104ق‏.

حسینی دشتی، سید مصطفی، معارف و معاریف، قم، اسماعیلیان، 1369.

رضایی، علی، جایگاه مساجد در فرهنگ اسلامی، قم، مؤسسه فرهنگی ثقلین، 1382.

طباطبایی، سید محمدحسین، تفسیر المیزان، سید محمدباقر موسوى همدانى، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، 1374.

عرشی نیاسر، عباس، مسجد گوهر بی‌همتا، قم، معروف، 1387.

عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران، امیرکبیر، 1374.

قرائتی، تقی، آیین امامت مسجد، قم، زیّنی، 1390.

کریمی، رضا، کلیدها و تکنیک‌های طلایی تربیت برتر، قم، نسیم حیات، 1386.

كلینى، محمد بن یعقوب، الكافی، محمدباقر كمره‌اى، تهران، دار الكتب الإسلامیه، 1407ق.

مجلسى، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت‏، دار إحیاء التراث العربی‏، 1403ق.

محدّثی، جواد، عشق برتر، قم، بوستان کتاب، 1381.

معاونت فرهنگ، آموزش و پژوهش ستاد اقامه نماز، نماز - مسجد و خانواده، تهران، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی ستاد اقامه نماز، 1390.

معین، محمد، فرهنگ معین، تهران، امیرکبیر، 1360.

نوبهار، رحیم، سیمای مسجد، قم، مؤلّف، 1373.

نورى، حسین بن محمدتقی، مستدرك الوسائل، قم، مؤسسه آل‌البیت 1408ق.

**نرم‌افزارها:**

جامع تفاسیر نور 1/2، مركز تحقیقات كامپیوترى علوم اسلامی.

جامع الأحادیث 5/3، مركز تحقیقات كامپیوترى علوم اسلامى‏.

**وضعیت‌شناسی رابطه جوانان و مسجد**

**حمید میرعباسی[[398]](#footnote-398)**

**چکیده**

در این نوشتار در پی پاسخ به این سؤال هستیم که در حال حاضر مساجد با چه مسائلی در زمینه جذب جوانان مواجه هستند؟ برای پاسخ به این سؤال با استفاده از روش مطالعۀ کیفی و رویکرد تحلیل محتوای کیفی و با انجام مصاحبه با 90 نفر از مردم و امامان جماعت مساجد شهر تهران، به دو نوع وضعیت در این زمینه برخورد کردیم. این دو وضعیت عبارت بودند از رهیافت نیاز محور و رهیافت آسیب محور. نتیجه حاصل از این دو رویکرد نشان دهنده این نکته بود که از یک سو ما برای انجام فعالیت جامعه‌پذیری دینی در مساجد نیاز به برنامه و اتاق فکر قوی داریم و از سوی دیگر امروزه مسجد به محلی برای پر کردن خلأهای دیگر نهادهای جامعه تبدیل شده است.

**کلیدواژه:**

مسجد، جوانان، رهیافت نیازمحور، رهیافت آسیب‌محور، روش‌کیفی.

**مقدمه**

مسجد از جمله مهم‌ترین و فعال‌ترین کانون‌های ارتباطات سنتی در ایران بعد از اسلام بوده است. (فرقانی،1387: 85) به همین دلیل در حوزه ارتباطات سنتی و در زمینۀ فعالیت مسجد می‌توان کارکردهایی نظیر ترویج و تقویت باورها، عقاید عمومی و فرهنگ را از مسجد انتظار داشت.

اما تفاوت مسجد با دیگر نهادهای جامعه در محتوایی است که این نهاد ارائه می‌دهد، محتوا و یا پیامی که در حوزه مسجد انتقال پیدا می‌کند، متکی است بر مفاهیم دینی و ملازم با جامعه‌پذیری دینی. این کارکرد در سالهای پیش از انقلاب اسلامی به شکل واضح بر عهده این نهاد بوده است. پس از پیروزی انقلاب و با تغییراتی که در سطح جامعه اتفاق افتاد، در کنار این نهاد، نهادهای ارتباطات رسانه‌ای نیز مکفل این امر (جامعه‌پذیری دینی) و البته هر سال نیز این روند سمت و سوی تازه‌ای می‌یابد.

حضور ارتباطات رسانه‌ای و تحول در سطح تکنولوژی در سطح جامعه و تغییر در فرهنگ موجب شده است که امروزه ما با افتی در سطح جذب به مساجد مواجه باشیم و البته این مسئله در سطح جوانان بیشتر است؛ (م. ش. فرجی و کاظمی،1388) از این رو این مقاله به بررسی این امر می‌پردازد و سعی می‌کند رهیافت‌های فعلی جامعه را در مورد جذب و یا عدم جذب جوانان به این نهاد سنتی و مهم، را مورد بررسی و ارزیابی قرار دهد. روش تحقیق در این پژوهش کیفی است که در پی یافتن چگونگی ساخت جهان اجتماعی است، البته در این ساخت، نقش انسان یا فرهنگ و کنش‌های انسانی مورد توجه قرار می‌گیرد. (ایمان، 1388: 142)

از این روی در این تحقیق بر اساس برنامه پژوهش کیفی از روش تحلیل محتوای کیفی به عنوان روش مرکزی و روش مطالعه اسنادی به عنوان تکمیل کننده شده است.

ضمناً در این پژوهش از مصاحبه به عنوان ابزار محوری در زمینه جمع آوری اطلاعات استفاده شده؛ و در کنار آن از روش مشاهده مشارکتی در جهت تکمیل جمع آوری اطلاعات استفاده گردیده است.

در طول مدت غریب به 3 ماه کار میدانی در این تحقیق، تعداد 90 مصاحبه با مردم تهران و امامان 14 مسجد، انجام شد.

به طور کلی بر اساس مطالعات صورت گرفته در شهر تهران می‌توان، دو نگرش کلی را در مورد دلایل عدم حضور جوانان در مسجد از یکدیگر بازشناسی کرد. این دو رهیافت عبارت هستند از: 1- رهیافت نیاز محور و 2- رهیافت آسیب محور که دراین مقاله د رپی تبین پرسش اصلی بواسطۀ این دورهیافت خواهیم بود.

**الف: رهیافت نیاز محور**

در این رهیافت بحث بر سر این است که امروزه جامعه دچار تحول و دگرگونی شده است و این تحول و دگرگونی می‌باید در ساختِ نهادی مانند مسجد نیز دیده شود؛ و از کسانی که در این رهیافت قرار می‌گیرند خواستار ایجاد کارکردهای جدیدی در مسجد می‌باشند که مناسب با تحولات امروزی است. (م. ش. ناری ابیانه، 1382)

اگر از زاویه ای درست به این مطلب نگاه کنیم و واضح است که امروزه جامعه ما، در حال گذار است و ساختار تازه‌ای را به وجود آورده و تجربه می‌کند؛ از این رو است که برخی از صاحب‌نظران معتقدند وقتی نهادهای دیگر جامعه کارکردهای خود را به درستی انجام ندهند توجیهی برای ورود که فعالیت‌های غیر دینی با وجهۀ مذهبی به داخل نهادی مانند مسجد به وجود می‌آید و به عنوان یک کارکرد جدید در آن تعریف می‌گردد. (م. ش. محمدی،1381: 234)

در نتیجه کارکردهای تازه‌ای که به نهاد مسجد در جامعه ما تحمیل می‌شود به نوعی ناشی از کم کاری باقی نهادهای موجود در جامعه است؛ و مسجد به عنوان یک نهاد اصلی که مورد مراجعه توده مردم می‌باشد، در این وضعیت، کارکردهای غیر دینی را به توجیه دینی، انجام می‌دهد.

این بحث را می‌توان در دو بخش کلی پیگیری نمود که عبارت است از: 1- ارتباطات 2- فعالیت‌های جانبی.

هر کدام از این دو خود، دارای زیر مجموعه‌هایی می‌باشد؛ ولی آن چه که در نگاه اول می‌توان بدان اشاره کرد این که هر دو نشان از جامعه ای در حال تحول و عدم کارایی نهادهای موجود در آن می‌باشند.

**1. ارتباطات**

یکی از مقوله‌هایی که در رهیافت نیازمحور مورد اشاره قرار گرفته است، بحث ارتباطات است که البته این خود به چند بخش تقسیم می‌شود.

**1-1. ارتباطات میان فردی**

در اینجا بحث پیرامون نحوۀ برقراری ارتباط میان افراد مسجدی با جوانان است، که طیف گسترده‌ای از مباحث می‌باشد؛[[399]](#footnote-399) در این بخش و بخش‌های دیگر به صورت منطقی ارائه بدهیم.

وقتی از ارتباط سخن به میان می‌آید بحث بر سر این است که چگونه می‌توان جوانان را به مسجد فراخواند؛ نظر تعدادی از مردم روش «گفتگو با جوانان»[[400]](#footnote-400) برای حضور در مسجد است. این گفتگو به منزله دعوت جوانان برای حضور در مسجد است که البته می‌توان آن را نوعی نوآوری دانست چرا که در گذشته چنین رویکردی در میان مردم وجود نداشت. معمولاً در گذشته بچه‌ها و جوانان به صورت تعبدی در مسجد حاضر می‌شدند اما می‌بینیم امروز بخشی از بدنه جامعه خواهان گفتگو با جوانان برای حضور آنان در مسجد هستند.

مردم برای این که این گفتگو و ارتباط بیشتر مؤثر باشد راهکارهای مختلفی ارائه می‌دهند. در مرحله اول معتقدند، «با جوانان دوست شود» و یا غیر از دوستی با جوانان، «تشویق کردن جوانان» است که این تشویق خود دارای ابعادی است، در نگاه نخست «وقتی جوانی وارد مسجد می‌شود او را تشویق کنند» و این عمل مستمر باشد، «تشویق جوانان باید بیشتر باشد» و تشویق این یا به صورت خاص از ناحیۀ افراد تأثیرگذار در مسجد انجام پذیرد مانند «تشویق خود امام جماعت»؛ به طور کلی رابطه دوستانه با جوانان و تشویق‌های مستمر ایشان و هم چنین استفاده از افراد تأثیرگذار در این روند از جمله راهکارهای جذب جوانان و از جمله نیازهای فعلی فضای حاکم بر مساجد است که از نقطه نظر مردم و امامان مسجد بیان شده است.

بحث دیگری که در حوزه ارتباطات میان فردی مطرح می‌شود بخش نیازسنجی است، کسانی که از زاویۀ رهیافت نیازمحور به مسجد می‌نگرند اعتقاد دارند که باید نسبت به «شناخت تقاضاهای جوانان» اقدام کرد و یا به بیان دیگر در این رهیافت «جوانان را درک کنیم». برای شناخت نیازها و تقاضاها و یا همان درک جوانان در این رهیافت (نیاز محور) می‌توان از چند طریق عمل کرد که عبارتند از: 1. «نگاه به طرز فکر آن‌ها»؛ 2. «نزدیک بودن به جوان‌ها» و البته راه‌های رسیدن به این دو «صحبت کردن با جوانان، و اهمیت دادن به آن‌ها» است.

به طور کلی در رهیافت نیاز محور، ارتباط، برای فهم نیازهای جوانان از طریق گفتگو است که بر پایه شناخت دیدگاه‌های جوانان به همراه نزدیک بودن با آنان در قالب روابط دوستانه، مورد نیاز فضای کنونی مسجد می‌باشد.

اگر بخواهیم در حوزه روابط میان فردی نتیجه‌گیری کلی از مباحث ذکر کنیم، باید که، بحث و گفتگو، از جمله مباحثی است که هم به عنوان مقدمه حضور و همه برای تداوم حضور جوانان، مورد نیاز است، در مقدمۀ حضور جوانان در مسجد، گفتگو با وی از دید مصاحبه شوندگان باعث می‌شود که ایشان به نوعی ارزشمند بودن در وجود خود احساس کنند و این امر به خودی خود موجبات حضور مستمر او در مسجد است.

اما در بخش دوم که باعث ادامه حضور جوانان در مسجد می‌شود، بحث اصلی بر سر نیازهای جوانان است به نحوی که این ارتباطات میان فردی موجب می‌شود که مسئولین و بزرگان مسجد از نیازهای جوانان آگاهی یابند و در پی برآورده کردن این نیازها باشند؛ به بیان دیگر اگر مسجد را یک نهاد مرکزی مهم در جامعه اسلامی بدانیم این نهاد باید نیازهای افراد جامعه را بر اساس تغییر و تحولات زمان فراهم و برآورده سازد.

اگر مسجد و یا نهادی که چنین کارکردی را در جامعه دارد، نتواند به این نیازها پاسخ دهد، به طور منطقی می‌توان نتیجه گرفت که حیات آن در جامعه پایان خواهد یافت و نهادهای دیگری که این نیازها را می‌توانند برطرف کنند جای او را خواهند گرفت.

پس گفتگو و ارتباطات میان‌فردی در این رهیافت به عنوان عامل زمینه‌ساز و عامل تداوم‌دهنده حضور جوانان شناخته می‌شود.

**2-1. ارتباطات جمعی**

در حوزه ارتباطات جمعی از دید رهیافت نیازمحور بحث اصلی حول محور تبلیغات مطرح می‌شود، و دارای دو ساحت مختلف است: الف) در مورد چه چیزهایی تبلیغ شود، ب) متولیان این تبلیغات چه کسانی هستند.

مهم‌ترین بحثی که در زیر مقوله« در مورد چه چیزهایی تبلیغ شود » مطرح می‌شود عبارت است از: 1. «تبلیغ مساجد»؛ 2. « تبلیغ برای نماز خواندن».

بر اساس تلقی رهیافت نیازمحور امروزه هم چنان که سازمان‌ها و نهادهای مختلف برای مسائل مختلف تبلیغ می‌کنند برای مساجد، نماز و حضور جوانان در مساجد نیز نیاز است که تبلیغات از طرف سازمان‌ها و وسایل ارتباط جمعی صورت گیرد.

این رهیافت معتقد است که این تبلیغات باید از چند مجاری انجام پذیرد که عبارت هستند از: 1. «از طریق تبلیغ کلامی از طریق دوست و آشنایان»؛ 2. «وزارت فرهنگ و ارشاد تبلیغ نکند، نمی‌توان جوانان را به زور به مساجد آورد»؛ 3. «صدا و سیما» و به ویژه از «طریق تلویزیون». به نوعی این گروه از مصاحبه شوندگان، معتقد هستند که جامعه امروز ما بر مبنای تبلیغات دست به جذب می‌زند و تبلیغات برای مردم امروزه مهم است، از این که نیاز است در مورد نماز و حضور جوانان در مساجد نیز تبلیغ صورت گیرد.

یکی از یافته‌های خاص این نوشتار همین نیاز به انجام تبلیغ در مورد مسجد و نماز است؛ چرا که محقق تصور نمی‌کرد که در جامعۀ ما این تلقی باشد که برای رفتن به مسجد و یا نماز خواندن تبلیغات لازم است، و البته مهم‌ترین دلیل آن نیز این بود که تبلیغات در جهان معاصر بیشتر جنبه مادی دارد و کمتر دیده به جنبه‌های انسانی و فرا مادی در آن توجه می‌شود، هر چند که در دهه‌های پایانی قرن بیستم بحث بازاریابی اجتماعی و تبلیغات اجتماعی مطرح شده است. (م. ش. رابرتس و مکوبی،1378: 158-159)

از همین روی برای محقق این سؤال پیش آمد که «چرا مردم و برخی از امامان جماعت مورد مصاحبه خواهان انجام تبلیغات برای مسجد و نماز خواندن می‌شوند؟»؛ پاسخ احتمالی برای این سؤال را می‌توان در نحوۀ شکل‌گیری ارتباطات مذهبی در جامعه فعلی مشاهده کرد به صورتی که امروزه رسانه‌ها و به ویژه تلویزیون با ارائه برنامه‌های مختلف در حوزه مذهب در ایام مختلف سال این ذهنیت را به وجود آورده اند عامل تبلیغ دین در جامعه ما می‌باشند، اما مخاطبان در این میان هیچ گونه نشانۀ خاصی در زمینه تبلیغ نماز و یا مساجد را در این رسانه‌ها، مشاهده نمی‌کنند به همین دلیل بیان می‌کنند که همانند بقیۀ مطالبی که رادیو و تلویزیون، در مورد دین ارائه می‌کنند، در زمینه مساجد و نماز نیز به ارائه مطالب و برنامه بپردازند؛ از این رو است که به گمان نویسنده معتقدین به رهیافت نیازمحور معتقدند که باید تبلیغات در زمینۀ نماز و مساجد شکل گیرد.

**2. فعالیت‌های جانبی**

در بخش دوم رهیافت نیازمحور بحثی که مطرح است، وجود فعالیت‌های جنبی در مساجد است، به این معنی که در کنار اقامه نماز جماعتِ در مساجد نیاز است که برنامه‌های دیگری از طرف متولیان و امام جماعت در زمینه حضور جوانان در مسجد برگزار شود؛ جوانان بر اساس این دیدگاه، مسجد را باید مکانی بدانند که توانایی برآورده شدن نیازهای مربوط به این سن را داشته باشد.

از این روی است که این مقوله خود دو بخش دارد: امکانات؛ فعالیت‌ها.

**1-2. امکانات**

در حوزۀ امکانات، نیاز امروزه مساجد با گذشته تفاوت دارد. از این رو وجود فضاهای ساختمانی در مسجد و یا کنار آن، داشتن امکانات روزآمد مانند رایانه و اینترنت و امثال این موارد که البته هر روزه نیز بیشتر می‌شود؛ دو عامل اصلی است که در این بخش در زمینه حضور جوانان تأثیرگذار هستند.

در حوزه فضاهای ساختمانی، مهم‌ترین مسائلی که مطرح می‌شود در زمینه ساخت سنتی مسجد است. ساخت سنتی مسجد به وضعیتی اشاره دارد که در آن مسجد صرفاً به عنوان محل عبادت شناخته شده است و تمام فضای آن برای این امر اختصاص یافته است به صورتی که شما نمی‌توانید بر اساس نیازهای امروزی مسجد، فضایی را در آن بیابید که بتوانید فعالیت‌های امروزی را در آن سامان دهید.

در طرف دیگر بحث مالی مساجد نیز در این زمینه مطرح می‌شود به این معنا که اگر در گذشته مسجد فعالیتش در بخش صرفاً خواندن نماز و برگزاری برخی مراسم‌ها خلاصه می‌شد، وضعیت نیازمحور فعلی، مسجد را به مکانی تبدیل کرده است که نیاز است در آن هزینه‌های بسیار زیادی انجام پذیرد از این رو است که بحث هزینه که در سابق چندان مهم تلقی نمی‌شد و مورد نظر نبود، امروزه به عنوان یک مسئله بنیادی مطرح می‌شود، و نیاز است که متولیان و امام جماعت توانایی جذب کمک‌های مردمی و دولتی را علاوه بر توانایی‌های گذشته خود داشته باشند.

**2-2. فعالیت‌ها**

رهیافت نیازمحور معتقد است که برای جذب و یا حضور جوانان نیاز است که در نحوۀ ارائۀ برنامه در مسجد تحول ایجاد گردد به صورتی که مسجد به عنوان یک نهاد مورد اعتماد جامعه بتواند نیازهای جوانان را در هنگام حضور بر طرف کند. به صورتی که جوانان تمام نیازها را مانند اینترنت، ورزش، تفریحات و... در جامعۀ مسجد و یا به واسطه مسجد مرتفع ببیند. در این حالت است که در این باره چند رهیافت نیاز محور مطرح می‌شود.

**2-2-1. نوع فعالیت‌ها**

این‌که «چه نوع فعالیت‌ها در مساجد انجام پذیرد؟» یکی از مسائلی است که در این رهیافت مطرح است، فعالیت‌هایی که مورد نظر این رهیافت است عبارت است از: «برنامه‌های شاد و سرگرمی»، «کلاس‌های ورزشی، کوه‌نوردی»، «کتابخانه»، «برگزاری کلاس‌ها فوق برنامه» و ...

در مورد فعالیت‌ها آن‌چنان که مشخص است، تماماً به نیازهایی است که جوانان در جامعه فعلی ما، یا به آن نیاز دارند و یا جامعه متصور است که جوان به آن نیاز دارد. بر اساس این تلقی، مسجد، محور برآورده شدن تمام نیازهای جامعه است؛ پس مسجد، هم باشگاه ورزشی است، هم محلی برای آموزش انواع معارف و مهارت‌ها و هم محلی برای مطالعه و فعالیت علمی؛ از این رو می‌توان متصور بود که طیف گسترده‌ای از فعالیت‌ها را در بر می‌گیرد.

**2-2-2. نحوه فعالیت‌ها**

در این حوزه رویکرد نیازمحور معتقد است که از یک طرف این فعالیت‌ها «به صورت مجانی» باشد و از سوی دیگر «متنوع» باشد؛ این دو شرط بیان کنندۀ ویژگی دوره جوانی است به صورتی که از یک سو نوجوانان و جوانان دارای وضعیت اقتصادی مستقل نیستند و به بیان دیگر تعداد بسیار از جوانان در زمان فعلی هم‌چنان به خانواده خود به لحاظ اقتصادی و اجتماعی وابسته هستند؛ (م. ش. بوردیو، 1388: 89-90) از سوی دیگر تنوع‌طلبی نیز از جمله دیگر خصوصیات جوانان است و بیشتر به عنوان یک خصوصیت دوره جوانی مطرح است؛ (منطقی،1383) با توجه به این دو ویژگی، رهیافت نیازمحورمعتقد است که ‌باید فعالیت‌های موجود در مسجد با ویژگی‌های جوانان نیز هم‌خوانی داشته باشد.

بنیاد تمام بحث‌ها در زمینۀ نیاز محور بودن مسجد بر این نکته خلاصه می‌شود که مسجد را مکانی فراغتی بدانیم. البته مفهوم فراغت در حوزۀ علوم اجتماعی به نوعی یک مفهوم هویت‌ساز است. فراغت در یک تعریف وسیع به تمام فعالیتهای که فرد اطلاق می‌شود که به آن نمی‌توان عنوان کار داد، (تورکیلدسن، 1382: 108) از همین رو حتی می‌توان عبادت و انجام مناسک دینی را نیز در ردیف فراغت به حساب آورد اما اگر بخواهیم معنای دقیق‌تری برای آن بیان کنیم می‌توان به فعالیت‌های داوطلبانۀ مشارکتی و جمعی اشاره کرد، (روجک، 1388: 280) در این حالت انجام هر نوع فعالیت‌های دینی و مذهبی را چندان نمی‌توان با عنوان فراغت پنداشت.

اما بحث اصلی این است که در جامعه ما مراکزی که افراد بتوانند در آن زمان فراغت خود را با انجام فعالیت‌های سودمند پر کنند، کم است و یا در بسیار از مواقع دردسترس نیست، از این روی وضعیتی به وجود می‌آید که در آن از فضاهای غیر فراغتی برای انجام برنامه‌های فراغتی استفاده می‌کنند و البته این فکر هم در جامعه به صورت ناخواسته تقویت می‌شود.

یکی از این فضاها، مسجد است، اگر کار ویژه اصلی مسجد را برگزاری نماز و برنامه‌های مذهبی در جهت جامعه‌پذیری دینی بدانیم، در این حالت برگزاری کلاس‌های مختلف فرهنگی، هنری و ورزشی در مسجد را باید چگونه تفسیر کرد.

عده‌ای برای توجیه این مسئله بیان می‌کنند که مسجد در صدر اسلام جایگاه بسیاری از فعالیت‌ها بوده است، اما به راستی چند درصد از این فعالیت‌ها در حوزه فراغت افراد بوده است.

مشکل اصلی این نگرش وقتی هویدا می‌شود که بدانیم بسیاری از افراد معتقدند که نیاز است، مساجد تبدیل به باشگاه و فرهنگ‌سرا شود تا جوانان در آن جذب شوند، یا نیاز است در مسجد کافی نت تأسیس کرد و یا کلاس‌های بازیگری و فیلم‌سازی برگزار کرد تا جوانان جذب شوند.

و این یعنی مسجد باید محلی برای تأمین تمام نیازهای فرد و به ویژه جوان باشد، شاید در ظاهر این بحث جذاب باشد اما در واقع این نوعی مغالطه است، مسجد برای رسیدن به خدا است نه برای تأمین نیازهای مادی و امروزی بشر؛ اگر کارکرد نهایی مسجد جامعه‌پذیری دینی باشد، آیا با برگزاری این دسته برنامه‌ها در مساجد می‌توان به این هدف رسید.

ساختار فراغتی جامعه ما تعریف نشده است، افراد نمی‌دانند که وقت و زمان فراغت خود را چگونه و در کجا بگذرانند و از این روی مسجد را محلی برای این مسئله انتخاب می‌کنند، و به همین دلیل است که کارکرد غیر واقعی را ابتدا به مسجد نسبت می‌دهند و در ادامه با عادی سازی مسئله می‌بینیم که اساساً تمام فعالیت‌های مسجد و کارهایی که هیئت امناء، امام جماعت و بقیه در حال انجام هستند همین برنامه‌ریزی برای پر کردن فراغت است، و نه برنامه‌ریزی در جهت جامعه‌پذیری دینی افراد.

زمانی که نهادی در جامعه نتواند به کارکردی که از آن انتظار می‌رود پاسخ دهد لاجرم یا باید منحل شود و یا باید کارکردهای جدیدی برای خود تعریف نماید، مسجد بنا به نظر نگارنده نمی‌خواهد نهادی منفعل باشد در آورد از این روی دست به فعالیت‌هایی می‌زند که کمتر می‌توان آن را در حوزه وظایف واقعی و ذاتی آن دانست.

**ب) رهیافت آسیبی**

رهیافت آسیب محور بیان می‌کند که بخشی از روابط و تعاملاتی که در مساجد رواج دارد و یا به وجود آمده است، با واقعیت آن چیزی که باید باشد تفاوت دارد و به نوعی این روابط و تعاملات از صورتِ حقیقی خود فاصله گرفته است. بر اساس این رهیافت، در ذهن کنش‌گران، نمونۀ آرمانی از مسجد وجود دارد که فضای فعلی مسجد از آن نمونۀ آرمانی، فاصله گرفته است.

این رهیافت معتقد است که مسجد دارای ناکارآمدی (کج کارکردی) در زمینۀ وظایف و مسئولیت‌هایش شده است، به بیان دیگر مسجد از پتانسیل‌های مسجدبودن خودش استفاده نمی‌کند و یا نمی‌تواند استفاده کند؛ در این رهیافت مقولات مختلفی مطرح می‌شود که بزرگ‌ترین آن‌ها عبارتند از: 1. آسیب‌های فردی؛2. آسیب‌های ساختاری.

**1. آسیب‌های فردی**

در این مقوله ما با آسیب‌هایی مواجه هستیم که بر اثر کنش‌های افراد مختلف در حوزه مسجد به وجود می‌آید و این آسیب‌ها را می‌توان به چهار دسته کلی تقسیم کرد: الف) آسیب‌های ناظر بر رفتار افراد حاضر در مسجد؛ ب) آسیب‌های ناظر بر رفتار متولیان مسجد (هیئت امناء)؛ ج) آسیب‌های ناظر بر رفتارهای امام جماعت؛ د) آسیب‌های ناظر بر رفتار جوانان.

**1-1.آسیب‌های ناظر بر رفتار حاضرین در مسجد**

در بخش آسیب‌های ناظر بر افراد حاضر در مسجد بیشترین بحث در زمینه نوع رفتار افراد مسن و شخصیت‌های صاحب نفوذ در مسجد است. بیشتر این نوع آسیب بر اساس ذهنیت دوران گذشته افراد مسن، است، به نوعی که افراد سالمند حاضر در مسجد ذهنیت خاصی از خصوصیات افراد شرکت کننده در مسجد دارند و هر کسی را شایسته شرکت در برنامه‌های مسجد نمی‌داند و اگر بخواهیم به صورت مصداقی در این زمینه صحبت کنیم می‌توان گفت هر وضعیت ظاهری را مناسب حضور در مسجد نداشته و از این روی رفتارهایی دارند که این رفتارها مانع حضور جوانان می‌شود؛ به عنوان نمونه می‌توان به «تعصبات بعضی از مردم»، «برخورد بزرگ‌ترها»، «سخت گیری‌های مردم و ایرادها» آنان سخن به میان آورد، البته رأس این مسائل مربوط است به مسائلی مانند این که «مسن‌ترها بیشتر به مسجد می‌روند» و «همه پیر هستند» که ایجاد کنندۀ فضایی در مسجد است که از آن می‌توان تحت عنوان «فضای گذشته محور» یاد کرد.

«فضای گذشته‌محور»، دارای ویژگی‌هایی است که این ویژگی‌ها در رهیافت آسیب محور عبارتند از: «آن‌هایی که تیپ اسپرت دارند را مسلمان نمی‌دانند.» و یا «اجازه نمی‌دهند جوانان با هر شکل و شمایل به مسجد بیایند»؛ البته نگرش «فضای گذشته‌محور» فقط به این مسائل محدود نمی‌شود و تا جایی پیش می‌رود که «نگاهِ چپ چپ به ما می‌اندازند» و یا «به حرف‌های ما اعتنا نمی‌کنند»، و از همین رو است که در این زمینه مصاحبه‌شوندگان به این نتیجه می‌رسند که «آدم‌های قدیمی در مسجد جمع شده‌اند، آن وقت دوست ندارند جوانان به مسجد بروند» وقتی افراد سالمند در مسجد حضور دارند این مسجد به نوعی از لحاظ مکانی نیز خط کشی می‌شود و «صف اول هر مسجد با خودی‌ها است جوان‌ها نمی‌روند»؛ در این کلام به خوبی مشخص است که سالمندان و یا افراد دارای جایگاه خاص در مسجد به عنوان خودی نامیده می‌شوند و دیگر افراد که در این جا منظور جوانان هستند به عنوان صف اغیار نامیده خواهند شد.

و بر اساس همین مسائل است که جوانان می‌گویند: «یک سری دوست ندارند کسی به آن‌ها امر و نهی کند برای همین به مسجد نمی‌آیند».

به طور کلی این فضا تولیدکنندۀ تخاصم میان جوانان و پیران است و بازتولید آن البته عدم حضور و یا کم‌رنگ شدنِ حضور جوانان است.

این مسئله در برخی از مساجد تا جایی پیش می‌رود که بعضی از امامان جماعت معتقدند بهتر است به طور کلی پیرمردان و یا سالمندان را از حضور در مسجد منع کرد.

در ارتباط با مطلب بیان شده نیکو است که در این جا حدیثی از حضرت امیر نقل کنیم ایشان می‌فرمایند: «آداب مخصوص خودتان را بر فرزندان تحمیل نکنید، زیرا آنان برای شرایط و اوضاع زمانی، غیر از اوضاع و شرایط زمانی که شما زندگی می‏کنید، خلق شده‏اند.» (وزیری،1381: 583)

بر اساس این کلام که باید وضعیت هر کس را بر اساس زمان او تحلیل کرد و نه بر اساس دیدگاهی که فرد از گذشته با خود دارد؛ ممکن است در شصت و یا هفتاد سال پیش نوعی ارشاد و سخن‌گفتن با جوانانِ آن زمان در محیط مسجد به صورت خطاب‌های تند و نگاه‌های خاصی بوده است، اما امروزه این نحوۀ برخورد در امر آموزش جوابگو نیست. تلقی که امروزه افراد از زندگی خود و دیگران دارند با تلقی که نیم قرن پیش داشته اند متفاوت است و نیاز است که دیدگاه افراد سالمند مورد تغییر و تحول قرار گیرد.

از سوی دیگر افراد متنفذ و صاحب جایگاه در مسجد معمولاً به عنوان سدی در برابر فعالیت‌های جوانان هستند به طوری که می‌توان این سد را از اذان و اقامه گفتن در زمان نماز یومیه در مسجد به عنوان امور جاری مشاهده کرد تا برگزاری مراسم‌های مختلف.

این مسائل البته وقتی شدید می‌شود که مسائل قومی و قبیله‌ای نیز مزید بر این تفکر شود. در این حالت مسجد به مانند جهنمی است که جوانان حداکثر به مانند غلامانِ فرمان بردار خواهند بود و به غیر آن امکانی برای حضور و فعالیت ندارند.

**1-2.آسیب‌های ناظر به رفتار متولیان مساجد**

این آسیب‌ها چندان تفاوتی با آسیب‌هایی که در بخش قبل بیان شد ندارد، همان رفتارها و همان رویکردها معمولاً در مورد متولیان وجود دارد، اما تفاوت آن با مورد قبل در این است که سطح تأثیرگذاری آن بیشتر است. به صورتی که متولیان مساجد کسانی هستند که امور جاری مسجد و برنامه‌ریزی‌های آن را بر عهده دارند. وقتی آسیبی در این رویکرد جلوه‌گر می‌شود که دو گزاره با هم به صورت مخالف عمل می‌کنند. گزار اول این است که «جوانان در هر کاری حرف اول را می‌زنند، جوانان فعال‌اند» در این صورت نیروی اجرای و کسانی که باید یک مسجد را به حرکت در آورند جوانان هستند، گزار دوم وجود هیئت امنا است که مسئولیت برنامه‌ریزی و ارائه بودجه را دارد؛ حال اگر این جوانان به هیئت امنایی در مسجد برخورد کنند که جلوی هر گونه فعالیت آنان را با تفکرات مربوط به چند نسل قبل بگیرند، در این صورت حضور جوانان در مسجد بی‌معنا می‌شود و این دسته از هیئت امناها انتظار دارند که جوانان صرفاً در مسجد برای یک نماز حاضر باشند. از این رو است که رهیافت آسیب محور معتقد است که «فقط حرف از نماز می‌زنند که نماز را این طور بخوانند» و یا « فقط یک نماز جماعت است» و به بیان روشن‌تر حضور جوانان خوب است ولی برای انجام فریضه نماز و یا اگر قرار است که از جوانان در برنامه خاصی در مسجد استفاده شود، به این معنا است که در فعالیت‌های مناسبتی، ما (هیئت امناء) نظر می‌دهیم و جوانان بدون هیچ چون و چرا باید اجرا کنند؛ در نتیجه این مسائل موجب می‌شود که وقتی جوانان فضای مسجد را این گونه ببینند از حضور در چنین فضایی یا دوری کنند و یا کمتر حضور داشته باشند.

**1-3.آسیب‌های ناظر به رفتار امام جماعت**

امام جماعت از شخصیت‌های محوری مسجد به شمار می‌رود از این رو انتظاراتی که از او وجود دارد در مورد افراد دیگری در مسجد کمتر متصور است؛ از این رو در این مقوله نگاه به امام جماعت دارای ابعاد مختلف است، و اگر یک امام جماعت نتواند این نظرها را برآورده کند عملاً در جهت انجام وظایف خود در مسجد دچار مشکلات گوناگون خواهد شد.

آسیب‌هایی که ممکن است برای امام جماعت پیش بیاید به قرار زیر است:

«امام جماعت حرف و عملش یکسان باشد.»

«امام جماعت رفتارش درست باشد.»

«نحوی برخورد علما باعث جذب می‌شود.»

«انجام کارهایی توسط امام جماعت که مردم را از حضور در مسجد باز می‌دارد.»

«امام جماعت جوان باشد.»

«حرف‌های روحانیون، حرف‌های سخت نباشد، در غالب طنز باشد.»

«صحبت‌های امام جماعت جذاب باشد.»

از مجموع این گفتارها می‌توان این گونه استنباط کرد که در رهیافت آسیب محور، امام جماعت به دو صورت می‌تواند باعث کاهش حضور افراد در مسجد شود، الف) روابط اجتماعی ضعیف و غیر منعطف، ب) مخاطب‌نشناسی (یعنی بیان مطالب یا انجام کارهایی خارج از ظرفیت مردم حاضر در مسجد).

در حوزه روابط اجتماعی بیشترین بحث پیرامون یکسان بودن قول و عمل امام جماعت است به صورتی که اگر در این زمینه امام جماعت نتواند برادری خود را به مردم ثابت کند عملاً از جایگاه بالایی نزد مردم برخوردار نخواهد بود.

در حوزه مخاطب شناسی معمولاً بحث‌های فرهنگی و شناخت جامعۀ مورد خطاب، از مهم‌ترین عواملی است که موجب می‌شود فردی به عنوان امام جماعت بتواند تأثیرگذاری لازم را داشته باشد.

امام جماعت باید با حضور فیزیکی و دوستانۀ خود در یک منطقه، نسبت به میزان بصیرت و بینش دینی مردم آن منطقه آگاهی بیابد و بر اساس این مسئله سخنان خود را برای همان مردم تنظیم کند و از طرف دیگر رفتار خود را به صورتی در سامان دهد که با عرف مردم آن منطقه در تضاد قرار نگیرد.

اما در کنار این دو بحث اصلی در مورد آسیب‌شناسی امام جماعت، بحث جوان، بودن امامان جماعت هم یکی از مطالبی است که معمولاً مطرح می‌شود به این معنا که برای جذب جوانان نیاز است. شخصی مسئولیت امام جماعتی را به عهده بگیرد که خودش نسبت به این گروه سنی شناخت داشته باشد و البته این شناخت وقتی بهتر حاصل می‌شود که در گروه‌های سنی نزدیک به جوانان باشد و از وضعیت فعلی جوانان در جامعه چندان بی‌اطلاع و یا فاقد دانش امروزی نباشد.

به عنوان مثال استفاده از رایانه امروزه در نزد اکثریت جوانان در حال گسترش است، اگر امام جماعت در مورد این وسیله و امکاناتی که دارا می‌باشد فاقد علم و اطلاع باشد در این حالت نمی‌تواند چندان با جوانان نزدیک باشد، و به نوعی این عدم اطلاع او را از نزدیک شدن به عده‌ای از این جوانان باز می‌دارد و در مرحله بعدی، این عدم اطلاع، در ذهن امام جماعت بینشی خطا ایجاد می‌کند.

**1-4.آسیب‌های ناظر به رفتار جوانان**

در این حوزه بیشتر بحث در سمت و سوی جامعه پذیری دینی جوانان و دیدگاه جوانان نسبت به شناخت و میزان معرفت دینی است، از این رو، این دیدگاه معتقد است که «سخت بودن مسائل دینی برای جوانان که از آن اطلاع ندارند» موجب می‌شود که آنان کمتر در مسجد حاضر شوند.

دیدگاه رهیافت آسیب محور در حوزه معرفت دینی در میان جوانان، از چند ناحیه می‌تواند به عنوان یک آسیب مورد نظر قرار ‌گیرد: در مرحله اول «کارهایی که جوانان نمی‌دانند و انجام می‌دهند» و در مرحله بعد «با دلیل منطقی با آنان برخورد نمی‌کنیم»، و در نهایت این که اگر قرار است مسجد به عنوان یک مکان برای جامعه‌پذیری دینی در جامعه شناخته شود باید «به صورت غیرمستقیم به جوان آموزش بدهیم» که البته در بسیاری از اوقات این مطلب غیر از واقعیت‌های جاری است.

**2. آسیب‌های ساختاری**

در این حوزه بحث بیشتر در اطراف ساختار فعلی و موجود جامعه است، در رهیافت آسیب محور این اعتقاد وجود دارد که دلایل عدم حضور جوانان در مسجد می‌تواند به علت ساختار فعلی جامعه باشد و این ساختار است که جوانان را از حضور در مسجد باز می‌دارد.

در این مقوله ما با سه بحث کلی رو به رو هستیم که عبارت است از : الف) آسیب‌های ساختاری خرد ب)آسیب‌های ساختاری میانی ج) آسیب‌های ساختاری کلان؛ که در ادامه به بررسی هر یک به صورت مجزا خواهیم پرداخت.

**2-1.آسیب‌های ساختاری خرد**

در این بخش عمده بحث پیرامون دو مسئله است یکی خانواده و دوم وضعیت دین‌داری؛ در حوزه بحث خانواده، رهیافت آسیب‌محور معتقد است: بزرگ‌ترین مشکل که وجود دارد در «تربیت مذهبی است که در خانواده‌های این جوانان هست»، و این مسئله از چند عامل نشأت می‌گیرد که به طور کلی می‌توان به این موارد اشاره کرد: «از سوی خانواده تشویق نشود»، «اگر پدر و مادر مسجد نیایند جوانان هم مسجد نمی‌آیند»، «تربیت مذهبی که درخانواده‌های این جوانان هست»؛ این سه مورد بیان کنندۀ این مطلب است که اگر خانواده‌ای به مسجد رفت و آمد نداشته باشد، و اگر تربیت دینی در خانه درست انجام نپذیرفته باشد و البته در نهایت رفتن نوجوان و جوان به مسجد با تشویق همراه نباشد، در آن صورت آمدن جوان به مسجد بسیار نامحتمل می‌شود؛ در نهایت می‌توان دلایل مسائل بالا را در این دانست که چون خانواده‌های ما نسبت به تربیت دینی فرزندان خود، نسبت به گذشته احساس مسئولیت نمی‌کنند، و از طرف دیگر خود نیز چندان رابطه‌ای با مسجد ندارند، موجب می‌شود که عملاً جوانان ما که از بطن طفولیت با این مکان بیگانه هستند در دوران نوجوانی و جوانی نیز با این مکان بیگانه بمانند؛ در مجموع بر اساس این نظر چون ارتباط از ابتدا بر قرار نبوده در ادامه نیز اغلب برقرار نمی‌شود.

از سوی دیگر خانواده‌هایی هم معتقد هستند که ‌باید از اجبار و زور برای رفتن نوجوانان و جوانان به مسجد استفاده کرد که البته این مورد هم در دیدگاه آسیب‌محور یک آسیب به شمار می‌آید. این دیدگاه معتقد است که لازم است «جوانان، خود از روی اختیار به مسجد برود»، این که خانواده چگونه می‌تواند فرایند جامعه‌پذیری دینی را به انجام برساند نکته اصلی و مرکزی این حوزه است چرا که اگر خانواده در بحث جامعه‌پذیریِ دینی توان لازم را نداشته باشد نمی‌توان انتظار خاص از جامعه و نهادهای آموزشی آن داشت.

در سطح خرد ساختاری بحث دیگری که مطرح می‌شود و بی‌ارتباط هم با مبحث اول نیست، سطح دین‌داری و وضعیت جامعه‌پذیری دینی در جامعه است، رهیافت آسیب‌محور معتقد است که «مردم همه دین گریز هستند و شدند»؛ البته این سخن را نمی‌توان به صورت عام برای همه فراگیر و صددرصد دانست، اما بر اساس یافته‌های تحقیقات مختلف در مورد دین و دین‌داری مردم در ایران این‌گونه می‌توان متصور بود که سطح انجام مناسک به صورت فردی در طول 30 سال گذشته چندان تفاوتی نکرده است ولی در حوزه مناسک جمعی و به ویژه در زمینه نماز جماعت و حضور در مساجد در حال حاضر با یک روند نزولی مواجه هستیم؛ (م. ش. فرجی و کاظمی،1388: 87) به معنای دیگر اگر بخواهیم مفهوم دین‌گریزی را به درستی و بر اساس شواهد تحلیل کنیم باید این نکته را بیان داشت که در جامعۀ ما، سطح عمل به مناسک دینی به صورت انفرادی مانند گذشته است و در میان اغلب افراد جامعه ما رواج دارد (و این به معنای این است که مناسک و در این جا به ویژه نماز بیشتر به صورت انفرادی انجام می‌گیرد و کمتر شما با آن از زاویه جمعی مواجه می‌شوید)، و از طرف دیگر مناسک جمعی با اقبال کمتر و در حدود حداکثر 45 درصد در جامعه مواجه است. (آروین،1384: 79) از این رو است که البته عده‌ای هم بیان می‌کنند که دین‌داری در سطح جامعه کاهش یافته است و یا مردم دین‌گریز شده‌اند و البته صحیح این کلام این است که بگوییم مردم در سطح مناسک جمعی دارای نوعی بی‌تفاوتی شده‌اند.

و البته این مسئله در میان جوانان با تحلیل‌های مختلفی مواجه است برخی معتقدند که باید از نوعی بی‌شکلی دینی نام برد، (آزاد ارمکی و غیاثوند،1381) برخی معتقدند به نوعی این وضعیت را می‌توان سکولار شدن نام نهاد. (سراج زاده،1377 و خسرو خاور، 2007)

این که چه عنوانی می‌توان به این گونه وضعیت دین‌داری در میان جوانان داد می‌تواند سالیان متمادی محل نزاع و اختلاف باشد ولی آنچه که مهم است این است که جوانان امروزه بسیار کمتر از سابق در مناسک جمعی حضور می‌یابند.

**2-2. آسیب‌های ساختاری میانی**

آسیب‌های ساختاری میانی آسیب‌هایی است که مربوط به فضای مسجد می‌شود و به نوعی این فضا برای افراد مختلف اعم از بزرگ‌سالان و یا جوانان غیر قابل تحمل می‌گردد، این بخش خود به دو حوزه سخت‌افزاری و نرم‌افزاری تقسیم می‌گردد، در حوزه سخت افزاری می‌توان از نظافت مسجد، چه تمیز بودن محیط و چه رعایت بهداشت در زمینه تمیز بودن فرش‌ها، موکت‌ها و ...، عدم مشکل در سیستم صوتی، وجود نور کافی و مناسب در مسجد، وسایل برودتی و گرم‌کننده، وجود وضوخانۀ مجهز و قابل استفاده برای تمام افراد و ... نام برد. همۀ این موارد می‌تواند در امر جذب و یا دفع تأثیرگذار باشد.

در حوزه نرم افزاری بحث بر سر تعامل و یا عدم تعامل نیروهای انسانی موجود در مسجد می‌باشد که به نوعی مسجد بر اساس این همکاری و مشارکت‌ اداره می‌شود.

اما بسیار پیش می‌آید که این همکاری‌ها و یا مشارکت‌ها چندان در فضای مسجد قابل رویت نیست و بیشتر اختلاف و نزاع میان افراد وجود دارد، در رهیافت آسیب محور این مسئله به دو صورت مورد بحث قرار گرفته است که عبارت است از: 1- «نیاز به برنامه‌ریزی دارد و یک نفر نمی‌تواند این کار را انجام دهد»؛ 2- «متولیان در برنامه‌های مسجد با هم هماهنگ باشند»؛ به بیان کلی از یک سو آسیب در سطح نیروی انسانی است که ناشی از عدم فعالیت همۀ نیروهای مسجد است به نحوی که همه فعالیت‌ها و برنامه‌ریزی‌ها بر عهدۀ یک فرد خاص می‌باشد و از طرف دیگر نهادهای تصمیم گیر مساجد در امر برنامه‌ریزی با یکدیگر چالش داشته به نحوی که میان هیئت امناء و امام جماعت، بسیج و امام جماعت، هیئت امناء و بسیج، بر سر انجام فعالیت مسجد اختلاف نظر وجود دارد و هم‌چنین عدم وجود برنامۀ سالیانه برای مسجد و عدم وجود روح همکاری و تعامل میان نمازگزاران و مسئولین و متولیان مسجد از جمله مواردی است که معمولاً آسیب ایجاد می‌کند.

بنابراین در حوزه آسیب‌های ساختاری میانی دو بحث کلی را می‌توان بیان کرد یکی وضعیت ظاهری و امکانات مورد نیاز در مسجد، و دیگری وضعیت چگونگی تعامل و برنامه‌ریزی مسئولان مسجد.

**2-3.آسیب‌های ساختاری کلان**

در این حوزه رهیافت آسیبی دو بحث کلی ارائه می‌شود که عبارت است از : 1) آسیب‌های نمایان 2) آسیب‌های پنهان (آسیب‌های مدیریتی کلان).

**2-3-1. آسیب‌های نمایان**

در این بخش رهیافت آسیب‌محور معتقد است که مسئله عدم حضور جوانان بیشتر به آسیب‌هایی ارتباط پیدا می‌کند که آنان در جامعه با آن مواجه هستند، این آسیب‌ها از دیدگاه این رهیافت چنین می‌باشد: «تهاجم فرهنگی»، «نفوذ غرب و ماهواره‌ها»، «مشکلات، مشکلات فرهنگی است، ماهواره‌ها»، «الگوهای جوانان تغییر کرده، ماهواره آمده خودش را به مردم شناسانده»، «ماهواره‌ها، که جوانان پای اینها می‌نشینند»، «بی‌حجابی»؛ آن چنان که مشخص است طیف گسترده‌ای از آسیب‌های موجود در جامعه به عنوان عوامل تأثیرگذار در مورد عدم حضور جوانان در مسجد از طرف رهیافت آسیب محور مطرح می‌شود، حال این که واقعاً هر یک از موارد بالا تا چه میزان بر عدم حضور جوانان تأثیر می‌گذارد البته نیاز به پژوهشی مستقل دارد، اما این که فضای امروزی جامعه ما به واسطه تغییراتی که در سطح جهان انجام گرفته، تغییر کرده است البته مسئله کاملاً مبرهن است، و نیاز به تحلیل و تبیین خاص خود را دارد.

استدلال کانونی در این زمینه این است که وجود آسیب‌های مختلف در جامعه جوانان به عنوان گروه مرکزی که این آسیب‌ها بیشترین تأثیر را بر روی آنان می‌گذارد، موجب می‌شود که جوانان در دایره‌ای بسته از این مشکلات قرار گیرند و در این صورت توانایی این را ندارند که به فعالیت‌های دیگری مانند حضور در مسجد و یا فعالیت‌های مذهبی بپردازند.

به بیان دیگر جوانان نیازهایی دارند که این نیازها البته به صورت غیر واقعی از طریق فحشا، اعتیاد، مصرف مشروبات الکلی، و نگاه کردن و خط گرفتن از ماهواره‌ها در زمینه فرهنگی، در جای دیگر به جزء مسجد در حال تأمین است در نتیجه مسجد فاقد کارکرد برای این جوانان بوده ودلیلی برای حضور در مسجد نمی‌یابند.

**2-3-2. آسیب‌های پنهان (آسیب‌های مدیریتی کلان)**

این حوزه از بحث ساختاری مربوط است به این نکته که بعضی از مسائل و مشکلات موجود در جامعه در حال حاضر موجب می‌شود که جوانان از حضور در مسجد روی‌گردان شوند، هر چند که این مسائل به ظاهر هیچ ربطی به امر نماز و حضور در مسجد نداشته باشد ولی به اعتقاد رهیافت آسیبی بر روی این امر تأثیر دارد.

مواردی که در این بخش وجود دارد عبارتند از: «وجود بی کاری»، «عدم رعایت قانون»، «مشغله‌های کاری جوانان»، «نداشتن زمان یا وقت که فرد به مسجد برود»، «وجود مشغله فکری»، «بعضی از این چیزها مسائل سیاسی است که بر می‌گردد و تأثیر می‌گذارد روی مردم»، «جوانان سرگرم خیلی چیزها هستند فرصت ندارند به مسجد بروند و عواملی که باعث سرگرمی جوانان شده است»؛ در کل می‌توان چنین ارزیابی کرد که بی‌کاری، عدم تأمین درست مالی، عدم وجود نگرش درست به بحث فراغت در جامعه، از اهم مسائلی است که در این حوزه مطرح است.

به طور کلی در بحث ساختارهای پنهان می‌توان به این نکته توجه کرد که رهیافت آسیب محور معتقد است فقط مسجد و فضای حاکم بر آن نیست که از حضور جوانان در آن می‌کاهد، بلکه مسائل اجتماعی به انحای مختلف نیز می‌تواند این مسئله را ایجاد نماید، و نمی‌توان به تنهایی وضعیت فعلی مسجد و مساجد را در زمینه حضور و یا عدم حضور جوانان مؤثر بدانیم.

**نتیجه‌گیری**

در طول این نوشتار سعی شده که مسائل مبتلا به مساجد در زمان فعلی بر اساس یک مطالعه کیفی و بررسی شود، برای انجام این امر، مباحث در قالب دو رهیافت کلی تقسیم گردید، که عبارت بود از رهیافت نیازمحور که بر اساس تصور متجددانه و نوین به مسجد و با توجه به تغییرات در جامعه شکل گرفته است، در این رهیافت اساس بحث بر این است که جوانان و یا شرکت کنندگان در مسجد در فضای فعلی جامعه دارای نیازهای تازه‌ای هستند؛ و رهیافت آسیب‌محور که بیان می‌داشت که جامعه در حال حاضر در حوزه مسجد دارای وضعیت آسیبی است، که البته این مسئله از علت‌های متفاوتی سرچشمه گرفته است.

در این جا نیاز است که دو مسئله به طور اساسی مورد توجه قرار بگیرد:

1- فراغتی دانستن مسجد که موجب می‌شود مساجد امروزه کمتر کارکرد واقعی خود را که جامعه‌پذیری دینی است، دنبال ‌کنند و به نوعی این حوزه در مسجد کمتر دیده می‌شود، ایجاد فکر و اندیشه دینی در مساجد و حرکت به سمت پیشرفت در زمینه معرفت دینی با ابزارهای جدید. امروزه همان حلقه گم شده مساجد ما است.

2- تعریف فعالیت در مسجد بر اساس نیازهایی است که به شدت امروزه در تلقی رهیافت نیاز‌محور احساس می‌گردد، به صورتی که با توجه به جایگاه نهادی امروزی مسجد که آن را می‌توان به عنوان یک مرکز برای جامعه‌پذیری دینی دانست، این که چه برنامه‌هایی نیاز است در حوزه انجام پذیرد از مهم‌ترین نیازهایی است که قابل طرح است.

مسجد اگر بخواهد جایگاه خود را در جامعه حفظ کند می‌باید به یک فرهنگ‌سرا تبدیل گردد و یا صرفاً محلی برای عبادت صرف باشد، این خود، مسئله نیاز به فعالیت و یا نیاز به تعریف فعالیت را در مساجد پر رنگ می‌سازد.

امروزه مساجد نیاز به اتاق فکر دارند هر مسجدی که بتواند از افراد زبده‌تری در مورد برنامه‌ریزی دینی استفاده کند موفق‌تر است؛ در یک تحلیل عمیق می‌توان این گونه دریافت کرد که امروزه آن مسجدی پیشرفت دارد که دارای نیروهای فکری قوی‌تری باشد. این امر برای مساجد به عنوان یک نیاز مطرح است برنامه‌ریزی در جهت جامعه‌پذیری دینی این نیاز را بیشتر جلوه‌گر می‌سازد.

با توجه به مطالب بالا می‌توان نتیجه گرفت که از یک سو نباید فضای مسجد را یک فضای نیازمحورِ مدرن و پاسخ‌گو برای هرگونه نیاز دانست و از سوی دیگر تفکر و تعمق در زمینه چگونگی ارائه یک رویکرد جدید در زمینه جامعه‌پذیری دینی در مساجد از نیازهای جدی است که باید به آن پرداخت.

**منابع**

اسپردلی، جیمزپ و دیوید و. مک کوری، پژوهش فرهنگی مردم نگاری در جوامع پیچیده، ترجمه بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ دوم، 1386.

استربرگ، کریستین جی، روش‌های تحقیق کیفی در علوم اجتماعی، مترجمین احمد پوراحمد و علی شماعی، یزد: انتشارات دانشگاه یزد، 1384.

آروین، بهاره، دین‌داری شخصی و دین‌داری متکثر، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، 1384.

آزاد ارمکی، تقی و احمد غیاثوند، تحلیل جامعه‌شناختی وضعیت دین‌داری جوانان با رویکرد بی شکلی دین ورزی، پژوهشنامه علوم انسانی، 35، ص 117-148، 1381.

آزاد ارمکی، تقی و وحید شالچی، دو جهان ایرانی: مسجد و کافی‌شاپ، فصل نامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، 4 :163-183، 1384.

ببی، ارل، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، 2 ج، ترجمه رضا فاضل، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی سمت، 1381.

بوردیو، پیر، درسی درباره درس، ترجمه ناصر فکوهی، تهران: نشر نی، 1388.

تورکیلدسن، جورج، اوقات فراغت و نیازهای مردم، ترجمه عباس اردکانیان و عباس حسنی، تهران: انتشارات نوربخش، 1382.

رابرتس، دانلد اف و ناتان مکویی، تأثیرات ارتباط جمعی، ص 133-262، در روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه احمد رضوانی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، 1378.

روجک، کریس، نظریه فراغت اصول و تجربه‌ها، ترجمه عباس مخبر، تهران: نشر شهر، 1388.

سراج‌زاده، سید حسین، نگرش‌ها و رفتارهای دینی نوجوانان و دلالت‌های آن بر سکولار شدن، فصلنامه نمایه پژوهش، شماره 7-8، ص 105-120، 1377.

سرمد، زهره، عباس بازرگان و الهه حجازی، روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، تهران: آگاه، چاپ سوم، 1379.

فاضلی، نعمت‌الله، مسجد و مدرنیته: مروری تحلیلی و جامعه‌شناختی به گفتمان‌های مسجد در ایران، پژوهش نامه علوم انسانی و اجتماعی ویژه نامۀ پژوهش‌های اجتماعی، ص 99-132، 1387.

فرجی، مهدی و عباس کاظمی، بررسی وضعیت دین‌داری در ایران: با تاکید بر داده‌های پیمایش سه دهه گذشته، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره دوم، شماره 6، ص 79-95، 1388.

فرقانی، محمد مهدی، درآمدی بر ارتباطات سنتی در ایران، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، چاپ دوم، 1387.

گیلهام، بیل، مصاحبه پژوهشی، ترجمه محمود عبدالله‌زاده، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، 1385.

لیندلف، تامس و برایان تیلور، روش‌های تحقیق کیفی در علوم ارتباطات، ترجمه عبدالله گیویان، تهران: انتشارات همشهری، 1388.

محمدپور، احمد، ضد روش منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی، ج 1، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان، 1389.

محمدی، مجید، مسجد و جامعه، ص 241-250 در باقی، عمادالدین گردآورنده، پرستشگاه در عهد سنت و تجدد، تهران: سرایی، 1381.

منطقی، مرتضی، رفتارشناسی جوان در دهه سوم و چهارم انقلاب، تهران: جهاد دانشگاهی، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی، 1383.

ناری ابیانه، محمد رضا، مدل کارکرد جهانی مساجد، مجلۀ مسجد، شمارۀ 70، ص 18-25، 1382.

وزیری، مجید، نگاهی به وظایف تربیتی پدر در برابر کودک از دیدگاه اسلام، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره 164، ص 565-584، 1381.

Khosrokhavar, Farhad (2007), the New Religiosity in Iran, Social Compass, 54(3): 453-463

**ﻋﻮاﻣﻞ ﻣﺆﺛﺮ ﺑﺮ ﺟﺬب ﻧﻮﺟﻮاﻧﺎن و ﺟﻮاﻧﺎن ﺑﻪ ﻣﺴﺎﺟﺪ   
(جامعه آماری داﻧﺸﺠﻮﯾﺎن داﻧﺸﮕﺎه ﭘﯿﺎم ﻧﻮر ﻣﺮﮐﺰ ﺳﺎری در ﺳﺎل1392)**

**داوودستارزاده [[401]](#footnote-401)**

**حسینعلی قنادزادگان[[402]](#footnote-402)**

**مائده یوسف‌نژاد شیروانی [[403]](#footnote-403)**

**چکیده**

اﯾﻦ ﻣﻘﺎﻟﻪ ﺑﻪ ﺑﺮرﺳﯽ دﯾﺪﮔﺎه‌ﻫﺎی داﻧﺸﺠﻮﯾﺎن داﻧﺸﮕﺎه ﭘﯿﺎم ﻧﻮر ﻣﺮﮐﺰ ﺳﺎری در راﺑﻄﻪ ﺑﺎ ﻋﻮاﻣﻞ ﻣﺆﺛﺮ ﺑﺮ ﺟﺬب ﺟﻮاﻧﺎن ﺑﻪ ﻣﺴﺠﺪ می‌ﭘﺮدازد و آﺳﯿﺐ‌ﺷﻨﺎﺳﯽ ﻣﺴﺎﺟﺪ را از ﻧﮕﺎه داﻧﺸﺠﻮﯾﺎن داﻧﺸﮕﺎه ﭘﯿﺎم ﻧﻮر ﻣﺮﮐﺰ ﺳﺎری ﺑﺮرﺳﯽ ﻣﯽ‌ﮐﻨﺪ. در اﯾﻦ ﻣﻘﺎﻟﻪ ﻣﺠﻤﻮﻋﻪ ﻋﻮاﻣﻠﯽ ﮐﻪ در ﺟﺬب ﺟﻮاﻧﺎن ﺑﻪ ﻣﺴﺠﺪ ﻣﺆﺛﺮ اﺳﺖ، ﺑﻪ ﻋﻮاﻣﻞ ﻣﺴﺠﺪی و ﻋﻮاﻣﻞ ﻓﺮﻫﻨﮕﯽ و اﺟﺘﻤﺎﻋﯽ ﺗﻘﺴﯿﻢ ﺷﺪه اﺳﺖ. ﺟامعة آﻣﺎری اﯾﻦ ﭘﮋوﻫﺶ داﻧﺸﺠﻮﯾﺎن ﭘﺴﺮ و دﺧﺘﺮ داﻧﺸﮕﺎه ﭘﯿﺎم ﻧﻮر ﻣﺮﮐﺰ ﺳﺎری در ﺳﺎل 1392ﻣﯽ‌ﺑﺎﺷﻨﺪ و ﺣﺠﻢ ﻧﻤﻮﻧﻪ را 270 ﻧﻔﺮ ﺗﺸﮑﯿﻞ داده اﺳﺖ. اﯾﻦ ﺗﺤﻘﯿﻖ از ﻧﻮع ﺗﺤﻘﯿﻘﺎت ﺗﻮﺻﯿﻔﯽ و ﭘﯿﻤﺎﯾﺸﯽ و از ﺷﺎﺧﻪ ﺑﺮرﺳﯽ‌ﻫﺎی ﻣﯿﺪاﻧﯽ اﺳﺖ و اﻃﻼﻋﺎت از ﻃﺮﯾﻖ ﻣﻄﺎﻟﻌﻪ اﺳﻨﺎد و ﻣﺪارک ﻣﻮﺟﻮد و ﺗﺠﺰﯾﻪ و ﺗﺤﻠﯿﻞ ﭘﺮﺳﺶ‌ﻧﺎﻣﻪ‌ﻫﺎ ﺑﻪ دﺳﺖ آﻣﺪه اﺳﺖ. دراﯾﻦ روش از ﭘﺮﺳش‌نامه ﻣﺤﻘﻖ‌ﺳﺎﺧﺘﻪ اﺳﺘﻔﺎده ﺷﺪه و اﻋﺘﺒﺎر و رواﯾﯽ آن ﺗﺎﯾﯿﺪ ﺷﺪه اﺳﺖ. ﯾﺎﻓﺘﻪ‌ﻫﺎی ﭘﮋوﻫﺶ ﻧﺸﺎن ﻣﯽ‌دﻫﺪ ﮐﻪ ﻫﻢ ﻋﻮاﻣﻞ ﻣﺴﺠﺪی و هم ﻋﻮاﻣﻞ اﺟﺘﻤﺎﻋﯽ و ﻓﺮﻫﻨﮕﯽ ﺑﺮ ﺟﺬب ﺟﻮاﻧﺎن و ﻧﻮﺟﻮاﻧﺎن ﺑﻪ ﻣﺴﺠﺪ ﻣؤﺛﺮ اﺳﺖ و در ﺑﯿﻦ ﻋﻮاﻣﻞ ﻣﺴﺠﺪی ﻋﺎﻣﻞ وﺿﻌﯿﺖ ﻇﺎﻫﺮی و ﻣﻌﻤﺎری ﻣﺴﺎﺟﺪ از ﺳﺎﯾﺮ ﻋﺎﻣﻞ‌ﻫﺎ و در ﺑﯿﻦ ﻋﻮاﻣﻞ ﻓﺮﻫﻨﮕﯽ و اﺟﺘﻤﺎﻋﯽ ﻋﺎﻣﻞ ﺧﺎﻧﻮاده و وﺿﻌﯿﺖ ﺧﺎﻧﻮادﮔﯽ از ﺳﺎﯾﺮ ﻋﺎﻣﻞ‌ﻫﺎ ﺑﯿﺸﺘﺮﯾﻦ اﻫﻤﯿﺖ را دارا می‌ﺑﺎﺷﻨﺪ.در ﭘﺎﯾﺎن ﺳﻌﯽ ﺷﺪه ﺑﺮ اﺳﺎس ﯾﺎﻓﺘﻪ‌ﻫﺎی ﭘﮋوﻫﺶ ﭘﯿﺸﻨﻬﺎداﺗﯽ اراﺋﻪ ﮔﺮدد.

**کلیدواژه:**

ﻣﺴﺠﺪ، اﻣﺎم ﺟﻤﺎﻋﺖ، داﻧﺸﺠﻮﯾﺎن داﻧﺸﮕﺎه ﭘﯿﺎم ﻧﻮر ﻣﺮﮐﺰ ﺳﺎری، آﺳﯿﺐ ﺷﻨﺎﺳﯽ ﻣﺴﺎﺟﺪ.

**مقدمه وبیان مسئله**

اﻣﺮوزه ﺑﯿﺮون آوردن ﺟﻮاﻧﺎن از ﻣﺤﯿﻂ ﺑﺴﺘﻪ ﺧﺎﻧﻪ و ﺟﺬب آﻧﻬﺎ ﺑﻪ ﺑﻄﻦ ﺟﺮﯾﺎﻧﺎت اﺟﺘﻤﺎﻋﯽ و دﯾﻨﯽ ﺑﺮای ﻓﻌﺎﻻن و از ﺟﻤﻠﻪ وﻋﺎظ ﻣﺴﺎﺟﺪ، مهم‌ترین رﺳﺎﻟﺖ اﺳﺖ ﺗﺎ ﺷﺎﻫﺪ ﺟﻮاﻧﺎن ﺧﻮاب‌آﻟﻮد، ﭼﺸﻢ دوﺧﺘﻪ ﺑﻪ ﺻﻔﺤﻪ ﻣﺎﻧﯿﺘﻮر راﯾﺎﻧﻪ و ﻣﻨﻔﻌﻞ ﻧﺒﺎﺷﯿﻢ. ﺟﻬﺎﻧﯽ ﮐﻪ ﻣﺎ اﻣﺮوز در آن زﻧﺪﮔﯽ ﻣﯽ‌ﮐﻨﯿﻢ ﺑﻪ ﺷﺪّت در ﻣﺎدﯾﺎت و ﺟﺎذﺑﻪ‌ﻫﺎی دﻧﯿﻮی و ﻧﻔﺴﺎﻧﯽ ﻏﺮق ﺷﺪه و ﺑﻪ وﺳﯿﻠﻪ ﻓﺴﺎد، ﺑﯽ‌ﻋﺪاﻟﺘﯽ، ﺟﻨﮓ، ﻣﺸﮑﻼت اﺧﻼﻗﯽ و رواﻧﯽ ﺗﻬﺪﯾﺪ ﻣﯽ‌ﺷﻮد. ﺗﻨﻬﺎ داروی ﺷﻔﺎﺑﺨﺶ و ﻧﺠﺎت‌دﻫﻨﺪۀ اﻧﺴﺎن از ﻧﺎﻣﻼﯾﻤﺎت ﮐﻪ ﻣﯽﺗﻮان ﺗﺠﻮﯾﺰ ﮐﺮد، ارﺗﺒﺎط ﺑﺎ ذات ﻻﯾﺰال اﻟﻬﯽ و ﭘﯿﻮﺳﺘﻦ ﺑﻪ ﭼﺸﻤﻪ‌ﻫﺎی رﺣﻤﺖ وی اﺳﺖ. (ﻣﻮﺣﺪی،1384) ﻧﻤﺎز ﺑﻪ ﻋﻨﻮان ﺑﺎرزﺗﺮﯾﻦ ﺟﻠﻮه ارﺗﺒﺎط ﺧﺎﻟﻖ ﺑﺎ ﻣﺨﻠﻮق و ﻣﺴﺠﺪ ﺑﻪ ﻋﻨﻮان ﻣﮑﺎن ﻣﻘﺪس ﺑﺮای اﻧﺠﺎم اﯾﻦ ﻓﺮﯾﻀﻪ ﻧﻘﺶ ﺑﯽ‌ﺑﺪﯾﻞ و ﻣﻬﻤﯽ در ﺣﺮﮐﺖ ﺑﺸﺮ ﺑﻪ ﺳﻮی ﮐﻤﺎل دارد. ﺟﻮاﻧﺎن ﺑﻪ ﻋﻨﻮان آﯾﻨﺪه‌ﺳﺎزان و از ﺑﺰرگ‌ﺗﺮﯾﻦ ﺳﺮﻣﺎﯾﻪ‌ﻫﺎی ﮐﺸﻮر در ﭘﯽ دﺳﺖ ﯾﺎﻓﺘﻦ ﺑﻪ ﺑﯿﻨﺸﯽ ﭘﻮﯾﺎ، ﻣﺘﺤﻮل و ﺟﺪﯾﺪ ﻧﺴﺒﺖ ﺑﻪ زﻧﺪﮔﯽ ﺑﻮده و ﺑﺮای دﺳﺘﯿﺎﺑﯽ ﺑﻪ آن ﻫﺮ ﺗﻼﺷﯽ را ﭘﺬﯾﺮا هستند. ﺷﺨﺼﯿﺖ واﻗﻌﯽ در دوره ﺟﻮاﻧﯽ ﺷﮑﻞ می‌ﮔﯿﺮد و ﻣﺎﯾﻪ‌ﻫﺎی آن ﺑﺮ آورده ﺷﺪن ﻧﯿﺎزﻫﺎی ﻣﻌﻨﻮی ﺷﺎن اﺳﺖ. (ﻃﺎﻟﻘﺎﻧﯽ و دﯾﮕﺮان،1389) ﻫﻮﯾﺖ ﯾﺎﺑﯽ و ﺗﻌﻠﻖ ﮔﺮوﻫﯽ، ﺣﺮﻣﺖ‌ﻃﻠﺒﯽ و ﺗﺸﺨﺺ و اﺑﺮاز وﺟﻮد، ﮐﻤﺎل‌ﺟﻮﯾﯽ و ﺷﺎداﺑﯽ و آراﻣﺶ‌ﺟﻮﯾﯽ، ﺗﺮﺑﯿﺖ و اﺧﻼق اﻧﺴﺎﻧﯽ، ﻣﻌﺮﻓﺖ، ﻣﻌﺎﺷﺮت و ﻧﻮﻋﺪوﺳﺘﯽ و ﻫﻤﺒﺴﺘﮕﯽ اﺟﺘﻤﺎﻋﯽ از ﺟﻤﻠﻪ مهم‌ترین ﻧﯿﺎزﻫﺎی ﻣﻌﻨﻮی ﺟﻮاﻧﺎن ﻫﺴﺘﻨﺪ. دﯾﻦ اﺳﻼم ﺑﻪ ﻋﻨﻮان ﮐﺎمل‌ترین دﯾﻦ اﻟﻬﯽ ﭘﺎﺳﺨﮕﻮی ﺗﻤﺎﻣﯽ ﻧﯿﺎزﻫﺎی ﻓﻄﺮی ﺟﻮان و ﻫﺪاﯾﺖ ﮐﻨﻨﺪه او ﺑﻪ ﻗﻠﻪ‌ﻫﺎی ﺳﻌﺎدت و رﺳﺘﮕﺎری اﺑﺪی در ﻫﺮ دو ﺟﻬﺎن اﺳﺖ. (ﻋﺒﺎﺳﯽ، 1389) ﺑﺮ اﯾﻦ اﺳﺎس ﺗﻼش ﺑﺮای ﺗﻮﺳﻌﻪ آﮔﺎﻫﯽ‌ﻫﺎی دﯾﻨﯽ آﻧﺎن از اﻫﻤﯿﺖ ﺑﻪ ﺳﺰاﯾﯽ ﺑﺮﺧﻮردار اﺳﺖ. اﮔﺮ ﻣﯿﺰان ﻣﻌﺮﻓﺖ ﺟﻮاﻧﺎن ﺑﻪ ﻣﻌﺎرف و آﻣﻮزه‌ﻫﺎی دﯾﻨﯽ از رﺷﺪ ﻣﻄﻠﻮﺑﯽ ﺑﻬﺮه‌ﻣﻨﺪ ﺑﺎﺷﺪ ﺷﺨﺼﯿﺖ دﯾﻨﯽ آﻧﺎن ﺑﻪ ﮔﻮﻧﻪ‌ای ﺷﺎﯾﺴﺘﻪ ﺷﮑﻞ ﺧﻮاﻫﺪ ﮔﺮﻓﺖ و ﻫﻨﮕﺎم ورود ﺑﻪ ﺟﺎﻣﻌﻪ اﺳﻼﻣﯽ ﺗﺄﺛﯿﺮ ﺑﻪ‌ﺳﺰاﯾﯽ در آن ﺟﺎﻣﻌﻪ ﭘﺪﯾﺪ ﻣﯽ‌آورﻧﺪ.

در اﯾﻦ ﻣﯿﺎن ﻣﺴﺎﺟﺪ ﺑﺎ ﺑﺮﻧﺎﻣﻪ‌ﻫﺎی ﺧﻮد ﮐﺎرﮐﺮدﻫﺎی ﻣﻬﻢ در اﺑﻌﺎد فرهنگی-سیاسی، اﺟﺘﻤﺎﻋﯽ و ﺗﻌﻠﯿﻤﯽ-ﺗﺮﺑﯿﺘﯽ دارﻧﺪ. ﻣﺴﺎﺟﺪ ﯾﮑﯽ از اﻣﺘﯿﺎزات اﺳﻼم و ﻣﺘﻌﻠﻖ ﺑﻪ ﻣﺮدم و ﺟﺎﯾﮕﺎه ﻋﺒﺎدت و ارﺗﺒﺎط اﻧﺴﺎن ﺑﺎ ﭘﺮوردﮔﺎر اﺳﺖ و ﺑﻨﺎ ﺑﺮ ﺗﻌﺮﯾﻒ ﻧﺒﯽ ﻣﮑﺮم اﺳﻼم ﺧﺎﺗﻢ اﻟﻨﺒﯿﯿﻦ ﺣﻀﺮت ﻣﺤﻤﺪ ﻣﺴﺠﺪ ﺟﺎﯾﯽ اﺳﺖ ﮐﻪ ﺷﺮاﻓﺖ ﺣﻀﻮر اﻧﺒﯿﺎء را داﺷﺘﻪ ﺑﺎﺷﺪ و اﻃﻼق ﺧﺎﻧۀ ﺧﺪا ﺑﺮ آن ﺻﺪق ﮐﻨﺪ. (ﻃﺎﻟﻘﺎﻧﯽ و دﯾﮕﺮی،1389) ﻣﺴﺠﺪ ﻣﮑﺎﻧﯽ ﺑﯽ‌ﺑﺪﯾﻞ ﻫﺴﺖ ﮐﻪ ﻣﯽ‌ﺗﻮاﻧﺪ ﺷﺨﺼﯿﺖ ﺟﻮان را ﻣﻄﺎﺑﻖ آﻣﻮزه‌ﻫﺎی دﯾﻨﯽ ﺑﺎرور و روح ﺧﺪاﺟﻮﯾﯽ وﻋﺪاﻟﺖ‌ﺧﻮاﻫﯽ را در اﻋﻤﺎق وﺟﻮد آﻧﺎن رﯾﺸﻪ دار ﺳﺎزد.

**اهداف این تحقیق عبارتند از:**

ﺷﻨﺎﺧﺖ و ﺑﺮرﺳﯽ ﺗأﺛﯿﺮ ﻓﺎﮐﺘﻮرﻫﺎ و ﻋﻮاﻣﻞ ﻣﺴﺠﺪی ﻣؤﺛﺮ ﺑﺮ ﺟﺬب ﺟﻮاﻧﺎن و ﻧﻮﺟﻮاﻧﺎن ﺑﻪ ﻣﺴﺎﺟﺪ.

ﺷﻨﺎﺧﺖ و ﺑﺮرﺳﯽ تأثیرﻣﻌﻤﺎری و ﻓﻀﺎی ﻣﺴﺠﺪ ﺑﺮ ﺟﺬب ﺟﻮاﻧﺎن و ﻧﻮﺟﻮاﻧﺎن ﺑﻪ ﻣﺴﺎﺟﺪ.

ﺷﻨﺎﺧﺖ و ﺑﺮرﺳﯽ تأثیرﺷﺎﯾﺴﺘﮕﯽ اﻣﺎم ﻣﺴﺠﺪ ﺑﺮ ﺟﺬب ﺟﻮاﻧﺎن و ﻧﻮﺟﻮاﻧﺎن ﺑﻪ ﻣﺴﺎﺟﺪ.

ﺷﻨﺎﺧﺖ و ﺑﺮرﺳﯽ تأثیرﺷﺎﯾﺴﺘﮕﯽ ﻓﻌﺎﻻن ﻣﺴﺠﺪی ﺑﺮ ﺟﺬب ﺟﻮاﻧﺎن و ﻧﻮﺟﻮاﻧﺎن ﺑﻪ ﻣﺴﺎﺟﺪ.

ﺷﻨﺎﺧﺖ و ﺑﺮرﺳﯽ تأثیرﺷﺎﯾﺴﺘﮕﯽ ﻧﻤﺎزﮔﺰاران ﻣﻮرد ﻧﻈﺮ ﺑﺮ ﺟﺬب ﺟﻮاﻧﺎن و ﻧﻮﺟﻮاﻧﺎن ﺑﻪ ﻣﺴﺎﺟﺪ.

ﺷﻨﺎﺧﺖ و ﺑﺮرﺳﯽ تأثیرﻓﻌﺎﻟﯿﺖ ﻣﺴﺘﻤﺮ ﮐﺎﻧﻮن ﻓﺮﻫﻨﮕﯽ و ﻫﻨﺮی ﻣﺴﺎﺟﺪ ﺑﺮ ﺟﺬب ﺟﻮاﻧﺎن و ﻧﻮﺟﻮاﻧﺎن ﺑﻪ ﻣﺴﺎﺟﺪ.

اﯾﻦ ﺗﺤﻘﯿﻖ از ﻧﻮع ﺗﺤﻘﯿﻘﺎت ﺗﻮﺻﯿﻔﯽ – ﭘﯿﻤﺎﯾﺸﯽ و از ﺷﺎﺧﻪ ﺑﺮرﺳﯽ ﻫﺎی ﻣﯿﺪاﻧﯽ اﺳﺖ و اﻃﻼﻋﺎت از ﻃﺮﯾﻖ ﻣﻄﺎﻟﻌﻪ اﺳﻨﺎد و ﻣﺪارک ﻣﻮﺟﻮد و ﺗﺠﺰﯾﻪ و ﺗﺤﻠﯿﻞ ﭘﺮﺳﺶ ﻧﺎﻣﻪ ﻫﺎ ﺑﻪ دﺳﺖ آﻣﺪه اﺳﺖ.

ﻋﻮاﻣﻞ ﻣﺆﺛﺮ ﺑﺮ ﺟﺬب ﺟﻮاﻧﺎن ﺑﻪ ﻣﺴﺠﺪ را ﺑﺮ اﺳ‌ﺎس عامل‌های ﻣﺨﺘﻠﻒ وﺿﻌﯿﺖ ﻇﺎﻫﺮی ﻣﺴﺠﺪ، وﯾﮋﮔﯽ ﻫﺎی ﻓﺮدی و ﺷﺨﺼﯿﺘﯽ ﭘﺎﺳﺦ ﮔﻮ، ﺳﯿﺴﺘﻢ ﻣﺪﯾﺮﯾﺖ ﻣﺴﺠﺪ، وﯾﮋﮔﯽ ﻫﺎی ﺷﺨﺼﯿﺘﯽ اﻣﺎم ﺟﻤﺎﻋﺖ و ﺳﺎﯾﺮ دﺳﺖ اﻧﺪرﮐﺎران (ﻫﯿﺌﺖ اﻣﻨﺎ، ﺧﺎدﻣﯿﻦ و…)ﺗﻘﺴﯿﻢ ﻧﻤﻮده اﯾﻢ و در ﻧﻬﺎﯾﺖ ﺑﺎ اﺳﺘﻔﺎده از آﻣﺎر ﺗﻮﺻﯿﻔﯽ و اﺳﺘﻨﺒﺎﻃﯽ ﺑﻪ ﺗﺠﺰﯾﻪ و ﺗﺤﻠﯿﻞ داده ﻫﺎ ﭘﺮداﺧﺘﻪ ﺷﺪه اﺳﺖ.

در اﯾﻦ راﺳﺘﺎ اﯾﻦ ﻧﻮﺷﺘﺎر ﺑﻪ ﺑﺮرﺳﯽ راﻫﺒﺮدﻫﺎ و راﻫﮑﺎرﻫﺎی ﺟﺬب ﺟﻮاﻧﺎن ﺑﻪ ﻣﺴﺠﺪ و ﻣؤﻟﻔﻪ‌ﻫﺎی اﺛﺮ‌ﮔﺬار ﺑﺮ ﺣﻀﻮر ﺟﻮاﻧﺎن در ﻣﺴﺠﺪ ﻣﯽ‌ﭘﺮدازد. اﯾﻦ ﻣؤﻟﻔﻪ‌ﻫﺎ ﻋﺒﺎرﺗﻨﺪ از: ﺑﺮﻧﺎﻣﻪ رﯾﺰی ﮐﻼن، اﻣﺎم ﺟﻤﺎﻋﺖ و ﻣﺘﻮﻟﯿﺎن ﻣﺴﺎﺟﺪ، واﻟﺪﯾﻦ و ﺧﺎﻧﻮاده، ﻧﻬﺎد‌ﻫﺎی آﻣﻮزﺷﯽ و ﻓﺮﻫﻨﮕﯽ، ﻓﻀﺎ و ﻣﻮﻗﻌﯿﺖ ﻓﯿﺰﯾﮑﯽ ﻣﺴﺠﺪ، رﺳﺎﻧﻪ‌ﻫﺎ و ﻫﻤﺴﺎﻻن.

**الف) برنامه ریزی کلان**

ﻣﯿﺰان اﻫﻤﯿﺖ ﻋﻨﺼﺮ ﺑﺮﻧﺎﻣﻪ رﯾﺰی و ﻣﺪﯾﺮﯾﺖ در ﻫﺮ ﻧﻬﺎدی ﺑﺎ ﺗﻮﺟﻪ ﺑﻪ ﻧﻘﺶ ﻫﺎ و ﮐﺎرﮐﺮدﻫﺎی آن ﻧﻬﺎد روﺷﻦ ﻣﯽ‌ﺷﻮد. ﻧﮕﺎﻫﯽ ﮔﺬرا ﺑﻪ ﻧﻘﺶ‌ﻫﺎی ﮔﻮﻧﺎﮔﻮن و ﻣﻬﻤﯽ ﮐﻪ ﻣﺴﺠﺪ ﺑﺎﯾﺪ در ﻋﺮﺻﻪ‌ﻫﺎی ﻋﺒﺎدی، ﺗﺮﺑﯿﺘﯽ، ﻓﺮﻫﻨﮕﯽ، آﻣﻮزﺷﯽ، اﺟﺘﻤﺎﻋﯽ و ﺳﯿﺎﺳﯽ اﯾﻔﺎء ﮐﻨﺪ می‌ﺗﻮاﻧﺪ اﻫﻤﯿﺖ ﺑﺮﻧﺎﻣﻪ رﯾﺰی ﻣﺴﺠﺪ را روﺷﻦ ﺳﺎزد. ﻟﺰوم ﺑﺮﻧﺎﻣﻪ‌رﯾﺰی ﮐﻼن در راﺳﺘﺎی ﻫﺪاﯾﺖ ﻣﺠﻤﻮﻋﻪ ﻣﺴﺎﺟﺪ ﮐﺸﻮر ﺑﻪ ﻓﺮﻫﻨﮓ‌ﺳﺎزی و ارﺗﻘﺎی ﻓﺮﻫﻨﮓ دﯾﻨﯽ و اﺳﻼﻣﯽ زﻣﺎﻧﯽ ﻣﺸﺨﺺ‌ﺗﺮ ﻣﯽ‌ﺷﻮد ﮐﻪ ﻣﺎ آﮔﺎه ﺑﺎﺷﯿﻢ ﮐﻪ ﺑﺰرﮔﺘﺮﯾﻦ اﺟﺘﻤﺎﻋﺎت اﻧﺴﺎﻧﯽ را در ﻗﺎﻟﺐ ﻣﻨﺎﺳﺒﺖ‌ﻫﺎی ﻣﺨﺘﻠﻒ در ﻣﺴﺎﺟﺪ ﻣﺸﺎﻫﺪه ﻣﯽ‌ﮐﻨﯿﻢ. اﮔﺮ ﻣﺘﻮﻟﯿﺎن ﻓﺮﻫﻨﮕﯽ ﮐﺸﻮر ﺑﺮای ﭼﻨﯿﻦ ﻣﺠﺎﻟﺴﯽ ﺑﺮﻧﺎﻣﻪ‌رﯾﺰی دﻗﯿﻖ و ﺣﺴﺎب‌ﺷﺪه داﺷﺘﻪ ﺑﺎﺷﻨﺪ اﯾﻦ اﺟﺘﻤﺎﻋﺎت ﺑﻪ ﯾﮏ ﻓﺮﺻﺖ ﻋﻈﯿﻢ ﺑﺮای ﭘﯿﺸﺒﺮد ﻓﺮﻫﻨﮓ ﻋﺎﻟﯽ اﺳﻼم ﺗﺒﺪﯾﻞ ﻣﯽ‌ﺷﻮد. در ﻏﯿﺮ اﯾﻦ ﺻﻮرت اﯾﻦ اﺟﺘﻤﺎﻋﺎت، ﺗﺤﺖ تأثیر دﺧﺎﻟﺖ‌ﻫﺎ و ﻏﺮض‌ورزی‌ﻫﺎی دﺷﻤﻨﺎن ﻣﯽ‌ﺗﻮاﻧﺪ زﻣﯿﻨﻪ اﯾﺠﺎد ﺗﻬﺪﯾﺪ ﺑﺮای ﻓﺮﻫﻨﮓ اﺻﯿﻞ اﺳﻼﻣﯽ ﺑﺎﺷﺪ. ﺑﻨﺎﺑﺮاﯾﻦ ﺑﺮ ﻣﺴﺌﻮﻻن و ﺑﺮﻧﺎﻣﻪ‌رﯾﺰان ﺿﺮوری اﺳﺖ در ﺣﻔﻆ ﻣﻼک‌ﻫﺎﯾﯽ ﮐﻪ اﺳﻼم ﺑﺮای ﻣﺴﺎﺟﺪ ﺗﻮﺻﯿﻪ ﮐﺮده اﺳﺖ ﮐﻮﺷﺎ ﺑﺎﺷﻨﺪ و ﻧﮕﺬارﻧﺪ ﻣﺴﺠﺪ و ﻣﻨﺒﺮ و ﻣﺤﺮاب در اﺧﺘﯿﺎر ﻋﺪه‌ای ﻗﺮار ﺑﮕﯿﺮد ﮐﻪ از اﺑﺘﺪاﯾﯽ ﺗﺮﯾﻦ ﻣﺴﺎﺋﻞ اﺳﻼﻣﯽ ﺧﻮد ﺑﯽ‌ﺧﺒﺮﻧﺪ ﮐﻪ اﯾﻦ اﻣﺮ ﺑﺎﻋﺚ دﯾﻦ ﮔﺮﯾﺰﺷﺪن ﺟﻮاﻧﺎن و ﻧﻮﺟﻮاﻧﺎن از ﻣﺴﺎﺟﺪ ﻣﯽ‌ﺷﻮد و آﻧﺎن را در دام ﻣﮑﺘﺐ‌ﻫﺎی ﻧﺎﺻﻮاب ﻏﺮﺑﯽ و ﺷﺮﻗﯽ ﻣﯽ‌اﻧﺪازﻧﺪ. ﻣﺴﺎﺟﺪ زﻣﺎﻧﯽ ﻣﯽ‌ﺗﻮاﻧﻨﺪ در ﺟﻠﺐ ﺟﻮاﻧﺎن ﻣﻮﻓﻖ ﻋﻤﻞ ﮐﻨﻨﺪ ﮐﻪ ﺑﻪ درﺳﺘﯽ ﻧﯿﺎزﻫﺎی ﻫﻤﻪ ﺟﺎﻧﺒۀ ﺟﻮاﻧﺎن را ﺗﺸﺨﯿﺺ دﻫﻨﺪ. (ﻣﻮﺣﺪی،1384) ﺑﺎ اﯾﻦ ﺣﺎل ﻣﺘأﺳﻔﺎﻧﻪ اﻣﺮوزه ﻣﺴﺎﺟﺪ ﺑﯿﺸﺘﺮ ﺑﻪ ﺻﻮرت ﻣﺤﻠﯽ ﺑﺮای ﻋﺒﺎدت ﺗﺒﺪﯾﻞ ﺷﺪه و ﺑﺮﻧﺎﻣﻪ‌ﻫﺎی ﻓﺮﻫﻨﮕﯽ و ﻫﻨﺮی آن در ﺣﺎﺷﯿﻪ و ﻧﺎﻣﺘﻨﺎﺳﺐ ﺑﺎ ﻧﯿﺎزﻫﺎی ﻧﺴﻞ ﺟﻮان اﺳﺖ. ﻫﻤﭽﻨﯿﻦ ﺟﻮاﻧﺎن در ﺷﺮاﯾﻂ اﺟﺘﻤﺎﻋﯽ اﻣﺮوز ﺑﺎ ﻣﺴﺎﺋﻞ و ﻣﺸﮑﻼت ﻣﺘﻔﺎوﺗﯽ ﺑﺮﺧﻮرد ﻣﯽ‌ﮐﻨﻨﺪ ﮐﻪ واﻟﺪﯾﻦ ﮐﻤﺘﺮ اﯾﻦ دﺳﺘﻪ ﻣﺸﮑﻼت را ﺗﺠﺮﺑﻪ ﮐﺮده‌اﻧﺪ. ﺑﻨﺎﺑﺮاﯾﻦ ﻧﻤﯽ‌ﺗﻮاﻧﻨﺪ آن ﻃﻮر ﮐﻪ ﺑﺎﯾﺴﺘﻪ اﺳﺖ ﭘﺎﺳﺨﮕﻮی ﻣﺸﮑﻼت ﻓﺮزﻧﺪان ﺧﻮد ﺑﺎﺷﻨﺪ. ﻣﺴﺎﺟﺪ ﺑﺎﯾﺪ ﺑﺎ درک اﯾﻦ ﺧأها در زﻣﯿﻨﻪ‌ﻫﺎی ﺗﺮﺑﯿﺘﯽ ﭘﺎﺳخگوی ﻣﺸﮑﻼت رواﻧﯽ و اﺟﺘﻤﺎﻋﯽ ﺟﻮاﻧﺎن ﺑﺎﺷﻨﺪ. در اﯾﻦ ﺻﻮرت اﺳﺖ ﮐﻪ ﺟﻮاﻧﺎن ﺧﻮد ﺑﻪ ﺧﻮد ﻣﺴﺎﺟﺪ را ﺑﻪ ﻋﻨﻮان مأمنی ﺑﺮای رﻫﺎﯾﯽ از ﻣﺸﮑﻼت و ﻣﻨﺠﻼب‌ﻫﺎی اﺟﺘﻤﺎﻋﯽ اﻧﺘﺨﺎب ﻣﯽ‌ﮐﻨﻨﺪ.

**ب) امام جماعت**

ﯾﮑﯽ از ارﮐﺎن ﻣﻬﻢ ﻣﺴﺠﺪ در ﺟﺬب ﺟﻮاﻧﺎن، اﻣﺎم ﺟﻤﺎﻋﺖ اﺳﺖ ﮐﻪ در ﺟﻬﺖ دادن ﻓﻌﺎﻟﯿﺖ‌ﻫﺎ ﻣﺆﺛﺮ اﺳﺖ. اﻣﺎم ﺟﻤﺎﻋﺖ ﺑﻪ ﻋﻨﻮان ﮐﺎﻧﻮن ﻣﺮﮐﺰی ارﺗﺒﺎﻃﺎت در ﻣﺴﺠﺪ ﻣﻮرد ﺗﻮﺟﻪ ﻫﻤﻪ ﻣﺮاﺟﻌﯿﻦ ﻣﺴﺠﺪ اﺳﺖ. لازم است اﻣﺎم ﺟﻤﺎﻋﺖ ﻣﺴﺠﺪ ﻫﺮ ﯾﮏ از وﯾﮋﮔﯽ‌ﻫﺎی زﯾﺮ را داﺷﺘﻪ ﺑﺎﺷﺪ:

آﮔﺎﻫﯽ و ﺷﻨﺎﺧﺖ ﮐﺎﻣﻞ ﺑﻪ ﻣﺘﻮن دﯾﻨﯽ و ﻓﻘﻬﯽ؛

اﯾﻤﺎن و ﺑﺎورداﺷﺖ ﻧﺴﺒﺖ ﺑﻪ ﻋﻘﺎﯾﺪ و ﮔﻔﺘﺎرﻫﺎی ﺧﻮد؛

ﻋﺎﻣﻞ ﺑﻮدن ﺑﻪ اﺣﮑﺎم ﺷﺮﻋﯽ و اﺧﻼﻗﯽ؛

اﺧﻼق ﺧﻮش و اﻧﺲ ﺑﺎ ﺟﻮاﻧﺎن.

اﻣﺮوزه ﺑﯿﺮون آوردن ﺟﻮاﻧﺎن از ﻣﺤﯿﻂ ﺑﺴﺘﻪ ﺧﺎﻧﻪ و ﺟﺬب آﻧﻬﺎ ﺑﻪ ﺑﻄﻦ ﺟﺮﯾﺎﻧﺎت اﺟﺘﻤﺎﻋﯽ و دﯾﻨﯽ ﺑﺮای ﻓﻌﺎﻟﯿﻦ ﻣﺤﻼت و از ﺟﻤﻠﻪ وﻋﺎظ ﻣﺴﺎﺟﺪ از مهم‌ترین ﮐﺎرﻫﺎ ﺑﻪ ﺷﻤﺎر ﻣﯽ‌رود ﺗﺎ ﺷﺎﻫﺪ ﺟﻮاﻧﺎن ﺧﻮاب‌آﻟﻮد و ﭼﺸﻢ‌دوﺧﺘﻪ ﺑﻪ ﺻﻔﺤﻪ ﻣﺎﻧﯿﺘﻮر راﯾﺎﻧﻪ ﻧﺒﺎﺷﯿﻢ. ﺣﺘﯽ ﻣﯽﺗﻮان اﯾﻦ ﺗﻬﺪﯾﺪ را ﺑﻪ ﻓﺮﺻﺖ ﺗﺒﺪﯾﻞ ﮐﺮد و از اﯾﻦ وﺳﺎﯾﻞ ﻋﻠﯿﻪ ﻣﻘﺎﺻﺪ ﻏﺮب اﺳﺘﻔﺎده ﮐﺮد. اﯾﻦ ﻣﻬﻢ درﺻﻮرﺗﯽ ﻋﻤﻠﯿﺎﺗﯽ می‌ﺷﻮد ﮐﻪ ﻣﺴﺎﺟﺪ و وﻋﺎظ ﺧﻮد را ﺑﻪ ﻋﻠﻮم روز ﻣﺠﻬﺰ ﮐﺮده و ﺗﻼش ﮐﻨﻨﺪ ﮐﻪ ازﻫﻤﯿﻦ وﺳﺎﯾﻞ ﺑﺮای ﺟﺬب ﺟﻮاﻧﺎن اﺳﺘﻔﺎده ﮐﻨﻨﺪ. اﻣﺎ در ﮐﻨﺎر اﯾﻦ ﻋﻮاﻣﻞ ﻧﺒﺎﯾﺪ از روشﻫﺎی ﺳﻨﺘﯽ ﺟﻠﺐ و ﺟﺬب ﻏﺎﻓﻞ ﺑﻮد زﯾﺮا ﻓﻨﺎوری روز ﻏﺮب ﻓﺎﻗﺪ روح و ﻋﻄﻮﻓﺖ اﺳﺖ و در ﺑﺴﯿﺎری از ﻣﻮارد ﮐﺎری ﮐﻪ ارﺗﺒﺎط ﭼﻬﺮه ﺑﻪ ﭼﻬﺮه ﻣﯽﮐﻨﺪ اﯾﻦ وﺳﺎﯾﻞ ﻗﺎدر ﺑﻪ اﻧﺠﺎم آن ﻧﯿﺴﺘﻨﺪ.

ﺗﻮﺟﻪ ﺑﻪ ﺗﺄﺛﯿﺮ ﺷﺨﺼﯿﺖ اﻣﺎم ﺟﻤﺎﻋﺖ ﺑﺮ ﺟﻮاﻧﺎن ﻧﯿﺰ ﻣﻮردی ﻗﺎﺑﻞ ذﮐﺮ اﺳﺖ. اﮔﺮ اﻣﺎم ﺟﻤﺎﻋﺖ ﮔﺮم و اﻧﻌﻄﺎف‌ﭘﺬﯾﺮ ﺑﺎﺷﺪ و ﺑﻪ آراﻣﯽ رﻓﺘﺎر ﮐﻨﺪ، ﺟﻮاﻧﺎن ﻫﻢ اﺣﺴﺎﺳﺎﺗﺸﺎن را ﺑﯿﺸﺘﺮ ﺑﯿﺎن ﻣﯽ‌ﮐﻨﻨﺪ و ﺑﻪ راﺣﺘﯽ در ﻓﻌﺎﻟﯿﺖ‌ﻫﺎی ﻣﺴﺎﺟﺪ ﺷﺮﮐﺖ ﮐﺮده و اﺣﺴﺎس اﺳﺘﻘﻼل ﻣﯽ‌ﮐﻨﻨﺪ. در ﺟﻮاﻧﺎﻧﯽ ﮐﻪ اﻧﮕﯿﺰه دروﻧﯽ و اﻋﺘﻘﺎدات ﻣﺬﻫﺒﯽ ﮐﻢ اﺳﺖ، اﮔﺮ رواﺑﻂ اﻣﺎم ﺟﻤﺎﻋﺖ ﺑﺎ آﻧﻬﺎ ﻫﻤﺮاه ﺑﺎ ﮔﺮﻣﯽ و ﭘﺬﯾﺮش ﺟﻮاﻧﺎن ﺑﻪ ﻋﻨﻮان اﻧﺴﺎﻧﯽ ﺑﺎ ارزش و ﺷﺨﺼﯿﺖ دادن به آﻧﺎن ﺑﺎﺷﺪ، ﻣﯽ‌ﺗﻮاﻧﺪ اﺛﺮات ﺳﺎزﻧﺪه‌ای در ﻗﻮی ﮐﺮدن اﻋﺘﻘﺎدات داﺷﺘﻪ ﺑﺎﺷﺪ. اﻣﺎم ﺟﻤﺎﻋﺖ اﮔﺮ ﺑﺨﻮاﻫﺪ ﻣﺴﺌﻮﻟﯿﺖ ﺧﻮد را ﺑﻪ ﺑﻬﺘﺮﯾﻦ ﻧﺤﻮ اﻧﺠﺎم دﻫﺪ ﺑﺎﯾﺪ ﺑﻪ ﺳﻪ ﻋﻨﺼﺮ زﯾﺮ ﻣﺠﻬﺰ ﺑﺎﺷﺪ:

**ﻣﻘﺒﻮﻟﯿﺖ:**

ﮔﺎﻫﯽ ﻣﺎ ﻓﺮدی را ارزﯾﺎﺑﯽ ﻣﯽ‌ﮐﻨﯿﻢ از ﻧﻈﺮ ﻋﻘﻠﯽ ﻧﻘﺺ در او ﺗﺸﺨﯿﺺ ﻧﻤﯽ‌دﻫﯿﻢ و او را ﻣﯽﭘﺬﯾﺮﯾﻢ و ﺣﺎﺿﺮ ﻣﯽﺷﻮﯾﻢ ﭘﺸﺖ ﺳﺮ او ﻧﻤﺎز ﺑﺨﻮاﻧﯿﻢ. از ﺟﻤﻠﻪ ﻋﻮاﻣﻞ ﻣﺆﺛﺮ در ﻣﻘﺒﻮﻟﯿﺖ اﻣﺎم ﺟﻤﺎﻋﺖ اﯾﻦ اﺳﺖ ﮐﻪ روﺷﻨﻔﮑﺮ، آﮔﺎه و ﺑﺮﺧﻮردار از ﻣﺮاﺗﺐ ﻋﻠﻤﯽ ﺑﻮده و ﻣﻬﺮﺑﺎن و ﺧﻮش ﺑﺮﺧﻮرد ﺑﺎﺷﺪ.

**ﻣﺤﺒﻮﺑﯿﺖ:**

ﮔﺎﻫﯽ ﻧﯿﺰ ﻋﻼوه ﺑﺮ ﭘﺬﯾﺮش ﻓﺮد، اﺣﺴﺎس ﻣﯽ‌ﮐﻨﯿﻢ ﮐﻪ قلباً ﺑﺎ او ارﺗﺒﺎط ﺑﺮﻗﺮار ﻣﯽﮐﻨﯿﻢ و او را دوﺳﺖ دارﯾﻢ. در اﯾﻦ ﻣﻮﻗﻊ ﻣﯽﮔﻮﯾﯿﻢ ﮐﻪ او ﻣﺤﺒﻮﺑﯿﺖ دارد. آری، ﺟﻮاﻧﺎن ﺑﻪ آن اﻧﺪازه از درک و ﻓﻬﻢ رﺳﯿﺪه‌اﻧﺪ ﮐﻪ اﻣﺘﯿﺎزات روﺣﯽ ﻓﺮد را درک ﮐﻨﻨﺪ و ﻣﯽﺑﯿﻨﯿﻢ اﻣﺎﻣﺎن ﺟﻤﺎﻋﺘﯽ را ﮐﻪ ﺑﺪون ﻧﯿﺎز ﺑﻪ ﺗﺒﻠﯿﻎ دﯾﮕﺮان در ﺑﯿﻦ ﻣﺮدم ﻣﺤﺒﻮب و ﻣﻤﺘﺎز ﺗﻠﻘﯽ ﻣﯽﺷﻮﻧﺪ. از ﺟﻤﻠﻪ ﻋﻮاﻣﻞ ﻣﻬﻢ اﯾﺠﺎد ﻣﺤﺒﻮﺑﯿﺖ ﻋﺒﺎرﺗﻨﺪ از: دوری از ﺧﻮدﺧﻮاﻫﯽ، ﺗﮑﺒﺮ و ﺧﺸﮏ و ﻣﺘﺤﺠﺮ ﺑﻮدن و ﺟﺎﯾﮕﺰﯾﻦ ﮐﺮدن ﺻﺪاﻗﺖ، ﻣﺤﺒﺖ، ﺻﻤﯿﻤﯿﺖ، اﻧﻌﻄﺎفﭘﺬﯾﺮی و ﺷﻮخ‌ﻃﺒﻌﯽ و ﻓﺮوﺗﻨﯽ ﺑﻪ ﺟﺎی آﻧﻬﺎ.

**ﻣﻮﻓﻘﯿﺖ:**

در اﯾﻦ ﻋﻨﺼﺮ اﻣﺎم ﺟﻤﺎﻋﺖ ﺑﺎﯾﺪ اﺑﺘﺪا ﺑﻪ ﻗﻮاﻧﯿﻦ ﺣﺎﮐﻢ ﺑﺮ روح ﺟﻮان ﮐﻪ ﺧﻮد ﻣﻮﺿﻮع ﻣﺒﺤﺚ رواﻧﺸﻨﺎﺳﯽ اﺳﺖ آﮔﺎه ﺑﺎﺷﺪ ﺗﺎ ﺗﻮاﻧﺎﯾﯽ ﺑﺮﻗﺮار ﮐﺮدن ارﺗﺒﺎط و ﻫﻤﺰﺑﺎﻧﯽ و ﻫﻤﺪﻟﯽ ﺑﺎ آﻧﻬﺎ را داﺷﺘﻪ ﺑﺎﺷﺪ و دوم اﯾﻨﮑﻪ ﺑﺎ ﺗﮑﻨﯿﮏﻫﺎي آﻣﻮزﺷﯽ و ﺗﺮﺑﯿﺘﯽ آﺷﻨﺎ ﺑﺎﺷﺪ و ﺑﺘﻮاﻧﺪ ﺑﺎ اﺳﺘﻔﺎدۀ ﺻﺤﯿﺢ، آﻧﺎن را ﺑﻪ ﻣﻘﺎﺻﺪ ﻣﻮرد ﻧﻈﺮ راﻫﻨﻤﺎﯾﯽ ﮐﻨﺪ. اﻣﺎم ﻓﺮﻣﻮدﻧﺪ: «اﯾﻦ ﺗﺄﺛﯿﺮ ﻗﻠﺒﯽ و ﺣﻀﻮر ﺑﺎﻃﻨﯽ در اﯾﺎم ﺟﻮاﻧﯽ ﺑﻬﺘﺮ ﺣﺎﺻﻞ می‌ﺷﻮد، زﯾﺮا ﮐﻪ ﻗﻠﺐ ﺟﻮان ﻟﻄﯿﻒ و ﺳﺎده اﺳﺖ و ﺻﻔﺎﯾﺶ ﺑﯿﺸﺘﺮ اﺳﺖ و واردات آن ﮐﻤﺘﺮ و ﺗﺰاﺣﻤﺎت و ﺗﺮاﮐﻤﺎت در آن ﮐﻤﺘﺮ اﺳﺖ، ﭘﺲ ﺷﺪﯾﺪ اﻻﻧﻔﻌﺎل و ﮐﺜﯿﺮاﻟﻘﺒﻮل اﺳﺖ. ﺑﻠﮑﻪ ﻫﺮ ﺧﻠﻖ زﺷﺖ و زﯾﺒﺎﯾﯽ در ﻗﻠﺐ ﺟﻮان ﺑﻬﺘﺮ داﺧﻞ ﺷﻮد و ﺷﺪﯾﺪﺗﺮ و زودﺗﺮ از آن ﻣﺘﺄﺛﺮ و ﻣﻨﻔﻌﻞ ﺷﻮد. ﺑﺴﯿﺎر اﺗﻔﺎق اﻓﺘﺪ ﮐﻪ ﺣﻖ ﯾﺎ ﺑﺎﻃﻞ ﯾﺎ زﺷﺖ ﯾﺎ زﯾﺒﺎ را ﺑﻪ ﻣﺠﺮد ﻣﻌﺎﺷﺮت ﺑﺎ اﻫﻞ آن ﺑﺪون دﻟﯿﻞ و ﺣﺠﺖ ﻗﺒﻮل ﮐﻨﺪ.»

**ج)هیئت امناء**

ﻫﯿﺌﺖ اﻣﻨﺎی ﻣﺴﺎﺟﺪ ﻧﯿﺰ در اداره ﻣﺴﺎﺟﺪ و ارﺗﺒﺎط ﺑﺎ ﺟﻮاﻧﺎن ﻧﻘﺶ ﻋﻤﺪه ای دارﻧﺪ ﮐﻪ متأسفانه اﯾﻦ ﻣﻮرد ﮐﻤﺘﺮ ﻣﻮرد ﺑﺮرﺳﯽ و ﻣﺪاﻗﻪ ﻗﺮار ﮔﺮﻓﺘﻪ اﺳﺖ. در زﯾﺮ ﺑﺮﺧﯽ از وﯾﮋﮔﯽ‌ﻫﺎﯾﯽ ﮐﻪ ﺑﺮای ﻣﻮﻓﻘﯿﺖ ﻫﯿﺌﺖ اﻣﻨﺎی ﻣﺴﺎﺟﺪ در اﻣﺮ ﻣﺴﺠﺪ‌داری ﻻزم اﺳﺖ ذﮐﺮ می‌ﺷﻮد.

**ﻫﻤﮑﺎری ﺟﺪی:**

ﻫﯿﺌﺖ اﻣﻨﺎی ﻣﺴﺎﺟﺪ ﺑﺎﯾﺪ ﮐﺎر ﺧﻮد را ﺟﺪی ﺗﻠﻘﯽ ﮐﺮده و ﻫﻤﺎن اﻧﺪازه ﮐﻪ ﺑﻪ ﺷﻐﻞ ﺧﻮد اﻫﻤﯿﺖ می‌دﻫﻨﺪ ﺑﻪ وﻇﯿﻔﻪ ﺧﻮد در ﻗﺒﺎل ﻣﺴﺠﺪ ﻧﯿﺰ ﺑﺎﯾﺪ توجه داشته باشند. ﮔﺎﻫﺎً دﯾﺪه ﻣﯽ‌ﺷﻮد ﮐﻪ اﻓﺮادی ﻫﯿﺌﺖ اﻣﻨﺎی ﻣﺴﺠﺪ ﻫﺴﺘﻨﺪ ﮐﻪ ﺣﺘﯽ در ﻣﺴﺠﺪ ﺣﻀﻮر ﮐﺎﻓﯽ ﻧﯿﺰ ﭘﯿﺪا ﻧﻤﯽ‌ﮐﻨﻨﺪ. اﯾﻦ اﻓﺮاد ﭼﮕﻮﻧﻪ ﻣﯽ‌ﺗﻮاﻧﻨﺪ اﻫﺘﻤﺎم در اداره ﺧﻮب ﻣﺴﺠﺪ داﺷﺘﻪ ﺑﺎﺷﻨﺪ. ﻋﺪم ﺗﻘﺴﯿﻢ ﮐﺎر ﺑﯿﻦ ﻫﯿﺌﺖ اﻣﻨﺎی ﻣﺴﺎﺟﺪ ﻣﻮﺟﺐ ﻧﺎﮐﺎرآﻣﺪ ﺑﻮدن ﻫﯿﺌﺖ و ﺳﺮ درﮔﺮﻣﯽ ﻣﺮاﺟﻌﯿﻦ ﻣﯽ‌ﮔﺮدد و وﺟﻬﻪ هیئت اﻣﻨﺎء را ﮐﻪ ﺑﺎﯾﺪ در زﻣﺮه اﻓﺮاد ﻣﺸﮑﻞ ﺣﻞ‌ﮐﻦ ﺑﺎﺷﻨﺪ را ﻣﺨﺪوش ﻣﯽ‌ﮐﻨﺪ.

ﻫﯿأت اﻣﻨﺎی ﻣﺴﺎﺟﺪ ﺑﺎﯾﺪ از ﻧﻔﻮذ و ارﺗﺒﺎﻃﺎت ﻗﻮی ﺑﺮﺧﻮردا ﺑﺎﺷﻨﺪ ﺗﺎ ﺑﺘﻮاﻧﻨﺪ در ﺟﺬب ﮐﻤﮏ‌ﻫﺎی ﻣﺎﻟﯽ از ﺧﯿﺮﯾﻦ و ﯾﺎ ﻧﻬﺎد‌ﻫﺎی دوﻟﺘﯽ و ﻏﯿﺮدوﻟﺘﯽ ﻣﻮﻓﻖ ﻋﻤﻞ ﮐﻨﻨﺪ. زﯾﺮا ﮐﻪ ﮐﺎرﻫﺎی ﻓﺮﻫﻨﮕﯽ در ﻣﺴﺠﺪ ﻧﯿﺎز ﺑﻪ ﻫﺰﯾﻨﻪ‌ﻫﺎی ﺑﺎﻻﯾﯽ دارد و ﺑﺪون ﺑﻮدﺟﻪ ﻣﻨﺎﺳﺐ اﻣﮑﺎن ﻓﻌﺎﻟﯿﺖ ﻫﺎی ﻣﻨﺎﺳﺐ ﮐﻤﺘﺮ وﺟﻮد دارد.

ﻫﯿﺌﺖ اﻣﻨﺎی ﻣﺴﺎﺟﺪ ﺑﺎﯾﺪ در ﻣﻮرد ﺗﺼﻤﯿﻤﺎت و ﺳﯿﺎﺳﺖ‌ﻫﺎﯾﯽ ﮐﻪ ﺑﺮای ﻣﺴﺠﺪ اﺗﺨﺎذ ﻣﯽ‌ﮐﻨﻨﺪ ﺑﻪ ﺟﻮاﻧﺎن ﺗﻮﺿﯿﺢ ﻻزم را ﺑﺪﻫﻨﺪ. اﯾﻦ اﻣﺮ ﻋﻼوه ﺑﺮ اﯾﻨﮑﻪ ﺟﻠﻮی ﻣﺨﺎﻟﻔﺖ ﺟﻮاﻧﺎن در اﺟﺮای ﺗﺼﻤﯿﻤﺎت را ﻣﯽ‌ﮔﯿﺮد، ﺟﻮاﻧﺎن را در ﺗﺼﻤﯿﻢ‌ﮔﯿﺮی و اﺟﺮای ﺗﺼﻤﯿﻤﺎت ﻫﻤﺮاه ﻫﯿأت اﻣﻨﺎء ﻣﯽ‌ﮐﻨﺪ.

**اﻫﺘﻤﺎم ﺑﻪ اﻣﻮر ﺟﻮاﻧﺎن و ﻧﻮﺟﻮاﻧﺎن:**

ﺟﻮاﻧﺎن از ﺑﺰرﮔﺘﺮﻫﺎ ﻫﻤﯿﺸﻪ ﭼﺸﻢ‌داﺷﺖ ﮐﻤﮏ و راﻫﻨﻤﺎﯾﯽ دارﻧﺪ و ﻣﺨﺼﻮﺻﺎً از اﻓﺮاد وﺟﯿﻪ و ﻣﻮرد اﺣﺘﺮام ﮐﻪ در ﻣﺴﺎﺟﺪ ﺑﻪ ﻋﻨﻮان هیئت اﻣﻨﺎ اﻧﺘﺨﺎب ﻣﯽ‌ﺷﻮﻧﺪ اﯾﻦ اﻧﺘﻈﺎر ﺑﺎﻻﺗﺮ اﺳﺖ. اﯾﻦ اﻣﺮ ﺑﺎﯾﺪ ﻫﻤﯿﺸﻪ ﻣﻮرد ﺗﻮﺟﻪ ﻫﯿﺌﺖ اﻣﻨﺎی ﻣﺤﺘﺮم ﻣﺴﺎﺟﺪ ﻗﺮار ﺑﮕﯿﺮد.

ﺻﺒﺮ و اﺳﺘﻘﺎﻣﺖ: ﻋﻨﺼﺮ «ﺻﺒﺮ و اﺳﺘﻘﺎﻣﺖ» ﺑﺮای ﻣﺮﺑﯿﺎن و ﻣﺘﻮﻟﯿﺎن ﻣﺴﺎﺟﺪ ﻋﺎﻣﻞ ﺗﻌﯿﯿﻦ‌ﮐﻨﻨﺪه در ﻣﻮﻓﻘﯿﺖ آﻧﺎن در ﺗﺮﺑﯿﺖ ﻗﺸﺮ ﺟﻮان اﺳﺖ.

**د) والدین و خانواده:**

ﻫﻤﻪ داﻧﺸﻤﻨﺪان اذﻋﺎن دارﻧﺪ ﮐﻪ ﺗﺮﺑﯿﺖ از ﺧﺎﻧﻮاده ﺷﺮوع ﻣﯽ‌ﺷﻮد و ﺟﺎﻣﻌﻪ‌ﺷﻨﺎﺳﺎن ﺧﺎﻧﻮاده را اﺟﺘﻤﺎع ﮐﻮﭼﮏ ﺑﻪ ﺣﺴﺎب ﻣﯽ‌آورﻧﺪ و ﺟﻮاﻧﺎن ﺑﻪ ﮐﻤﮏ ﻓﮑﺮی ﭘﺪر و ﻣﺎدر ﺧﻮد ﻧﯿﺎزﻣﻨﺪ ﻫﺴﺘﻨﺪ درواﻗﻊ ﻫﺮ ﺟﺎ ﺳﺨﻦ از ﻣﺴﺎﺋﻞ ﺗﺮﺑﯿﺘﯽ اﺳﺖ اوﻟﯿﻦ و مهم‌ترین ﭘﺎﯾﮕﺎﻫﯽ ﮐﻪ ﺑﺎﯾﺪ ﻣﻮرد ﺗﻮﺟﻪ ﻗﺮار ﮔﯿﺮد، ﺧﺎﻧﻮاده اﺳﺖ و در ﺗﺮﺑﯿﺖ ﮐﻮدک ﺧﺎﻧﻮاده آن‌‌‌چنان اﻫﻤﯿﺘﯽ دارد ﮐﻪ ﮔﺮوﻫﯽ از رواﻧﺸﻨﺎﺳﺎن ﻣﻌﺘﻘﺪﻧﺪ ﮐﻪ ﺷﺨﺼﯿﺖ ﺑﭽﻪ‌ﻫﺎ در 5 ﺳﺎل اول زﻧﺪﮔﯽ ﺷﮑﻞ ﻣﯽ‌ﮔﯿﺮد و ریشة ﺗﻤﺎﻣﯽ ﻣﺴﺎﺋﻞ و ﻣﺸﮑﻼت را ﺑﺎﯾﺪ در اﯾﻦ دوره ﺟﺴﺘﺠﻮ ﻧﻤﻮد. ﺑﻨﺎﺑﺮاﯾﻦ اوﻟﯿﻦ ﻣﺮﺑﯽ ﺑﺮای ﮐﻮدک ﺧﺎﻧﻮاده و مهم‌تر از ﻫﻤﻪ ﻣﺎدر اﺳﺖ ﮐﻪ ﺑﺎ اﻋﻤﺎل ﻋﻮاﻃﻒ و ﻣﺤﺒﺖ ﮐﻮدک را ﺑﻪ ﺳﻮی ﺧﻮد ﺟﻠﺐ ﻣﯽ‌ﮐﻨﺪ و ﺑﺎ ﮐﻤﮏ ﭘﺪر ﻣﯽ‌ﺗﻮاﻧﺪ ﻣﻮﺟﻮدی ارزﺷﻤﻨﺪ ﺑﭙﺮورد. از ﺟﻤﻠﻪ وﯾﮋﮔﯽ‌ﻫﺎﯾﯽ ﮐﻪ واﻟﺪﯾﻦ در راﺑﻄﻪ ﺑﺎ ﻫﺪاﯾﺖ ﺟﻮاﻧﺎن، ﺑﺎﯾﺴﺘﯽ داﺷﺘﻪ ﺑﺎﺷﻨﺪ ﻣﯽ‌ﺗﻮان ﺑﻪ ﻋﺸﻖ ﺑﻪ ﻫﺪاﯾﺖ، ﺻﺒﺮ و اﺳﺘﻘﺎﻣﺖ، ﻋﺎﻣﻞ ﺑﻪ ﻗﻮل ﺑﻮدن اﺷﺎره ﮐﺮد.

ﻋﻼﻗﻪ و ﻋﺸﻖ ﺑﻪ ﻫﺪاﯾﺖ ﻓﺮزﻧﺪان اﻧﮕﯿﺰه ای ﺑﺴﯿﺎر ﻗﻮی ﺑﺮای ﭘﺪر و ﻣﺎدر اﯾﺠﺎد ﻣﯽ‌ﮐﻨﺪ ﺗﺎ در اﻣﺮ ﺗﺮﺑﯿﺖ ﺑﻪ ﭘﯿﺸﺮﻓﺖ و ﻣﻮﻓﻘﯿﺖ دﺳﺖ ﯾﺎﺑﻨﺪ. زﯾﺮا اﮔﺮ ﭘﺪر و ﻣﺎدر اﻧﮕﯿﺰۀ ﻗﻮی ﻧﺪاﺷﺘﻪ ﺑﺎﺷﻨﺪ ﻫﻢ ﺧﻮد و ﻫﻢ ﻓﺮزﻧﺪان را دﭼﺎر ﻧﺎ‌اﻣﯿﺪی ﻣﯽ‌ﮐﻨﻨﺪ.

ﺗﺄﺛﯿﺮﮔﺬاری ﭘﺪر و ﻣﺎدر در ﺗﻌﻠﯿﻢ و ﺗﺮﺑﯿﺖ ﻓﺮزﻧﺪان زﻣﺎﻧﯽ اﺳﺖ ﮐﻪ ﺑﺎ ﻋﻤﻞ ﻫﻤﺮاه ﺑﺎﺷﺪ. مثلاً در راﺑﻄﻪ ﺑﺎ ﻧﻤﺎز ﺟﻤﺎﻋﺖ در ﻣﺴﺠﺪ ﻋﺎﻣﻞ ﺑﻮدن ﺧﻮد واﻟﺪﯾﻦ و ﺗﮑﺮﯾﻢ و ﺗﻌﻈﯿﻢ ﻋﻤﻠﯽ اﻗﺎﻣﻪ ﻧﻤﺎز و ﺣﻀﻮر ﺑﻪ ﻣﻮﻗﻊ آﻧﻬﺎ در ﻣﺴﺠﺪ اﺛﺮ ﻣﻄﻠﻮﺑﯽ در روح و ﺟﺎن ﺟﻮان ﻣﯽ‌ﮔﺬارد ﺗﺎ ﺗﻮﺻﯿﻪ‌ﻫﺎی ﭘﯽدرﭘﯽ و ﺑﺪون ﻋﻤﻞ. ﺷﺮﮐﺖ ﺟﻮاﻧﺎن در ﻧﻤﺎز ﺟﻤﺎﻋﺖ ﭘﯿﺶ از آﻧﮑﻪ ﻣﺘﺄﺛﺮ از اﻧﺪرزﻫﺎ و ﺳﺨﻨﺎن و ﻧﻈﺎرت واﻟﺪﯾﻦ ﺑﺎﺷﺪ ﻣﻌﻠﻮل ﭘﺬﯾﺮش رﻓﺘﺎر آﻧﺎن اﺳﺖ .ﺧﺎﻧﻮاده‌ﻫﺎﯾﯽ ﮐﻪ ﺑﺎ ﻓﻀﺎﺳﺎزی ﻣﻨﺎﺳﺐ، اﻣﮑﺎن درک و ﯾﺎدﮔﯿﺮی ارﺗﺒﺎط ﺑﺎ ﺧﺪا را ﺑﺮای ﻓﺮزﻧﺪان ﻓﺮاﻫﻢ ﻣﯽ‌ﮐﻨﻨﺪ ﺑﺎ اﯾﺠﺎد ﻓﻀﺎﯾﯽ ﮐﻪ ﻓﺮزﻧﺪان ﺗﺮﻏﯿﺐ و ﺗﺸﻮﯾﻖ ﺑﻪ ﻧﻤﺎز ﺟﻤﺎﻋﺖ ﻣﯽ‌ﺷﻮﻧﺪ ﺑﺎﻋﺚ اﻓﺰاﯾﺶ ﺷﺮﮐﺖ ﻓﺮزﻧﺪان ﺧﻮد در ﻧﻤﺎز ﺟﻤﺎﻋﺖ ﻣﯽ‌ﮔﺮدﻧﺪ. (ﻃﺎﻟﻘﺎﻧﯽ و دﯾﮕﺮی،1389)

ﯾﮑﯽ از ﺟﻨﺒﻪ‌ﻫﺎی ﻣﻬﻢ ﯾﺎدﮔﯿﺮی ﮐﻪ در ﺧﺎﻧﻪ اﺗﻔﺎق ﻣﯽ‌اﻓﺘﺪ ﯾﺎدﮔﯿﺮی ﻣﺸﺎﻫﺪه‌ای اﺳﺖ ﮐﻪ ﺑﻨﺎ ﺑﻪ اﯾﻦ ﻧﻈﺮﯾﻪ روان‌ﺷﻨﺎﺳﺎن رﻓﺘﺎر‌ﮔﺮا ﻣﻌﺘﻘﺪﻧﺪ ﻣﺎ اﻧﺴﺎن‌ﻫﺎ ﺑﺎ دﯾﺪن رﻓﺘﺎر دﯾﮕﺮان ﯾﺎد می‌ﮔﯿﺮﯾﻢ ﺑﻪ ﮔﻮﻧﻪ‌ای ﺧﺎص ﻋﻤﻞ ﮐﻨﯿﻢ. ﻓﺮزﻧﺪان ﻧﯿﺰ ﺑﺎ دﯾﺪن رﻓﺘﺎرﻫﺎی واﻟﺪﯾﻦ ﯾﺎد ﻣﯽ‌ﮔﯿﺮﻧﺪ ﮐﻪ اﻋﻤﺎل ﺧﺎﺻﯽ را اﻧﺠﺎم دﻫﻨﺪ. ﺗﻘﻠﯿﺪ رﻓﺘﺎر واﻟﺪﯾﻦ در دورا ن ﮐﻮدﮐﯽ ﺑﻪ وﺿﻮح دﯾﺪه ﻣﯽ‌ﺷﻮد ﻣﺜﻼً دﺧﺘﺮ ﺧﺎﻧﻤﯽ ﺑﺎ اﻧﺪاﺧﺘﻦ ﭼﺎدر ﺑﺮ ﺳﺮ؛ ﺑﻪ ﺗﻘﻠﯿﺪ ﻧﻤﺎزﺧﻮاﻧﺪن ﻣﺎدر ﻣﯽ‌ﭘﺮدازد. در ﭼﻨﯿﻦ ﻣﻮارد واﻟﺪﯾﻦ ﺑﺎ ﺗﺸﻮﯾﻖ ﻣﻨﺎﺳﺐ ﻣﯽ‌ﺗﻮاﻧﻨﺪ ﻧﮕﺮش ﻣﺜﺒﺖ ﻧﺴﺒﺖ ﺑﻪ ﻧﻤﺎز در ذﻫﻦ ﮐﻮدک اﯾﺠﺎد ﻧﻤﺎﯾﻨﺪ، ﻣﺎﻧﻨﺪ ﻟﺒﺨﻨﺪ ﻣﺎدر و ﮔﻔﺘﻦ ﺟﻤﻼﺗﯽ ﺷﯿﺮﯾﻦ ﺑﻪ او. ﻋﺎﻣﻞ ﻣﻬﻢ دﯾﮕﺮ ﮐﻪ ﻣﻮرد ﺗأﮐﯿﺪ روان ﺷﻨﺎﺳﺎن اﺳﺖ اﯾﻨﮑﻪ ﺗﻘﻮﯾﺖ در ﺗﺜﺒﯿﺖ و ﺷﮑﻞ‌ﮔﯿﺮی رﻓﺘﺎر ﺑﺴﯿﺎر اﺛﺮﮔﺬار اﺳﺖ. ﻫﺮ رﻓﺘﺎری ﮐﻪ ﺗﻘﻮﯾﺖ ﺷﻮد ﻓﺮاواﻧﯽ آن اﻓﺰاﯾﺶ ﻣﯽ‌ﯾﺎﺑﺪ و ﻫﺮ رﻓﺘﺎری ﮐﻪ ﺗﻘﻮﯾﺖ ﻧﺸﻮد ﺗﻀﻌﯿﻒ و ﻧﻬﺎﯾﺘﺎً ﺧﺎﻣﻮش ﻣﯽﮔﺮدد ﭘﺲ ﺿﺮوری اﺳﺖ رﻓﺘﺎر ﻣﻨﺎﺳﺐ ﺗﻘﻮﯾﺖ ﺷﻮد.

از ﮐﺎرﻫﺎی ﻣﺜﺒﺘﯽ ﮐﻪ واﻟﺪﯾﻦ ﻣﯽﺗﻮاﻧﻨﺪ اﻧﺠﺎم دﻫﻨﺪ ﻫﻤﺮاه ﺑﺮدن ﻓﺮزﻧﺪان ﺑﺮای ﺷﺮﮐﺖ در ﻧﻤﺎز ﺟﻤﺎﻋﺖ و ﺳﺎﯾﺮ ﻣﺮاﺳﻢ اﺳﺖ ﮐﻪ ﻣﯽﺗﻮاﻧﻨﺪ ﻣﺰاﯾﺎی ﺑﺴﯿﺎری داﺷﺘﻪ ﺑﺎﺷﺪ ﮐﻪ از ﺟﻤﻠﻪ آﻧﻬﺎ ﮔﺮاﯾﺶ ﺑﻪ ﻣﺴﺠﺪ و ﻣﻨﺎﺳﮏ دﯾﻨﯽ، ﺗﻘﻮﯾﺖ اﻋﺘﻤﺎد ﺑﻪ ﻧﻔﺲ و ﻋﺰت ﻧﻔﺲ و ﻫﻤﭽﻨﯿﻦ ارﺗﻘﺎء ﺳﻄﺢ ارﺗﺒﺎﻃﺎت اﺟﺘﻤﺎﻋﯽ اﺳﺖ. اﻟﺒﺘﻪ ﺷﺎﯾﺴﺘﻪ اﺳﺖ ﮐﻪ ﻫﻤﺮاه ﺑﺮدن ﻓﺮزﻧﺪ ﺑﻪ ﻣﺴﺠﺪ ﺑﺎ ﺑﺎر ﻋﺎﻃﻔﯽ ﻣﺜﺒﺖ ﻫﻤﺮاه ﺑﺎﺷﺪ و ﺧﺎﻃﺮات ﺧﻮﺷﺎﯾﻨﺪی در ذﻫﻦ او اﯾﺠﺎد ﮐﻨﺪ. (ﺳﺘﺎرزاده و دﯾﮕﺮان،1391)

**هـ) نهادهای فرهنگی آموزش**

ﻣﻨﻈﻮر از ﻧﻬﺎدﻫﺎی ﻓﺮﻫﻨﮕﯽ و آﻣﻮزﺷﯽ، ﺳﺎزﻣﺎن آﻣﻮزش و ﭘﺮورش، داﻧﺸﮕﺎه‌ﻫﺎ، ﺣﻮزهﻫﺎی ﻋﻠﻤﯿﻪ و ﺳﺎزﻣﺎن ﺗﺒﻠﯿﻐﺎت ﻫﺴﺘﻨﺪ ﮐﻪ در ﺟﻬﺖ دﻫﯽ ﺑﻪ ﻓﺮﻫﻨﮓ ﻋﻤﻮﻣﯽ ﮐﺸﻮر ﻧﻘﺶ زﯾﺎدی ﻣﯽﺗﻮاﻧﻨﺪ داﺷﺘﻪ ﺑﺎﺷﻨﺪ.

**آموزش و پرورش و دانشگاه‌ها**

از آﻧﺠﺎﯾﯽ ﮐﻪ ﻣﺪارس درﺑﺮﮔﯿﺮﻧﺪه ﺑﯿﺶ از 18 ﻣﯿﻠﯿﻮن داﻧﺶ‌آﻣﻮز ﺑﻪ ﻣﺪت 9 ﻣﺎه از ﺳﺎل و ﺣﺪاﻗﻞ 5 ﺳﺎﻋﺖ در روز ﻫﺴﺘﻨﺪ، ﭘﺲ اﮔﺮ ﺑﺮﻧﺎﻣﻪ ﻣﺪون، ﻋﻠﻤﯽ، ﻫﻤﻪ‌ﺟﺎﻧﺒﻪ و ﺣﺴﺎب ﺷﺪه‌ای داﺷﺘﻪ ﺑﺎﺷﻨﺪ ﻣﯽ‌ﺗﻮاﻧﻨﺪ ﺟﻮاﻧﺎن را ﻧﺴﺒﺖ ﺑﻪ ارزش‌ﻫﺎی اﻧﺴﺎﻧﯽ و اﺳﻼﻣﯽ ﺗﺮﻏﯿﺐ ﮐﺮده و آﻧﺎن را ﻣﺴﺠﺪی ﮐﻨﻨﺪ. ﺟﻮاﻧﺎن و ﻧﻮﺟﻮاﻧﺎن ﺳﻦ ﺑﯿﺪاری ﻣﺬﻫﺒﯽ را در ﻣﺪرﺳﻪ ﺳﭙﺮی ﻣﯽ‌ﮐﻨﻨﺪ، ﺑﻪ ﻫﻤﯿﻦ ﻋﻠﺖ ﻣﻌﻠﻤﺎن و ﻣﺮﺑﯿﺎن و دﯾﮕﺮ ﻣﺴﺆﻻن ﻣﺪرﺳﻪ اﻟﮕﻮی ﺗﻤﺎم ﻋﯿﺎر ﺑﺮای داﻧﺶ‌آﻣﻮزان ﻧﻮﺟﻮان و ﺟﻮان ﻫﺴﺘﻨﺪ. ﺑﺮﮔﺰاری ﻧﻤﺎز ﺟﻤﺎﻋﺖ در ﻣﺪارس، ﺑﻬﺮه‌ﺑﺮدن از روﺣﺎﻧﯿﻮن آﮔﺎه و ﻋﺎﻣﻞ ﺑﻪ دﯾﻦ در ﮐﻼس‌ﻫﺎی اﺧﻼﻗﯽ و دﯾﻨﯽ، داﺷﺘﻦ ﻣﻌﻠﻤﺎن و ﮐﺎرﮐﻨﺎن ﻣؤﻣﻦ و ﻣﺘﻌﻬﺪ در ﻣﺪرﺳﻪ از ﺟﻤﻠﻪ ﻋﻮاﻣﻞ ﻣﻬﻤﯽ ﻫﺴﺘﻨﺪ ﮐﻪ ﺷﺮاﯾﻂ ﮐﻠﯽ ﻣﺪرﺳﻪ را ﺑﺮای ﭘﺮورش دﯾﻨﯽ داﻧﺶ‌آﻣﻮزان ﻓﺮاﻫﻢ می‌ﮐﻨﻨﺪ.

ﺣﻮزه‌ﻫﺎی ﻋﻠﻤﯿﻪ ﺑﺎ ﭘﺮورش و ﺗﺮﺑﯿﺖ ﻋﺎﻟﻤﺎن و ﻋﺎﻣﻼن دﯾﻨﯽ ﻧﻘﺶ ﺑﺴﯿﺎر ﺣﺴﺎﺳﯽ در اﻧﺘﻘﺎل درﺳﺖ و اﺛﺮﮔﺬار ﻣﻔﺎﻫﯿﻢ دﯾﻨﯽ ﺑﻪ ﻗﺸﺮﻫﺎی ﻣﺨﺘﻠﻒ اﺟﺘﻤﺎع ﻣﺨﺼﻮﺻﺎً ﺟﻮاﻧﺎن دارﻧﺪ. ﺗﺮﺑﯿﺖ ﻋﺎﻟﻤﺎﻧﯽ ﮐﻪ ﺑﺎ ﺗﻘﻮا، ﻣﺠﻬﺰ ﺑﻪ ﻋﻠﻮم اﺳﻼﻣﯽ، واﻗﻒ ﺑﻪ ﻓﻨﻮن ارﺗﺒﺎﻃﺎت در ﻋﺼﺮ ﺣﺎﺿﺮ و ﺑﺎ ﺑﺼﯿﺮت و درک ﺻﺤﯿﺢ ازﺟﺮﯾﺎﻧﺎت ﻓﺮﻫﻨﮕﯽ و ﺳﯿﺎﺳﯽ ﺟﺎﻣﻌﻪ ﺑﺎﺷﻨﺪ از ﺟﻤﻠﻪ وﻇﺎﯾﻒ ﺧﻄﯿﺮ ﺣﻮزه ﻫﺎی ﻋﻠﻤﯿﻪ در اﻣﺮ ﺟﺬب ﺟﻮاﻧﺎن ﺑﻪ ﻣﺴﺠﺪ اﺳﺖ. ﺣﻮزه‌ﻫﺎی ﻋﻠﻤﯿﻪ ﻋﻼوه ﺑﺮ ﻣﻮارد ذﮐﺮ ﺷﺪه ﮐﻪ ﺑﺴﯿﺎر ﻫﻢ ﻣﻬﻢ ﻫﺴﺘﻨﺪ در دو اﻣﺮ زﯾﺮ ﻧﯿﺰ ﺑﺎﯾﺪ ﺗﻼش و ﺳﻌﯽ ﻣﻀﺎﻋﻒ داﺷﺘﻪ ﺑﺎﺷﻨﺪ.اولاً ﺗﺮﺑﯿﺖ ﻋﺎﻟﻤﺎن ﺑﺎ ﺗﻮﺟﻪ ﺑﻪ ﻧﯿﺎزﻫﺎ و ﻣﺸﮑﻼت ﻓﺮﻫﻨﮕﯽ و اﻋﺘﻘﺎدی ﻣﻨﺎﻃﻖ ﻣﺨﺘﻠﻒ در ﮐﺸﻮر. ثانیأ ﺗﺮﺑﯿﺖ ﻋﺎﻟﻤﺎن دﯾﻨﯽ ﺑﻪ ﺗﻌﺪادی ﮐﻪ ﺑﺘﻮاﻧﻨﺪ ﻧﯿﺎزﻫﺎی ﻓﺮﻫﻨﮕﯽ و دﯾﻨﯽ ﻣﺮدم را در ﺗﻤﺎم ﻣﻨﺎﻃﻖ ﮐﺸﻮر و ﻧﻪ ﻓﻘﻂ در ﺷﻬﺮﻫﺎی ﺑﺮﺧﻮردار را ﺟﻮاﺑﮕﻮ ﺑﺎﺷﻨﺪ.   
در ﺣﻮزه ﭘﮋوﻫﺶ و آﺳﯿﺐ ﺷﻨﺎﺳﯽ رﻓﺘﺎر دﯾﻨﯽ ﺟﻮاﻧﺎن ﺣﻮزه ﻫﺎی ﻋﻠﻤﯿﻪ و ﻧﯿﺰ داﻧﺸﮕﺎه ﻫﺎ ﺑﻪ ﺻﻮرت ﻣﺸﺘﺮک می‌ﺗﻮاﻧﻨﺪ ﺗﺤﻘﯿﻘﺎت ﻣﺪون و ﻣﻔﺼﻠﯽ را در ﺳﺮاﺳﺮ ﮐﺸﻮر اﺟﺮاﮐﻨﻨﺪ و از ﻧﺘﺎﯾﺞ اﯾﻦ ﺗﺤﻘﯿﻘﺎت در ﺑﺮﻧﺎﻣﻪ رﯾﺰی ﻫﺎی ﻓﺮﻫﻨﮕﯽ اﺳﺘﻔﺎده ﮐﻨﻨﺪ.

**سازمان تبلیغات**

ﺳﺎزﻣﺎن‌ﻫﺎی دﯾﮕﺮ از ﺟﻤﻠﻪ ﺳﺎزﻣﺎن ﺗﺒﻠﯿﻐﺎت ﻧﯿﺰ در ﮐﻨﺎر ﺳﺎﯾﺮ ﻧﻬﺎدﻫﺎ ﺑﻪ ﺻﻮرت ﻫﻤﺎﻫﻨﮓ و ﻣﻨﺴﺠﻢ ﻣﯽ‌ﺗﻮاﻧﺪ ﺑﺎ ﭘﺸﺘﯿﺒﺎﻧﯽ ﻣﺎﻟﯽ از ﻣﺴﺎﺟﺪ و در اﺧﺘﯿﺎر ﮔﺬاﺷﺘﻦ اﻣﮑﺎﻧﺎت آﻣﻮزﺷﯽ، ﺗﻔﺮﯾﺤﯽ، رﻓﺎﻫﯽ از یک‌طرف و ﺑﺎ ﻏﻨﯽ‌ﮐﺮدن ﺑﺮﻧﺎﻣﻪ‌ﻫﺎی ﻓﺮﻫﻨﮕﯽ و ﻣﺬﻫﺒﯽ ﻣﺴﺠﺪ از ﻃﺮف دﯾﮕﺮ ﻋﺎﻣﻞ ﻣﻬﻤﯽ در ﺗﺮﻏﯿﺐ ﺟﻮاﻧﺎن ﺑﻪ ﻣﺴﺎﺟﺪ ﺑﺎﺷﺪ.

**و) فضا و موقعیت و فیزیکی مسجد**

ﭘﯿﺮوان ﻫﻤﻪ ادﯾﺎن اﻟﻬﯽ ﺑﻪ ﻣﻌﻤﺎری و ﻓﻀﺎی ﻓﯿﺰﯾﮑﯽ ﭘﺮﺳﺘﺸﮕﺎه ﻫﺎی ﺧﻮد ﺗﻮﺟﻪ زﯾﺎدی داﺷﺘﻪ‌اﻧﺪ. در اﯾﻦ ﻣﯿﺎن ﻣﺴﻠﻤﯿﻦ ﻧﯿﺰ از اﺑﺘﺪا ﺑﻪ ﻣﻌﻤﺎری ﻣﺴﺠﺪ ﺗﻮﺟﻪ داﺷﺘﻪ‌اﻧﺪ. ﻓﻀﺎ و ﻣﻮﻗﻌﯿﺖ ﻓﯿﺰﯾﮑﯽ ﻣﺴﺠﺪ از دو ﺑﻌﺪ رواﻧﯽ و ﻓﯿﺰﯾﮑﯽ می‌ﺗﻮاﻧﺪ در ﺟﺬب ﺟﻮاﻧﺎن ﺑﻪ ﻣﺴﺠﺪ تأثیرﮔﺬار ﺑﺎﺷﺪ. ﻣﺴﺠﺪ ﺑﺎﯾﺪ ﻣﺤﻠﯽ ﺑﺎﺷﺪ ﮐﻪ ﻣﻮﺟﺐ ﺗﻠﻄﯿﻒ روﺣﯿﻪ ﻣﺮاﺟﻌﻪ ﮐﻨﻨﺪﮔﺎن ﺑﻪ ﻣﺴﺠﺪ ﺷﻮد. ﻣﺴﺎﺟﺪ ﺑﺎﯾﺪ ﭘﺎﮐﯿﺰه و آراﺳﺘﻪ ﺑﺎﺷﻨﺪ و ﺗﺎ ﺣﺪ اﻣﮑﺎن دور از ﺳﺮو ﺻﺪاﻫﺎی ﻣﺰاﺣﻢ و در ﯾﮏ ﻣﺤﯿﻂ ﺑﺎز و وﺳﯿﻊ ﺑﺎ ﺳﻘﻒ ﻫﺎی ﺑﻠﻨﺪ و ﻣﻌﻤﺎری اﺳﻠﯿﻤﯽ ﺑﻨﺎ ﻧﻬﺎده ﺷﻮﻧﺪ. (ﺳﺘﺎرزاده و دﯾﮕﺮان،1391)

در دﺳﺘﺮس ﺑﻮدن ﻣﺴﺠﺪ ﺑﺮای ﺟﻮاﻧﺎن از ﺟﻤﻠﻪ ﻋﻮاﻣﻞ تأثیرﮔﺬار ﺑﺮ ﺟﺬب ﺟﻮاﻧﺎن ﺑﻪ ﻣﺴﺠﺪ اﺳﺖ. زﻣﺎﻧﯽ ﮐﻪ ﻓﺎﺻﻠﻪ ﺑﯿﻦ ﻣﺴﺠﺪ و ﺧﺎﻧﻪ ﮐﻢ ﺑﺎﺷﺪ، ﻫﻢ ﺟﻮان می‌تواند ﺑﻪ راﺣﺘﯽ ﺑﻪ ﻣﺴﺠﺪ رﻓﺖ و آﻣﺪ داﺷﺘﻪ ﺑﺎﺷﺪ و ﻫﻢ اﯾﻨﮑﻪ واﻟﺪﯾﻦ ﺟﻮان ﻧﯿﺰ زﻣﺎﻧﯽ ﮐﻪ ﻓﺮزﻧﺪاﻧﺸﺎن در ﻣﺴﺠﺪ ﻫﺴﺘﻨﺪ اﺣﺴﺎس ﻧﮕﺮاﻧﯽ در ﻣﻮرد ﻓﺮزﻧﺪﺷﺎن ﻧﺪارﻧﺪ. ﻋﻼوه ﺑﺮ اﯾﻦ دو ﻣﻮرد ﮐﻪ ﻣﻬﻢ ﻫﺴﺘﻨﺪ، وﺟﻮد اﻣﮑﺎﻧﺎﺗﯽ هم‌چون ﮐﺘﺎﺑﺨﺎﻧﻪ ﻋﻤﻮﻣﯽ، ﺳﺎﻟﻦ ورزﺷﯽ، ﻓﺮوﺷﮕﺎه ﮐﺘﺎب و ﺳﺎﯾﺮ ﮐﺎﻧﻮن ﻫﺎی ﻓﺮﻫﻨﮕﯽ ﺑﺴﺘﻪ ﺑﻪ ﻧﯿﺎز ﻣﺤﻠﻪ و ﻣﻨﻄﻘﻪ ﺟﻐﺮاﻓﯿﺎﯾﯽ ﻣﺴﺠﺪ ﺑﺎﯾﺪ در زﻣﺮه اﻣﮑﺎﻧﺎت ﻣﺴﺠﺪ ﻗﺮار ﺑﮕﯿﺮﻧﺪ. ﻣﺘﻤﺮﮐﺰ ﺷﺪن اﯾﻦ اﻣﮑﺎﻧﺎت در اﻃﺮاف ﻣﺴﺠﺪ ﻫﻢ دﺳﺘﺮﺳﯽ و اﺳﺘﻔﺎده از آﻧﻬﺎ را ﺑﺮای ﺟﻮاﻧﺎن ﺗﺴﻬﯿﻞ می‌ﮐﻨﺪ و ﻫﻢ اﯾﻨﮑﻪ ﻣﺪﯾﺮﯾﺖ ﯾﮕﺎﻧﻪ و ﻫﺪﻓﺪاری ﺑﺮای ﻫﻤﻪ اﯾﻦ ﻣﺠﻤﻮﻋﻪ ﻫﺎ اﻋﻤﺎل می‌ﺷﻮد از ﺟﻤﻠﻪ ﻋﻮاﻣﻞ ﻣﺆﺛﺮ در ﺗﻐﯿﯿﺮ ﻓﺮﻫﻨﮓ ﻫﺎ در ﻫﺮ ﺟﺎﻣﻌﻪ رﺳﺎﻧﻪ ﻫﺎی ﺟﻤﻌﯽ ﻫﺴﺘﻨﺪ. ﯾﮑﯽ از مهم‌ترین ﻧﻘﺶ ﻫﺎی اﺟﺘﻤﺎﻋﯽ ﮐﻪ رﺳﺎﻧﻪ ﻫﺎی ﺟﻤﻌﯽ در ﺟﻮاﻣﻊ در ﺣﺎل ﮔﺬر ﺑﻪ ﻋﻬﺪه دارﻧﺪ، ﭼﮕﻮﻧﮕﯽ ﻣﺸﺎرﮐﺖ آﻧﻬﺎ در ﻓﺮآﯾﻨﺪ ﺗﻮﺳﻌﻪ ﻣﻠﯽ ﺑﻪ ﻃﻮر ﻋﺎم و ﺗﻮﺳﻌﻪ ﻓﺮﻫﻨﮕﯽ ﺑﻪ ﻃﻮر ﺧﺎص اﺳﺖ. رﺳﺎﻧﻪ ﻫﺎی ﺟﻤﻌﯽ می‌ﺗﻮاﻧﻨﺪ ﺑﻪ ﺗﻨﺎﺳﺐ ﺳﯿﺎﺳﺖ ﻫﺎ و راﻫﺒﺮدﻫﺎﯾﯽ ﮐﻪ در اﻧﻄﺒﺎق ﯾﺎ ﮔﺴﺴﺘﮕﯽ ﺑﺎ ﻫﺪف ﻫﺎی ﺗﻮﺳﻌﻪ ﻣﻠﯽ اﻧﺘﺨﺎب می‌ﮐﻨﻨﺪ، ﺑﻪ ﭘﺎﯾﺪاری ﯾﺎ ﺗﻐﯿﯿﺮ ارزش ﻫﺎ و ﻫﻨﺠﺎرﻫﺎی ﻓﺮﻫﻨﮕﯽ ﮐﻤﮏ ﮐﻨﻨﺪ.

**ز)رسانه**

اﻣﺮوزه دﯾﮕﺮ ﺑﺮای ﻫﻤﻪ دﺳﺖ اﻧﺪرﮐﺎران اﯾﻦ اﻣﺮ ﺛﺎﺑﺖ ﺷﺪه اﺳﺖ ﮐﻪ رﺳﺎﻧﻪ ﻫﺎی ﺟﻤﻌﯽ ﻋﻼوه ﺑﺮ آن ﮐﻪ اﺑﺰاری ﺑﺮای ﺳﺮﮔﺮﻣﯽ و ﺗﻔﺮﯾﺢ ﻣﺮدم اﻧﺪ، اﺑﺰاری ﺑﺮای آﻣﻮزش و ﭘﺮورش، ﻓﮑﺮ و اﻧﺪﯾﺸﻪ و ﺗﺤﻮل و ﺗﮑﺎﻣﻞ ﺟﺎﻣﻌﻪ ﺑﻮده و از اﯾﻦ ﺟﻬﺖ ﺑﺴﯿﺎر ﺣﺎﯾﺰ اﻫﻤﯿﺖ اﻧﺪ. ﺑﻪ ﻫﻤﯿﻦ ﺳﺒﺐ می‌ﺗﻮاﻧﻨﺪ ﻧﻘﺶ ﻣﻬﻤﯽ در ﺗﻌﻠﯿﻢ و ﺗﺮﺑﯿﺖ اﻧﺪﯾﺸﻪ ﻧﺴﻞ ﺣﺎﺿﺮ ﺑﺨﺼﻮص ﻧﺴﻞ ﺟﻮان اﯾﻔﺎ ﮐﻨﻨﺪ و ﺑﻪ ﺧﺎﻃﺮ ﻫﻤﯿﻦ ﻧﻘﺶ ﻣﻬﻤﯽ ﮐﻪ اﯾﻔﺎ می‌ﮐﻨﻨﺪ، اﻣﺮوزه اﯾﻦ اﺑﺰار و وﺳﺎﯾﻞ هم‌چون رادﯾﻮ و ﺗﻠﻮﯾﺰﯾﻮن، از ﻟﻮازم ﺿﺮوری زﻧﺪﮔﯽ اﺟﺘﻤﺎﻋﯽ ﺷﺪه اﺳﺖ.

رﺳﺎﻟﺖ ﻣﻄﺒﻮﻋﺎت در ﯾﮏ ﺟﺎﻣﻌﻪ اﺳﻼﻣﯽ را می‌ﺗﻮان در دو ﺑﺨﺶ ﮐﻠﯽ ﻫﺪاﯾﺖ، ﺗﺮﺑﯿﺖ و ارﺗﻘﺎی ﻓﮑﺮی و ﻓﺮﻫﻨﮕﯽ ﺟﺎﻣﻌﻪ اﺳﻼﻣﯽ از ﯾﮏ ﺳﻮ و از ﺳﻮی دﯾﮕﺮ ﻣﺒﺎرزه ﺑﺎ اﻧﺤﺮاﻓﺎت و ﺟﻠﻮﮔﯿﺮی از ﻧﺎﻫﻨﺠﺎری ﻫﺎ ﻗﺮارداد. ﻣﺴﯿﺮ اﯾﻦ ﻫﺪاﯾﺖ می‌ﺑﺎﯾﺴﺖ درﭼﻬﺎرﭼﻮب ﺗﺪوﯾﻦ ﺷﺪه ﻣﻌﺎرف دﯾﻨﯽ و اﻃﻼع رﺳﺎﻧﯽ ﺻﺤﯿﺢ و ﺷﺎﯾﺴﺘﻪ ﺑﺎﺷﺪ. در ﺑﺨﺶ ﻣﺒﺎرزه ﺑﺎ اﻧﺤﺮاﻓﺎت ﻧﯿﺰ رﺳﺎﻟﺖ ﺳﻨﮕﯿﻨﯽ ﻣﺘﻮﺟﻪ ﻣﻄﺒﻮﻋﺎت ﺑﻪ ﻋﻨﻮان رﮐﻦ ﻣﻬﻤﯽ از اﺑﺰار ارﺗﺒﺎط ﺟﻤﻌﯽ در ﺟﺎﻣﻌﻪ اﺳﻼﻣﯽ اﺳﺖ. اﯾﻦ رﺳﺎﻟﺖ ﺿﻤﻦ ﭘﺮﻫﯿﺰ دادن ﻣﻄﺒﻮﻋﺎت از ﻧﻘﺾ ﺣﺪود ﺗﻌﯿﯿﻦ ﺷﺪه و ﺧﻄﻮط ﻗﺮﻣﺰ در ﺷﺮع ﻣﻘﺪس اﺳﻼم، وﻇﺎﯾﻒ ﺳﻨﮕﯿﻨﯽ ﻣﺘﻮﺟﻪ آﻧﺎن می‌ﺳﺎزد اﯾﻦ وﻇﺎﯾﻒ ﺷﺎﻣﻞ ﺑﺮﻧﺎﻣﻪ رﯾﺰی دﻗﯿﻖ و اﺻﻮﻟﯽ در راﺳﺘﺎی ﺧﻂ دﻫﯽ ﺑﻪ روﻧﺪ ﺣﺮﮐﺘﯽ ﺟﺎﻣﻌﻪ و ﻧﯿﺰ ﭘﺮﮐﺮدن ﺻﺤﯿﺢ اوﻗﺎت ﻓﺮاﻏﺖ اﻓﺮاد ﺑﻪ وﯾﮋه ﺟﻮاﻧﺎن و ﻧﻮﺟﻮاﻧﺎن ﺑﺎ اﻟﻬﺎم از ﻣﺒﺎﻧﯽ و ارزﺷﻬﺎی دﯾﻨﯽ و اﺳﻼﻣﯽ اﺳﺖ. اﯾﻦ ﻣﺴﺌﻠﻪ ﺑﻪ وﯾﮋه درﻋﺼﺮ ﮐﻨﻮﻧﯽ ﺑﺎ ﮔﺴﺘﺮش ارﺗﺒﺎﻃﺎت و ﺗﺒﻠﯿﻐﺎت زﻫﺮآﮔﯿﻦ دﺷﻤﻨﺎن و ﺗﻼش آﻧﺎن دراﯾﺠﺎد اﻧﺤﺮاﻓﺎت ﻓﮑﺮی و اﺧﻼﻗﯽ ﺟﻮاﻣﻊ ﻣﺴﻠﻤﺎن، ﻣﺴﺌﻮﻟﯿﺖ ﺧﻄﯿﺮی اﺳﺖ ﮐﻪ رﺳﺎﻟﺖ ﻣﻄﺒﻮﻋﺎت و دﯾﮕﺮ وﺳﺎﯾﻞ ارﺗﺒﺎط ﺟﻤﻌﯽ را در ﻣﺒﺎرزه ﺑﺎ آن ﺑﯿﺶ از ﭘﯿﺶ ﻧﻤﺎﯾﺎن می‌ﺳﺎزد. (ﺳﺘﺎرزاده، 1391)

**ح) همسالان**

ﻫﻤﺴﺎﻻن و دوﺳﺘﺎن از مهم‌ترین ﻋﻮاﻣﻞ اﺟﺘﻤﺎﻋﯽ ﺷﺪن ﺟﻮاﻧﺎن و ﻧﻮﺟﻮاﻧﺎن ﻣﺤﺴﻮب می‌ﺷﻮﻧﺪ. آﻧﻬﺎ از ﻃﺮﯾﻖ ﻣﺨﺘﻠﻒ ﺑﺮ ﯾﮑﺪﯾﮕﺮ تأثیر می‌ﮔﺬارﻧﺪ و از ﯾﮑﺪﯾﮕﺮ تأثیر می‌ﭘﺬﯾﺮﻧﺪ. ﺑﺴﯿﺎری از ﻣﺤﻘﻘﺎن ﺑﺮ اﯾﻦ ﻋﺎﻣﻞ ﺗﺎﮐﯿﺪ دارﻧﺪ و آن را ﺑﻪ ﻋﻨﻮان ارﺗﺒﺎط اﻓﻘﯽ ﯾﺎد ﮐﺮده اﻧﺪ ﯾﻌﻨﯽ ارﺗﺒﺎﻃﯽ ﮐﻪ ﺑﯿﻦ اﻓﺮاد ﻧﺴﺒﺘﺎً ﻫﻢ ﺳﻄﺢ از ﻟﺤﺎظ ﺳﻨﯽ، اﺟﺘﻤﺎﻋﯽ، ﺗﺤﺼﯿﻠﯽ و اﻗﺘﺼﺎدی ﺑﺮﻗﺮار اﺳﺖ.

در دوره ﻧﻮﺟﻮاﻧﯽ ﻫﻤﺴﺎﻻن مهم‌ترین ﻧﻘﺶ را در ﻓﺮاﯾﻨﺪ اﺟﺘﻤﺎﻋﯽ ﺷﺪن ﻓﺮد ﺑﺎزی می‌ﮐﻨﻨﺪ. ﻧﻮﺟﻮاﻧﺎن ﺑﺮای اﯾﻨﮑﻪ ﺑﺘﻮاﻧﻨﺪ ﻫﻮﯾﺘﯽ ﻣﺴﺘﻘﻞ از واﻟﺪﯾﻦ ﺧﻮد ﭘﯿﺪا ﺑﮑﻨﻨﺪ ﺑﺎﯾﺪ ارﺗﺒﺎﻃﯽ ﺻﻤﯿﻤﯽ و ﻣﺘﻘﺎﺑﻞ ﺑﺎ همسالان ﺧﻮد ﺑﺮﻗﺮار ﻧﻤﺎﯾﻨﺪ.

**ط)تحلیل آماری**

ﺟﺎﻣﻌﻪ آﻣﺎری اﯾﻦ ﺗﺤﻘﯿﻖ را، داﻧﺸﺠﻮﯾﺎن داﻧﺸﮕﺎه ﭘﯿﺎم ﻧﻮر ﻣﺮﮐﺰ ﺳﺎری در ﺳﺎل1392 ﺗﺸﮑﯿﻞ می‌دﻫﻨﺪ و ﺣﺠﻢ ﻧﻤﻮﻧﻪ 310 ﻧﻔﺮ(ﺑﺎ ﺗﻮﺟﻪ ﺑﻪ ﭘﺎﺳﺦ ﻫﺎی اراﺋﻪ ﺷﺪه) ﺑﻮده اﺳﺖ. ﺗﻌﺪاد ﭘﺮﺳﺶ ﻧﺎﻣﻪ ﻫﺎی ﺟﻤﻊ آوری ﺷﺪه،270 ﭘﺮﺳﺶ ﻧﺎﻣﻪ ﺑﻮده اﺳﺖ.

**تحلیل آزمون فریدمن برای مؤلفه‌های مسجدی**

ﺑﺮ اﺳﺎس آزﻣﻮن ﻓﺮﯾﺪﻣﻦ در ﺑﯿﻦ ﻓﺎﮐﺘﻮرﻫﺎی وﯾﮋﮔﯽ ﻫﺎی ﻣﺴﺠﺪی ﺗﺄﺛﯿﺮ وﺿﻌﯿﺖ ﻇﺎﻫﺮی و ﻣﻌﻤﺎری ﻣﺴﺎﺟﺪ (3/82)، ﺷﺎﯾﺴﺘﮕﯽ ﻓﻌﺎﻻن ﻣﺴﺎﺟﺪ (3/76)، ﺷﺎﯾﺴﺘﮕﯽ‌ﻫﺎی اﻣﺎم ﻣﺴﺠﺪ (3/67) دارای ﺑﯿﺸﺘﺮﯾﻦ ﺗﺄﺛﯿﺮ در ﺟﺬب ﺟﻮاﻧﺎن در ﻣﺴﺎﺟﺪ را دارا می‌ﺑﺎﺷﻨﺪ. ﻫﻤﭽﻨﯿﻦ ﻣﻘﺪار آﻣﺎرۀ ﮐﺎی دو، ﻣﻌﺎدل 77/623 و درجۀ آزادی ﺑﺮاﺑﺮ 5 و ﺳﻄﺢ ﻣﻌﻨﯽ داری (sig) ﺑﺮاﺑﺮ 0/000 می‌ﺑﺎﺷﺪ و ﺑﻪ اﯾﻦ دﻟﯿﻞ ﮐﻪ sig ﮐﻤﺘﺮ از 5./. درﺻﺪ اﺳﺖ، ﺗﻔﺎوت ﺑﯿﻦ ﺗﮏ ﺗﮏ ﻣﺆﻟﻔﻪ ﻫﺎ ﺑﺎ ﻫﻢ ﯾﮏ ﺗﻔﺎوت ﺗﺼﺎدﻓﯽ ﻧﺒﻮده ﺑﻠﮑﻪ ﯾﮏ ﺗﻔﺎوت ﻣﻌﻨﯽ دار ﺑﻮده اﺳﺖ.

**تحلیل آزمون فریدمن برای مؤلفه‌های اجتماعی و فرهنگی**

ﺑﺮ اﺳﺎس آزﻣﻮن ﻓﺮﯾﺪﻣﻦ در ﺑﯿﻦ ﻓﺎﮐﺘﻮرﻫﺎی وﯾﮋﮔﯽ ﻫﺎی اﺟﺘﻤﺎﻋﯽ و ﻓﺮﻫﻨﮕﯽ، ﺗﺄﺛﯿﺮ ﺧﺎﻧﻮاده (3/64)، ﻫﻤﺴﺎﻻن (3/25)، داﻧﺸﮕﺎه و ﻣﺪرﺳﻪ (3/02) دارای ﺑﯿﺸﺘﺮﯾﻦ ﺗﺄﺛﯿﺮ در ﺟﺬب ﺟﻮاﻧﺎن در ﻣﺴﺎﺟﺪ را دارا می‌ﺑﺎﺷﻨﺪ. ﻫﻤﭽﻨﯿﻦ ﻣﻘﺪار آﻣﺎره ی ﮐﺎی دو، ﻣﻌﺎدل 77/623 و درجۀ آزادی ﺑﺮاﺑﺮ 5 و ﺳﻄﺢ ﻣﻌﻨﯽ داری (sig) ﺑﺮاﺑﺮ 0/000 می‌ﺑﺎﺷﺪ و ﺑﻪ اﯾﻦ دﻟﯿﻞ ﮐﻪ sig ﮐﻤﺘﺮ از 5./. درﺻﺪ اﺳﺖ، ﺗﻔﺎوت ﺑﯿﻦ ﺗﮏ ﺗﮏ ﻣﺆﻟﻔﻪ ﻫﺎ ﺑﺎ ﻫﻢ ﺗﻔﺎوتی ﺗﺼﺎدﻓﯽ ﻧﺒﻮده ﺑﻠﮑﻪ ﺗﻔﺎوتی ﻣﻌﻨﯽ دار ﺑﻮده اﺳﺖ.

|  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **جدول شماره 1:**  **نتایج آزمون t تک نمونه ای برای مؤلفه‌های مسجدی مؤثر بر جذب جوانان در مساجد** | | | | | | | |
| **فاصله اطمینان (95%)** | | **انحراف معیار** | **معنی داری** | **درجه آزادی** | **مقدار آماره** | **میانگین** | **متغیر** |
| **حد پایین** | **حد بالا** |
| **24/0-** | **39/0-** | **32/0-** | **00/0** | **269** | **76/7-** | **68/3** | **وضعیت ظاهری و معماری مساجد** |
| **16/0-** | **27/0-** | **33/0-** | **00/0** | **269** | **96/7-** | **77/3** | **شایستگی‌های فعالان مسجد** |
| **37/0-** | **55/0-** | **46/0-** | **00/0** | **269** | **12/10-** | **53/3** | **شایستگی‌های امام مسجد** |
| **07/0-** | **21/0-** | **14/0-** | **00/0** | **269** | **96/3-** | **85/3** | **شایستگی‌های نمازگزاران مسجد** |
| **38/0-** | **053/0-** | **46/0-** | **00/0** | **269** | **89/11-** | **53/3** | **فعالیت مستمر کانون‌های فرهنگی هنری مساجد** |
| **منبع: یافته‌های میدانی و محاسبات نگارندگان** | | | | | | | |

|  |  |
| --- | --- |
| **جدول شماره 2:**  **معناداری آزمون فریدمن مؤلفه‌های مسجدی مؤثر بر جذب جوانان در مساجد** | |
| **شاخص‌های آماری** | **مقادیر محاسبه شده** |
| **تعداد** | **270** |
| **کای دو** | **623/77** |
| **درجۀ آزادی** | **5** |
| **Sig** | **000/0** |
| **منبع: یافته‌های میدانی و محاسبات نگارندگان** | |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| **جدول شماره 3:**  **ارزیابی و اولویت بندی مؤلفه‌های مسجدی مؤثر بر جذب جوانان در مساجد** | | |
| **مؤلفه‌ها** | **میانگین رتبه‌ها** | **اولویت مؤلفه‌ها** |
| وضعیت ظاهری و معماری مساجد | **82/3** | **1** |
| شایستگی‌های فعالان مسجد | **76/3** | **2** |
| شایستگی‌های امام مسجد | **67/3** | **3** |
| شایستگی‌های نمازگزاران مسجد | **54/3** | **4** |
| **فعالیت مستمر کانون‌های فرهنگی هنری مساجد** | **47/3** | **5** |
| **منبع: یافته‌های میدانی و محاسبات نگارندگان** | | |

|  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **جدول شماره 4:**  **نتایج آزمون tیک طرفه برای مؤلفه‌های اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر جذب جوانان به مسجد** | | | | | | | |
| **فاصله اطمینان (95%)** | | **انحراف معیار** | **معنی داری** | **درجه آزادی** | **مقدار آماره** | **میانگین** | **متغیر** |
| **حد پایین** | **حد بالا** |
| **01/0-** | **24/0-** | **12/0-** | **00/0** | **269** | **01/2-** | **78/3** | **تأثیر خانواده** |
| **34/0** | **14/0** | **24/0** | **00/0** | **269** | **89/4** | **24/4** | **تأثیر همسالان** |
| **49/0-** | **65/0-** | **57/0-** | **00/0** | **269** | **67/2-** | **42/3** | **تأثیر مدارس و دانشگاه** |
| **02/0-** | **24/0-** | **12/0** | **00/0** | **269** | **79/1-** | **57/3** | **تأثیر رسانه ها** |
| **44/1** | **20/0** | **82/0** | **00/0** | **269** | **11/2-** | **74/3** | **تأثیر گروه‌های مرجع** |
| **منبع: یافته‌های میدانی و محاسبات نگارندگان** | | | | | | | |

|  |  |
| --- | --- |
| **جدول شماره 5:**  **معناداری آزمون فریدمن مؤلفه‌های اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر جذب جوانان به مسجد** | |
| **شاخص‌های آماری** | **مقادیر محاسبه شده** |
| **تعداد** | **270** |
| **کای دو** | **158/125** |
| **درجه ی آزادی** | **4** |
| **Sig** | **000/0** |
| **منبع: یافته‌های میدانی و محاسبات نگارندگان** | |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| **جدول شماره 6:**  **ارزیابی و اولویت بندی مؤلفه‌های اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر جذب** | | |
| **مؤلفه ها** | **میانگین رتبه ها** | **اولویت مؤلفه ها** |
| **تأثیر خانواده** | **64/3** | **1** |
| **تأثیر همسالان** | **25/3** | **2** |
| **تأثیر مدارس و دانشگاه** | **02/3** | **3** |
| **تأثیر رسانه ها** | **87/2** | **4** |
| **تأثیر گروه‌های مرجع** | **22/2** | **5** |
| **منبع: یافته‌های میدانی و محاسبات نگارندگان** | | |

**ارائه پیشنهادات**

ﻓﺮآﯾﻨﺪ ارزش ﻫﺎی اﺟﺘﻤﺎﻋﯽ از ﺳﻨﺘﯽ ﺑﻪ ﻣﺪرن و از ﺳﺎده زﯾﺴﺘﯽ به ﺗﺠﻤﻞ ﺣﺮﮐﺖ ﮐﺮده و اﯾﻦ روﻧﺪ ﺑﺮ ﺟﺬب ﺟﻮاﻧﺎن ﺑﻪ ﻣﺴﺠﺪ ﻧﯿﺰ ﺗﺄﺛﯿﺮ ﮔﺬاﺷﺘﻪ اﺳﺖ. ﺗﺠﻤﻞ ﮔﺮاﯾﯽ ﺑﺎﻋﺚ ﺷﺪه ﮐﻪ ﺑﺮای اﻧﺠﺎم ﺑﻌﻀﯽ از ﻓﻌﺎﻟﯿﺖ ﻫﺎی ﻣﺬﻫﺒﯽ از ﻗﺒﯿﻞ ﻣﺠﺎﻟﺲ ﺗﺮﺣﯿﻢ، ﺑﻪ ﺟﺎی ﻣﺴﺎﺟﺪ از ﺗﺎﻻرﻫﺎ اﺳﺘﻔﺎده ﺷﻮد. ﺑﻨﺎﺑﺮاﯾﻦ ﺑﺎﯾﺪ ﻣﺘﻮﻟﯿﺎن اﻣﺮ ﺗﺪﺑﯿﺮی ﺑﯿﻨﺪﯾﺸﻨﺪ. ﺑﺎﯾﺪ ﺑﺘﻮاﻧﯿﻢ در ﻓﻀﺎی ﻣﺴﺎﺟﺪ ﻧﯿﺎزﻫﺎی دﯾﻨﯽ را ﺑﻪ روش ﻫﺎی ﺟﺬاب ﺑﻪ ﺟﻮاﻧﺎن ﻋﺮﺿﻪ ﮐﻨﯿﻢ.ﺑﺎﯾﺪ ﻧﻈﺎم ﻫﺎی آﻣﻮزﺷﯽ ﻣﺒﺘﻨﯽ ﺑﺮ آﻣﻮزه ﻫﺎی دﯾﻨﯽ و ﻣﻌﯿﺎرﻫﺎی دﯾﻨﯽ را ﺑﻪ ﻣﻨﻈﻮر ﺗﺮﺑﯿﺘﯽ دﯾﻨﯽ در ﻣﺴﺎﺟﺪ ﻃﺮاﺣﯽ و ﭘﯿﺎده ﮐﻨﯿﻢ.ﺗﺒﻠﯿﻐﺎت ﺑﻪ روش ﺳﻨﺘﯽ ﻧﻤﯽ ﺗﻮاﻧﺪ ﭘﺎﺳﺦ ﮔﻮی ﻧﯿﺎز ﺟﻮاﻧﺎن ﺑﺎﺷﺪ. ﺑﺎ ﺗﻮﺟﻪ ﺑﻪ ﭘﯿﺸﺮﻓﺖ ﺗﮑﻨﻮﻟﻮژی و ارﺗﺒﺎﻃﺎت، اﻣﮑﺎﻧﺎت وﺳﯿﻌﯽ را در ﻋﺮﺻﻪ ﻧﯿﺎز دارﯾﻢ. ﺑﺎﯾﺪ ﺑﻪ آﻣﻮزش دادن ﺑﻪ ائمۀ ﺟﻤﺎﻋﺎت از اﯾﻦ اﻣﮑﺎﻧﺎت در ﻣﺴﺎﺟﺪ اﺳﺘﻔﺎده ﮐﻨﯿﻢ. ﺟﻮان ﺑﻪ اﻫﻞ ﻣﺴﺠﺪ و ﺟﺎﻣﻌﻪ روﺣﺎﻧﯽ ﺑﻪ ﻋﻨﻮان ﯾﮏ اﻟﮕﻮی ﻋﻤﻠﯽ ﻧﮕﺎه می‌ﮐﻨﺪ و اﮔﺮ ﻣﯿﺎن ﮔﻔﺘﺎر و ﻋﻤﻞ اﯾﻦ ﻗﺸﺮ ﺗﻨﺎﻗﺾ و ﺗﻀﺎد ﺑﺎﺷﺪ و ﺗﻨﺎﺳﺒﯽ ﻣﯿﺎن ﻗﻮل و ﻓﻌﻞ وﺟﻮد ﻧﺪاﺷﺘﻪ ﺑﺎﺷﺪ، ﺟﻮان، دﯾﻦ ﮔﺮﯾﺰ و ﺳﺮدرﮔﻢ می‌ﺷﻮد. ﺑﻨﺎﺑﺮاﯾﻦ ﺑﺎﯾﺪ ﻧﻬﺎدﻫﺎی ﻣﺘﻮﻟﯽ، راه ﮐﺎرﻫﺎی ﻋﻤﻠﯽ و ﺗﺪاﺑﯿﺮ آﻣﻮزﺷﯽ ﺑﺎ اراﺋﻪ ﻃﺮح ﺗﺮﺑﯿﺖ دﯾﻨﯽ ﺑﺮ ﻣﺒﻨﺎی روش ﺗﺮﺑﯿﺖ اﻟﮕﻮﯾﯽ آﻣﻮزه ﻫﺎی ﻗﺮآﻧﯽ و ﻣﻌﺎرف اﻫﻞ‌ﺑﯿﺖ اراﺋﻪ دﻫﻨﺪ. دﯾﻦ اﺳﻼم، دﯾﻦ زﻧﺪﮔﯽ اﺳﺖ و در آﯾﺎت ﻣﺨﺘﻠﻒ ﻗﺮآن ﺑﻪ اﯾﻦ ﻣﻮﺿﻮع اﺷﺎره ﺷﺪه اﺳﺖ اﻣﺎ روش ﻫﺎ و ﻗﺎﻟﺐ ﻫﺎی اراﺋﻪ ﻣﻔﺎﻫﯿﻢ دﯾﻨﯽ ﻣﻬﻢ اﺳﺖ. زﺑﺎن دﯾﻦ ﺑﺎﯾﺪ ﻧﺮم و در راﺳﺘﺎی ﺧﯿﺮ و ﺻﻼح ﺟﺎﻣﻌﻪ و ﺟﻮان ﭘﺴﻨﺪ ﺑﺎﺷﺪ، ﺑﺎﯾﺪ ﺑﺎ ﺷﻨﺎﺧﺖ ﻣﺨﺎﻃﺐ، روش ﺗﺒﻠﯿﻐﯽ اﻧﺘﺨﺎب ﺷﻮد. ﺑﺮای ﺣﻀﻮر ﻧﻮﺟﻮاﻧﺎن و ﺟﻮاﻧﺎن در ﻣﺴﺎﺟﺪ، ﺑﺎﯾﺪ از اﺣﺴﺎس ﻣﺬﻫﺒﯽ آﻧﻬﺎ اﺳﺘﻔﺎده ﮐﺮد و ﺑﺎﻋﺚ رﺷﺪ ﻋﺎﻃﻔﯽ آﻧﻬﺎ ﺷﺪ.

اﺣﺴﺎس ﻣﺬﻫﺒﯽ ﯾﮑﯽ از ﻋﻤﯿﻖ ﺗﺮﯾﻦ ﮔﺮاﯾﺸﺎت ﻓﻄﺮی اﺳﺖ. ﻇﺮﻓﯿﺖ ذﻫﻨﯽ ﮐﻮدﮐﺎن از ﻃﺮﯾﻖ اراﺋﻪ دﻻﯾﻞ ﻣﻮرد ﻗﺒﻮﻟﺸﺎن، ﺟﻬﺎن ﺑﯿﻨﯽ آﻧﻬﺎ را ﺷﮑﻞ می‌دﻫﺪ و ﺑﯿﻨﺶ دﯾﻨﯽ آﻧﻬﺎ را ﻫﺪاﯾﺖ می‌ﮐﻨﺪ. رﻓﺘﺎر اﺋﻤﻪ ﺟﻤﺎﻋﺎت ﺑﺎﯾﺪ در ﺟﺎﻣﻌﻪ اﻟﮕﻮ ﺑﺎﺷﺪ. ﺟﻮاﻧﺎن ﻫﻢ ﺑﺎﯾﺪ در ﻓﻌﺎﻟﯿﺖ ﻫﺎی ﻣﺴﺎﺟﺪ ﺷﺮﮐﺖ داده ﺷﻮﻧﺪ. ﺑﺎ ﺗﻮﺟﻪ ﺑﻪ ﺗﺄﮐﯿﺪ ﻣﻘﺎم ﻣﻌﻈﻢ رﻫﺒﺮی، ﺑﺎﯾﺪ راه ﻧﻮآوری ﻣﺴﺎﺟﺪ ﻫﻤﻮار ﺷﻮد و اﯾﻦ ﻣﺴﺘﻠﺰم ﺷﻨﺎﺧﺖ ﻣﺮز ﻣﯿﺎن ﺑﺪﻋﺖ و ﻧﻮآوری ﺑﺎ ﺗﮑﯿﻪ ﺑﺮ آﺳﯿﺐ ﻫﺎی ﻣﺴﺎﺟﺪ اﺳﺖ. اﻫﻤﯿﺖ و ارزش ﺣﻀﻮر در ﻣﺴﺠﺪ و ﻧﻤﺎزﻫﺎی ﺟﻤﺎﻋﺖ ﺑﺮ اﺳﺎس آﯾﺎت اﻟﻬﯽ، رواﯾﺎت و ﺳﯿﺮه ﻣﻌﺼﻮﻣﯿﻦ ﺑﺮﮐﺴﯽ ﭘﻮﺷﯿﺪه ﻧﯿﺴﺖ، از ﻃﺮﻓﯽ ﺟﺬب ﺟﻮاﻧﺎن ﺑﻪ اﯾﻦ اﻣﺮ ﻣﻬﻢ درﮐﺸﻮر اﺳﻼﻣﯽ مسئله ﺟﺪی و از دﻏﺪﻏﻪ ﻫﺎی ﻣﺘﻮﻟﯿﺎن اﻣﺮ می‌ﺑﺎﺷﺪ، وﯾﮋﮔﯽ ﻫﺎی دوره ﺟﻮاﻧﯽ اﯾﺠﺎب ﻣﯽﮐﻨﺪ ﮐﻪ راﻫﮑﺎرﻫﺎی ﻣﺘﻨﺎﺳﺒﯽ ﺟﻬﺖ ﺟﺬب آﻧﻬﺎ ﺑﻪ ﻣﺴﺠﺪ و ﺟﻤﺎﻋﺎت اﺳﺘﻔﺎده ﺷﻮد، در اﯾﻦ راﺳﺘﺎ ﻣﻮارد زﯾﺮ ﻗﺎﺑﻞ ﻃﺮح اﺳﺖ:

ﺻﻼﺣﯿﺖﻫﺎی ﻋﻠﻤﯽ و اﺧﻼﻗﯽ ﭘﯿﺶ ﻧﻤﺎز و ﻣﺤﯿﻂ ﮔﺮم و آﻣﻮزﻧﺪه ﺑﻮدن ﻣﺴﺎﺟﺪ و ﺑﺮﺧﻮرد ﺷﺎﯾﺴﺘﻪ و اﺣﺘﺮام آﻣﯿﺰ ﺑﺎ ﺷﺮﮐﺖ ﮐﻨﻨﺪﮔﺎن در ﻧﻤﺎز ﺑﻪ ﺧﺼﻮص ﺟﻮاﻧﺎن ﻣﯽﺗﻮاﻧﺪ ﺳﻬﻢ ﻋﻤﺪه ای در ﺟﺬب آﻧﺎن ﺑﻪ ﻣﺴﺠﺪ اﯾﻦ ﮐﺎﻧﻮن وﺣﺪت و ﻣﻌﻨﻮﯾﺖ داﺷﺘﻪ ﺑﺎﺷﻨﺪ.

ﺧﻠﻖ و ﺧﻮی ﻧﯿﮑﻮی اﻣﺎم ﺟﻤﺎﻋﺖ و ﻣﻬﺎرت اﺟﺘﻤﺎﻋﯽ او در ﺑﺮﻗﺮاری ارﺗﺒﺎط ﺑﺎ ﺟﻮاﻧﺎن ﻧﻤﺎز ﮔﺰار ﻓﻮق اﻟﻌﺎده ﺣﺴﺎس می‌ﺑﺎﺷﺪ.

اﺳﺘﻘﺒﺎل از ﺣﻀﻮر اﺗﻔﺎﻗﯽ ﯾﺎ ﻣﺴﺘﻤﺮ ﺟﻮاﻧﺎن در ﻣﺴﺠﺪ ﺗﻮﺳﻂ اﻣﺎم ﻣﺴﺠﺪ ﺑﺎ ﭼﻬﺮه ای ﮔﺸﺎده و ﻣﺘﺒﺴﻢ اﺣﺴﺎس زﯾﺒﺎ و ﺧﻮﺷﺎﯾﻨﺪی را در ﺟﻮاﻧﺎن ﺷﮑﻮﻓﺎ ﻣﯽﻧﻤﺎﯾﺪ.

دﻋﻮت از داﻧﺶ آﻣﻮزان و ﺟﻮاﻧﺎن ﺑﻪ ﻫﻤﺮاه ﻣﻌﻠﻤﯿﻦ آن ﻫﺎ در ﻣﻨﺎﺳﺒﺖﻫﺎی ﺧﺎص ﺟﻬﺖ ﺻﺮف ﻧﺎﻫﺎر و اﻗﺎﻣﻪ ﻧﻤﺎز ﺗﻮﺳﻂ اﻣﺎم ﻣﺴﺠﺪ.

ﺑﻪ ﺗﺼﻮﯾﺮ در آوردن ﺑﺮﻧﺎﻣﻪ ﻫﺎ و ﻧﻤﺎﯾﺶﻫﺎی ﺗﻠﻮﯾﺰﯾﻮﻧﯽ و ﭘﺨﺶ ﻓﯿﻠﻢ و اﺳﻼﯾﺪ

ﺑﺮﺧﻮرد ﻣﻌﻘﻮل و ﻣﺘﯿﻦ و ﺗﻮام ﺑﺎ ﻋﻄﻮﻓﺖ و ﻣﻬﺮﺑﺎﻧﯽ ﺑﺎ ﻧﻤﺎز ﮔﺰاران ﺟﻮان از ﺳﻮی ﺧﺎدﻣﺎن و ﻣﺘﻮﻟﯿﺎن و اﻣﺎم ﺟﻤﺎﻋﺖ ﻣﺴﺠﺪ.

ﻣﺴﺌﻮﻻن ﻣﺴﺎﺟﺪ ﺑﺎﯾﺪ ﻓﺮﺻﺘﯽ را ﻓﺮاﻫﻢ آورﻧﺪ ﮐﻪ ﻣﺴﺠﺪ ﺑﻪ ﺻﻮرت ﻣﺮﮐﺰی ﺑﺮای دوست‌یابی و ﻋﻘﺪ اﺧﻮت اﺳﻼﻣﯽ در آﯾﺪ. ﺟﻮاﻧﺎن ﮐﻪ ﺑﻪ ﻟﺤﺎظ ﻣﻮﻗﻌﯿﺖ ﺳﻨﯽ و وﺿﻌﯿﺖ ﻋﺎﻃﻔﯽ وﯾﮋه ﺧﻮد ﻧﯿﺎزﻣﻨﺪ دوﺳﺘﺎن ﻣﻨﺎﺳﺐ ﻫﺴﺘﻨﺪ رﻓﺖ و آﻣﺪ ﺑﯿﺸﺘﺮی ﺑﻪ آن ﺧﻮاﻫﻨﺪ داﺷﺖ و تدریجاً ﺑﺎ ﻣﺤﯿﻂ ﻣﺴﺠﺪ اﻧﺲ ﺧﻮاﻫﻨﺪ ﮔﺮﻓﺖ.

ﻗﺮﯾﻦ ﺷﺪن ﻋﻠﻢ و ﻋﺒﺎدت در ﻣﺴﺎﺟﺪ وﮐﺴﺐ ﻋﻠﻢ و داﻧﺶ ﺗﺎزه در ﻣﺴﺠﺪ ﺑﻪ ﮔﻮﻧﻪ ای ﮐﻪ ﻫﺮ ﺑﺎر ﺟﻮان ﺑﺮای ﻧﻤﺎز ﺑﻪ ﻣﺴﺠﺪ می‌رود داﻧﺶ ﺗﺎزه ای را ﻓﺮا ﮔﯿﺮد و از ﻣﺼﺎﺣﺒﺖ اﻓﺮاد داﻧﺸﻤﻨﺪ و داﻧﺎ ﺑﻬﺮه ﻣﻨﺪ ﺷﻮد در اﯾﻦ ﺻﻮرت ﻣﺴﺠﺪ ﺗﺒﺪﯾﻞ ﺑﻪ ﭘﺎﯾﮕﺎه ﻋﻠﻢ و ﻋﺒﺎدت ﻣﯽﺷﻮد و ﻧﻘﺶ ﺧﻮد را در ﺗأمین ﺳﻌﺎدت ﺟﻮاﻧﺎن ﺑﺎز ﻣﯽﯾﺎﺑﺪ.

ﻣﺘﻮﻟﯿﺎن اﻣﻮر ﻣﺴﺎﺟﺪ ﺑﺎﯾﺪ اﻓﺮادی ﺧﻮش اﺧﻼق، ﺑﺎ ﺟﺎذﺑﻪ و مؤدب ﺑﺎﺷﻨﺪ و ﻣﺴﺠﺪ ﺑﺎﯾﺪ ﮐﺎﻧﻮن ﻣﺤﺒﺖ ﺑﺎﺷﺪ ﺗﺎ ﺧﺎﻃﺮه ای زﯾﺒﺎ ﺑﺮ ذﻫﻦ ﻣﺮاﺟﻌﯿﻦ ﺑﮕﺬارد.

ائمۀ ﺟﻤﺎﻋﺖ ﺑﺎﯾﺪ ﺑﺎ ﻣﺴﺎﺋﻞ ﺗﺮﺑﯿﺘﯽ و رواﻧﯽ ﻧﺴﻞ ﺟﻮان آﺷﻨﺎ ﺑﺎﺷﻨﺪ. ﺑﻬﺘﺮ اﺳﺖ ﺗﻌﺪادی ﮐﺘﺐ ﻣﻨﺎﺳﺐ در اﯾﻦ زﻣﯿﻨﻪﻫﺎ ﺑﻪ ﻫﻤﻪ ائمۀ ﺟﻤﺎﻋﺖ و هدایت‌گران ﻓﮑﺮی در ﻣﺴﺎﺟﺪ ﻣﻌﺮﻓﯽ ﺷﻮد.

آﻣﻮزش و ﺗﺮﺑﯿﺖ اﺋﻤﻪ ﺟﻤﺎﻋﺖ، ﺗﻐﺬﯾﻪ ﻣﺪاوم آﻧﻬﺎ ﺑﻪ وﯾﮋه از ﻧﻈﺮﮔﺎه آﺷﻨﺎﯾﯽ ﺑﺎ دﻧﯿﺎی ﻣﺨﺎﻃﺐﻫﺎ.

ﺷﺮﮐﺖ اﺋﻤﻪ ﺟﻤﺎﻋﺖ و هیئت اﻣﻨﺎی ﻣﺴﺠﺪ در ﻣﺮاﺳﻢ ﻣﺪرﺳﻪ و ﺣﻞ ﻣﺸﮑﻼت ﻣﺪرﺳﻪ از ﻃﺮﯾﻖ آﻧﻬﺎ و آﺷﻨﺎﯾﯽ ﺟﻮاﻧﺎن ﺑﺎ اﻣﺎم ﺟﻤﺎﻋﺖ ﻣﺴﺠﺪ محل.

ﯾﮑﯽ از دﻻﯾﻞ ﮔﺮﯾﺰ ﺟﻮان از ﻣﺴﺠﺪ ﺳﺨﻨﺮاﻧﯽﻫﺎی ﻃﻮﻻﻧﯽ و ﺗﮑﺮاری ﻣﻄﺮح ﺷﺪه اﺳﺖ. ﺧﻄﺒﺎ و ﮔﻮﯾﻨﺪﮔﺎن و ﺳﺨﻨﺮاﻧﺎن ﺑﺮای اﯾﺮاد ﺳﺨﻨﺮاﻧﯽ ﻫﺎی ﮐﻮﺗﺎه و ﭘﻨﺞ ﺗﺎ ده دﻗﯿﻘﻪ ای ﺗﻤﺮﯾﻦو ورزﯾﺪﮔﯽ داﺷﺘﻪ ﺑﺎﺷﻨﺪ. روح زﯾﺒﺎ ﻃﻠﺐ ﺟﻮان، ﮐﻼم ﺟﻮان، رﺳﺎ و ﮐﻮﺗﺎه می‌ﻃﻠﺒﺪ.

ﺟﻮان از ﺟﻮان ﺑﻬﺘﺮ و زودﺗﺮ می‌ﭘﺬﯾﺮد بنابراین اﮔﺮ ﺑﻪ ﻧﻮﻋﯽ ﺟﻮان گرایی دﺳﺖ ﺑﺰﻧﯿﻢ ﮔﺮه ﮔﺸﺎ ﺧﻮاﻫﺪ ﺑﻮد. ﺗﻔﺎوت ﻧﺴﻞﻫﺎ، ﮐُﻨﺪی رﻓﺘﺎر، ﻃﻮﻻﻧﯽ ﮐﺮدن ﻧﻤﺎز، ﻃﺮح ﻣﺴﺎﺋﻞ ﺑﯿﮕﺎﻧﻪ ﺑﺎ ﻓﻀﺎی اﻣﺮوز، ﻣﯿﺎن ﻣﺨﺎﻃﺐ و ﮔﻮﯾﻨﺪه ﻓﺎﺻﻠﻪ ﻣﯽاﻓﮑﻨﺪ.

زﯾﺒﺎﯾﯽ ﻇﺎﻫﺮی و آراﺳﺘﮕﯽ ﻣﺴﺎﺟﺪ ﻧﯿﺰ در ﺟﺬب ﺟﻮان ﺑﯽ تأثیر ﻧﯿﺴﺖ. ﭘﺎﮐﯿﺰﮔﯽ و ﻃﺮاوت ﻣﺴﺠﺪ ﺟﻮان را ﺑﻪ ﺳﻮی ﻣﺴﺠﺪ و ﻧﻤﺎز ﺟﻤﺎﻋﺖ ﺳﻮق می‌دﻫﺪ و ﺑﺮﺧﯽ ﺟﻮاﻧﺎن ﺑﻮی ﺑﺪ، ﻓﻀﺎی ﺗﻨﮓ ﻧﻤﺎزﺧﺎﻧﻪ، ﻓﺮشﻫﺎ و ﻣﻮﮐﺖﻫﺎی آﻟﻮده را ﺑﺎﻋﺚ ﺑﯽ رﻏﺒﺘﯽ ﺑﻪ ﻧﻤﺎز ﺟﻤﺎﻋﺖ و ﻣﺴﺠﺪ ﻣﯽداﻧﻨﺪ.

ﻣﺴﺎﺟﺪ ﺟﺪﯾﺪ ﺑﺎﯾﺪ ﺑﻪ ﮔﻮﻧﻪ ای ﺳﺎﺧﺘﻪ ﺷﻮد ﮐﻪ ﮐﺎﻧﻮن ﻫﻤﻪ ﻓﻌﺎﻟﯿﺖﻫﺎ ﺑﺎﺷﺪ. اﻧﺤﺼﺎر ﻣﺴﺠﺪ ﺑﻪ ﻧﻤﺎز ﺧﻼف ﺳﻨﺖ و ﺳﯿﺮه اﺳﻼﻣﯽ اﺳﺖ.

ﻣﺮﺑﯿﺎن و ﻣﻌﻠﻤﺎن و ﭘﺪران و ﻣﺎدران، ﺧﻮد در ﺟﻤﺎﻋﺖﻫﺎ ﺷﺮﮐﺖ ﮐﻨﻨﺪ و در ﺑﺮاﺑﺮ ﺷﺎﮔﺮدان و ﻓﺮزﻧﺪان ﺑﻪ ﻧﻤﺎز ﺑﺎﯾﺴﺘﻨﺪ و ﺑﻪ اﻣﺎم ﺟﻤﺎﻋﺖ اﻗﺘﺪا ﮐﻨﻨﺪ.

ﻣﻨﺎﺑﻊ **و** ﻣﺎﺧﺬ

ﻃﺎﻟﻘﺎﻧﯽ و دﯾﮕﺮان، ﻣﺪﯾﺮﯾﺖ ﻣﺴﺠﺪ، ﺗﺪوﯾﻦ اﻟﮕﻮی ﺷﺎﯾﺴﺘﮕﯽ ﻣﻨﺎﺑﻊ اﻧﺴﺎﻧﯽ، ﻓﺼﻠﻨﺎﻣﻪ ﭘﮋوﻫﺶ ﻫﺎی ﻣﺪﯾﺮﯾﺖ ﻣﻨﺎﺑﻊ اﻧﺴﺎﻧﯽ داﻧﺸﮕﺎه اﻣﺎم ﺣﺴﯿﻦ، ﺳﺎل دوم، ﺷﻤﺎره ﺳﻮم و ﭼﻬﺎرم، ﺻﺺ80-55، 1389.

ﻣﻮﺣﺪی، ﻣﺤﻤﺪرﺿﺎ، ﺑﺮرﺳﯽو ﺗﺤﻠﯿﻞ وﺿﻌﯿﺖ ﻣﻮﺟﻮد ﺳﺎزﻣﺎن و ﻣﺪﯾﺮﯾﺖ ﻣﺴﺎﺟﺪ و اراﺋﻪ اﻟﮕﻮی ﻣﻄﻠﻮب آن در اﻧﻮاع ﻣﺨﺘﻠﻒ ﻣﺴﺎﺟﺪ، ﺗﻬﺮان، ﺳﺎزﻣﺎن ﺗﺒﻠﯿﻐﺎت اﺳﻼﻣﯽ، 1384.

ﻋﺒﺎﺳﯽ، رﺳﻮل،ﺗﺪوﯾﻦ اﻟﮕﻮی ﻣﺪﯾﺮﯾﺖ اﺛﺮﺑﺨﺶ ﻧﻬﺎدﻫﺎی دﯾﻨﯽ، ﻣﻄﺎﻟﻌﻪ ﻣﻮردی ﻣﺴﺠﺪ، داﻧﺸﮕﺎه ﺗﻬﺮان، رﺳﺎﻟﻪ دﮐﺘﺮی ﻣﺪﯾﺮﯾﺖ، 1389.

ﺳﺘﺎرزاده، داوود و دﯾﮕﺮان، ﺑﺮرﺳﯽ تأثیر ﻧﻤﺎز ﺑﻌﻨﻮان ﯾﮑﯽ از اﺑﻌﺎد دﯾﻨﺪاری ﺑﺮ ﮐﺎﻫﺶ ﻣﯿﺰان آﺳﯿﺐ ﭘﺬﯾﺮی اﺟﺘﻤﺎﻋﯽ ﺟﻮاﻧﺎن، ﻣﺠﻤﻮﻋﻪ ﻣﻘﺎﻻت ﻫﻤﺎﯾﺶ ﻣﻨﻄﻘﻪ ای ﻧﻤﺎز و ﻧﻤﺎز ﺟﻤﺎﻋﺖ، داﻧﺸﮕﺎه آزاد اﺳﻼﻣﯽ واﺣﺪ ﺑﻨﺪرﮔﺰ اﺳﺘﺎن ﮔﻠﺴﺘﺎن، 1391.

ﺳﺘﺎرزاده، داوود، ﺑﺮرﺳﯽ تأثیر ﻓﺎﮐﺘﻮرﻫﺎی ﺳﺮﻣﺎﯾﻪ اﺟﺘﻤﺎﻋﯽ ﺑﺮ ﮔﺮاﯾﺶ ﺟﻮاﻧﺎن ﻋﻀﻮ ﮐﺎﻧﻮن ﻫﺎی ﻣﺴﺎﺟﺪ ﺷﻬﺮ ﺑﺎﺑﻞ ﺑﻪ ﻧﻤﺎز ﺟﻤﺎﻋﺖ، ﻣﺠﻤﻮﻋﻪ ﻣﻘﺎﻻت ﻫﻤﺎﯾﺶ ﻋﻠﻤﯽ ﺳﺮاﺳﺮی ﻣﺴﺎﺟﺪ و ﺟﻬﺎن اﺳﻼم، ﯾﺎﺳﻮج، اداره ﮐﻞ ﻓﺮﻫﻨﮓ و ارﺷﺎد اﺳﻼﻣﯽ اﺳﺘﺎن ﮐﻬﮕﯿﻠﻮﯾﻪ و ﺑﻮﯾﺮاﺣﻤﺪ، ﮐﺎﻧﻮن ﻓﺮﻫﻨﮕﯽ و ﻫﻨﺮی ﻣﺴﺎﺟﺪ، 1391.

رﻫﺒﺮی، ﺣﺴﯿﻦ، ﻣﺴﺠﺪ ﻧﻬﺎد ﻋﺒﺎدت و ﺳﺘﺎد وﻻﯾﺖ، ﺗﻬﺮان، ﺳﺎزﻣﺎن ﭼﺎپ و اﻧﺸﺎرات وزارت ﻓﺮﻫﻨﮓ و ارﺷﺎد اﺳﻼﻣﯽ، 1380.

ﻗﺮاﺋﺘﯽ، ﻣﺤﺴﻦ، اوﻟﯿﻦ ﺳﺮﻣﺎﯾﻪ داران دﻧﯿﺎ، ﻣﺠﻠﻪ رﺷﺪ ﻣﺪﯾﺮﯾﺖ ﻣﺪرﺳﻪ، ﺷﻤﺎره ﻫﻔﺘﻢ، دوره ﭘﻨﺠﻢ، ﺻﺺ4-7، 1386.

دﻟﺒﺮی، ﺳﯿﺪ ﻣﺤﻤﺪ، آﺳﯿﺐﻫﺎی ﺗﻌﻠﯿﻢ و ﺗﺮﺑﯿﺖ دﯾﻨﯽ از ﻧﮕﺎه ﺷﻬﯿﺪ ﺑﻬﺸﺘﯽ، ﻣﺠﻠﻪ رﺷﺪ آﻣﻮزش ﻣﻌﺎرف اﺳﻼﻣﯽ، دوره ﺑﯿﺴﺘﻢ، ﺷﻤﺎره ﭼﻬﺎرم، ﺻﺺ 4-13، 1387.

**برنامه‌ریزی فرهنگی برای کتابخانه‌های مساجد کشور: پیشنهاد روش‌شناسی تفصیلی**

**حیدر مختاری[[404]](#footnote-404)**

**چکیده**

برنامه‌ریزی فرهنگی در عصر کنونی برای بقای اصالت فرهنگی کشورهای صاحب پیشینۀ غنی فرهنگی و معنوی و مقابلۀ آنها با تهاجم فرهنگی فرهنگ‌های مادی و بی‌ریشه، وظیفۀ اساسی نهادهای مختلف درگیر امور اجتماعی و ترویج فرهنگی است. کتابخانه‌ها، به ویژه کتابخانه‌های عمومی و کتابخانه‌های مساجد هم از جمله نهادهایی هستند که در کار فرهنگی دخیل هستند. کتابخانه‌های مساجد از دیرباز محل تبلیغ و ترویج فرهنگ و آموزه‌های اصیل اسلامی بوده‌اند و لزوم برنامه‌ریزی فرهنگی برای آنها به منظور بهره‌گیری حداکثری از قابلیت‌های بالفعل و بالقوۀشان صدچندان است. در این مقاله، روش‌شناسی نسبتاً تفصیلی برای انجام برنامه‌ریزی فرهنگی برای کتابخانه‌های مساجد در قالب گام‌های پنج‌گانه پیشنهاد شده است. ماحصل برنامه‌ریزی با این روش برنامه‌ای بومی، عینی و آماده برای اجرا، ارزیابی و تداوم است که راهنمای مسئولان و متولیان کتابخانه‌های مساجد و حتی دیگر کتابخانه‌های مشابه در انجام کار و اقدامات فرهنگی است.

**کلیدواژه‌ها:**

کتابخانه‌های مساجد، برنامه‌ریزی فرهنگی، ایران.

**مقدمه**

سرنوشت کشورها و جوامع امروزی با تحولات ملی و فراملی در عرصۀ فرهنگ گره خورده است. حفظ و ارتقای فرهنگ خودی و معرفی آن به دیگر فرهنگ‌ها زمینه‌ساز ماندگاری و انسجام درونی هر فرهنگ اصیل و ریشه‌دار است. انقلاب اسلامی ایران خود نوعی تحول فرهنگی بزرگ بود که نه تنها در عرصۀ ملی، که در عرصۀ بین‌المللی هم منشاء تغییرات اساسی شد و گفتمان فرهنگی اصیل و جدیدی را فراروی نهاد که پاسداشت و معرفی آن وظیفۀ همۀ دوستداران آن است. این گفتمان اصیل و جدید توحیدی ریشه در اعتقادات دینی و باورهای اسلام ناب، به ویژه مکتب ظلم‌ستیز و عدالت‌گرای شیعه دارد. لازم است این گفتمان را در جامعۀ ملی و اجتماعات فراملی طرح کرد تا شنوندگان عاقل این «قول احسن» را پذیرفته و تابعش باشند. مسلم است که این کار ستودنی و لازم، مستلزم برنامه‌ریزی فرهنگی در تمامی جوانب و جنبه‌ها است و بیش از همه، همت و ظرافت نهادهای فرهنگی کشور را می‌طلبد.

پیچیدگی روزافزون جوامع، رقابت نفس‌گیر فرهنگ‌ها و تمدن‌ها و ضرورت حفظ و ترویج میراث معنوی از ضرورت‌های برنامه‌ریزی فرهنگی است. برخلاف گمان عدّه‌ای، بخش زیادی از مقولات فرهنگی را می‌توان مدیریت و برای آن برنامه‌ریزی کرد. لزوم برنامه‌ریزی برای حفظ، معرفی و بسط فرهنگ اصیل ایرانی-‌اسلامی که صاحب میراث معنوی غنی و در تیررس تهاجم فرهنگ‌های مختلف مادی و مبتذل است، به ویژه در عصر کنونی اطلاعات و رسانه‌ها، صدچندان است. به همین دلیل است که مقام معظم رهبری همواره بر اهمیت فرهنگ، فرهنگ‌سازی و کار فرهنگی تأکید کرده و می‌کنند و مسائل فرهنگی را اولویت کشور می‌دانند.**[[405]](#footnote-405)**  
شواهد از نقص و نارسایی در برنامه‌ریزی فرهنگی کشور خبر می‌دهند. شاهد بر این مدعا، اظهارنظرها و نتایج تحقیقات متخصصان این عرصه است. برای نمونه، به اعتقاد صالحی‌امیری و عظیمی دولت‌آبادی، (1387ب، ص12) فعالیت‌های فرهنگی انجام شده در ایران چندان نظام‌یافته، ضابطه‌مند و مطابق با الگو نبوده و کار در این عرصه نیازمند همتی مضاعف است و باید در این عرصه به پژوهش و عمل توأمان دست زد.

از فرهنگ تعاریف بسیاری شده است که رسیدن به اجماع در این باره را دشوار می‌کند. (برای اطلاعات بیشتر: صالحی‌امیری و عظیمی دولت‌آبادی، 1387الف، ص 113-123) با این همه، فرهنگ محملی است که نمودهای آن همواره در محیط زندگیمان حضور دارند و بستری برای طرز فکر و جهان‌بینی و عمل ماست. فرهنگ الگوهای رفتاری، گفتاری و آداب و رسوم جامعه را شکل می‌دهد؛ از این رو، سازمان‌های تولیدکنندۀ معنا و فعال در عرصه‌های نرم‌افزاری، مثل کتابخانه‌ها، از جمله کتابخانه‌های عمومی و کتابخانه‌های مساجد، در فرهنگ‌سازی و حفظ اصالت فرهنگی وظیفه‌ای سترگ دارند و باید با حساسیتی فراوان درصدد برنامه‌ریزی برای کار فرهنگی ملحوظ در وظایف خود باشند. تحولات و الزامات جهانی عصر اطلاعات این وظیفه را برای همۀ نهادها، خاصّه نهادهای دینی، اجتماعی و فرهنگی بیش از پیش سنگین می‌کند.

**الف)بیان مسئله**

کتابخانه‌ها برنامه‌ریزی فرهنگی را هر چند تلویحی، ولی عملاً با گردآوری، گزینش، سازماندهی، حفظ، نگهداری، اشاعه و دسترس‌پذیر کردن اطلاعات و منابع اطلاعاتی - آثار ملموس و مادّی فرهنگ - از دیرباز انجام می‌دهند. (p.2, 2005, Robertson) کتابخانه‌ها در جهان الکترونیکی امروز، علاوه بر این کار، محل اجتماع و ارتباطات فرهنگی رودررو، مرکز گفتمان جمعی و عرصۀ تبادلات میان‌فرهنگی هستند. کتابخانه مرکزی اجتماعی است که کمک به پیشبرد امور جامعه و جامعه‌پذیر کردن شهروندان از کارکردهای آن است. به این کارکردها، ترویج و تبلیغ فرهنگی را نیز باید افزود که در راستای اهداف اجتماعی و فرهنگی آن است. البته، وظایف کتابخانه‌های کاملاً فرهنگ‌بسته، مثل کتابخانه‌های عمومی و کتابخانه‌های مساجد در این زمینه بیش از دیگر انواع کتابخانه‌ها و حتی سرمشق آنها است.

کتابخانه‌های مساجد به لحاظ تاریخی در نشر و تبلیغ دین اسلام و منویات مادی و معنوی آن نقشی حیاتی داشته‌اند و تمدن اسلامی در شکل‌گیری و تداوم خود مرهون آنها است. (93.p, 2007, Laugu) این کتابخانه‌ها به اهداف و وظایف خطیر و کارکردهای متعالی مساجد –از جمله وظایف و کارکردهای فرهنگی آن کمک می‌کنند. چون مسجد محل انجام فرایض دینی، مکان اجتماع مردم (برای مقاصد دینی، اجتماعی، آموزشی، سیاسی و حتی اقتصادی) بوده و هست، کتابخانه‌های مساجد هم باید منابع خود را بر این اساس گزینش کرده و با مد نظر قرار دادن اهداف و کارکردهای مسجد و طیف متنوع مسجدیان و سلایق و علایق متفاوت‌شان، این منابع را به آنان عرضه کنند. به علاوه، با توجه به اهمیت فرهنگ در عصر کنونی و لزوم صیانت از تقویت آن، ادغام بیش از پیش کار فرهنگی در وظایف مرسوم این کتابخانه‌ها، استفاده از آنها را هدفمندتر و نقش و جایگاه آنها را در تعالی جامعه تقویت و برجسته می‌کند.

ضرورت این کار فرهنگی برای کتابخانه‌های مساجد زمانی بیشتر می‌شود که بدانیم تعداد کتابخانه‌های مساجد در ایران از همۀ کتابخانه‌های عمومی کشور بیشتر است و منابع موجود در این کتابخانه‌ها، با بسیاری از کتابخانه‌های بزرگ عمومی کشور مقایسه‌پذیر است. طبق آمار گزارش شده در سال 1390، (هاشمی و گیلوری، 1390، صص 16-17) دبیرخانۀ ستاد عالی هماهنگی و نظارت بر کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد کشور (تحت نظر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی) حدود 4100 باب کتابخانۀ مساجد را زیر پوشش دارد و کل کتابخانه‌های فعال و نیمه‌فعال مساجد بیش از ده هزار باب است.

انجام کار فرهنگی در چنین تعداد وگسترۀ جغرافیایی از کتابخانه‌ها مستلزم "برنامه‌ریزی فرهنگی" برای این کتابخانه‌ها است تا بتوان ضمن شناسایی وضع موجود آنها، راهکارها و الگویی عملی و واقع‌بینانه برای چنین کار سترگی عرضه کرد تا راهنما ودست‌نامه‌ای پیش‌رویِ مسئولان این نوع کتابخانه‌ها و حتی دیگر کتابخانه‌های مشابه، مثل کتابخانه‌های عمومی کشور، در اقدامات و امور مترتب بر فرهنگ در چارچوب اهداف و وظایف کلان آنها باشد. به علاوه، چون یکی از اهداف دبیرخانۀ ستاد عالی هماهنگی و نظارت بر کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد کشور در افق ایران 1404 ایجاد شبکه‌ای منسجم و همه‌گیر برای کتابخانه‌های مساجد در استفادۀ آحاد مردم از آنهاست، (هاشمی و گیلوری، 1390، ص13) برنامه‌ریزی فرهنگی برای این هدف کارساز و مقوّم آن است. پژوهش حاضر درصدد است تا به تبیین نوعی روش‌شناسی تفصیلی در برنامه‌ریزی فرهنگی برای کتابخانه‌های مساجد کشور بپردازد تا راهکاری عملی و روشی گام‌به‌گام در اختیار متولیان این کتابخانه‌ها قرار گیرد. با توجه به شعار «راه آینده را از مساجد بسازیم» که سرلوحۀ کار مرکز رسیدگی به امور مساجد کشور است**[[406]](#footnote-406)**، برنامه‌ریزی فرهنگی واقعی و عینی برای این کتابخانه‌ها کوششی برای نشان دادن راه آینده، به دست‌کم بخشی از جامعۀ هدف مساجد، از طریق مساجد است.

**مبانی نظری**

هر چند از برنامه‌ریزی هم به مانند بسیاری از مفاهیم و سازه‌های مطرح در علوم انسانی و اجتماعی، تعاریف زیاد و متفاوتی عرضه شده است، کسی در اهمیت برنامه‌ریزی برای انجام مداوم و معین امور لازم برای رسیدن به اهداف مدنظر شکی ندارد. برنامه‌ریزی فرآیند آگاهانۀ تصمیم‌گیری دربارۀ اهداف و فعالیت‌های آیندۀ فرد، گروه، واحد کاری یا سازمان است که از کارکردهای آن، تصویرسازی و طراحی وضعیت مطلوب در آینده و یافتن و پیش‌بینی کردن راه‌ها و ابزاری است که در پرتو امکانات و شرایط موجود و واقعی، رسیدن به آن را ممکن کند. (محمدی، 1385، ص18) این تعریف برای مقصود این مقاله کافی است.

بر این اساس، برنامه‌ریزی فرهنگی نیز نوعی نگرش فرهنگی به برنامه‌ریزی، و کوششی آگاهانه، سنجیده و سازمان یافته برای ایجاد تغییر در وضع موجود و دستیابی به اهداف مطلوب در حوزه‌های مختلف فرهنگی است. (اکبری، 1381، ص 14) در تعریفی دیگر، این نوع برنامه‌ریزی ناظر بر کنش‌ها و اقداماتی است که برای مسائل فرهنگی طی آینده‌ای محتمل پیش‌بینی می‌شود. (رضایی و فردرو، 1386، ص79) معنای بسیط و دقیق برنامه‌ریزی فرهنگی را چنین می‌توان تبیین کرد: «تلاشی آگاهانه برای تغییر نگرش‌ها، اعتقادات، آداب و رسوم، ارزش‌ها وهنجارهای نسبتاً پایدار و بادوام جامعه، مطابق خواست و الگوی ذهنی برنامه‌ریز». (صالحی‌امیری، 1390، ص90) با جمع‌بندی و مداقه در این تعاریف، برنامه‌ریزی فرهنگی را می‌توان تدوین برنامه‌ای واقعی و عملیاتی برای تبلیغ و ترویج مؤلفه‌های فرهنگی ملحوظ در اهداف و وظایف یک سازمان و نهاد، با در نظر گرفتن امکانات و قابلیت‌های درون‌ سازمانی و برون‌سازمانی آن در زمانی معین دانست. این نوع‌برنامه‌ریزی فرهنگی متوجه محصولات فرهنگی و در دایره‌ای وسیع‌تر، نهادهای فرهنگی است. این تعریف از برنامه‌ریزی فرهنگی برای هدف این مقاله مناسب است.

برنامه‌ریزی فرهنگی کاری دشوار و پیچیده، اما ضروری و گریزناپذیر است. برنامه‌ریزی فرهنگی تقویت‌کنندۀ همبستگی ملی، مقوم هویت دینی و افزایش‌دهندۀ ظرفیت‌های فرهنگی است و باید مبتنی بر الگوها و سرمشق‌های فرهنگی جامعۀ خودی باشد. همگان دربارۀ اهمیت و ضرورت برنامه‌ریزی فرهنگی متفق‌القولند؛ اگر چه در بارۀ محتوا و شکل آن دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. (چلپی، 1374، ص 175)

استفاده از الگوهای غربی برای برنامه‌ریزی فرهنگی، به ویژه در سازمان‌های برخاسته از دین، کاری مناسب و موفق نیست. (پیروزمند، 1377، ص2) تعمیق باورها و ارزش‌های دینی و فرهنگ اسلامی - که از اهداف مساجد و بخش‌های زیرمجموعۀ آنها است- به نقشۀ راه منحصربه‌فردی نیاز دارد که در عین مطابقت با واقع و به دور از آرمان‌گرایی، رنگ و بویی محلی و فرهنگ‌بسته داشته باشد. وجود چنین الگویی غیرغربی برای برنامه‌ریزی فرهنگی برای کتابخانه‌های مساجد هم مصداق و مناسبت دارد.

درباب کتابخانه‌های مساجد، چه داخل کشور و چه خارج از کشور کار چندان زیادی انجام نشده است. عمده آثار در این عرصه در قالب کتاب و با نگاهی به تاریخ این کتابخانه‌ها در ایران (هاشمی، 1380؛ هاشمی و گیلوری،1383) و جهان اسلام (مکی سباعی، 1373؛ 2007, Laugu)، مشخصات و شناسنامۀ کتابخانه‌های مساجد کشور (ستاد عالی کانون‌های فرهنگی-هنری مساجد کشور، 1388)، استانداردسازی (گیلوری و هاشمی، 1379) و قوانین و مقررات مترتب بر آنها (هاشمی و گیلوری، 1390 و تا حدی، هاشمی و گیلوری، 1383) انجام شده است. البته مقالاتی در قالب تحقیق موردی و با گسترۀ محدود استانی درباب طرز تهیه و تنظیم مواد و منابع کتابخانه‌های مساجد (خوشرو، 1384) و وضعیت کلی این نوع کتابخانه‌ها (غفاری، 1380) و زمینه‌سازی برای عملکرد مطلوب آنها (دیانی، 1379) منتشر شده است. چندین اثر مروری پراکنده نیز در موضوع کتابخانه‌های مساجد قابل‌بازیابی است.

به هر حال، در حد کاوش به عمل آمده، درباب برنامه‌ریزی فرهنگی برای کتابخانه‌های مساجد، مقالۀ حاضر اولین کار از این نوع در ایران و جهان است که می‌تواند آغاز راهی برای بررسی ابعاد تفصیلی و عمیق‌تر این موضوع در قالب پژوهش‌هایی دیگر باشد و نقشۀ راهی برای این نوع کتابخانه‌ها در بهره‌گیری بیشتر از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های خود فراهم کند. البته چنین کاری اهمیت و ضرورت وجود و تقویت نهاد کتابخانه را در مساجد نزد ذینفعان نیز بیشتر می‌کند. بنابراین، این طرز تلقی در عصر رقابت برای بقای سازمانی، درست مثل دیگر سازمان‌ها و نهادها، بسیار مناسب حال کتابخانه‌های مساجد و ضامن بقا و پویایی آنها است.

**ب)روش کار**

برنامه‌ریزی فرهنگی نیز مثل هر نوع برنامه‌ریزی دیگر، مستلزم پیمودن مراحل و گام‌هایی چند برای حصول به محصول نهایی یا همان برنامه است. این مراحل به تفصیل در متون مرتبط تبیین شده‌اند. (برای نمونه، چاوش‌باشی و کاوسی، بی‌تا) با سرلوحه قرار دادن این مراحل و تعدیل برخی موارد، مراحل تفکیکی انجام برنامه‌ریزی فرهنگی برای کتابخانه‌های مساجد ذیلاً توجیه و تبیین شده است.

**گام اول**: آشناکردن و آگاه‌سازی افراد درگیر در مراحل مختلف برنامه‌ریزی فرهنگی و اجرای آن، قبل از شروع به برنامه‌ریزی موجب تسهیل فرآیند برنامه‌ریزی و اجرا می‌شود**[[407]](#footnote-407)**. به عبارت دیگر، آگاهی افراد از تعاریف، مفاهیم و مبانی نظری این سازه برای ادامۀ کار لازم است. اشراف بر کارکردها و وظایف کتابخانه‌های مساجد، با تأکید بر بعد اجتماعی و فرهنگی آنها هم در این میان ضرورت دارد تا ذی‌نفعان از اهمیت و مبانی نظری برنامه‌ریزی فرهنگی و کارکردهای کتابخانه‌های مساجد آگاه شوند و آمادۀ پذیرش و اجرای چنین کاری باشند. بنابراین، در این گام اقدامات زیر لازم است:

الف.تهیه و تدوین مطالبی درباب کتابخانه‌های مساجد، برنامه‌ریزی فرهنگی و ارتباط بین این دو با روش تحقیق کتابخانه‌ای و مرور تحلیلی متون؛

ب. عرضۀ این مطالب به ذی‌نفعان، مسئولان امر و کتاب‌د‌‌اران کتابخانه‌های مساجد در قالب آثاری چون کتاب، مقاله و نیز با برگزاری کلاس‌ها و دوره‌های آموزشی منظم.

**گام دوم**: تحلیل وضعیت گذشته و حال نهاد فرهنگی گام مهم و اساسی در برنامه‌ریزی فرهنگی برای آن است. در این گام، با کمک اطلاعات و پیشینه‌های موجود، عملکرد گذشته و حال کتابخانه‌های مساجد کشور از دیدگاه برنامه‌ریزی فرهنگی و مؤلفه‌های آن تجزیه و تحلیل می‌شود تا بهتر بتوان برای آینده برنامه‌ریزی کرد. به این منظور باید کارهای زیر را انجام داد:

الف. تحلیل کارکردهای گذشتۀ کتابخانه‌های مساجد کشور از نظر کار و اقدامات فرهنگی با پیمایش در سوابق موجود و درج آنها در سیاهه‌های وارسی مناسب؛

ب. بررسی دقیق قوانین و مقررات کنونی حاکم بر کتابخانه‌های مساجد و تحلیل آنها از نظر مناسبت‌شان با کار فرهنگی؛

ج. مطالعۀ وضعیت حال کار و تبلیغ فرهنگی در کتابخانه‌های مساجد کشور با کمک ابزارهای پژوهشی مختلف.

**گام سوم**: آگاهی از نظرات کارکنان، منویات ذی‌نفعان و دیدگاه متخصصان از دیگر گام‌های برنامه‌ریزی فرهنگی است که ضمن شناساندن انتظارات و قابلیت‌های نهاد فرهنگی، راهکارهایی عینی و واقعی فراهم می‌کند. در این راستا، اهداف و منویات برنامه‌ریزی فرهنگی در این کتابخانه‌ها با مطالعۀ متون، نظرخواهی از خبرگان و ... تعیین می‌شود و نیز نیازها، اولویت‌ها و امکانات موجود با مراجعه به منابع مستند، توزیع پرسش‌نامه بین کتاب‌داران و کاربران و مصاحبه با مسئولان و دست‌اندرکاران ذیربط مشخص و تدوین می‌شود. این اقدامات ذیلاً به طور ویژه تفکیک شده‌اند:

الف. استخراج و دسته‌بندی سازه‌های عینی و لازم برای کار فرهنگی در کتابخانه‌های مساجد کشور؛

ب. کشف عمق و گسترۀ انتظارات و تلقیات فرهنگی مراجعان بالقوه و بالفعل کتابخانه‌های مساجد با کمک ابزارهای مختلف پژوهش پیمایشی، از جمله پرسش‌نامه و مصاحبه؛

ج. انجام مصاحبه‌هایی طراحی شده با متخصصان و متولیان امور فرهنگی و نیز امور کتابخانه‌های مساجد برای کشف قابلیت‌های فرهنگی بالقوه و بالفعل این کتابخانه‌ها؛

د. توزیع پرسش‌نامه‌ای مناسب و مستخرج از سازه‌های کار فرهنگی در بین کتابداران مساجد و نیز نظرخواهی از آنان در ارتباط با برنامه‌های فرهنگی و نقاط قوت و نقاط ضعف کتابخانه‌ها از این باب.

**گام چهارم**: با هم‌گذاری و تحلیل تلفیقی اطلاعات و داده‌های به دست آمده از سه گام فوق‌الذکر، برنامه‌ای مناسب جهت اجرا به دست می‌آید. به دیگر سخن، ماحصل برنامه‌ریزی فرهنگی برای کتابخانه‌های مساجد "برنامه‌ای مدوّن و مشخص برای اجرا" است.

گام پنجم. در این گام نهایی برنامه‌ریزی فرهنگی، برنامه‌ای تفصیلی تهیه شده به کمک متخصصان ارزشیابی می‌شود تا پس از حصول روایی، برای اجرا در اختیار متولیان کتابخانه‌های مساجد قرارگیرد.

لازم به ذکر است اجرای برنامۀ حاصل، پایش کم و کیف اجرای برنامه، ارزیابی بروندادها و بالاخره بازخوردگیری برای کشف شکاف‌های موجود در برنامه و به تبع آن، تلاش در جهت رفع آنها در دوره‌های اجرای بعدی گام‌های تکمیلی دیگری هستند که به جهت نگنجیدن در چارچوب هدف این مقاله و مرتبط بودن با فاز اجرای برنامه، در اینجا به تفصیل مطرح نشده‌اند. بدیهی است ارزیابی برنامه‌های فرهنگی مستخرج از برنامه‌ریزی منشعب از این روش‌شناسی در کتابخانه‌های مساجد، بعد از اجرای عملی این برنامه و گردآوری بروندادهای اجراییِ حاصل میسر است که خود نیازمند اجرا، پایش، بازخوردگیری و متعاقب آن، بررسی‌های دیگر است.

نمودار 1 الگوی کلی برنامه‌ریزی فرهنگی و اجرای برنامه‌های فرهنگی برای کتابخانه‌های مساجد است که گام‌های برنامه‌ریزی فرهنگی برای این کتابخانه‌ها را شماتیک همراه با رابطۀ ناگسستنی آن با روند اجرا و پایش و ارزیابی برنامه نشان می‌دهد. این الگو حالتی فرایندی داشته و در تمامی مراحل، به کمک عنصر «بازخورد» قابلیت ترمیم واصلاح‌پذیری دارد. بازخورد ماحصل شناسایی نقاط مثبت و منفی برنامه است و با اصلاح فرآیند برنامه‌ریزی، برنامه‌ای بهتر برای دوره‌های بعدی برنامه‌ریزی و اجرا فراهم‌می‌کند.

**تکمله**

آنچه بیان شد، تصویری عینی از روند برنامه‌ریزی فرهنگی برای کتابخانه‌های مساجد بود. عملیاتی و واقعی کردن این برنامه‌ریزی که بسیار مغفول است، نیازمند حمایت مادی و معنوی متولیان امور مساجد و جذب تیمی متخصص از متخصصان علوم جتماعی، برنامه‌ریزی فرهنگی، معارف اسلامی، مدیریت و به ویژه کتاب‌داری و اطلاع‌رسانی است. برنامۀ حاصل می‌تواند سرمشق کتابخانه‌های دیگر، از جمله کتابخانه‌های عمومی کشور نیز باشد.

**منابع و مآخذ**

اکبری، محمدعلی، تجربیاتی از برنامه‌ریزی فرهنگی در ایران، 1381، فرهنگ عمومی، 33، 1320-1357.

پیروزمند، علیرضا، مبانی برنامه ریزی فرهنگی، گردهمایی راهبردها و رویکردهای ساماندهی فرهنگی، 1377. http://www.iranpress.ir/farhang

چاوشباشی، فرزانه، کاوسی، اسماعیل (بیتا.گامهای آغازین در برنامه‌ریزی فرهنگی، پژوهش‌نامۀ برنامه‌ریزی فرهنگی (3)، (صص117-136)، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، پژوهش‌کدۀ تحقیقات استراتژیک. دستیابی در 8 دی ماه 1392 از طریق آدرس اینترنتی: www.csr.ir

چلپی، مسعود، جامعه‌شناسی نظم، تهران: نشر نی، 1374.

خوشرو. احمد، بررسی توصیفی وضعیت تهیه و تنظیم مواد و منـــابع کتابخانه‌های مساجد شهر کرمان در سال 1383. ماهنامۀ ارتباط علمی، 1384.

دیانی، محمدحسین، زمینه‌های نوشكوفایی كتابخانه‌های مساجد (نمونه مساجد شهر اهواز)، در مجموعه مقالات كنگرۀ بین‌المللی كتاب و كتابخانه در تمدن اسلامی. (صص 519-532)، مشهد، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، 1379.

رضایی، علی‌اکبر و فردرو، محسن، آشنایی با اصول برنامه‌ریزی و برنامه‌ریزی فرهنگی، تهران، عباسی، 1386.

ستاد عالی کانون‌های فرهنگی-هنری مساجد کشور، شناسنامۀ کتابخانه‌های مساجد کشور، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ستاد عالی هماهنگی و نظارت بر کانون‌های فرهنگی-هنری مساجد کشور، 1388.

صالحی‌امیری، رضا، الزامات برنامه‌ریزی مطلوب فرهنگی. برگ فرهنگ، 23، 88-97، 1390. بازیابی در 12 دی ماه 1392 از طریق آدرس اینترنتی: http://www.sid.ir

صالحیامیری، رضا، عظیمی دولت‌آبادی، امیر، رویکردهای فرهنگی و الزامات مدیریتی آن. در: پژوهش‌نامۀ برنامه‌ریزی فرهنگی (1)، (صص111-136). تهران، مجمع تشخیص مصلحت نظام، پژوهشکدۀ تحقیقات استراتژیک، 1387. دستیابی در 17 دی ماه 1392 از طریق آدرس اینترنتی:

http://www.csr.i

صالحی‌امیری، رضا و عظیمی دولت‌آبادی، امیر، مبانی سیاستگذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی. تهران، مجمع تشخیص مصلحت نظام، پژوهش‌کدۀ تحقیقات استراتژیک، 1387.

غفاری، سعید، بررسی وضعیت کتابخانه‌های مساجد شهر تهران، فصلنامه کتاب، 1380.

گیلوری، عباس و هاشمی، ابوالفضل، پیش‌نویس استاندارد كتابخانه‌های مساجد، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ستاد عالی هماهنگی و نظارت بر کانون‌های فرهنگی-هنری مساجد کشور، ادارۀ کل کتابخانه‌ها، 1379.

محمدی، علی، سازمان و مدیریت، تهران، هادیان، ۱۳۸۵.

مکی سباعی، محمد، مروری بر کتابخانه‌های مساجد. ترجمۀ محمد عباسپور و محمدجواد مهدوی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، 1373.

هاشمی، ابوالفضل، كتابخانه‌های مساجد، تاریخ، ساختار و نقش آنها در جامعه. تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ستاد عالی هماهنگی و نظارت بر کانون‌های فرهنگی-هنری مساجد کشور، ادارۀ کل کتابخانه‌ها، 1380.

هاشمی، ابوالفضل، گیلوری، عباس، کتابخانه‌های مساجد ایران ازآاغاز تاکنون، به ضمیمۀ آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ستاد عالی هماهنگی و نظارت بر کانون‌های فرهنگی-هنری مساجد کشور، ادارۀ کل کتابخانه‌ها، 1383.

هاشمی، ابوالفضل و گیلوری، عباس، نظامنامۀ جامع کتابخانه‌های مساجد کشور، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ستاد عالی هماهنگی و نظارت بر کانون‌های فرهنگی-هنری مساجد کشور، ادارۀ کل کتابخانه‌ها، 1390.

Laugu, N. (2007. The roles of mosque libraries through history. Al-Jamiah, 45 (1, 91-118.

Robertson, D. A. (2005. Cultural programming for libraries: linking libraries, communities, and culture. American Library Association.

**بررسی تأثیر کلاس‌های تفسیر قرآن، شخصیت و سیره شناسی حضرت زهرا(س) بر عزّت‌نفس، سلامت عمومی و پرخاشگری نوجوانان دختر در مسجد ملک‌شهر اصفهان در سال 1392**

**مهدی صالحی [[408]](#footnote-408)**

**چکیده:**

یکی از مهم‌ترین روش‌ها در تربیت، روش الگویی است زیرا تأثیر شخصیت الگو در شکل‌گیری رفتار و منش تربیت‌‌شونده به مراتب بیشتر از موارد دیگر است. یکی از عالی‌ترین الگوهای قابل پیروی برای انسان‌ها، قرآن کریم و فاطمه زهرا است. عصر ما، عصر الگوهای غلطی است که در جامعه بین جوانان شایع شده است و سبب گشته که مشکلات روانی و جسمانی در بین جوانان گسترش پیدا کند. برخی از مشکلاتی که در جامعه جوان شایع شده است کاهش میزان عزّت‌نفس و افزایش بیماری‌های روانی و جسمانی و افزایش پرخاشگری می‌باشد. در این تحقیق به بررسی تأثیر کلاس‌های تفسیر قرآن و شخصیت و سیره شناسی حضرت زهرابر شخصیت و کاهش ویژگی‌های نامطلوب مانند پرخاشگری، عدم وجود عزت‌نفس و سلامت عمومی پرداخته تا میزان الگوگیری نوجوانان را در این سه حوزه بررسی کند.

در این مطالعه 30 نفر شرکت داشتند که پس از پر کردن پرسش‌نامه نتایج مختلفی در زمینه سلامت عمومی، عزّت‌نفس و پرخاشگری در پیش‌آزمون و پس‌آزمون و پیگیری اول و دوم بدست آمد به گونه ایی که در سه حوزه سلامت عمومی (افسردگی، اضطراب، مشکلات اجتماعی) کاهش معناداری در آنها بوجود آمد. (05/> p) اما در حوزه مشکلات جسمانی معنادار نبود. در حوزه عزّت‌نفس افزایش نمرات پس‌آزمون و دو پیگیری نسبت به پیش‌آزمون رابطه معناداری وجود داشت. (05/> p) همچنین در سه حوزه پرخاشگری(عصبیت، تهاجم، کینه توزی) نیز کاهش نمرات پس‌آزمون و دو پیگیری نسبت به پیش‌آزمون رابطه معناداری وجود داشت. (05/> p)

با بررسی داده‌های بدست آمده از چهار آزمون و تجزیه و تحلیل آنها مشخص شد که سطح سلامت عمومی، عزّت‌نفس، پرخاشگری پس‌آزمون نوجوانان نسبت به پیش‌آزمون بیشتر است.

**کلمات کلیدی:**

تفسیر قرآن، شخصیت و سیره حضرت زهرا، عزّت‌نفس، سلامت عمومی، پرخاشگری.

**مقدمه:**

یکی از مسائل مهم و پیچیده‌ای که امروزه متولیان تعلیم و تربیت اسلامی با آن روبه رو هستند، مسئله چگونگی الگوسازی[[409]](#footnote-409) از اسوه‌های دینی متناسب با شرایط موجود است. چرا که به طور قاطع می‌توان گفت که در نظام تربیتی اسلام، یکی از عوامل مؤثر در تکوین شخصیت مذهبی همانندسازی با الگوهای برتر است.

از سوی دیگر تاریخ اجتماعی بشری نشان داده است که در صورت عدم وجود الگوها در یک جامعه انسانی، افراد در زندگی ظاهری، عقلی و ایمانی خویش سردرگم و حیران می‌مانند. زیرا انسان شاخصی (معیاری برای سنجش و تعیین مقدار دارایی‌های ارزشی) اخلاقی و انسانی خودش ندارد و سلامت و یا بیماری اجتماعی‌اش را تشخیص نمی‌دهد. انسان در چنین حالتی نه میزانی برای سنجش حدود و کمالات و صفات انسانی و الهی خویش دارد و نه میزانی برای سنجش نارسایی و کمبودهایش. شاید گزاف نباشد اگر قایل شویم که بحران‌های بی‌شمار اخلاقی و ارزشی که در قرن بیستم برای بشریت پدید آمده است، به دلیل وجود همین خلأ است.

(( رشد معنوی))[[410]](#footnote-410) در واقع فراگیری ارزش‌ها و رویکردی اندیشمندانه به زندگی است. وصل شدن به کسی یا چیزی برتر از خود، احساس رشد یابنده ای که زندگی را از تولد تا مرگ دارای مفهوم و معنا می‌داند، نگرش همراه با احترام فزاینده به دیگر موجودات زمین و به یک کلام، یادگیری و برخورداری از ایمان است. (ایریس یاب 1385) بنابراین برای رهایی از مشکلات روحی روانی وحتی جسمانی نیاز است که فرد به خداوند یکتا ایمان داشته باشد و او را سرلوحه کار خویش قرار دهد. با این وصف فرد باید به دین و خدا ایمان بیاورد و در زمان حاضر برترین دین اسلام است. چنانچه منظور از ادیان دیگر ادیان غیر الهی است سخن گفتن از برتری درست نیست؛ زیرا تنها آیین اسلام بر حق است و ادیان دیگر باطل و انحرافی است. همه پیامبران الهی مردم را به اسلام دعوت می‏کردند؛ بنابراین کسانی که از آیین پیامبر زمان خود پیروی کرده باشد، بر حق و افراد دیگر بر باطل بوده‏اند.

مداومت در قرائت و حضور در کلاس‌های قرآن عامل بسیاری از توفیقات و برکات الهی است و کسی که عادت به قرائت، حفظ و تدبّر در مفاهیم قرآنی داشته باشد ترک آن برایش بسیار مشکل می‎نماید. با قرآن زندگی زیبا می‎شود و جان می‎گیرد و آرامش واقعی به منصه ظهور می‎رسد و بدون قرآن آدمی چون جمادی است متحرک که نه روح دارد و نه آرامش واقعی. (محمود جویباری) حفظ و تدبر در قرآن و حضور در مجالس قرآنی سبب آرامش روحی می‌شود چراکه یاد خدا تأثیر بسزایی در روان آدمی دارد و دل در پرتو آن آرام می‎گیرد. خداوند متعال می‎فرماید: «**أَلا بِذِکْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ**(بحارالانوار، ج 92) آگاه باش که دل‎ها با یاد خدا آرام می‎گیرد.»

یکی از مهم‌ترین روش‌ها در تربیت، روش الگویی است؛ زیرا تأثیر شخصیت الگو در شکل‌گیری رفتار و منش تربیت شونده به مراتب بیشتر از موارد دیگر است. اسلام نیز به این روش اهمیت زیادی داده است و قرآن کریم بخشی از آیات مبارک خود را به معرفی مردان و زنان موحد و ثابت‌قدمی اختصاص داده است که در شرایط گوناگون، صلاحیت وشخصیت خود را بروز داده و حق‌محوری خویش را به اثبات رسانده اند. از زنان پاک دامن وعفیفی چون مریم، آسیه همسر فرعون و دختران شعیب که الگوی زنان در شرایط مختلف می‌باشند تجلیل وستایش کرده است. یکی از عالی‌ترین الگوهای قابل پیروی برای انسان‌ها به‌ویژه زنان، حضرت صدیقه طاهره، فاطمه زهرا است. درباره زندگانی حضرت زهرا کتاب‌ها و مقالات بسیاری به رشته تحریر درآمده اما بررسی کاربردی و ارائه الگوهای رفتاری آن حضرت کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در این پژوهش به اثر شگرف تأثیر‌گذاری آیات قرآن و شخصیت این بزگوار در نوجوانان را بررسی و اندازه گیری خواهیم کرد.

انسان که والاترین آفریده خداوند است، جایگاه ویژه ای داشته و از موقعیت ممتازی در عرصه هستی برخوردار است. از این رو، چون از زوایای مختلفی به ابعاد شخصیتی او نگریسته می‌شود، دانش‌های گوناگونی به روشنگری و پاسخگویی می‌پردازند؛ آنجا که جلوه‌های ظاهری، رفتار، گفتار و پندار او بررسی می‌شود «علم فقه»[[411]](#footnote-411) به آن پرداخته با توانمندی خاص خود مطرح می‌شود و عهده دار این مهم می‌گردد. و آنگاه که درباره خردورزی، اندیشمندی و نیروی عقل سخن به میان می‌آید «علم عقاید»[[412]](#footnote-412)" توانمندی خاص خود را مطرح می‌سازد و چون درباره عشق، عاطفه، و قلب آموزه‌هایی انسان‌ساز و حیات‌بخش می‌یابیم، «علم اخلاق»[[413]](#footnote-413)« (اربعین حدیث، امام خمینی 385 - 395 ) را می‌بینیم که با سلسله سخنان و موعظه‌های بنیادین خود را به حکمت، عفت، عدالت و شجاعت فرا می‌خواند تا انسان کامل شویم و چون گوهری گرانبها در آغوش آفرینش قرار یابیم (علامه طباطبایی سال ندارد ).

**الف) روش تحقیق**

**1. شرح و بیان مسئله پژوهشی:**

پژوهش حاضر از نظر نحوۀ گردآوری داده‌ها یک مطالعه توصیفی [[414]](#footnote-414)از نوع همبستگی است که هدف آن توصیف شرایط یا پدیده‌های مورد بررسی است (سرمد و دیگران، 1382) پژوهش توصیفی از نوع همبستگی به بررسی رابطه بین دو متغیر مستقل و وابسته می‌پردازد.

**2. اهداف پژوهش:**

**2-1. هدف کلی:**

بررسی تأثیر کلاس‌های تفسیر قرآن، سیره و شخصیت شناسی حضرت زهرا  بر سلامت عمومی، عزّت‌نفس و پرخاشگری نوجوانان دختر.

**2-2. هدف‌های جزیی:**

2-2-1. بررسی نظرات مختلف در رابطه با نقش قرآن بر روی رفتار نوجوانان.

2-2-2. ارائه پیشنهاداتی که احتمالا بتواند سطح سلامت عمومی، عزّت‌نفس و پرخاشگری نوجوانان را بالا ببرد.

**3. معرفی متغیر ها:**

3-1. **متغیر مستقل:**[[415]](#footnote-415) کلاس‌های تفسیر قرآن، سیره و شخصیت شناسی حضرت زهرا  در مسجد.

2-2. **متغیر وابسته:**[[416]](#footnote-416) سلامت عمومی، عزّت‌نفس و پرخاشگری.

**4. اهمیت تحقیق:**

اصول و قوانین علمی عمدتاً حاصل پژوهش‌های قرون اخیر دانشمندانی است که روش‌های علمی را به کار گرفته پژوهش‌های ارزنده ای انجام داده‌اند. چنانچه اندکی دقیق‌تر بیندیشیم متوجه می‌شویم که رمز توسعه و پیشرفت دنیای غرب استفاده از پژوهش و بررسی‌های مستند و دقیق بوده است. در این دیار روح علمی همان شناختن و دریافتن عمیق روش‌ها، یعنی شیوه‌هایی بوده است، که بشر برای پیش بردن علم به کار بسته است. این امر، یعنی کشف دانش نو، نه تنها از نادانی و سرگردانی‌های آنها کاسته، بلکه موجب شده است که در برآورد حوادث دقیق‌تر و مستدل‌تر و در انجام امور مجهّزتر و در یافتن مواد جدید با کیفیت بهتر موفّق‌تر باشند، اما به رغم همۀ این پیشرفت‌ها نقص عمده در کشورهای نوخاسته بی‌خبری از شیوه‌های شناختن و دانستن است. (دلاور 1383)

بروز مشکلات مربوط به بهداشت روانی در طبقات روشنفکر و تحصیل کردۀ یک کشور به خصوص در نوجوانان و جوانان نه تنها باعث روی‌آوردن این قشر مولّد از جامعه به الکلیسم، اعتیادهای دارویی و خودکشی می‌گردد، بلکه باعث می‌شود که نیروی متخصص و جوان فاقد کارایی مطلوب و بهینه جهت گرداندن چرخ‌های اقتصادی کشور باشند. توجه به ارقام گزارش شدۀ مربوط به اختلالات روانی و اجتماعی توسط مراکز مربوطه، ما را متوجه دو هدف اصلی بهداشت روانی یعنی پیشگیری از اختلال‌های روانی اجتماعی و دستیابی به رشد اجتماعی و سازگاری بهینه می‌کند.

لذا شناخت عوامل مؤثر بر سلامت دانش‌آموزان امکان پیش‌بینی و برنامه‌ریزی جهت کمک به تأمین بهداشت روانی آنان را فراهم می‌کند. از طرفی این امر به دست‌اندرکاران آموزش و پرورش کمک می‌کند تا با بسط و توسعۀ مراکز آموزش و تفسیر قرآن از شیوع ناراحتی‌های روانی اجتماعی که گاه حتّی گریبان‌گیر باهوش‌ترین و خلّا ق‌ترین دانش‌آموزان می‌شود جلوگیری کند.

از این رو با توجه به مطالبی که از نظر گذشت و با عنایت به اینکه بر هر شخص عاقل و مسلمانی پوشیده نیست که قرآن کریم سراسر مملو از درس‌های دینی، اجتماعی، روانشناسی، بهداشتی، علمی و ... می‌باشد، اگر این پژوهش بتوانداثر بخشی تفسیر قرآن و کلاس‌های آموزشی پیرامون شخصیّت حضرت زهرا در بالا بردن سطح سلامت عمومی، بالا بردن عزّت‌نفس و کاهش پرخاشگری را ثابت کند، با نظر به علاقه‌مندی خانواده‌ها و آموزش راحت و بالا نبودن هزینه ( در مقایسه با هزینۀ بالا و سرسام‌آور روان‌درمانی فرد) در صورت بروز هرگونه مشکل روانی به خاطر پایین بودن سطح سلامت احتمالاً بتوان آن را به صورت یک شیوۀ آموزشی در مدارس کشور به کار برد و یا لااقل اثربخشی آنرا به متخصصین مربوطه توصیه کرد.

این تحقیق در پی آن است که با مراجعه به آیاتی از قرآن کریم که شامل داستان‏هایی در مورد زنان است، از نکات تربیتی‏ای که می‏تواند از جنبه‏های مختلف دینی، اجتماعی، اخلاقی و تربیتی برای همه زنان سازنده باشد، استفاده نموده و الگویی کامل از زن مورد نظر قرآن کریم را به نمایش گذارد و راه تربیت زنان را با ارائه این الگوها هموار کند.

از طرفی مسجدکانون امن و مناسب برای آموزش نوجوانان می‌باشد لذا در این تحقیق سعی در انجام آموزش‌های لازم در مکان مسجد شده‌ایم.

**5. سؤالات پژوهش:**

آیا کلاس‌های تفسیر قرآن، شناخت شخصیت و سیرۀ حضرت زهرا موجب افزایش عزّت‌نفس، سلامت و کاهش خشم در دختران نوجوان می‌شود؟

**6. روش پژوهش:**

در این تحقیق از روش تحقیق تجربی و از طرح پیش‌آزمون – پس‌آزمون و انجام دو پیگیری که پیگیری اول یک ماه پس از پس‌آزمون گرفته شد و پیگیری دوم یک ماه پس از پیگیری اول گرفته شد، استفاده شده است. آزمودنی‌ها دانش‌آموزان دختری بودند که در کلاس‌های تفسیر قرآن، شخصیت شناسی حضرت زهرا که طی شش جلسه در مسجد ملک شهر اصفهان برگزار گردید، شرکت کردند. قبل از مداخله تجربی از دانش‌آموزان پیش‌آزمون گرفته شد و پس از انجام کلاس‌ها، یک آزمون دیگر از آنها گرفته شد سپس 2 آزمون پیگیری دیگر نیز پس از پس‌آزمون از دانش‌آموزان گرفته شد؛ یعنی در مجموع از هر دانش‌آموز چهار آزمون گرفته شد و متغییرها اندازه‌گیری شد. سپس تفاوت بین نمره‌های پیش‌آزمون و پس‌آزمون و آزمون پیگیری 1 و 2 از لحاظ معنادار بودن آماری مورد بررسی قرار گرفتند. بدین ترتیب که کلاس‌های تفسیر قرآن و آموزش شخصیت شناسی به عنوان متغییر مستقل اعمال شده تا تأثیر آن بر عزّت‌نفس، رشد سلامت عمومی و میزان پرخاشگری به عنوان متغییر وابسته بررسی شود.

**7. جامعه آماری:**

کلیه دانش‌آموزان دختری که در کلاس‌های تفسیر قرآن و شخصیت شناسی حضرت زهرا که در مسجد اعظم شهر ملک شهر برگزار گردید شرکت کردند. نمونه آماری شامل 30 دانش‌آموز دختر با رنج سنی 14 تا 17 سال و با میانگین سنی 15 سال می‌بود.

**ب) تفسیر قرآن و آثار آن:**

در این پژوهش کلاس تفسیر قرآن به عنوان متغیر مستقل به‌کار رفته. همانطور که می‌دانیم، بعد از گذشت بیش از 14 قرن از آغاز نزول قرآن هنوز اکثریت مردم جهان نتوانسته‌اند این کتاب در آسمان حقیقت، هم‌چون خورشیدی فروزنده و پر فروغ، یکپارچه نور و حکمت، رمز حیات، روح سعادت و کمال است شناسایی کنند.

شگفت انگیز اینکه بعضی از مسلمانان ما به‌ویژه گروهی از جوانان که فرزندان قرآن هستند به شناخت این کتاب پر مایه نائل نشده اند و چنین می‌پندارند که این کتاب فقط ارزش گورستان‌ها و مجالس ختم و خواندن به قصد ثواب و برای استحباب دارد و چیزی نیست که بتوان با دید علمی و (روان شناسی) بدان نگریست و یا به‌عنوان پایه گذار یک جهان‌بینی جامع و یک ایدئولوژی انسان‌ساز و افتخارآفرین از آن استفاده کرد. (دکتر بهشتی 1358)

درمقولۀ معنویت، انسان امروزی در مسیر سقوط گام نهاده و متأسفانه پیشرفت علم و تکنولوژی گاهی به عنوان ابزاری برای ارزش‌زدائی مورد استفاده قرار گرفته است.

برای مثال اگر در مورد ماهواره و اینترنت که از ثمرات و نمودهای بارز پیشرفت علم در جهان امروزند تأمل کنیم به نتایجی تأسف‌بار دست خواهیم یافت. به راستی چند درصد از شبکه‌های ارتباطی که شمار آنها به هزاران کانال و سایت می‌رسند، به امور معنوی بشر می‌پردازند؟ در مقابل چند درصد از آنها علیه اخلاق، معنویت، انسانیت و کرامت به فعالیت مشغولند؟

حال چه باید کرد؟ عقل سلیم حکم می‌کند که هنگام بحران باید به تکیه‌گاهی محکم و قوی تکیه کرد. خوشبختانه امروز این تکیه‌گاه امن و این نور پایدار و این قلعۀ حصین, یعنی کتاب آسمانی قرآن, در دسترس ماست. آری، اگر کسی قرآن را سرمشق خود سازد و برنامۀ زندگی خویش را بر مبنای آن سامان دهد، هیچ بحران و فشاری نخواهد توانست او را از پای در آورد و مانع رسیدن او به قلّه‌های کمال شود. (عادل پور 1384)

پروفسور دراپرز اروپ[[417]](#footnote-417) اظهار نظر می‌کند :

قرآن شامل پیشنهادها و دستورهای عالی اخلاقی است و از قسمت‌هایی تشکیل شده که مورد تصدیق همگان قرار می‌گیرد، همین دستورها به خودی خود کامل و رسا بوده و برای برنامۀ زندگی مردم، راهنمای حیات و ضروری است. ( عبدالهی1362)

کسی که قرآن را فرا گرفته، بر دیگران برتری یافته و می‌خواهد اهل قرآن و از بندگان خاص خداوند باشد و در زمره کسانی قرار بگیرد که «فضل عظیم» و «اجر جزیل» به ایشان وعده داده شده، باید به ادب قرآن و معارف الهی آن آراسته گردد و با آنچه حامل آن است همانند شود.

اهل قرآن، باید تقوای الهی را در همه جا و در هر زمان پیشه خود سازند و در خوراک و پوشاک و خانه و طرز رفتار خود حد نگه دارند. به عبارتی دیگر چنین فردی باید آگاه به زمان باشد، صلاح و فساد خانواده خود را بداند، همه وقت مراقب خود باشد. زبان خود را حفظ کند و گزیده سخن بگوید.سخنانش به جا و از روی آگاهی، سکوتش از روی حکمت و همراه با تفکر باشد. به آنچه برایش نفعی ندارد نپردازد و در امور بی ثمر کنجکاو نباشد. از بدی‌ها و فریب‌های زبان بترسد آن گونه که از دشمنش بیم دارد. برای در امان ماندن از شرّ زبان آن را در بند کشد. کم بخندد و بیشتر فکر کند. تبسم و شادی اش آنگاه باشد که کاری را بر طبق حق و درست انجام داده است. حافظ قرآن باید رویی گشاده و خلقی نیکو داشته باشد. بلند نظر و صاحب شرح صدر باشد. نفس را از آنچه خدا را به خشم می‌آورد ، دور سازد. غیبت نکند ، حسد نورزد ، در کار خیر و پسندیده قرآن را راهنمای خود سازد. (علاء البصری 1379)

اهل قرآن در هنگام خواندن قرآن باید در قرآن اندیشه کند تا معارف آن به اندرونش راه یابد و به او بیم و خشوع بدهد. همتش این باشد که در گفته‌های قرآن بنگرد و به امرها و نهی آن توجه کند و آنها را خوب بفهمد. سعیش این نباشد که چند صفحه‌ای از آن را بخواند یا حفظ کند، یا سوره ای را به اتمام برساند. دغدغه اش همیشه این باشد که چه وقت خداوند به وسیلۀ قرآن او را بی‌نیاز می‌گرداند و در جرگه پرهیزگاران، توبه کنندگان، پاکیزگان، راستگویان، ترسایان، امیدواران، بی رغبتان به دنیا و مشتاقان به آخرت راهش می‌دهد.

ناپلئون بناپارت،[[418]](#footnote-418) امپراتور فرانسه، می‌گوید: امیدوارم آن زمان دور نباشد که من بتوانم همه دانشمندان جهان را با یکدیگر متحد کنم تا نظامی یکنواخت و فقط بر اساس اصول قرآن مجید که اصالت و حقیقت دارد و می‌تواند مرا به سعادت برساند ترسیم کنم. قرآن به تنهایی عهده دار سعادت بشر است. (سروش وحی 1383).

**ج) آشنایی با سیره و شخصیت حضرت زهرا؟س؟:**

شخصیت هرکس تا حدود زیادی به جایگاه خانواده، شخصیت، اخلاق والدین و محیط نشو و نمای او بستگی دارد و شالوده و اساس شخصیت فرزند، درخانواده شکل می‌گیرد. بانوی بزرگ اسلام نیز ازاین قاعده مستثنی نیست و همان‌گونه که در تاریخ گزارش شده است، پیش از ولادت حضرت زهرا دستورات ویژه‌ای به والدین ایشان داده شد . (حاکم نیشابوری، 3/156، سیوطی، 4/144، مجلسی، 2/149)

در تعریف و توصیف پدر حضرت فاطمه  پیامبر اکرم، احتیاجی به شرح نیست. در عظمت آن جناب همین بس که خداوند به وی فرمود«**وانّک لعلی خلق عظیم** » (القلم،4) یعنی: (ای محمد) در حقیقت تو به نیکو خلقى عظیم آراسته‌اى. در ویژگی‌های مادر حضرت فاطمه، حضرت خدیجۀ کبری، گرچه تاریخ جزئیات زندگی آن بانوی شریف را ثبت نکرده، اما همان مقدار که باقی مانده می‌تواند شخصیت برجستۀ او را تا حدّی روشن سازد.

فاطمه زهرا  بانویی آگاه به مبانی اسلام و آشنا به اصول اخلاقی بود. او که با آیات قرآن و حلاوت آن در تلاوت، تفکر و تأمل خویش مأنوس بود و از سیره و سخن رسول‌اللّه نسبت به اخلاق الهی و پسندیده آگاهی داشت، از آغاز طفولیت نمونه ای کامل و اسوه ای برجسته برای همگان بود. اطلاعات بیکران آن پاک بانو نسبت به ارزش‌های اصیل اخلاق و آداب (سوره نور 27 و28) شناخت ژرف اخلاقیات به عنوان بخش عظیمی از معارف دین در چهره‌ها و نمودهای گوناگون (بقره 7 و مریم 27 و 28 ) نگاهی همه سویه و پر وسعت در این‌باره به وی بخشیده بود، به گونه ای که در سیره و سخن او، ده‌ها نکته درس‌آموز و معرفت‌آفرین دیده می‌شود که برای شیفتگان تهذیب و تربیت ره‌توشه‌هایی ارزشمند و جاودان خواهد بود.

حضرت زهرا برای همه اعصار و همه نسل‌ها، الگوها و آموزه‌های عبادی، اخلاقی، رفتاری، سیاسی و اجتماعی ارائه داده اند و علل جاودانگی آن‌حضرت جهان‌بینی خاص آن‌حضرت، داشتن اندیشه‌ای فراتر از زمان و مکان، پیوند با سرچشمه هستی، تبلور ارزش‌های انسانی، داشتن تدبیر شگرف و عمیق جامعیت و کمال می‌باشد.

**بحث از حضرت فاطمه** **و زنان بزرگ از نظر قرآن در شرایط فعلی به دلایل ذیل ضروری می‌نماید:**

1. بحث از حضرت فاطمه زهرا بحث درباره زنی است که نقش‌های متعددی را در زندگی ایفا کرده و با این که عمری محدود و کوتاه داشت و دوران زندگیش بسیار اندک بود ولی تاریخ حیاتش به گونه ای است که هر ورقی از آن برای ما و آیندگان درس زندگی است. آن بزرگوار تنها به عصر خود تعلق نداشت بلکه او الگویی جاویدان برای عصرهاست.

2. بحث از حضرت فاطمه زهراr به حقیقت بحث درباره مادر است. مادر منشأ اصلاح است و حضرت فاطمه زهرا یک مادر است، مادری فداکار برای همه امت، به خصوص برای همه جوانان و انسان‌های آزاده و آماده ای که می‌خواهند راه صلاح را در زندگی بپیمایند.

3. بحث درباره حضرت زهرا و معرفی زندگیش برای همگان راه‌گشاست زیرا در عصر ما که عصر گسیختگی عقاید و ایدئولوژی‌هاست[[419]](#footnote-419) برای بدست آوردن هدف روشن و جهت زندگی، عده ای مات و مبهوتند. در چنین شرایطی چه بهتر که راه فاطمه که مورد تأیید دوست و دشمن و دارای جنبه‌های عملی و الگویی است عرضه گردد. بدون تردید شخصیت حضرت فاطمه زهرا در همه اعصار و قرون گذشته الگوی بسیار مناسبی برای مردم خصوصاً نسل جوان بوده اما طبق گفته دکتر «ایریس یاب» در این باره می‌گوید: ما در عصری زندگی می‌کنیم که به ظاهر، سرشار از جرم‌های مختلف و تهی از ارزش‌هاست. بسیاری از انسان‌ها، در جستجوی آرامش خاطر، امید به آینده و هدفمندی در زندگی خود بوده و برای فرزندان خویش نیز چنین آرزویی دارند. تمام والدین می‌خواهند بدانند که فرزندان خود را چگونه باید تربیت کنند تا در آینده زندگی موفقی داشته باشند.

از این رو در این پژوهش بر آنیم تا با بازگویی و تدریس زندگی و شخصیت و اصول اخلاقی و رفتاری آن بزرگوار به نوجوانان دختر میزان این تأثیر را بر عزّت‌نفس[[420]](#footnote-420)، سلامت و پرخاشگری[[421]](#footnote-421) این نوجوانان بررسی کنیم.

در دنیای امروز، پدران و مادران برای تربیت فرزندان خویش با چالش‌های بی‌شمار و دشوار روبرو هستند. امکانات عصر تکنولوژی که دسترسی همگان را به اطلاعات و قدرت ناشی از آن افزایش داده، مدیریت سنتی والدین را نیز که مبتنی بر کنترل اطلاعات و قدرت ناشی از آن می‌باشد با دشواری روبرو ساخته است. از همین روی و به دلیل عدم آمادگی برخی از والدین در انطباق با شرایط جدید، احساس درماندگی و ناامیدی به وضوح توسط آنها تجربه می‌شود. این در حالی است که دسترسی به فرهنگ‌های غربی از طریق رسانه‌ها به‌شدت افزایش پیدا کرده است و برخی از جوانان و نوجوانان از شخصیت‌ها و فرهنگ‌های غربی چه درست باشند و چه نادرست، پیروی می‌کنند که اکثراً روی این افراد اثر سوء داشته و سبب ایجاد فاصله بین این افراد و فرهنگ اسلامی خود می‌شود و سبب شکل گیری شخصیت‌های نادرست در اقشار فعال جامعه می‌شود.

در بین این روش‏ها، روش الگویی که بر ارائه الگو برای ایجاد یا تغییر رفتار مبتنی است، از اهمیت خاصی برخوردار است؛ زیرا بامشاهده الگو، فرآیند تربیت در متربّی با سهولت بیشتری انجام می‏شود.

از سوی دیگر، زنان به عنوان نیمی از پیکر اجتماع، نقش تربیتی مهمی در تربیت کل جامعه بر عهده دارند، زیرا بیشترین بخش فرآیند تربیت، در دوران کودکی و در دامان مادران صورت می‏گیرد. بنابراین، لازم است به پرورش زنان در ابعاد مختلف، توجه خاصی شود. پژوهش حاضر بر آن است که به منظور تربیت همه‏جانبه زنان بر اساس آموزه‏های انسان‏ساز قرآن کریم، آنان را با الگوهای مورد نظر قرآن آشنا ساخته و با تربیت الگویی، راه پرورش زنان را در ابعاد گوناگون هموارتر کند.

عصر ما، عصر الگوهای غلطی است که در جامعه بین جوانان شایع شده است و سبب آن گشته که مشکلات روانی و معنوی و جسمانی در بین جوانان گسترش پیدا کند. برخی از مشکلاتی که در بین جامعه جوان شایع شده است کاهش میزان عزّت‌نفس (گرسمن و رایت2004)[[422]](#footnote-422) و افزایش بیماری‌های روانی (لازاروس 1961)[[423]](#footnote-423) و افزایش پرخاشگری(ماین و آمبوروس 1999)[[424]](#footnote-424) می‌باشد.

**د) آموزه‌های حضرت فاطمه زهرا و زنان بزرگ از منظر قرآن**

**1. آموزه‌ها و سیره عبادی و خداترسی فاطمه زهرا**r

عبادت حضرت فاطمه زهرا یک عبادت خشک و بی روح نبود، بلکه حضرت فاطمه چون عالمه و محدثه بود، عبادت او توأم با خشوع و خلوص بود که این‌گونه عبادت سازنده، و باعث تکامل روح است.

**2. آموزه‌ها و سیره اخلاقی و رفتاری**

**2-1. آموزه‌های اخلاقی و رفتاری ایشان برای جوانان:**

حضرت فاطمه زهراr جوانی نیکومرام، پرعاطفه، متین، خردمند، با ایمانی کامل و بانویی است که همه جوانی خود را در راه اسلام، مسلمین، اهداف و رسالت و دفاع از ولایت و رهبری مصروف داشت.

آن حضرت جوانی مستعد، بانشاط در عبادت، کدبانو، مهذب، و خودساخته در اخلاق، موفق در خانه داری و تربیت فرزند، خوش بیان، شجاع دارای عزّت‌نفس قوی و حاضر در صحنه‌های سیاسی و نظامی صدر اسلام، دارای جاذبه فوق العاده در برابر مؤمنین و دافعه‌ای شدید در برابر منافقین و مشرکین بود. جوانان امروز ما چه دختر و چه پسر باید با کسب بصیرت مکتبی، تقویت خردمندی و زنده نگه داشتن احساسات و عواطف دینی در ابعاد ارزشی علمی و اخلاقی، سیاسی و اجتماعی، مطالعه، حرکت، رشد و تکامل داشته باشند و این را یقین بدانند که امروز هم در پرتو روح مقدس حضرت فاطمه زهرا می‌توان در مسیر بندگی و سازندگی به برترین مدارج کمال و معنویت نایل آمد و در حد خود، انسان کامل شد!

**2-2. آموز‌ه‌های اخلاقی و رفتاری حضرت زهرا برای زنان و دختران**

مکتب فاطمه به دختران و زنان ما می‌آموزد که مسئولیت شناس و مسئولیت پذیر باشند و بدین نکته اساسی در زندگی خود توجه کنندکه هر کسی باید در روز قیامت، پاسخگوی اعمال و استعدادهای خود باشد.

**2-3. آموزه‌ها و سیره سیاسی- اجتماعی حضرت فاطمه زهرا**

حضرت فاطمه زهرا مواضع اجتماعی و سیاسی بنیادی و مهمی را اتخاذ فرمود که این مواضع کاملاً جدی و ایجابی بود، نه سلبی و بی طرفانه.

توجه به نکته یاد شده، ما را به طرح این احتمال رهنمون می‌سازد که طرح الگو و شخصیت آرمانی به عنوان الگوی مطلوب زنان، لازم اما ناکافی است. کمال چنین امری به ترسیم ترکیب مطلوب از فعالیت زنان در جامعۀ حاضر و در هر عصر، متناسب با همان زمان می‌باشد که یک فرد به تنهایی قادر به اجرای همه آنها نیست. به عبارت دیگر، سعی در این معنا که مجموعه فعالیت‌هایی که عموم زنان در هر عصر به انجام می‌رسانند، با الگوی شخصیتی فاطمه زهرا یا حضرت زینب تطبیق داده شود. به عبارت ساده‌تر، مبتنی بر شخصیت‌های آرمانی، جامعه‌ای آرمانی تعریف گردد تا با درک صحیح از شرایط زمانه، نیل به چنین مطلوبی فراهم آید. (پیروزمند 1380)

**ه) بررسی رفتارهای حضرت فاطمه ؟س؟ در مقیاس فردی، خانوادگی، اجتماعی**

در گام بعد به بررسی مقیاس فعالیت حضرت فاطمه در سه سطح فردی، خانوادگی و اجتماعی می‌پردازیم.

**1. رفتارهای فردی**

**1-1. رعایت پوشش و حجاب**

علی فرمود: نابینایی در خانه حضرت زهرا  وارد شد حضرت خود را پشت پرده یا دیوار پوشاند. پیامبر فرمود چرا با این که نابینا تو را نمی‌بیند از وی حجاب می‌گیری؟ عرض کرد: اگر او مرا نمی‌بیند، من که او را می‌بینم و او نیز بوی مرا استشمام می‌کند. «**فقال رسول‌الله** **: اشهد انک بضعه منی**» پیامبر در تأیید رفتار حضرت زهرا  فرمود گواهی می‌دهم که تو حقاً پاره تن من هستی. ( بحارالانوار، ج 43، ص 191)

**1-2. صبر و حوصله**

فاطمه در یاد دادن مسائل دین به دیگران از حوصله و پشتکار فراوانی برخوردار بود.

**1-3. عدم تعلق به زینت‌های دنیوی**

**1-4. راستگوترین بانو**

«عایشه» گفته است «هرگز راستگوتر از فاطمه ندیدم جز پدرش. (رسول اکرم) ( بحار، ج 43، ص 53 )

**1-5. زاهد در زندگی**

**1-6. مقام خوف و خشیت از خدا**

**2. رفتارهای خانوادگی**

2-1. ‌خانه‌داری، چگونه زیستن و معاشرت کردن با همسر و فرزندان و سامان بخشی به امور خانه و زندگی که در حیات طیبه حضرت زهرا بود، به عنوان «الگوی خانواده ها» خانه و خانواده او را به عنوان یک «خانواده الگو» مطرح ساخته است. آن حضرت، آیین خانه داری و همسرداری را به خوبی مراعات می‌کرد. در زندگی واقعا شریک و همراه و همراز همسرش امیرمؤمنان بود.

2-2. توجه به شخصیت بخشی به فرزندان؛ ( نهج الحیاه، ص 45)

2-3. ‌محبت به فرزند؛

2-4. شوهرداری و هماهنگی با او؛

2-5. ‌تفاهم در زندگی مشترک؛

2-6. دعا در حق دیگران؛

2-7. آگاهی بخشی به فرزندان؛

2-8. ‌ مقام ایثار و گذشت؛

**3. رفتارهای اجتماعی**

3-1. ‌حضور سیاسی؛

3-2. امر به معروف و نهی از منکر؛

حال با وجود چنین شخصیت گوهرباری در اسلام به بررسی تأثیر این بانوی گرانقدر بر شخصیت نوجوانان می‌پردازیم.

**و) زنان الگوی دیگر از نظر آیات قرآن:**

**1. زن فرعون:**

قرآن کریم دو نمونه خوب از زنان را به عنوان الگو ذکر می‌کند، زنان با فضیلتی که ذات اقدس اله را نمونه مردم مؤمن می‌شمارد ودرباره آنها چنین می‌فرماید:

«**وضرب الله مثلا للذین آمنوا امراة فرعون اذ قالت رب ابن لی عندک بیتا فی الجنة ونجنی من فرعون وعمله ونجنی من القوم الظالمین**» (تحریم، 11)

برای کسانی که ایمان آوردند خداوند همسر فرعون را مثل آورده آنگاه که گفت: پروردگارا پیش خود در بهشت برای من خانه ای بساز و مرا از فرعون وکردارش نجات بخش و مرا از دست مردم ستمگر برهان.

تعبیر قرآن در آیه این نیست که: همسر فرعون نمونه زنان خوب است، بلکه می‌فرماید: زن خوب نمونه جامعه اسلامی است وجامعه برین از این زن الگو می گیرد، نه این که فقط زنان باید از او درس بگیرند.

علت این که این بانو نمونه مردم خوب است به خاطر آن است که در نیایشش به ذات اقدس اله عرض می‌کند: «**اذ قالت رب ابن لی عندک بیتا فی الجنة**» این زن در کنار خدا، بهشت را می‌طلبد.

**2. حضرت مریم:**

نکته ای که در ارزیابی مقام حضرت مریم باید مورد توجه قرار گیرد این است که قرآن کریم درباره تربیت مریم عذراء می‌فرماید: هرگاه حضرت زکریا وارد می‌شد روزیِ خاصی را در حضور آن بانو می‌دید.

**ز) تاریخچۀ رابطه مسجد و مراکز آموزشى**

از ابتداى آیین اسلام، آموزش با مسجد ارتباط تنگاتنگى داشت و به کسب تحصیلاتى را که اسلام مشوق یادگیرى آنها بود، بر عهده مساجد بود، حفظ و درک مطالب قرآن نقطه آغاز بود بعد از آن مطالعه و یاد گیرى گفته‌هاى پیامبر به نام حدیث مطرح شده بر طبق آنها اصول و آیین اسلام معلوم مى شد؛ از پیامبر چه در مسجد و چه در خارج مسجد در مورد آیین جدید وجود داشت سؤ ال مى‌شد ؛ نویسنده‌اى مى گوید که ارتباطى نزدیک بین آموزش و مسجد وجود داشت: چون آموزش در چند دهه اول آیین اسلام مربوط به دستورهاى مذهبى بود. لذا مساجد براى مقاصد عبادت ساخته شده بود، براى انجام دادن امور آموزشى نیز به کار مى رفت.

على رغم سادگى این نظریه، باید گفت که تبدیل مسجد به اولین مدرسه مسلمانان فقط یک رویداد اتفاقى نبود، خود پیامبر بر طبق مدارکى که در دست است. مى‌خواست که مسجد محل مهمى براى آموزش در جامعه اسلامى باشد، در واقع پیامبر قبل از هجرت سعى مى کرد پیروان خود را در مسجدالحرام آموزش بدهد ولى از عهده این کار بر نمى آمد، مخالفان پیامبر اجازه این کار را به او نمى دادند و در چندین مورد به او و پیروان ایشان توهین کردند و حتى صدمات جانى وارد ساختند؛ در نتیجه، حضرت محمد با پیروان خود در خانه خود یا در خانه یکى از پیروان، به نام ابن ارقم پنهانى ملاقات مى کرد.  
حضرت محمد بعد از هجرت به محیط امن مدینه و اتمام ساختمان مسجد، یکى از طرفداران استفاده از مسجد براى آموزش ‍ شد، پیامبر فرموده اند: کسى که به منظور یاد دادن یا یاد گرفتن وارد مسجد مى شود مانند مجاهدى است که در راه خدا نبرد مى کند.

بر اساس این گفته واضح، جاى تعجب نیست که مسلمانان به مسجد نه تنها از لحاظ معنوى، بلکه از لحاظ یادگیرى و آموزش نیز نگاه مى کنند و به طور کلى مسجد براى بسیارى مؤمنان بهترین آموزشگاه بوده است. دانشمند مسلمانى به نام ابن الحاج مى گوید:

بهتر است براى پیشرفت و تعالى در مسجد، در مدرسه یا در خانه به یادگیرى و آموزش پرداخت .  
مسلم این است که پشتیبانى حضرت محمد از مسجد تنها با حرف به عنوان محل یادگیرى نبود، مدارک بیشمارى نشان مى دهند که ایشان اغلب اوقات خود را در مسجد صرف تعلیم مردم مى کرد؛ پیامبر در مسجد مى نشست و مردم را به امور دینى و دنیوى هدایت مى کرد؛ حمیدالله در این‌باره چنین مى‌نویسد:

پیامبر خود به تدریس مى پرداخت، عمر و سایر دوستان و همراهان نزدیک به طور مرتب از جلسات درس بازدید مى کردند و اگر نقصى در آنها مشاهده مى کردند، فوراً آن را اصلاح مى‌کردند.  
مدارکى در دست است که دستورهاى صادره در مسجد فقط منحصر به مردان نبود بلکه زنان مسلمان نیز اجازه رفتن به مسجد داشتند آنان به سخنان پیامبر گوش مى‌دادند و در مواردى از وى سؤ ال مى کردند.

باز مدارکى در دست است که پیامبر به مساجد دیگرى نیز براى تدریس مراجعه مى کرد؛ مسجد قبا که از مدینه چندان فاصله ندارد، محلى بود که پیامبر به آنجا مراجعه و از مجالس ‍ درس مسجد آن محل بازدید مى کرد.

به طور کلى، پیامبر آگاهانه و براى اینکه مسجد محل مهمى براى آموزش مسلمانان باشد راه را هموار کرد: در دوران حکومت پیامبر بر مسلمانان مدینه، وى به امر تعلیم و تربیت توجه فوق العاده‌اى مبذول مى داشت و در این کار از نفوذ شخصیت خود استفاده مى کرد، پیامبر وقت زیادى را به امر تدریس ‍ اختصاص داده بود و مدارکى هستند که نشان مى دهند وى مرتب براى همراهان و پیروان خود صحبت مى کرد، جلسات صحبت بعد از اقامه نماز تشکیل مى شد و سخنان وى درباره مذهب و امور دنیوى بود.

پیامبر تنها معلم در مدینه نبود، فکرى با استفاده از نوشته هاى غزالى مى‌گوید که چند نفر از یاران پیامبر در زمان حیات ایشان در مسجد قبا به تدریس اشتغال داشتند.

مدارک نشان مى دهد که در حدود نه مسجد در زمان پیامبر برپا بود، هر یک از این مساجد فعالانه به عنوان مدرسه انجام وظیفه مى‌کردند  و بدون شک معلمان مخصوص به خود داشتند.

بعد از رحلت پیامبر نیز ارتباط مسجد و آموزش به قوّت خود باقى ماند. پس از مرگ پیامبر شنوندگان مشتاق مسلمان، بعد از مراسم نماز به دور اصحاب او حلقه مى زدند و به مطالعۀ گفته‌هاى آنان که اعمال و کردار پیامبر را بازگو مى کردند گوش فرا مى دادند و بعد از مدتى اصحاب پیامبر، اولین معلمان جامعه مسلمانان شدند و مسجد کلاس درس آنان شد.

از آن هنگام تاکنون، مسجد موقعیت مهم خود را به عنوان مرکز آموزش و مرکز عبادت حفظ کرده است، این نقش دوگانه مسجد در زمان امویان، عباسیان و دیگر خاندان‌هاى حکومتى بدون تغییر باقى ماند. در واقع، با توسعه اسلام مساجد نیز توسعه یافتند و دستورهاى مربوط به مذهب و امور دنیوى در آنجا صادر مى شد. در سراسر دنیای اسلامى، آموزش‌هاى ابتدایى و مطالعات پیشرفته در مساجد برقرار بود، بعضى از مساجد که وظیفه مدرسه را ایفا مى کردند، به صورت مناطق آموزشى در آمدند و دانش‌پژوهان و دانشمندان بزرگى را به سوى خود جلب کردند.

**1. حلقه‌هاى علمى در مساجد**

اساس آموزش مسجد را حلقه‌ها و دایره‌هاى درسى تشکیل مى داد که در اسلام آنها را حلقة‌العلم یا دایره آموزشى مى نامیدند، کلمه حلقه به مفهوم شىء کروى و گرد است، به این ترتیب دستورهاى مسجد یا سیستم حلقه، اقتباس از جلسات حکومتى بود که معمولاً حلقه وار دور میزى مى نشستند؛ در این جلسات معلم بر روى پایه، بالش ‍ یا صندلى مى نشست و بر دیوار یا ستونى تکیه مى داد، از طرف دیگر، دانش‌آموزان در ردیف هایى به شکل نیم دایره در جلوى استاد قرار مى گرفتند. به این ترتیب، حلقه در دایره کامل نبود، چون نمى توان قبول کرد که شاگردان پشت سر معلم بنشینند؛ تعدادى از مساجد بیش از یک حلقه و بعضى دیگر، مخصوصاً مساجد بزرگ حلقه‌هاى زیادى داشتند.

مقریزى در بیان اوضاع مصر مى نویسد که قبل از طاعون (749 ه ق / 1348 م)، بیش از چهل حلقه آموزشى در مسجد عمرو وجود داشت. سیّاح مشهور به نام ابن‌بطوطه در مسافرت خود به دمشق مى‌نویسد که پانصد دانش‌آموز و طلبه در مسجد امویه در حلقه‌هاى علمى شرکت و از جیره‌هاى رایگان روزانه استفاده مى کردند.

در سال (149 ه ق / 766 م)، مسجد منصور در بغداد به دست خلیفه ابوجعفر المنصور بنا و بعدها توسط هارون الرشید تزیین شد و توسعه یافت، این مسجد یکى از مهم ترین مراکز آموزشى در خاورمیانه بود، این مسجد با دارا بودن بین چهل تا پنجاه حلقه علمى، مرکز و مقصود دانشمندان و دانش‌پژوهان بود. دانشمندى به نام خطیب بغدادى از علماى قرن 4، نقل مى کند در زیارت مسجدالحرام از خداوند سه چیز طلب کرد که یکى از آنها این بود که بتواند در مسجد منصور به تدریس بپردازد.

تاریخ و همچنین تحقیقاتى که از آموزش مسلمانان به‌عمل آمده است نشان مى دهد که حلقه هاى علمى چگونه بوده اند. در اکثر مساجد، حلقه هاى علمى در حیاط مساجد تشکیل مى شدند و این جلسات از محل عبادت دور بودند تا مزاحم مردم نشوند ، در نزدیکى هر حلقه ستونى بود که معلم نشسته یا ایستاده بر آن تکیه مى داد، ستون و اطراف آن که  زاویه یا رواق نامیده مى‌شد، بزودى محل و مرجعى براى حلقه شد. بعد از مدتى این نقاط به نام معلم خود نامیده مى شد به خصوص اگر او فرد مشهورى بود؛ در مواردى نیز این رواق‌ها به نام محل یا مملکتى که طلبه‌ها از آنجا مى‌آمدند نامیده مى‌شد و این نام‌ها در جامع الازهر مشاهده مى شود.

**2. نظام آموزشى در مساجد**

نظام آموزشى که در مساجد اعمال مى‌شد از نوع ساده آن بود، در این قسمت به اهمّ موارد این نظام اشاره مى شود.

**2-1. آداب آموزش**

هیچ نوع شرطى براى دانش‌آموزان وجود نداشت. هر فرد تشویق به پیوستن به حلقه مورد انتخاب خود مى شد، اما در بعضى از مساجد، جلب رضایت استاد براى پیوستن لازم بود. هنگامى که دانش‌آموز وارد مسجد مى شد، کفش‌هاى خود را در مى آورد، آنها را دم قرار مى‌داد و سپس بر روى زمین که معمولاً از حصیر یا زیلو پوشانده مى شد، در حلقه مى نشست، در اکثر این دوایر ترتیب نشستن دانش‌آموزان به ترتیب مقام علمى آنان بود؛ دانش‌آموز هر چه پیشرفته تر بود، به‌همان اندازه نزدیکتر به استاد مى نشست و پیشرفته ترین دانش‌آموزان پهلوى معلم مى نشست، دانش‌آموزان موقت نیز مجاز به نشستن پهلوى استاد بودند و در بعضى از مجالس درس ‍ محل مخصوصى براى دانش‌آموزان میهمان اختصاص داشت.

**2-2. زمان آموزش**

مجالس درس بعد از نماز صبح آغاز مى شد و تا نماز ظهر ادامه مى یافت و اگر معلم متصدى مجلس درس مى بود، قبل از نماز صبح و بعد از نماز ظهر نیز جلسات درس تشکیل مى یافت؛ زمان درس از یک تا دو سال طول مى کشید و همیشه در مواقع نماز تعطیل مى‌شد و هیچ قانون مشخصى براى زنگ تفریح وجود نداشت، جلسات درس در روزهاى تعطیل مذهبى تشکیل نمى‌شدند.

تعطیلات دراز مدت بستگى به نتیجه تحصیلات دانش‌آموز داشت، بعضى معلمان همه روزه تدریس مى کردند و بعضی‌ها هفته‌اى یک‌بار جلسه داشتند، عنبرى فقط در روزهاى جمعه درس زبان و لغت‌شناسى داشت و در صورتى که براوى روزانه بیش از یک مرتبه به تدریس ‍ مى پرداخت.

بعضى معلمان موضوعات متعددى را تدریس مى‌کردند؛ شافعى بعد از نماز صبح قرآن، بعد از طلوع خورشید حدیث و بعد صرف و نحو، شعر و شاعرى و علوم تدریس مى کرد و ظهر به خانه بر مى گشت.

**2-3. شیوه آموزش**

تدریس در حلقه با مراسم ساده و همراه با نشان دادن تقوا و فضیلت کامل آغاز مى شد، معلم همیشه کار خود را با تمجید و تکریم خدا و با درخواست یارى و هدایت مردم آغاز مى کرد و سپس به درس خود مى‌پرداخت؛ او مطلب را از نوشته آماده اى که توسط خود او یا معلم دیگرى آماده شده بود قرائت مى کرد و ضمن قرائت متن آن را شرح و توضیح مى داد؛ این مراحل معمولا با توضیح مجلس از مطلب آغاز مى شد و سپس با ارتباط دادن مطلب تازه به درس قبلى نوعى مداومت به درس ‍ مى‌داد و نهایتاٌ به شرح نکات دشوارتر مى پرداخت.

معلم ضمن ارائه و تدریس مطلب، پى در پى و با احترام از نوشته‌ها و مطالب نویسندگان دیگر یاد مى کرد و هرگز از همکاران خود به بدى یاد نمى‌کرد، در واقع در تمام مجالس درس نوعى فضاى مشابه بود که بر جلسات درس نظم و هماهنگى مى داد.

«توتا» با استفاده از نوشته‌هاى غزالى این عناصر نظم‌دهنده را از طرف آن دانشمند مشهور چنین مى نویسد:

2-3-1. معلم باید با دانش‌آموزان همدردى و با آنان طورى رفتار کند که گویا فرزندان او هستند.  
2-3-2. اخلاق و روش پیغمبر باید مراعات شود و براى آموزش و یاد دادن نباید متوقع اجرت و پاداش بود.

2-3-3. با دانش‌آموزان باید بى‌ریا بود و نباید به آنان قبل از داشتن استحقاق، مقام و رتبه علمى داد.

2-3-4. دانش‌آموزان باید نصیحت و ترغیب و براى رفتار بد توبیخ شوند.

2-3-5. نباید با معلمان دیگر در مقابل دانش‌آموزان بى احترامى کرد.

2-3-6. نباید به تدریس مطالبى پرداخت که بیش از فهم و درک دانش‌آموزان است .

2-3-7. عمل معلم باید با گفته‌هاى او مطابقت داشته باشد و نباید رفتار او مغایر گفته هایش باشد.  
به علت نبودن کتاب، معلم مجبور بود با در نظر گرفتن اهمیت متن تدریس شده، همه متن یا قسمتى از آن را براى دانش‌آموزان املاء کند و زمانى که املاء گفتن ضرورى بود، معلم متن مورد نظر را تا حد ممکن آرام مى‌گفت تا دانش‌آموزان اشتباه ننویسند؛ دفترهاى دانش‌آموزان به طور مرتب از طرف معلم بازدید و اشتباه‌هاى آنها اصلاح و استفاده از آن مطالب براى یاد دادن به دیگران تأیید مى شد، علاوه بر املاء معلم به دانش‌آموزان توصیه مى کرد که تمام یا قسمتى از مطالب بیان شده را حفظ کنند؛ در واقع در میان اصولى که براى قبولى و تأیید دانش‌آموزان لازم بود، اصل، حفظ کردن مطالب و بیان آنها بدون مراجعه به متن بود و کیفیت و طرز بیان نیز تأیید داشت .

**2-4. شیوه ارزیابى**

به رغم نفوذ و احترامى که معلمان در میان دانش‌آموزان داشتند، مقام علمى آنان اغلب آزمایش مى شد و دانش‌آموزان مجاز به این کار بودند و حتى تشویق مى شدند که سؤال هایى مطرح کنند و درباره آنچه که یاد گرفته اند به بحث و گفتگو بپردازند، به شرطى که براى مخالفت خود مدرک و گواهى داشته باشند. اگر معلمى به بى‌اطلاعى خود اعتراف مى کرد، مورد احترام و تکریم بود. در کتابى آمده است: اگر کسى مطلبى را نداند و به ندانستن خود معترف باشد، در واقع نصف مطالب را آموخته است در این مورد باید گفت که این گونه بحث و گفتگوهاى آزاد در نهایت منتهى به این نتیجه مى شد که بعضى از معلمان، به حرفه خود با دقت بیشترى توجه کنند؛ آیین و رسم گوش دادن معلمان به انتقادهاى دانش‌آموزان و بحث در گفتگو در موضوع مطرح شده، معلمان را مجبور می‌کرد که مطالب درسى را با دقت زیاد بررسى کنند تا تأثیر و نفوذ بیشترى بر دانش‌آموزان پیدا کنند، هر چند همه موضوعات علمى که براى مسلمانان شناخته شده بودند در مساجد تدریس نمى‌شدند، ولى موضوعات درسى بسیار متنوع بود؛ در بسیارى از مجالس علاوه بر آموزش خواندن و نوشتن، یادگیرى اصول دین نیز از اهمیت زیادى برخوردار بود؛ این کار از طریق بررسى و مطالعه موضوعاتى مانند خواندن و تفسیر قرآن، حدیث با سنت پیامبر، توحید و فقه انجام مى‌شد. به مطالعات ادبى و زبان شناسى نیز توجه زیاد مى‌شد. علاوه بر شعر و ادبیات، مطالبى در مورد جنبه‌هاى مختلف زبان عربى مورد علاقه بسیارى از دانش‌آموزان بود. این رشته شامل لغت شناسى، صرف و نحو، معانى و بیان، انشاء، خط و نگارش(رسم‌الخط) بود.

**2-5. موضوعات درسى**

علاوه بر وظایف مذکور، مسجد محلى بود که مطالب علمى و مسائل اجتماعى نیز در آن تدریس مى‌شد و موضوعات تاریخ، جغرافى، اقتصاد و حتى علوم سیاسى در آنجا بحث مى‌شد؛ علم فلسفه موضوعى بود که اغلب مورد توجه و انتخاب بسیارى از دانشجویان بود، در بین موضوعات مهم درسى مى توان: منطق، اخلاق، منطق مناظره و تصوف را نام برد. جلسات درس هاى شیمى، فیزیک، ریاضیات، جبر و هندسه نیز دایر بود. اگر چه علوم عملى و تجربى یا در دانشکده‌هاى مخصوص یا در منازل معلمان خصوصى تدریس مى شد، ولى مدارکى در دست هست که این گونه موضوعات علمى در بعضى از مساجد بزرگ نیز دایر بود. جلسات علم طب در جامع الازهر و جامع ابن تولون مصر دایر بود. و در مسجد رویین مراکش نیز تدریس مى شد، در جامع الازهر کلاس‌هاى ستاره‌شناسى و مهندسى نیز دایر بود و طبق نوشته هاى خولى درس‌هایى مانند طب، قارماکولوژى، مهندسى و ستاره شناسى در مساجد بغداد تدریس مى شد و دانشجویان از سوریه، ایران و هندوستان براى حضور در این کلاس‌ها به بغداد مى آمدند.

**2-6. انتخاب استاد**

در بین بسیارى از مسلمانان، مسافرت براى کسب علم و دانش نوعى روش زندگى بود و مسجد این جابجایى افراد را بر عهده داشت؛ اعتقاد عامه بر این بود که بریدن علاقه‌هاى دنیوى، تحصیل در غیاب خانواده و انتخاب معلمان خوب و مفید سه اصل اساسى براى تعلیم و تربیت خوب است، به این دلیل انتخاب معلم خوب براى بسیارى از دانش‌آموزان قبل از اینکه صاحب حرفه‌اى شوند، از اهمیت بسیارى برخوردار بود؛ در سراسر امپراتورى اسلامى، دانشجویان مسافرت هاى طولانى مى کردند که ماه‌ها طول مى‌کشید و چنانچه معلم یا استاد فوت مى‌کرد یا مطلب تازۀ دیگرى براى تعلیم نداشت، دانشجو بار سفر را براى رفتن پیش استاد دیگر مى بست. دانشجویان در جستجوى مؤسسه علمى نبودند، بلکه پى استاد معروفى بودند، این دانشجویان به این استادان ارج مى‌نهادند و افتخار مى کردند که گواهینامه خود را از آنان دریافت کرده بودند. هر کسى خود را مسئول اتفاق و اتحاد آموزش‌هاى اسلامى مى‌دانست و خود را مقید به حفظ قراردادهاى آن مى دید هر دانشجو بر طبق زمان ز گهواره تا گور دانش بجوى در تمام طول عمر خود را طلبه مى‌دانست و از کشورى به کشور دیگر براى طلب علم سفر مى کرد؛ او همیشه خود را در میان برادران دینى مى یافت که برایش مسکن فراهم و از او در خانه هاى شخصى یا عمومى پذیرایى مى‌کردند، براى کارهایش تسهیلات فراهم مى‌آوردند، ترتیب حضور او در کلاس‌ها مى دادند، یا خود به آموزش ‍ مى‌پرداختند.

**2-7 گواهینامه علمى**

موقعى که دانشجو تحصیلات خود را با موفقیت به پایان مى رساند، به او گواهینامه اى داده مى‌شد که اجازه نام داشت. گواهینامه از طرف مسجد تأیید نمى شد، بلکه خود استاد شخصاً آن را صادر مى کرد؛ در گواهینامه قید مى شد که دانشجو علم مورد نظر را مطالعه کرده و آموخته است و مى تواند یافته هاى علمى را به دیگران نیز انتقال دهد؛ این گواهینامه‌ها به خط خود استاد نوشته مى شد، همچنین گواهینامه شامل نام استاد، مهر و امضاى او نیز بود و محل و تاریخ نگارش گواهینامه نیز قید مى شد؛ در مواردى استاد نام و امضاى خود را در صفحه سفید اول یا آخر کتابى که خود آن را یاد داده بود مى نوشت، بنابراین معمولاً هر فارغ التحصیل داراى گواهینامه از طرف استادى بود که پیش او درس خوانده بود و تعدادى از کتاب هاى درسى او از طرف استادان مهر و امضا مى شد و این کار علامت موفقیت و عامل افتخار و مباهات شخصى بود.

**2-8. شیوه کاریابى**

بعد از این که دانشجو تعدادى گواهى جمع آورى و درباره موضوع درسى خود تجربه کافى کسب مى کرد، در جستجوى کار در مسجد، دانشگاه، دادگاه قضایى، اداره دولتى یا هر جاى دیگرى که از رشته درسى او استفاده مى شد، بر مى‌آمد. اگر چنین دانشجویى تدریس در مسجد را انتخاب مى کرد، آزاد بود که مجلس خود را تشکیل دهد؛ فکرى با استفاده از اطلاعات سیوطى مى نویسد که تدریس در مسجد براى هر کسى که مى خواست به این کار بپردازد آزاد بود تاریخ اسلام پر از نام‌هاى استادانى است که حلقه هاى درسى خود را در مساجد تشکیل مى‌دادند و در مجلس ‍ درس آنان دانشجویان گرد مى آمدند. به این ترتیب معلوم مى شود که در اکثر مساجد افراد کارمند و تدارکاتى براى اداره امور وجود نداشت و اگر کسى دانش‌آموزى داشت، مى توانست در موضوع انتخابى خود به تدریس ‍ بپردازد.

**2-9. معاش استادان**

با گذشت زمان، جلسات درسى براى معلمان آرزومند تدریس تشکیل مى شد، در بسیارى از مساجد بزرگ، لازم بود که از سایر استادان موجود در آن مسجد براى تشکیل حلقه اجازه نامه دریافت کرد. اما اگر استاد تازه وارد مى‌توانست طلاب زیادى را به دور خود جمع و احترام استادان دیگر را جلب کند، موقعیت او با تعیین محل مخصوص جهت ایجاد حلقه درسى تثبیت و در نتیجه، به او سایر تجهیزات داده مى‌شد. این پول‌ها یا از خزانه دولت یا از منافع دیگرى مانند بخشش‌ها و وقف‌ها پرداخت مى‌شد. بتدریج پرداخت این گونه پول‌ها ضرورى شد و هر حلقه وقف مخصوصى داشت براى هر مسجد چندین وقف براى هر یک از استادان اختصاص داشت که این وقف‌ها زمینۀ به کار گماردن استادان بود؛ اما یک حاکم یا هر شخص قدرتمندى در دنیا مى‌توانست براى هر استادى امکاناتى فراهم آورد و او را در مسجدى به تدریس بگمارد.

در اواخر قرن 11 میلادی، پرداخت پول از مسجد براى معلمان صورت بهترى به خود گرفت و در نقاط بیشترى اعمال مى شد، تا آن زمان امپراتورى اسلام از چهارصد سال سابقه خود برخوردار بود و از ثمرات آن بهره مند مى شد.

تدریس در بعضى از مساجد به صورت حرفه کامل العیارى در آمد و در بسیارى اجتماعات، مساجدى که در آنها عمل آموزش انجام مى‌گرفت، حالت و شکل دانشکده یا حتى دانشگاه را داشت، در مسجد الحرام، الازهر قاهره، جامع اموى دمشق، مسجد منصور بغداد، مسجد قیروان تونس و مسجد قرویین مراکش هزاران طلبه در جلسات درس شرکت مى کردند. در نتیجه، تأمین معاش معلمان تنها وسیله نگهدارى حرفه آموزشى و دانشگاهى به نظر مى رسید اما این امر هرگز نمى توانست بدون کمک و یارى معلمانى که مخالف هرگونه پاداش و اجرتى بودند و فقط رضاى خدا را مى خواستند، انجام شود؛ گولد زیهر در این مورد به اختصار مى‌نویسد: تصور مى شود که در اسلام نیز مانند مذاهب و ادیان دیگر، پیروان آن در اختیار دستورهاى مذهبى این آیین قرار داشتند، اما با اینکه تعلیم و تربیت مجانى مذهبى مى تواند عمل خوب و ایده آل باشد و با اینکه یک عده کوشیدند تا به این فکر جامه عمل بپوشانند، ولى با گذشت زمان این علم فراموش شد و عملا اجرایی نبود...، در نتیجه، پرداخت اجرت به معلمان مطابق قانون مسلمانان ضرورى تشخیص داده شد.

با توجه به آنچه گذشت مسجد بهترین مکان برای آموزش به نوجوانان به خصوص در رابطه با شخصیت‌های بزرگ تاریخ می‌باشد.

**ح) مفهوم سلامت عمومی و پیشینه آن در مذهب:**

بیماری‌های روانی از بدو پیدایش بشر وجود داشته و هیچ فردی، از هیچ طبقه اقتصادی - اجتماعی خاصی، در مقابل آن‌ها مصونیت نداشته و خطری است که بشر را مرتباً تهدید می‌کند. خوشبختانه نهضت بهداشت سلامت عمومی در نیم قرن اخیر، افکار غلط و خرافات در مورد این بیماری‌ها را کنار گذاشته و نشان داده که اوّلاً این بیماری‌ها، قابل پیشگیری بوده و ثانیاً در صورتی‌که مانند سایر بیماری‌ها به موقع تشخیص داده و تحت درمان قرار گیرند به همان نسبت از مزمن شدن و عوارض آن‌ها کاسته خواهد شد. اگر چه تأثیر نگرش‌های مذهبی بر سلامت عمومی سال‌ها مورد بحث بوده اما تنها در 5 سال اخیر به بررسی تجربی این فرض‌ها پرداخته شده است. (شرونگیر وادلستن، 2004)[[425]](#footnote-425) تحقیقات نشان می‌دهد که مذهبی بودن، می‌تواند آثار بحران‌های شدید زندگی را تعدیل کند. (پارک[[426]](#footnote-426) و همکاران، 1990 )الیسن[[427]](#footnote-427) (1994)، آدلر[[428]](#footnote-428)( 1994) و کاسل[[429]](#footnote-429)(1992) نشان دادند که مذهب و سلامت عمومی ارتباط مثبتی با هم دارند. بین مذهبی بودن و احساس سلامت ذهنی افراد نیز رابطه مثبتی به دست آمده است. (تکفام[[430]](#footnote-430) و همکاران، 1997)

رایکمن[[431]](#footnote-431) و همکاران (1990) در پژوهشی نشان دادند که فراوانی شرکت دانشجویان در فعالیت‌های اجتماعی و مذهبی، با نشانه‌های افسردگی رابطه منفی و با احساس سلامتی رابطه مثبت دارد.

پیشرفت صنعت و تکنولوژی, قدرت و ثروت را افزایش داده ولی امکان زندگی با آرامش و صلح و اطمینان را از انسان سلب کرده و در حقیقت «کیفیت فدای کمیت» شده و اعتدال و تناسب کنار رفته و بیماری‌های عصبی - روانی و روان‌تنی، جانشین آن شده است. تحقیقات گوناگون نیز حاکی از وجود رابطه معنادار میان فقدان معنا و بروز اختلالات روانی از جمله افسردگی و اضطراب می‌باشد. نتایج تحقیقات کارسون[[432]](#footnote-432) (2000) حاکی از آسیب‌پذیر بودن افراد بی‌هدف می‌باشد زیرا بی‌هدفی یکی از مفاهیم بنیادی در بحث نگرش مذهبی است. بطوری‌که آمار نیز حکایت از افزایش شیوع بیماری‌های روانی دارد و علل مختلفی را برای این افزایش شیوع بر شمرده‌اند.

حفظ سلامت روانی و جسمانی، یکی از مهم‌ترین وظایف زندگی به شمار می‌آید. در حدیث نبوی، تندرستی و امنیت، دو نعمتی شمرده شده‌اند که انسان تا هنگامی که آنها را از دست ندهد، به ارزش آنها پی نخواهد برد. دین انسان ساز اسلام، تأکید بسیار بر ساختن انسان‌هایی دارد که از سلامت روانی برخوردارند تا بتوانند اهداف خویش را پیگیری کنند. از این رو، اسلام برای حفظ سلامت روانی و جسمانی، برنامه‌هایی را تدارک دیده است تا از راه آن بتواند انسان‌های مؤمن متکاملی را تربیت کند. تأکید عمدۀ دین در حفظ سلامت روانی و جسمانی انسان، بر محور پیشگیری استوار است. اسلام می‌کوشد تا سلامتی انسان‌ها را پیش از نیاز به درمان تأمین کند؛ یعنی تلاش اسلام بر محور حفظ بهداشت روانی و جسمانی است و به طور خلاصه، از دیدگاه اسلامی‌، پیشگیری مهمتر و بهتر از درمان است. همان گونه که گام مهم در سلامت جسمانی، حفظ بهداشت فردی و عمومی است، مهم‌ترین گام در سالم سازی روانی نیز حفظ بهداشت روانی است. انسان با رعایت نکات خاصی می‌تواند سلامت روانی خود را تأمین و پیش از آنکه نیازمند درمان باشد، از وقوع آن پیشگیری کند. شارع مقدس اسلام برای حفظ سلامت روان، اصول و قواعدی را قرار داده است تا با به کارگیری و رعایت آنها بتوان سلامت عمومی را تأمین کرد. این اصول با تأکید بر بهسازی محیط زیست انسان خانواده و جامعه، سرانجام، وظایفی را برای فرد تعیین می‌کند که این وظایف، باعث حفظ سلامت روانی وی می‌شود.

در طول تاریخ بشر، دین به عنوان مهم‌ترین نیاز انسانی مورد تأکید بوده است. امروزه، این نیاز انسانی بیش از زمان‌های دیگر احساس می‌شود. در سال‌های اخیر استفاده از مذهب و اعتقادات دینی، بویژه اعتقادات اسلامی توسط سیاست‌گذاران و تدوین کنندگان راهبردهای بهداشت جامعه‌نگر، در سازمان بهداشت جهانی[[433]](#footnote-433) نیز مورد توجه قرار گرفته است. این سازمان، بخشی از انتشارات خود را از سال 1992 میلادی به آموزش بهداشت از طریق مذهب به عنوان راهکار زندگی سالم اختصاص داده است. همچنین اندیشمندانی به نقش مذهب در سلامت جسم و روان اشاره کرده‌اند. «قدرت محافظتی مذهب»، که ابتدا توسط امیل دورکهایم[[434]](#footnote-434) در سال 1951 مطرح شد، بعدها توسط راش، جیمز، یونگ، فرانکل و فروم اهمیت رفتارها واعتقادات مذهبی مورد تأیید قرار گرفت. ویلیام جیمز معتقد است، عشق و نیروی مذهبی به وقار، سنگینی، صبر، شکیبایی، اعتقاد و اطمینان در فرد منجر می‌شود و احساسات مذهبی منجر به تلاش زیاد و زندگی هدفمند می‌شود. بخش دوم نگرش مذهبی بعد از کلمه هدفمند می‌شود. سلون[[435]](#footnote-435) و همکاران (1992) دریافتند که انجام فعالیت‌های مذهبی موجب آرامش و راحتی افراد هنگام مواجهه با بیماری‌های جسمی می‌شود و 63 درصد آمریکایی‌ها معقدند که پزشکان بایستی با بیمارانشان در مورد ایمان و اعتقادات مذهبی صحبت کنند.

سیاست‌گذاران و تدوین‌کنندگان راهبرد بهداشت جامعه‌نگر در سازمان بهداشت جهانی (who)، در سال‌های اخیر مسائل مذهبی و اعتقادات دینی، به ویژه اعتقادات اسلامی را مورد توجه قرار داده و این سازمان، بخشی از انتشارات خود را از سال 1992 میلادی به آموزش بهداشت از راه مذهب، به عنوان راهکار زندگی سالم اختصاص داده است و کتاب‌ها و جزوه‌های زیادی را با عنوان‌هایی چون بهداشت از دیدگاه اسلام (1997)، ارتقاء سطح بهداشت از دیدگاه اسلامی و نیز نقش مذهب و اخلاق در پیشگیری و کنترل بیماری ایدز (1992) منتشر کرده است. اس ام استلزبرگ،[[436]](#footnote-436) ماری بالیر- لوی،[[437]](#footnote-437) لیندای وایت»[[438]](#footnote-438) (1995) در تحقیقی با عنوان «مشارکت دینی در اوان بزرگسالی و تأثیرهای سن و چرخۀ زندگی خانوادگی بر عضویت در کلیسا» به بررسی تحولات زندگی از قبیل ازدواج، طلاق، روابط جنسی پیش از ازدواج بر مشارکت دینی در ایالات متحدۀ آمریکا پرداخته‌اند. از جمله فرضیه‌های مطرح شده در این پژوهش می‌توان به دو فرضیۀ اساسی زیر اشاره کرد:

1. ازدواج، مشارکت دینی را افزایش می‌دهد.

2. از هم‌پاشیدگی روابط زناشویی، به کاهش مشارکت دینی می‌انجامد و این کاهش در مورد مردان، بیش از زنان است.

جلیلوند در تحقیق خود درباره بررسی تأثیر نماز بر اضطراب در دانش‌آموزان دبیرستانی شهر تهران مشاهده کرد آن دسته از دانش‌آموزانی که نماز می‌خوانند و مقید به تکالیف مذهبی هستند، از اضطراب کمتری رنج می‌برند.  خاتونی (1376) دریافته است که شنیدن آوای قرآن باعث کاهش اضطراب بیماران قلبی می‌شود.

از نظر روانشناسان آرامش روانی و احساس رضایت از زندگی، از ویژگی‌های اساسی در افراد سالم و بهنجار است. بررسی حالات و روحیات فردِ با ایمان نیز حاکی از آرامشِ خاطر و صفای درونی‌شان است. و درون فرد مؤمن روشن از نور حقیقت و سرشار از لذات معنوی است. از جنبه نظری، باورهای مذهبی فرد در سازش با تنیدگی نقش داشته و می‌توانند ارزیابی‌های فرد را از رویدادها تحت تأثیر قرار دهند به طور مثال جهت‌گیری مذهبی درونی باعث خواهد شد که فرد از عزت‌نفس، بردباری و سلامت روان بالاتری برخوردار شود ( برگین[[439]](#footnote-439) و همکاران 1987). از این رو بهترین نوع جهت‌گیری در دین اسلام الگو قرار دادن قرآن و معصومین است لذا در این تحقیق به بررسی تأثیر کلاس‌های تفسیر بر میزان سلامت عمومی دانش‌آموزان می‌پردازیم.

**ط) مفهوم عزّت‌نفس:**

یکی از ویژگی‌های شخصیت بهنجار، برخورداری از عزّت‌نفس است. عزّت‌نفس عبارت است از درجه تصویب و تأیید و ارزشی که شخص نسبت به خود احساس می‌کند و یا قضاوتی که فرد نسبت به ارزش خود دارد. (اسمیس[[440]](#footnote-440) و همکاران، 2002) عزّت‌نفس از جمله مفاهیمی است که مورد پژوهش بسیاری از روا‌ن‌شناسان قرار گرفته است. در تحقیقات زیادی ارتباط بین عزّت‌نفس با مفاهیمی همچون افسردگی، احساس تنهایی و اضطراب به عنوان متغیرهای منفی و مفاهیمی چون احساس کارآیی، احساس توانمندی و پیشرفت تحصیلی به عنوان متغیرهای مثبت گزارش شده‌اند. (بیر[[441]](#footnote-441) و همکاران، 1987تشکری و همکاران 1998 فیلپوت[[442]](#footnote-442) و همکاران، 1995و متیوز[[443]](#footnote-443) و همکاران،1989و کوپر[[444]](#footnote-444) و همکاران، 1989و فیلوزوف[[445]](#footnote-445) و همکاران، 1998و مالیس[[446]](#footnote-446) و همکاران،1997) همچنین در بسیاری از تحقیقات همبستگی معنی‌دار بین عزّت‌نفس با پیشرفت تحصیلی گزارش شده است (پورشافعی و همکاران، 1370و مویجس[[447]](#footnote-447) و همکاران، 1997)و حتّی از نمرات عزّت‌نفس به عنوان پیشگویی برای موفقیت‌های تحصیلی استفاده کرده‌اند. (مویجس و همکاران 1997) اما متأسفانه عزّت‌نفس به علت الگوسازی‌های غلط که در بین نوجوانان و جوانان شایع شده است. (پورشافعی و همکاران، 1370) سبب افت‌های تحصیلی و حتی کاهش عملکردهای اجتماعی و عاطفی نوجوانان و جوانان در جامعه شده است لذا باید از همان ابتدا این مسئله برای نوجوانان و جوانان بیان شود تا سبب الگوسازی بهتر در آنها شویم. همان‌طور که می‌دانیم بهترین الگو برای نه تنها مسلمانان بلکه تمام مردم روی زمین شخصیت‌های برجسته ای است که در دین اسلام وجود دارد، از جمله شخصیت‌هایی مانند پیامبر اکرم ، امام علی، حضرت زهرا و امام حسین و ... .

ازطرفی نتایج پژوهش‌های داخلی و خارجی حاکی از آن است که باورهای دینی و نگرش سیاسی اجتماعی از جمله عوامل پیش‌بینی کننده ومرتبط با سلامت دانش‌آموزان می‌باشند .

در این رابطه، توماس و کارور[[448]](#footnote-448) (1990) معتقدند که باورها و اعمال مذهبی دو کنش مهم را زندگی نوجوانان جوانان دارا هستند، یکی کنش کنترل اجتماعی که رفتارهای ضد اجتماعی را کاهش می‌دهد و دیگری کنش تسهیل اجتماعی که روابط اجتماعی و فرا اجتماعی رضایت‌بخش را ترویج می‌دهد. پاین[[449]](#footnote-449) (1991) بر این باور بود که، میزان عزّت‌نفس و سازگاری بین فرد و رضایت از زندگی در افراد دیندار بالاتر می‌باشد. افرادی که فعالیت مذهبی درونی دارند، نسبت به افراد ظاهرساز از سلامت روانی بالایی برخوردار هستند. نتایج پژوهش شلودرمن[[450]](#footnote-450) وهمکاران در سال 2001 درمورد 443 دانش‌آموز دختر و پسر نیز حاکی از آن است که بین تعهد دینی، دینداری درونی و اعمال مذهبی با سلامت اجتماعی دانش‌آموزان رابطۀ مثبت و معناداری وجود دارد، به طوری‌که دینداری درونی و تعهد دینی از جمله بهترین پیش‌بینی کننده‌های سلامت اجتماعی در این دانشجویان بودند. گودرزی ( 1382 ) نیز با بررسی رابطۀ گرایش به دینداری و ویژگی‌های فردی اجتماعی نوجوانان دبیرستانی دریافت که بین دینداری و پرخاشگری این دانش‌آموزان رابطۀ منفی و معناداری وجود داشت. به‌ عبارت دیگر دانش‌آموزانی که نمرات بالاتری را در اندازه‌های دینداری دریافت کردند، پرخاشگری کمتر و سلامت اجتماعی بالاتری را نسبت به دانش‌آموزانی که نمرات پایینی در اندازه‌های دینداری دریافت کردند، نشان دادند.

**ی) مفهوم پرخاشگری:**

مشاهده جهان اطراف گویای این است که پرخاشگری این مشکل رفتاری در بین همه انواع مختلف جانداران، جوامع، طبقات اقتصادی- اجتماعی، مراحل مختلف سنی و جزء آن دیده می‌شود. ولی آنچه مهم است شدّت و نوع علائم این اختلال رفتاری در بین انواع مختلف است. مسائل مرتبط با خشم مانند رفتارهای مقابله‌ای، خصومت، پرخاشگری از علل اصلی مراجعه نوجوانان و کودکان به مراکز مشاوره و روان‌درمانی است. (ملکی، 1385)

بر اساس توافق بسیاری از صاحب‌نظران، خشم یکی از هیجان‌های اصلی بشر است که بعد از ترس بیشترین مطالعات را به خود اختصاص داده است. در مورد خشم تعاریف متعددی از سوی فلاسفه و روانشناسان ارائه شده است، ولی در تمام آنها میتوان دو نکته مشترک را مشاهده کرد.

1. عامل اصلی بروز خشم، تهدیدها و ناکامی‌ها و موانعی است که سر راه افراد قرار می‌گیرد.

2. هدف خشم اغلب دفاع، جنگ و تخریب است. (ملکی، 1385)

عارفی و رضویه (1382)، با بررسی 243 دانش‌آموز دختر و پسر دوره ابتدایی شیراز، گزارش کردند پرخاشگری با سلامت اجتماعی رابطه منفی دارد. پژوهشگران دیگری مانند (هاولی،[[451]](#footnote-451)2007)؛ (صادقی، 1380)؛ ( رافضی، 1383)، (ملکی، 1385) به نتایج یکسانی در رابطه با ارائه مداخلات کنترل خشم در کاهش پرخاشگری دست یافتند. همچنین می‌توان با استفاده از خودآرام‌سازی و خودگویی‌های مثبت، خویشتن‌داری، احساس خودکارآمدی و مهارت‌های اجتماعی را افزایش داد. یافته‌های پژوهشی حاکی از آن است که آموزش جرأت‌و‌‌رزی به عنوان یک مهارت اجتماعی مؤثر به افراد کمک می‌کند تا افراد مهارت‌های مقابله‌ای مناسب را کسب نموده و به کار ببندند. (محمدی 1385)

همانطور که می‌دانیم بهترین الگو برای نه تنها مسلمانان بلکه تمام مردم روی زمین شخصیتهای برجسته ای است که در دین اسلام وجود دارد و بر همه مسلمانان واضح و معلوم است از جمله شخصیت‌هایی مانند پیامبر اکرم ، امام علی، حضرت زهرا و امام حسین و... .

**ک) ابزار پژوهش:**

**1. پرسش‌نامه عزّت‌نفس کوپراسمیت:**

جهت ارزیابی میزان عزّت‌نفس افراد مورد مطالعه، از پرسش‌نامه عزّت‌نفس کوپراسمیت[[452]](#footnote-452) (1967 )استفاده شد. این پرسش‌نامه در سال‌های اخیر به طور گسترده‌ای در پژوهش‌های روانشناسی به کار رفته است و فرم الف آن، دارای 58 ماده است که 8 ماده آن دروغ‌سنج است. چنانچه آزمودنی از 8 ماده دروغ‌سنج بیش از چهار نمره بیاورد به آن معنی است که اعتبار آزمون پایین است و آزمودنی سعی کرده است خود را بهتر از آن چیزی که هست جلوه بدهد. شیوه نمره‌گذاری این آزمون به صورت صفر و یک است. به این صورت که ماده‌های شماره 45 ،36، 32،30، 29، 28، 24،23، 21، 19، 18، 14،11،10،5،4، 2 و 57 پاسخ بله یک نمره و پاسخ خیر صفر نمره می‌گیرد و بقیه سؤال‌ها به صورت معکوس است.

در مجموع 50 ماده آن به 4 مقیاس عزّت‌نفس خود، عزّت‌نفس اجتماعی، عزّت‌نفس خانوادگی و عزّت‌نفس تحصیلی تقسیم می‌شود. این مقیاس علاوه بر 4 خرده مقیاس، یک نمره کلّی به دست می‌دهد. بدیهی است حداقل نمره‌ای که یک فرد می‌تواند بگیرد صفر و حداکثر آن 50 است. افرادی که در این آزمون نمره بیشتری کسب کنند، عزّت‌نفس بالاتری دارند. به این صورت فردی که در این آزمون نمره بالاتر از 25 کسب کند دارای عزّت‌نفس بالا و فردی که پایین‌تر از این مقدار به دست آورد، دارای عزّت‌نفس پایین می‌باشد. در پژوهش‌های متعددی به روایی و اعتبار بالای پرسش‌نامه عزّت‌نفس کوپراسمیت اشاره شده است (واتکینز و استیلا[[453]](#footnote-453)، 1980، احمد و همکاران، 1985، چی[[454]](#footnote-454)، 1985، برینکمن [[455]](#footnote-455)و همکاران، 1989 ) (به نقل از به پژوه و همکاران، 1386).

**2. پرسش‌نامه سلامت عمومی(GHQ-28):**

پرسش‌نامه GHQ - 28 که در سال 1972 توسط گلدبرگ[[456]](#footnote-456) ابداع شده با هدف کشف و شناسایی اختلالات روانی غیر سیکوتیک در مراکز و محیط‌های مختلف طراحی شده است. سؤالات پرسش‌نامه به بررسی وضعیت روانی فرد در یک ماهه اخیر می‌پردازد. این پرسش‌نامه شناخته‌شده‌ترین ابزار غربالگری در روانپزشکی است و به صورت فرم‌های 30، 60، 28، 12 سؤالی موجود می‌باشد.

کارایی این پرسش‌نامه در تحقیقات بسیاری مورد بررسی قرار گرفته و اثبات شده است. بررسی ایواتا و سایتو در سال 1992 که از پرسش‌نامه 28 سؤالی استفاده نمود، مطالعه پاپاسویتر و پولوس[[457]](#footnote-457) همکاران (1997) با پرسش‌نامه 12 سؤالی، مطالعه هاتوپ[[458]](#footnote-458) و همکاران (1998) که در آن 4 پرسش‌نامه مختلف با هم مقایسه شد و بسیاری تحقیقات دیگر نشان داد که این پرسش‌نامه از کارایی زیادی برخوردار است. (Iwata,1992. Hotopf,1998. Papassotiro, 1997) توسط گیبونز، ساختار عاملی، روایی و پایاییGHQ- 28 در السالوادور بررسی گردید. نمونه شامل 732 نفر از دانشجویان بوده و از نمره گذاری لیکرت و تحلیل مؤلفه‌های اساسی و چرخش واری ماکس استفاده شده بود. چهار عامل علائم جسمانی، اضطراب و بیخوابی، اختلال کارکرد اجتماعی و افسردگی شناسایی شد. عوامل بطور کامل مستقل نبودند و بیشترین همبستگی بین عامل علائم جسمانی، اضطراب و بیخوابی وجود داشت. 9 تا از 28 آیتم این پرسش‌نامه علاوه بر این که روی یک عامل بار عاملی بالایی داشته، روی دو عامل دیگر نیز بار شده بودند. با روش بازآزمایی، ضریب پایایی 0.74 و در نظرگرفتن نقطه برش6.7 حساسیت آزمون0.88 و ویژگی آن84.2 به دست آمد. ( 2005, Hooman A)

**3. پرسش‌نامه پرخاشگری AGQ:**

این پرسش‌نامه در سال 1375 توسط زاهدی فر ساخته شده و دارای 30 سؤال با مقیاس لیکرت چهار درجه‌ای )دارای گزینه‌های هرگز، به‌ندرت، گاهی اوقات و همیشه) است که شامل 30 گویه است که چهارده گویه آن عامل خشم و هشت عامل آن گویه تهاجم و هشت گویه آن عامل کینه توزی است. ضریب اعتبار این پرسش‌نامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ 0.87 و با روش بازآزمایی 0.70 محاسبه شده که در حد قابل قبولی است. (زاهدی‌فر، 1375 ) همچنین روایی محتوایی آن مورد تأیید پنج نفر از روانشناسان و مشاوران قرار گرفت. در این پرسش‌نامه به گزینه هرگز نمره صفر، به ندرت نمره یک، گاهی اوقات نمره دو و همیشه نمره سه تعلق می‌گیرد. قابل ذکر است که سؤال 18 پرسش‌نامه به صورت معکوس نمره گذاری می‌شود؛ بنابراین حداکثر نمره در این آزمون نود و حداقل نمره صفر خواهد بود. نقطه برش آزمون 45 است که هرچه نمره فرد بالاتر از 45 باشد، میزان پرخاشگری او بیشتر است.

**ل) شیوه مداخله:**

دانش‌آموزان طی شش جلسه یک ساعته در مورد تفسیر آیات قرآن و شخصیت و زندگی حضرت زهرا مطالبی را فراگرفتند. کلاس‌ها مطالبی در مورد زندگی حضرت زهرا (از تولد تا شهادت)، همسر فرعون، همسر حضرت ابراهیم، مادر موسی، حضرت مریم بیان شد و سپس از اصول اخلاقی آن بانوان گرانقدر و تمام جنبه‌های رفتاری آنان مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و دانش‌آموزان آنها را فرا گرفته و مورد پس‌آزمون قرار گرفتند و پس از دو ماه پیگیری به عمل آمد به گونه‌ای که هر ماه آزمون‌ها دوباره گرفته شد یعنی 2 آزمون دیگر در پیگیری گرفته شد.

فعالیت‌هایی که در هر جلسه انجام شد به این صورت بود که: در هر جلسه ابتدا جهت آشنایی بیشتر با اسامی دانش‌آموزان و مشخص کردن دانش‌آموزانی که درکلاس حضور داشتند، حضور و غیاب صورت می‌گرفت و بعد از آن تکالیفی که در جلسه قبل به آنان داده، بررسی می‌شد و اشکالاتی راکه داشتند برطرف، واقدامات لازم جهت رفع آن‌ها به عمل می‌آمد، سپس از مطالب جلسه قبل سؤالاتی ازدانش آموزان پرسیده می‌شد و بعد از این که مشخص می‌شد دانش‌آموزان مطالب جلسه قبل را به خوبی آموخته اند مطلب جدید تدریس می‌شد. برای ارائه مطلب جدید این اقدام صورت می‌گرفت: ابتدا هدف‌های رفتاری روی تابلو نوشته می‌شد تا دانش‌آموزان سریع‌تر بتوانند خود را با مطالب هماهنگ کنند. مرحلۀ بعد ارزشیابی پیش دانسته‌های دانش‌آموزان بودکه برای این کار یک سری سئوالات شفاهی ازدانش آموزان پرسیده می‌شد تا میزان آشنایی دانش‌آموزان با مطلب جدید مشخص شود. بعد از ارزیابی پیش دانسته‌ها درس جدید ارائه می‌شد. ابتدا توضیحات کامل در مورد مطلب جدید به دانش‌آموزان داده می‌شد و نکته‌های مهم روی تابلو یادداشت می‌شد و از دانش‌آموزان خواسته می‌شدکه نکات مهم را یادداشت کنند و درمنزل مطالعه کنند. در هر جلسه سؤالات به صورت شفاهی درموردمطلب جدید، به منظور بالا بردن توانایی دانش‌آموزان برای شرکت در بحث و صحبت در مقابل جمع از دانش‌آموزان پرسیده میشد و آخرین اقدام در هر جلسه تعیین تکلیف و تمرین برای جلسه بعد بود که در ابتدای هر جلسه مورد بررسی قرار میگرفت.

**جلسه اول**: تفسیر سورۀ مبارک قصص آیات 4،7،9،11،12و شرح و بیان داستان‌ها و تفسیر اصول زندگی و شخصیتی حضرت زهرا در پیرامون اصل ساده زیستی در زهد خانوادگی- اصل مشارکت در امور زندگی- ارزشی بودن ازدواج و حاکمیت ارزش‌ها در ازدواج و دوری از مادیات و تجملات- اهمیت دادن به تربیت فرزندان

**جلسه دوم**: شرح و بیان داستان‌ها و تفسیر اصول زندگی و شخصیتی حضرت زهرا در پیرامون اصل مهمان‌دوستی و مهمانی دادن- ایثار، انفاق خانوادگی و مقدّم داشتن دیگران برخود- به کارگیری عوامل معنوی برای حلّ معضلات و مشکلات- اهمیت و احترام به کار و همکاری در بین اعضای خانواده- تقسیم کار در خانه.

**جلسه سوم**: تفسیر آیات 10، 11 ،12 از سورۀ مبارک تحریم و شرح و بیان داستان‌ها و تفسیر اصول زندگی و شخصیتی حضرت زهرا و حضرت مریم در پیرامون احترام متقابل اعضای خانواده به یکدیگر- حاکمیت اصل مشورت در زندگی- فرمان‌پذیری حضرت فاطمه از حضرت علی- نفی ارزش‌های جاهلی در ملاک انتخاب همسر- اصل آرایش و زینت برای همسر.

**جلسه چهارم**: تفسیر آیات 7،17،18،19 از سورۀ مریم و شرح و بیان داستان‌ها و تفسیر اصول زندگی و شخصیتی حضرت زهرا در پیرامون عبادت در خانه و مأنوس نمودن اطفال با عبادت- اختصاص مکانی برای عبادت در خانه- اصل جهادی بودن همه اعضا و فدایی دادن برای اسلام- اصل ارتباط خانه با مسجد و آشنا نمودن فرزندان با مسجد.

**جلسه پنجم**: تفسیر آیاتی از سوره مبارک فرقان، شرح و بیان داستان‌ها و تفسیر اصول زندگی و شخصیتی آن حضرت در پیرامون علم دوستی همه اعضاء خانواده- شاگرد‌ پروری و تشکیل کلاس‌های علمی و دینی در خانه - آگاهی به اوضاع و شرایط اجتماعی و سیاسی همه اعضاء- اصل حاکمیت معنویت بر فضای خانه و زندگی -رعایت حق خدمت‌کار.

**جلسه ششم**: تفسیر آیاتی از سورۀ مبارک نساء و شرح و بیان داستان‌ها و تفسیر اصول زندگی و شخصیتی حضرت زهرا در پیرامون مسؤلیت‌پذیری همه اعضای خانواده در دفاع از اسلام - قدرت بیان و دفاع از ارزش‌ها از طریق خطابه در همه اعضا - شجاعت و دلیری همه اعضاء خانواده -عشق، عاطفه و مهربانی همه اعضاء به یکدیگر -حاکمیت انظباط، نظم و برنامه بر زندگی حضرت فاطمه زهرا و فرزندان او.

**م) یافته‌های پژوهش :**

یافته‌های پژوهش دارای دو قسمت یافته‌های توصیفی و یافته‌های فرضیات می‌باشد.

**1. یافته‌های توصیفی:**

یافته‌های توصیفی این پژوهش شامل شاخصهای آماری مانند میانگین، انحراف معیار و نمونه می‌باشد.

**2. یافته‌های فرضیه:**

2-1. **فرضیه اول**: کلاس‌های تفسیر قرآن و شخصیت و سیره شناسی حضرت زهرا سبب افزایش عزّت‌نفس در دانش‌آموزان دختر می‌شود.

2-2. **فرضیه دوم**: کلاس‌های تفسیر قرآن و شخصیت و سیره شناسی حضرت زهرا سبب افزایش سلامت عمومی در دانش‌آموزان دختر می‌شود.

2-3. **فرضیه سوم**: کلاس‌های تفسیر قرآن و شخصیت و سیره شناسی حضرت زهرا سبب کاهش خشم در دانش‌آموزان دختر می‌شود.

**جدول 1: میانگین و انحراف معیار نمرات دانش‌آموزان در چهار آزمون در حوزه عزّت‌نفس**

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| **مرحله** | **میانگین** | **انحراف معیار** | **نمره t** | **P-value** |
| **پیش‌آزمون** | **86** | **14.1** | **2.651** | **0.009** |
| **پس‌آزمون** | **95.04** | **13.2** |
| **پیگیری 1** | **93.01** | **13** |  |  |
| **پیگیری 2** | **93.03** | **13.3** |  |  |

**جدول2: بررسی میزان معناداری در پس‌آزمون، پیگیری اول و دوم**

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
|  | **پس‌آزمون** | **پیگیری اول** | **پیگیری دوم** |
| **عزّت‌نفس** | **01, 0 > P** | **05, 0 > P** | **05, 0 > P** |

همانطور که در جدول 1و2 ملاحظه می‌شود میزان میانگین آزمون عزّت‌نفس در دانش‌آموزان در پیش‌آزمون برابر 86 و پس‌آزمون برابر با 04/95 و پیگیری اول برابر 01/93 و پیگیری دوم برابر 03/93 بدست آمد. و میزان انحراف معیار در پیش‌آزمون، پس‌آزمون، پیگیری اول و دوم به ترتیب 1/14 و 2/13، 13 و 3/13 بدست آمد. آزمون t مشاهده شده شامل حاصل از مقایسه پیش‌آزمون و پس‌آزمون (009/0) می‌باشد که این مقدار از لحاظ آماری معنادار است همچنین در پیگیری اول و دوم نیز معنادارشد. (05/0 > P) بنابراین نتیجه می‌شود که بین عزّت‌نفس دانش‌آموزان در دو آزمون تفاوت معناداری وجود دارد.

**نمودار 1: میانگین نمرات دانش‌آموزان در متغیر عزّت‌نفس**

**جدول 3: میانگین و نمره t در آزمونهای سلامت عمومی**

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| **متغیر** | **مرحله** | **میانگین** | **نمره t** | **P-value** |
| **افسردگی** | **پیش‌آزمون** | **4.6** | **2.45** | **0.01** |
| **پس‌آزمون** | **2.1** |
| **پیگیری اول** | **2.2** |  |  |
| **پیگیری دوم** | 2.1 |  |  |
| **اضطراب** | **پیش‌آزمون** | **6.6** | **3.36** | **0.001** |
| **پس‌آزمون** | **4** |
| **پیگیری اول** | 3.9 |  |  |
| **پیگیری دوم** | 4.1 |  |  |
| **مشکلات جسمانی** | **پیش‌آزمون** | **7.6** | **1.55** | **0.33** |
| **پس‌آزمون** | **7.01** |
| **پیگیری اول** | **7.3** |  |  |
| **پیگیری دوم** | **7.3** |  |  |
| **مشکلات اجتماعی** | **پیش‌آزمون** | **7.5** | **3.84** | **0.001** |
| **پس‌آزمون** | **3.6** |
| **پیگیری اول** | **3.9** |  |  |
| **پیگیری دوم** | **4** |  |  |

**جدول 4: بررسی میزان معناداری در پس‌آزمون، پیگیری اول و دوم**

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| **حوزه** | **پس‌آزمون** | **پیگیری اول** | **پیگیری دوم** |
| **افسردگی** | **01 ,0 = p** | **05, 0 > P** | **05, 0 > P** |
| **اضطراب** | **001, 0 = p** | **01, 0 > P** | **01 ,0 > P** |
| **مشکلات جسمانی** | **N.S** | **N.S** | **N.S** |
| **مشکلات اجتماعی** | **001, 0 = p** | **01, 0 > P** | **01, 0 > P** |

همانطور که در جدول 3و4 ملاحظه می‌شود میزان میانگین آزمون افسردگی در دانش‌آموزان در پیش‌آزمون برابر 6/4 و پس‌آزمون برابر با 1/2 بدست آمد. آزمون t مشاهده شده شامل حاصل از مقایسه این دو گروه (01/0) می‌باشد که این مقدار از لحاظ آماری معنادار است همچنین در آزمونهای پیگیری اول و دوم نیز معنادار شد((0,05 > p)) . بنابراین نتیجه می‌شود که بین اضطراب دانش‌آموزان در چهار آزمون تفاوت معناداری وجود دارد. میزان میانگین آزمون اضطراب در دانش‌آموزان در پیش‌آزمون برابر 6/6 و پس‌آزمون برابر با 4 بدست آمد. آزمون t مشاهده شده شامل حاصل از مقایسه این دو گروه (001/0) می‌باشد که این مقدار از لحاظ آماری معنادار است همچنین در آزمونهای پیگیری اول و دوم نیز معنادار شد((01 ,0 > p)). بنابراین نتیجه می‌شود که بین اضطراب دانش‌آموزان در چهار آزمون تفاوت معناداری وجود دارد. میزان میانگین آزمون مشکلات جسمانی در دانش‌آموزان در پیش‌آزمون برابر 6/7 و پس‌آزمون برابر با 01/7 بدست آمد. آزمون t مشاهده شده شامل حاصل از مقایسه این دو گروه (33/0) می‌باشد که این مقدار از لحاظ آماری معنادار نیست. بنابراین نتیجه می‌شود که بین مشکلات جسمانی دانش‌آموزان در دو آزمون تفاوت معناداری وجود ندارد . میزان میانگین آزمون مشکلات اجتماعی در دانش‌آموزان در پیش‌آزمون برابر 5/7 و پس‌آزمون برابر با 6/3بدست آمد. آزمون t مشاهده شده شامل حاصل از مقایسه این دو گروه (001/0) می‌باشد که این مقدار از لحاظ آماری معنادار است. بنابراین نتیجه می‌شود که بین مشکلات اجتماعی دانش‌آموزان در دو آزمون تفاوت معناداری وجود دارد.

**نمودار2: میانگین نمرات دانش‌آموزان در چهار حوزه سلامت عمومی**

**جدول 5: میانگین و انحراف معیار نمرات دانش‌آموزان در دو آزمون در حوزه پرخاشگری**

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **متغیر** | **مرحله** | **میانگین** | **انحراف معیار** | **نمره t** | **P-value** |
| **خشم و عصبیت** | **پیش‌آزمون** | **29.90** | **5.05** | **3.923** | **0.0001** |
| **پس‌آزمون** | **21.80** | **7.45** |
| **پیگیری اول** | **22** | **6.25** |  |  |
| **پیگیری دوم** | **22** | **6.88** |  |  |
| **تهاجم وتوهین** | **پیش‌آزمون** | **12.00** | **3.88** | **2.41** | **0.017** |
| **پس‌آزمون** | **8.50** | **4.31** |
| **پیگیری اول** | **9.50** | **4.10** |  |  |
| **پیگیری دوم** | **11** | **4.22** |  |  |
| **لجاجت و کینه توزی** | **پیش‌آزمون** | **14.55** | **4.26** | **2.76** | **0.001** |
| **پس‌آزمون** | **9.10** | **4.36** |
| **پیگیری اول** | **10.10** | **3.85** |  |  |
| **پیگیری دوم** | **9.45** | **4.12** |  |  |

**جدول 6: بررسی میزان معناداری در پس‌آزمون، پیگیری اول و دوم**

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| **حوزه** | **پس‌آزمون** | **پیگیری اول** | **پیگیری دوم** |
| **خشم و عصبیت** | **0001, 0 = P** | **01, 0 > P** | **01, 0 > P** |
| **تهاجم و توهین** | **05, 0 > P** | **05, 0 > P** | **N.S** |
| **لجاجت و کینه توزی** | **001, 0 = P** | **01, 0 > P** | **01, 0 > P** |

همانطور که در جدول 5و6 ملاحظه می‌شود میزان میانگین متغیر خشم و عصبیت در دانش‌آموزان در پیش‌آزمون برابر 90/29 و پس‌آزمون برابر با 80/21 بدست آمد. و میزان انحراف معیار در پیش‌آزمون و پس‌آزمون به ترتیب 05/5 و 45/7 بدست آمد. آزمون t مشاهده شده شامل حاصل از مقایسه این دو گروه (923/3) می‌باشد که این مقدار از لحاظ آماری معنادار است همچنین در پیگیری اول و دوم نیز معنادارد بود. (01, 0> p) بنابراین نتیجه می‌شود که بین خشم و عصبیت دانش‌آموزان در دو آزمون تفاوت معناداری وجود دارد. میزان میانگین متغیر تهاجم و توهین در دانش‌آموزان در پیش‌آزمون برابر 12 و پس‌آزمون برابر با 5/8 بدست آمد. و میزان انحراف معیار در پیش‌آزمون و پس‌آزمون به ترتیب 88/3 و 31/4 بدست آمد. آزمون t مشاهده شده شامل حاصل از مقایسه این دو گروه (41/2) می‌باشد که این مقدار از لحاظ آماری معنادار است همچنین در پیگیری اول نیز معنادارد بود. (05, 0 > p) اما در پیگیری دوم معنادار نشد. بنابراین نتیجه می‌شود که بین تهاجم و توهین دانش‌آموزان در دو آزمون تفاوت معناداری وجود دارد. میزان میانگین متغیر لجاجت و کینه توزی در دانش‌آموزان در پیش‌آزمون برابر 55/14 و پس‌آزمون برابر با 10/9 بدست آمد، و میزان انحراف معیار در پیش‌آزمون و پس‌آزمون به ترتیب 26/4 و 36/4 بدست آمد. آزمون t مشاهده شده شامل حاصل از مقایسه این دو گروه (76/2) می‌باشد که این مقدار از لحاظ آماری معنادار است همچنین در پیگیری اول و دوم نیز معنادارد بود. (01, 0 > p) بنابراین نتیجه می‌شود که بین لجاجت و کینه توزی دانش‌آموزان در دو آزمون تفاوت معناداری وجود دارد.

**نمودار 3: میانگین نمره دانش‌آموزان در سه حوزه پرخاشگری**

**ن) بحث و نتیجه گیری:**

با آموزش تفسیر قرآن و شخصیت و سیرۀ عملی حضرت زهرا به نوجوانان دختر 14 تا 17 سال طی 6 جلسه 1 ساعته در مسجد ملک‌شهر میزان تغییرات قابل توجهی در داده‌های بدست آمده از پس‌آزمون نسبت به پیش‌آزمون بدست آمد.

درحوزه عزّت‌نفس نمره کل نوجوانان دختر در پس‌آزمون نسبت به پیش‌آزمون افزایش معناداری را نشان می‌دهد. (009, 0= p) همچنین این معناداری و افزایش عزّت‌نفس در پیگیری‌های اول و دوم که با فاصله یک از یکدیگر گرفته شد نیز تداوم داشته و هر چه نمره در این حوزه بالاتر باشد نشان دهنده عزّت‌نفس بیشتر می‌باشد بنابراین می‌توان دریافت با گذاشتن کلاس‌های تفسیر قرآن و شخصیت شناسی و بیان سیره عملی حضرت زهرا به نوجوانان طی فقط 6 جلسه، سبب افزایش عزّت‌نفس نوجوانان شده است. بیشترین سؤالاتی که در آنها نوجوانان تغییر نظر داده بودند مربوط به سؤال‌های 2،5،21،34،48 که به ترتیب شامل این سؤال‌ها می‌بود: 2- خیلی به خودم اطمینان دارم 5- من و خانواده ام، وقتی باهم هستیم، خیلی از زندگی لذت می‌بریم 21- کارم را به بهترین وجه انجام می‌دهم 34- هرگز خودم را سرزنش نمی‌کنم 48- همیشه حقیقت را می‌گویم. بنابراین می‌توان دریافت که کلاس‌های برگزار شده بیشتر سبب افزایش اطمینان دانش‌آموزان از خود، افزایش مهر و محبت بین آنها و خانواده هایشان، افزایش اعتماد به نفس، افزایش روحیه شکست و حقیقت طلبی در حوزه عزّت‌نفس در آنها شده است. بنابراین فرضیه اول ما به اثبات رسید. این نتایج همسو با پژوهش‌های مختلفی است که پس از اجرای برنامه آموزش مهارت‌های زندگی از طریق الگوسازی دینی در مدارس صورت گرفت، تأثیر این آموزش‌ها را بر ابعاد مختلف عزّت‌نفس نشان می‌دهد. نتایج حاصل از آزمون این فرضیه، با نتایج پژوهش‌های انجام شده توسط ( یادآوری، 1383)، (اسماعیلی، 1380)، (وردی، 1383)، (ثمری و لعلی فاز، 1384)، (ویچروسکی، 2000)، (موت و همکاران، 1995)، (آلن گری1999) مطابقت دارد و این امر نشانگر تأیید و همخوانی نتایج مربوط به این فرضیه با نتایج دیگر پژوهش‌هاست.

آموزش مهارت‌های زندگی برنامه‌ای است که سودمندی‌های آن در پژوهش‌های متعدد به اثبات رسیده است. به طور کلی، یافته‌های پژوهش حاضر و پژوهش‌های مشابه حاکی از آن‌‌ است که از رهگذر آموزش مهارت‌های زندگی می‌توان به ارتقاء سطح سلامت روانی و سازگاری و افزایش عزّت‌نفس کودکان و نوجوانان همّت گماشت.

اما در حوزه سلامت عمومی که خود شامل 4 زیر مجموعه افسردگی، اضطراب، مشکلات جسمانی، مشکلات اجتماعی است نیز نمره کل دانش‌آموزان در پس‌آزمون نسبت به پیش‌آزمون کاهش معناداری داشته است و در این آزمون هرچه نمره کمتر باشد نشانه سلامت عمومی بهتر است. در حوزه افسردگی، نمره بدست آمده در پس‌آزمون نسبت به پیش‌آزمون کاهش معناداری داشته است. (01, 0 = p) همچنین این معناداری و کاهش افسردگی در پیگیری‌های اول و دوم که با فاصله یک از یکدیگر گرفته شد نیز تداوم داشته این کاهش افسردگی در نتیجه کلاس‌های برگزار شده برای نوجوانان بدست آمده است و بیشترین سؤال‌هایی که نوجوانان در پس‌آزمون نسبت به پیش‌آزمون در آنها تغییر نظر داده‌اند مربوط به سؤال‌های 22،23،27 می‌بود که این سؤال‌ها به ترتیب شامل :22- آیا از یک ماه گذشته تا به امروز فکر کرده اید که شخص بی‌ارزشی هستید ؟ 23- آیا از یک ماه گذشته تا به امروز احساس کرده اید که زندگی کاملاً نا امیدکننده است ؟ 27- آیا از یک ماه گذشته تا به امروزبه این نتیجه رسیده‌اید که ای‌کاش مرده بودید و کلاً از شرّ زندگی خلاص می‌شدید؟ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که بیشترین اثری که کلاس‌های تفسیر قرآن و شخصیت شناسی حضرت زهرا روی نوجوانان در حوزه افسردگی داشته سبب شده است به نفس خود ارزش و جایگاه بالاتری بدهند به گونه‌ایی که نقش پررنگتری در جامعه از خود نشان دهند و سبب افزایش امید به زندگی و افزایش روحیه شاد در نوجوانان شده است. نتایج بدست آمده همسو با مطالعه رایکمن و همکاران (1990) است که در پژوهشی نشان دادند که فراوانی شرکت دانشجویان در فعالیت‌های اجتماعی و مذهبی، با نشانه‌های افسردگی رابطه منفی و با احساس سلامتی رابطه مثبت دارد.

در حوزه اضطراب هم کاهش نمره در پس‌آزمون نسبت به پیش‌آزمون معنادار می‌بود. (001, 0= p) یعنی سبب افزایش آرامش در نوجوانان دختر شده است. این افزایش آرامش و کاهش اضطراب بیشتر مربوط به تغییر نظر دانش‌آموزان در سؤال‌های 10،11،14 می‌بود که این سؤال‌ها به ترتیب شامل : 10- آیا از یک‌ماه گذشته تا به امروز احساس کرده اید که دائماً تحت فشار هستید؟ 11- آیا از یک‌ماه گذشته تا به امروز عصبانی و بد خلق شده اید؟ 14- آیا از یک‌ماه گذشته تا به امروز احساس کرده اید که در تمامی مدّت عصبی هستید و دلشوره دارید؟ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که کلاس‌های تفسیر قرآن و شخصیت و سیره‌شناسی حضرت زهرا  سبب کاهش فشارهای روانی بر دانش‌آموزان شده است همچنین باعث کاهش میزان عصبانیت، بد خلقی و افزایش آرامش در آنها شده است.

در حوزه مشکلات جسمانی رابطۀ معناداری بین نمرات پس‌آزمون و پیش‌آزمون وجود نداشت. بنابراین فرضیه ما در این حوزه به اثبات نرسید.

در حوزه مشکلات اجتماعی هم کاهش نمره در پس‌آزمون نسبت به پیش‌آزمون معنادار می‌بود. (001, 0 = p) یعنی سبب افزایش تعاملات اجتماعی و دوری از گوشه گیری در نوجوانان دختر شده است. این کاهش مشکلات اجتماعی بیشتر مربوط به تغییر نظر دانش‌آموزان در سؤال‌های 17، 18، 19، 20، 21 می‌بود که این سؤال‌ها به ترتیب شامل : 17- آیا از یک‌ماه گذشته تا به امروز بطور کلی احساس کرده اید که کارها را بخوبی انجام می‌دهید؟ 18- آیا از یک‌ماه گذشته تا به امروز از نحوه انجام کارهایتان احساس رضایت می‌کنید؟ 19- آیا از یک‌ماه گذشته تا به امروز احساس کرده اید که نقش مفیدی در انجام کارها به‌عهده دارید؟ 20- آیا از یک‌ماه گذشته تا به امروز توانایی تصمیم‌گیری درباره مسائل را داشته اید؟ 21- آیا از یک‌ماه گذشته تا به امروز قادر بوده اید از فعالیت‌های روزمره زندگی لذت ببرید؟ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که کلاس‌های تفسیر قرآن و شخصیت و سیره شناسی حضرت زهرا  سبب افزایش کیفیت عمل فرد در جامعه و افزایش احساس رضایت از اعمال اجتماعی خود و افزایش نقش مفید این افراد در جامعه و افزایش قدرت تصمیم گیری در این افراد شده است. بنابراین فرضیه دوم ما به اثبات رسید. نتایج بدست آمده در این بخش همسو با مطالعات (پارک و همکاران، 1990)الیسن (1994)، آدلر( 1994) و کاسل(1992) که نشان دادند بین افزایش اعمال و مجالس مذهب و سلامت عمومی ارتباط مثبتی با هم دارند. (تکفام و همکاران، 1997) نتایج حاصل از آزمون این فرضیه، با نتایج پژوهش‌های انجام شده توسط بوتوین[[459]](#footnote-459) و همکاران(2000)، میشارا[[460]](#footnote-460)(2009)، ترنر[[461]](#footnote-461)(2008)، مارتین جونز[[462]](#footnote-462)(2009)، ونزل ویکتوریا[[463]](#footnote-463)(2009)، احمدیان(2009)، متیو[[464]](#footnote-464)(2009)، جفرسون(2010)، وانگ (بو[[465]](#footnote-465)2010)، شریفی (1372)، باپیری(1376)، آقاجانی (1381)، بیگلو (1374)، یادآوری (1383)، ثمری ولعلی فاز (1384)، حقیقی و همکاران (1385)، مطابقت دارد. بنابراین آنگونه که مشاهده می‌شود نتایج این پژوهش در زمینه تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی از طریق الگوسازی مناسب بر سلامت روان، با دیگر پژوهش‌ها در این زمینه و یا زمینه‌های مشابه کاملاً مطابقت دارد. و این امر نشانگر تأیید و همخوانی نتایج مربوط به فرضیه دوم با نتایج دیگر پژوهش هاست.

در حوزه پرخاشگری نیز رابطه معناداری بین نمرات کسب شده در پس‌آزمون نسبت به پیش‌آزمون دیده می‌شود. پرخاشگری خود دارای 3 بخش است که شامل خشم و عصبیت، توهین و تهاجم و لجاجت و کینه توزی است. در هر سه حوزه رابطه معناداری بین کاهش نمره پس‌آزمون با نمره پیش‌آزمون را نشان میدهد به گونه‌ای که در بخش خشم و عصبیت 0001, 0 = p در بخش توهین و لجاجت 017, 0 = p و در بخش لجاجت و کینه توزی 001, 0 = p محاسبه گردید. بیشترین سؤال‌هایی که نظر نوجوانان بعد از کلاس را در رابطه با پرخاشگری تغییر داد و باعث کاهش پرخاشگری بعد از کلاس در نوجوانان شد سؤال‌های 3، 4، 13، 14، 19، 27 می‌بود که به ترتیب شامل سؤال‌های زیر بود : 3- زود از کوره در می‌روم، اما زود هم بر آن غلبه می‌کنم. 4- گاهی حسادت مرا از پا در می‌آورد. 13- من کمی بیش از یک آدم معمولی دعوا می‌کنم 14- اگر کسی با من مخالفت کند نمی‌توانم از بحث کردن با او خودداری کنم. 19- گاه بدون هیچ دلیل موجّهی از کوره در می‌روم. 27- اگر کسی خیلی دلچسب و مهربان باشد، شک می‌کنم که چه می‌خواهد.

بنابراین می‌توان دریافت که کلاس‌های شخصیت و سیره شناسی حضرت زهرا باعث افزایش غلبه نوجوانان به خشم خود، کاهش حسادت، افزایش حل مشکلات و اختلافات خود با دیگران بر اساس صحبت، کاهش سوء ظن و بدبینی در نوجوانان شده است. بنابراین فرضیه سوّم ما به اثبات رسید. این نتایج همسو با نتایج گودرزی (1382) است که وی با بررسی رابطۀ گرایش به دینداری و ویژگی‌های فردی اجتماعی نوجوانان دبیرستانی دریافت که بین دینداری و پرخاشگری این دانش‌آموزان رابطۀ منفی و معناداری وجود داشت. به عبارت دیگر دانش‌آموزانی که نمرات بالاتری را در اندازه‌های دینداری دریافت کردند، پرخاشگری کمتر و سلامت اجتماعی بالاتری را نسبت به دانش‌آموزانی که نمرات پایینی در اندازه‌های دینداری دریافت کردند، نشان دادند.

در نتایج بدست آمد مشخص شد که کلاس‌های تفسیر قرآن و شخصیت و سیره شناسی حضرت زهرا  اثر شگرفی در نوجوانان دارد. هرچند این کلاس‌های برگزار شده دارای جلسات کم می‌بود اما اثر چشمگیر آن در این پژوهش مشخص شد. لذا میتوان با افزایش آموزش این گونه کلاس‌ها در سنین نوجوانی که شخصیت انسان شکل می‌گیرد و فرد اشخاص مختلفی را الگو قرار می‌دهد، اثرات مثبت زیادی را در افراد گذاشته و سبب ارتقا نقش اجتماعی فرد در جامعه شد. (ابن حنبل، 2005) لذا از طرفی چون در دین اسلام برای مسلمانان ثابت شده است که قرآن کریم و معصومین بهترین الگو برای مسلمانان به خصوص نوجوانان و جوانان است، پس باید قرآن کریم و زندگی این بزرگواران را برای نسل جوان بیشتر توضیح داد تا این نسل افراد به بزرگواری اینان را سرچشمه کارهای خود قرار دهند نه الگوهای انحرافی غرب را. (امام خامنه‌ای 1375)

بنابراین به علت اینکه تفسیر قرآن و شناخت حضرت زهرا سبب افزایش میزان سلامتی روحی و عاطفی و... می‌شود چه خوب است که کلاس‌های تفسیر قرآن و شناخت حضرت زهرا در مدارس بر پا شود و در ابتدا اثرات تفسیر قرآن و شناخت حضرت زهرا برای دانش‌آموزان بیان شود و سپس به شکل داوطلب (نه اجبار) دانش‌آموزان را در این کلاس‌ها نام نویسی کنند و اینگونه سبب ارتقای سلامت جامعه خواهیم شد. البته این امر نیاز به بررسی‌های تخصصی و استفاده از فنون روان شناسی و مذهبی باید اجرا شود که تأثیرات آن چند برابر شود، چرا که هر قدر موضوع یادگیری معنا ومفهوم روشن‌تری را داشته باشد و دانش‌آموزان به سهولت آنرا درک کنند، راحت‌تر و سریع‌تر می‌توانند مطالب را بخاطر بسپارند. تکیه بر محفوظات بدون درک صحیح آن‌ها توسط دانش‌آموزان امری است نادرست و نه تنها این قبیل محفوظات به زودی فراموش می‌شوند بلکه بهداشت روانی شاگرد را نیز ممکن است مختل سازد. (افروز 1383)

از آنجا که مدارس نقش مهمی در پیشگیری از آسیب‌های روانی - اجتماعی و ارتقاء سطح بهداشت روان دانش‌آموزان دارند، به همین جهت در سال‌های اخیر، برنامه‌های پیشگیرانه مبتنی بر مدرسه گسترش یافته اند. شواهد نشان می‌دهند که اینگونه برنامه‌ها نتایج و پیامدهای مطلوبی را در افزایش عملکرد تحصیلی و کاهش رفتارهای خطرآفرین بین دانش‌آموزان به دنبال دارند. به دلیل این که اکثریت جمعیت کشور ما را کودکان و نوجوانان مدرسه رو تشکیل می‌دهند، ضروری است با ایجاد زمینه‌های مناسب به امر ارتقای بهداشت روانی و سطح سلامت در مدارس پرداخته شود و شرایطی فراهم شود تا مسئولان مدارس، برنامه ریزان، مشاوران، روان شناسان و سایر دست اندر کاران آموزش و پرورش کشور از طریق آشنایی با موضوعات بهداشت روانی، کودکان و نوجوانان را برای دست یابی به روان سالم یاری دهند.

با توجه به یافته‌های تحقیق پیشنهاداتی بدین شرح ارائه می‌شوند که عبارتند از:

**س) پیشنهادات**

**1. پیشنهادات کاربردی:**

1-1. تشکیل کمیته تخصصی آموزش مهارت‌های زندگی با الگو قرار دادن قرآن کریم و حضرت زهرا  در آموزش و پرورش به منظور برنامه‌ریزی و اقدام منسجم درخصوص آموزش مهارت‌های زندگی در محیط‌های دانش‌آموزی و مساجد کشور

1-2. به منظور آگاهی از نیازها و مشکلات مهم روانی - اجتماعی دانش‌آموزان و شناسایی ضرورت‌ها و محورهای اصلی آموزش انتخاب الگو مناسب، دفاتر مرکزی مشاوره درصدد جمع‌آوری اطلاعات لازم با استفاده از تحقیقات و پژوهش‌های انجام گرفته ونیازسنجی و نظرسنجی از دانش‌آموزان برآمده و در این رابطه اقدامات لازم توسط سازمان‌های مربوطه(آموزش و پرورش) را انجام دهند .

1- 3. برگزاری جلسات آموزشی مهارت‌های انتخاب الگوی مناسب برای فرزندان جهت والدین توسط سازمان‌های مردم نهاد.

1-4. وزارتخانه‌‌ها، سازمان‌ها و مؤسساتی که به نوعی با تعلیم و تربیت، آموزش، گسترش بهداشت روانی و اصلاح و تربیت قشر نوجوان سروکار دارند، می‌توانند از طریق برگزاری کارگاه‌های آموزش تفسیر قرآن به سلامت روان و افزایش مهارت‌های آنان کمک نمایند.

1-5. از طریق رسانه‌های گروهی و با بهره‌گیری از کارشناسان مجرب، به آموزش تفسیر قرآن به عنوان یک برنامه همگانی پرداخته شود، تا ضمن اطلاع رسانی در خصوص تأثیر مثبت آموزش تفسیر قرآن، همه سطوح جامعه به ویژه کودکان و نوجوانان با اهمیت این برنامه و تأثیر مثبت آن بر ابعاد گوناگون سلامت روان و عزّت‌نفس آشنا شوند.

**2. پیشنهادات پژوهشی:**

تکرار این پژوهش با لحاظ کردن مؤلفه‌های دیگر سلامت می‌تواند به نتایج دقیق‌تری ختم شود.

1. بسیاری از عوامل هستند که همزمان و همراه با کلاس‌های تفسیر قرآن در زندگی فرد وارد می‌شوند که ممکن است تأثیر مثبت کلاس‌ها، مربوط به این عوامل باشد. به عنوان مثال، ممکن است این تأثیر مذهب به دلایل سیستم‌های حمایتی باشد که در جامعه مذهبی و بین افراد معتقد وجود دارد و آنها را به همدیگر پیوند می‌زند. تکرار پژوهش با کنترل موارد مذکور توصیه می‌شود.

2. ممکن است این نوع کلاس‌ها ارزیابی‌های شناختی فرد را از محیط اطرافش تغییر دهد و این نوع نگاه تازه به زندگی باعث شود تا او بتواند سالم‌تر زندگی کند و بهتر با شرایط کنار بیاید و بنابراین کمتر بیمار شود. این سؤالی است که پژوهش‌های تازه ای برای پاسخ به آنها مورد نیاز است.

**منابع**

آقاجانی، مریم، بررسی تأثیر آموزش مهارت های زندگی بر سلامت روان و منبع کنترل نوجوانان، پایان نامه کارشناسی ارشد روان شناسی عمومی، دانشگاه الزهرا، 1381.

ابن حنبل، احمد، المسند، بیروت، بیت الافکار الدولیه، 2005م.

اس ام، استلزبرگ، ماری بالیر لوی، و لیندای وایت، مشارکت دینی در اوان بزرگسالی و تأثیرهای سن و چرخۀ زندگی خانوادگی بر عضویت در کلیسا، 1995م.

اسماعیلی، محمد، بررسی اثر آموزش درس مهارت های زندگی در تعامل با شیوه های فرزند پروری بر عزّت‌نفس دانش‌آموزان استان اردبیل، فصلنامه پیام مشاوره، سال سوم، شماره 6، 1380.

افروز، غلامعلی، اختلالات یادگیری، انتشارات دانشگاه پیام‌نور، 1383.

امام خمینی، اربعین حدیث، ص 385 تا 395 (با تلخیص و گزینش)، بیتا.

باپیری، امید علی، بررسی اثر بخشی روش آموزش مهارت های گروهی حل مسأله در درمان نوجوانان اقدام کننده به خودکشی در ایلام، پایان نامه کارشناسی روان شناسی بالینی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران، انستیتو روان پزشکی تهران، 1376.

برگین و همکاران، تاثیر جهت‌گیری مذهبی درونی بر عزّت‌نفس، بردباری و سلامت روان، م1987.

به پژوه، احمد، مهدی خانجانی، محمد حیدری، و یکتا شکوهی، بررسی اثربخشی آموزش مهار تهای اجتماعی بر عزّت‌نفس دانش‌آموزان نابینا، مجلات پژوهش در سلامت روان شناختی، دانشگاه تربیت معلم تهران: قطب علمی روان شناسی استرس، دوره اول، شماره سوم، 1386.

بیگلو، حسن، بررسی میزان موفقیت و تاثیر کلاس‌های آموزش خانواده در افزایش اطلاعات و آگاهی های شرکت کنندگان، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحدتهران مرکز، 1374.

پاین، تاثیر دینداری بر میزان عزّت‌نفس و سازگاری بین فرد و رضایت از زندگی، 6-7، 1991م.

پورشافعی، احمد، بررسی رابطه عزّت‌نفس با پیشرفت تحصیلی، پایان نامه كارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تربیت معلم، 1370.

پیروزمند، علیرضا، بررسی تحلیلی الگوی فعالیت زنان در جهان معاصر، 1380.

تكفام، ویلیامز، سلامت عمومی و مذهب، 27-28، 1997م.

-ثمری، علی اکبر واحمد لعلی فاز، مطالعه اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی بر استرس خانوادگی و پذیرش اجتماعی، فصلنامه اصول بهداشت روانی سال هفتم، بهار و تابستان، شماره بیست و پنج و بیست و شش، 55-47، 1384.

دلاور، علی، روشهای تحقیق در روانشناسی، انتشارات دانشگاه پیام‌نور، 1383.

رایکمن، بررسی تاثیر فعالیت‌های اجتماعی مذهبی بر سلامت و افسردگی دانشجویان، 12-13، 1990م.

سلون، فعالیت‌های مذهبی و بیماری، 2-3، 1992م.

سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، بیروت، دارالکتب العلمیه، 1411ق.

شرونگیر وادلستن، نگرش مذهبی در سلامت عمومی، 2004ق.

شریفی، غلام رضا، بررسی اثر بخشی آموزش مهارت حل مسئله در درمان علائم افسردگی نوجوانان شاهد، پایان نامه کارشناسی ارشد روان شناسی بالینی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران، انستیتو روان‌پزشکی تهران، 1372.

حاکم نیشابوری، مستدرك علی الصحیحین، بیروت، دارالمعرفه، 1411ق.

حقیقی، جمال، محمد موسوی، هنرمند مهراب زاده، و کیومرث بشلیده، بررسی تأثیر آموزش مهارتهای زندگی بر سلامت روانی و عزّت‌نفس دانش‌آموزان دختر سال اول مقطع متوسطه، مجله علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره سوم، سال سیزدهم، شماره 1، 78-61، 1385.

خاتونی، بررسی تاثیر شنیدن آوای قرآن بر كاهش اضطراب بیماران قلبی، انتشارات نشر الهادی، 1376.

عادل پور، محمد حسین، قرآن از جوانان چه می‌گوید، انتشارات نشر روح، 1384.

عبدالهی، حسین، فرهنگ اسلام شناسان خارجی، نشر مطبوعاتی مطهر، 1362.

علاء البصری، الحافظ، راهنمای حفظ قرآن، ترجمه محمد مهدی رضایی، انتشارات نشر الهادی، 1379.

طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، (ترجمه)، ج 1، 500-509.

مجلسی، محمدباقر، حیوه القلوب، تهران، دارالخلافه، 1241ق.

محمدی، سعید، بررسی اثربخشی آموزش مدیریت خشم بر كاهش الگوهای خشونت در روابط زوجین مراجعه‌كننده به شورای حل اختلافات شهر قزوین، پایان‌نامه كارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، تهران، دانشكده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه تربیت معلم، 1385.

ملكی، صدیقه، بررسی تأثیر آموزش گروهی مهارت كنترل خشم بر پرخاشگری نوجوانان راهنمایی منطقه 2 كرج، پایان‌نامه كارشناسی ارشد مدیریت خدمات پرستاری، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، 1385.

یادآوری، ماندانا، تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر سلامت عمومی، عزّت‌نفس و خود ابرازی دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه شهرستان اهواز، پایان نامه کارشناسی ارشد روان شناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اهواز، 1383.

وردی، مینا، بررسی تأثیر آموزش مهارت های زندگی بر ابراز وجود، عزّت‌نفس و مسئولیت پذیری دانش‌آموزان دختر سال اول متوسطه ی آموزش و پرورش ناحیه ی یک اهواز، شورای تحقیقات سازمان آموزش و پرورش استان خوزستان، 1383.

Ahmadian,M. (2009). The effect of life skills education on developmental disabilityEuropean Psychiatry, Volume intellectual and 24,Supplement 1 , Page S851.

Alan,G.(1999).The psychology of fearand stress. cambridge university press.

Beer J. Depression and self-esteem of teachers. Psychol Rep 1987 Jun; 60(3 Pt 2): 1097-8.

Bo, W, Xiaoming Li, Bonita, S, Xiaoyi ,F. (2010).The influence of social stigma and discriminatory experience on psychological distress and quality of life among rural-to-urban migrants in China Social Science & Medicine, In Press, Corrected Proof, Available online 27 March.

Botvin. G.J.kantor. L.W(2000).Perrenting alcohol and Tabaccouse

Cooper-Smith S. SEI, self-esteem inventory. Palo-Alto: Consulting Psychologists Press. 1986.

Filozof EM, Albertin HK, Jones CR, Steme SS, Myers L, McDermott RJ. Relationship of adolescent self-esteem to selected academic variables. J Sch Health 1998 Feb; 68(2): 68-72.

Grossman R. & Wirt R.. (٢٠٠۴). Stress, selfesteem, and mental health: How does gender make a difference. Journal of clinical psychology, vol.۶٨ , ٨pp.۵٧-۶٨

Hooman A. [Standardisation of general health questionnaire (GHQ-28): a survey on BA students(Persian)]. 1st ed. Tehran: Research Institute Publication, Teacher Training University 2005; 18-23.

Hotopf, M., Sharp, D. lewis, G. What is the name?: Comparison of four psychiatric assessments. Social psychiatry & psychiatric Epidemiology. 1998 jan, 33(1): 27-31.

Iwata . N, siato, K . the factor structure of the 28-item GHQ when used in japenese early adolescents & adult employees: Age & cross Cultural Camparisons European archive of psychiatry & clinical neuroscience, 1992 Des, 242(2-3): 172-178

Lazarus, R. S. Adjustment and personality. New York: McGraw-Hill, 1961.

Martin, I. Jones, D. (2009). Exploring the life skills needs of British adolescent athletesPsychology of Sport and Exercise, Volume 10, Issue 1, January, Pages 159-167.

Maslow.A.H.Self actualization and beyond in B.F.T. Challenge of humanistic psychologenewyork .mcgraw press. 2000

-Matthew, M. Kurtz, J. C. Seltzer, M, F, Dana, S, Bruce E. Wexler.(2009). Referenc Predictors of change in life skils in Schizophrenia Research after congnitive remediation. Volume 107, Issues 2-3,February, Pages 267-274.

Mayne, T.J.& Ambrose, T.K. (1999). Research Rewiew on Anger in Psycho therapy. Journal of clinical Psychology. Vol. 55 (3). PP.275-282.

Millon .J.et al. Personality and its disorders. John wiley and sons. Newyork.1985

Mishara,B.L&ystgaard,M.(2006).Effectiveness of mental health promotion program to improve coping skills in young children:Zippos friends.Early child hoold Research Quarterly,21:110-123.

Muijs RD. Predictors of academic achievement and academic self-concept; a longitudinal perspective. Br J Educ Psychol 1997 Sep; 67 (Pt 3): 263-77.

Mullis AK, Mullis RL. Vocational interests of adolescents: relationships between self-esteem and locus of control. Psychol Rep 1997 Dec; 81(3 Pt 2): 1363-71.

Papassotrio, A. Heun, Maier, W. Age & cognitive impairment influence the performance of the GHQ. Comprehensive psychiatry , 1997 Nov - Des, 38(6) : 335-340.

Philpot VD, Holliman WB, Madonna S. Self-statements, locus of control, and depression in predicting self-esteem. Psychol Rep 1995 Jun; 76(3 Pt 1): 1007-10.

Mathews DB, Barbara L. Anxiety: a component of self-esteem. Elementary School Guidance and Counseling 1989; 24(2): 153-9

Smith EE, Nolen-Hoeksema S, Fredrickson B, Loftus G. Atkinson and Hilgard's introduction to psychology. 14th ed. New York: Wadsworth Publ. 2002.

Tashakkori A, Thompson VD. Gender, self-perception and self evaluation in depression: a factor analysis study among Iranian college students. Personality and Individual Differences 1998; 10(3): 341-54.

Turner, N.E,Macdonald J ,somerset, M.(2008).life skills,Mathematic all reasoning and critical thinking :Acurricul for tprevention of problem gambling,journal of Gam bling studies new York :24(3).

Vanessa, J., Sarah S. Jaser, Evie Lindemann, Pamela Galasso, Alison Beale, Marita, G, Holl, M. Grey(2010).Coping Skills Training in a Telephone Health Coaching Program for Youth at Risk for Type 2 Diabetes Journal of Pediatric Health Care, In Press, Corrected Proof, Available online 4 February.

Victoria, W., Karina, W, Rainer, K. S. (2009).The life skills program IPSY: Positive influences on school bonding and prevention of substance misuse.Journal of Adolescence, Volume 32, Issue 6, December, Pages 1391-1401.

Wichroski, A.(2000).preliminary an alysis of family life Skill program. Presented at the national association for welfare research and statistics annual workshop, Cleveland, Ohio, August, 10.

**نظریۀ عدالت نفسانی حداقلی در ائمۀ جماعت مساجد**

**حسین کاویار**[[466]](#footnote-466)

**چکیده**

شرایطی که رعایت آن در مورد امام جماعت، ضروری است، برخی مربوط به میزان درک و شعور و قدرت تعقّل و تشخیص وی است؛ مانند شرط بلوغ و عقل و برخی مربوط به اعتماد به امام و اطمینان از او می‌باشد مانند شرط عدالت. احراز عدالت امام جماعت، مورد اتّفاق کلیۀ فقهاء است. اما در این که عدالت، صِرف حُسن ظاهر است یا این که عدالت مجرّد ترک معاصی است یا این که عدالت عدم انجام معاصی از روی ملکه است یا ملکه‌ای نفسانی که فرد را به تقوی و مروّت وادار می‌کند، بین فقهاء اختلاف است. در جمع بین نظریات مزبور می‌توان قائل به «عدالت نفسانی حدّاقلی» شد که اثبات و تحقّق آن مشکل نیست. استمرار و عادت به تقوا و میانه‌روی و رفتار بهنجار در اجتماع همان کیفیت آرمانی و راسخ در ذهن است که عدالت نفسانی حدّاقلی نامیده می‌شود. ملاک اعتبار آن نیز، حال متعارف امام جماعت است.

**واژگان کلیدی:**

امام جماعت، عدالت فعلی، عدالت نفسانی، عدالت نفسانی حدّاقلی، حالت متعارف.

**مقدمه**

در یک نماز جماعت، شرایطی در امام جماعت لازم است. این شرایط، برخی مربوط به میزان درک و شعور و قدرت تعقّل و تشخیص امام دارد؛ مانند شرط بلوغ و عقل و برخی مربوط به اعتماد به وی و اطمینان از او می‌باشد؛ مانند شرط عدالت.

یکی از مهم ترین شرایط امام جماعت، «عدالت» است. در ارتباط با معیار عدالت امام برخی از فقهاء «عدالت نفسانی» و عده‌ای دیگر «عدالت فعلی» را مطرح کرده‌اند. بر اساس عدالت نفسانی، اصل بر عادل نبودن امام است و عدالت وی نیاز به اثبات دارد. اما بر مبنای عدالت فعلی، اصل بر عادل بودن امام است. هر یک از دو دیدگاه مزبور به لحاظ مبانی فقهی، امکان وقوع و کاربرد اجرایی آن موافقان و مخالفانی دارد. که در این مقاله به ارزیابی ادلّۀ هر دو دسته می‌پردازیم.

دیدگاه ما، در این نوشتار این است که در جمع بین دو نظریۀ مزبور می‌توان قائل به «عدالت نفسانی حدّاقلی» شد که اثبات و تحقّق آن چندان دشوار نیست. ضرورت و اهمیت نظریۀ مزبور این است که اولاً برخلاف تصوّر کسانی که فقط عدالت فعلی را پذیرفته‌اند، عدالت نفسانی به طور کلی منتفی نمی‌شود؛ ثانیاً امکان تحقق آن و اتّصاف امام جماعت به آن وجود دارد.

**الف) مفهوم‌شناسی عدالت**

عدالت در لغت به معنای استقامت (محقق اردبیلی، 1404، ج 12، 307؛ دهخدا، 1377، ج 10، 15764) و مساوات (راغب اصفهانی، 1404، 326) است. عدل را چیزی دانسته‌اند که فطرت انسان به استقامت و درستی آن حکم کند و ضدّ جور است؛ به این دلیل، عدل یکی از اسمای باری تعالی است؛ چرا که او میل به هوی پیدا نمی‌کند. (ابن‌منظور، 1405، ج 9، 83) اما از نظر اصطلاحی در هر علمی تعریف خاصی از آن ارائه شده است که همۀ آنها با معنای لغوی مناسبت دارد.

دربارۀ تعریف عدالت از منظر فقهاء اتفاق نظر وجود ندارد و همین امر یکی از موانع عمده در نیل به عدالت امام جماعت است. فقهاء، عدالت را به صور مختلف تعریف کرده‌اند که در قسمت بعد، این تعاریف را تجزیه و تحلیل می‌کنیم.

**ب) اقوال فقهاء پیرامون عدالت**

فقهای اهل سنت و امامیه تعاریف مختلفی از عدالت ارائه داده‌اند که به شرح ذیل قابل تقسیم‌بندی است:

1 - برخی، عدالت را به حسن ظاهر تعریف کرده‌اند. این قول را به جماعتی بلکه اکثر قدماء نسبت داده‌اند. (نجفی، 1362، ج 40، 114؛ موسوی‌گلپایگانی، 1401، ج 1، 207) برخی دیگر در تعریف عدالت، از مصادیق حسن ظاهر استفاده کرده‌اند و عدالت را به اسلام و عدم فسق تعریف کرده‌اند. (شیخ مفید، 1410، 726-725؛ شیخ طوسی، 1351، ج 8، 218-217؛ نراقی، 1419، ج 18، 71-70؛ سبزواری، بی‌تا، ج 2، 305؛ سید عاملی، 1410، ج 4، 67؛ کاشانی حنفی، 1409، ج 6، 266؛ سرخسی، 1406، ج 16، 121؛ سمرقندی، 1414، ج 3، 364-362) شیخ طوسی در خلاف (1417، ج 6، 218-217) بر این برداشت از عدالت، ادعای اجماع کرده است. بر اساس این تعریف همین که انسان مسلمان باشد و فسقی از او صادر نشده و دارای ظاهری خوب باشد عادل محسوب می‌گردد. شیخ طوسی در مبسوط (1351، ج 8، 218) گوید: «عدالت در عرف اهل شرع به این معناست که فرد در دین و مروّت و احکام الهی عادل باشد، پس عادل در دین این است که فرد، مسلمان بوده و فسقی از او سر نزده باشد و از اموری که مروّتش را ساقط کند، اجتناب نماید».

2 - گروهی دیگر معتقدند که عدالت عبارت است از مجرّد ترک معاصی (صغیره و کبیره) یا تخصیصاً ترک گناهان کبیره. (ابن حمزه، 1408، 230؛ محقق حلی، 1409، ج 4، 912-911؛ سبزواری، بی‌تا، ج 2، 304؛ فاضل الآبی، 1408، ج 2، 492؛ ابن ادریس، 1411، ج 2، 118-117؛ ابن براج، 1406، ج 2، 560-555؛ حلبی، 1403، 435؛ شربینی، 1958، ج 4، 427)

3 - گروهی دیگر، معتقدند که عدالت عبارت است از اجتناب از کبائر، حفظ از صغائر و محافظت بر مروّت. این تعریف را علمای مالکی (جندی، 1416، 234؛ حطاب الرعینی، 1416، ج 8، 164-161؛ دسوقی، بی‌تا، ج 1، 495؛ ابو برکات، بی‌تا، ج 4، 164) و فقهای حنبلی (قدامه، بی‌تا، ج 12، 32؛ بهوتی، 1418، ج 6، 530) بیان کرده‌اند.

4 - عده ای دیگر از فقهاء معتقدند که عدالت عبارت است از استقامت (عدم انجام گناه) عملی که از سر ملکه و حالت پایدار درونی باشد. (شیخ صدوق، 1418، 225-224؛ ابن حمزه، 1408، 208؛ ابن براج، 1406، ج 2، 556؛ شیخ مفید، 1410، 726-725؛ شیخ طوسی، 1351، ج 8، 217؛ شیخ طوسی، بی‌تا، 325؛ محقق حلی، 1409، ج 4، 911) بر اساس این تعریف، صرف ترک گناه منجر به اتّصاف فرد به عدالت نمی‌شود بلکه باید عدم ارتکاب معصیت (صغیره و کبیره) ناشی از ملکۀ درونی باشد.

5 - مشهور فقهای امامیه بعد از علامه یعنی از شهید اول به این سو، عدالت را ملکه‌ای نفسانی می‌دانند که فرد را بر تقوی و مروّت وادار می‌کند.[[467]](#footnote-467) (علامه حلی، 1413، ج 3، 494؛ شهید اول، 1372، ج 2، 250؛ شهید اول، 1414، ج 2، 125؛ شهید ثانی، 1416، ج 14، 169؛ فخر المحققین، 1389، ج 4، 420-419؛ فاضل هندی، 1405، ج 2، 370؛ بحرانی، بی‌تا، ج 10، 23؛ خوانساری، 1355، ج 1، 491؛ نجفی، 1362، ج 13، 294؛ محقق کرکی، 1412، ج 3، 177؛ محقق اردبیلی، 1404، ج 2، 351؛ نراقی، 1419، ج 18، 64؛ موسوی‌خمینی، 1390، ج 2، 442)

**ج) ارزیابی اقوال مطروحه**

پس از ذکر دیدگاه فقهاء پیرامون عدالت، به ارزیابی آنها می‌پردازیم:

**1.ارزیابی دیدگاه اول:**

بی‌تردید قول اول، طریقی از طرق جهت تحصیل عدالت است نه نفس عدالت. مسلمان بودن، عدم ظهور فسق و نیز حسن ظاهر طرق احراز عدالت هستند نه اینکه نفس عدالت باشند. به همین خاطر گروهی از فقهاء (شهید اول، 1272، 267؛ شهید اول، 1414، ج 1، 218؛ کرکی، 1412، ج 1، 126؛ نجفی، 1362، ج 13، 281؛ ابن فهد حلی، 1409، 422؛ نراقی، 1419، ج 18، 84؛ انصاری، 1414، 8) این دو مطلب را تحت عنوان «آنچه بدان عدالت شناخته می‌شود»، آورده‌اند.

شهید اول (1414، ج 1، 218) می‌گوید: «صرف مسلمان بودن و اعتماد بر حسن ظاهر، در احراز عدالت کفایت نمی‌کند بر خلاف دیدگاه ابن جنید». عبارتی که از ابن جنید در ذخیره المعاد (محقق‌سبزواری، بی‌تا، ج 2، 305) نقل شده مبنی بر اینکه «کلیۀ مسلمین بر عدالت هستند مگر اینکه خلاف آن ثابت شود» بر وجوب حکم بر عدالت مسلمین دلالت می‌کند نه اینکه معنای واقعی عدالت این باشد. واضح‌تر از کلام ابن جنید، کلام شیخ طوسی در خلاف (1417، ج 6، 218-217) است، آنجایی که شیخ سخنی ذکر نکرده جز عدم وجوب بحث از عدالت شهود، هر گاه اسلام آنها شناخته شده باشد. دلایلی هم که بدان استناد می‌کند اجماع امامیه و اخبار آنهاست و همچنین اینکه اصل در فرد مسلمان، عدالت وی است و فسقی که بر او عارض می‌شود، نیازمند به دلیل است. (الأصل فی الاسلام العداله، و الفسق طار علیه یحتاج الی الدلیل)

صاحب جواهر (نجفی، 1362، ج 13، 281 و 299) نیز گوید: «قول اصحابی که می‌گویند: عدالت عبارت است از حسن ظاهر، خالی از مسامحه نیست، زیرا حسن ظاهر فی نفسه عدالت نیست، بلکه عدالت غیر از حسن ظاهر است و حسن ظاهر طریق به سوی عدالت است». ایراد دیگری که این دیدگاه دارد این است که اگر ملاک عدالت، حسن ظاهر و عدم ظهور فسق باشد لازمه‌اش این است که فردی در ظاهر عادل باشد ولی در واقع فاسق، به طوری که نزد مردم ظاهرش را حفظ کند اما دور از انظار آنان مرتکب فسق گردد. (نجفی، 1362، ج 40، 115)

اگر عدالت را عدم ظهور فسق و حسن ظاهر بدانیم، این مطلب اقتضا می‌کند که وجود واقعی عدالت، عین وجود ذهنی آن باشد در حالی که فسق که ضدّ عدالت است امری واقعی بوده و وجود ذهنی ندارد. وقتی دو چیز با همدیگر متضاد باشند باید در موارد آنها، هم تضاد وجود داشته باشد یعنی اگر وجود واقعی و ذهنی عدالت عین هم باشد باید وجود واقعی و ذهنی فسق هم که ضدّ عدالت است عین هم باشد. بنابراین کسی که در علم باری‌تعالی مرتکب گناه کبیره شود و این گناه بر کسی روشن نشود، لازم می‌آید که این فرد هم عادل باشد و هم فاسق؛ زیرا فرض بر این است که وجود واقعی عدالت عین وجود ذهنی آن باشد. (انصاری، 1414، 10-9؛ آشتیانی، 1404، 63-62؛ حسینی‌مراغی، 1417، ج 2، 736) علامه مظفر (1408، 48) گوید: «ضدان، دو امر وجودی هستند که متعاقب بر موضوع واحد بار می‌شوند و اجتماع دو امر وجودی ضدّ همدیگر در یک شیء واحد متصوّر نیست و تعقّل یکی از آن دو بر تعقّل دیگری متوقّف نیست».

پس روشن شد که عدالت و فسق که ضدّ هم هستند باید در تمامی جنبه‌ها با همدیگر ضدّیت داشته باشند یعنی اگر عدالت در واقعیت و ذهنیت یکی باشد فسق هم در واقعیت و ذهنیت باید یکی باشد، چه اینکه در غیر این صورت ضدّ همدیگر نیستند.

**2. ارزیابی دیدگاه دوم:**

قول دوم حاکی از این است که هر کس مرتکب معصیت کبیره نشود و اصرار بر معصیت صغیره نداشته باشد، عادل است. در این تعریف صرف «ترک»، ملاک عدالت دانسته شده است و اهتمامی به این مطلب ندارد که عدالت صفت نفسانیه است یا هیئت راسخه یا ملکه. اما باید دانست که صرف عدم ارتکاب معاصی (کبیره و صغیره) نمی‌تواند عین عدالت باشد ولی می‌تواند اماره‌ای بر عدالت باشد؛ زیرا عدالت از حالات نفسانی است. چه بسا ممکن است ترک معاصی به خاطر ترس از مردم، به طمع اعتبار اجتماعی پیدا کردن یا قدرت نداشتن به گناه باشد که هیچ کدام از این موارد نشان‌دهندۀ آن حالت نفسانی نیست؛ زیرا عدالت باید مبیّن چنان حالتی باشد که فرد علی رغم قدرت بر انجام معاصی، مرتکب آنها نمی‌شود.

امام خمینی (1390، ج 2، 442) عدم ارتکاب کبائر و نیز عدم اصرار بر صغائر را از جمله صفات فرد عادل می‌داند، منتها آن را ناشی از حالت نفسانیه یا ملکه‌ای می‌داند که در فرد راسخ شده و مانع و رادع است از اینکه فرد دچار معصیت شود.

**3. ارزیابی دیدگاه سوم:**

عده‌ای از علمای مالکی و حنبلی برای احراز عدالت سه قید را ذکر کرده‌اند: اجتناب از کبائر، حفظ از صغائر و محافظت بر مروّت. ایرادات وارده به دیدگاه پیشین بر این دیدگاه نیز وارد است. همچنین بررسی قید سوم (محافظت بر مروّت) در ارزیابی دیدگاه پنجم خواهد آمد.

**4. ارزیابی دیدگاه چهارم:**

بنابر قول این دسته از فقهاء عادل کسی است که استقامت عملی ناشی از ملکه داشته باشد. بنابراین کسی که گناهی نکرده و از طرفی ملکه هم نداشته باشد، عادل نیست. به عبارت دیگر، ممکن است کسی ملکه داشته باشد ولی مرتکب گناه شود در این صورت چنین فردی عادل نیست و ممکن است کسی ملکه نداشته باشد ولی گناه هم مرتکب نشده باشد، چنین فردی هم عادل نیست. شیخ انصاری (1414، 7) می‌گوید: «این معنی از عدالت، ظاهر کلام پدر شیخ صدوق است آنجایی که در رساله‌ای که خطاب به فرزندش نگاشته، یادآور می‌شود: نماز مخوان مگر پشت سر دو نفر: اول کسی که اطمینان به دین و ورع او داری و دوم کسی که شمشیر و شلّاقش را نگه دارد». پدر شیخ صدوق در این نامه در واقع به همین دو مطلب اشاره می‌کند و به فرزندش می‌گوید: پشت سر عادلی نماز بخوان که اطمینان و اعتماد به دین و ورع او داری یعنی اطمینان داری که در او ملکه رادع و مانع، وجود دارد. همچنین در عرصۀ عمل نیز او را آزموده باشید، بدین صورت که دچار غضب نشود.

شیخ انصاری ذیل همین معنی از عدالت چنین می‌گوید: «ملکۀ اجتناب، مستلزم اجتناب نیست و همچنین ترک گناه کبیره مستلزم ملکه نیست». (پیشین) این عبارت شیخ، خالی از مسامحه نیست. مگر نه اینکه طبق این دیدگاه، عدالت عبارت است از ملکه‌ای که مانع و رادع باشد یعنی فرد صاحب ملکه را از ارتکاب گناهان کبیره و اصرار بر گناهان صغیره باز دارد؛ پس چگونه ممکن است ملکه مستلزم اجتناب نباشد؟ به عبارت دیگر، ملکه و اجتناب، لازم و ملزوم یکدیگرند و حتی وقتی فرد مرتکب کبیره نمی‌شود (اگر چه ملکه نداشته باشد) همین عدم ارتکابش بی‌جهت نیست. در هر حال پدیده‌ای در او وجود دارد که مانع از ارتکابش به کبیره می‌شود. اگر منظور شیخ از این عبارت «ملکۀ اجتناب مستلزم اجتناب نیست» این است که فرد صاحب ملکه، می‌تواند مرتکب گناه شود اما به واسطۀ ملکه این کار را نمی‌کند وفاق حاصل است؛ در غیر این صورت راه هموار می‌شود برای آنانی که عدالت را در اسلام و عدم صدور فسق جستجو می‌کنند.

ایرادی که بر این تعریف وارد است این است که معلوم نیست عدم انجام گناه (استقامت عملی) به معنای عدم صدور معصیت به طور کلی است یا خیر. اگر به معنای عدم صدور معصیت به طور کلی باشد، در احراز عدالت با مشکلاتی صعب العبور مواجه خواهیم شد از جمله:

(1) عدم صدور معصیت، صرفاً مختص به مقام عصمت است؛ (وحید بهبهانی، 1417، 758)

(2) انسان عادل بسیار اندک و چه بسا اصلاً وجود نداشته باشد و مردم به خاطر نیافتن عادل دچار عسر و حرج می‌شوند. توضیح اینکه، عدالت در موارد متعددی همچون مجتهد جامع الشرائط، امام جماعت، قاضی و شاهد شرط لازم است، با چنین برداشتی از عدالت، مردم، فرد عادلی را در جامعه پیدا نمی‌کنند و لازم می‌آید بخش‌های مختلفی از نظام اجتماعی تعطیل شود که با اصل «نفی عسر و حرج» سازگار نیست. لذا با تمسّک به اصل نفی عسر و حرج «**وَ مَا جَعَلَ عَلَیْکُمْ فِی الدِّینِ مِنْ حَرَجٍ**» (حج: 78) باید گفت اجتناب از معاصی نمی‌تواند به معنای عدم صدور معصیت باشد. (فاضل مقداد، 1343، ج 2، 53؛ وحید بهبهانی، 1419، 25) این ایراد بر دیدگاه پنجم نیز وارد است.

**5. ارزیابی دیدگاه پنجم:**

مشهور فقهای امامیه بعد از علامه، عدالت را ملکه‌ای نفسانی می‌دانند که به صورت «تقوی» و «مروّت» بروز می‌یابد. می‌دانیم که ملکه واجد این خصوصیت است که زود از بین نرود و به سرعت هم تحقّق نیابد. با لحاظ این مبنا، ایرادی که بر این تعریف وارد است را با دو مقدمه و یک نتیجه بیان می‌کنیم:

مقدمه 1- اگر انسان کار منافی عدالت یا منافی مروّت انجام دهد، عدالتش از بین می‌رود؛

ݢݢمقدمه ۲- اگر فرد انجام دهندۀ کار منافی عدالت یا منافی مروّت، توبه کند عدالتش بر می‌گردد؛

نتیجه اینکه لازم دانستن قید ملکه در تعریف عدالت با دو مقدمۀ فوق سازگار نیست؛ زیرا معقول نیست که بگوییم ملکه به سرعت زائل نمی‌شود اما با انجام کبیره، به سرعت از بین می‌رود و نیز معقول نیست بگوییم ملکه از اموری نیست که به سرعت ایجاد شود، اما به محض انجام توبه، برگردد و تحقّق یابد.

ایراد دیگری که این تعریف دارد این است که قید مروّت را در تعریف عدالت آورده است. برای توضیح این اشکال لازم است توضیحاتی در مورد مروّت بیان کنیم:

مروّت مأخوذ از «مرء» به معنی انسان است. (حسینی دشتی، 1385، ج 5، 301) فقهاء تعریفی از مروّت ارائه نکرده‌اند و فقط به ذکر مصادیقی از آن مثل خوردن غذا در معابر، پوشیدن لباس زن توسط فقیه، تردّد در معابر عمومی به صورت برهنه و ... پرداخته‌اند. (شیخ طوسی، 1351، ج 8، 217؛ ابن ادریس، 1411، ج 2، 117؛ علامه حلی، 1415، ج 8، 482؛ شهید ثانی، 1416، ج 14، 169؛ فاضل هندی، 1405، ج 2، 370) بنابراین می‌توان گفت مروّت یعنی اتّصاف شخص به امور پسندیده در زمان و مکان معین و از شخص معین. (جعفری‌لنگرودی، 1381، ج 5، 3313)

قائلین به اعتبار مروّت در تعریف عدالت به صحیحۀ عبدالله بن ابی یعفور استناد می‌کنند. از امام صادق سؤال شد: «عدالت فرد در میان مسلمین به چه چیز شناخته می‌شود تا شهادتش بر له یا علیه آنها مورد قبول واقع شود؟ امام فرمود: به اینکه او را به ستر و عفاف و کفّ بطن و فرج و ید و لسان بشناسند و شناخته می‌شود به واسطۀ اجتناب از کبائری که خداوند وعدۀ آتش بر آن داده است.»[[468]](#footnote-468) (شیخ صدوق، 1404، ج 3، 38؛ شیخ طوسی، بی‌تا، ج 3، 12؛ حرّعاملی، 1414، ج 27، 391) محلّ دلالت آنها ممکن است عباراتی از صحیحه باشد به شرح ذیل:

ݢݢ(۱) قول امام **«أن تعرفوه بالستر و العف**اف»؛ بنابراین که مراد از ستر، ستر عیوب شرعیه و عرفیه باشد.

(2) قول امام «**و کفّ البطن و الفرج و الید و اللسان**»؛ بنابراین که منافیات مروّت غالباً از شهوات جوارح است.

(3) قول امام «**و الدال علی ذلک کله أن یکون ساتراً لعیوبه**». (انصاری، 1414، 20)

مناقشۀ دلالت صحیحۀ ابن ابی یعفور: از دلالت اول نمی‌توان به اعتبار مروّت در عدالت پی برد؛ به خاطر اینکه مراد از ستر اولی، ستر فعلی نیست بلکه صفتی است که مرادف با عفاف است. در صحاح جوهری (جوهری، 1407، ج 2، 677) آمده: «رجل ستیر أی عفیف و جاریه ستیره أی عفیفه». در روایتی از امام حسن نیز چنین نقل شده است: «**سئل الحسن** **عن المروه، فقال: العفاف فی الدین و حسن التقدیر فی المعیشه و الصبر علی النائبه**.» (مجلسی، 1983، ج 68، 273؛ حرّعاملی، 1414، ج 11، 435) چگونه می‌شود منظور از ستر در صدر کلام، فعلی باشد در حالی که امام ستر عیوب را پس از ستر اولی دلیل بر عدالت دانسته است؟ از طرفی اگر مراد از ستر، تعلّق آن به عیوب شرعیه باشد نه عرفیه، پس حذف متعلّق، افادۀ عموم نمی‌کند.

از جملۀ دوم هم اعتبار مروّت در عدالت لازم نمی‌آید، به واسطۀ اینکه ظاهر از کفّ جوارح، کفّ آنهاست از معاصی این جوارح؛ نه مطلق معاصی که جوارح تمایل به آن دارند.

از جملۀ سوم هم مروّت در عدالت اعتبار پیدا نمی‌کند، به واسطه ی اینکه اولاً، مراد از عیوب، آن عیوبی است که ترک آنها در مفهوم عدالت أخذ شد، نه مطلق معاصی؛ چرا که اگر مطلق معاصی منظور باشد تخصیص اکثر لازم می‌آید؛ زیرا کبائر و منافیات مروّت در کنار خودشان، به تعبیر شیخ انصاری (1414، 21) مانند قطره هستند در کنار دریا. پس چاره‌ای نیست از اینکه آنها را بر عیوب شرعیه حمل کنیم. ثانیاً، نهایت چیزی که این جمله بر آن دلالت می‌کند این است که ستر منافیات مروّت از تتّمۀ طریق عدالت است نه اینکه برگرفته از نفس عدالت.

نتیجه اینکه، مروّت جزء ارکان عدالت نیست، بلکه شرطی مستقل در شاهد است همچون ایمان، عقل، بلوغ و عدالت.

با جمع اقوال مطروحه در باب عدالت امام جماعت پی می‌بریم به اینکه، طرفداران اقوال چهارم و پنجم قائل به عدالت نفسانی هستند و طرفداران اقوال اول، دوم و سوم قائل به عدالت فعلی. در بحث‌های آتی به بررسی ادلّۀ طرفداران هر یک از این دو دسته می‌پردازیم و نهایتاً به تحلیل رأی مختار.

**د) ادلّه‌ی طرفداران دیدگاه عدالت نفسانی**

عدالت نفسانی یعنی ملکه و حالت نفسانی که موجب می‌شود انسان گناه کبیره مرتکب نشود و اصرار بر گناه صغیره نداشته باشد. کسانی که معتقدند امام جماعت باید عدالت نفسانی داشته باشد، مهم‌ترین ادلّه‌شان به قرار ذیل است:

**1.اسلام**

عدم ظهور فسق و حسن ظاهر تا زمانی که به صورت ملکه در نفس انسان مستقر نشود، او را به ترک محرّمات وادار نمی‌کند، از این رو هر یک از عوامل مزبور طریقی به سوی عدالت است نه اینکه فی الذّات عدالت باشند. (نجفی، 1362، ج 13، 285) از آیت‌الله بهجت سؤال شد که آیا عدالت، حسن ظاهر است یا ملکه؟ ایشان پاسخ دادند: «عدالت ملکه است و حسن ظاهر کاشف از ملکه است». (بهجت، 1420، 20) به علاوه، اگر ملاک عدالت، حسن ظاهر و عدم ظهور فسق باشد، لازمه‌اش این است که فردی در ظاهر عادل باشد ولی در واقع فاسق. بدیهی است در این فرض چنین کسی عادل محسوب نمی‌شود.

شهید ثانی در مسالک (ج 13، 302) گوید: «اگر حاکم بر عدالت شهود آگاه باشد حکم می‌دهد و اگر بر فسق آنها عالم باشد بدون هیچ بحثی شهادت آنها را رد می‌کند و اگر در فسق و عدالت و اسلام آنها متشبّه باشد واجب است که تحقیق کند و اگر از اسلام آن شهود باخبر باشد و چیز دیگری نداند بر اساس عقیدۀ مشهور بین علماء، بالأخص متأخّرین باز هم واجب است که تحقیق کند و اکتفاء و اعتماد بر ظاهر مسلمانی آنان کافی نیست به جهت کلام باری‌تعالی «**وَأَشْهِدُوا ذَوَیْ عَدْلٍ مِّنکُمْ**» (طلاق: 2) و «**وَاسْتَشْهِدُواْ شَهِیدَیْنِ من رِّجَالِکُمْ**». (بقره: 281) قطعاً عدالت صفت جداگانه‌ای از اسلام است، زیرا شرط اسلام داخل در قول خداوند «**من رِّجَالِکُمْ**» است؛ چون که اصولاً خطاب خداوند مسلمانان است و عدالت، شرط قبول شهادت بر اساس قول خداوند است و جهل به شرط، مستلزم جهل به مشروط است».

**2. مضمون صحیحۀ ابن ابی یعفور**

این صحیح منقول از امام صادق دلالت بر مأمونیت، عفّت، صیانت و صلاح و غیر اینها از صفات نفسانیه در شاهد دارد. (نک: ارزیابی دیدگاه پنجم) بر اساس این روایت، عادل کسی است که به دلیل ورع و کفّ از محارم علاوه بر داشتن ملکۀ عدم انجام گناه، در مقام عمل نیز از گناهان اجتناب می‌کند؛ هر چند لازمۀ داشتن چنان ملکه‌ای، دوری از گناهان در مقام عمل است.

**3. اصل اشتغال ذمّه**

به دلیل اصل مذکور، عدالت امام جماعت باید نفسانی باشد، بدین صورت که ما علم داریم به اینکه اجتناب از معاصی وجود دارد ولی نمی‌دانیم آیا این اجتناب از ملکه است یا خیر؟ اصل عدم هم عدم وجود ملکه را ایجاب می‌کند.

شیخ انصاری (1414، 11) در این مورد می‌گوید: «**و یدلّ علیه مضافاً الی الأصل فتأمل، و الاتّفاق المنقول المعتضد بالشهره المحققه، بل عدم الخلاف. بناءً علی انّه لا یبعد ارجاع کلام الحلّی الی المشهور**». یعنی «دلالت می‌کند بر این قول [قولی که اجتناب ناشی از ملکه باشد] علاوه بر اصل [اشتغال‌الذمّه] فتأمل [فتأمل در اینجا اشاره به ضعف مطلب دارد؛ بدین مفهوم که مسلماً می‌دانیم که ترک معاصی شرط است، اما شک داریم که آیا ترک معصیت از روی ملکه شرط است یا خیر؟ و می‌گوییم خیر، نتیجۀ آن برائت ذمّه می‌شود] و علاوه بر اجماع منقولی که به واسطۀ شهرت محققه مورد تأیید قرار گرفته است، بلکه مطلب به گونه‌ای است که اختلافی در آن نیست. بنابراین که بعید نیست که کلام ابن ادریس حلی را به مشهور برگردانیم».

**4. اجماع منقول**

این اجماع که به واسطۀ شهرت محقّقه مورد تأیید قرار گرفته است، نیز دلالت دارد بر اینکه در امام جماعت، اجتناب از گناهان باید از روی ملکه باشد تا عدالت محرز گردد (پیشین).

**5. ادلّه‌ای که دلالت دارند بر اعتبار وثوق به دین امام جماعت و تقوی و ورع او**

یعنی تا زمانی که به دین امام جماعت و تقوی و ورع و عدالت او وثوق حاصل نشود نمی‌توان پشت سر او نماز خواند و میزان هم شناخت افراد است، یعنی مأمومین باید این صفات، خصوصاً عدالت را در او بیابند. (بحرانی، بی‌تا، ج 11، 207-206؛ طباطبایی‌یزدی، 1376، 80-78؛ طباطبایی‌یزدی، 1420، ج 3، 130؛ فاضل هندی، 1405، ج 4، 216؛ نراقی، 1419، ج 4، 169؛ نجفی، 1362، ج 11، 231؛ انصاری، بی‌تا، ج 1، 165) امام خمینی در تحریر الوسیله (1390، ج 1، 275) در مبحث شرایط امام جماعت می‌گوید: «بنا بر اقوی کسی که خودش را می‌شناسد که عدالت ندارد ولی مأمومین به عادل بودن او اعتقاد دارند جایز است که برای آنها نماز جماعت بخواند؛ اگر چه احتیاط آن است که نماز نخواند و این نماز جماعت صحیح است و احکام نماز جماعت بر آن مترتّب می‌شود». همچنین در ادامه گوید: «عدالت امام جماعت از هر راهی که ممکن است باید ثابت شود، مثلاً یا به شهادت دو شاهد عادل و شیوعی که موجب اطمینان باشد. در هر صورت باید عدالت امام جماعت ثابت شود و عدالت هم ملکه و صفت نفسانیه است که مانع و رادع بر انجام گناهان کبیره و اصرار بر صغیره می‌باشد؛ به عبارت دیگر اجتناب معاصی باید از ملکه باشد در غیر این صورت عدالت محرز نمی‌شود». (پیشین)

**هـ) ادلّۀ طرفداران دیدگاه عدالت فعلی**

عدالت فعلی که به عنوان صفت فعل محسوب می‌شود، عبارت است از این که فردِ متّصف به آن در جامعه به درستکاری، راستگویی و امانتداری معروف بوده و دارای حسن ظاهر باشد و از اموری که مروّتش را ساقط می‌کند، اجتناب نماید. (ایزدی‌فرد، 1386، 52) فقه وسیلۀ روانکاوی اشخاص را ندارد تا بتواند به ملکۀ عدالت دست یابد، پس ناچار باید به اماره‌هایی روی آورد که نشان وجود آن ملکه باشد. بارزترین نشانۀ حسن ظاهر، رفتار و کردار او در جامعه است. (کاتوزیان، 1385، ج 2، 41) طرفداران این نظریه علاوه بر تشکیک در ادلّۀ موافقان عدالت نفسانی، به دلایل دیگر نیز در اثبات نظریۀ خود استناد کرده‌اند:

1. بنا بر قاعدۀ صحت، اصل بر این است که تمام مسلمانان عادل هستند مگر خلاف آن ثابت شود. شیخ طوسی در خلاف می‌گوید: «اصل در فرد مسلمان، عدالت است و فسقی که بر او عارض می‌شود نیازمند به دلیل است. بنابراین مسلمانی که از او فسقی ظاهر نشده و از حسن ظاهر برخوردار باشد، با توجه به اصل صحت می‌توانیم عدالت او را استنباط کنیم». (1417، ج 6، 218)

2. در ارتباط با صحیحۀ ابن ابی یعفور، اگر به ادامۀ این روایت توجه شود کاملاً می‌رساند که حسن ظاهر و عدم فسق در عدالت شاهد کافی است و عدالت نفسانی به معنای احراز شرط ملکۀ عدالت در او لازم نیست. در ادامۀ روایت مذکور آمده شخص باید عیوب و لغزش‌های خود را بپوشاند و بر نمازهای پنج‌گانه و حضور در جماعت مسلمین همّت گمارد و اگر در مورد او از قبیله و محله‌اش سؤال شود، آنها بگویند: ما جز خیر و خوبی و اداء واجبات و ترک منهیئت از او ندیدیم.

3. در مورد اجماع باید گفت که اولاً اجماع منقولی که برای اثبات عدالت نفسانی ارائه شده، اجماع مدرکی بوده و حجّیت ندارد و امکان صدور فتوی برخلاف اجماع منقول وجود دارد. (مظفر، 1370، ج 2، 103-102؛ خویی، 1410، ج 2، 293) ثانیاً بر خلاف آن هم ادعای اجماع شده است. چنانکه شیخ طوسی (1417، ج 6، 218-217) عدالت فعلی را اجماعی می‌داند. ثالثاً اجماع در صورتی محقّق است که همۀ فقهاء بر آن توافق داشته باشند، در حالی که در مورد عدالت نفسانی چنین وفاقی وجود ندارد.

4. اصل اشتغال ذمه هم در اینجا کاربردی ندارد؛ زیرا مسلماً می‌دانیم که در فرد عادل ترک معاصی شرط است ولی شک داریم که آیا شرط مزبور باید از روی ملکه باشد یا خیر؟ اصل بر برائت ذمه بوده و همین که ترک معاصی تحقّق یابد کفایت می‌کند، هر چند که ناشی از ملکۀ نفسانی نباشد.

5. در آیه 282 سورۀ مبارکۀ بقره آمده: «در انتخاب شاهدان کسانی را برگزینید که شما از آنها راضی باشید». عبارت «**مِمَّن تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاء**» علاوه بر اثبات لزوم عدالت در شاهد، بیانگر آن است که رضایت داشتن مؤمنین نسبت به شاهد، نمایانگر عدالت اجتماعی اوست. از این رو بعضی از مفسرین (محقق اردبیلی، بی‌تا، 445؛ راوندی، 1405، ج 1، 400؛ فاضل مقداد، 1343، ج 2، 53؛ جصاص، 1415، ج 1، 610؛ طبری، بی‌تا، ج 3، 168) گفته‌اند: «**مِمَّن تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاء**» یعنی «**مِمَّن تَعرِفون عدالتهم**» و این دلالت دارد بر اینکه حسن ظنّ عمومی کفایت کرده و عدالت واقعی مراد نمی‌باشد.

فاضل مقداد ذیل آیه‌ 282 سورۀ بقره در بحث شهادت در معاملات دینی، برخلاف مشهور که قائل به عدالت نفسانی هستند، عدالت فعلی را کافی دانسته و گوید: «خداوند می‌فرماید: «**مِمَّن تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاء**» و این دلالت دارد بر اینکه شاهد باید از کسانی باشد که نسبت به صداقتش در امر شهادت حسن ظن داشته باشیم. در این صورت می‌توان به ظاهر عدالت آنها اکتفاء کرد و عدالت نفسانی شرط نیست و گرنه باید به جای عبارت مزبور جملۀ «**من المرضییّن من الشّهداء**» ذکر می‌شد، زیرا «مرضییّن» صفت ثابت در انسان بوده و اثبات عدالت نفسانی می‌کند. به علاوه اینکه اگر در شهادت، عدالت نفسانی شرط شود، در مقام عمل، یعنی شاهد گرفتن در معاملات، با مشکلات فراوان روبرو شده و استشهاد متعذّر می‌گردد» (فاضل مقداد، 1343، ج 2، 53) و این لازمه‌اش معطّل ماندن احکام مربوط به شاهد و شهادت و عدم قابلیت اجرایی آن در محاکم است. وحید بهبهانی می‌گوید: «اینکه ملاک عدالت حصول ملکه نسبت به کلّ معاصی باشد تحقّق آن بسیار مشکل و نادرالوقوع است و فقط در تعداد کمی از مردم ممکن‌الحصول است. از طرف دیگر، شرط عدالت از امور عامّ‌البلوی بوده و حاجات مردم به آن در عبادات و معاملات و ایقاعات زیاد است. حال اگر معیار عدالت، حصول ملکه در انسان نسبت به کلّ معاصی باشد، عسر و حرج پیش آمده و در نظم زندگی مردم اختلال به وجود می‌آید. وانگهی، ما قطع داریم که در زمان رسول خدا و ائمۀ اطهار امر به این منوال نبوده [به اینکه ملاک عدالت حصول ملکه در انسان نسبت به کلّ معاصی باشد] بلکه با تتبّع در روایات فراوان قطع حاصل می‌شود که معیار عدالت، بنا بر آنچه که فقهاء در مورد شاهد و امام جماعت گفته‌اند، حسن ظاهر، عدم ظهور فسق و عدالت فعلی است». (وحید بهبهانی، 1419، 26-25)

یکی از ثمرات مهمّ بحث این است که بر اساس عدالت نفسانی، اصل بر عادل نبودن امام جماعت بوده و عدالت وی نیاز به اثبات دارد، اما بر مبنای عدالت فعلی، اصل بر عدالت امام است. نکتۀ دیگر این است که بر اساس برداشت مزبور، عدالت امام موضوعیت دارد و از طریقیت خارج می‌شود. بنابراین، صرف اعتماد و وثوق به امام کفایت نمی‌کند، بلکه باید مسلمان و با مروّت باشد و بی‌مبالات در دین نباشد. (ایزدی‌فرد، 1386، 53)

**و) تحلیل رأی مختار بر مبنای عدالت نفسانی حدّاقلی**

چنان‌که آمد عده‌ای از فقهاء از جمله فاضل مقداد (1343، ج 2، 53) به عدالت فعلی در باب امام جماعت فتوی داده و استدلالش این است که تحقق عدالت نفسانی در همۀ افراد ممکن نیست. قولی که عدالت را به ملکه و هیئت راسخه تعبیر می‌کرد، به نظر مطرود می‌رسد؛ اگر مقصود این است که انسان در اثر ممارست تقوی و یا حتی ابتدائاً داعی قوی پیدا کند بر انجام تکالیف، به طوری که این انجام تکالیف گویی طبیعت ثانوی او شده است و بر سبیل استمرار در مقام انجام تکالیف است، نه تنها در مواردی این مطلب درست است لیکن لازم نیست این داعی صفت خاصّی باشد که در نفس پدید آمده است، کافی است مجرّد پروا و خوف از مقام باری‌تعالی، داعی این تداوم اطاعت شده باشد و اگر مقصود چیزی فراتر از این است، این مطلب درست نیست و ادلّه‌ای که اقامه کرده‌اند نمی‌تواند آن را اثبات کند. از جمله ادلّه‌ای که اقامه کرده‌اند استصحاب عدم ترتّب احکامی است که به عدالت مشروط شده‌اند مگر پس از تحقّق ملکه، لیکن این استصحاب محکوم است به اطلاقاتی که غالباً در موارد این احکام وجود دارد. مقتضای این اطلاقات این است که این احکام، مثلاً حجّیت فتوی، قضاء و مسائلی از این قبیل مطلق است و شامل می‌شود مواردی را که این ملکه در قاضی و مفتی وجود نداشته باشد و اجمال مقیّد به علت انفصال، به مطلق سرایت نخواهد کرد.

دلیل دیگری که قائلان به این قول به آن استناد کرده‌اند عناوین عدیده‌ای است که در احادیث احکامِ مشروط به عدالت به آنها تقیید شده‌اند، از قبیل عفیف، مأمون، مرضی، صالح و غیره. ادعا کرده‌اند که این صفات، از فضائل نفسانی کسانی است که به آنها متّصف شده‌اند و فضائل نفسانی جزء ملکات نفس نمی‌تواند باشد.

پاسخ اجمالی این دلیل آن است که عناوینی که در ادلّه آمده یکی خود عنوان عدالت است، که دانسته شد بر اعتبار ملکه به عنوان صفت ایجابی نفس دلالت ندارد، بلکه حدّاکثر بر ترک معصیت به نحو تداوم دلالت دارد و دیگر عناوینی است که در بالا به آن اشاره شد. این عناوین هم بر چیزی جز همان انجام تکالیف الهی به داعیِ ترس از خداوند، البته با وجود مقتضی عصیان، دلالت ندارد، مثلاً عنوان صائن از معصیت، دلالت ندارد مگر بر کسی که با وجود مقتضی نفسانی گناه، نفس خود را به ترک آن به داعیِ ترس از خداوند صیانت بخشد، مأمون کسی است که دیگران از شرّ او در امان هستند، مرضی کسی است که اعمال او مورد رضایت پروردگار است، صالح کسی است که به اعمال شایسته دست می‌زند. پس این عناوین هم بر چیزی فراتر از مفهوم عدالت دلالت ندارد.

ثمرۀ بحث، این است که چنانچه عدالت را ملکۀ اتیان واجبات و ترک محرّمات بدانیم در ترتیب آثار عدالت مانند حجّیت فتوی، اعتبار قضاء و شهادت باید ثبوت ملکه را احراز کنیم، چنانچه از آغاز در ثبوت آن شک داشته باشیم یا پس از احراز ثبوت در اثر ارتکاب معصیتی، یقین به زوال ملکه کرده باشیم، نمی‌توانیم آثار مزبور را مترتّب نماییم بلکه باید مجدّداً ثبوت آن را احراز کنیم. اما در صورتی که عدالت را نفس اتیان واجبات و ترک محرّمات به نحو استمرار بدانیم، علاوه بر این که احراز صفتی زائد بر آن نیاز نیست صرف ارتکاب گناه حتی کبیره چه رسد به صغیره مادام که با توبه و ندامت همراه باشد، زیانی نمی‌رساند. حدّاکثر در زمان ارتکاب گناه، شخص از عدالت خارج می‌شود، اما پس از آن، چنانچه دوباره بر تداوم اطاعت دست یابد، ترتیب آثار عدالت او بلامانع خواهد بود. خلاصۀ مطلب این که، در عدالت، حصول ملکه لازم نیست، کافی است انسان به داعیِ خوف از باری‌تعالی به اطاعت عملی خویش تداوم دهد.

از طرف دیگر به نظر بسیاری از فقهاء (شهید اول، 1272، 269-267؛ شهید اول، 1414، ج 1، 218؛ نجفی، 1362، ج 13، 281 و 299؛ سبزواری، بی‌تا، ج 2، 305؛ ابن فهد حلی، 1409، 422؛ نراقی، 1419، ج 18، 84 و 114؛ انصاری، 1414، 8) عدالت فعلی مانند اسلام و عدم ظهور فسق، حسن ظاهر، درستکاری و امانتداری طریق به سوی عدالت است و نمی‌تواند مقتضی نفس عدالت یعنی مروّت و تقوی باشد و با مقصود قانونگذار اسلام در باب حقوق و حدود که مبتنی بر سخت‌گیری و احتیاط است، سازگاری ندارد. وانگهی، عدالت امری درونی و از مقولۀ کیف است که موارد فوق بیانگر آن نمی‌باشد.

صرف‌نظر از استدلال‌های طرفین و نقض و ابرام آن، آنچه مسلّم به نظر می‌رسد این است که نمی‌توان در باب امام جماعت عدالت فعلی را بدون لحاظ ملکۀ نفسانی در نظر گرفت. از طرف دیگر، حصول ملکۀ عدالت نفسانی و احراز آن نسبت به کلّ معاصی، بسیار پیچیده و نادرالوقوع است و فقط در تعداد کمی از مردم (اگر تحقّق آن فرض شود) ممکن‌الحصول است؛ از این رو، در جمع بین دو نظریۀ مزبور می‌توان قائل به «عدالت نفسانی حدّاقلی» شد که اثبات و تحقّق آن مشکل نیست. استمرار و عادت به تقوا و میانه‌روی و رفتار بهنجار در اجتماع همان کیفیت آرمانی و راسخ در ذهن است که عدالت نفسانی حدّاقلی نامیده می‌شود.

ملاک اعتبار این ملکۀ نفسانی در امام جماعت، حال متعارف اوست نه حالت کمال وی. آیت‌الله خامنه‌ای گوید: «**لا یضرّ بذلک الّا اذا کان فی عرفِ المنطقه أمراً مستهجناً منافیاً للشأن المروه**». (خامنه‌ای، 1415، ج 1، 168) ملاک اعتبار ملکه، عرف زمان و مکان در شخصی خاص است.

بنابراین، آنچه در عدالت نفسانی معتبر می‌باشد حدّاقل آن است که انسان به واسطۀ آن، هیچ تمایل قلبی و درونی به انجام گناه نداشته باشد، هر چند ممکن است در مواردی نادر به دلیل جایز الخطا بودن انسان و غلبۀ شهوات و تمایلات نفسانی، مرتکب گناه گردد.

**نتیجه گیری**

به اتّفاق کلیۀ فقهاء، احراز عدالت امام جماعت برای اقامۀ نماز ضروری است. صراحت حکم اسلام در باب وجوب احراز عدالت امام جماعت ایجاب می‌کند که مردم نسبت به احراز عدالت ائمه تقیّد کافی معمول دارند.آنچه از کلام فقهاء (امامیه و عامه) دربارۀ مفهوم عدالت قابل برداشت است، این است که آنها معتقد به پنج قول هستند: عده‌ای عدالت را به حسن ظاهر تعریف کردند؛ عده‌ای عدالت را مجرد ترک معاصی می‌دانند؛ گروهی دیگر معتقدند که عدالت عبارت است از اجتناب از کبائر، حفظ از صغائر و محافظت بر مروّت؛ عده‌ای دیگر از فقهاء معتقدند که عدالت عبارت است از استقامت (عدم انجام گناه) عملی که از سر ملکه و حالت پایدار درونی باشد و بالأخره مشهور فقهای امامیه بعد از علامه، عدالت را ملکه‌ای نفسانی می‌دانند که فرد را بر تقوی و مروّت وادار می‌کند. اگر با دیدی کلی‌تر به اقوال مطروحه بنگریم، پی می‌بریم به اینکه تمام این اقوال قابل تقسیم در دو دسته هستند: عدالت نفسانی و عدالت فعلی.

صرف‌نظر از استدلال‌های طرفین و نقض و ابرام آن، آنچه مسلّم به نظر می‌رسد این است که نمی‌توان در باب امام جماعت، عدالت فعلی را بدون لحاظ ملکۀ نفسانی در نظر گرفت. از طرف دیگر، حصول ملکۀ عدالت نفسانی و احراز آن نسبت به کلّ معاصی، بسیار پیچیده و نادرالوقوع است و فقط در تعداد کمی از مردم (اگر تحقّق آن فرض شود) ممکن‌الحصول است؛ از این رو، در جمع بین دو نظریۀ مزبور می‌توان به «عدالت نفسانی حدّاقلی» قائل شد که اثبات و تحقّق آن مشکل نیست. استمرار و عادت به تقوی و میانه‌روی و رفتار بهنجار در اجتماع همان کیفیت آرمانی و راسخ در ذهن است که عدالت نفسانی حدّاقلی نامیده می‌شود. ملاک اعتبار این ملکۀ نفسانی در امام جماعت، حال متعارف اوست نه حالت کمال وی؛ به گونه‌ای که به واسطۀ آن هیچ گونه تمایل قلبی به انجام گناه نداشته باشد، هر چند ممکن است در مواردی نادری به دلیل جایز الخطا بودن انسان و غلبۀ شهوات و تمایلات نفسانی مرتکب گناه گردد.

**منابع**

قرآن كریم.

آشتیانی، محمد حسن، قضاء، چاپ دوم، قم: انتشارات هجرت، 1404ق.

ابن ادریس حلی، ابی جعفر محمد بن منصور بن احمد، السرائر، ج 2، چاپ دوم، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، 1411ق.

ابن براج طرابلسی، عبدالعزیز، المهذب، ج 2، قم: مؤسسه نشر اسلامی، 1406ق.

ابن حمزه، ابی جعفر محمد بن علی طوسی، الوسیله، چاپ اول، قم: كتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، 1408ق.

ابن فهد حلی، ابی عباس احمد بن محمد، الرسائل العشر، چاپ اول، قم: كتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، 1409ق.

ابن منظور، ابی الفضل جمال الدین، لسان العرب، ج 9، چاپ اول، قم: نشر ادب الحوزه، 1405ق.

ابو البركات، احمد الدردیر، الشرح الكبیر، ج 4، بیروت: دارالاحیاء الكتب العربیه، بیتا.

امامی، حسن، حقوق مدنی، ج 6، چاپ سوم، تهران: انتشارات اسلامیه، 1372ش.

انصاری، مرتضی، رسائل الفقهیه، چاپ اول، قم: مطبعه باقری، 1414ق.

انصاری، مرتضی، قضاء و شهادات، چاپ اول، قم: مطبعه باقری، 1415ق.

انصاری، مرتضی، كتاب الصلاه، ج 1 و 2، نسخه خطی، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، بی تا.

ایزدی‌فرد، علی اكبر، ویژگیهای تفسیر فقهی كنز العرفان فاضل مقداد، فصلنامهی علمی پژوهشی مطالعات اسلامی (نشریه دانشكده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد)، شماره 78، زمستان، صص 69-41، 1386ش.

بازگیر، یدالله، قانون مدنی در آیینهی آراء دیوان عالی كشور (ادلّة اثبات دعوی)، چاپ دوم، تهران: انتشارات فردوسی، 1383ش.

بحرانی، یوسف، حدائق الناضره فی احكام العتره الطاهره، ج 10 و 11، قم: جماعه المدرسین فی حوزه العلمیه فی قم، بیتا.

بهجت، محمدتقی، جامع المسائل، چاپ اول، قم: انتشارات شفق، 1420ق.

بهوتی، منصور بن یونس، كشاف القناع، ج 6، چاپ اول، بیروت: دارالكتب العلمیه، 1481ق.

جصاص، ابی بكر احمد بن علی رازی، احكام القرآن، ج 1، چاپ اول، بیروت: دار الكتب العلمیه، 1415ق.

جعفری‌لنگرودی، محمد جعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج 5، چاپ دوم، تهران: انتشارات گنج دانش، تهران، 1381ش.

جندی، خلیل بن اسحاق، مختصر خلیل، چاپ اول، بیروت: دارالكتب العلمیه، 1416ق.

جوهری، اسماعیل بن حماد، صحاح تاج اللغه و صحاح العربیه، ج 2، چاپ چهارم، بیروت: دارالعلم للمایین، 1407ق.

حائری شاه‌باغ، علی، شرح قانون مدنی، ج 2، چاپ دوم، تهران: انتشارات گنج دانش، 1382ش.

حرّعاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ج 11 و 27، چاپ دوم، قم: مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث، 1414ق.

حسینی‌حائری، كاظم، قضاء فی فقه الاسلامی، چاپ اول، قم: مجمع الفكر الاسلامی.

حسینی دشتی، مصطفی (1385 . ش)، معارف و معاریف (دایره المعارف جامع اسلامی)، ج 5، چاپ اول، تهران، مؤسسه فرهنگی آرایه.

حسینی مراغی، میر عبدالفتاح (1417 . ق)، عناوین، ج 2، چاپ اول، قم: مؤسسه نشر اسلامی، 1415ق.

حطاب الرعینی، ابی عبدالله محمد بن عبدالرحمن مغربی، مواهب الجلیل لشرح مختصر الخلیل، ج 8، چاپ اول، بیروت: دارالكتب العلمیه، 1416ق.

حلبی، ابوصلاح، الكافی فی الفقه، اصفهان: مكتب امیر المؤمنین، 1403ق.

خامنه ای، علی، اجوبه الاستفتائات، ج 1، چاپ اول، دار النباء للنشر و التوزیع، 1415ق.

خوانساری، احمد، جامع المدارك فی شرح المختصر النافع، ج 1، چاپ دوم، تهران: مكتب صدوق، 1355ش.

خویی، ابوالقاسم، محاضرات فی اصول الفقه، ج 2، چاپ سوم، قم: مؤسسه نشر اسلامی، 1410ق.

دسوقی، شمس الدین محمد بن عرفه، حاشیه الدسوقی علی الشرح الكبیر، ج 1 و 4، بیروت: دارالاحیاء الكتب العربیه، بیتا.

دهخدا، علی اكبر، لغت نامه، ج 10، چاپ دوم از دوره جدید، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، 1377ش.

دیّانی، عبدالرسول، ادلّهی اثبات دعوی در امور مدنی و كیفری، چاپ اول، تهران: انتشارات تدریس 1385ش.

راغب اصفهانی، ابوالقاسم الحسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، چاپ اول، دفتر نشر كتاب، 1404ق.

راوندی، قطب الدین، فقه القرآن، ج 1، چاپ دوم، قم: كتابخانهی آیت الله مرعشی نجفی، 1405ق.

سبزواری، محمد باقر، ذخیره المعاد فی شرح الارشاد، ج 2، چاپ سنگی، قم: مؤسسه آل البیت، بیتا.

سرخسی، شمس الدین، مبسوط، ج 16، بیروت: دارالمعرفه، 1406ق.

سمرقندی، علاء الدین، تحفه الفقهاء، ج 3، چاپ دوم، بیروت: دارالكتب العلمیه، 1414ق.

سید عاملی، محمد بن علی موسوی عاملی، مدارك الاحكام، ج 4، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البیت، 1410ق.

شربینی، محمد، مغنی المحتاج الی معرفه معانی الفاظ المنهاج، ج 4، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، 1958م.

شهید اول، محمد بن مكی، الدروس الشرعیه فی فقه الامامیه، ج 1 و 2، چاپ اول، قم: مؤسسه نشر اسلامی، 1414ق.

شهید اول، محمد بن مکی، الذكری، چاپ سنگی، طبع قدیم، 1272ق.

شهید اول، محمد بن مكی، القواعد و الفوائد، ج 2، ترجمه مهدی صانعی، مشهد: نشر دانشگاه فردوسی مشهد، 1372ش.

شهید ثانی، زین الدین الجبعی العاملی، مسالك الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، ج 13 و 14، چاپ اول، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1416ق.

شیخ صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه، من لایحضره الفقیه، ج 3، چاپ دوم، قم: جامعه المدرسین، 1404ق.

شیخ صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه، الهدایه فی الاصول و الفروع، چاپ اول، قم: مؤسسه الامام الهادی7، 1418ق.

شیخ طوسی، ابی جعفر محمد بن حسن بن علی، استبصار، ج 3، قم: دارالكتب الاسلامیه، بیتا.

شیخ طوسی، ابی جعفر محمد بن حسن بن علی، خلاف، ج 6، چاپ اول، قم: مؤسسه نشر اسلامی، 1417ق.

شیخ طوسی، ابی جعفر محمد بن حسن بن علی، مبسوط فی فقه الامامیه، ج 8، قم: مكتبه مرتضویه، 1351ش.

شیخ طوسی، ابی جعفر محمد بن حسن بن علی، نهایه فی المجرد الفقه و الفتاوی، قم: انتشارات قدس محمدی، بیتا.

شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن نعمان، المقنعه، قم: مؤسسه نشر اسلامی، 1410ق.

طباطبایی‌یزدی، محمد كاظم، سؤال و جواب، به اهتمام مصطفی محقق داماد، چاپ اول، تهران: مركز نشر علوم اسلامی، 1376ش.

طباطبایی‌یزدی، محمد كاظم، عروه الوثقی، ج 3، چاپ اول، قم: مؤسسه نشر اسلامی، 1420ق.

طبری، ابی جعفر محمد بن جریر، جامع البیان، ج 3، بیروت: دار الفكر، بیتا.

علامه حلی، ابو منصور حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، ارشاد الاذهان الی احكام الایمان، ج 2، چاپ اول، قم: مؤسسه نشر اسلامی، 1410ق.

علامه حلی، ابو منصور حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، قواعد الاحكام، ج 3، چاپ اول، قم: مؤسسه نشر اسلامی، 1413ق.

علامه حلی، ابو منصور حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، مختلف الشیعه، ج 8، چاپ اول، قم: مؤسسه نشر اسلامی، 1415ق.

فاضل الآبی، زین الدین ابی علی الحسن بن ابی طالب، كشف الرموز فی شرح المختصر النافع، ج 2، چاپ اول، قم: مؤسسه نشر اسلامی، 1408ق.

فاضل مقداد، جمال الدین، كنز العرفان فی فقه القرآن، ج 2، تصحیح و تعلیق از محمد باقر شریف زاده و محمد باقر بهبودی، تهران: مكتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه، 1343ش.

فاضل هندی، بهاء الدین محمد بن حسن بن محمد اصفهانی، كشف اللثام، ج 2 و 4، قم: كتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی، 1405ق.

فخر المحققین، ابی طالب محمد بن حسن بن یوسف، ایضاح الفوائد فی شرح اشكالات القواعد، ج 4، چاپ اول، قم: مطبعه علمیه، 1389ش.

قدامه، ابی محمد عبدالله بن احمد محمد بن قدامه، المغنی، ج 12، بیروت: دارالكتاب العربی، بیتا.

کاتوزیان، امیر ناصر، اثبات و دلیل اثبات، ج 2، چاپ سوم، تهران: نشر میزان، 1385ش.

كاشانی‌حنفی، ابوبكر بن مسعود، بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، ج 6، چاپ اول، پاکستان: مكتبه الحبیبیه، 1409ق.

كركی، علی بن حسین، رسائل الكركی، ج 1 و 3، قم: مؤسسه نشر اسلامی، 1412ق.

مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج 68، چاپ دوم، بیروت: مؤسسه الوفاء، 1983م.

محقق اردبیلی، احمد مقدس اردبیلی، زبده البیان فی احكام القرآن، قم: مكتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه، بیتا.

محقق اردبیلی، احمد مقدس اردبیلی، مجمع الفائده و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان، ج 2، 9 و 12، قم: جامعه المدرسین، 1404ق.

محقق حلی، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن حسن، شرایع الاسلام، ج 3 و 4، چاپ دوم، تهران: انتشارات استقلال، 1409ق.

مظفر، محمد رضا، اصول فقه، ج 2، چاپ چهارم، قم: مركز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، 1370ش.

مظفر، محمد رضا، المنطق، قم: انتشارات فیروزآبادی، 1408ق.

موسوی‌خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، ج 1 و 2، چاپ دوم، قم: دارالكتب العلمیه (اسماعیلیان)، 1390ق.

موسوی‌گلپایگانی، محمد رضا، القضاء، ج 1، قم: دارالقرآن الكریم، 1401ق.

نجفی، محمد حسن، جواهر الكلام فی شرح شرایع الاسلام، ج 11، 13 و 40، چاپ سوم، تهران: دارالكتب الاسلامیه، 1362ش.

نراقی، احمد، مستند الشیعه فی احكام الشریعه، ج 4 و 18، چاپ اول، مشهد: مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث، 1419ق.

وحید بهبهانی، محمد باقر، حاشیه مجمع الفائده و البرهان، چاپ اول، قم: تحقیق و نشر از مؤسسه علامه وحید بهبهانی، 1417ق.

وحید بهبهانی، محمد باقر، رسائل الفقهیه، چاپ اول، قم: تحقیق و نشر از مؤسسه علامه وحید بهبهانی، 1419ق.

**ارزیابی قابلیت‌های توسعه گردشگری مساجد در ایران**

**محمد صادقی [[469]](#footnote-469)**

**چکیده**

یکی از رسالت‌های پیامبر اکرم  پس از دریافت وحی الهی و رسانیدن آن به مردم، ایجاد پایگاهی به نام مسجد بود تا مکانی برای عبادت و ذکر حق تعالی و تشکیل اجتماعات اسلامی و مردمی باشد. با توجه به اهمیت مسجد در شهرهای اسلامی سازندگان این مکان مقدس بهترین جلوه‌های هنری را در ساخت آن به‌کار بردند و هنر و مذهب تلاقی پیدا کرد و معماری خاص مساجد شکل گرفت. امروزه نمونه‌های بارز و شاخص تاریخی از این تلفیق مقدس در جهان یافت می‌شود. که جاذب گردشگر هستند به همین دلیل امروزه گردشگری مساجد بوجود آمده است که گردشگران از مساجد تاریخی بازدید می‌کنند. با توجه به اهمیت رو به رشد گردشگری، هدف اصلی تحقیق بررسی قابلیت‌های توسعه گردشگری مساجد در کشور ایران است. تحقیق از نوع کاربردی و روش آنجام آن توصیفی و تحلیلی است. روش جمع آوری اطلاعات، اسنادی است که از کتاب‌ها، مقالات، اینترنت، آمار رسمی و آرشیو سازمان‌ها استفاده شده است.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها کمی و کیفی است. برای سنجش قدرت گردشگر پذیری جاذبه‌‌ها، از طریق پرسش‌نامه متخصصین نظرسنجی شد و پرسش‌نامه در محیط نرم افزاری SPSS تحلیل شد. همچنین برای وزن دهی عوامل مدل SWOT از پرسش‌نامه متخصصین استفاده شد. نتایج تحقیق بیانگر آن است که در ایران بیش از 70 هزار مسجد وجود دارد. که بعضی از آنها تاریخی و دارای ارزش هنری و معماری بی نظیری هستند. که از قدرت جذب بالایی برای جذب گردشگر برخوردارند. سنجش نقاط قوت و ضعف و فرصت و تهدید توسعه گردشگری مساجد در ایران در قالب مدل SWOT بیانگر قدرت بالای نقاط قوت (30.8%) و فرصت (41.6%) این نوع از گردشگری در مقابل نقاط ضعف (15.5%) و تهدید (12.1%) آن است. بنابراین استراتژی‌های توسعه ای برای بهره‌گیری از نقاط قوت و فرصت به منظور پوشش نقاط ضعف و تهدید پیشنهاد می‌شود و مهم‌ترین راهکارهای اجرایی عبارتند از: تبلیغات و شناساندن این ظرفیت‌ها در سطح بین المللی، آماده سازی زیرساخت‌های مورد نیاز، برگزاری تورهای ویژه گردشگری مساجد، تربیت راهنمایان تور ویژه گردشگری مساجد.

**کلمات کلیدی:**

گردشگری، مساجد، فرهنگ اسلامی، ایران.

**درآمد**

پس از اسلام با تغییر نظام اجتماعی حاکم نظم سیاسی و نظم اقتصادی و به تبع آن ساختار کالبدی شهر تغییر یافت و عمده ترین تغییرات در نظام شهری بوجود آمد. چرا که اصولاً جهان‌بینی اسلامی برای تحقق آرمان‌های خود به شهر و شهرنشینی احتیاج داشت و منطبق با فلسفه دین اسلام زندگی آنها را شکل تازه ای بخشید. مسجد جای آتشکده را گرفت. مسجد جامع به مهم‌ترین بنای شهر و ملاک تشخیص شهر از روستا تبدیل شد. در قرون ابتدای اسلام در ایران اگر مکانی را می‌خواستند به شهر تبدیل کنند باید دارای مسجد جامع می‌بود و ابتدا این مکان را بنا می‌کردند. مسجد جامع مرکز اجتماعات سیاسی و ابلاغ فرمان‌ها، خواندن خطبه و مهمتر از همه مرکز فکری و آموزشی عالی بود. بدین ترتیب مسجد نخستین پدیده جغرافیایی برخاسته از اندیشه اسلامی به عنوان یک کانون عبادی-سیاسی در سطح جهان گسترش یافت و با نقش‌های عمده ای که ایفا کرد خمیر مایه تغییرات نهادی در ساختار اجتماع و اصول اداری- سیاسی در سرزمین‌های اسلامی شد. (نظریان،1385: 25-23)

یکی از رسالت‌های پیامبر اکرم  پس از دریافت وحی الهی و رسانیدن آن به مردم، ایجاد پایگاهی به نام مسجد بود تا مکانی برای عبادت و ذکر حق تعالی و تشکیل اجتماعات اسلامی و مردمی باشد. به طوری که با گذشت قرن‌های متمادی از پیدایش اسلام، مسجد نه تنها اعتبار و ارزش خود را حفظ کرده بلکه همواره در برهه‌های مختلف زمانی نقش مهمی در تحولات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی داشته است. (موظف رستمی، 138، 48) وجود یک مسجد عظیم و زیبا نشانه ای از قدرت و ثروت شهر و حاکم به حساب می‌آمد و هر حاکمی سعی می‌کرد مسجدی بزرگتر از رقبای خود برپا کند. (فکوهی، 1385، 76) در ابتدا شهر می‌بایست یک مسجد می‌داشت که نماز جماعت در آن برقرار می‌کردند این امر مدتی پایدار بود اما با افزایش جمعیت در شهرهای بزرگ تعداد مساجد جامع نیز افزایش یافت. (سلطان زاده، 1362، 123) مسجد جامع در شهرهای اسلامی همواره در قلب و مرکز شهر جای داشت و در دو یا چند سوی آن بازار امتداد می‌یافت و در پیرامون آن مؤسسات اجتماعی همچون دارالحکومه، کارون‌سرا، مهمان‌خانه، محل‌هایی برای فقرا و بینوایان، دارالشفاء، خانقاه، آب انبار، حمام و مدارس قرار داشتند. اسلام و مسجد از سال‌های اولیه ظهور دین اسلام با هم درآمیخته اند و بسیاری از مساجد چه در دوره‌های اولیه اسلامی و چه در دوره‌های پس از آن یادآور اتفاقات تاریخی بسیار مهمی بوده اند که باعث اهمیت باستانی و تاریخی تعداد زیادی از مساجد کشورهای اسلامی شده است. (یاراحمدی، 1386، 56) به عبارت دیگر بسیاری از مساجد کشورهای جهان اسلام علاوه بر جایگاه مذهبی دارای اهمیت تاریخی هستند که روایتگر بسیاری از رخدادهای مهم مذهبی و اجتماعی در دوران شکوه و عظمت آنها می‌باشد. (حسینی، 1376، 77) ساختمان مسجد به عنوان مهم‌ترین بنای ساخته شده در کلیه ادوار تاریخی معماری اسلامی همیشه از جایگاه ویژه در امر تحقیق و پژوهش برخوردار بوده است. (متدین، 1386، 40) و نمودی برجسته و آشکار از هنر در ساحتی متبرک و مقدس است و از دیرباز نیز بسترساز رویدادهای تاریخی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بوده است. (بمانیان، 1389، 38) اوج اعتلا و شکوفایی هنر معماری مقدس اسلامی را می‌توان در ساخت مساجد جستجو کرد. (بمانیان، 1389، 37). مساجد اسلامی جلوه ای از زیبایی بصری و نمونه بارزی از تلفیق و ارتباط فرمهای نمادین با باورهای عمیق اعتقادی است. معماری و هنر به‌کار رفته در مساجد در کنار اصول مهندسی ساخت یکی از جاذبه‌های مهم گردشگری است که هر ساله گردشگران زیادی را در سراسر جهان به خود جذب می‌کنند. در ایران نیز نمونه بسیار غنی از این جاذبه گردشگری وجود دارند . مساجد به منظور ایفای نقش گردشگری نیاز به وجود برخی پارامترها برای جذب گردشگران دارند از جمله: سابقه تاریخی، دارا بودن معماری خاص، وقوع یک حادثه خاص تاریخی در محل مسجد، برگزاری آئین‌های مذهبی و فرهنگی خاص، وجود جذابیت‌های پیرامون، قرارگیری در شهرهای توریستی با جاذبه‌های متنوع، وجود آرامگاه پیامبران، امامان، امام زادگان و یا بزرگان دینی و ... . (ارجمند، 1391، 59)

بیش از 70 هزار مسجد در ایران وجود دارد که خیلی از آنها مساجد قدیمی و با عمری چند صد ساله هستند که نشانه‌های بی بدیل هنر اسلامی و معماری و اصول مهندسی بی نظیری را در خود دارند. امروزه مساجد در دنیا به عنوان یکی از جاذبه‌های گردشگری شناخته می‌شوند چرا که بیانگر شکوه و عظمت و هنر و معماری عصر خویش هستند. پس از اسلام حکومت‌های اسلامی سعی می‌کردند مساجد را بهترین شکل ممکن بسازند. از اینرو امروزه مساجد فی نفسه واجد ارزش گردشگری هستند. در ایران مساجد تاریخی و بارزشی وجود دارند که پذیرای گردشگران داخلی و خارجی هستند. به جز چند مسجد بقیه مساجد ناشناخته مانده اند و در چرخه گردشگری قرار ندارند از این رو تحقیق حاضر به‌دنبال امکان سنجی و بررسی قابلیت‌های ایران در زمینه این نوع از گردشگری است. با توجه به این تاکنون تحقیق علمی در این زمینه صورت نگرفته است انجام چنین تحقیقی ضرورت دارد. بر این اساس مهم‌ترین سؤالات تحقیق عبارتند از:

1- آیا کشور ایران از جاذبه و قابلیت لازم برای گسترش گردشگری مساجد برخوردار است؟

2- مهم‌ترین نقاط قوت و فرصت توسعه گردشگری مساجد در ایران کدامند؟

3- مهم‌ترین نقاط ضعف و تهدید توسعه گردشگری مساجد در ایران کدامند؟

4- مهم‌ترین راهبردها و راهکارهای گسترش گردشگری مساجد در ایران کدامند؟

**الف)مفاهیم، دیدگاه‌ها و مبانی نظری**

**1.گردشگری**

انسان موجودی است متحرک و پویا که گردش و مسافرت در ذات او نهفته است و سفر برای او امری حیاتی و ضروری است (نظام شهیدی، 1381، 87) و از گذشته‌های دور انسان‌ها با اهداف مختلفی از جمله زیارت مکان‌های مقدس، دیدار از اقوام و آشنایان و یا تجارت و غیره به سفر و مسافرت می‌پرداخته است. طی دهه‌های اخیر، صنعت گردشگری در جهان، توسعه چشمگیری یافته و تغییرات اقتصادی و اجتماعی شگرفی را سبب شده است. (107, 2013, Azman) گردشگری یکی از مهم‌ترین عوامل مولد ثروت و اشتغال در دنیا معرفی شده و به مثابه موتور اقتصادی رشد و پیشرفت کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه در عرصه جهانی است. (سلیمان پور، 1388، 9) در عصر پسامدرنیسم تمام کره زمین از ژرفای اقیانوس‌ها گرفته تا جو و همه ویژگی‌های انسانی و فرهنگی و طبیعی و آثار هنری و غیره، فضای گردشگری را تشکیل می‌دهد. (پاپلی و سقایی، 1385، 8 )

گردشگری امروز گستره جهانی یافته است. که خود ناشی از توسعه نوآوری‌های تکنولوژیکی و گسترش همه جانبه سرمایه داری در عصر کنونی می‌باشد. (پاپلی یزدی و سقایی،1382، 3) و در طی 60 سال اخیر، از رشد پیوسته ای برخوردار بوده است، به طوری که به یکی از بخش‌های اقتصادی با سرعت بالا در جهان تبدیل شده است. در طی سال‌های 2005-1950، گردشگری بین المللی با نرخ رشد سالانه 65 درصد، از 25 میلیون گردشگر در سال 1950 به 806 میلیون نفر در سال 2005 افزایش یافت. (طیبی،1387، 67) امروزه گردشگری درحال تبدیل شدن به یکی از ارکان اصلی اقتصاد تجاری جهان است؛ و بسیاری از برنامه ریزان و صاحبنظران از صنعت گردشگری بعنوان رکن اصلی توسعه اقتصادی یاد می‌کنند. (97, 2013, Ivanka) درواقع گردشگری در بسیاری از کشورهای جهان یکی از پیچیده ترین کسب و کارهای بشری می‌باشد و بعنوان فعالیتی چند وجهی دارای کارکردها و اثرات مثبت گوناگون است. (زاهدی، 1385، 35) از جمله می‌توان از اشتغالزایی، کسب درآمد، جذب ارز، و تقویت زیرساختهای اجتماعی، ارتقاء فرهنگی و... نام برد. (کاظمی، 1387، 1) براساس آمارهای منتشر شده از سوی سازمان جهانی گردشگری، این صنعت امروزه دومین منبع درآمد بیش از 49 کشور جهان می‌باشد . (قره‌نژاد، 1388، 23) و تا سال 2020 میلادی تعداد گردشگران در سرتاسر دنیا به رقمی حدود یک میلیارد و پانصد و شصت میلیون نفر خواهد رسید که 10 درصد درآمدهای جهانی را شامل می‌شود. (2007, unwto) در واقع گردشگری از مهم‌ترین فعالیت‌های انسانی معاصر است که همراه با بوجود آوردن تغییرات شگرف در سیمای زمین، اوضاع سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، منش و روش زندگی انسان هارا دگرگون می‌سازد. (محلاتی، 1380، 13) و به عاملی تأثیر گذار در تغییر شکل فضایی مکان‌های مورد بازدید بدل شود و چهره این مکان‌ها را تغییر داده است . (حاجی نژاد، 1389، 12).

اهمیت گردشگری در عصر حاضر بیش از همه وابسته به چرخه اقتصادی آن می‌باشد که قابلیت بالای در زمینه ی پویایی اقتصاد محلی و بین المللی دارا می‌باشد. ( مافی و سقایی، 1388، 28 ) و نخستین دلیل توسعه صنعت گردشگری در اغلب کشورها بهره‌گیری از منافع اقتصادی آن است. (وای‌گی، 1377، 48 ) در دهه 1980 درآمد حاصل از گردشگری در سطح بین المللی سرعتی بیش از تجارت جهانی داشته است و اینک از نظر ارزش صادرات درصد بسیار بالایی را تشکیل می‌دهد و بسی بیش از مجموع فرآوردهای نفت و محصولات خودرو و قطعات یدکی آنهاست (363, 2014, raija) اما نباید نقش فرهنگ را در توسعه گردشگری و تأثیر گردشگری را در فرهنگ نادیده گرفت. گردشگری به عنوان یک امر فرهنگی، تعامل‌ها و تبادل‌ها را سبب می‌شود و با انسان‌‌ها، انگیزه‌‌ها، خواسته‌‌ها، نیازها و آرزوهای آنها که منبعث از فرهنگ جامعه می‌باشد، در ارتباط است. توسعه گردشگری به عنوان یک پدیده فرهنگی موجب می‌شود که فرصت کافی برای تبادل فرهنگی بین گردشگر و جامعه میزبان به وجود آید. (25, 2011, huseyin) بر این مبنا آنها می‌توانند یکدیگر را بهتر درک کرده، به فرهنگ هم بیشتر احترام بگذارند. فرهنگ به واسطه انطباق و سازگاری با محیط زیست و کنش متقابل با دیگران تحرک می‌یابد و باز تفسیر می‌شود. گردشگری در این میان یکی از شیوه‌های کنش متقابل فرهنگی است که به واسطه تفسیر تجربه‌های گردشگری از فرهنگ محلی، کنشی متقابل را نمایان می‌سازد. این امر بستگی به آن دارد که فرهنگ جامعه میزبان در چه سطحی قرار داشته باشد. اصولاً فرهنگی پویاست که توانایی کنش‌های فرهنگی را داشته باشد. (جهانیان و نادعلی پور، 1388، 118) گردشگری می‌تواند به عنوان یک عامل مؤثر نقش مثبتی در تعامل و ارتباطات فرهنگی ایجاد کند و جاذبه‌های فرهنگی نقش مهمی در توسعه و رونق گردشگری یک مکان دارند .

**2.مسجد**

مسجد به معنای محل سجود و سجود یعنی به خاک افتادن و خشوع و خضوع در برابر حق تعالی است. مسجد با توجه به آموزه‌های دینی در یک معنای عام به سراسر زمین اطلاق می‌شود؛ اما در شریعت اسلامی، مسجد بنایی است که مسلمان‌ها برای عبادت جمعی خداوند یکتا می‌سازند. (جعفریان، 1381، 199) واژه مسجد در قرآن، 28 بار تکرار شده است و صریحاً از مسجد به عنوان مکانی که انسان مسلمان در آن عبادت نموده و بوسیله آن ایمان به یگانگی خداوند را اظهار می‌دارد نام برده شده است. (مرتضی، 1387، 123) تکرار این واژه در قرآن و تأکید بر نقش آن نشان دهنده اهمیت و جایگاه ویژه مسجد در در دین اسلام و میان مسلمانان است. (سلیمانی، 1378، 236) مسجد یکی از عناصر مهم و تأثیر گذار در شهرهای اسلامی است، در طول تاریخ شکل گیری شهرهای اسلامی مساجد همواره به عنوان فضاهای عمومی مهم و مردمی دارای عملکردهای متعدد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و کالبدی بوده و در زندگی مردم نقش محوری داشته‌اند. (تقوایی و معروفی، 1389، 219)

**3.هنر و معماری مساجد**

معماری جایگاه بسیار عمیق، وسیع و گسترده ای در زندگی انسان‌ها دارد و اگر با هنر ممزوج شود، جایگاه ویژه ای با کارکرد جمال شناسانه نیز می‌یابد. به علاوه عناصر معنوی خاص و متافیزیکی بر بار شکوه اجلالی آن می‌افزاید، به دلیل همین، موقعیت ممتاز و فرا محلی و جهانی می‌یابد و دانشمندان، مشتاقان جلال و جمال از هر صنف و فکر، اسلام شناسان و به طور کلی، مسلمانان و غیر مسلمانان، همه ساله از گوشه گوشه جهان، برای مشاهده مساجد به کشورهای اسلامی سفر می‌کنند تا از نزدیک در اعماق زلال زیباترین انواع کاشی‌های هفت رنگ و دل‌فریب و مقرنس سازی‌های موزون غور کنند و بهره‌های فلسفی، علمی، هنری و اجرایی ببرند که بی‌تردید این جذبه و کشش، نشأت گرفته از مبانی عمیق عقیدتی اسلام است. (447, 2013, faris and ahmad) در مساجد، دین با هنر ملاقات می‌کند و مهم‌ترین نمودهای هنر اسلامی، در معماری مساجد تجلی می‌یابد. صرف نظر از اینکه مساجد، محل تزکیه مؤمنین هستند، این بناهای با شکوه در چشم هر مورخ نیز شایسته آن است که نمایشگاه‌های هنرهای اسلامی نامیده شود. جلوه‌های هنر در مساجد بسیار است که معماری، مهندسی، گچبری، آجرکاری، موزائیک‌سازی، کاشی‌کاری، سفال‌گری، سنگ تراشی، مقرنس سازی، آئینه کاری، کنده کاری، منبت کاری، خاتم کاری، نگارگری، خوشنویسی، تذهیب، پرتو پردازی نمونه‌هایی از هنرمندی‌های بی بدیلی است که توسط عاشقان الله در این مکان‌های معنوی انجام می‌شود. ساخت گنبد، محراب، گلدسته‌‌ها، ستون‌‌ها، منبرها، به نوعی پیام خاص خود را به مخاطبان القاء می‌کنند. با دقت در این نمادها و پیام‌های آنان در خواهیم یافت که این پیام‌ها همگی جاودانی و عرفانی هستند. (106, 2011, Othman)

**4.گردشگری فرهنگی و مذهبی مساجد**

سود گردشگری صرفاً در بهره اقتصادی خلاصه نمی‌شود بلکه این بهره را از زوایای مختلفی همچون شناساندن فرهنگ داخلی به دیگر کشورها نیز می‌توان ارزیابی کرد. ویژگی‌های ساختار گردشگری هر مکان به نوبۀ خود از یک طرف متأثر از اهمیت، اعتبار، ماهیت، تنوع نقش و کارکرد مذهبی، فرهنگی، تفریحی، تجاری و به طورکلی جاذبه‌های مکانی آن است، و از طرف دیگر برگرفته و تأثیر پذیرفته از ویژگی‌های اجتماعی، فرهنگی (باورهای اعتقادی ) و اقتصادی ساکن آن محلی و گردشگران است. (ابراهیم‌زاده، 1390، 116) گردشگری فرهنگی یکی از گونه‌های در حال رشد گردشگری است که پیرامون بازید از جاذبه‌های فرهنگی شکل گرفته است. (362, 1998, Trevor). انسان موجودی فرهنگی است . و یکی از وجوه اصلی تمایز آن با سایر جانداران فرهنگ است. چرا که ژن‌های ما تقریباً همانند اجدادمان در عصر حجر است در حالی که فرهنگ ما به طرز باور نکردنی تغییر کرده است. (کاترایت،1387، 366 ). فرهنگ مجموعه گسترده ای از اعمال و رفتار انسان را در بر می‌گیرد . لووی فرهنگ را «مجموعه چیزهایی که افراد از جامعه خود، بصورت میراثی از گذشته و از راه آموزش و پرورش رسمی و غیر رسمی فرا می‌گیرند»، تعریف می‌کند. ( آشوری، 1380، 52). فرهنگ راه و روشهایی است که در آن‌‌ها، مردم به صورت فردی و جمعی، از طریق ارتباط با یکدیگر به زندگی خود معنا می‌بخشند . (پهلوان،1380، 35). فرهنگ‌ها میراثی تلقی می‌شوند که به اندازه کافی ارزش همگانی و پایدار دارند . (تاپیا،1386، 97) به طور کلی فرهنگ عبارت است از نظامی از ارزش‌ها، اعتقادات، آداب و رسوم مشترک افراد اجتماع، که از طریق آن انسان‌ها به جهان خود معنا می‌دهند و ابزاری برای هویت یابی است. در حقیقت گردشگری فرهنگی نوعی از گردشگری است که گردشگر را به فراگیری، کنکاش و کسب تجربه درباره فرهنگ حال و گذشته جامعه مقصد و مقایسه آن با داشته‌ها و انگیزه‌های جامعه خود و دیگران تشویق می‌نماید. (جهانیان و نادعلی پور، 1388، 120) فرهنگ سنتی با توجه به شکل گیری نوستالژی در جوامع پساصنعتی می‌تواند جاذب گردشگرانی باشد که در پی مکانهایی با فرهنگ سنتی اند تا اصالت معنایی را در آن تجربه کنند از این فرهنگ سنتی به خصوص پاگرفته از گذشته‌های دور در نواحی مختلف که هنوز اصالت فرهنگی دارند می‌تواند گردشگران بسیاری را به خود جذب کند. (پاپلی یزدی و سقایی، 1385، 86) گردشگری فرهنگی دارای طیف وسیعی از جاذبه‌ها است که می‌توان آنها را به دو بخش کلی جاذبه‌های مادی و معنوی تقسیم کرد که در جدول شماره 1 نشان داده شده است.

**جدول 1 : تقسیم بندی جاذبه‌های گردشگری فرهنگی**

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| **جاذبه‌های فرهنگی گردشگری** |  | |
| **آثار باستانی و تاریخی، معماری (معماری قدیم و جدید)، شهرها و روستاها، موزه‌ها و گالری‌های هنری، مکان‌های مذهبی و عبادت‌گاهی (مرقد امامان، امامزادها، آتشکده‌‌ها، مساجد، کلیساها و ...)**  **آثار هنری و صنایع دستی، پوشاک و لباس‌های سنتی و بومی، غذا و خوراکی‌ها، قبرستان و مزار بزرگان، آثار جنگ** | **جاذبه‌های مادی** |
| **آداب و رسوم، آیین‌های مذهبی و غیر مذهبی، موسیقی و رقص، ادبیات و فرهنگ عامه، جشن‌ها و اعیاد ملی، مذهبی و محلی، زبان و گویش** | **جاذبه‌های معنوی** |

مساجد تاریخی به واسطه معماری خاص خود که برگرفته از ایدئولوژی و ارزش‌های فرهنگی و مذهبی اسلامی است یکی از مهم‌ترین جاذبه‌های مادی گردشگری فرهنگی بحساب می‌آید. همچنین بواسطه برگزاری مناسک و آیین‌های مختلف مذهبی در این مکان از نظر معنوی نیز یکی از مهم‌ترین جاذبه‌های گردشگری فرهنگی محسوب می‌شود.

گردشگری مذهبی در زمرۀ قدیمی ترین و پُررونق ترین گردشگری‌های گذشته و حال سراسر جهان قرار دارد . که دشواری‌های اقلیمی یا بدیِ آب و هوا نیز مانع آن نمی‌شود. و قدمت آن به قدمت خود فرهنگ دینی می‌رسد. مدارک و مستندات تاریخی موجود از تمدن‌های عظیم بین النهرین (میان رودان) و مصر و دیگر سایر آثار و قرائن بر جای مانده از روزگاران پیش از تاریخ، از دیرباز از سفرهای مذهبی هزاران نفر از انسان‌ها حکایت می‌کنند (37, 2014, Richard)، به طوری که انسان‌ها از هزاران سال قبل به منظور انجام فرایض دینی هر رنجی را بر خود هموار می‌کردند و راهی سفرهای دور و دراز می‌شدند. در واقع زیارت و گردشگری مذهبی ریشه در باورها و اعتقادات دینی مذهبی دارد. امروزه گردشگری مذهبی با همۀ اجزا و گونه‌های مختلف، به سبب ویژگی‌های ساختاری و کارکردی بارز آن، توانسته است در متن گردشگری جهانی جای گیرد، به طوری که حوزه نفوذ آن سراسر جهان را فرا گرفته است. (2, 2012, Jafar) در این نوع از گردشگری انگیزه اصلی زیارت اماکن مقدسه و زیارتگاه هاست، که اقامتگاه‌ها و نوع امکانات آن به هر حال در طول مدت اقامت تأثیر می‌نهد. ولی درآمد خانوار نقش چندانی در انگیزۀ اصلی زیارت از این اماکن ندارد. (فاطمی، 1380، 11). گردشگری وسیله ای است که افراد را با مذاهب و فرهنگ‌های متفاوت به یکدیگر پیوند می‌دهد و به آنها کمک می‌کند تا همدیگر را با وجود تنش‌های سیاسی و اجتماعی، بهتر درک کنند. از نظر سازمان جهانی جهانگردی، مذهب و جاذبه‌های مذهبی به عنوان یکی از اصلی ترین انگیزه‌های سفر شناخته شده است. از نمونه سفرهای مذهبی می‌توان به روز جهانی جوان اشاره کرد که به ابتکار واتیکان برای قوی تر کردن باورهای دینی در بین جوانان کاتولیک به صورت جهانی برگزار می‌شود. این سفر، یکی از بزرگ ترین آیین‌های مذهبی برای جوانان دنیا است و به عنوان نمونه در سال 2005 که در آلمان برگزار شد، بیش از 435 هزار زائر از 197 کشور در این مراسم مذهبی شرکت کردند. در اسلام نیز، آیین حج به عنوان یکی از بزرگ ترین مراسم مذهبی جهان سالانه بیش از 2 میلیون زائر را در شهر مکه گردهم می‌آورد. پیش بینی می‌شود که گردشگری مذهبی عربستان سعودی در دهه آینده، هر ساله از رشدی 20 درصدی بهره ببرد و تا سال 2020، تعداد 43/2 میلیون نفر از شهرهای مکه و مدینه دیدن کنند که این امر، مستلزم 50 هزار اتاق اضافی در هتل‌ها و 74 هزار واحد مُبله در این مناطق خواهد بود.

**5.روش تحقیق**

تحقیق از نوع تحقیقات کاربردی و روش تحقیق توصیفی–تحلیلی می‌باشد. روش گردآوری اطلاعات به دو صورت مطالعات کتابخانه ای و پیمایشی می‌باشد. در روش کتابخانه ای با استفاده از کتاب‌‌ها، مقالات، طرح‌های پژوهشی و اطلاعات آرشیو ادارات و سازمان‌های مرتبط اطلاعات گردآوری می‌شود. در روش پیمایشی از طریق مشاهده، مصاحبه و پرسش‌نامه اطلاعات لازم گرآوری شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق از تلفیق از تحلیل‌های کمی و کیفی استفاده شده است. با توجه به اهداف، فرضیات و ماهیت متغیرها، با استفاده از آزمون تی تک نمونه ای در محیط نرم افزاری spss داده‌ها تحلیل شدند. همچنین برای تحلیل نقاط قوت، ضعف و فرصت‌ها و تهدیدها از مدل swot استفاده شده است. و متغییرهای مدل با استفاده از پرسش‌نامه متخصصین امتیاز دهی و مدل swot کمی شد.

اعتبار و روایی پرسش‌نامه بطریق محتوایی و بر اساس نظر متخصصین مورد سنجش قرار گرفت. پس از مشخص کردن مولفۀ‌ها و شاخص‌های اثر گذار برای سنجش ابعاد تحقیق پرسش‌نامه طراحی شد و بر اساس نظر متخصصین گردشگری پرسش‌نامه اصلاح و پرسش‌نامه نهایی تثبیت شد. منظور از پایایی در علوم اجتماعی این است که اگر یک مفهوم مورد سنجش را با همان وسیلۀ اندازه گیری تحت شرایط مشابه، دوباره بسنجیم، نتایج حاصل شده تا چه حد مطابقت خواهند داشت و یا نتایج حاصل شده تا حد دقیق و قابل اعتماد هستند و یا وسیله اندازه گیری تا چه حد دارای ویژگی تکرار پذیری و بازیافت پذیری است. برای سنجش پایایی تکنیک مختلفی وجود دارد که هر کدام دارای نواقص و مزایایی هستند. یکی از رایج ترین شیوه‌های محاسبه پایایی، محاسبه ضریب آلفای کرونباخ است. این ضریب به عنوان یکی از ضرایب پایایی با قابلیت بالا شناخته می‌شود. دامنه اعتماد از صفر تا 1 است. ضرایب بالاتر از 7/0 نشان دهنده این است که همبستگی درونی بین گویه‌ها زیاد است. (افشانی،1387، 83 ) هرچه میزان آلفای محاسبه شده به (1+)، نزدیکتر باشد نشان دهنده میزان پایایی بیشتر پرسش‌نامه است. محاسبه ضریب الفای کرونباخ پرسش‌نامه در محیط نرم افزار Spss انجام شد. میزان آلفای کرونباخ محاسبه شده برای پرسش‌نامه عبارت است از 781/0 چون میزان آلفای محاسبه شده بالاتر از 7/0 است. در نتیجه پرسش‌نامه از پایایی لازم برخوردار است.

**ب)یافته‌های تحقیق**

کشور ایران دارای جاذبه‌های فراوان گردشگری طبیعی، تاریخ، مذهبی و فرهنگی است. که بیشتر آنها به دلیل ضعف تبلیغات و کمبود زیرساخت‌های مورد نیاز بدون استفاده مؤثر مانده اند. سؤال اول تحقیق عبارت است از اینکه آیا کشور ایران از جاذبه و قابلیت لازم برای گسترش گردشگری مساجد برخوردار است؟ برای پاسخ علمی و منطقی به این سؤال ابتدا جاذبه‌های گردشگری مساجد ایران شناخته شد سپس 20 مورد از بهترین مساجد که دارای جاذبه جذب گردشگر هستند انتخاب شد و از طریق نظرسنجی از 50 نفر از متخصصین (متخصصین دانشگاهی آگاه به موضوع تحقیق) قدرت جاذبه و گردشگر پذیری آنها مورد سنجش قرار گرفت سپس در محیط نرم افزاری spss معناداری پاسخ‌های متخصصین به سؤالات سنجیده شد. نتایج در جدول 2 آمده است.

**جدول2- جدول جاذبه‌های گردشگری مساجد و آزمون آماری قدرت جذابیت آنها برای جذب گردشگر**

|  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **ردیف** | **جاذبه ها** | **قدرت جذب گردشگر** | | | | **آزمون t-test** | | |
| **بسیار خوب** | **خوب** | **متوسط** | **بد** | **وزن تی** | **سطع معناداری** | **نتیجه آزمون** |
| **1** | **مسجد جامع اصفهان** | **٭** |  |  |  | **19,675** | **0.000** | **معنادار** |
| **2** | **مسجد جامع یزد** | **٭** |  |  |  | **22,233** | **0.000** | **معنادار** |
| **3** | **مسجد جامع عتیق شیراز** |  | **٭** |  |  | **17,876** | **0.001** | **معنادار** |
| **4** | **مسجد گوهرشاد مشهد** | **٭** |  |  |  | **19,789** | **0.000** | **معنادار** |
| **5** | **مسجد جامع زنجان** |  |  | **٭** |  | **25,265** | **0.000** | **معنادار** |
| **6** | **مسجد جامع خرمشهر** |  | **٭** |  |  | **15,871** | **0.003** | **معنادار** |
| **7** | **مسجد کبود تبریز** | **٭** |  |  |  | **21.973** | **0.000** | **معنادار** |
| **8** | **مسجد جامع فهرج یزد** |  | **٭** |  |  | **17.115** | **0.001** | **معنادار** |
| **9** | **مسجد عتیق و یا مسجد جامع کبیر قزوین** |  |  | **٭** |  | **16,326** | **0.002** | **معنادار** |
| **10** | **مسجد جامع بروجرد** |  | **٭** |  |  | **18,549** | **0.001** | **معنادار** |
| **11** | **مسجد حکیم اصفهان** |  | **٭** |  |  | **22,567** | **0.000** | **معنادار** |
| **12** | **مسجد جمکران قم** | **٭** |  |  |  | **15.996** | **0.000** | **معنادار** |
| **13** | **مسجد جامع نیشابور** |  | **٭** |  |  | **15,826** | **0.001** | **معنادار** |
| **14** | **مسجد سلطانی بروجرد** |  | **٭** |  |  | **17,490** | **0.000** | **معنادار** |
| **15** | **مسجد چوبی نیشابور** | **٭** |  |  |  | **16,443** | **0.000** | **معنادار** |
| **16** | **مسجد شیخ لطف الله اصفهان** | **٭** |  |  |  | **19,672** | **0.001** | **معنادار** |
| **17** | **مسجد تاری خانه دامغان** |  |  | **٭** |  | **16,900** | **0.04** | **معنادار** |
| **18** | **مسجد جامع نایین** |  | **٭** |  |  | **17,665** | **0.000** | **معنادار** |
| **19** | **مسجد شوش** |  | **٭** |  |  | **14,982** | **0.000** | **معنادار** |
| **20** | **مسجد امام اصفهان** |  | **٭** |  |  | **20,975** | **0.000** | **معنادار** |

تجزیه و تحلیل جاذبه‌ها بر اساس پرسش‌نامه متخصصین بیانگر توان بالای مساجد کشور برای جذب گردشگران است. 35 درصد جاذبه‌های مذکور از توان بسیار بالا و 50 درصد از توان خوب برای جذب گردشگر هستند و 15 درصد ظرفیت متوسطی برای جذب گردشگر دارند. آزمون تی تک نمونه ای معناداری پاسخ‌ها را تأیید کرده است. بنابراین کشور ایران از قابلیت و توان بالای جاذبه مساجد برای جذب گردشگر برخوردار است. سنجش نقاط قوت و ضعف و فرصت‌ها و تهدیدهای توسعه گردشگری مساجد در ایران از مدل SWOT استفاده شده است. تحلیل SWOT برای اولین بار در سال 1950 توسط دو فارغ التحصیل مدرسه بازرگانی هاروارد به نامهای جورج آلبرت اسمیت و رولند کریستنسن مطرح شد. در آن زمان این تحلیل ضمن کسب موفقیت‌های روز افزون به عنوان کسب ابزار مفید مدیریتی شناخته شد. اما شاید بیشترین موفقیت مشهود این تحلیل زمانی بدست آمد که Jack Welch از جنرال الکتریک در سال 1980 از آن برای بررسی استراتژی‌های GE و افزایش بهره‌وری سازمان خود استفاده کرد این مدل در ابتدا برای بخش‌های تجاری استفاده می‌شد. اما در ادامه برای برنامه ریزی راهبردی در شهرها مورد استفاده قرار گرفت. (3, 2005, Armstrong)

SWOT سر واژۀ عبارات قوت‌ها (Strenghths)، ضعف‌ها (Weaknesses)، فرصت‌ها (Opportunities) و تهدیدات (Threats) است. در واقع تحلیل قوت‌ها و ضعف‌ها در محیط درونی و تحلیل فرصت‌ها و تهدیدها از محیط بیرونی جریانی نظامند است.

عوامل درونی سیستم شامل نقاط قوت و منفی است. نقاط قوت در واقع ویژگی‌های ممتازی هستند که در زمینه گردشگری مساجد ایران وجود دارند که می‌توان برای گسترش و توسعه گردشگری از آنها استفاده کنیم. نقاط ضعف آن دسته از ویژگیهای هستند که به عنوان مشکل در حال حاضر در زمینه گردشگری مساجد وجود دارد. در جدول3 نقاط قوت و ضعف گردشگری مساجد در ایران به همراه امتیاز بندی آنها با استفاده از پرسش‌نامه متخصصین آورده شده است. امتیاز دهی از طریق پرسش‌نامه متخصصین آشنا به موضوع تحقیق (50 نفر) انجام شد. بر اساس اهمیت ( اهمیت بسیاز زیاد 04/0، زیاد 03/0، متوسط 02/0، کم 01/0 و بی اهمیت 0) به هر متغییر وزنی از از 0- 04/0 داده شده است. سپس به هر متغییر و بر اساس اهمیت و موقعیت کنونی سیستم به آن عامل خاص امتیازی از 5 (بسیار خوب) تا 1 (ضعیف) می‌دهیم. این درجه بندی نشان می‌دهد که سیستم چگونه به هر یک از عوامل خارجی پاسخ می‌دهد. سپس وزن را در درجه هر متغییر ضرب می‌کنیم تا به وسیله امتیاز وزنی آن به دست آید.

**جدول 3- نقاط قوت و ضعف توسعه گردشگری مساجد در ایران و امتیازبندی آنها**

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| **ردیف** | **متغیر** | **وزن** | **رتبه** | **امتیاز نهایی** |
| **S1** | **توجه مسئولین کشوری به توسعه و اهمیت گردشگری مساجد** | **0.03** | **4** | **0.12** |
| **S2** | **وجود مساجد متعدد تاریخی در کشور** | **0.04** | **4** | **0.16** |
| **S3** | **تنوع جاذبه‌های گردشگری مساجد** | **0.04** | **4** | **0.16** |
| **S4** | **وجود محیط روحانی و آرامش بخش در مساجد** | **0.03** | **2** | **0.06** |
| **S5** | **وجود مساجد با معماری بی نظیر** | **0.04** | **4** | **0.16** |
| **S6** | **وجود مساجد با هویت فرهنگی ایرانی و اسلامی** | **0.04** | **3** | **0.12** |
| **S7** | **وجود مساجد دارای نشانه‌های تاریخی و سیاسی** | **0.03** | **2** | **0.06** |
| **S8** | **وجود امنیت برای گردشگران در کشور** | **0.03** | **4** | **0.12** |
| **S9** | **پراکندگی جاذبه‌های گردشگری مساجد در سراسر کشور** | **0.04** | **4** | **0.16** |
| **S10** | **همجواری بسیاری از مساجد تاریخی و مهم با دیگر جاذبه‌های گردشگری همچون مسجد امام اصفهان و مسجد جامع یزد** | **0.03** | **4** | **0.12** |
| **S11** | **رایگان بودن بازدید از مساجد** | **0.03** | **3** | **0.08** |
| **S12** | **وجود بقاع متبرک امام رضا** **و حضرت معصومه** **و امام زادگان**  **در کشور** | **0.04** | **4** | **0.16** |
| **S13** | **امکان تحقیق و پژوهش مساجد** | **0.04** | **3** | **0.12** |
| **W1** | **عدم تبلیغات و شناخت این قابلیت بالقوه برای گردشگران** | **0.03** | **3** | **0.9** |
| **W2** | **مخالفت بعضی از علما با حضور گردشگران غیر مسلمان در فضای مسجد** | **0.03** | **2** | **0.06** |
| **W3** | **عدم شناخت علمی از تاریخ و معماری بعضی از مساجد تاریخی** | **0.04** | **3** | **0.12** |
| **W4** | **نبود کاتالوگ و معرفی نامه مساجد** | **0.03** | **3** | **0.9** |
| **W5** | **عدم وجود راهنمای تور متخصص امور مساجد** | **0.02** | **3** | **0.06** |
| **W6** | **نبود حداقل امکانات رفاهی مناسب در بعضی از سایت‌های گردشگری مساجد** | **0.03** | **3** | **0.09** |
| **W7** | **ضعف فرهنگی و آموزشی مردم** | **0.02** | **2** | **0.04** |
| **W8** | **نبود برنامه جامع گردشگری مساجد** | **0.03** | **2** | **0.06** |
| **W9** | **کمبود امکانات اقامتی و پذیرایی مناسب برای همه اقشار** | **0.03** | **2** | **0.06** |
| **W10** | **نبود راه ارتباطی مناسب برای دسترسی به بعضی از جاذبه‌های گردشگری مساجد** | **0.03** | **3** | **0.09** |
| **W11** | **ضعف مدیریتی و فقدان ثبات مدیریتی** | **0.02** | **2** | **0.04** |

عوامل بیرونی سیستم شامل نقاط فرصت و تهدید است. نقاط فرصت در واقع ویژگی‌های ممتاز و نقاط مثبتی هستند که از آنها می‌توانیم برای گسترش و توسعه گردشگری مساجد استفاده کنیم. هر چه نقاط فرصت بهتر و بیشتری داشته باشیم امکان موفقیت بیشتری خواهیم داشت. نقاط تهدید ویژگی‌های منفی هستند که در صورتی که روند فعلی ادامه داشته باشد یا در صورت گسترش گردشگری مساجد منطقه را تهدید می‌کنند یعنی نقاط منفی بالقوه ای که امکان بالفعل شدن را دارند و بصورت تهدید وجود دارند. در جدول 4 عوامل بیرونی و امتیازهای آنها درج شده است.

**جدول 4- نقاط فرصت و تهدید توسعه گردشگری مساجد در ایران و امتیازبندی آنها**

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| **ردیف** | **متغیر** | **وزن** | **رتبه** | **امتیاز نهایی** |
| **O1** | **امکان آشنایی و افزایش آگاهی غیر مسلمانان با دین اسلام** | **0.04** | **4** | **0.16** |
| **O2** | **امکان تحقیق و پژوهش بر روی مساجد** | **0.04** | **3** | **0.12** |
| **O3** | **افزایش اشتغال در بخش خدمات گردشگری** | **0.04** | **3** | **0.12** |
| **O4** | **افزایش ارتباط مذهبی و علمی میان دانشمندان** | **0.04** | **3** | **0.12** |
| **O5** | **امکان درآمدزایی برای مساجد از طریق ارائه محصولات جانبی** | **0.04** | **4** | **0.16** |
| **O6** | **امکان احیای مساجد تاریخی کمتر توجه شده برای اهداف گردشگری** | **0.04** | **4** | **0.16** |
| **O7** | **حفاظت از مساجد تاریخی و باستانی** | **0.03** | **3** | **0.09** |
| **O8** | **تعدیل دیدگاه‌های خصمانه نسبت به اسلام بواسطه آشنایی گردشگران با واقعیت‌های مساجد** | **0.03** | **4** | **0.12** |
| **O9** | **افزایش آگاهی گردشگران نسبت به مساجد** | **0.03** | **3** | **0.09** |
| **O10** | **افزایش آگاهی گردشگران از هنر معماری اسلامی** | **0.04** | **4** | **0.16** |
| **O11** | **آشنایی گردشگران با مسجد و فرهنگ مسجد** | **0.03** | **4** | **0.12** |
| **O12** | **حفظ و اشاعه هنرهای سنتی و آداب و رسوم مذهبی و بومی** | **0.04** | **4** | **0.16** |
| **O13** | **بهبود کیفیت محیطی و معنوی مسجد** | **0.04** | **3** | **0.12** |
| **O14** | **ارتقاء سطح دانش و آگاهی ساکنین منطقه نسبت به مساجد** | **0.03** | **3** | **0.09** |
| **O15** | **توسعه زیر ساخت‌ها و شبکه‌های ارتباطی دسترسی به مساجد** | **0.04** | **3** | **0.12** |
| **O16** | **ایجاد روحیه سرزندگی در مساجد بواسطه شلوغ بودن و حضور گردشگران** | **0.03** | **3** | **0.09** |
| **O17** | **امکان جذب بیشتر جوانان به مسجد** | **0.04** | **4** | **0.16** |
| **T1** | **احتمال کم شدن معنویت فضای معنوی مساجد به واسطه حضور گردشگران** | **0.03** | **2** | **0.06** |
| **T2** | **احتمال وارد آمدن آسیب به فضای مسجد به دلیل حضور زیاد گردشگران** | **0.03** | **2** | **0.06** |
| **T3** | **به خطر افتادن غنای فرهنگی و از بین رفتن فرهنگ محلی** | **0.04** | **2** | **0.08** |
| **T4** | **متأثر ساختن فرهنگ جامع میزان در برخورد با فرهنگ گردشگران** | **0.02** | **2** | **0.04** |
| **T5** | **گردشگری موجب تجاری شدن جاذبه‌های فرهنگی و معنوی می‌شود** | **0.03** | **3** | **0.9** |
| **T6** | **صدمه به سایت‌های تاریخی و باستانی** | **0.02** | **2** | **0.04** |
| **T7** | **احتمال از بین رفتن آرامش فضای مساجد بواسطه حضور گردشگران** | **0.03** | **3** | **0.09** |
| **T8** | **ناشناخته ماندن بسیاری از مساجد دارای ارزش تاریخی و فرهنگی** | **0.04** | **2** | **0.08** |
| **T9** | **کم توجهی به مساجد تاریخی به دلیل کمبود بودجه** | **0.03** | **3** | **0.09** |

در جدول 5 وزن، درجه و امتیاز نهایی عوامل مختلف داخلی شامل نقاط قوت و ضعف و عوامل خارجی شامل نقاط فرصت و تهدید، امتیاز نهایی SO, SW, TO,TW جمع بندی و نشان داده شده است.

**جدول 5- وزن عوامل SWOT**

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
|  | **قوت ها**  **Strenghths** | **ضعف ها**  **Weaknesses** | **فرصت ها**  **Opportunities** | **تهدید ها**  **Threats** |
| **وزن** | **0.46** | **0.31** | **0.62** | **0.27** |
| **امتیاز نهایی** | **1.6** | **0.8** | **2.16** | **0.63** |
| **میانگین وزن** | **0.035** | **0.28** | **0.36** | **0.03** |
| **میانگین درجه بندی** | **3.47** | **2.54** | **3.47** | **2.33** |
| **میانگین امتیاز نهایی** | **0.123** | **0.07** | **0.127** | **0.73** |
| **درصد امتیاز نهایی** | **30.8** | **15.5** | **41.6** | **12.1** |
| **SW** | | **TO** | |
| **46.3** | | **53.7** | |
| **SO** | | **WT** | |
| **72.4** | | **27.6** | |

**شکل 1- ماتریس SWOT گردشگری مساجد در ایران**

**ج) نتیجه گیری و راهکارها**

هدف تحقیق فوق امکان سنجی و بررسی قابلیت‌های توسعه گردشگری مساجد در کشور ایران بود بر این اساس پس تبیین تئوریک موضوع به بررسی کلی مساجد در ایران پرداخته شد بر اساس بررسی‌های انجام شده در ایران بیش از 70 هزار مسجد وجود دارد. اما از تعداد مساجد تاریخی یا دارای ارزشی هنری و معماری آماری در دسترس نیست. برای این تحقیق بیش از 20 مسجد تاریخی دارای ارزش هنری و معماری اسلامی انتخاب شد و از طریق پرسش‌نامه متخصصین و 50 نفر از متخصصین گردشگری و آگاه به موضع تحقیق قدرت جذب هر کدام از این 20 مسجد در جذب گردشگر سنجیده شد. بر اساس نتایج پرسش‌نامه 85 درصد از این 20 مسجد منتخب دارای قدرت خوب و بسیار خوب برای جذب گردشگری هستند معناداری پاسخ‌های متخصصین به پرسش‌نامه از طریق آزمون تی تک نمونه ای در محیط نرم افزاری SPSS سنجیده شد که همه پاسخ‌ها معنادار بودند. سپس در قالب مدل SWOT به بررسی نقاط قوت گردشگری مساجد در کشور پرداخته شد و 13 مورد قوت و 11 مورد نقطه ضعف شناسایی شدند. 17 مورد هم نقطه فرصت برای توسعه گردشگری مساجد شناخته شد و 9 مورد هم نقطه ضعف. سپس در ادامه بر اساس پرسش‌نامه متخصصان هر کدام از عومل قوت، ضعف، فرصت و تهدید امتیاز بندی شد و امتیاز نهایی بدست آمد سپس ماتریس SWOT ترسیم شد و سهم هر کدام از عوامل در مدل بدست آمد که قوت‌ها (30.8 %)، ضعف‌ها (15.5 %)، فرصت‌ها (41.6 %) و تهدید‌ها (12.1%) است. که بیانگر قوی تر بودن نقاط قوت و فرصت در مقابل نقاط ضعف و تهدید است. نتیجه کلی تحقیق نشان دهنده این است که با وجود مساجد با معماری منحصر به فرد همچون مساجد اصفهان و مسجد جامع یزد ایران دارای قابلیت بالای در زمینه گردشگری مساجد است. با توجه به ماتریس swot و قرار گرفتن در خانه اول ماتریس استراتژی‌های توسعه ای به منظور بهره‌گیری از نقاط قوت و فرصت در جهت پوشش نقاط ضعف و تهدیدهای توسعه گردشگری مساجد ارائه می‌شود بر این اساس مهم‌ترین راهکارهای اجرایی توسعه گردشگری مساجد در ایران راهکارهای زیر پیشنهاد می‌شود.

تبلیغات و شناساندن جاذبه‌های زیاد و زیبای گردشگری مساجد در ایران؛

فراهم سازی زیرساخت‌های گردشگری مساجد مثل زیرساخت‌های ارتباطی و اقامتی؛

برگزاری تورهای ویژه گردشگری مساجد؛

گنجاندن گردشگری مساجد در پکیج‌های گردشگری شهرها؛

تربیت راهنمایان تور ویژه گردشگری مساجد.

**منابع**

ارجمند، احمد، «ارزیابی جایگاه مساجد در همگرایی فرهنگی و اجتماعی کشورهای اسلامی با تأکید بر نقش توسعه توریسم مذهبی و اسلامی»، مجموعه مقالات اولین همایش علمی سراسری مساجد و جهان اسلام، یاسوج، 1391.

آشوری، داریوش، تعریف ها و مفهوم فرهنگ، تهران: نشر آگه، 1380.

بمانیان، محمد رضا و دیگران، « بازخوانی هویت معنوی و انگارهای قدسی در معماری مساجد شیعی»، فصلنامه علمی و پژوهشی شیعه شناسی، شماره 20، صفحات 70-38، 1389.

پاپلی یزدی، محمد حیسن و سقایی، مهدی، « گردشگری و تبارشناسی»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره 68، صفحات 49-24، 1382.

پاپلی یزدی، محمد حسین و سقایی، مهدی، گردشگری (ماهیت و مفاهیم)، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول، 1385.

پهلوان، چنگیز، فرهنگ شناسی: گفتارهای در زمینه فرهنگ و تمدن، تهران: نشر پیام امروز، 1380.

تاپیا، کلود، درآمدی بر روانشناسی اجتماعی مجموعه ضرورت های جامعه شناسی روانی، ترجمه مرتضی کتبی، تهران: انتشارات نی، 1386.

تقوایی، علی اکبر و معروفی، سکینه، « ارزیابی تقش مساجد در ارتقاء کیفیت محیط مطالعه موردی مسجد امیر تهران»، مدیریت شهری، شماره 25، صفحات 235-219، 1389.

جعفریان، رسول، آثار اسلامی مکه و مدینه، تهران: انتشارات مشعر، 1381.

جهانیان، منوچهر، نادعلی پور، زهرا، مدیریت گردشگری (تعاریف، ماهیت و اجزا)، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی، 1388.

حاجی نژاد، علی و دیگران، « تاثیرات گردشگری تجاری بر توسعه کالبدی- فضایی مناطق شهری مطالعه موردی: شهر بانه»، فصلنامه جغرافیا و برنامه ریزی منطقه ای، سال اول، شماره دوم، صفحات 25-5، 1389.

حسینی، محمد صادق، مساجد، گردشگری مذهبی و جایگاه آن در ایران، قم: انتشارات تبلور دین، 1376.

زاهدی، شمس‌السادات، مبانی توریسم و اكوتوریسم پایدار، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، 1385.

سلطان زاده، حسین، روند شکل‌گیری شهرها و مراکز مذهبی در ایران، تهران: انتشارات آگاه، 1362.

سلیمانی، محمد جواد، « معماری مساجد»، مجوعه مقالات معماری مساجد گذشته حالا آینده، تهران: دانشگاه هنر، 1378.

صادقی، محمد، « گردشگری مساجد و نقش آن در توسعه فرهنگ اسلامی و مذهبی نمونه موردی مسجد جامع یزد»، مجموعه مقالات اولین همایش علمی سراسرس مساجد و جهان اسلام، یاسوج، 1391.

طیبی، سید کمیل و دیگران، « بررسی رابطه علی بین گردشگری و رشد اقتصادی ( مطالعه موردی ایران، کشورهای oecd به علاوه کشورهای منتخب»، مجله علمی و پژوهشی دانش و توسعه، شماره 24، 1387.

فکوهی، ناصر، انسان شناسی شهری، تهران: نشر نی، چاپ سوم، 1385.

قره نژاد، حسن، مقدمه‌ای بر اقتصاد و سیاستگذاری توریسم، اصفهان: انتشارات مانی، 1374.

مافی، عزت الله، سقایی، مهدی، «کاربرد مدل MS-SOWT در تحلیل مدیریت گردشگری شهری نمونه موردی کلانشهر: مشهد»، فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیا و توسعه، شماره 14، صفحات 50-27، 1388.

متدین، حشمت اله، « چهار طاقی گنبد دار نقطه عطف معماری مساجد ایرانی»، نشریه هنرهای زیبا، شماره 31، صفحات 46-39، 1386.

محلاتی، صلاح الدین، درآمدی بر جهانگردی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، 1380.

مرتضی، هشام، اصول سنتی ساخت و ساز در اسلام، ترجمه ابوالفضل مشکینی و کیومرث حبیبی، تهران: انتشارات مرکز مطالعات شهرسازی و معماری ایران، 1387.

مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن، 1385.

موظف رستمی، محمد علی، تجارب مبلغین در خصوص جذب نوجوان و جوان به مسجد (از مجموعه ره پویه)، قم: انتشارات دارالمعارف، 1387.

نظام شهیدی، مهران دخت، «تعیین الگوی برنامه ریزی راهبردی در صنعت جهانگردی ایران»، فصلنامه دانش و مدیریت، شماره 59، صفحات 103-87، 1381.

نظریان، اصغر، جغرافیای شهری ایران، تهران: انتشارات پیام نور، چاپ هفتم، 1385.

وای، گی، چاک، گردشگری در چشم انداز جامع، ترجمه علی پارساییان و سید محمد اعرابی، تهران: انتشارات دفتر پژوهش های فرهنگی، 1377.

یاراحمدی، مجتبی، تاریخ و آثار اسلامی مکه و مدینه، تهران: انتشارات مشعر، 1386.

Armstrong, M . (2005). Management Processes and Functions. London CIPD.

Azman, A . (2013). The constraints of tourism development for a cultural heritage destination: The case of Kampong Ayer (Water Village) in Brunei Darussalam. Tourism Management Perspectives. Volume 8. Pages 113-106.

Faris, A . Ahmad, S. (2013). Mosque layout design: An analytical study of mosque layouts in the early Ottoman period. Frontiers of Architectural Research. Volume 2. Issue 4. Pages 456-445.

Ivanka, N . (2012). Identifying Tourism Potentials in Republic of Macedonia Through Regional Approach. Procedia - Social and Behavioral Sciences. Volume 44. Pages 103-95.

Jafar, J. Noel, S. (2012). Muslim world and its tourisms. Annals of Tourism Research. Volume 44. Pages 19-1.

Hüseyin, K. Halil, K . (2011). Contribution of concrete cultural constituents to the tourism potential of Safranbolu. Procedia - Social and Behavioral Sciences. Volume 19. Pages 225-230.

Othman, Z. (2011). The Importance of Islamic Art in Mosque Interior. Procedia Engineering. Volume 20. Pages 109-105.

Raija, K. (2014). The role of individual entrepreneurs in the development of competitiveness for a rural tourism destination - A case study. Tourism Management. Volume 40. Pages -361 371.

Richard, S. (2014). Host perceptions of tourism: A review of the research. Tourism Management . Volume 42. Pages 39-37.

Trevor, H. Sofield, F. Mei, S. (1998). Tourism development and cultural policies in China. Annals of Tourism Research. Volume - Issue 2. Pages 392-362.

UNWTO. (2007). touris highlights edition (www.unwto.com).

1. . استادیار دانشگاه امام صادق(ع) [↑](#footnote-ref-1)
2. . faith-based school. [↑](#footnote-ref-2)
3. . Seminary or Theological colleges. [↑](#footnote-ref-3)
4. . XXIII Session, Council of Trent, ch. XVIII. Retrieved from J. Waterworth, ed. (1848).The Canons and Decrees of the Sacred and Oecumenical Council of Trent. London: Dolman. Pp. 92-170.

   http://history.hanover.edu/texts/trent/ct23.html. Retrieved June 2009 . 16. [↑](#footnote-ref-4)
5. . Bible college. [↑](#footnote-ref-5)
6. . BibleCollegeGuide.com. [↑](#footnote-ref-6)
7. . Jon Nixon. [↑](#footnote-ref-7)
8. . Towards The Virtuous University : The Moral Bases Of Academic Practice. [↑](#footnote-ref-8)
9. . Good University. [↑](#footnote-ref-9)
10. . Scholarship. [↑](#footnote-ref-10)
11. . Academic Excellence . [↑](#footnote-ref-11)
12. . Public Good. [↑](#footnote-ref-12)
13. . The Science of Religions. [↑](#footnote-ref-13)
14. . Comparative Religion. [↑](#footnote-ref-14)
15. . Max Muller. [↑](#footnote-ref-15)
16. . Curriculum. [↑](#footnote-ref-16)
17. . Eash . [↑](#footnote-ref-17)
18. . کارشناس‌ارشد علوم تربیتی. [↑](#footnote-ref-18)
19. . دانش‌آموختـه حوزۀ علمیـه قم, کارشناسی ارشد مشاوره و راهنمایی . [↑](#footnote-ref-19)
20. . الکافی، ج 2، ص 103. [↑](#footnote-ref-20)
21. . الکافی،‌ج 2، ص 188. [↑](#footnote-ref-21)
22. . مستدرک‌الوسایل، ج 8، ص 104. [↑](#footnote-ref-22)
23. . الکافی، ج 2، ص 103. [↑](#footnote-ref-23)
24. . همان. [↑](#footnote-ref-24)
25. . الکافی، ج 2، ص 453. [↑](#footnote-ref-25)
26. . همان. [↑](#footnote-ref-26)
27. . معانی الأخبار، ص 253. [↑](#footnote-ref-27)
28. . کارشناسی ارشد مدیریت ازدانشگاه امام صادق. [↑](#footnote-ref-28)
29. . Media. [↑](#footnote-ref-29)
30. . چهار عنصر رسانه که در مساجد نیز بروز و ظهور دارند عبارتند از: پیام، سازنده پیام، مخاطبان و قالب پیام و ابزار و شیوه ارائه آن (شجاعی زند، 1387: 4). [↑](#footnote-ref-30)
31. . حجت‌الاسلام والمسلمین اکبری مدیر پایگاه حوزه نت، در گفت‌وگو با خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا) بیان کرد: “هم‌اکنون در حال پیگیری شبکه‌ اجتماعی مسجد هستیم. قرار است در این شبکه‌ اجتماعی، کاربران با مسائلی مربوط به عبادت آشنا شوند و این رفتارها را تمرین، آموزش و یاد بگیرند. مشابه این موضوعات را می‌توان در شبکه‌های اجتماعی جستجو کرد ... به نظر می‌رسد هر آنچه که می‌توان در فضای حقیقی پیگیری کرد همان را می‌توان در فضای مجازی ادامه داد” ( http://iqna. ir/fa/News/1353548). حجت الاسلام حمیدرضا ارباب سلیمانی دبیر ستاد عالی کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد کشور نیز در مصاحبه با خبرگزاری مهر، از “ایجاد یک شبکه هماهنگ بین مساجد” خبر داد. (http://www. mehrnews. com/detail/News/2207609). [↑](#footnote-ref-31)
32. . Networking. [↑](#footnote-ref-32)
33. . Donald Nodson. [↑](#footnote-ref-33)
34. . William Boggs. [↑](#footnote-ref-34)
35. . László Lukács. [↑](#footnote-ref-35)
36. . Social network. [↑](#footnote-ref-36)
37. . Actors. [↑](#footnote-ref-37)
38. . Nodes. [↑](#footnote-ref-38)
39. . Online. [↑](#footnote-ref-39)
40. . J. A. Barnes. [↑](#footnote-ref-40)
41. . Bulletin Board System (BBS). [↑](#footnote-ref-41)
42. . Chat. [↑](#footnote-ref-42)
43. . برخی مشکلات موجود در مساجد ناظر به همین بخش است. به عنوان مثال سیاسی کاری‌ها و جناح و باند بازی‌ها که منجر به خروج برخی از مردم از مسجد و یافتن مشابهان خود در مکان‌های دیگر شده است. [↑](#footnote-ref-43)
44. . توجه به این مهم بسیار ضروری است چرا که آنچه شبکه مساجد را از سایر شبکه‌های موجود جدا می‌سازد، کسب رضایت الهی است حال آنکه در سایر شبکه‌ها اکثرا به منظور سرگرمی و تفریح و یا صرفا پرداختن به امور مادی و دنیوی جمع می‌شوند. [↑](#footnote-ref-44)
45. . در پژوهش حاضر به شناخت اجمالی این سازمان‌ها و نهادها بسنده شده، حال آنکه شناخت کامل آنها و تفکیک آنها به سازمان‌ها و نهادهای موازی، ستادی و صفی نیاز به پژوهشی مستقل دارد که به نظر می‌رسد در دستور کار مرکز رسیدگی به امور مساجد قرار گرفته است. [↑](#footnote-ref-45)
46. . محقق و پژوهشگر حوزه علمیه قم. [↑](#footnote-ref-46)
47. . لسان العرب، ج8، ص143. [↑](#footnote-ref-47)
48. . - ر.ک: کتابهای لغت: فرهنگ معین، لغتنامه دهخدا، ذیل واژه «طراز». [↑](#footnote-ref-48)
49. . ماهنامه مسجد،1391، شماره162؛ ص13. [↑](#footnote-ref-49)
50. . صحیفه نور، ج17، ص41. [↑](#footnote-ref-50)
51. . ذاریات، آیه56. [↑](#footnote-ref-51)
52. . رعد، آیه‌15. [↑](#footnote-ref-52)
53. . و اینکه مساجد از آن خداست؛ پس، هیچ کس را با خدا نخوانید؛ جنّ، آیه18. [↑](#footnote-ref-53)
54. . بگو: پروردگارم امر به عدالت کرده است و توجّه خویش را در هر مسجد (و به هنگام عبادت) به سوى او کنید و او را بخوانید، در حالى که دین (خود) را براى او خالص گردانید (و بدانید) همان‌گونه که در آغاز شما را آفرید، (بار دیگر در رستاخیز) باز مى‏گردید؛ اعراف، آیه29. [↑](#footnote-ref-54)
55. . همان‌ها که از خانه و شهر خود، به ناحقّ رانده شدند، جز اینکه مى‏گفتند: پروردگار ما، خداى یکتاست و اگر خداوند، بعضى از مردم را به‌ وسیله بعضى دیگر دفع نکند، دیرها و صومعه‏ها و معابد یهود و نصارا و مساجدى که نام خدا در آن بسیار برده مى‏شود، ویران مى‏گردد و خداوند، کسانى را که یارى او کنند (و از آیینش دفاع نمایند)، یارى مى‏کند؛ خداوند قوى و شکست‌ناپذیر است؛ حجّ، آیه40. [↑](#footnote-ref-55)
56. . نور، آیه36. [↑](#footnote-ref-56)
57. . بقره، آیه114. [↑](#footnote-ref-57)
58. . المیزان فى تفسیر القرآن‏، ج4، ص126. [↑](#footnote-ref-58)
59. . نخستین خانه‏اى که براى مردم قرار داده شد، همان است که در سرزمین مکّه است که پر برکت و مایه هدایت جهانیان است؛ آل‌عمران، آیه96. [↑](#footnote-ref-59)
60. . - بحارالانوار، ج82، ص164. [↑](#footnote-ref-60)
61. . وسائل‌الشیعة، ج‏8، ص286. [↑](#footnote-ref-61)
62. . بحارالانوار، ج80، ص380. [↑](#footnote-ref-62)
63. . وسائل‌الشیعه، ج4، ص117. [↑](#footnote-ref-63)
64. . - تهذیب الاحکام، ج3، ص24، باب فضل الجماعة. [↑](#footnote-ref-64)
65. . تاریخ تمدّن، ج4، ص273. [↑](#footnote-ref-65)
66. . - ر.ک: فروع الکافی، ج8، ص341؛ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج11، ص9. [↑](#footnote-ref-66)
67. . - ر.ک: سیمای مسجد، ص207-236. [↑](#footnote-ref-67)
68. . ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج11، ص9. [↑](#footnote-ref-68)
69. . آل‏عمران، آیه159. [↑](#footnote-ref-69)
70. . فروغ ابدیّت، ج2، ص34 ـ 37. [↑](#footnote-ref-70)
71. . صحیفه نور، ج7، ص65. [↑](#footnote-ref-71)
72. . همان، ج2، ص485. [↑](#footnote-ref-72)
73. . همان، ج13، ص362. [↑](#footnote-ref-73)
74. . - همان، ج18، ص 276. [↑](#footnote-ref-74)
75. . همان، ج17، ص 60. [↑](#footnote-ref-75)
76. . شریف‌پور، رضا، مسجد و انقلاب اسلامى، ص88 ـ 89. [↑](#footnote-ref-76)
77. . همان، ص85. [↑](#footnote-ref-77)
78. . محمّدى، منوچهر، تحلیلى در انقلاب اسلامى، ص91. [↑](#footnote-ref-78)
79. . - ویلفرد کنت ول اسمیت، اسلام در جهان امروز، ترجمه حسنعلى مهروى، تهران، دانشگاه تهران، 1356، ص 101. [↑](#footnote-ref-79)
80. . - توبه، آیه 108. [↑](#footnote-ref-80)
81. . - مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج5، ص110. [↑](#footnote-ref-81)
82. . - وسائل الشیعه، ج3، ص513، باب 35 از ابواب احکام المساجد، روایات 1 و 3 و ج5، ص460 و 471، باب 58 و 70 از ابواب صلاة الجماعه. [↑](#footnote-ref-82)
83. . - همان، ج5، ص382، باب5 از ابواب صلاة الجماعه، روایت7. [↑](#footnote-ref-83)
84. . - وسائل ‌الشیعه، ج5، ص263. [↑](#footnote-ref-84)
85. . - مستدرک الوسائل، ج3، ص38؛ بحارالانوار، ج80، ص350. [↑](#footnote-ref-85)
86. . - وسائل الشیعه، ج5، ص372، باب 1 از ابواب صلاة الجماعه، روایت 9. [↑](#footnote-ref-86)
87. . محمّدى، منوچهر، تحلیلى در انقلاب اسلامى، ص74. [↑](#footnote-ref-87)
88. . صحیح بخاری، ج1، ص108، ج4ف ص65. [↑](#footnote-ref-88)
89. . ر ک: تقی الدین احمد المقریزی، الخطط، ج2، ص249؛ الولی محمد طه، المساجد فی الاسلام، ص159؛ رازی فخرالدین، التفسیر الکبیر، ج16، ص9 و10. صحیح بخاری، ج1، ص108. [↑](#footnote-ref-89)
90. . تقى الدین احمد المقریزى، الخطط،، ج2، ص249. [↑](#footnote-ref-90)
91. . - الاعلاق النفسیه، ص116؛ طه الولى، المساجد فى الاسلام، ص159. [↑](#footnote-ref-91)
92. . - طه الولى، المساجد فى الاسلام، ص159. [↑](#footnote-ref-92)
93. . -جمعه، آیه 10. [↑](#footnote-ref-93)
94. . - فقه القرآن، ج1، ص135. [↑](#footnote-ref-94)
95. . - عدة الداعی، ص91-92. [↑](#footnote-ref-95)
96. . بی آزار شیرازی، عبدالکریم، فصلنامه فرهنگ کوثر، ش16، مقاله: مسجد قلب جامعه اسلامی، ص3-4. [↑](#footnote-ref-96)
97. . ر.ک: آل‌عمران، آیات125 و 126؛ بقره، آیات276، 277، 278، 279؛ من لایحضره الفقیه، ج3، ص274؛ بحارالانوار، ج103 ص115. [↑](#footnote-ref-97)
98. . عبدالوهّاب حموده، ره‌آورد مسجد در فرهنگ اسلامی، ترجمه‌ مهدی اسفندیاری، ص115. [↑](#footnote-ref-98)
99. . عوالی‌اللآلی، ج2، ص344 باب القضاء. [↑](#footnote-ref-99)
100. . - مستدرک الوسائل، ج3، ص197(چاپ قدیم)؛ دعائم الاسلام، ج2، ص534. [↑](#footnote-ref-100)
101. . محرّمی، غلامحسین، نقش مسجد در جامعه ‌اسلامی (از آغاز تا عصر عبّاسیان)، ص157. [↑](#footnote-ref-101)
102. . - شرایع الاسلام، ج1، ص152. [↑](#footnote-ref-102)
103. . صحیفه‏ نور، ج18، ص67. [↑](#footnote-ref-103)
104. . - بقره، آیه 217. [↑](#footnote-ref-104)
105. . فتح، آیه29. [↑](#footnote-ref-105)
106. . واقدی، المغازی، ص152 . [↑](#footnote-ref-106)
107. . فتحی و آجارگاه کورش، تأمّلی بر کارکردهای مسجد (مسجد نقطه وصل)، ص27. [↑](#footnote-ref-107)
108. . انفال، آیه61. [↑](#footnote-ref-108)
109. . نوبهار، رحیم، مسجد نمونه، ص75. [↑](#footnote-ref-109)
110. . - محمدمهدی پورعلی فرد، نکته‌هایی درباره روش تربیت دینی نسل جوان و نوجوان، ج، انتشارات شاکر، ص ۱۹.  [↑](#footnote-ref-110)
111. . حسینی سیّدحمید، آثار، برکات و کارکردهای فردی و اجتماعی مسجد، مجموعه مقالات فروغ مسجد، ج5، ص202. [↑](#footnote-ref-111)
112. . موظّف رستمی، محمّدعلی، آیین مسجد (کارکردهای مسجد)، ص107. [↑](#footnote-ref-112)
113. . نوبهار، رحیم، مسجد نمونه، ص15و71. [↑](#footnote-ref-113)
114. . جعفری‌نژاد، نقش مسجد، در تربیت دینی نسل جوان، ماهنامه مسجد، ش86. [↑](#footnote-ref-114)
115. . صانعی صفدر، آرامش روانی و مذاهب، ص6. [↑](#footnote-ref-115)
116. . - مستدرک‏الوسائل، ج3، ص362، ح3786؛ «قَالَ النبیJ: إِذَا رَأَیْتُمُ الرَّجُلَ یَعْتَادُ الْمَسَاجِدَ فَاشْهَدُوا لَهُ بِالْإِیمَانِ لِأَنَّ اللَّهَ یَقُولُ إِنَّما یعْمُرُ مَساجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّه‏». [↑](#footnote-ref-116)
117. . فتح، آیه 4. [↑](#footnote-ref-117)
118. . مطهّری، مرتضی، بیست گفتار، ص228. [↑](#footnote-ref-118)
119. . مستدرک الوسائل، ج3، ص363. [↑](#footnote-ref-119)
120. . مستدرک الوسائل، ج3، ص363، ح3788. [↑](#footnote-ref-120)
121. . طبرسى (رضى‌الدّین)، حسن‌بن‌فضل، مکارم‌الاخلاق، ص712. [↑](#footnote-ref-121)
122. . ق، آیه 15. [↑](#footnote-ref-122)
123. . مطهری، مرتضی، داستانها و پندها، ج9، ص58. [↑](#footnote-ref-123)
124. . همان، انسان کامل، ص96. [↑](#footnote-ref-124)
125. . آذربایجانی، مسعود و دیگران، روان‌شناختی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی، ص137. [↑](#footnote-ref-125)
126. . همان، ص141. [↑](#footnote-ref-126)
127. . وسائل الشیعه، ج٣، ص٤٨٠. [↑](#footnote-ref-127)
128. . حسینی، سیّدحمید، آثار، برکات و کارکردهای فردی و اجتماعی مسجد، مجموعه‌ مقالات فروغ مسجد، ج5، ص202. [↑](#footnote-ref-128)
129. . - ابن‌طاووس، على‌بن‌موسى، ادب حضور (ترجمه فلاح السائل)، ج1، ص80. [↑](#footnote-ref-129)
130. . وسائل الشیعه، ج٣، ص٤٨٠. [↑](#footnote-ref-130)
131. . البته در برخی موارد افراد مسجد چنین نیستند. این امر به معنای نبود چنین کارکردی برای مسجد نیست؛ بلکه حاکی از نقاط ضعف آن مسجد و فاصله آن از مسجد طراز اسلامی می‌باشد. [↑](#footnote-ref-131)
132. . نوبهار، رحیم، مسجد نمونه، ص24. [↑](#footnote-ref-132)
133. . زمر، آیه9. [↑](#footnote-ref-133)
134. . برومند اعلم عبّاس، درآمدی بر جایگاه مسجد در تمدّن اسلامی، ص74 و75. [↑](#footnote-ref-134)
135. . وسائل الشیعة، ج6، ص12، باب3 از ابواب ما تحب فیه الزکاة و ما تستحبّ فیه، ص217. [↑](#footnote-ref-135)
136. . - صحیح بخاری، ج1، کتاب العلم، باب 75، ش96. [↑](#footnote-ref-136)
137. . - التراتیب الاداریّه، ج2، ص222. [↑](#footnote-ref-137)
138. . - همان، ج2، ص233. [↑](#footnote-ref-138)
139. . ر.ک به: نوبهار، رحیم، سیمای مسجد، ص93. [↑](#footnote-ref-139)
140. . فراهتی عبّاسعلی، نگاهی به تاریخ آموزش در مساجد، رسانه‌ دانشگاه، ص77. [↑](#footnote-ref-140)
141. . حاج سیدجوادی، فریبرز، «مسجد- مدرسه‌های قزوین»، مجموعه مقالات همایش معماری(معماری مسجد، گذشته، حال، آینده)، ج اول، ص84. [↑](#footnote-ref-141)
142. . بحارالانوار، ج٧٧، ص٨٦؛ وسایل الشیعه، ج٣، ص٨٦. [↑](#footnote-ref-142)
143. . - منیة المرید، ص 26. [↑](#footnote-ref-143)
144. . - همان. [↑](#footnote-ref-144)
145. . - محمد بن عبدالله زرکشی، اعلام المساجد باحکام المساجد، ص328. [↑](#footnote-ref-145)
146. . - مستدرک الوسایل، ج3، ص363، روایت 20، از ابواب احکام المساجد. [↑](#footnote-ref-146)
147. . بحارالانوار،‌ ج1 ص207، ح3، باب4. [↑](#footnote-ref-147)
148. . بحارالانوار،‌ ج1، ص185، ح105. [↑](#footnote-ref-148)
149. . محجة البیضاء، ج1، ص134. [↑](#footnote-ref-149)
150. . - همان، ص23. [↑](#footnote-ref-150)
151. . الاستیعاب، ج4، ص163. [↑](#footnote-ref-151)
152. . مستدرک الوسائل، ج1، ص227.(چاپ قدیم). [↑](#footnote-ref-152)
153. . - همان، ج1، ص166، ح310. [↑](#footnote-ref-153)
154. . عبدالرحیم غنیمه، دانشگاه هاى بزرگ اسلامى، ص58-62. [↑](#footnote-ref-154)
155. . ابن فضل الله العمرى، مسالک الابصار، ج1، ص131. [↑](#footnote-ref-155)
156. . بلاذرى، فتوح البلدان، ص71 و 78. [↑](#footnote-ref-156)
157. . عبدالرحیم غنیمه، دانشگاه هاى بزرگ اسلامى، ص58-62. [↑](#footnote-ref-157)
158. . مناقب الامام الشافعى، ص20. [↑](#footnote-ref-158)
159. . حضرت فرمود: سیل عظیمی این مسجد را غرق خواهد کرد که صدها سال بعد از این، سیل به وقوع پیوست. [↑](#footnote-ref-159)
160. . عبدالرحیم غنیمه، دانشگاه هاى بزرگ اسلامى، ص71. [↑](#footnote-ref-160)
161. . همان، ص65. [↑](#footnote-ref-161)
162. . مبارک، علی باشا، الخطط التوفیقیة الجدیدیه، ج4، ص827. [↑](#footnote-ref-162)
163. . - محمدباقر حجتى، اسلام و تعلیم و تربیت، ص 28 به نقل از: ادموند کلیفورد باسورث، تاریخ سیستان. [↑](#footnote-ref-163)
164. . - محمدباقر حجتى، اسلام و تعلیم و تربیت، ص28. [↑](#footnote-ref-164)
165. . - عبدالرحیم غنیمه، دانشگاه هاى بزرگ اسلامى، ص70. [↑](#footnote-ref-165)
166. . - محمد سلیمان الراوندى، راحة الصدور، ص180؛ یاقوت الحموى، معجم الادباء، ص 415. [↑](#footnote-ref-166)
167. . - تاریخ جدید یزد، ص 67. [↑](#footnote-ref-167)
168. . - ر.ک: سیمای مسجد، ج2، فصل ششم. [↑](#footnote-ref-168)
169. . همان، ص105. [↑](#footnote-ref-169)
170. . نظام آموزشی مسجد، نشریه ایران، ش31، ص1. [↑](#footnote-ref-170)
171. . فیلیپ خلیل، حتّی، تاریخ عرب، ص327. [↑](#footnote-ref-171)
172. . همان، ص52-53. [↑](#footnote-ref-172)
173. . سیمای مسجد، ص105و107. [↑](#footnote-ref-173)
174. . فیلیپ خلیل، حتّی، تاریخ عرب، ص327. [↑](#footnote-ref-174)
175. . - غیبت نعمانی، ص318؛ بحارالأنوار، ج52، ص366. [↑](#footnote-ref-175)
176. . - همان. [↑](#footnote-ref-176)
177. . - نهج البلاغه صبحی صالح، ص540، حکمت شماره 369. [↑](#footnote-ref-177)
178. . - من لایحضره الفقیه، ج1، باب فضل المساجد و حرمت‌ها، ص237، ح 713. [↑](#footnote-ref-178)
179. . وسائل الشیعه، ج3، ص493، باب 14 از ابواب احکام المساجد، روایت 1. [↑](#footnote-ref-179)
180. . - مستدرک الوسائل، ج3، ص355، باب یک از ابواب احکام المساجد، روایت 2. [↑](#footnote-ref-180)
181. . التراتیب الاداریّة، عبدالحی الکتانی، ج 1، ص 48. [↑](#footnote-ref-181)
182. . همان، ص 477- 478؛ محمد بن عمر واقدی، مغازی، ص255. [↑](#footnote-ref-182)
183. . وسائل الشیعه، ج5، ص237؛ بحارالانوار، ج80، ص371؛ من لایحضره الفقیه، ج1، ص374، ح1088. [↑](#footnote-ref-183)
184. . امام خمینی(ره)، رساله توضیح المسائل، مسئله 893. [↑](#footnote-ref-184)
185. . - آیت ا... مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، مسئله817. [↑](#footnote-ref-185)
186. . تاریخ دانشگاه‌های یزرگ اسلامی، ص48؛ تاریخ آموزش در اسلام، ص89. [↑](#footnote-ref-186)
187. . دانشجوی فوق لیسانس رشته الهیات و معارف اسلامی-علوم قرآن و حدیث. [↑](#footnote-ref-187)
188. . علّامه مجلسی، بحار الأنوار، ج۶۵، ص۴۶. [↑](#footnote-ref-188)
189. . حرّ عاملی، وسایل الشیعه، ج3، ابواب احکام المساجد، باب4، ح3. [↑](#footnote-ref-189)
190. . توبه، آیه18؛ این آیه پس از آیه17 توبه که به عدم صلاحیّت مشرکان در آبادساختن مساجد اشاره دارد، صفات آبادگران مساجد را تبیین می‌کند. [↑](#footnote-ref-190)
191. . بقره، آیه114. [↑](#footnote-ref-191)
192. . طباطبائی علّامه سیّدمحمّدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، ج9، ص265 - ص266. [↑](#footnote-ref-192)
193. . کرمانی فریدنی علی، شرح واژه‌های قرآنی در ترجمه تفسیر مجمع البیان، ص517. [↑](#footnote-ref-193)
194. . جوادی آملی عبدالله، تفسیر تسنیم، ج6، ص237. [↑](#footnote-ref-194)
195. . قرائتی محسن، تفسیر نور، ج3، ص393. [↑](#footnote-ref-195)
196. . طبرسی ابوعلی الفضل‌بن الحسن، ترجمه تفسیر مجمع البیان، ج5، ص521-522. [↑](#footnote-ref-196)
197. . اراکی محمّد، فرهنگ آیات فقهی قرآن کریم، ص358-359. [↑](#footnote-ref-197)
198. . الشریف لاهجی بهاءالدّین محمّد‌بن علی، تفسیر لاهیجی، ج2، ص238. [↑](#footnote-ref-198)
199. . کاشانی ملّافتح‌الله، تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، ج2، ص847. [↑](#footnote-ref-199)
200. . اراکی محمّد، فرهنگ آیات فقهی قرآن کریم، ص358-359. [↑](#footnote-ref-200)
201. . کرمانی فریدنی علی، شرح واژه‌های قرآنی در ترجمه تفسیر مجمع البیان، ص249. [↑](#footnote-ref-201)
202. . فیض کاشانی، ترجمه تفسیر شریف صافی، ج1، ص250. [↑](#footnote-ref-202)
203. . برای مطالعه بیشتر ر.ک: خسروی حسینی سیّدغلامرضا، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن راغب اصفهانی (متوفّی 502)، ج1، ص636. [↑](#footnote-ref-203)
204. . مکارم شیرازی ناصر و جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، ج1، ص411. [↑](#footnote-ref-204)
205. . برای مطالعه بیشتر ر.ک: جوادی آملی عبدالله، تسنیم، ج6، ص225- 254. [↑](#footnote-ref-205)
206. . برای مطالعه بیشتر ر.ک: خسروی‌حسینی سیّدغلامرضا، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن راغب اصفهانی (متوفی 502)، ج1، ص875-873. [↑](#footnote-ref-206)
207. . برای مطالعه روایات مربوط به عمارت و خراب کردن مسجد ر.ک: ابن بابویه، من لایحضره الفقیه، ج1، ص169؛ محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج3، ص386 و385؛ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج3، ص556 و ص484؛ علامه مجلسی، بحارالأنوار، ج۸۳، ص۲۸۲ و... . [↑](#footnote-ref-207)
208. . توبه، آیات 17و 18 و 19؛ روم، آیه 9؛ طور، آیه4. [↑](#footnote-ref-208)
209. . حشر، آیه2؛ بقره، آیه114. [↑](#footnote-ref-209)
210. . قرائتی محسن، تفسیر نور، ج1، ص185-186. [↑](#footnote-ref-210)
211. . دهخدا علی‌اکبر، لغتنامه دهخدا، ج8، ص12202-12203؛ همچنین بیبنید، معین محمّد، فرهنگ معین، ج2، ص1668. [↑](#footnote-ref-211)
212. . نساء، آیه1؛ مائده، آیه117؛ احزاب، آیه52؛ دخان، آیه 59؛ قمر، آیه27. [↑](#footnote-ref-212)
213. . ق، آیه18. [↑](#footnote-ref-213)
214. . برای مطالعه بیشتر ر.ک: آ.اس. هورنای، فرهنگ پیشرفته آکسفورد، ص928. [↑](#footnote-ref-214)
215. . ر. ک: کاشانی‌زاده امیرمسلم، کرم‌الهی نعمت‌الله، تبیین الگوی مفهومی آسیب‌شناسی وضعیت مسجد در ایران، نشریه معرفت فرهنگی اجتماعی،  ش3، ص31 ـ 48. [↑](#footnote-ref-215)
216. . رضایی علیرضا، آسیب‌شناسی فرهنگی، تبیین مفهومی، نظری و راهبردی، مهندسی فرهنگی، سال دوم، ش17-18، ص74-81. [↑](#footnote-ref-216)
217. . آل‏عمران، آیه96. [↑](#footnote-ref-217)
218. . سبحانی تبریزی جعفر، فروغ ابدیّت، 438-457. [↑](#footnote-ref-218)
219. . ر.ک: کلینی محمّدبن‌یعقوب، اصول کافى، ج3، ص373، باب فضل الصلاة فى الجماعة. [↑](#footnote-ref-219)
220. . بقره، آیه114. [↑](#footnote-ref-220)
221. . کلینی محمّدبن یعقوب، اصول کافی، ج2، ص222، ح4. [↑](#footnote-ref-221)
222. . علامه مجلسی، بحارالانوار، ج۱۳، ص۱۹۰؛ محدث‌نوری، مستدرک الوسائل، ج۳، ص۳۶۲، باب ۳، روایت ۱۸. [↑](#footnote-ref-222)
223. . توبه، آیه18. [↑](#footnote-ref-223)
224. . راغب اصفهانی حسین‌بن‌محمّد، مفردات الفاظ القرآن، صص396-397. [↑](#footnote-ref-224)
225. . علامه مجلسی، بحارالانوار، ج82، ص164. [↑](#footnote-ref-225)
226. . ر.ک: مرکز رسیدگی به امور مساجد، فرهنگ مسجد، ص219. [↑](#footnote-ref-226)
227. . نجفی محمّدحسن، جواهرالکلام، ج14، ص61. [↑](#footnote-ref-227)
228. . بقره، آیه114. [↑](#footnote-ref-228)
229. . حج، آیه40. [↑](#footnote-ref-229)
230. . دهخدا علی‌اکبر، لغتنامه دهخدا، ج5، ص6920. [↑](#footnote-ref-230)
231. . معین محمّد، فرهنگ معین، ج1، ص1128؛ همچنین ببینید: عمید حسن، فرهنگ فارسی عمید، ص346. [↑](#footnote-ref-231)
232. . انوری حسن، فرهنگ بزرگ سخن، ج3، ص1861. [↑](#footnote-ref-232)
233. . همان، ص1862. [↑](#footnote-ref-233)
234. . حدّادعادل غلامعلی، دانشنامه جهان اسلام، ج8، ص60، با تلخیص و تغییر الفاظ. [↑](#footnote-ref-234)
235. . موسوی بجنوردی سیّدمحمّدکاظم، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج16، ص102و103، با تلخیص مطالب. [↑](#footnote-ref-235)
236. . همان، ص112- 115، با تلخیص مطلب. [↑](#footnote-ref-236)
237. . برای مطالعه جزئیات بیشتر ر.ک: همان منبع، ص103 و 104. [↑](#footnote-ref-237)
238. . موسوی بجنوردی سیّدمحمّدکاظم، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج16، ص104و103، با تلخیص مطالب. [↑](#footnote-ref-238)
239. . نگارنده بر اساس تحقیق میدانی و انجام مصاحبه حضوری و ساختاریافته، با متولّیان تکایا و پیرغلامان اهل بیت این مطالب را جمع‌بندی و نگاشته است. [↑](#footnote-ref-239)
240. . حسینیّه در فرهنگ لغت حییم سلیمان، فرهنگ معاصر فارسی به انگیلسی، ص321، بدین صورت تعریف شده است:

     Place where the martyrdom of Imam hossein is mourned for theatre of passion-plays. [↑](#footnote-ref-240)
241. . دهخدا علی‌اکبر، لغتنامه دهخدا،ج6، ص9077. [↑](#footnote-ref-241)
242. . انوری حسن، فرهنگ بزرگ سخن، ج3، ص2531. [↑](#footnote-ref-242)
243. . معتمدى حسین، عزادارى سنتى شیعیان در بیوت علما و حوزه‌هاى علمیه و کشورهاى جهان، ج1، ص151، 165، 168،180؛ محمّدى محمود، فرهنگ اماکن و جغرافیاى تاریخى بیهق (سبزوار) بر اساس معجم‌البلدان یاقوت و تاریخ بیهق، سبزوار، ص261؛ همچنین ر.ک: سلطان‌زاده، حسین، روند شکل‌گیرى شهر و مراکز مذهبى در ایران، ص30؛ رضائى، جمال، بیرجندنامه، بیرجند در آغاز سده چهاردهم خورشیدى، ص126ـ127؛ انصاری‌قمى، محمّدرضا، موقوفات ایرانیان در عراق، وقف: میراث جاویدان، سال2، ش1، ص77، ش3، ص84، سال3، ش1، ص101. [↑](#footnote-ref-243)
244. . موسوی بجنوردی سیّدمحمّدکاظم، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج16، ص103 و 104. [↑](#footnote-ref-244)
245. . شیبی کامل، تشیّع و تصوف، ص۴۳؛ فقیهی علی‌اصغر، آل‌بویه و اوضاع زمان ایشان، ص۴۶۷. [↑](#footnote-ref-245)
246. . الذهبى شمس‌‌الدّین محمّدبن‌احمد، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام، ج۲۶، ص۱۱. [↑](#footnote-ref-246)
247. . ابن‌الجوزى أبوالفرج عبد الرحمن‌بن على‌بن محمّد، المنتظم فى تاریخ الأمم و الملوک، ج۷، ص15. [↑](#footnote-ref-247)
248. . ر. ک: جان نورمن هالیستر، تشیّع در هند، ص۱۹۹ ـ۲۰۲؛ پترچلکووسکی، اخلاص کامل به امام حسینA، ص164. [↑](#footnote-ref-248)
249. . ر.ک: صدر حاج‌سیّدجوادى احمد، فانى کامران، خرّمشاهى بهاءالدّین، دایرةالمعارف تشیّع، ج6، ص356 و 357، ذیل مدخل‌های حسینیّه. [↑](#footnote-ref-249)
250. . برای مطالعه جزئیات بیشتر ر.ک: صدر احمد حاج‌سیّدجوادى، فانى کامران، خرمشاهى بهاءالدّین، دایرةالمعارف تشیّع، ج6، ص356 و 357، ذیل مدخل‌های حسینیّه. [↑](#footnote-ref-250)
251. . دایرةالمعارف جهان اسلام آکسفورد (The Oxford encyclopedia of the Modern Islamic world )، ذیل مدخل‌های «حسینیّه». [↑](#footnote-ref-251)
252. . میرمحمّدى حمیدرضا، پراکندگى جغرافیایى اماکن مذهبى کشور در قالب استانى، مسجد، ش58، ص71-72. [↑](#footnote-ref-252)
253. . برای مطالعه بیشتر ر.ک: حاج علی اکبری، محمّدجواد، مصاحبه با خبرگزاری فارس، 1/5/92، قابل دسترس در آدرس: www.farsnews.com [↑](#footnote-ref-253)
254. . برای مطالعه جزئیات بیشتر ر.ک: صدر حاج‌سیّدجوادى احمد، فانى کامران، خرّمشاهى بهاءالدّین، دایرةالمعارف تشیع، ج 6، ص356 و 357، ذیل مدخل‌های حسینیّه. [↑](#footnote-ref-254)
255. . مکارم شیرازی ناصر، رساله توضیح المسائل، ص75؛ کنزالعمال، ج7، ص668.. [↑](#footnote-ref-255)
256. . خامنه‌ای سیّدعلی، رسالة اجوبة الاستفتائات، ص87، س427. [↑](#footnote-ref-256)
257. . همان، ص160-163. [↑](#footnote-ref-257)
258. . ر.ک: یزدی، محمّد کاظم‌بن عبد العظیم، العروه الوثقی، ج١، ص71-78. [↑](#footnote-ref-258)
259. . برای مطالعه بیشتر ر.ک: خامنه‌ای سیّدعلی، رساله اجوبة الاستفتائات، ص86-87. [↑](#footnote-ref-259)
260. . حاج‌سیّدجوادی احمد صدر، خرمشاهی بهاءالدّین، فانی کامران، دایرة‌المعارف تشیّع، ج6، ص356، با تلخیص مطالب. [↑](#footnote-ref-260)
261. . ملازاده کاظم، محمّدی مریم، مدارس و بناهای مذهبی (تکیه، حسینیّه، خانقاه، قدمگاه، مدرسه، مصلی)، دایرة المعارف بناهای تاریخی ایران در دوره اسلامی، ص15. [↑](#footnote-ref-261)
262. . دهخدا علی‌اکبر، لغتنامه دهخدا، ج14، ص21881. [↑](#footnote-ref-262)
263. . مائده، آیه 2. [↑](#footnote-ref-263)
264. . تونه‌ای مجتبی، موعودنامه ‌(فرهنگ الفبائی مهدویت)، ص720. [↑](#footnote-ref-264)
265. . حدّادعادل غلامعلی، دانشنامه جهان اسلام، ج1، ص6. [↑](#footnote-ref-265)
266. . بخشی از زندگی‌نامه حجّت الاسلام والمسلمین شهید حاج شیخ احمد کافی، برگرفته از سایت مَهدیّه تهران، به آدرس: www.mahdiehtehran.ir [↑](#footnote-ref-266)
267. . وب سایت رسمی مسجد مقدّس جمکران به آدرس: http://www.jamkaran.info [↑](#footnote-ref-267)
268. . برای مطالعه بیشتر ر.ک: جزایری سیّدنورالدین، خصائص زینبیه، ص115. [↑](#footnote-ref-268)
269. . این نکات و موارد از دسته‌بندی و مقوله‌بندی نظرات برخی متولّیان و بانیان زینبیه و بر اساس نتایج حاصل از مصاحبه‌های کوتاه انجام شده توسّط نگارنده با آنها نگاشته آمده است. [↑](#footnote-ref-269)
270. . بسیاری از کشورها هنوز این حقوق اجتماعی را برای زنان قائل نیستند. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به: سایت http://fa.wikipedia.org و همچنین، عظیم‌زاده فائزه، مطالعه تطبیقی حقوق زنان از منظر اسلام و غرب، قابل دسترس در آدرس: http://www.women.gov.ir. [↑](#footnote-ref-270)
271. . مکارم شیرازی ناصر و جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، ج11، ص272. [↑](#footnote-ref-271)
272. . نحل، آیه58. [↑](#footnote-ref-272)
273. . شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج3، ص252-253؛ شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج1، ص358 . [↑](#footnote-ref-273)
274. . شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج2، ص27. [↑](#footnote-ref-274)
275. . برای مطالعه تفصیلی در این خصوص ر ک به: حضور سبز زنان در خانه‌های خدا، مبلّغان، ش40، ص146-156. [↑](#footnote-ref-275)
276. . برای مطالعه بیشتر در مورد آداب حضور زنان در اجتماع بر اساس قرآن ر. ک: نور، آیه 30ـ31؛ احزاب، آیات 59 و 53. [↑](#footnote-ref-276)
277. . عاملی حر، وسائل‌الشیعه، ج1، ص376؛ همچنین ر ک به: طباطبائی محمّدحسین، المیزان فی تفسرالقرآن، ترجمه موسوی محمّد باقر، ج16، ص509 و 510 و 517. [↑](#footnote-ref-277)
278. . البته در مصوّبه شماره «56836ت17785‌ه‍ » در تاریخ22/4/1376 هیئت وزیران، «آیین‌نامه سامان‌دهی، بهسازی و عمران مساجد کشور» در 10 مادّه تصویب و به سازمان‌ها ابلاغ شده است (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی به آدرس:

     )http://rc.majlis.ir/fa/law/show/11776 [↑](#footnote-ref-278)
279. . عمید حسن، فرهنگ عمید، ص383. [↑](#footnote-ref-279)
280. . ابن درید، جمهرة اللغة، ج۱، ص۴۸۳؛ خلیل‌بن احمد، العین ج۱، ص۲۳۹. [↑](#footnote-ref-280)
281. . راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ج۱، ص۹۷؛ ابن منظور، لسان‌العرب ج۸، ص۵۵. [↑](#footnote-ref-281)
282. . دهخدا علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، ص7379. [↑](#footnote-ref-282)
283. . خامنه‌ای حاج سیّدعلی، رساله اجوبة الاستفتائات، ص81. [↑](#footnote-ref-283)
284. . برای مطالعه بیشتر رک: ابن شبّه نمیری، تاریخ المدینة ج۱،ص۵۷ـ۷۵. [↑](#footnote-ref-284)
285. . برای مطالعه بیشتر ر.ک: ابن قدامه، المغنی، ج۱۲، ص۱۱۵؛ مقّری احمدبن محمّد، نفح الطیب، ج۳، ص۳۷۷. [↑](#footnote-ref-285)
286. . برای بررسی و مطالعه بیشتر ر.ک: شیخ طوسی، الاستبصار، ج۲، ص۱۲۷؛ علامه حلّی حسن‌بن‌یوسف، مختلف الشیعة فی احکام الشریعة، ج۳، ص۴۳۹ـ۴۶۴؛ شیخ کلینی، اصول کافی، ج۴، ص۱۷۶ و همچنین ر.ک: مصدقی امینی فرشید، تأمّلی در مفهوم، مسجد، و معنای جامع، ص۲۲۲ـ۲۲۶. [↑](#footnote-ref-286)
287. . آل‌عمران، آیه 103. [↑](#footnote-ref-287)
288. . دهخدا علی‌اکبر، لغتنامه دهخدا، ج10، ص15856. [↑](#footnote-ref-288)
289. . فقیهى علی‌اصغر، آل‌بویه و اوضاع زمان ایشان با نمودارى از زندگى مردم در آن عصر، ص466. [↑](#footnote-ref-289)
290. . روزنامه جمهوری اسلامی، حفاظت از میراث عاشورا، 14/08/92، کد خبر80890815، با اندکی تلخیص مطالب، قابل دسترس در:

     www.jomhourieslami.com [↑](#footnote-ref-290)
291. . ر. ک: جان نورمن هالیستر، تشیّع در هند، ص۱۹۹ ـ۲۰۲. [↑](#footnote-ref-291)
292. . ابن‏قولویه، کامل الزیارات، ج1، ص579؛ محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج10، ص316. [↑](#footnote-ref-292)
293. . توبه، آیه 107. [↑](#footnote-ref-293)
294. . انصاری قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج1، الجزءثانی، ص75. [↑](#footnote-ref-294)
295. . جاسبی، عبدالله، اصول و مبانی مدیریت، ص128. [↑](#footnote-ref-295)
296. . ابراهیمی، محمّدحسین، مدیریت اسلامی، ص37. [↑](#footnote-ref-296)
297. . صالحی امیری، مبانی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌فرهنگی، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، ص63. [↑](#footnote-ref-297)
298. . موظف‌رستمی محمّدعلی، آیین مسجد، ص20؛ همچنین ببینید: محمّدی آشنایی، علی، سازمان و مدیریت مسجد، ص19. [↑](#footnote-ref-298)
299. . برای مطالعه بیشتر ر.ک: عابدی جعفری حسن و دیگران، طراحی مدل مطلوب کارکرد و مدیریت مساجد به عنوان یک سازمان داوطلبانه مذهبی، نشریه مصباح، ش60، ص73-126؛ عباسی رسول، ابوالحسن فقیهی، غلامرضا طالقانی، تدوین الگوی مدیریت اثربخش مسجد، دو فصلنامه علمی‌ـ‌تخصّصی اسلام و مدیریت، ش1، ص37-59؛ هاشمی سیّدعلی، ویژگی‌های مدیریت فرهنگی در مساجد، 1/5/92، قابل دسترس در: http://www.masjed.ir/fa/article547 [↑](#footnote-ref-299)
300. . عمید حسن، فرهنگ فارسی عمید، ص879. [↑](#footnote-ref-300)
301. . دهخدا علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، ج11، ص17132. [↑](#footnote-ref-301)
302. . ابوالقاسمی، محمّدجواد، شناخت فرهنگ، ص37و34. [↑](#footnote-ref-302)
303. . دهخدا علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، ج9، ص13555. [↑](#footnote-ref-303)
304. . انوری حسن، فرهنگ بزرگ سخن، ج6، ص5348. [↑](#footnote-ref-304)
305. . قرائتی محسن، مصاحبه با برنامه فصل نو، شبکه قرآن و معارف سیما، تاریخ 24/5/92، قابل دسترس در:. http://shabestan.ir [↑](#footnote-ref-305)
306. . ویکی‌پدیا به آدرس: http://fa.wikipedia.org [↑](#footnote-ref-306)
307. . عاملی حرّ، وسائل الشیعه، ج3، ص493. [↑](#footnote-ref-307)
308. . محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج3، ص355. [↑](#footnote-ref-308)
309. . قرائتی محسن، مصاحبه با برنامه فصل نو، شبکه قرآن و معارف سیما، تاریخ 24/5/92، قابل دسترس در: http://shabestan.ir. [↑](#footnote-ref-309)
310. . انوری حسن، فرهنگ بزرگ سخن، ج4، ص3515؛ دهخدا علی‌اکبر، لغتنامه دهخدا، ج8، ص12024. [↑](#footnote-ref-310)
311. . برای مطالعه بیشتر ر.ک: مرکز رسیدگی به امور مساجد، رسانه ملی و مسجد (تقابل یا تعامل)، ماهنامه مسجد، ش162، ص61 و 62. [↑](#footnote-ref-311)
312. . سخنان رهبر معظّم انقلاب اسلامیدر دوّمین روز از سفر به استان سمنان در جمع دانشگاهیان، قابل دسترس در: www.leader.ir/langs. [↑](#footnote-ref-312)
313. . برای مطالعه بیشتر ر.ک: جهانگیری سهروردی یحیی، (دفتر مطالعات و پژوهش‏هاىمرکز رسیدگى به امور مساجد(، مسجد مجازی، رهیافت‌ها و راهکارها در تبیین جایگاه مساجد در فضای مجازی، انتشارات ثقلین، 1 تیر 1388، قابل دسترس در:

     . http://www.masjed.ir/fa/digitallibrary/23 [↑](#footnote-ref-313)
314. . مکارم شیرازی ناصر، رساله توضیح المسائل، ص160-163؛ خامنه‌ای سیّدعلی، رساله اجوبة الاستفتائات، ص79-86. [↑](#footnote-ref-314)
315. . نور، آیه٣٦. [↑](#footnote-ref-315)
316. . موسوى همدانى سیدمحمّدباقر، ترجمه المیزان، ج١٥، ص١٧٥. [↑](#footnote-ref-316)
317. . با توجّه به این که تعریف و تبیین رقبای مسجد و تشریح سیر توسعه آنها در مطالب قبلی، بسیاری از آسیب‌ها آنها را آشکار نموده است، برای جلوگیری از اطاله بحث، آسیب‌های این بخش به طور جزئی تشریح نشده اند. روشن است که بحث و بررسی بیشتر هر یک این موارد مستلزم نوشتار منسجم دیگری است. [↑](#footnote-ref-317)
318. . البتّه از زمان ارائه طرح یک فوریتی «حمایت از احداث، تجهیز، نوسازی و مدیریت مساجد کشور و پیگیری امور نمازخانه‌ها» در تاریخ 28/2/92 به کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی، زمزمه‌های جدیدی در خصوص مدیریت مسجد مطرح شد. چنین به نظر می‌رسد که با توجّه به مردمی بودن مساجد و ضرورت دولتی نشدن آن طبق تأکید رهبر معظّم لزوم مدیریت اثرگذار امام جماعت مسجد و... طرح مذکور به لحاظ مشکلات ساختاری، اداری و مدیریتی، وجود مغایرت‌های قانونی و... شرایط لازم جهت تصویب در مجلس شورای اسلامی و... را نداشته و شایسته است سبک مدیریت و رسیدگی به امور مساجد با مطالعه رعایت جنبه‌های نرم افزاری و سخت‌افزاری این موضوع و مطالعه آسیب‌های احتمالی انتخاب و اتّخاذ شود. روشن است که بررسی این موضوع، نوشتار جامع دیگری را می‌طلبد که از این بحث خارج است. ر.ک: صداقتی کیوان، تأملی بر طرح حمایت از احداث، تجهیز، نوسازی و مدیریت مساجد کشور، روزنامه کیهان، بخش معارف،12/9/92، ش 20655، قابل دسترس در:

     http://kayhanarch.kayhan.ir/920912/6.htm [↑](#footnote-ref-318)
319. . سطح 3 حوزه علمیه. [↑](#footnote-ref-319)
320. . میرداماد، الروائح السماویه، ص204. [↑](#footnote-ref-320)
321. . .لغت نامه دهخدا. [↑](#footnote-ref-321)
322. . .المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، ص 345\_ باب السین، کلمه مسجد و مساجد. [↑](#footnote-ref-322)
323. . .توبه/107 و 17. [↑](#footnote-ref-323)
324. . .اعراف/29-31. [↑](#footnote-ref-324)
325. . .جن/18. [↑](#footnote-ref-325)
326. . .آل عمران/96. [↑](#footnote-ref-326)
327. . .مستدرک الوسائل، ج 3، ص363، ح 3786. [↑](#footnote-ref-327)
328. . .نهج الفصاحه، ص، 596 ح 3083. [↑](#footnote-ref-328)
329. . مستدرک الوسائل ج 3 ص 355 ح 3766. [↑](#footnote-ref-329)
330. . بحارالانوار،ج83، ص 363. [↑](#footnote-ref-330)
331. . حیاه الصحاب ج3، ص106. [↑](#footnote-ref-331)
332. . الکافی، ج4، ص 272 و 421-423. [↑](#footnote-ref-332)
333. . مستدرک الوسائل، ج 3، ص 362. [↑](#footnote-ref-333)
334. . سیمای مسجد، ج2، فصل 6. [↑](#footnote-ref-334)
335. . البحار، ج152، ص 364، ح241. [↑](#footnote-ref-335)
336. . البحار، ج2، ص 344. [↑](#footnote-ref-336)
337. . المیزان، ج 16، ص 468. [↑](#footnote-ref-337)
338. . تفسیر مجمع البیان، ذیل آیه شریفه. [↑](#footnote-ref-338)
339. . آشنایی با قرآن، ج 5، ص 227. [↑](#footnote-ref-339)
340. . مستدرک الوسائل، ج4، ص245، باب استحباب حفظ القرآن. [↑](#footnote-ref-340)
341. . میزان الحکمه، ج 1، ص 4816، ح 16474. [↑](#footnote-ref-341)
342. . بحارالانوار، ج89، ص22. [↑](#footnote-ref-342)
343. . .گنجینه وصایا، ص 197. [↑](#footnote-ref-343)
344. . .بیانات در دیدار با قاریان قرآن، 22/10/70. [↑](#footnote-ref-344)
345. . قرآن کتاب هدایت، ص 43. [↑](#footnote-ref-345)
346. . بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با جمعی از قاریان و حافظان کشور، 11/5/92. [↑](#footnote-ref-346)
347. . مؤسسه موقوفه مکتب القرآن ثارالله در سال 1371 تأسیس و تا کنون بیش از 360 شعبه و مرکز آموزشی در اکثر نقاط کشور دارد. [↑](#footnote-ref-347)
348. . آیه‌های ماندگار در پنج جلد به شرح ذیل تدوین گردیده است: جلد اول: موضوعات اعتقادی (توحید و عدل، نبوت و امامت، معاد و قیامت)؛ جلد دوم: موضوعات اخلاقی-تربیتی؛ جلد سوم: موضوعات اجتماعی- سیاسی، فقهی، اقتصادی؛ جلد چهارم: موضوعات اعلام، گروه‌ها و طوایف؛ جلد پنجم: موضوعات تاریخی، پدیده‌های طبیعت و حیوانات، گوناگون.

     در این مجموعه پنج جلدی تلاش بر رعایت حال عموم اقشار جامعه بوده و تا حد توان سعی شده است که مطالب ساده و روان و از منابع کاملاً متقن و مستدل استفاده گردد. لازم به ذکر است که آیه‌های ماندگار در هجدهمین نمایشگاه بین المللی قرآن کریم با حضور مسئولین ارشد کشوری رونمایی گردید. [↑](#footnote-ref-348)
349. . بحارالانوار، ج 92, ص 200. [↑](#footnote-ref-349)
350. . بحارالانوار، مجلسی، ج 1، ص 224. [↑](#footnote-ref-350)
351. . سطح 2 حوزه علمیه. [↑](#footnote-ref-351)
352. . عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران، امیرکبیر، 1374، ج1، ص559. [↑](#footnote-ref-352)
353. . معین، محمد، فرهنگ معین، تهران، امیرکبیر، 1360، ج3، ص4106. [↑](#footnote-ref-353)
354. . حسینی دشتی، سید مصطفی، معارف و معاریف، قم، اسماعیلیان، 1369، ج4، ص2065. [↑](#footnote-ref-354)
355. . انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، تهران، سخن، 1381، ج7، ص6985. [↑](#footnote-ref-355)
356. . طباطبایی، سید محمدحسین، تفسیر المیزان، سید محمدباقر موسوى همدانى، قم، جامعه‏ى مدرسین حوزه علمیه قم، 1374، ج9، ص303. [↑](#footnote-ref-356)
357. . انوری، همان، ج3، ص1686. [↑](#footnote-ref-357)
358. . حسینی دشتی، همان، ج1، ص495. [↑](#footnote-ref-358)
359. . اعرافی، علیرضا، فقه التربیه، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، 1387، ج1،ص28. [↑](#footnote-ref-359)
360. . پرهیزکار، علی‌اکبر، تشویق و تنبیه کودکان، قم، پیام دبیر، 1383، ص142. [↑](#footnote-ref-360)
361. . رضایی، علی، جایگاه مساجد در فرهنگ اسلامی، قم، مؤسسه فرهنگی ثقلین، 1382، ص257. [↑](#footnote-ref-361)
362. . قرائتی، تقی، آیین امامت مسجد، قم، زیّنی، 1390، ص187. [↑](#footnote-ref-362)
363. . معاونت فرهنگ، آموزش و پژوهش ستاد اقامه نماز، نماز- مسجد و خانواده، تهران، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی ستاد اقامه نماز، 1390، ج2، صص61-62. [↑](#footnote-ref-363)
364. . اعراف، 31. [↑](#footnote-ref-364)
365. . نهج‌البلاغه، نامه31 (نامه حضرت علی7 به امام حسن مجتبی7). [↑](#footnote-ref-365)
366. . ر.ک: معاونت فرهنگ، آموزش و پژوهش ستاد اقامه نماز، همان، ج2، ص63. [↑](#footnote-ref-366)
367. . کلینى، محمد بن یعقوب، الکافی، محمدباقر کمره‌اى، تهران، دار الکتب الإسلامیه، 1407ق، ج2، ص375. [↑](#footnote-ref-367)
368. . بقره، 185. [↑](#footnote-ref-368)
369. . کریمی، رضا، کلیدها و تکنیک‌های طلایی تربیت برتر، قم، نسیم حیات، 1386، ص145. [↑](#footnote-ref-369)
370. . مجلسى، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت‏، دار إحیاء التراث العربی‏، 1403ق، ج3، ص281. [↑](#footnote-ref-370)
371. . معاونت فرهنگ، آموزش و پژوهش ستاد اقامه نماز، همان، ج2، ص157. [↑](#footnote-ref-371)
372. . رضایی، همان، ص231. [↑](#footnote-ref-372)
373. . ر.ک: همان، صص231-234. [↑](#footnote-ref-373)
374. . ر.ک: همان، صص231-234. [↑](#footnote-ref-374)
375. . همان، ص237. [↑](#footnote-ref-375)
376. . همان، ص238. [↑](#footnote-ref-376)
377. . عرشی نیاسر، عباس، مسجد گوهر بی‌همتا، قم، معروف، 1387، ص108. [↑](#footnote-ref-377)
378. . بقره، 125. [↑](#footnote-ref-378)
379. . نوبهار، رحیم، سیمای مسجد، قم، مؤلّف، 1373، ج2، صص163-164. [↑](#footnote-ref-379)
380. . پرهیزکار، همان، صص143-144. [↑](#footnote-ref-380)
381. . مجلسى، همان، ج74، ص166. [↑](#footnote-ref-381)
382. . محدّثی، جواد، عشق برتر، قم، بوستان کتاب، 1381، ص69. [↑](#footnote-ref-382)
383. . ر.ک: همان، ص69. [↑](#footnote-ref-383)
384. . همان، ص7. [↑](#footnote-ref-384)
385. . ابن‌بابویه، محمد بن على‏، علل الشرائع‏، قم، داورى‏، 1385‏، ‏ج2، ص325، باب18 باب علة الجماعة. [↑](#footnote-ref-385)
386. . نورى، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل‌البیت، 1408ق، ج3، ص362. [↑](#footnote-ref-386)
387. . حرّ عاملى، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل‌البیت، 1104ق‏، ‏ج5، ص213. [↑](#footnote-ref-387)
388. . نورى، همان، ج3، ص355. [↑](#footnote-ref-388)
389. . محدّثی، همان، ص71. [↑](#footnote-ref-389)
390. . ابن‌بابویه، محمد بن على‏، من لا یحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسین‏ حوزه علمیه، 1413ق، ج1، ص237. [↑](#footnote-ref-390)
391. . عرشی نیاسر، همان، ص67. [↑](#footnote-ref-391)
392. . نوبهار، همان، ج2، ص162. [↑](#footnote-ref-392)
393. . رعد، 28. [↑](#footnote-ref-393)
394. . نورى، همان، ج3، ص362. [↑](#footnote-ref-394)
395. . عرشی نیاسر، همان، ص45. [↑](#footnote-ref-395)
396. . تمیمى آمدى، عبدالواحد بن محمد، تصنیف غررالحکم و درر الکلم‏، قم، دفتر تبلیغات‏، 1366، ص441. [↑](#footnote-ref-396)
397. . ر.ک: عرشی نیاسر، همان، صص 62-63. [↑](#footnote-ref-397)
398. . کارشناس ارشد جامعه شناسی دانشگاه تهران. [↑](#footnote-ref-398)
399. . البته بخشی از آن مربوط به رهیافت نیاز محور است که مطرح می‌شود و بخشی از آن مربوط به رهیافت آسیب محور می‌باشد که در جای خود بیان خواهد شد. [↑](#footnote-ref-399)
400. . مطالبی که به این صورت در گیومه «» است متن مصاحبه‌های انجام شده است. [↑](#footnote-ref-400)
401. . کارشناس ارشد جامعه شناسی دانشگاه تهران . [↑](#footnote-ref-401)
402. . عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی ساری. [↑](#footnote-ref-402)
403. . کارشناس ارشد روابط عمومی دانشگاه الزهراء. [↑](#footnote-ref-403)
404. . استاد یار، عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور. [↑](#footnote-ref-404)
405. . درباب سخنان و دغدغه‌های معظّم‌له درباب مسائل فرهنگی منبع زیر نسبتاً جامع است:

     دبیرخانۀ شورای عالی انقلاب فرهنگی (1392). گزیدۀ بیانات موضوعی حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدّظلّه العالی)، رهبر معظم انقلاب اسلامی. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی. [↑](#footnote-ref-405)
406. . اهداف، برنامه‌ها و عملکرد این مرکز در وب‌سایت آن (به نشانی اینترنتی http://www.masjed.ir/fa/home) درج شده است. [↑](#footnote-ref-406)
407. . البته این مرحله را پس از برنامه‌ریزی (بعد از گام چهارم) و قبل از ابلاغ و اجرای برنامه هم می‌توان انجام داد. با این حال، آمادگی قبلی و تأمل ذینفعان در این باره، نیاز به دادن فرصت کافی به آنان، قبل از ابلاغ برنامۀ تدوین شده برای اجرا دارد و بهتر است قبل از مراحل دیگر انجام شود. [↑](#footnote-ref-407)
408. . دانشجوی پزشکی. [↑](#footnote-ref-408)
409. . Patterned. [↑](#footnote-ref-409)
410. . Spiritual Growth. [↑](#footnote-ref-410)
411. . Jurisprudence. [↑](#footnote-ref-411)
412. . Science ideas. [↑](#footnote-ref-412)
413. . Ethics. [↑](#footnote-ref-413)
414. . Descriptive study. [↑](#footnote-ref-414)
415. . Independent variable. [↑](#footnote-ref-415)
416. . Dependent variable. [↑](#footnote-ref-416)
417. . Professor Draprz urope. [↑](#footnote-ref-417)
418. . Napoleon Bonaparte. [↑](#footnote-ref-418)
419. . Ideology. [↑](#footnote-ref-419)
420. . self esteem. [↑](#footnote-ref-420)
421. . Aggression. [↑](#footnote-ref-421)
422. . Grsman and Wright. [↑](#footnote-ref-422)
423. . Lazarus. [↑](#footnote-ref-423)
424. . Mines and Amburus. [↑](#footnote-ref-424)
425. . Shrvngyr Vadleston. [↑](#footnote-ref-425)
426. . Park. [↑](#footnote-ref-426)
427. . Ellison. [↑](#footnote-ref-427)
428. . Adler. [↑](#footnote-ref-428)
429. . Kassel. [↑](#footnote-ref-429)
430. . Takfam. [↑](#footnote-ref-430)
431. . Raykman. [↑](#footnote-ref-431)
432. . Carson. [↑](#footnote-ref-432)
433. . World Health Organization(WHO). [↑](#footnote-ref-433)
434. . Emile Dark·haym. [↑](#footnote-ref-434)
435. . Seloon. [↑](#footnote-ref-435)
436. . S.M. Astelzeberg. [↑](#footnote-ref-436)
437. . Marie Balyr - Levy. [↑](#footnote-ref-437)
438. . Linda White. [↑](#footnote-ref-438)
439. . Bergyn. [↑](#footnote-ref-439)
440. . Esmys. [↑](#footnote-ref-440)
441. . Biyer. [↑](#footnote-ref-441)
442. . Fylpout. [↑](#footnote-ref-442)
443. . Mathews. [↑](#footnote-ref-443)
444. . Cooper. [↑](#footnote-ref-444)
445. . Fyluzouf. [↑](#footnote-ref-445)
446. . Malys. [↑](#footnote-ref-446)
447. . Muyjes. [↑](#footnote-ref-447)
448. . Thomas and Carver. [↑](#footnote-ref-448)
449. . Pine. [↑](#footnote-ref-449)
450. . Shlouderman. [↑](#footnote-ref-450)
451. . Howell. [↑](#footnote-ref-451)
452. . Koopersmyth. [↑](#footnote-ref-452)
453. . Estilla Watkins and . [↑](#footnote-ref-453)
454. . Chie. [↑](#footnote-ref-454)
455. . Brynkman. [↑](#footnote-ref-455)
456. . Goldberg. [↑](#footnote-ref-456)
457. . Papasuytr and Pulus. [↑](#footnote-ref-457)
458. . Hotop. [↑](#footnote-ref-458)
459. . Botvin. G. [↑](#footnote-ref-459)
460. . Mishara. [↑](#footnote-ref-460)
461. . Turner. [↑](#footnote-ref-461)
462. . Martin, I. Jones. [↑](#footnote-ref-462)
463. . Victoria, W. [↑](#footnote-ref-463)
464. . Matthew, M. [↑](#footnote-ref-464)
465. . Bo, W. [↑](#footnote-ref-465)
466. . دانشجوی دکترای رشته حقوق خصوصی. [↑](#footnote-ref-466)
467. . شیخ انصاری (کتاب الصلاه، بی‌تا، ج 2، 404؛ رسائل، 1414، 17) گوید: «المشهور بین من تأخر عن العلامه اعتبار المروه فی مفهوم العداله حیث عرّفوها بانّها هیئه راسخه نبعث علی ملازمه التقوی و المروه». [↑](#footnote-ref-467)
468. . «سأل ابا عبدالله و قال: بم تعرف عداله الرجل بین المسلمین حتی تقبل شهادته لهم و علیهم؟ فقال: أن تعرفوه بالستر و العفاف و کفّ البطن و الفرج و الید و اللسان و یعرف باجتناب الکبائر التی أوعدها الله علیها النار من شرب الخمر و الزنا و الربا و عقوق الوالدین و الفرار من الزحف و غیر ذلک، و الدال علی ذلک کلّه و الساتر لجمیع عیوبه حتی یحرم علی المسلمین تفتیش ماوراء ذلک من عثراته و غیبته». [↑](#footnote-ref-468)
469. . کارشناسی ارشد. [↑](#footnote-ref-469)